

تحليل تکنیکی در بازار بورس اوراق بهادار



گرد آورنده: مهدی میرزایی

سرفصل‌ها

- ❖ فصل ۱ (مفاهیم نخست تحلیل تکنیکی)
- ❖ فصل ۲ (انواع نمودارها)
- ❖ فصل ۳ (بررسی و مطالعه خطوط)
- ❖ فصل ۴ (آرایش‌ها و الگوها)
- ❖ فصل ۵ (مدل‌ها و تئوری‌ها)
- ❖ فصل ۶ (شاخص‌ها و نوسانگرها)
- ❖ فصل ۷ (الگوهای شمعی ژاپنی)
- ❖ فصل هشتم (استراتژی‌های معاملاتی)

فصل اول : آشنایی با تحلیل تکنیکی

روش تکنیکی

تحلیل تکنیکی به معنی بررسی نوسانات قیمت سهام در گذشته است که به کمک نمودار و به منظور پیش بینی حرکت آتی بازار انجام می‌گیرد. در این نوع تحلیل سعی می‌شود از روند قیمت یک سهم در گذشته، آینده آن پیش‌بینی شود.

تحلیل تکنیکی را می‌توان برای هر نوع کالا یا شاخص یا سهام و غیره بکار برد. اساس این نوع تحلیل‌ها ریاضیات می‌باشد که در چارت و اندیکاتور (شاخص) خلاصه می‌شود.

یک تحلیل‌گر تکنیکی معتقد است که همه اطلاعات یک سهام یا یک ارز در سابقه قیمت آن نهفته است و از روند حرکت قیمت، می‌توان آینده آنرا پیش‌بینی نمود. تحلیل تکنیکی سرعت عمل بالایی داشته و به ما این امکان را می‌دهد که در مدت کوتاهی نسبت به تحلیل پایه‌ای (فاندامنتال)، تعداد خیلی بیشتری سهام را مورد مطالعه و بررسی قرار بدهیم.

تحلیل تکنیکی نیاز به دانش بالای علوم اقتصادی و سیاسی (بر عکس تحلیل بنیادی) ندارد. در حال حاضر تحلیل تکنیکی در بورس‌های معتبر دنیا رواج زیادی پیدا کرده و طرفداران خاص خود را دارد. مزیت این نوع تحلیل در سرعت عمل آن است و می‌توان در مدت کوتاهی چندین نوع ارز یا قیمت سهام چندین شرکت را بررسی کرد ولی تحلیل فاندامنتال همین تعداد ارز یا سهام، بسیار وقت گیر خواهد بود.

اساس تحلیل تکنیکی

در ابتدای قرن بیستم، تئوری داو نظریه‌ای را بنیان‌گذاری کرد که بعدها به عنوان تحلیل تکنیکی نوین شناخته شد. تئوری داو (DOW) از ابتدا ترکیب کاملی نبود بلکه به مرور با کنار هم قرار دادن اجزایی از میان نوشته‌های چارلز داو در طی چندین سال تکمیل شد. از میان قضیه‌های نقل شده از داو سه تا از آنها برجسته می‌باشند:

۱- همه چیز در نوسان قیمت خلاصه می‌شود

مهم‌ترین اصل تحلیل تکنیکی همین است. هر عاملی که بر قیمت سهام تاثیرگذار باشد، چه اقتصادی و چه سیاسی و یا روانشناختی به نوعی بر قیمت سهام اثر خواهد داشت و در نمودار منعکس خواهد شد. به عبارتی هر تغییر قیمتی همراه با یک محرک خارجی است و این امر لزوم بررسی دقیق نوسان قیمت و تحلیل آنرا نشان می‌دهد. پس با تحلیل نمودن نمودار قیمت، بازار خودش را به تحلیل‌گر نشان می‌دهد و آینده آن قابل پیش‌بینی خواهد بود.

این منطق در تضاد با تحلیل بنیادی است، زیرا در تحلیل پایه‌ای به چرایی عوامل توجه می‌شود و پس از تحلیل عوامل تاثیرگذار، روند حرکت بازار بدست می‌آید. به عنوان مثال، اگر تقاضا بیش از عرضه باشد تحلیل‌گر بنیادی خواهد گفت که قیمت بالا می‌رود در حالیکه چارتی است با دیدن رشد قیمت خواهد گفت که تقاضا بیشتر از عرضه بوده است.

۲- قیمت در یک روند (ترند) حرکت می‌کند

پیش فرض فوق اساس همه متدهای تحلیل تکنیکی است. وقتی نوسانات بازار با روند مطابقت داشته باشد، این حرکت قابل تحلیل است و برعکس، یک بازار آشفته را نمی‌توان تحلیل کرد. با مسلم دانستن اینکه حرکت قیمت، ناشی از روند است دو مطلب قابل ذکر است.

اول اینکه روند جاری با احتمال بیشتری ادامه خواهد یافت و قیمت به محدوده قبلی باز نخواهد گشت، به استثنای بعضی بی‌نظمی‌ها در حرکت بازار.

دوم اینکه روند جاری ادامه خواهد یافت تا زمانی که روند مخالف جایگزین آن شود.

۳- تاریخ تکرار می‌شود

تحلیل تکنیکی و پویایی بازار رابطه نزدیکی با روانشناسی انسان دارد. بنابراین، الگوهای گرافیکی قیمت در صد سال اخیر شناسایی و تقسیم بندی شده‌اند تا حالات روانشناسانه بازار را نمایش بدهند. اول از همه، این الگوها وضعیت روانی حاکم بر بازار را نشان می‌دهند که آیا بازار صعودی و یا نزولی است.

این الگوها در گذشته بوده و اکنون هم می‌تواند استفاده شود چون اساس آن بر روی روانشناسی انسان است که در طول سالها بدون تغییر مانده است. حال ما عبارت تاریخ تکرار می‌شود را به این صورت بیان می‌کنیم که گذشته چراغ راه آینده است یعنی بررسی نوسانات قیمت در گذشته آینده بازار را به ما نشان می‌دهد.

توانایی‌های تحلیل تکنیکی

استفاده از این روش در تمامی نمودارها: یک تحلیلگر تکنیکال می‌تواند از استراتژی خود در تمام بازارها و روی تمام چارتهای استفاده کند (مانند قیمت جهانی فلزات پایه، محصولات شیمیایی و غذایی و شاخصهای سهام) و این یکی بزرگترین نقاط قوت این نوع تحلیل می‌باشد. در صورتی که تحلیلگران فاندمنتال فقط می‌توانند از نتیجه بررسی اطلاعات و صورتهای مالی خود در بازار مربوطه استفاده نمایند و این ناشی از حجم زیاد این اطلاعات می‌باشد.

۱- **تمرکز روی قیمت:** اگر هدف پیش بینی قیمت آینده است، متمرکز شدن روی تغییرات قیمت منطقی است. تغییرات قیمت معمولاً بر روش بنیادی پیشی می‌گیرند. با تمرکز بر قیمت تحلیلگران بطور اتوماتیک به آینده توجه می‌کنند. بازار بعنوان یک شاخص رهبر در نظر گرفته می‌شود و می‌توان گفت که شرایط ۶ تا ۹ ماه آینده را تعیین می‌کند. برای همراهی با بازار لازم است که تغییرات قیمت را بطور دقیق زیر نظر داشت. راهنمایی‌ها و نشانه‌ها معمولاً قبل از تغییرات مهم ظاهر می‌شوند. یک تحلیل گر معمولاً به دوره‌های خرید در کف بعنوان گواهی بر ترقی قریب الوقوع سهم نگاه کرده و همچنین دوره‌های فروش در سقف را بعنوان شاهدهی برای یک دوره رکود در شرف وقوع در نظر می‌گیرد.

۲- **حمایت / مقاومت:** آنالیز اولیه و ساده نمودارهای قیمت می‌تواند در تشخیص درجه حمایت یا مقاومت مفید باشد. این پارامترها معمولاً توسط دوره‌های تراکم (محدوده داد و ستد) که قیمت‌ها در یک محدوده مشخص تغییر می‌کند مشخص می‌شوند. این مطلب گویای این است که قوای متقابل عرضه و تقاضا به تعادل رسیده‌اند و داد و ستد به بن بست رسیده است. وقتی قیمت از این محدوده خارج می‌شود نشان دهنده این است که عرضه یا تقاضا شروع به رشد کرده و بر دیگری فائق آمده است. اگر قیمت بالاتر از حد بالایی محدوده قیمت برود نشاندهنده آن است که تقاضا برنده شده و اگر از حد پایینی خارج شود عرضه افزایش یافته است.

۳- **پیشینه قیمت بصورت تصویری:** حتی برای تحلیل گران بنیادی با تجربه و کارآموده نیز یک نمودار قیمت، حاوی اطلاعات مفیدی است. نمودار قیمت یک شرکت، نشاندهنده یک نمودار تصویری و گویا از روند قیمت سهام آن شرکت در طول یک بازه زمانی است. نمودار بسیار گویاتر و خواناتر از یک جدول اعداد است. در اکثر نمودارهای قیمت ستونهای حجم معاملات در پایین نمودار آورده می‌شوند. با استفاده از این نمودار می‌توان براحتی موارد زیر را تشخیص داد:

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

- واکنش‌های قبل و بعد از اتفاقات مهم
- نوسانات گذشته و حال
- حجم و مبلغ معاملات گذشته
- وضعیت نسبی یک سهم نسبت به کل بازار

۴- تسهیل در تشخیص زمان خرید: تحلیل تکنیکال کمک زیادی در تشخیص زمان خرید می‌کند. برخی تحلیل گران، روش بنیادی را برای شناسایی سهام مناسب جهت خرید و روش تکنیکال را برای تشخیص زمان خرید بکار می‌برند. این نکته کاملاً واضح است که زمان مناسب خرید، نقش مهمی در عملکرد دارد. روش تکنیکال می‌تواند در تشخیص تقاضا (حمایت) یا عرضه (مقاومت) و همچنین زمان خروج از بازار مفید واقع شود. مشخصاً انتظار برای خروج از بازار در نرخ‌هایی بالاتر از نرخ‌های عرضه گسترده و یا خرید در نرخ‌هایی در نزدیکی نرخ‌های حمایتی می‌تواند بازده را بهبود بخشد. دانستن سابقه تاریخی قیمت یک سهم مهم است. اگر شما سهمی را در دو سال گذشته به عنوان یک سهم عالی ارزیابی می‌کرده‌اید ولی روند سهم در این مدت ثابت بوده است معلوم می‌شود بازار سهام نظر دیگری دارد. اگر سهمی به اندازه زیادی رشد داشته باید گوش به زنگ برگشت رو به عقب آن سهم بود. یا اگر سهمی از حد مورد انتظار بیشتر افت نموده شاید این ارزش را داشته باشد که آن را در این قیمت بخرید و منتظر روند رو به رشد آن بمانید.

معایب تحلیل تکنیکی

- ۱- عدم توانایی برای ارزشگذاری بر سهام تازه وارد: از جمله معایب تحلیل تکنیکی می‌توان به دشواری در گردآوری اطلاعات و ایجاد زیرساختهای نرم افزاری جهت استفاده از نمودارهای قیمتی سهام اشاره کرد. همچنین تحلیل تکنیکال در بررسی سهام جدید ورود (تازه عرضه شده) بدلیل عدم وجود اطلاعات گذشته قیمتی سهم ناتوان است.
- ۲- تمایلات و سلیق تحلیل گر: همانند تحلیل بنیادی، تحلیل تکنیکال ذهنی بوده و علایق و سلیق شخصی تحلیل گر در آنالیز تأثیر گذار است. در نظر داشتن این مطلب در هنگام آنالیز یک نمودار مهم است. اگر تحلیل گر روی سهمی خاص تعصب داشته باشد کل تحلیل وی تحت تأثیر این اعمال سلیقه قرار خواهد گرفت و باید این نکته را در نظر داشت همچنین چنانچه تحلیل گر نسبت به یک سهم بدبین باشد نتیجه تحلیل احتمالاً انتظار روند نزولی برای آن سهم خواهد بود.

۳- امکان تفاسیر مختلف: علاوه بر موضوع تمایلات شخصی تحلیلگر، باید این واقعیت را پذیرفت که تحلیل تکنیکال را می‌توان به روش‌های مختلف تفسیر نمود. علی‌رغم اینکه استانداردهایی وجود دارد ولی خیلی وقتها دو تحلیل‌گر با نگاه به یک نمودار به دو دیدگاه متفاوت و جهت‌گیری مخالفی می‌رسند! هر دو نیز می‌توانند دلایل منطقی بیاورند و بر سر تحلیلشان اصرار کنند و دلایلی مبنی بر درست بودن تحلیلشان ارائه دهند. در حالیکه این موضوع می‌تواند ناامیدکننده باشد، بنظر می‌رسد تحلیل تکنیکال تا اندازه‌ای مثل علم اقتصاد بیشتر شبیه هنر است تا علم. اینکه نیمه پر یا خالی لیوان را ببینیم بستگی به نظر بیننده دارد.

۴- پشیمانی بازار و سرمایه گذاران: تمامی الگوها و علایم خرید و فروش با روش تکنیکال همیشه درست از آب در نمی‌آید. زمانی که به مطالعه روش تکنیکال می‌پردازید دست آخر به یک مجموعه شاخصها و الگوهای چارتی می‌رسید که باید با یکسری قوانین هماهنگ شوند. قوانین تکنیکی همیشه صدق نمی‌کنند و می‌تواند تحت تأثیر پارامترهای دیگر مثل حجم و ارزش معاملات قرار بگیرد. یک نمودار میانگین ۵۰ روزه ممکن است برای تشخیص نقاط حمایت / مقاومت شرکت بانک پارسیان بسیار خوب کار کند ولی نمودار میانگین ۷۰ روزه برای سهم بانک ملت ممکن است بهتر کار کند. درست است که خیلی از مبانی تحلیل تکنیکال کلیت دارند، سهام هر شرکت مشخصات و خصوصیات خاص خود را داراست. ممکن است این قانون برای یک سهم کار کند و برای دیگری مؤثر نباشد.

تفاوت تحلیل تکنیکی و بنیادی

| | |
|---|--|
| در روش تکنیکی هدف مطالعه مکانیزمهای تأثیر گذار بر قیمت با توجه به اشتیاق بازار است. | در روش بنیادی هدف تعیین عوامل تأثیر گذار بر ارزش ذاتی فعلی و آینده سهام با تأکید بر بنیادهای اقتصادی و عوامل درونی شرکت می‌باشد. |
| روش تکنیکال مقبولیت یک سهم را بررسی می‌کند. | روش بنیادی مطلوبیت یک سهم را بررسی می‌کند. |
| روش تکنیکال در تحلیل شرکتهای تازه وارد به بورس ناتوان است. | روش بنیادی قادر به ارزشگذاری بر سهام شرکت تازه عرضه شده می‌باشد. |
| تحلیل تکنیکی زمان ورود و خروج به سهم را مشخص می‌کند. | تحلیل بنیادی قدرت و توان یک شرکت را جهت افزایش ارزش ارزیابی می‌کند. |

فصل دوم : انواع نمودارها در تحلیل تکنیکی

➤ نمودار خطی

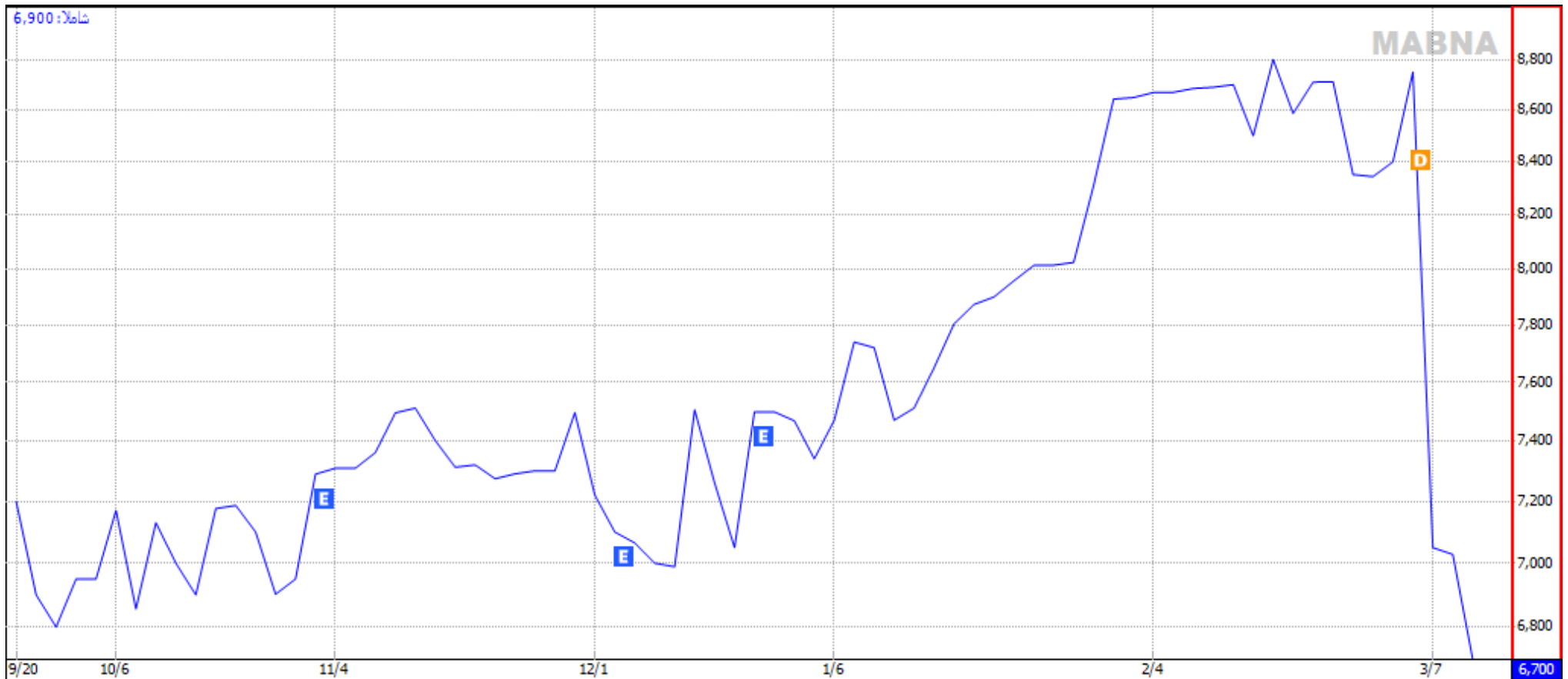
➤ نمودار میله‌ای

➤ نمودار شمعی – ژاپنی

انواع نمودارها

اساس تحلیل تکنیکی بر **نمودارها** استوار است. بدون نمودار قیمت یک سهم ، تحلیل تکنیکی محتوای خود را از دست می دهد. سرمایه گذار با استفاده از انواع نمودار قدرت تجسم وضعیت گذشته تا حال سهم یک شرکت را پیدا خواهد نمود.

در تحلیل فنی ، نمودارها مشابه نمودارهایی هستند که شما در هر زمینه تجاری می بینید. یک نمودار به زبان ساده ، یک نمایش گرافیکی از مجموعه ای از قیمتها در یک بازه زمانی مشخص است. مثلاً ، یک نمودار ممکن است تغییرات قیمت یک سهام را در یک دوره یکساله نشان دهد و در این صورت هر نقطه روی نمودار قیمت نهایی روزی را نشان می دهد که سهام در آن معامله شده است.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

شکل بالا نمونه‌ای از یک نمودار ساده را نشان می‌دهد. این نمودار نمایشی از تغییرات قیمت یک سهام در یک دوره شش ماهه است. قسمت پایین نمودار، خطی که بصورت افقی ادامه یافته است (محور X) نشان دهنده تاریخ و یا مقیاس زمانی است. سمت راست نمودار، خطی که به صورت عمودی امتداد می‌یابد (محور Y) قیمت سهام را نشان می‌دهد. با مشاهده نمودار می‌بینیم که در آذر ماه سال گذشته قیمت این سهام ۷۲۰۰ ریال بوده است، در حالیکه در اردیبهشت سال جاری قیمت آن در حدود ۸۶۰۰ ریال بوده است. این مشاهدات به ما می‌گوید که قیمت این سهام بین آذر ۸۹ و اردیبهشت ۹۰ افزایش یافته است. تحلیل گران از انواع مختلف نمودار استفاده می‌کنند که هر کدام از این نمودارها ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشند. انتخاب نوع نمودار بستگی به نیاز، مهارت و کاربرد آن برای افراد خواهد داشت.

براساس توافق **قیمت سهم و حجم معاملات بر روی محور عمودی و زمان بر روی محور افقی** نشان داده می‌شود. در محور زمان تقسیم بندی می‌تواند از بازه ۱۵ دقیقه تا ده ساله متغیر باشد که بر حسب بازه مورد استفاده کاربرد دارند اعم از تحلیل‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت.

پرکاربردترین و معروفترین نمودارها، عبارتند از:

۱. نمودار خطی
۲. نمودار میله‌ای
۳. نمودار شمعی

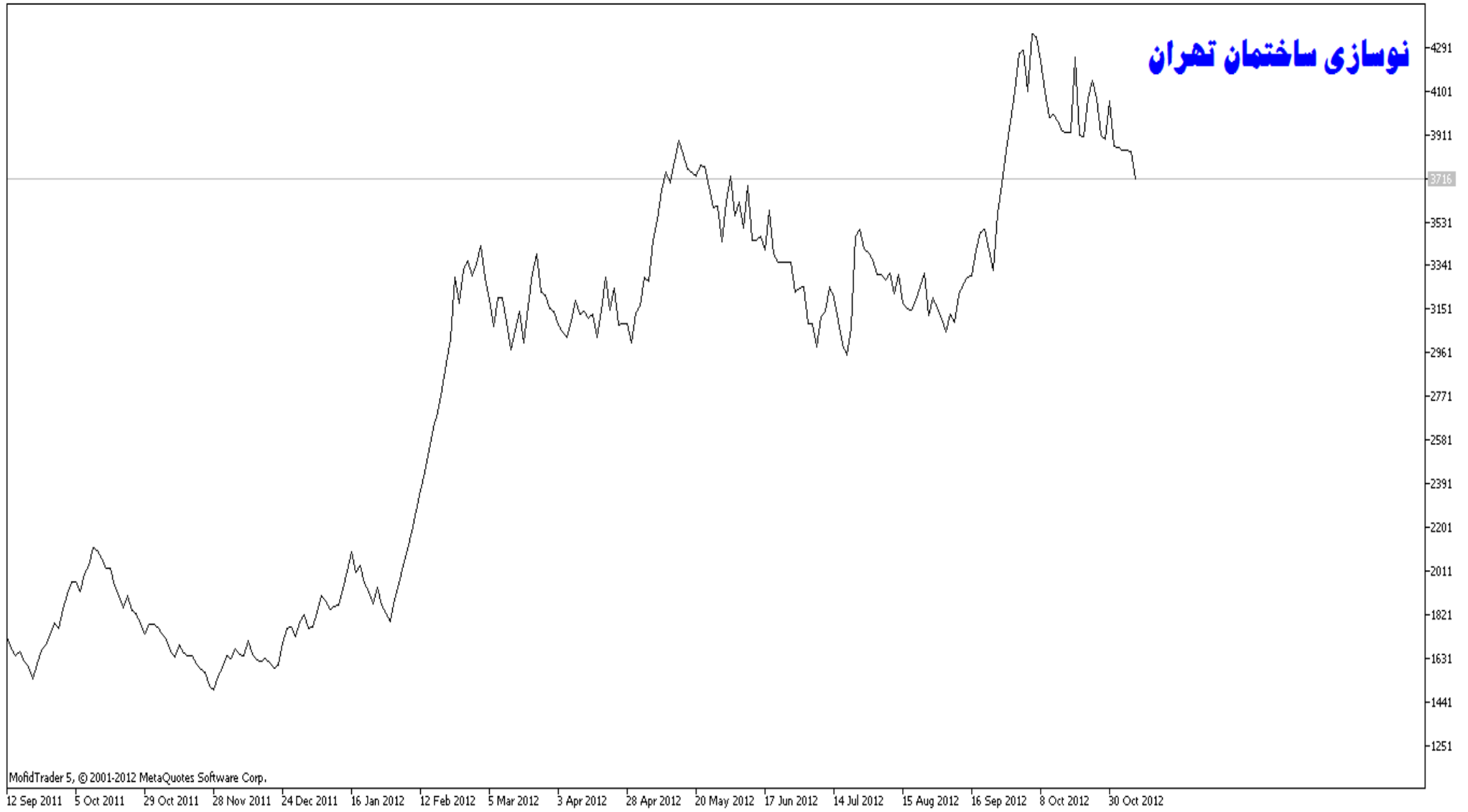
نمودار خطی Line Chart

نمودار خطی ساده‌ترین نوع نمودار می‌باشد که از به هم پیوستن قیمت‌های بسته شدن (Close) روزانه یک سهم در طی یک دوره معین شکل می‌گیرد. با **وصل شدن قیمت‌های پایانی به هم**، ما می‌توانیم حرکت کلی قیمت یک سهم را در یک بازه زمانی مشخص مشاهده کنیم. نمودارهای خطی هیچ اطلاعات تصویری از بازه تجاری نقاط منحصر به فرد مانند بالاترین قیمت، پایین‌ترین قیمت یا قیمت ابتدا به ما نمی‌دهد. به هر حال، قیمت نهایی اغلب در مقایسه با قیمت‌های بالا و پایین در یک روز در داده‌های بازار سهام، **مهم‌ترین قیمت** است و به همین دلیل، تنها کمیتی است که در این نمودار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نکته مثبت این نمودار **سادگی** آن است. همچنین نمودار خطی در هم ریخته نیست و به آسانی دید خوبی از نوسانات قیمت سهم را نمایش می‌دهد.

اما نکته منفی این نمودار این است که تحلیل **گر نمی‌تواند نوسانات سهم در یک دوره خاص را مشاهده کند**. مثلاً این نمودار قابلیت نمایش قیمت‌های باز شدن، پایین و بالا یک روز سهم را ندارد. با اتصالی که این خطها برقرار می‌کنند، ما می‌توانیم حرکت کلی قیمت برای سهام یک شرکت را در یک زمان معین مشاهده نماییم.

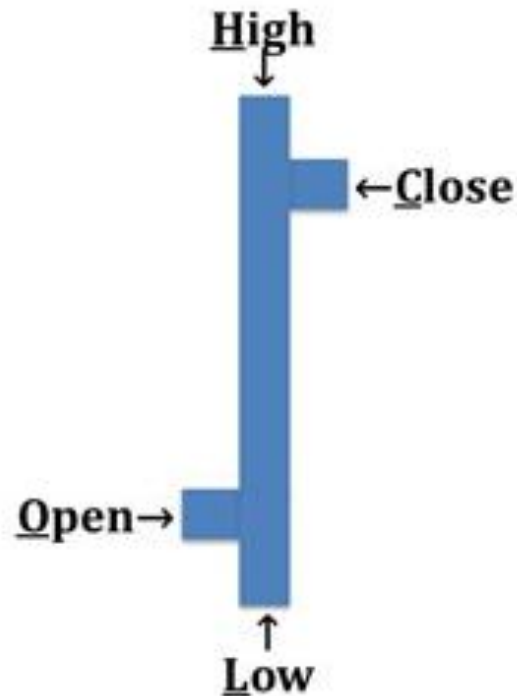




نمودار میله‌ای Bar Chart

نمودار میله‌ای روی نمودار خطی بسط می‌یابد و چند بخش اطلاعاتی کلیدی‌تر را نیز به هر یک از نقاط داده‌ها می‌افزاید. نمودار میله‌ای همزمان قیمت باز شدن و بسته شدن را نشان می‌دهد. پایین‌ترین نقطه میله کمترین قیمت معامله شده در آن بازه زمانی و بالاترین نقطه میله بیشترین قیمت را نشان می‌دهد. بنابراین میله عمودی محدوده معاملاتی قیمت را تعیین می‌کند. خط کوچک افقی در سمت چپ میله قیمت باز شدن و در سمت راست قیمت بسته شدن را نشان می‌دهد. در زیر مثالی از نمودار میله‌ای نشان داده شده است.

Bar Chart (OHLC)



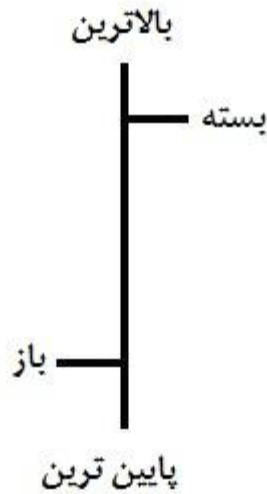
قند لریستان



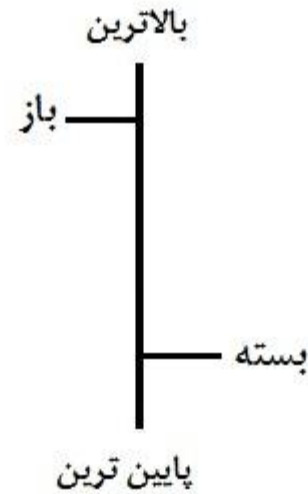
MofidTrader 5, © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.

توجه: نمودارهای میله‌ای "OHLC" هم نامیده می‌شوند. (مخفف Open, the High, the Low, and the Close قیمت باز شدن، بالا، پایین و بسته شدن)

میله افزایشی



میله کاهششی



در اینجا مثالی از یک میله قیمت آمده است :

Open : خط کوچک افقی در سمت چپ که قیمت باز شدن را نشان می دهد .

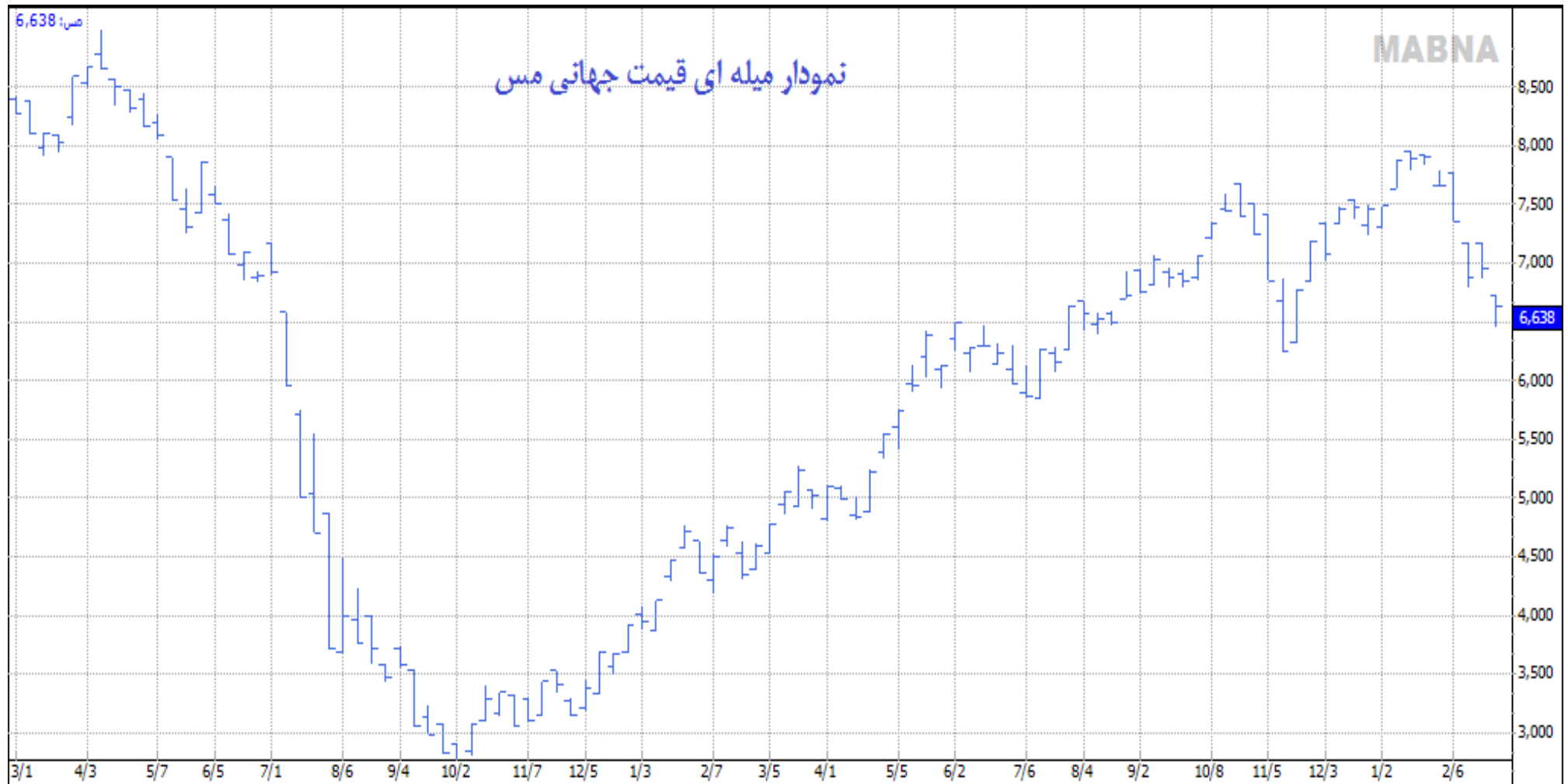
High : بالاترین قسمت میله که نشان دهنده بالاترین قیمت در آن فریم زمانی است .

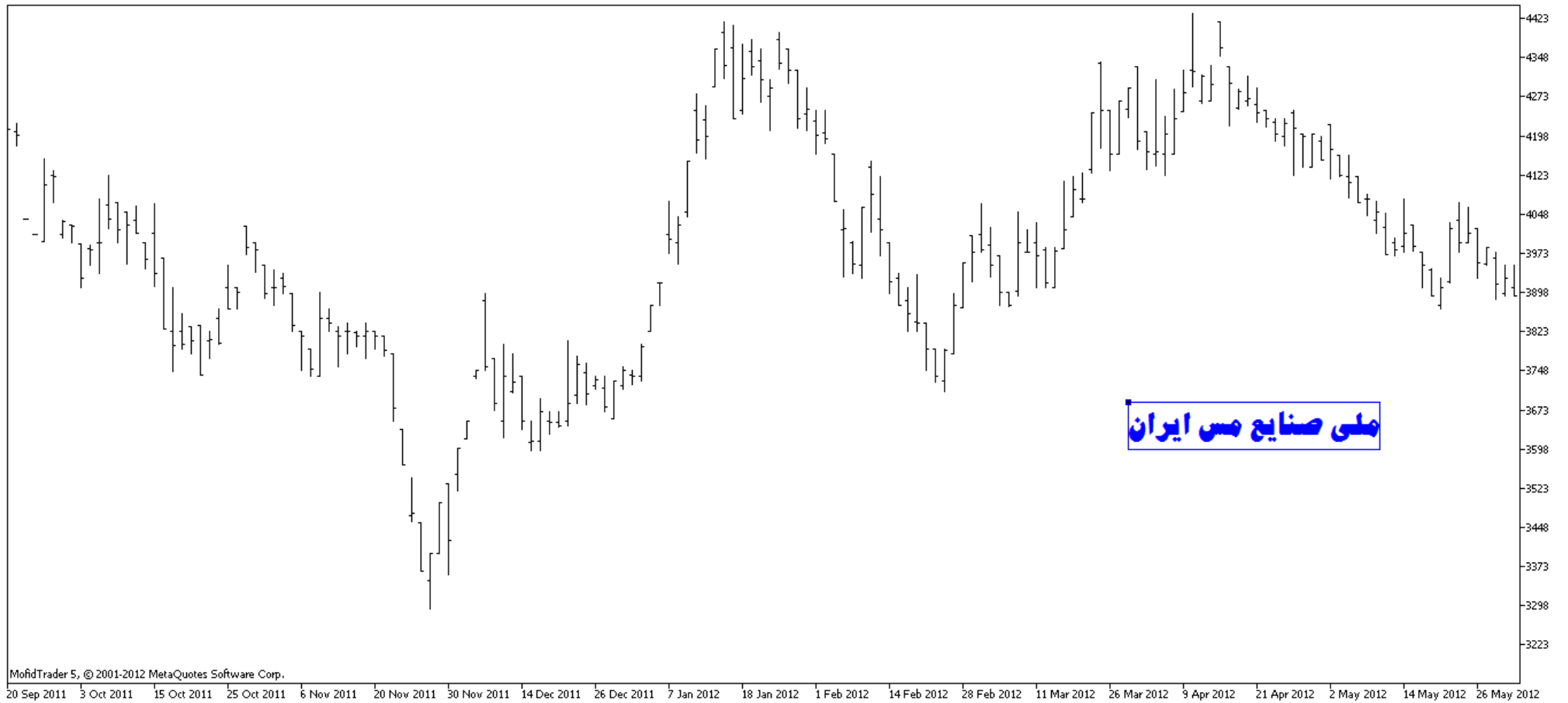
Low : پایین ترین قسمت میله که نشان دهنده پایین ترین قیمت در آن فریم زمانی است.

Close : خط کوچک افقی در سمت راست که قیمت بسته شدن را نشان می دهد .

چنانچه قیمت باز شدن سهم بالاتر از قیمت بسته شدن آن باشد ، نشان دهنده کاهش قیمت آن سهم در طی دوره معامله می باشد.

اگر قیمت باز شدن پایین تر از قیمت بسته شدن باشد نشان دهنده افزایش قیمت آن سهم در طی دوره معامله می باشد.





نمودار شمعی Candlesticks



نمودار شمعی (Candlestick) یکی از پر کاربردترین نمودارها می باشد که در واقع نسخه تکامل یافته نمودار میله ای است. از این نوع نمودار ژاپنی ها در قرن هجدهم استفاده می کردند .

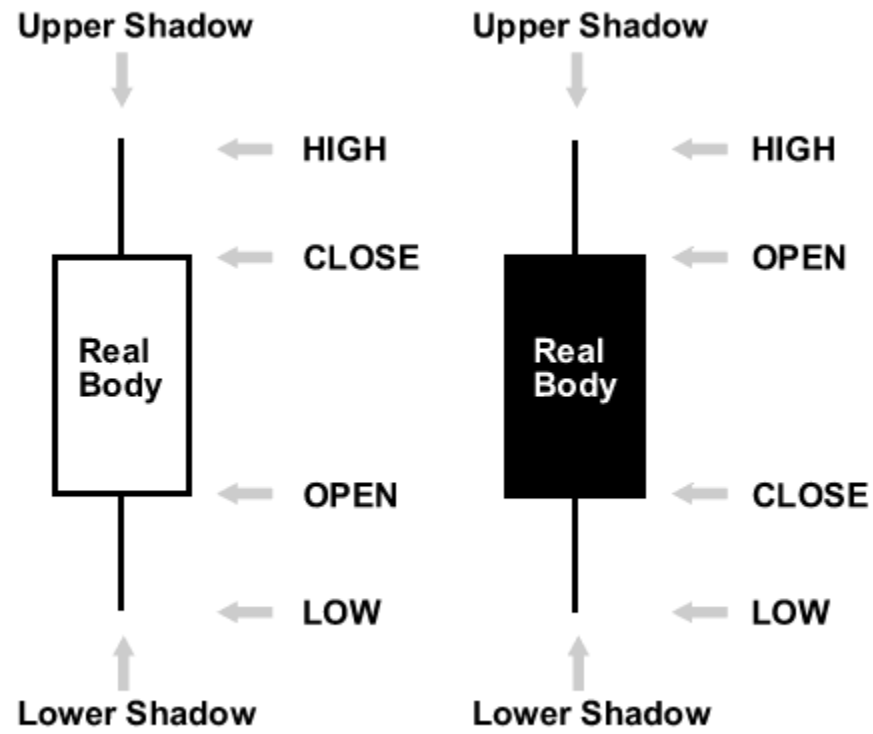
نمودارهای شمعی همان اطلاعات نمودارهای میله ای را به ما می دهند ، اما در قالب گرافیکی. نمودار شمعی از دو بخش **بدنه اصلی و سایه** تشکیل شده. بدنه اصلی شمع **نشان دهنده قیمت آغاز و پایان معامله** است و بخش دیگر شامل دو خط است که به سایه مشهور شده است. خط بالایی را سایه بالایی و خط پایینی را سایه پایینی می گویند. از این رو دامنه نوسانات سهم در طول دوره زمانی مورد داد و ستد توسط سایه ها نمایش داده می شود.

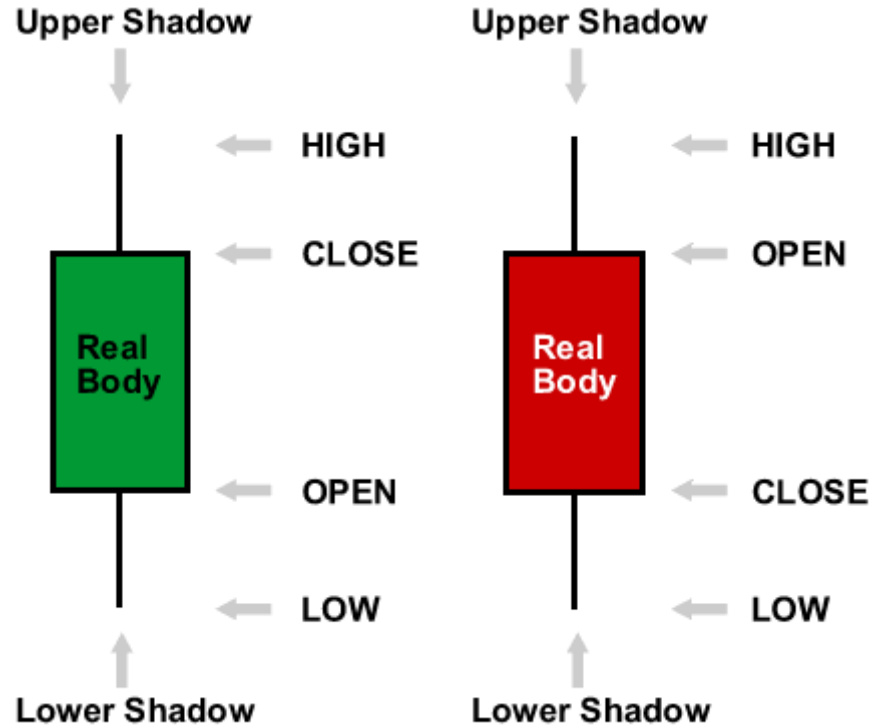
همانطور که در نمودار میله‌ای هر میله نشان دهنده تغییرات قیمت در یک بازه زمانی بود، در نمودار کندل استیک Candlestick نیز هر کندل نشان دهنده قیمت باز شدن، بسته شدن، قیمت حداکثر و قیمت حداقل در بازه زمانی مورد نظر است. همانطور که در شکل ظاهری یک کندل مشاهده می‌کنید، هر کندل شامل یک قسمت پهن (بدنه یا Body) و دو خط نازک در بالا و پایین (Shadow) است. فاصله بین قیمت Open و قیمت Close بدنه را تشکیل می‌دهد و قیمت High و Low را خط‌های باریک (سایه و Shadow نیز خوانده می‌شوند) نمایش می‌دهند.

نمودارهای شمعی با استفاده از قیمت‌های باز شدن، بسته شدن و سقف و کف شکل می‌گیرند. نمودارهای شمعی بهتر از بقیه نیستند، بلکه فقط واضح‌ترند. منظور از واضح‌تر آن است که با این نمودارها قیمت‌های بالا و پایین روز به سرعت و سادگی تشخیص داده می‌شود. **هنگامی که قیمت صعودی باشد، بدنه شمع سفید و هنگامی که قیمت نزولی باشد بدنه شمع سیاه** می‌باشد. گاهی اوقات به جای نمایش سیاه و سفید شمع‌های ژاپنی آن‌ها را به صورت رنگی نشان می‌دهیم. برای این کار ما به **راحتی سفید را با سبز و سیاه را با قرمز** جایگزین کردیم. این بدان معناست که اگر قیمت بسته شدن از باز شدن بیشتر باشد بلوک سبز رنگ است و اگر قیمت بسته شدن از باز شدن کمتر باشد بلوک قرمز رنگ است.

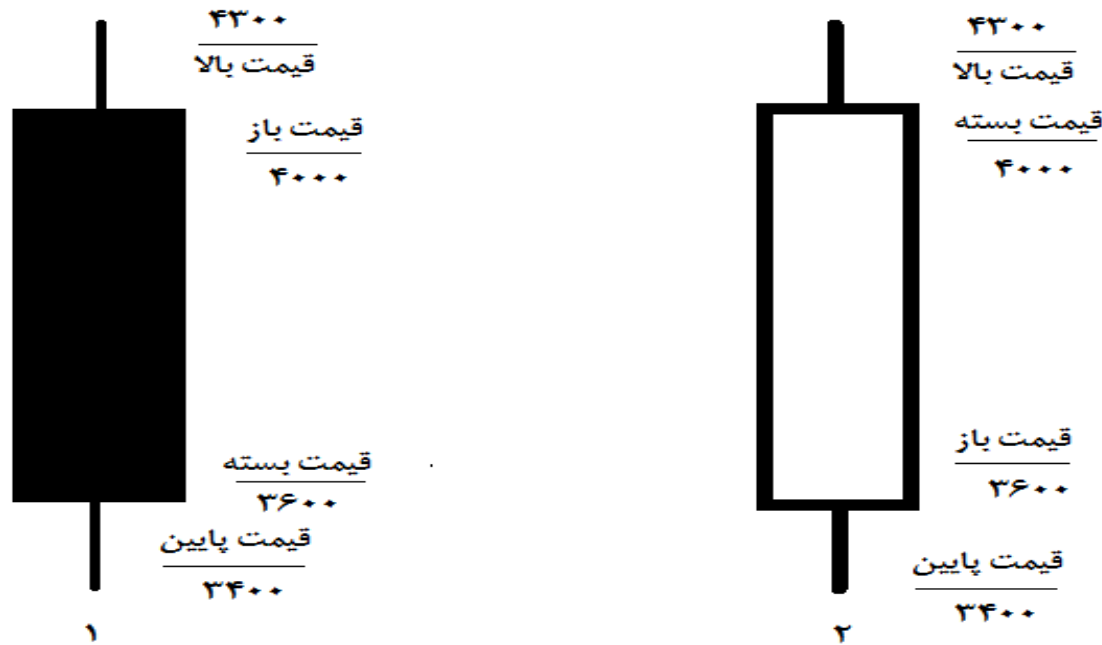
تحليل تکنیکال – Technical Analysis







- اگر قیمت بسته شدن بالاتر از قیمت باز شدن باشد ، یک شمع توخالی یا سفید کشیده می شود .
- اگر قیمت بسته شدن پایین تر از قیمت باز شدن باشد یک شمع تو پر یا سیاه کشیده می شود .
- قسمت توخالی یا رنگ شده شمع " بدنه اصلی " یا بدنه نامیده می شود .
- خطوط باریک واقع در بالا و پایین بدنه قیمت سقف و کف را نشان می دهند و فتیله ها نامیده می شوند .
- بالاترین نقطه فتیله بالایی " سقف " است .
- پایین ترین نقطه فتیله پایینی " کف " است .



این گونه تصور کنید که قیمت سهم در یک روز خاص با قیمت ۴۰۰۰ ریال بازگشایی می‌شود و در قیمت ۳۶۰۰ ریال بسته می‌شود. در طی روز سهام شرکت بین ۳۴۰۰ تا ۴۳۰۰ ریال در نوسان بوده است. **بدنه شمع توپر است زیرا قیمت بسته شدن از قیمت باز شدن پایین تر است و بیانگر فشار فروشندگان است.** (۱)

اما در شکل شماره (۲) قیمت بازگشایی سهم ۳۶۰۰ ریال و قیمت بسته شدن ۴۰۰۰ ریال بوده است. **بدنه شمع بایستی تو خالی باشد زیرا قیمت بسته شدن سهم از قیمت بازگشایی آن بالاتر بوده است و بیانگر فشار خریداران است.**

شمع سفید بلند نشان دهنده **فشار زیاد خریداران** است. هرچه قدر بدنه شمع بلندتر باشد، قیمت بسته شدن به سمت بالا از قیمت باز شدن بیشتر فاصله می‌گیرد. این امر نشان دهنده آن است که قیمت به طور قابل توجهی افزایش یافته است. به عبارتی گاوها، خرس‌ها را از میدان به در کرده‌اند.

شمع بلند مشکی (توپر) نشان دهنده **فشار زیاد فروشندگان** است. هرچه قدر شمع مشکی بلندتر باشد، قیمت بسته شدن به سمت پایین از قیمت باز شدن بیشتر فاصله می‌گیرد. این امر نشان دهنده این است که قیمت‌ها به میزان زیادی افت کرده‌اند و به عبارتی خرس‌ها با شکستن شاخ گاوها آنها را از میدان به در کرده‌اند.

فتیله‌های بلندتر و کوتاه‌تر در شمعها شواهد خوبی را در مورد معاملات انجام شده ارائه می‌دهند. شمع‌هایی با فتیله بلند نشان دهنده این است که معامله‌گران از نقاط باز شدن و بسته شدن قیمت به خوبی دور شده‌اند. شمع‌هایی با فتیله کوتاه نشان دهنده این است که بیشتر معاملات حول و حوش نقاط بسته شدن و باز شدن قیمت صورت گرفته‌اند.

اگر فتیله بالایی شمعی بلند و فتیله پایینی آن کوتاه باشد نشان دهنده این است که خریداران در ابتدا قیمت را بسیار بالا برده‌اند ولی بنا به دلایلی فروشندگان وارد شده‌اند و قیمت را دوباره نزدیک به قیمت باز شدن، برگردانده‌اند.

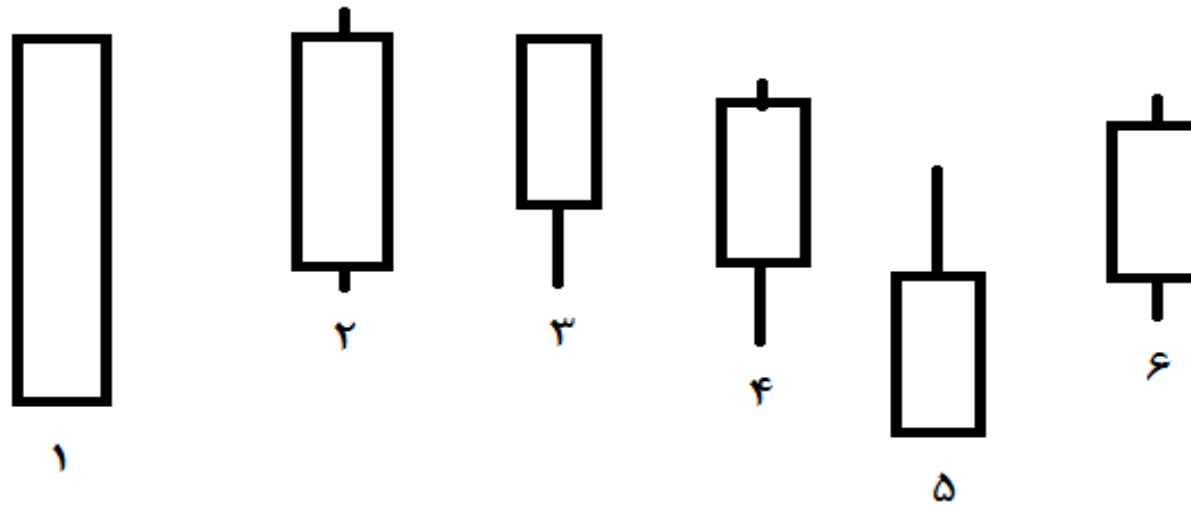
اگر فتیله پایینی شمعی بلند و فتیله بالایی آن کوتاه باشد نشان دهنده این است که فروشندگان ابتدا قیمت را به طور قابل توجهی پایین آورده‌اند ولی بنا به دلایلی خریداران آمده‌اند و دوباره قیمت‌ها را نزدیک به قیمت باز شدن برگردانده‌اند.

تفسیر انواع نمودارهای شمعی

نمودارهای شمعی سفید تو خالی

| شماره | نام | تفسیر |
|-------|-------------------------------|-----------------|
| ۱ | شمع بلند سفید – بدون سایه | افزایشی زیاد |
| ۲ | شمع سفید بلند | افزایشی زیاد |
| ۳ | شمع با سایه پایین‌تر | افزایشی |
| ۴ | شمع سفید بلند – سایه پایین‌تر | افزایشی |
| ۵ | شمع سفید بلند – سایه بالاتر | افزایشی ملایم |
| ۶ | شمع سفید کوتاه | افزایشی با ثبات |

نمودار زیر انواع شمعی سفید افزایشی را نشان می‌دهد:

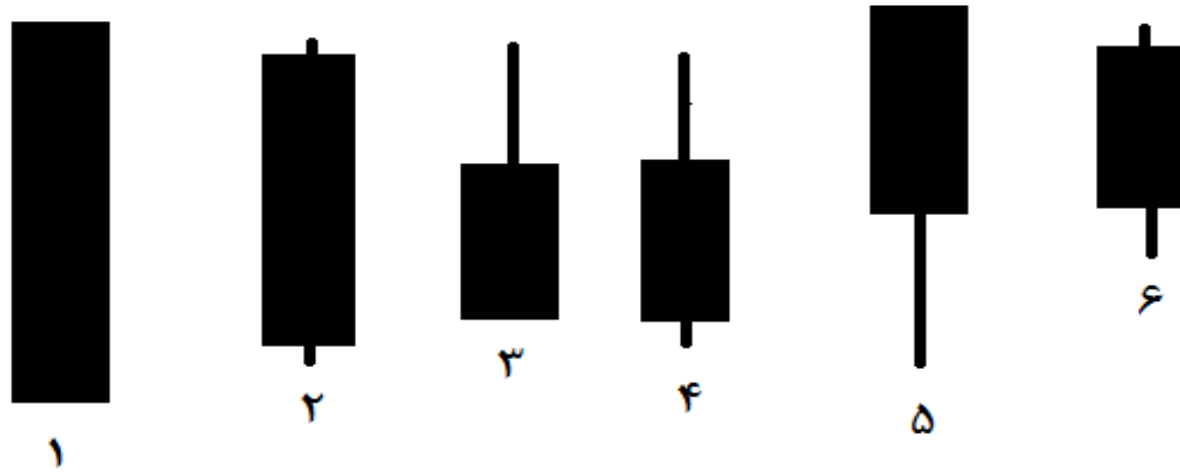


نمودارهای شمعی سیاه رنگ

| شماره | نام | تفسیر |
|-------|---------------------------------------|--------------|
| ۱ | شمع سیاه بلند - بدون سایه | کاهش زیاد |
| ۲ | شمع سیاه بلند | کاهش زیاد |
| ۳ | شمع سیاه بلند - با سایه بالایی بلندتر | کاهش |
| ۴ | شمع سیاه با سایه بالایی بلند | کاهش |
| ۵ | شمع سیاه با سایه پایین تر بلند | کاهش ملایم |
| ۶ | شمع سفید کوتاه | کاهش با ثبات |

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

نگاهی به شمع‌های سیاه رنگ می‌اندازیم که نشان می‌دهد قیمت‌های بسته پایین‌تر از قیمت‌های باز قرار می‌گیرند.



هر دو نمودار میله‌ای و شمعی به جهت نمایش تغییرات قیمت در یک بازه زمانی با هم برابرند ، اما مزیت نمودار شمعی این است که از تغییرات روند قیمتی از لحاظ بصری به **سرعت و سادگی قابل تشخیص** می‌باشد.

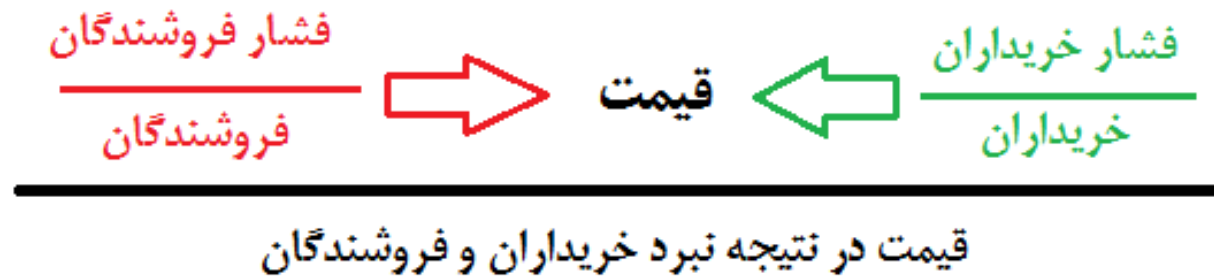
فصل سوم : بررسی و مطالعه خطوط

- سطوح حمایت و مقاومت
- روندها
- کانال قیمت
- مطالعات اندروز
- مطالعات فیبوناچی

سطوح حمایت و مقاومت (Support & Resistance)

همانطور که می دانید قیمت یک سهم در نتیجه نبرد خریداران و فروشندگان به وجود می آید. **فشار خریداران قیمت‌ها را به سوی بالا** و **فشار فروشندگان قیمت‌ها را به سمت پایین** سوق می دهد.

هرگاه قیمت‌ها افزایش می یابد ، خریداران کنترل قیمت را به دست گرفته اند و زمانی که کاهش پیدا می کند ، فروشندگان بر بازار مسلط شده اند. در واقع داد و ستد قیمت‌ها را تغییر می دهد و در نهایت جهت حرکت قیمت‌ها برنده نبرد را مشخص می کند. خریداران به دنبال بالا کشیدن قیمت و فروشندگان به دنبال پایین کشیدن قیمت هستند . سمت و سوی جابجایی قیمت نشان می دهد که کدام گروه برنده نبرد بوده است. زمانی که خریداران تمایل به خرید دارند قیمت‌ها رو به افزایش و زمانی که فروشندگان قصد فروش داشته باشند قیمت‌ها رو به کاهش می گذارد. بنابراین قیمت‌ها در یک داد و ستد توسط تقاضا کنندگان و عرضه کنندگان پدید می آید.



قیمتی که معامله در آن صورت می پذیرد ، جایی است که خریداران و فروشندگان در آن داد و ستد به توافق می رسند. این قیمت ، توافق عمومی و انتظارات سرمایه گذاران را نمایان می سازد. خریداران در ذهن خود افزایش قیمت و فروشندگان نیز کاهش قیمت سهم را تصور می کنند. در هر داد و ستد گروه خریداران حرکت‌های رو به رشد سهم و فروشندگان حرکات کاهشی را تصور می کنند. تفاوت دیدگاه در مورد آینده قیمت سهم ، انتظارات و پیش بینی‌ها را بوجود می آورد و هر سرمایه گذار با تحلیل خود به گروه خریداران و فروشندگان ملحق می شود. هر لحظه که سرمایه گذار تغییر عقیده دهد ، جایگاه او نیز در تعیین قیمت‌ها تغییر می یابد. ترازهای حمایت و مقاومت از مهمترین مفاهیم در روانشناسی بازار و عرضه و تقاضا هستند. این ترازها ، سطوحی از قیمت‌ها هستند که تجار تمایل به خرید سهام در نزدیکی تراز حمایت) و یا فروش سهام خود (در نزدیکی تراز مقاومت) دارند. وقتی که این خطوط روند شکسته شوند ، به نظر می رسد که میزان عرضه و تقاضا و روانشناسی تغییرات قیمت سهام تغییر می کند و در این حالت ترازهای جدیدی برای حمایت و مقاومت تعیین می شود.

سطوح حمایت (سطوح تقاضا) Support

فولاد مبارکه اصفهان



رفتار قیمت سهام شرکت فولاد مبارکه اصفهان را در نمودار بالا نگاه کنید. انتظارات در طی زمان، عرضه و تقاضا برای سهام را تغییر داده و نوسانات قیمت را برای آن به ثبت رسانده است. در طی یک دوره چهار ماهه هر زمان قیمتها تا سطح ۲۶۳۶ ریال پایین آمده، وضعیت فشار خریداران قیمت را کنترل نموده است. در این حالت خریداران از سقوط بیشتر قیمتها به سمت پایین جلوگیری کرده اند. در واقع به خریداران این احساس دست داده است که سهام فولاد مبارکه اصفهان در قیمت ۲۶۳۶ ریال برای سرمایه گذاری ارزنده است و خریداران با افزایش تقاضا در قیمتهای بالاتر از ۲۶۳۶ ریال از کاهش قیمت جلوگیری کرده اند. این عملکرد قیمت به حمایت مشهور است چرا که خریداران از قیمت ۲۶۳۶ ریال حمایت می کنند. از سوی دیگر فروشندگان نیز تمایلی به فروش زیر محدوده ۲۶۳۶ ریال نداشته اند. بدین صورت خریداران و

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

فروشنده‌گان در سطح ۲۶۳۶ ریال از روند قیمتی سهام شرکت **حمایت و پشتیبانی** نموده‌اند. بنابراین سطح حمایت قیمتی سطحی است که اکثریت سرمایه‌گذاران اعتقاد دارند **قیمت از آن سطح به سمت بالا** حرکت می‌کند. سطح حمایت از به هم پیوستن نقاط پایین قیمت‌ها در یک بازه زمانی ایجاد می‌شود و معنایش **حمایت از افزایش قیمت‌ها بوسیله فروشنده‌گان (با ابزار خودداری از فروش)** می‌باشد.

در نمودار زیر تغییرات قیمت جهانی آلومینیوم در یک دوره زمانی ۱۲ ماهه ترسیم شده است. قیمت این فلز در این دوره، ۴ بار در روند نزولی با سطح حمایت ۱۷۶۵ دلار برخورد نموده و تغییر جهت داده است.



سطح حمایت :

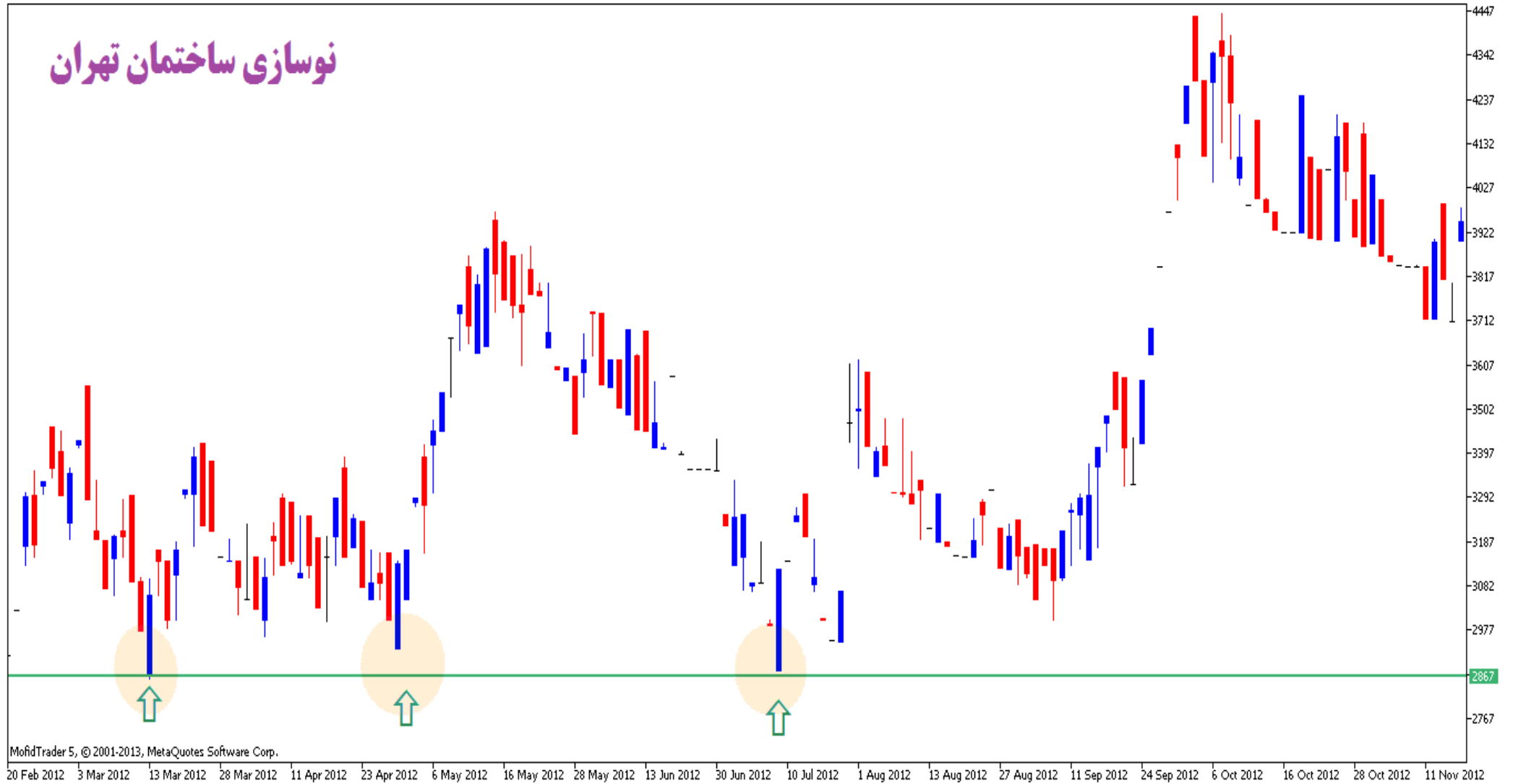
- در سطح حمایت تعداد خریداران (حجم تقاضا) از تعداد فروشندگان (حجم عرضه) بیشتر است.
- در این حالت فروشندگان تمایلی به عرضه سهام در زیر سطح حمایت ندارند و کنترل قیمت در دست خریداران است.
- معامله گران ، سهام شرکت را در آن محدوده ارزنده ارزیابی می‌کنند.
- معامله گران معتقدند ، قیمت‌ها از آن سطح پایین‌تر نمی‌آید.
- از بهم پیوستن نقاط پایینی در یک دوره زمانی روی یک خط ، سطح حمایت پدید می‌آید.

ذوب آهن اصفهان



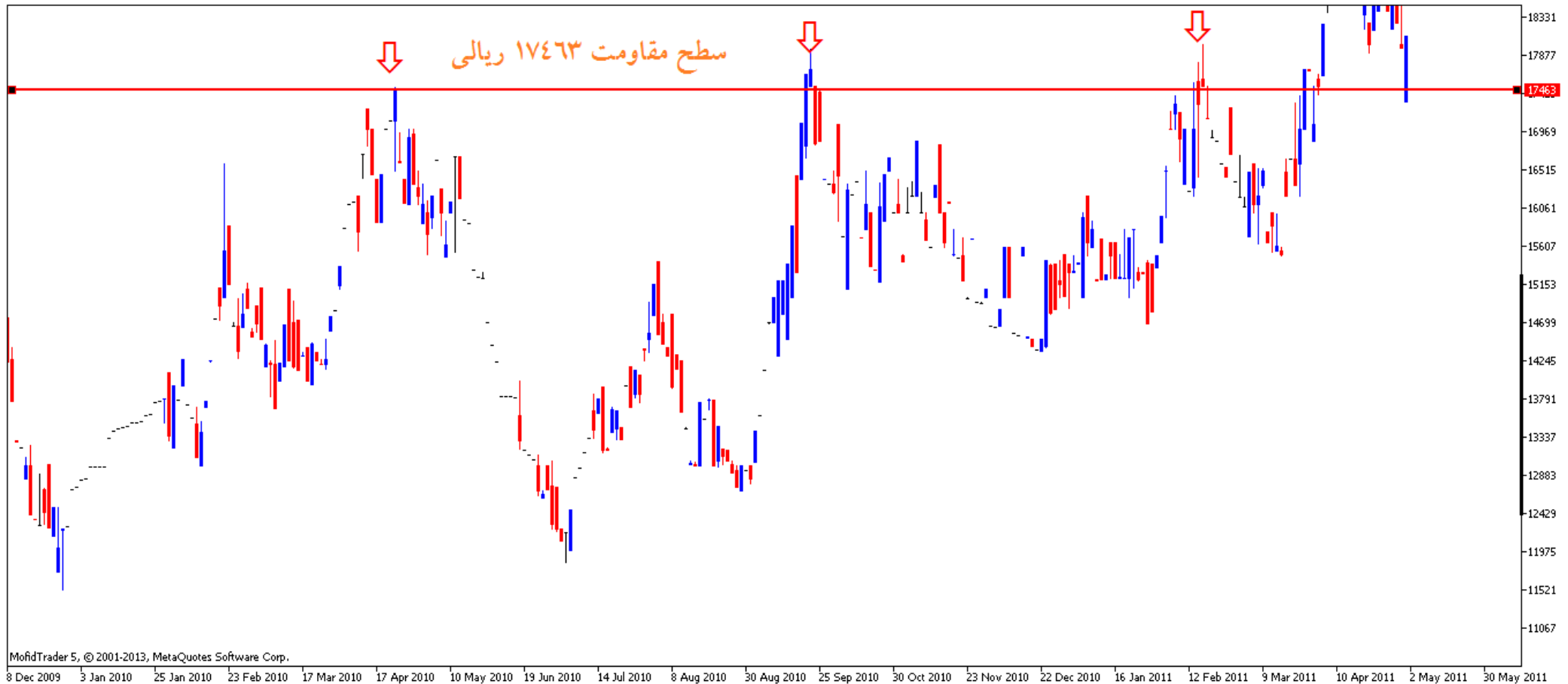
MofidTrader 5, © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.

نوسازی ساختمان تهران



سطوح مقاومت (سطوح عرضه) Resistance

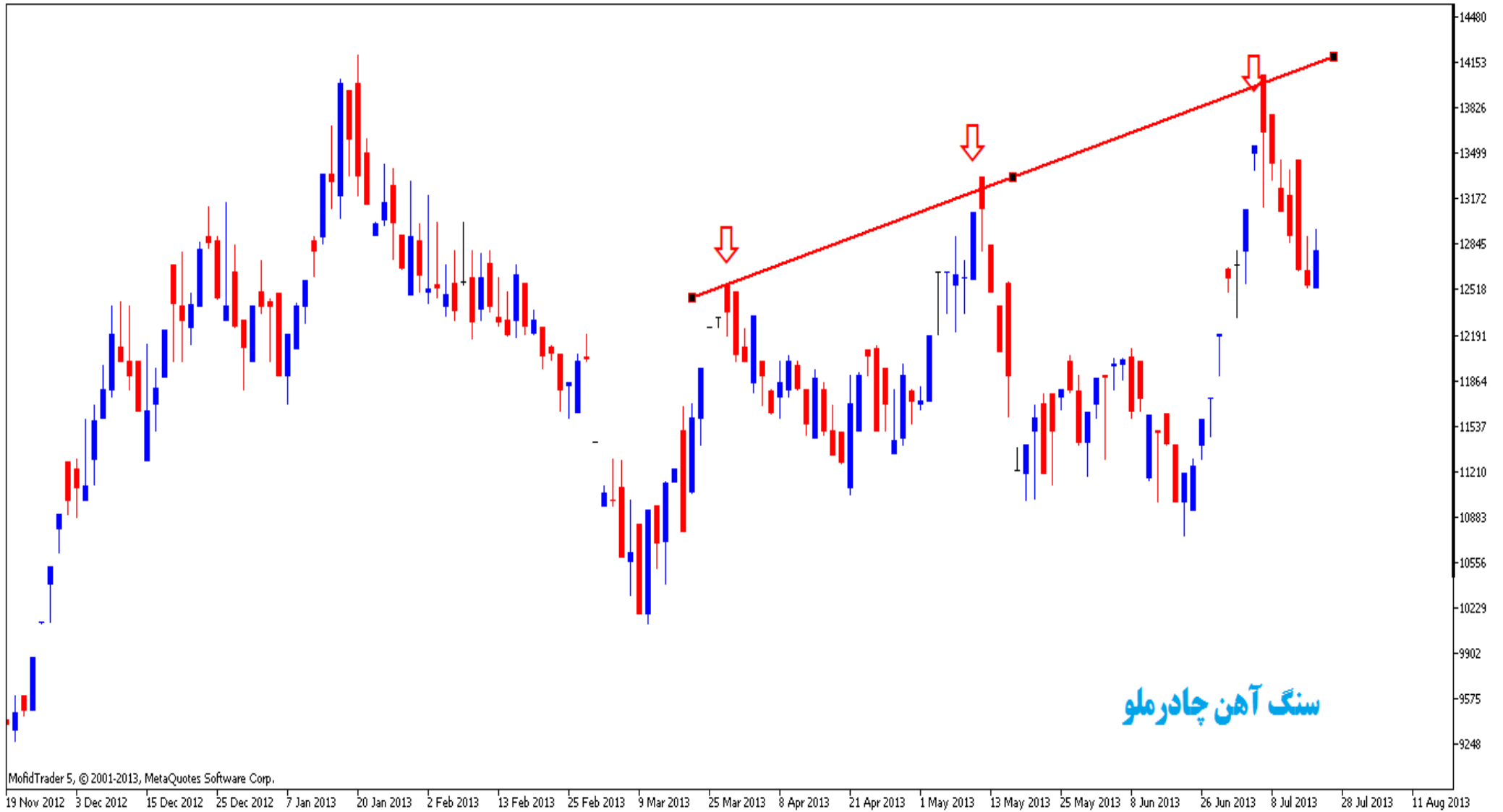
به طور مشابه ، خط مقاومت سطحی است که در آن فروشندگان کنترل روند قیمتی را به دست گرفته و از افزایش بیشتر قیمت جلوگیری می کنند. این سطح که از بهم پیوستن نقاط بالایی قیمتها در یک دوره زمانی حاصل می گردد را "سطح مقاومت" می نامند در این سطح عرضه سهام بیشتر از تقاضا بوده، به معنایی فروشندگان با فروش بیشتر باعث کاهش قیمت ها می گردند. نمودار زیر تغییرات قیمت سهام شرکت معدنی باما در یک بازه یکساله ترسیم شده است. هر گاه قیمتها به سطح ۱۷۶۰۰ ریال نزدیک شده است ، **مقادیر عرضه بر تقاضا فزونی یافته** و از افزایش قیمت ممانعت بعمل آمده است. در واقع سطح مقاومت ، بیانگر محدوده قیمتی است که اکثریت معامله گران بر این باورند که قیمت از آن سطح بالاتر نخواهد رفت.



سطح مقاومت :

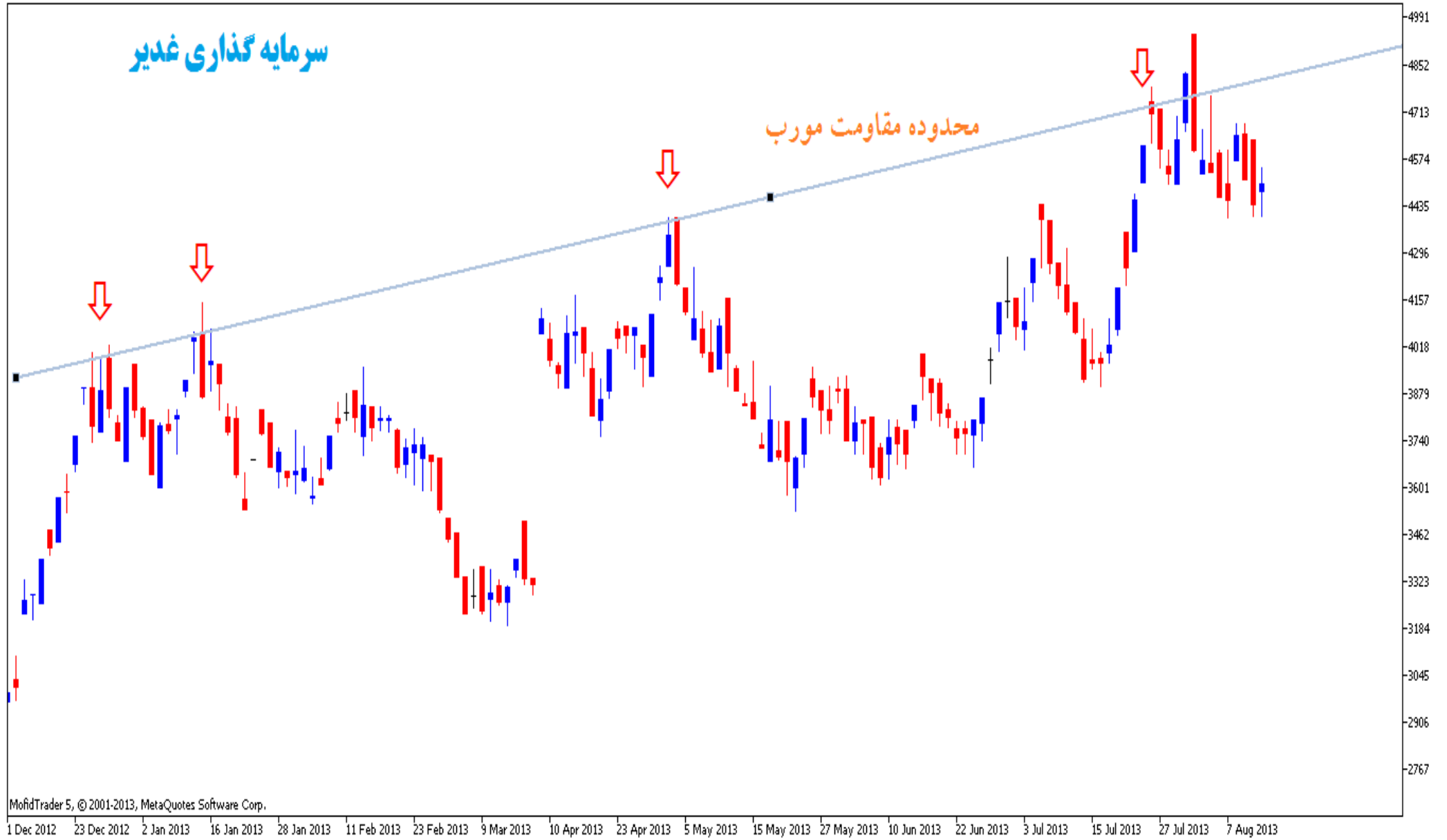
- در آن تعداد فروشندگان (حجم عرضه) از خریداران (حجم تقاضا) بیشتر است. در این حالت خریداران تمایل به خرید سهام در بالای سطح مقاومت ندارند.
- در این حالت خریداران تمایلی به خرید سهام در بالای سطح مقاومت ندارند و کنترل قیمت در دست فروشندگان است.
- معامله گران ، فروش سهام شرکت را در آن محدوده ارزنده ارزیابی می‌کنند.
- معامله گران معتقدند ، قیمت‌ها از آن سطح بالاتر نمی‌رود.
- از بهم پیوستن نقاط بالائی در یک دوره زمانی روی یک خط ، سطح مقاومت پدید می‌آید.

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



سرمایه گذاری غدیر

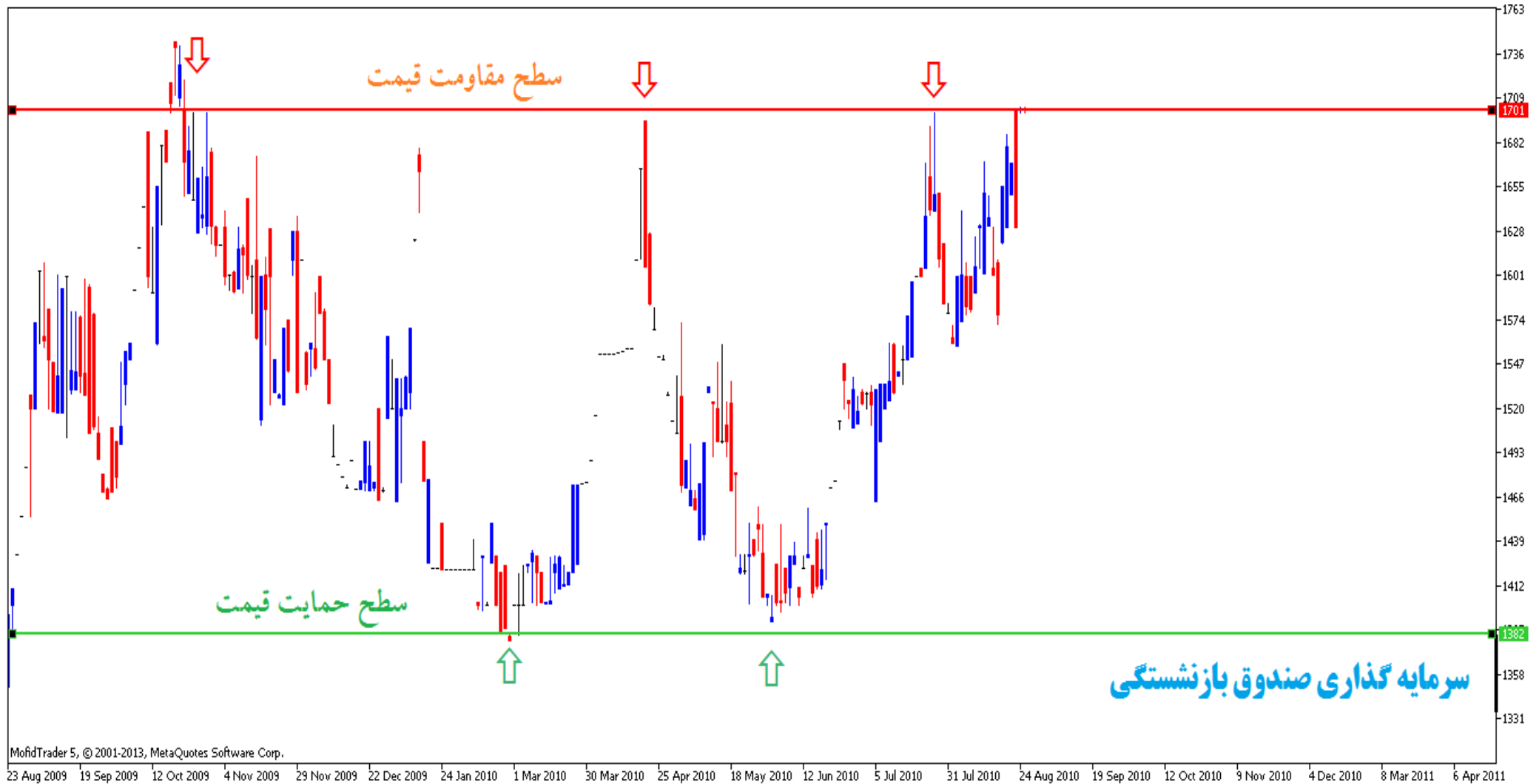
محدوده مقاومت مورب





تحليل تکنیکال – Technical Analysis

نمودار زیر سطح حمایت و مقاومت سهم شرکت سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی را نشان می دهد. سطح حمایت در محدوده ۱۴۰۰ ریال و سطح مقاومت در محدوده ۱۷۰۰ ریال قرار دارد.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

برای یک دوره بلند مدت نزدیک به ۸ ماه سرمایه گذاران انتظار افزایش قیمت سهام شرکت صندوق بازنشستگی ، بالاتر از سطح ۱۷۰۰ ریال نداشتند. به همان نسبت سرمایه گذاران انتظار کاهش قیمت سهام این شرکت را به زیر محدوده ۱۴۰۰ ریال نداشتند. برخورد سه باره قیمت سهم در روند صعودی به سطح ۱۷۰۰ ریال نشان از استحکام و اعتبار این سطح مقاومت دارد. اما باید توجه داشت **انتظارات سرمایه گذاران در طول زمان تغییر می کند** و چند ماه بعد روند قیمت سهام شرکت با عبور از سطح مستحکم ۱۷۰۰ ریال تا ۲۰۵۰ ریال افزایش یافت. **زیرا انتظارات سرمایه گذاران اغلب به صورت ناگهانی تغییر می کند.**

برای ترسیم سطوح حمایت و مقاومت خطی در امتداد قله ها و چاله ها با حداقل ۲ برخورد ترسیم می کنیم.

نقطه ای که قیمت نتوانسته از آن بالاتر رود را قله یا PEAK می گویند.

نقطه ای که قیمت نتوانسته از آن پایین تر بیاید را حفره یا PIT می گویند.

محل برگشت قیمت را پیووت Pivot می گویند.

چیزی که باید به خاطر داشته باشید این است که سطوح حمایت و مقاومت اعداد دقیقی نیستند. اغلب مواقع می بینید که یک سطح حمایت و مقاومت به نظر در حال شکستن است ولی به زودی متوجه می شوید که بازار تنها در حال تست کردن آن بوده است. در نمودارهای شمعی این "تست" معمولاً با فتیله های شمعی نشان داده می شوند.

شکست سطوح حمایت و مقاومت

نمودار زیر استمرار روند قیمت سهام شرکت صندوق بازنشتگی را به تصویر کشیده است. سطح مقاومت ۱۷۰۰ ریال به طور قاطع شکسته شده و قیمت سهم به بالای سطح مقاومت نفوذ می کند. در نقطه شکست سطح مقاومت ، معمولاً حجم معاملات افزایش قابل توجهی می یابد.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis



تحلیل گران و سرمایه گذاران معتقدند احتمال تکرار نوسان قیمتی بر روی سطوح حمایت و مقاومت تاریخی، زیاد است. شکسته شدن سطوح حمایت و مقاومت می تواند بر اثر تغییرات و عوامل بنیادی شکل گیرد که این امر به انتظارات سرمایه گذاران وابسته است. تغییرات EPS، عوامل درونی و برونی، بنیادهای اقتصادی و حوادث و رویدادهای غیر مترقبه نمونه ای از تغییر انتظارات سرمایه گذاران است.

دوره پیشمانی معامله گران

سطوح حمایت و مقاومت دائمی نیستند و با تغییر انتظارات سرمایه گذاران دگرگون می شوند. هرگاه سطوح حمایت و مقاومت شکسته شود، معامله گران به سمت سطوح جدید گرایش پیدا می کنند. هر گاه پس از شکست سطوح حمایت / مقاومت قیمت‌ها به نقطه شکست بازگشت نمایند، پدیده‌ای به نام **پشیمانی معامله گران** صورت می گیرد. قیمت‌ها در این صورت **به نرخهای پیش از شکست بازگشته** و معامله گران از این داد و ستد پشیمان می شوند یا همه به این نتیجه می رسند که قیمت جدید قابل اتکا نیست. نمونه‌ای از این دست شکسته شدن سطح حمایت / مقاومت بر اثر انتشار شایعه‌ای در مورد شرکت و ایجاد شرایط هیجانی در بازار و تکذیب آن پس از چند

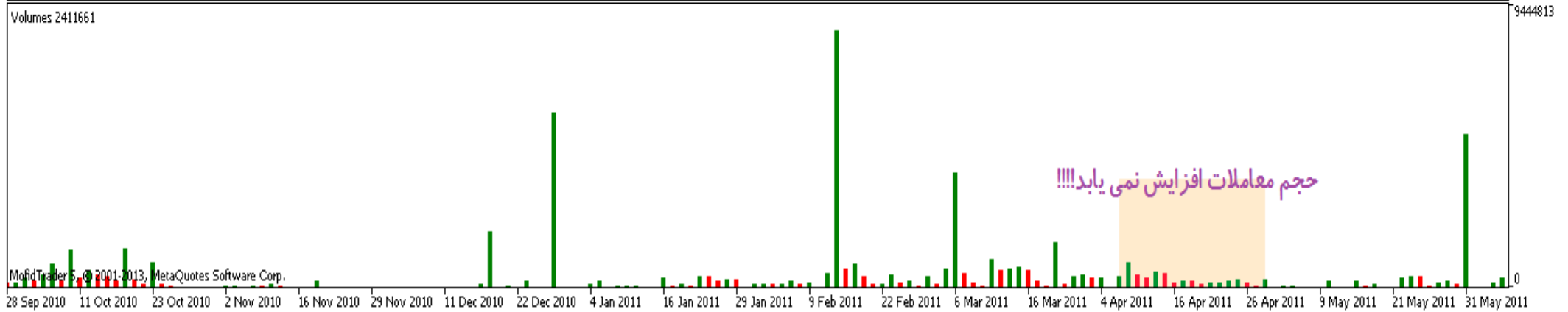
روز می‌باشد. پس از واقع شدن این پدیده و شکست سطح مقاومت یا حمایت ، سطح قیمتی جدید مورد توافق خریداران و فروشندگان قرار نمی‌گیرد و قیمت به سطح مقاومت(یا حمایت) قبلی باز می‌گردد.

پیش بینی رفتار قیمت در دوره پشیمانی معامله گران بسیار سخت است و ممکن است یکی از دو حالت زیر پیش آید.

- (۱) یا سرمایه گذاران قیمت‌های جدید را قابل پذیرش نخواهد دانست که در این حالت قیمت‌ها به سطح قبلی باز می‌گردد که غالباً با کاهش حجم معاملات توام است.
- (۲) یا سرمایه گذاران قیمت‌های جدید را می‌پذیرند که در این صورت قیمت سهم به طور عادی به نفوذ خود ادامه می‌دهد که غالباً با افزایش حجم معاملات توام است.

گروه صنایع بهشهر

پشیمانی معامله گران

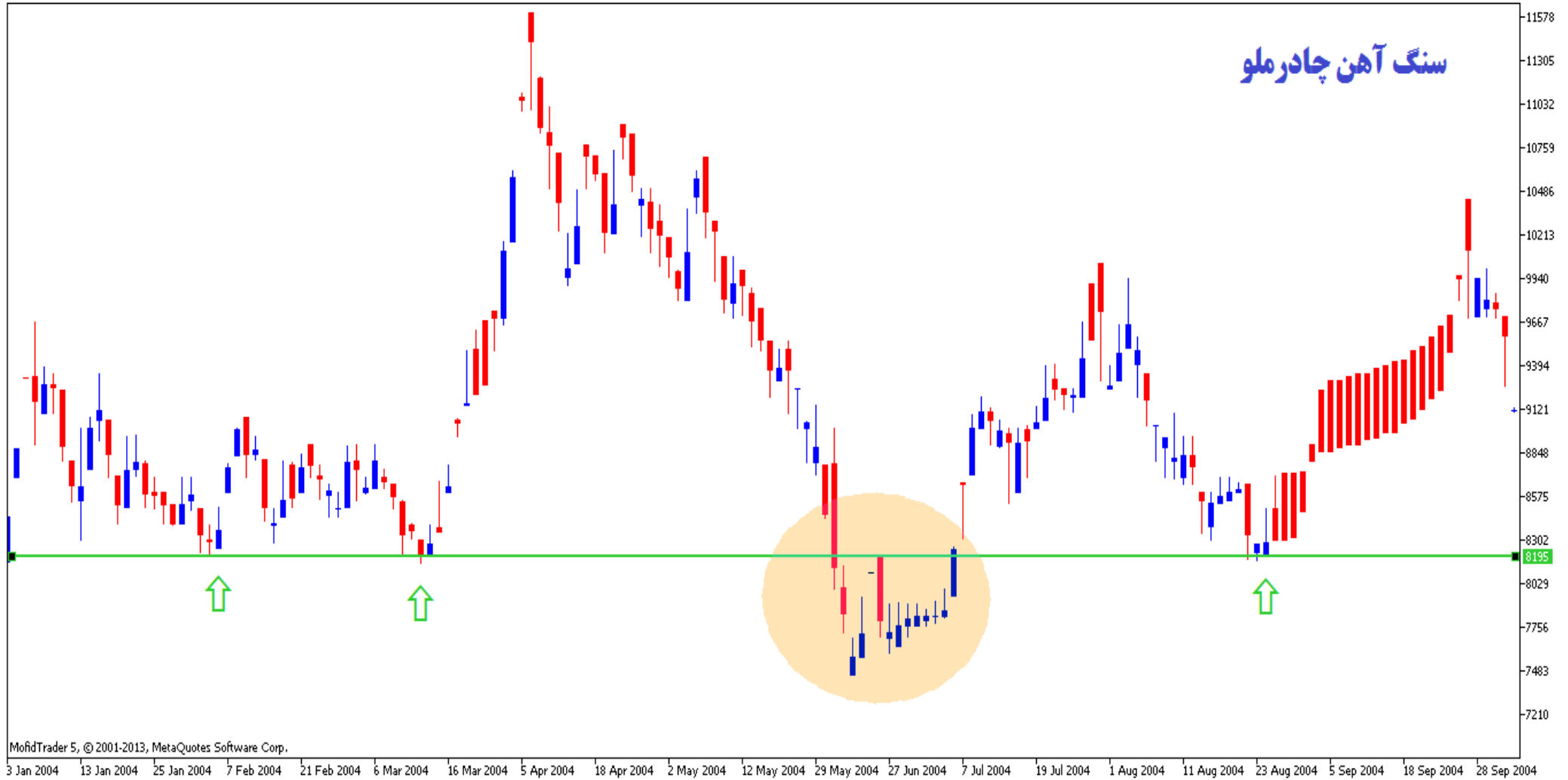


نمودار شماره ۱ پشیمانی معامله گران در حالت نخست را نشان می‌دهد. اگر انتظارات عمومی قیمت‌های بالاتر را نپذیرد، مطابق ادبیات بورسی تله‌ای به نام **فرب خرداران یا خطای بازار** رخ می‌دهد. به طوری که در نمودار شرکت گروه صنایع بهشهر نشان داده شده، قیمت‌ها ۳ بار با سه سطح معتبر و مستحکم ۲۱۸۰ ریال برخورد می‌کند، اما در برخورد سوم به این سطح نفوذ کرده و سپس قیمت سهم به زیر سطح مقاومت سقوط می‌کند. بدیهی است سرمایه‌گذاران از سهام بیش از حد قیمت‌گذاری شده دست کشیده‌اند. در این حالت فشار عرضه سهام باعث افت قیمت سهم شده است.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

مشابه همین وضعیت فریب فروشندگان است. قیمت‌ها بوسیله فروش‌های افراطی به زیر سطح حمایت سقوط می‌کند، اما طولی نمی‌کشد که فروشندگان دوباره تصمیم به خرید می‌گیرند و آنگاه رشد قیمت سهم حمایت را می‌شکند و باقی مانده فروشندگان را از عرضه سهام منصرف می‌کند. نمودار شماره ۲ مربوط به شرکت چادرملوست.



تحليل تکنیکال – Technical Analysis

حالت دوم نیز می‌تواند پشیمانی معامله‌گران را در پی داشته باشد. در این وضعیت انتظارات سرمایه‌گذاران به گونه‌ای تغییر می‌کند که قیمت‌های جدید را می‌پذیرند. بنابراین قیمت‌ها به طور عادی به نفوذ خود ادامه می‌دهند.

به طور کلی در دوره پشیمانی؛ اگر قیمت به سطح حمایت نفوذ کرده باشد به سمت بالا حرکت می‌کند. (نمودار چادرملو)
و چنانچه قیمت به سطح مقاومت نفوذ کرده باشد به سمت پایین حرکت می‌کند. (نمودار گروه صنایع بهشهر)

بررسی رابطه میان تغییرات قیمت حجم معاملات همانطور که در بخش پیشین بدان اشاره شد ، حجم معاملات در نقاط تلاقی با سطوح حمایت و مقاومت تعیین کننده روند آتی قیمت است. مهم ترین روش برای شناخت رفتار و انتظارات سرمایه گذاران روی سطوح شکست ، بررسی رابطه حجم معاملات و قیمت سهم در نقطه شکست است. اگر قیمتها به سطوح حمایت و مقاومت با افزایش زیادی در حجم معاملات نفوذ کند ، دلالت بر آن دارد که انتظارات مثبتی بر قانده و قانون است.



دو ضرب المثل مهم در بازار بورس وال استریت وجود دارد:

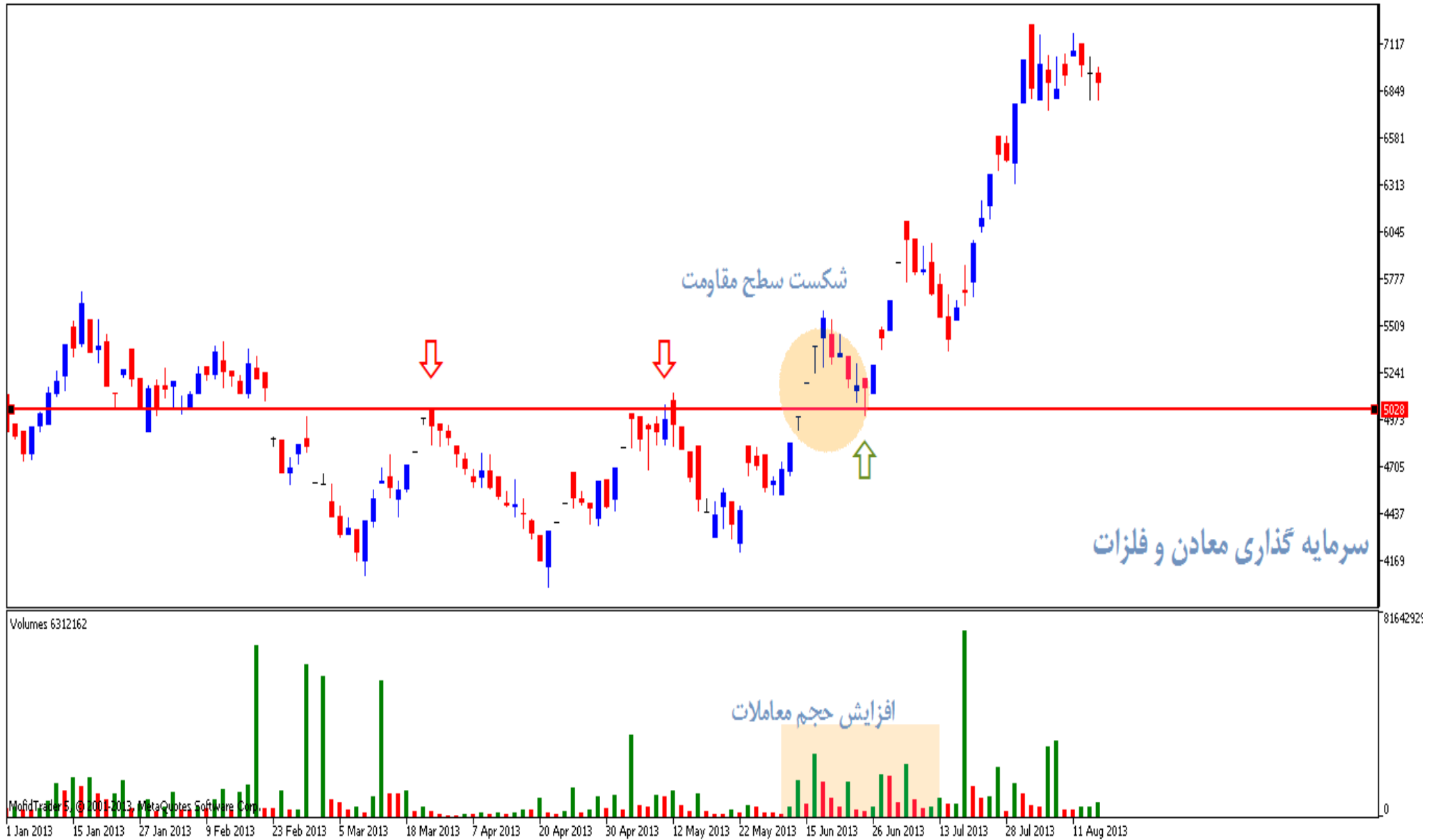
➤ این حجم معاملات است که تغییرات قیمت را به وجود می آورد.

➤ حجم معاملات در بازارهای پر رونق نسبتاً سنگین و در بازارهای راکد نسبتاً سبک است.

پشیمانی معامله گران در هنگام پایین بودن حجم معاملات سهام روی می دهد. اما اگر سطوح حمایت مقاومت با حجم میانه شکسته شود اشاره بر آن دارد که انتظارات تغییر اندکی یافته است و احتمال بازگشت قیمتها وجود دارد. اما اگر سطوح با حجم بالا شکسته شود دلالت بر افزایش انتظارات سرمایه گذاران و اطمینان از روند آتی خواهد بود. تحلیل گران رابطه بین حجم و قیمت را مورد توجه قرار می دهند. تمایل فروشندگان به عرضه در قیمت های بالاتر و تقاضای زیاد خریداران در قیمت های پایین کلیدی است که اکثر معامله گران از آن استفاده می کنند.

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

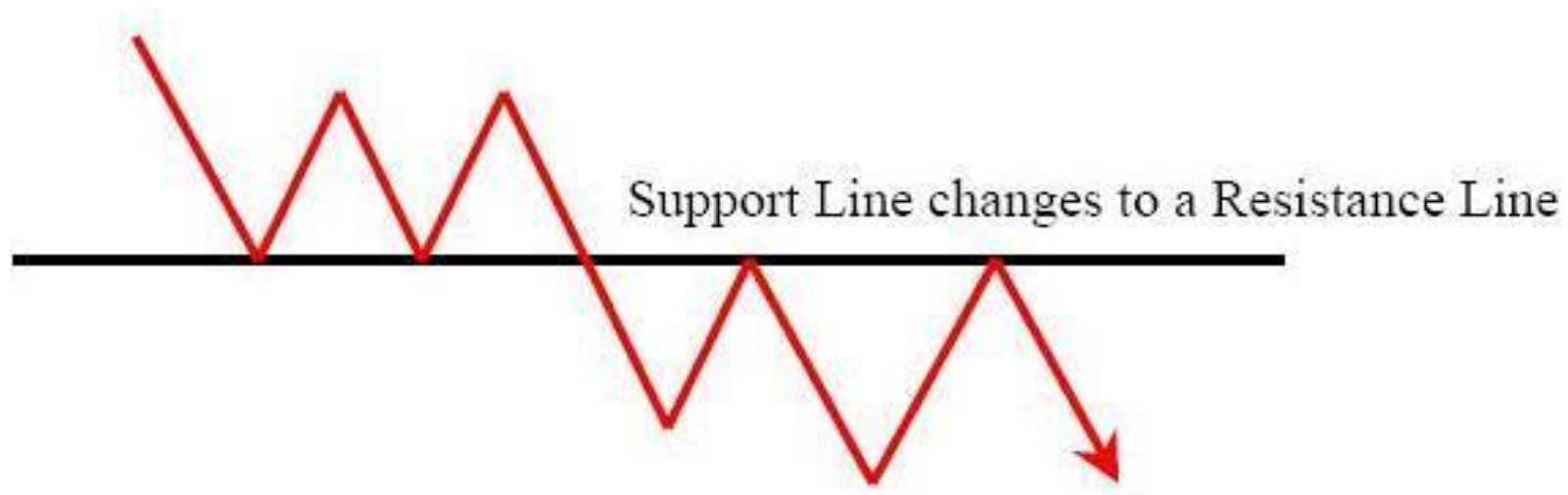




سطوح حمایت و مقاومت جا بجا می شوند

واژگونی وظایف (Role Reversal)

هر گاه قیمت‌ها به سطح مقاومت به طور کامل نفوذ کنند ، آنگاه سطح مقاومت نقش سطح حمایت را بازی می‌کند. به طور مشابه ، وقتی سطح حمایت به طور کامل شکسته شود ، آن سطح می‌تواند به عنوان سطح مقاومت مطرح گردد.



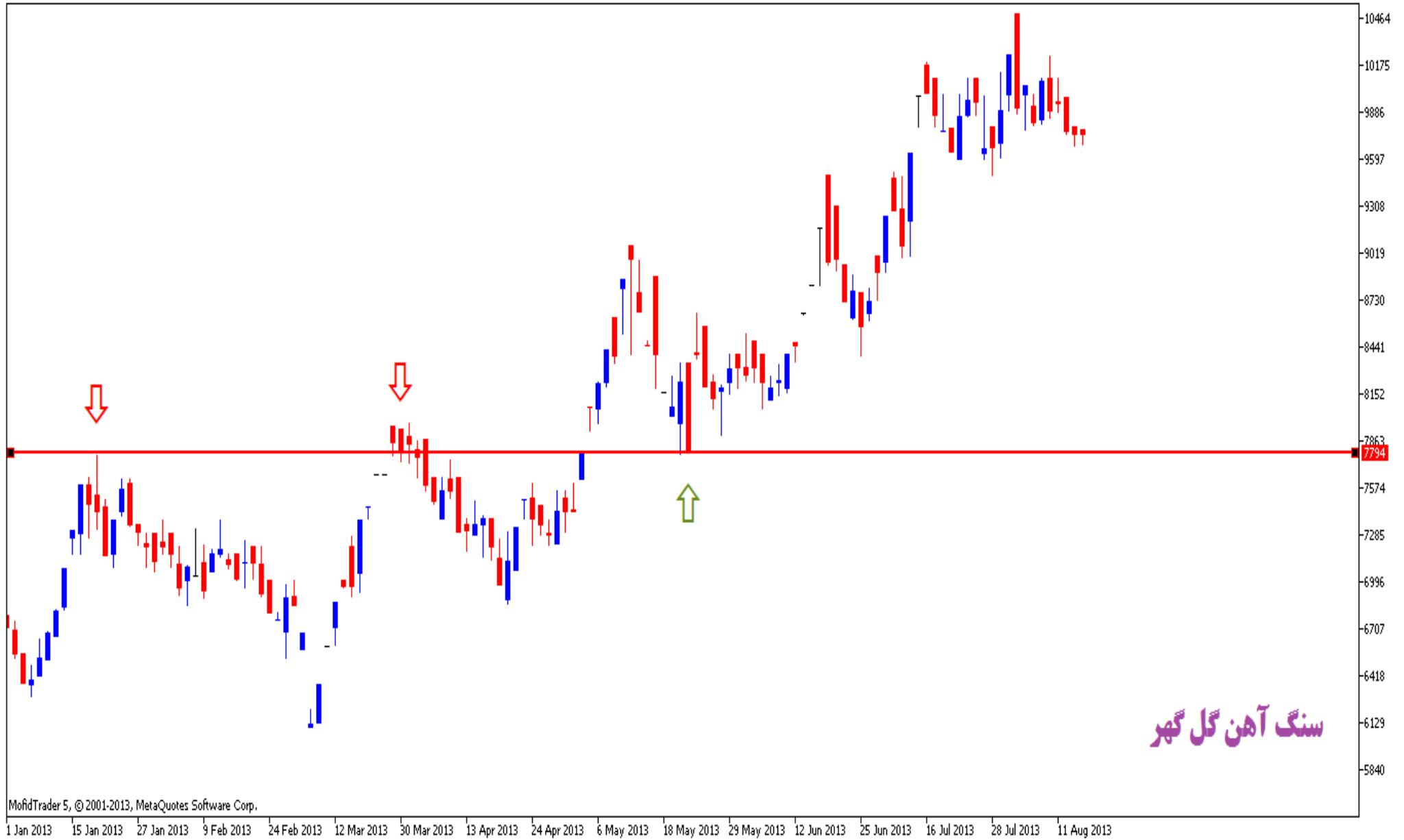
نمونه‌ای از تغییر سطح مقاومت به حمایت در نمودار شرکت ایران ترانسفو نشان داده شده است. هنگامی که قیمت به طور کامل به سطح ۱۰۹۸۴ ریالی نفوذ می‌کند ، به روند رو به رشد خود ادامه داده و هر زمان قیمت‌ها کاهش یافته (۲ بار) سطح ۱۰۹۸۴ ریال به عنوان سطح حمایت مانع از کاهش قیمت سهم شده است. سه بار قیمت سهم به سطح مقاومت معتبر و مستحکم ۱۰۹۸۴ ریال برخورد نمود. اما در برخورد چهارم موفق به شکست این سطح شد. برخی از معامله‌گران انتظار ایجاد شرایط فروش و افزایش عرضه در برخورد چهارم را دارا بودند. آن‌ها در قیمت‌های ۱۰۹۸۴ ریال فروشنده سهام بودند ، اما با افزایش قیمت به بالای سطح **اندوهگین** شدند و

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

فروشنده‌های پیشین اکنون به حامیان قیمت سهم در این محدوده مبدل شده‌اند. به طوری که دو بار از قیمت سهم در سطح ۱۰۹۸۴ ریال حمایت کرده‌اند. نمونه‌هایی از این رخداد در بازار بورس ایران به طور مکرر قابل مشاهده است.



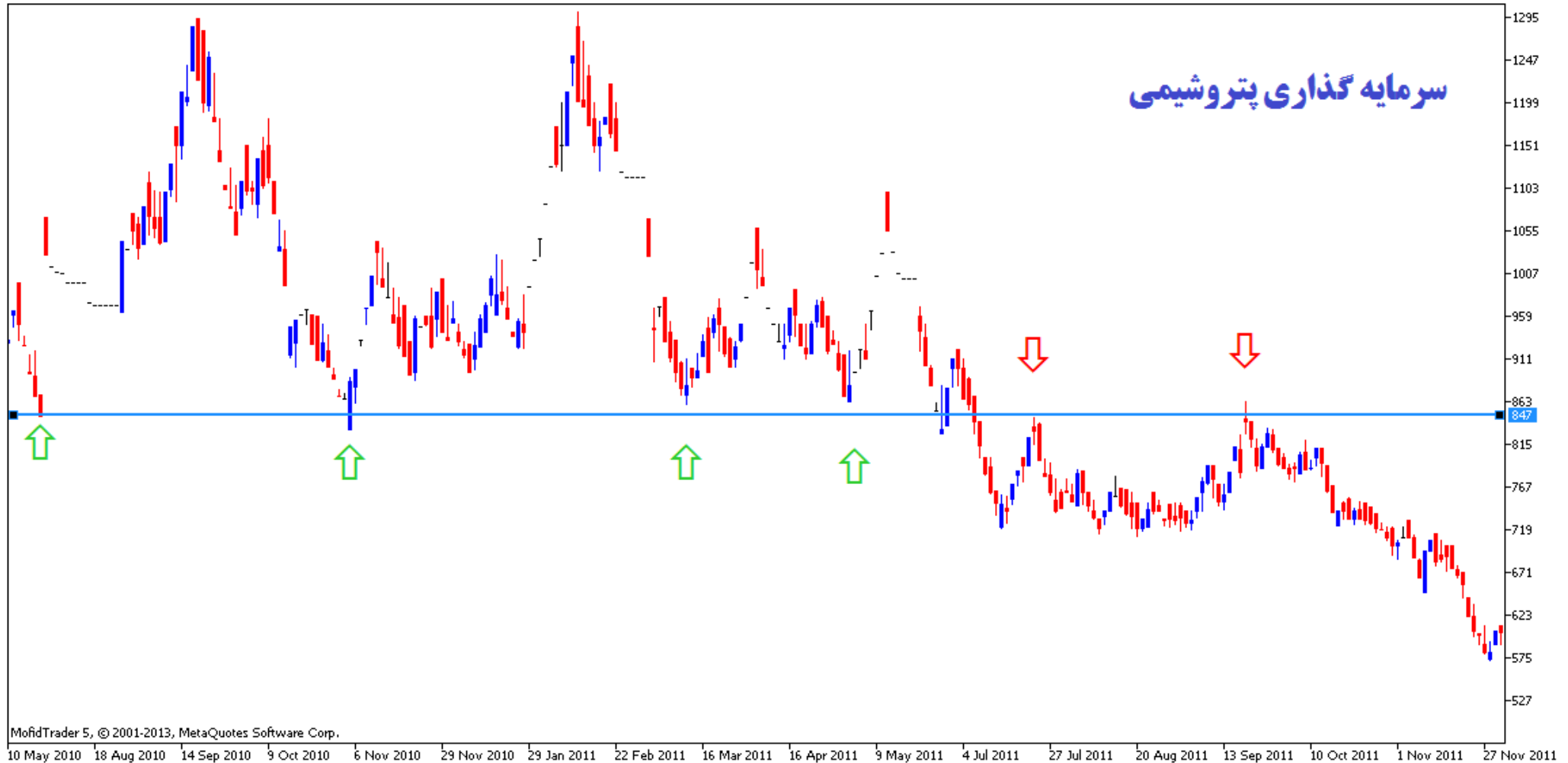
Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



سنگ آهن گل گهر

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

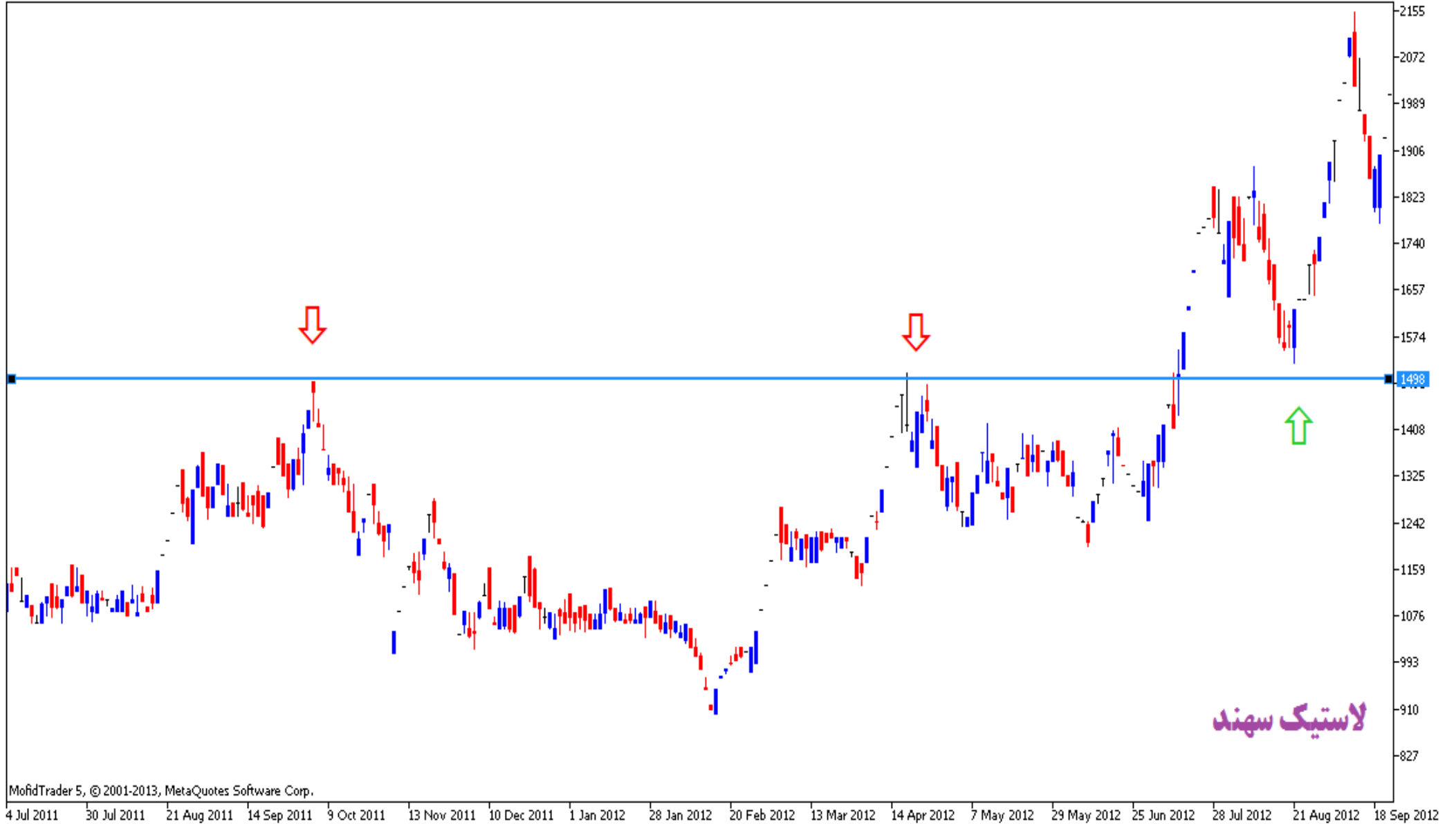
نمودار زیر مربوط به شرکت سرمایه گذاری پتروشیمی است. حمایتی معتبر و مستحکم در سطح ۸۴۷ ریال برای قیمت سهام شرکت وجود داشته است. با یک دوره رشد و افت قیمت سهم و نفوذ آن به سطح ۸۴۷ ریال، سطح حمایت تغییر ماهیت داده و به سطح مقاومتی معتبر تبدیل می شود.



وقتی قیمتها به زیر سطح حمایت سقوط می کند ، آن سطح اغلب به سطح مقاومت تبدیل می شود. هر زمان قیمتها به سطح حمایت قبلی نزدیک می شوند ، سرمایه گذاران زیانشان را محدود می کنند و دست به فروش سهم می زنند. شکست سطح حمایت می تواند در نتیجه انتشار اخبار منفی صورت گیرد.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

در هر حال برای اینکه یک واژگونی (معکوس سازی) واقعی رخ دهد ، حتماً باید قیمت سهام یک حرکت قوی یا جهش بزرگ از سطوح مقاومت و حمایت داشته باشد.



جمع‌بندی

ما تا آنجایی که ممکن بود به تشریح عملکرد قیمت، انتظارات سرمایه‌گذار، و حمایت و مقاومت پرداختیم. از تجربه همکاری با سرمایه‌گذاران به این نتیجه رسیده‌ایم که اغلب سرمایه‌گذاران می‌توانند با توجه به عوامل اصلی ایجاد تغییرات در قیمت سهام یعنی: انتظارات سرمایه‌گذاران و عرضه / تقاضا عملکرد خود را بهبود ببخشند. آنچه در ادامه آمده است خلاصه‌ای کوتاه در مورد مفهوم حمایت / مقاومت است:

- قیمت سهام نشان دهنده ارزش بازاری منصفانه‌ای است که مورد موافقت خریداران (مثبت نگرها) و فروشندگان (منفی نگرها) است.
- تغییر در قیمت سهام نتیجه تغییر در انتظارات سرمایه‌گذاران در مورد قیمت آتی سهم است.
- سطح حمایت وقتی به وجود می‌آید که اتفاق آرا بر این است که قیمت پایین‌تر نمی‌رود. این نقطه‌ای است که در آن تعداد خریداران از فروشندگان بیشتر است.
- سطح مقاومت وقتی به وجود می‌آید که اتفاق آرا بر این است که قیمت بالاتر نمی‌رود. این نقطه‌ای است که در آن تعداد فروشندگان از خریداران بیشتر است.
- گذر از سطح حمایت یا مقاومت نشان‌دهنده تغییر در انتظارات سرمایه‌گذاران و جابجایی در نمودار عرضه و تقاضا است.
- حجم معاملات برای تعیین قدرت واقعی تغییر انتظارات بکار می‌آید.
- پشیمانی معامله‌گران معمولاً در ادامه گذر از سطح حمایت یا مقاومت وقتی که قیمت دوباره به سطح قبلی برمی‌گردد رخ می‌دهد.
- زمانیکه بازار از مقاومت می‌گذرد، مقاومت به حمایت تبدیل می‌شود.
- هر چقدر قیمت سطح مقاومت و حمایت را تست کند ولی از آن نگذرد، آن سطح از حمایت یا مقاومت قویتر می‌شود.

خطوط روند (Trend Lines)

در بخش قبل دیدیم که چگونه با تغییر در رفتار و انتظارات سهامداران، **حمایت (support)** و **مقاومت (resistance)** بوجود می‌آید که نتیجه این حمایت یا مقاومت در صفهای خرید یا فروش قابل مشاهده است اینگونه تغییرات معمولاً بر پایه اخبار (و یا شایعات) استوار بوده و عموماً ناگهانی بوجود می‌آید. در این بخش، به روند تغییرات قیمت می‌پردازیم.

خطوط روند رایج‌ترین ابزار تحلیل تکنیکی هستند. روند جهت کلی و سمت و سوی قیمت است. روند از دو مؤلفه جهت و مدت تشکیل شده است. **روند، گویای یک تغییر مداوم (مثبت یا منفی) در یک دوره زمانی است (مثلاً تغییر در انتظارات و توقعات سهامداران یک شرکت).** در نمودار قیمت، کف‌ها نقاطی هستند که فشار تقاضا بر عرضه پیشی گرفته و قیمت‌ها بعد از یک دوره کاهش رو به افزایش می‌گذارند. برعکس، قله‌ها نقاطی هستند که فشار عرضه بر تقاضا پیشی گرفته و قیمت‌ها بعد از یک دوره افزایش رو به کاهش می‌گذارند.

یک دید دیگر نسبت به یک روند قیمت صعودی، بالاتر رفتن درجه حمایت سهم است. باین صورت که مثبت نگرها کنترل کننده بوده و قیمت را بسمت بالاتر رفتن هل می‌دهد. از آنجا که روند، قدرت و تمایل غالب معامله گران را در نوسانات قیمت نشان می‌دهد می‌توان انتظار داشت تا زمانی که نیرویی بیشتر از نیروی فعلی بازار و در جهت عکس به بازار وارد نشود روند ادامه داشته باشد.

هنگام مشاهده و بررسی خط روند، مفاهیمی مانند چگونگی انتظارات فعالان بازار از گذشته قیمت‌ها و یا تغییرات سطوح حمایت و مقاومت قابل مشاهده است. برای درک روند قیمت‌ها ابتدا باید با مفاهیم قله و کف آشنا شد. روندها (ترندها)، سمت و سوی حرکت قیمت در گذشته را نشان می‌دهند. **روند، تغییر ثابت در قیمت و یا تغییر انتظارات سرمایه گذاران را نمایان می‌سازد.**

روندها مجموعه‌ای از موج‌های **صعودی و نزولی** می‌باشند. در اولین نگاه می‌توان این نکته را متوجه شد که بازار هیچ زمانی دارای روند مستقیم نیست و مجموعه‌ای از شکسته شدن حمایت‌ها و مقاومت‌های گوناگون است که یک روند را تشکیل می‌دهد. قیمت‌ها فقط صعود یا سقوط نمی‌کنند بلکه اغلب اوقات در محدوده‌های باریکی حرکت می‌کنند. بنابراین، با توجه به تئوری "داو" ما می‌توانیم روندها را به سه سمت تقسیم کنیم:

➤ **صعودی (رو به بالا) - قیمت‌های افزایشی**

➤ **نزولی (رو به پایین) - قیمت‌های کاهش‌ی**

➤ **خنثی (یکطرفه) - قیمت‌ها در یک محدوده باریک هستند. بعنوان یک قاعده کلی، قیمت‌ها پیش از افزایش یا کاهش شدید تمایل به تثبیت شدن دارند.**

۱: در روند صعودی قیمت بیشتر از آنکه تمایل به تضعیف داشته باشد تمایل به تقویت و بالا رفتن دارد. در روند صعودی معقولترین کار خریدن و باقی ماندن در بازار تا تشخیص انتهای روند صعودی است. یک روند رو به رشد یک خط با شیب مثبت است که از وصل کردن دو یا چند نقطه حداقل (نسبی) بدست می‌آید. نقطه حداقل دوم باید بالاتر از حداقل اول باشد تا شیب خط مثبت شود. روندهای رو به بالا بصورت حمایت عمل می‌کنند و نشاندهنده اینست که تقاضای خالص با بالا رفتن قیمت افزایش می‌یابد. وقتی با بالا رفتن قیمت سهم تقاضا نیز افزایش پیدا کند، سهم رشد زیادی خواهد داشت و نشان از اراده خریداران سهم دارد. تا زمانی که قیمت سهم بالای خط روند باقی بماند روند مثبت، محکم و بدون تغییر باقی می‌ماند. یک شکست قیمت به زیر خط روند مثبت، نشاندهنده ضعیف شدن تقاضای خالص بوده و احتمال تغییر در روند را باید در نظر گرفت.

۲: در روند نزولی قیمت بیشتر از آنکه تمایل به تقویت داشته باشد تمایل به تضعیف و پایین آمدن دارد. در روند نزولی معقولترین کار فروختن و باقی ماندن در بازار تا تشخیص انتهای روند نزولی است. (در بازارهای یک طرفه فروختن به معنی بی معامله ماندن و نظاره کردن می‌باشد) یک روند نزولی خطی با شیب منفی است که از وصل کردن دو یا چند نقطه حداکثر (نسبی) بدست می‌آید. نقطه حداکثر دوم باید پایین‌تر از نقطه اول باشد تا خطی با شیب منفی را تشکیل دهد. روند منفی مقاومت عمل کرده و نشاندهنده افزایش در عرضه خالص علی‌رغم افت قیمت سهم است. وقتی افت قیمت همزمان با افزایش عرضه اتفاق می‌افتد شاهد افت در سهم بوده و این موضوع حکایت از تصمیم راسخ سهامداران بر فروش سهم دارد. تا زمانی که قیمت‌ها زیر خط روند قرار دارند روند بدون تغییر و ثابت در نظر گرفته می‌شود. یک شکست ناگهانی در قیمت و بالاتر رفتن قیمت از خط روند نشاندهنده کم شدن عرضه خالص بوده و باید احتمال تغییر در روند قیمت سهم را در نظر داشت.

۳: روند خنثی بیان کننده قدرت برابر خریداران و فروشندگان در زمانی خاص است. عموماً آنچه در روند خنثی دیده می‌شود در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر تلفیقی از روندهای صعودی و نزولی می‌باشد و در بازه‌های زمانی بلند مدت روند خنثی، خود جزئی از یک روند دیگر می‌باشد. در روندهای خنثی یا معامله گر باید تا زمان چیرگی قدرت یکی از گروه خریداران یا فروشندگان نظاره گر باشد و یا از روندهای کوچک صعودی و نزولی بازار منتفع شود.

در ابتدا، تشخیص روند صعودی یا نزولی بازار و قوت و ضعف روند غالب اهمیت زیادی دارد. در پایه ای ترین شکل یک خط روند رو به بالا از کف واضحترین منطقه حمایتی (دره‌ها) قابل تشخیص کشیده می‌شود. در یک روند رو به پایین، خط روند از سقف واضحترین منطقه مقاومتی قابل تشخیص (قله‌ها) کشیده می‌شود.

تقسیم بندی روندها (ترندها) به لحاظ زمانی

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

غیر از جهت قیمت، طول مدت روند نیز حائز اهمیت می‌باشد. تا به حال تعریف غالبی برای تقسیم بندی زمانی روندها، بین تریدرها وجود نداشته اما تقسیم بندی غالب به سه دسته اشاره دارد ۱: روند بلند مدت ۲: روند میان مدت ۳: روند کوتاه مدت

- برای این تقسیم بندی روند بلند مدت را بیش از شش ماه یا یکسال در نظر می‌گیرند.
- روند میان مدت را بیش از یک ماه تا شش ماه در نظر می‌گیرند .
- روند کوتاه مدت را روندهای دارای زمان کمتر از یک ماه در نظر می‌گیرند.

نکته دیگر در مورد روندها، حرکات موجی شکل آنها است. هر روند در بازه زمانی خاص خود تشکیل شده از چند روند کوچکتر و در بازه زمانی بزرگتر جزئی از موج روند بزرگتر می‌باشد. بنابراین وقتی صحبت از روند به میان می‌آید تعیین بازه زمانی روند نیز حائز اهمیت می‌باشد.

۱. روند صعودی (افزایشی)

روند افزایشی سهم در نتیجه بالا رفتن قیمت‌ها از **نقاط پایینی به صورت پی در پی** بوجود می‌آید. پس از افزایش پیوسته قیمت سهم از سطوح پایین در طول زمان نقاط بالا و بالاتری شکل می‌گیرد. از بهم پیوستن نقاط پایینی خط روند افزایشی شکل می‌گیرد. خط روند صعودی خط صافی است که انتهای حفره‌های قیمتی را به همدیگر متصل می‌کند (دومی باید بالاتر از اولی باشد) و از شیب مثبت و رو به بالا برخوردار است. خط روند مثبت بر روی انواع نمودارها اعم از خطی، میله‌ای و شمعی کاربرد دارد. روند صعودی یعنی اینکه هر کفی بالاتر از کف قبلی، و هر سقفی بالاتر از سقف قبلی است، در این حالت **خط روند بین کف‌ها رسم می‌شود**.

در روند افزایشی پس از اتصال نقاط پایینی، به همدیگر خطی شکل می‌گیرد که نقش سطح حمایت را ایفا می‌کند. در روندهای افزایشی پدید آمدن موج‌های برگشتی کوتاه به پایین امری طبیعی است. در مجموع خرده موج‌ها از ابتدای موج پیشین پایین‌تر نمی‌روند. واضح است خط روندی که فقط بین **دو نقطه** رسم شود نسبت به خط روندی که بین **سه نقطه** یا بیشتر رسم شود اعتبار کمتری دارد.



Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



Technical Analysis – تحلیل تکنیکال





۲. روند نزولی (کاهشی)

روند کاهشی سهم در نتیجه پایین آمدن قیمتها از **نقاط بالایی** به صورت پی در پی بوجود می‌آید. روند نزولی یعنی اینکه هر کفی پایین‌تر از کف قبلی و هر سقفی پایین‌تر از سقف قبلی باشد. پس از کاهش پیوسته قیمت سهم از سطوح بالا در طول زمان نقاط پایین و پایین‌تری شکل می‌گیرد. در روندهای کاهشی پدید آمدن موجهای برگشتی کوتاه به سمت بالا امری طبیعی است. در مجموع خرده موجها از ابتدای موج پیشین بالاتر نمی‌روند.

در روند کاهشی پس از اتصال نقاط بالائی به همدیگر خطی شکل می‌گیرد که نقش **سطح مقاومت** را ایفا می‌کند. در این حالت، خط روند با استفاده از بالاترین نقاط رسم می‌شود. یک روند کاهشی می‌تواند از کاهش قیمت در سطح مقاومت سرچشمه گیرد، به طوری که وضعیت فروشندگی کنترل را به دست می‌گیرد و فروشندگان بر پایین آمدن سطح قیمتها فشار می‌آورند.





نمودار زیر مربوط به شرکت مهندسی ساختمان تاسیسات راه آهن است که قیمتها نقاط پایین و پایین تری را می سازند. روند کاهشی سهم بیش از ۱۱ ماه به طول انجامید.



۳. روند خنثی

روند خنثی به روندی اطلاق می‌شود که در آن **قیمت‌ها به طور نسبی در یک دامنه محدودی نوسان می‌کند** و افزایش و کاهش قیمت سهم در کانالی بین دو سطح حمایت و مقاومت در جریان باشد. تغییرات ثابت قیمت سهام هنگامی اتفاق می‌افتد که انتظارات خاصی از سوی شرکت کنندگان بازار ایجاد نشده است. نمونه‌ای از روند خنثی در نمودار زیر نشان داده شده است. به مدت هفت ماه تغییرات قیمت سهام شرکت سرمایه گذاری بوعلی در بین دو سطح حمایت و مقاومت محدوده شده است. معامله گران انتظارات محدودی از این سهم را برای خود متصور بودند و روند خنثی سهم در محدوده قیمتی ۴۱۹ و ۳۳۹ ریال شکل گرفت. قیمت‌ها هر بار به سطح ۳۳۹ ریال نزدیک می‌شدند با تلاش خریداران به سطح مقاومت ۴۱۹ ریال هدایت می‌شدند.



اصول کار با خط روند و نحوه رسم و درجه اهمیت طریقه رسم خط روند

۱. جهت کلی روند را شناسایی کنید.

۲. در روند صعودی بین انتهای دو کف (چاله) و در روند نزولی از بالاترین نقطه دو سقف (قله) خطی مستقیم رسم کنید.

۳. خط روندی که توسط قیمت شکسته شود فاقد اعتبار بوده و بایستی خط روند جدید ترسیم گردد.

۴. جهت تأیید اعتبار خط روند، بایستی قیمت دستکم سه بار خط روند را لمس و از آن جدا شده باشد.

برای رسم خط روند نیاز به **دو یا چند** نقطه داریم. هر چقدر تعداد نقاط رسم خط روند بیشتر باشد اعتبار و درستی درجه حمایت (یا مقاومت) مربوط به خط روند بیشتر اثبات می شود. بعضی مواقع ممکن است یافتن بیش از ۲ نقطه برای رسم خط روند دشوار باشد. علی رغم کاربردی و کلیدی بودن خطوط روند در تحلیل تکنیکال، همیشه امکان رسم خط روند روی هر نمودار قیمتی وجود ندارد. گاهی اوقات مینیممها یا ماکزیممها با همدیگر جور نیستند و اینطور مواقع بهتر است خط روند رسم نگردد، بجای اینکه به اجبار خط روند اشتباهی رسم کنیم. **قاعده اصلی در رسم خط روند این است که با دو نقطه خط رسم می شود و نقطه سوم برای تأیید اعتبار خط روند بکار می آید**

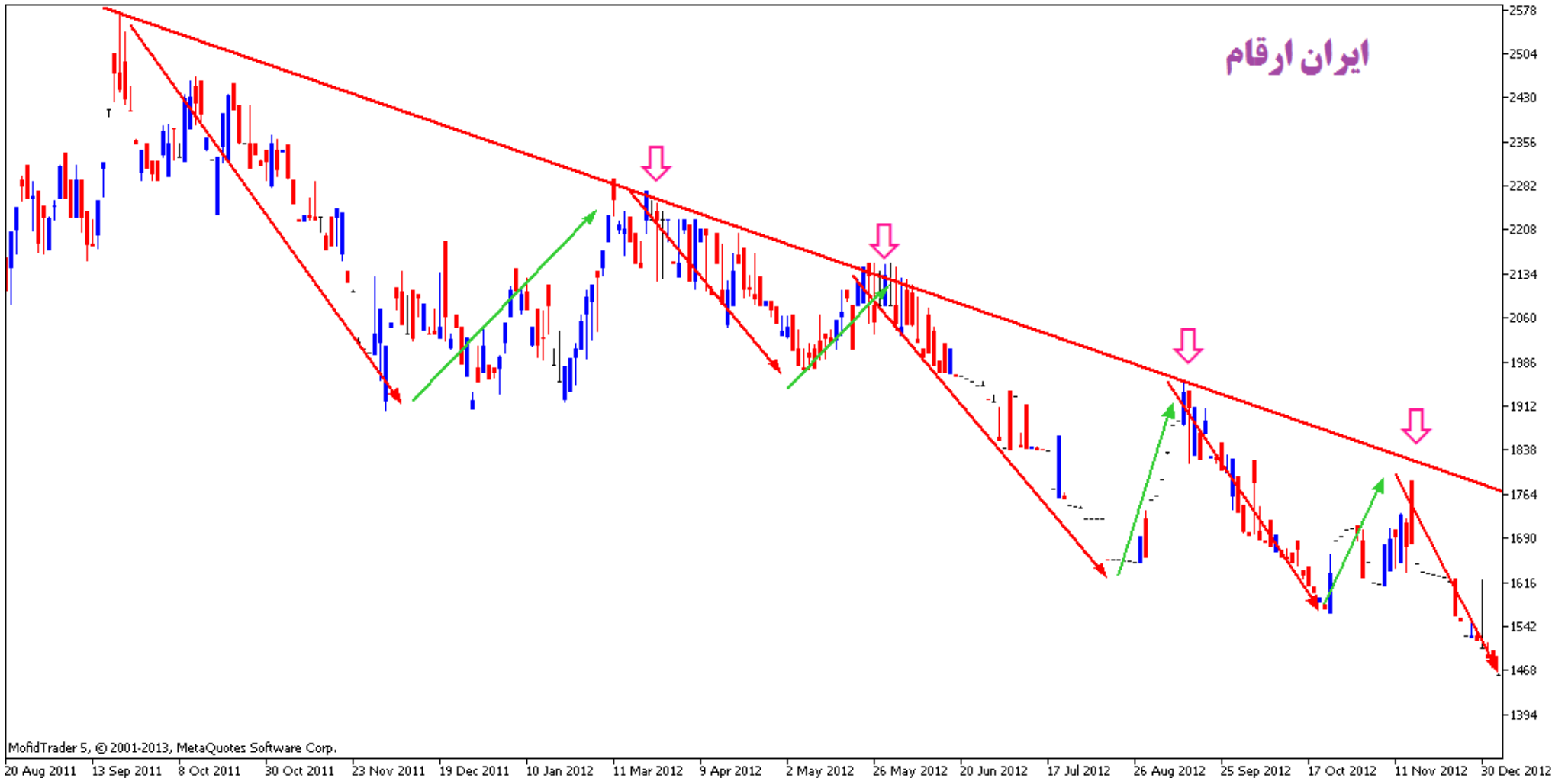
همانطور که در گذشته اشاره شد روندها مجموعه ای از پیشی گرفتن موجهای یک جهت قیمت بر جهت مقابل می باشد.

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

اگر به شکل زیر دقت کنید می‌بینید که روند صعودی مجموعه‌ای از روندهای کوچک‌تر می‌باشد که مجموع و اندازه روندهای نزولی، کوچک‌تر از روندهای صعودی می‌باشد. از همین رو روند غالب صعودی است. به بیانی دیگر شاهد آن هستیم که در روند صعودی مقاومت‌های جدید بالاتر از مقاومت‌های قبل از خود هستند اما قیمت در خطوط حمایت به حمایت قبل از خود نمی‌رسد. عکس این حالت برای روند نزولی تعریف می‌شود.



تا زمانی که در یک روند صعودی قرار داریم دره‌های قیمت (حمایت‌ها) نباید به قیمت پایین‌تر از حمایت قبلی برسد و در روند نزولی قله‌های قیمت (مقاومت‌ها) نباید به قیمت بالاتر از مقاومت قبلی برسد. این نکته مهم‌ترین اصل تشخیص و بکارگیری روند می‌باشد. در صورتی که **قله‌ها یا دره‌ها به موج قبل خود برسند** در اصل بیان‌کننده این هستند که یا **شیب روند غالب کم شده یا آن روند پایان یافته و روند معکوس جدیدی** در پیش داریم.



۱. برای ترسیم یک روند صعودی حداقل دو دره قیمت (حمایت) را به یکدیگر متصل می‌کنیم و تا زمانی که قیمت از امتداد این خط ترسیمی عبور نکند روند صعودی می‌ماند.
 ۲. برای ترسیم یک روند نزولی حداقل دو قله قیمت (مقاومت) را به یکدیگر متصل می‌کنیم و تا زمانی که قیمت از امتداد این خط ترسیمی عبور نکند روند نزولی می‌ماند.
- اعتبار یک روند را تعداد دفعات برخورد قیمت با خط روند ، میزان زمان باقی ماندن قیمت در روند و شیب روند تعیین می‌کند و در صورتی که هر کدام از سه پارامتر بالا بیشتر و بزرگتر باشد اطمینان کردن به روند غالب اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

شکسته شدن خطوط روند

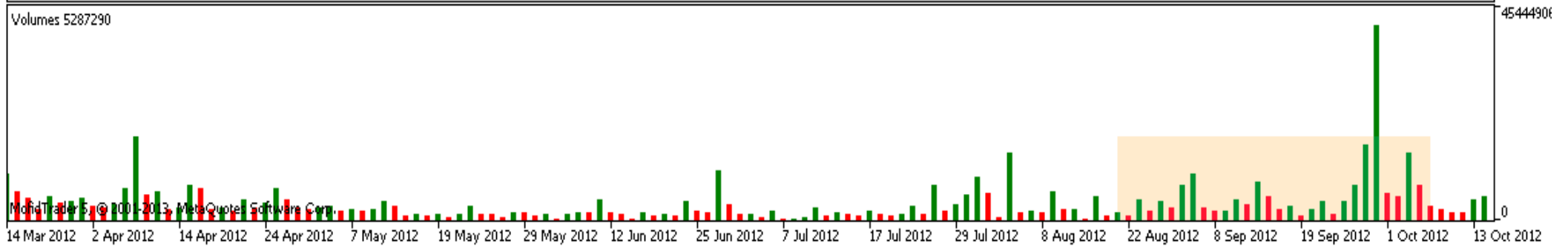
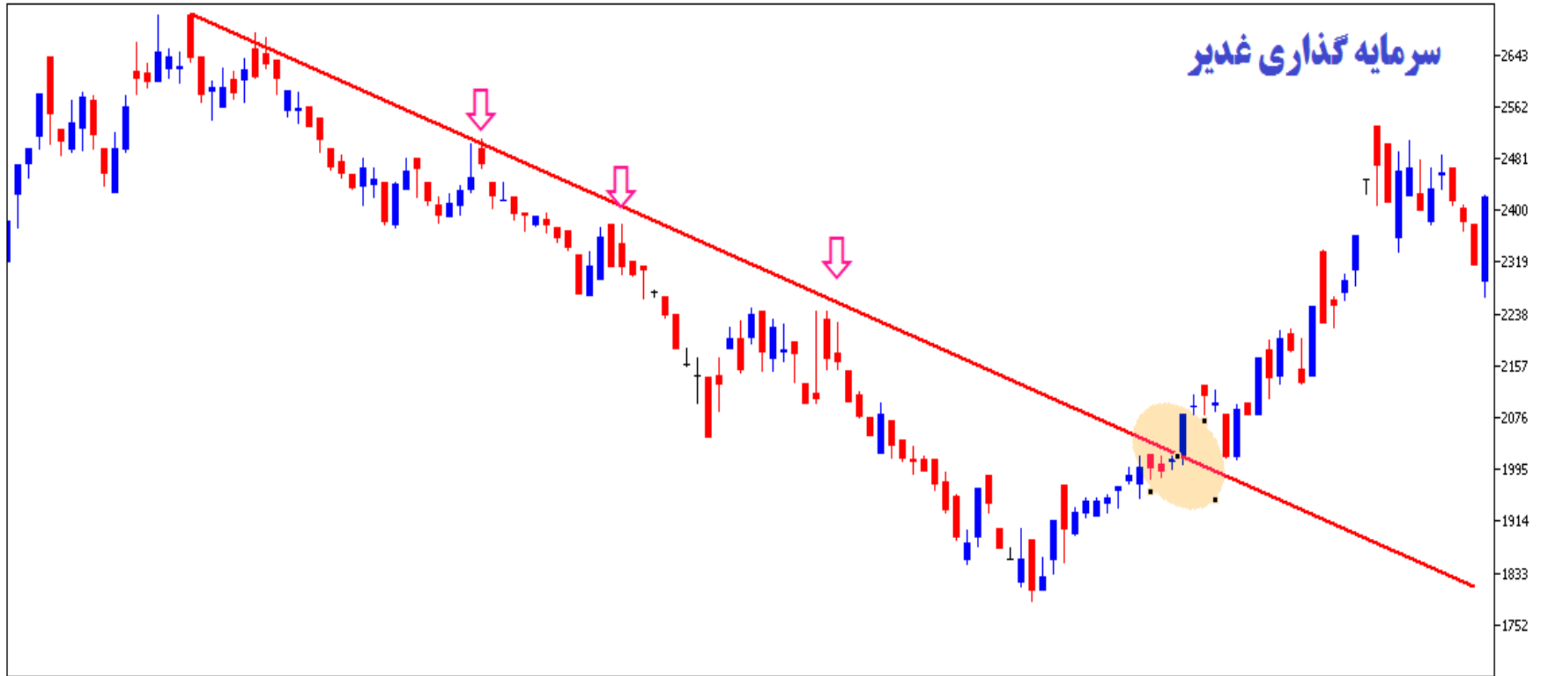
همانطور که قیمت‌ها به واسطه تغییر انتظارات، در سطوح حمایت و مقاومت نفوذ می‌کنند، می‌توانند در خطوط فرضی روندهای افزایشی یا کاهششی نیز، نفوذ نمایند (تغییر روند). برای اینکه بدانیم خط روند شکسته شده است یا خیر از دو فیلتر استفاده می‌شود، اول فیلتر قیمت است و دوم فیلتر زمان، از هر دوی این‌ها و هم ترکیب اینها نیز می‌توان استفاده کرد.



برای فیلتر قیمت از **قانون نفوذ ۳٪ قیمت پایانی** استفاده می‌شود به این معنی که برای اینکه خط روند شکسته شود بایستی قیمت پایانی ۳٪ به داخل خط روند نفوذ کند. البته این قانون ۳٪ برای روندهای بلند مدت است و برای روندهای کوتاه مدت می‌بایستی از درصدهای کوچکتر ۱٪ یا ۲٪ استفاده کرد. در مورد فیلتر زمان، هنگامی که قیمت پایانی **دو روز متوالی از خط روند عبور کند** شکسته شده تلقی می‌شود. فیلتر زمان و فیلتر قیمت برای حمایت و مقاومت‌ها نیز کاربرد دارد. **در زمان شکست سطح مقاومت در روند نزولی حجم معاملات افزایشی و در زمان شکست سطح حمایت در روند صعودی حجم معاملات کاهش می‌یابد.**



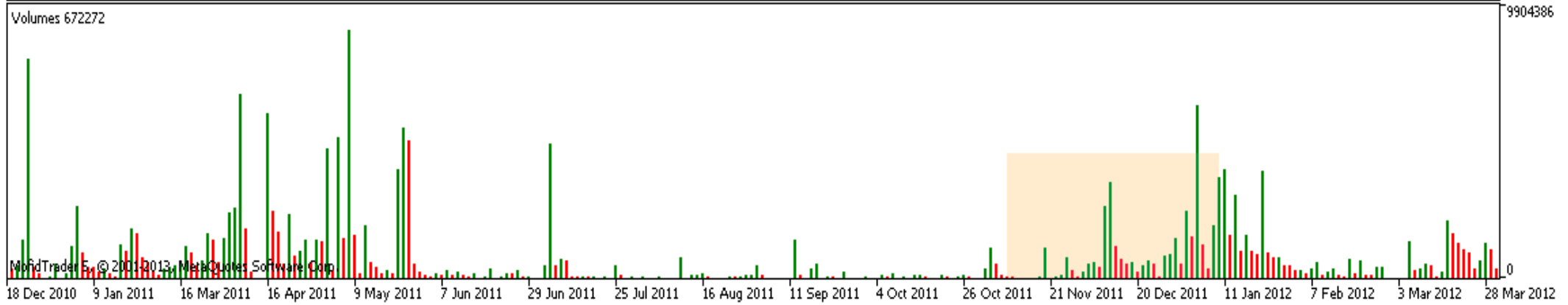
هرگاه خط روند شکسته شود ، آن را می توان به عنوان **علامتی از تغییر روند سهم** در نظر گرفت. توجه کنید در **نقطه شکست خط روند نزولی حجم معاملات سهم به شدت افزایش می یابد.** افزایش سهم مورد معامله تأیید می کند که روند کاهشی سهم دست نخورده نخواهد ماند.



Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



پتروشیمی اراک



MtFidTrader 5. © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis



MofidTrader 5, © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.

آ.س.پ



Bulkowski در تحقیقات خود در زمینه میزان افت قیمت پس از شکست خط روند افزایشی به این نتیجه رسید که افت ارزش سهام به طور متوسط **۱۶٪ تا ۱۸٪** خواهد بود. این میزان افت در زمانی رخ می‌دهد که قیمت (۴ بار یا کمتر) خط روند را لمس کرده باشد.



در نمودار ۲۴ ماهه شرکت سرمایه گذاری سرمایه گذاری ایران خودرو خروج قیمت‌ها در پی شکست سطح حمایت ۱۶۸۱ ریالی مشاهده می‌شود که نشان دهنده تغییر انتظارات سرمایه گذاران بر اثر افزایش قابلیت سود آوری (تعدیل مثبت EPS) است. خروج قیمت‌ها از کانال نشان می‌دهد که روند کنونی دچار تغییر خواهد شد.

سیگنال‌های خرید و فروش در تحلیل روند قیمت‌ها

همیشه به یاد داشته باشید **روندهای ابدی نیستند و برای همیشه عمر نمی کنند**. این یک اصل اساسی در شناخت و مطالعه خطوط روند است. با توجه به نمودارهای مختلف کاملاً مشخص می شود که هیچ روندی ابدی نیست و در واقع روزهای خوش و یا بد پایان پذیر است. در روندهای کاهشی معمولاً معامله گران تا زمان شکست خط روند نزولی و برگشت قیمت با حجم معاملات زیاد، استراتژی صبر و نظاره بازار را انتخاب می کنند.

سیگنال خرید در روند افزایشی



زمانی که روند قیمت‌ها افزایشی است می توان از خط روند برای مشخص کردن زمان مناسب برای خرید نماد مورد نظر استفاده کرد. به این ترتیب، زمان مناسب برای ارسال سفارش خرید زمانی است که منحنی قیمت به خط روند نزدیک شده یا روی آن قرار گرفته است. معامله گران برای اطمینان بیشتر ممکن است ابتدا کمی صبر کنند تا منحنی قیمت بعد از برخورد با خط روند به سمت بالا حرکت کند سپس اقدام به ارسال سفارش خرید نمایند.

پتروشیمی اراک



MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

14 Aug 2011 7 Sep 2011 2 Oct 2011 24 Oct 2011 19 Nov 2011 18 Dec 2011 9 Jan 2012 5 Feb 2012 28 Feb 2012 26 Mar 2012 22 Apr 2012 11 Jun 2012 7 Jul 2012 29 Jul 2012 22 Aug 2012 19 Sep 2012 13 Oct 2012

سیگنال فروش در روند کاهشی

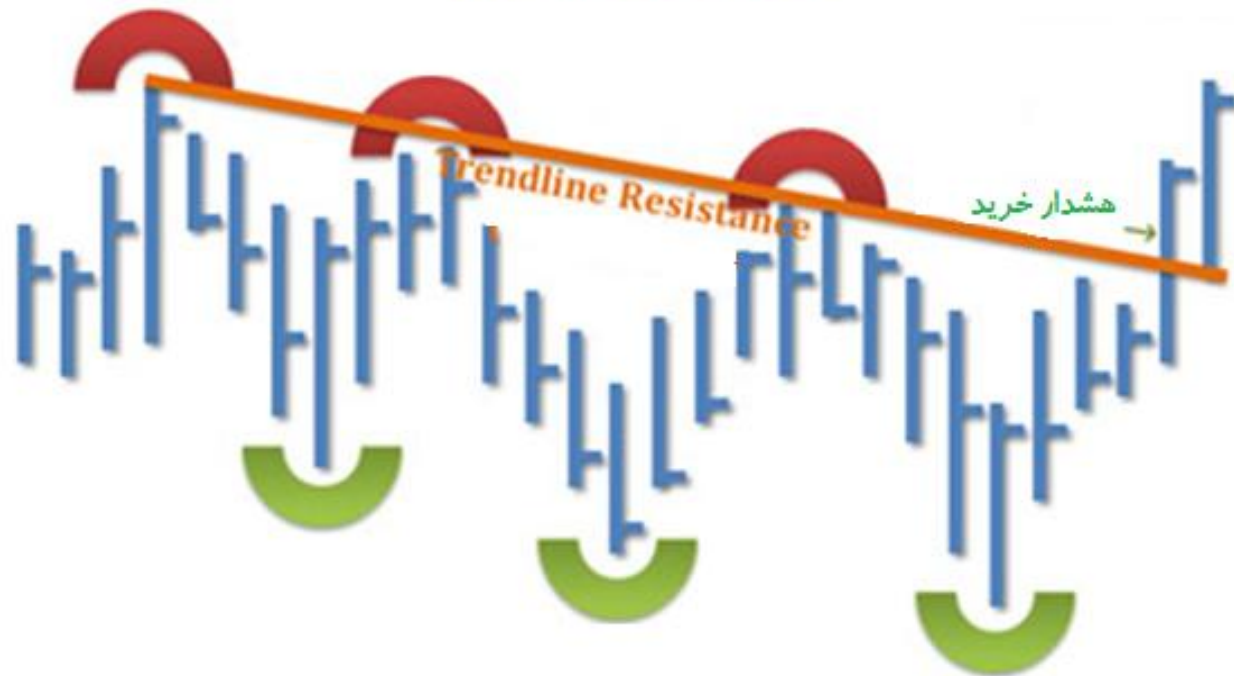
ابتدا توصیه می‌شود در روندهای نزولی سیاست صبر و انتظار تا زمان شکسته شدن خط روند نزولی را در پیش بگیرید. اما در صورتی که به اشتباه در روند نزولی سهم خریدید زمان مناسب برای ارسال سفارش فروش زمانی است که منحنی قیمت به خط روند نزدیک شده یا روی آن قرار گرفته است. معامله گران برای اطمینان بیشتر ممکن است ابتدا کمی صبر کنند تا منحنی قیمت بعد از برخورد با خط روند به سمت پایین حرکت کند سپس اقدام به ارسال سفارش فروش نمایند.



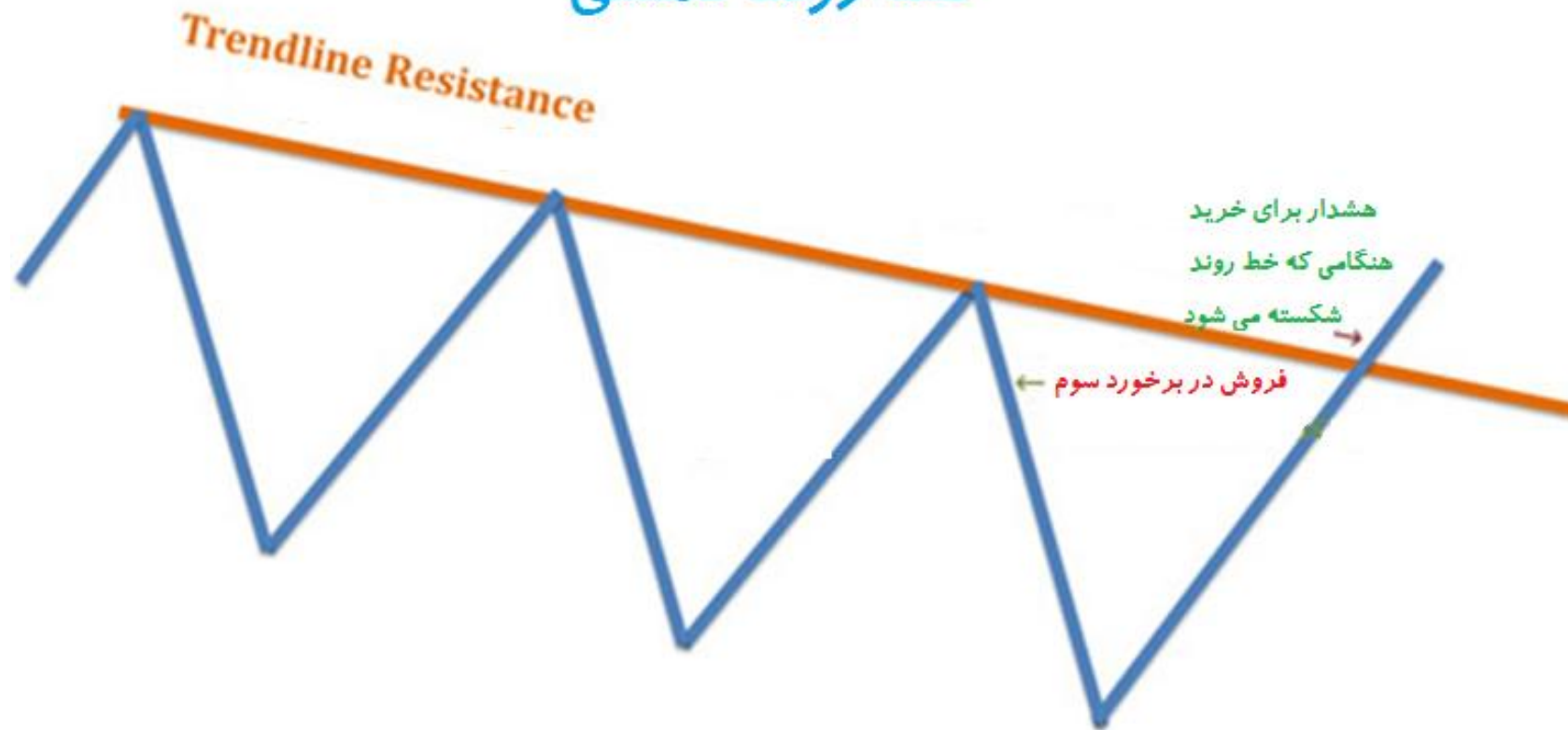
سیگنال‌های تغییر روند بازار

عبور منحنی قیمت از خط روند یکی از نشانه‌های تغییر احتمالی روند بازار است که در اصطلاح به آن شکسته شدن خط روند می‌گویند. برای مثال، در یک روند افزایشی، عبور منحنی قیمت از روی خط روند به سمت پایین نشانه تغییر احتمالی روند قیمت‌ها و آغاز شدن روند کاهشی است. برعکس، در یک روند کاهشی، عبور منحنی قیمت از روی خط روند به سمت بالا نشانه تغییر احتمالی روند قیمت‌ها و آغاز شدن روند افزایشی است. در روندهای افزایشی هنگامی که در سطح حمایت اقدام به خرید سهم نمودید، در صورت شکسته شدن خط روند، برخورد قبلی را سطح ضرر محسوب کرده و برای جلوگیری از زیان بیشتر در صورتی که به بازگشت روند اطمینان ندارید سهم خود را بفروشید.

خط روند کاهشی



خط روند کاهشی



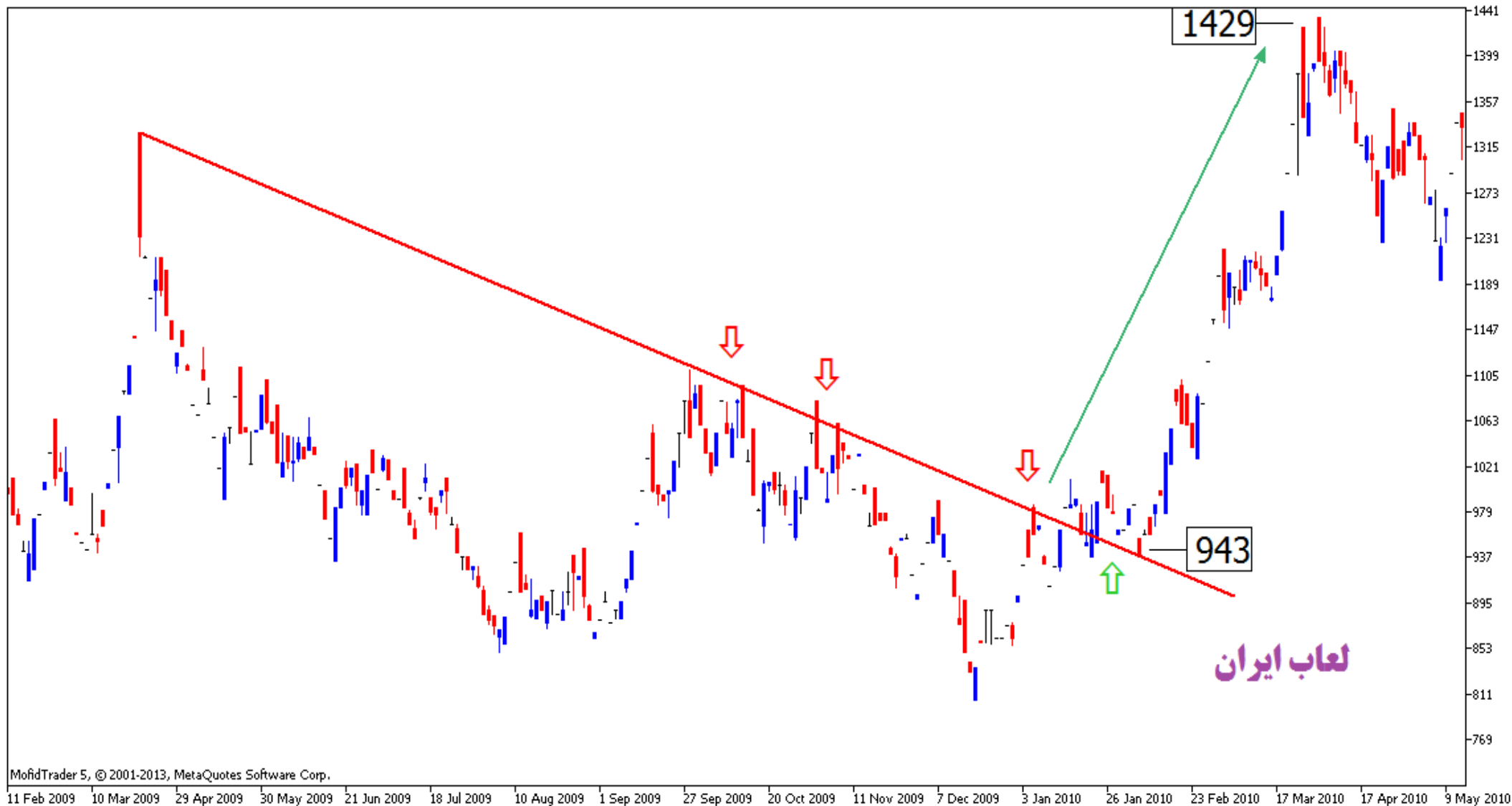
تکین کو



MofidTrader 5, © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.

15 Nov 2010 8 Dec 2010 5 Jan 2011 30 Jan 2011 23 Feb 2011 27 Mar 2011 19 Apr 2011 15 May 2011 15 Jun 2011 10 Jul 2011 3 Aug 2011 28 Aug 2011 20 Sep 2011 15 Oct 2011 6 Nov 2011 30 Nov 2011 27 Dec 2011 21 Jan 2012

تحليل تکنیکال – Technical Analysis





Bulkowski در سال ۲۰۰۵ طی تحقیقی گسترده در زمینه تغییرات قیمت پس از شکسته شدن خط روند نزولی به این نتیجه رسید که شکست سطح مقاومت به طور متوسط یک افزایش ۳۳٪ در برخورد سوم، ۳۸٪ در برخورد چهارم و ۵۷٪ در برخورد پنجم ایجاد می‌نماید.

اهداف قیمت در زمان شکست خط روند

bulkowski برای محاسبه هدف قیمت پس از شکست روند صعودی ، استفاده از فرمول زیر را پیشنهاد نموده است:

$(\text{Breakout Price} - ((\text{Highest High} - \text{Trendline Support Price at time of Highest High}) * 63\%$

قیمت شکست - ((بالاترین قله قیمت - قیمت سطح حمایت در زمان بالاترین قیمت) × ۶۳٪)

همچنین برای محاسبه هدف قیمت پس از شکست روند نزولی فرمول زیر پیشنهاد شده است :

$\text{Breakout Price} + ((\text{Trendline Resistance Price at time of Lowest Low} - \text{Lowest Low}) * 80\%$

قیمت شکست + ((پایین ترین حفره - قیمت سطح مقاومت در زمان پایین ترین قیمت) × ۸۰٪)

روندها قدرت تشخیص مناسبی به تحلیل گر می‌بخشند، ولی اگر درست و بموقع بکار برده نشوند می‌تواند نتیجه عکس داده و اخطارهای خرید و فروش غلط اعلام کند! عوامل تحلیلی دیگری همچون درجات حمایت/مقاومت یا تحلیل فراز/نشیب(رونق و رکود) نیز باید بکار گرفته شوند تا بتوان به شکستگی و تغییر شیب خطوط روند اعتماد کرد. با وجود اینکه خطوط روند ، مشخصه عمومی و اصلی تحلیل تکنیکی هستند ولی بندرت بعنوان تنها ابزار برای تحلیل و بررسی روند قیمت سهم و اعتبار سنجی روندها بکار می‌روند. **خطوط روند نباید بعنوان ابزار قضاوت نهایی بکار روند، بلکه بعنوان اخطارهایی درباره احتمال تغییر روند قیمت بکار گرفته می‌شوند.** تحلیل گر با استفاده از خطوط روند بعنوان ابزار تشخیص شکستگی و تغییر روند قیمت ، می‌تواند بصورت دقیق‌تر، دیگر علائم و نشانه‌های تغییر بالقوه در قیمت سهم را بررسی کند.

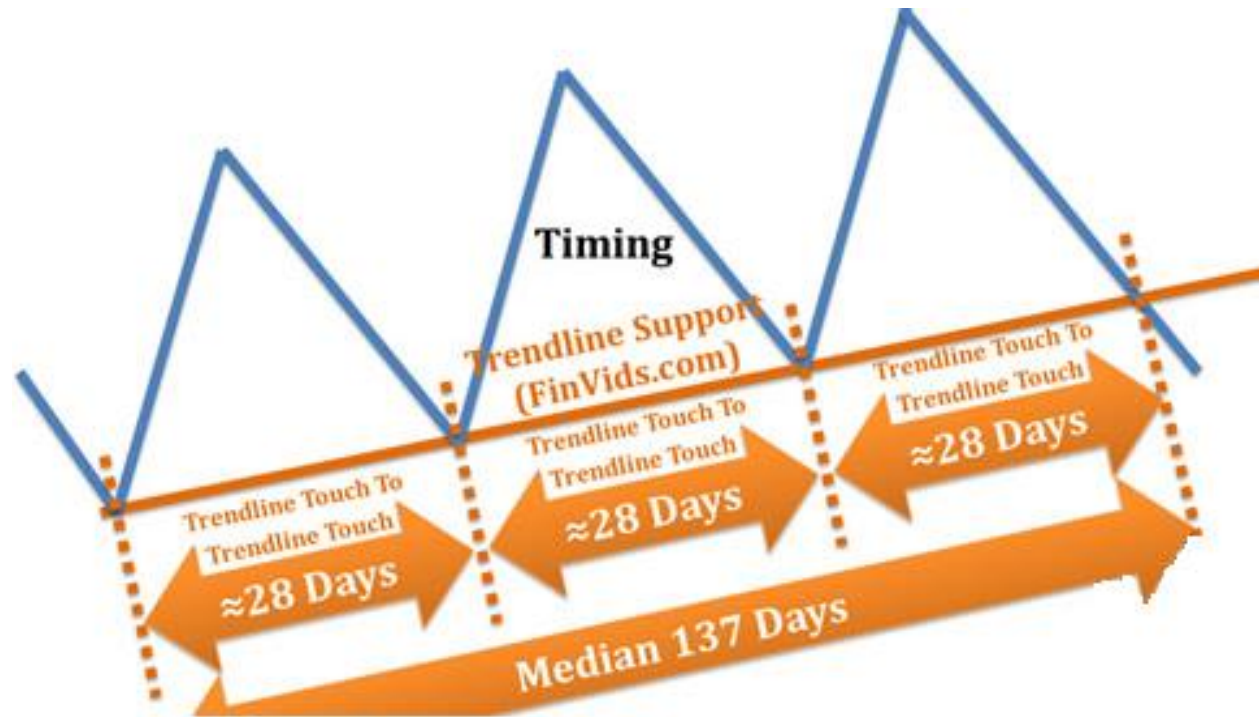
تشخیص اعتبار خطوط روند

- فواصل نقاط رسم خطوط روند
- زاویه و شیب روند
- حجم معاملات روند
- تعداد دفعات برخورد

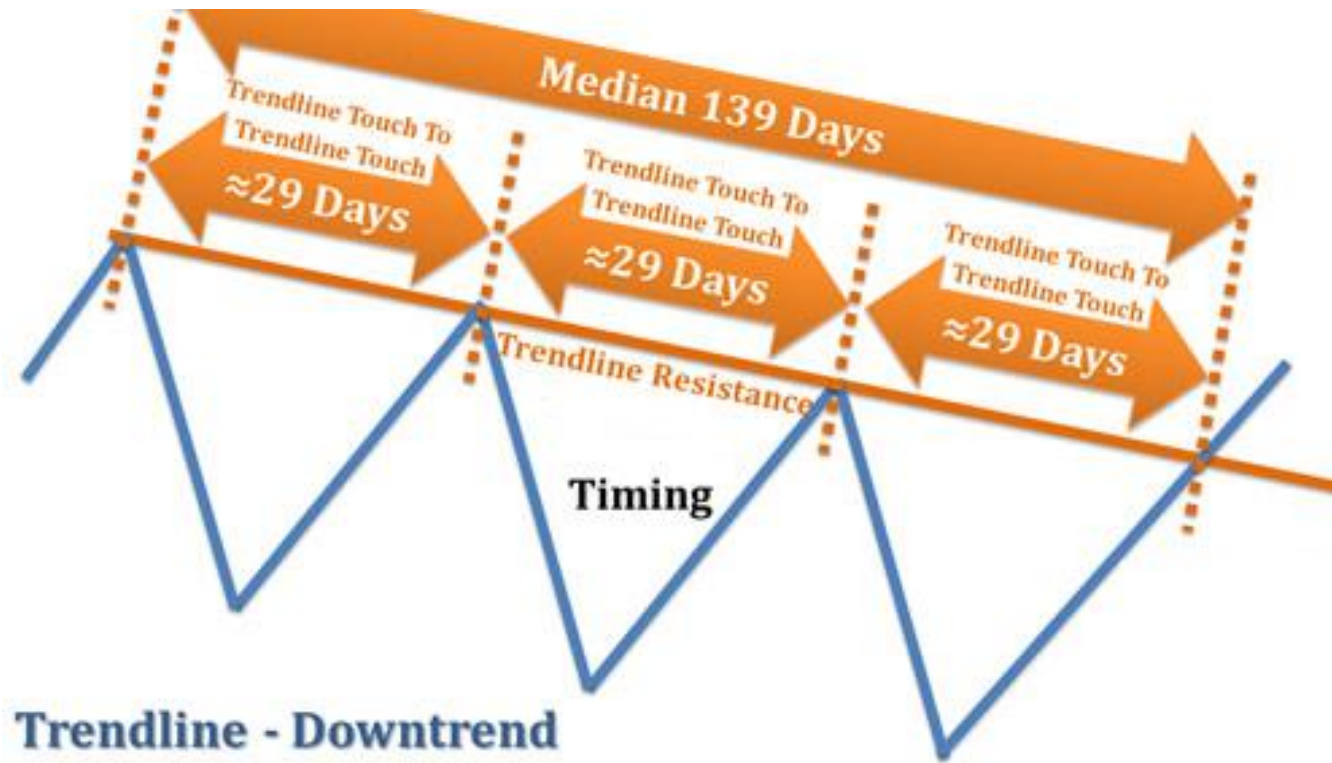
فواصل نقاط رسم خطوط روند

همانطور که گفته شد نقاط حداکثر ، خطوط روند نزولی را تشکیل می دهند و نقاط حداقل خط روند صعودی را رسم می کنند. **این نقاط حداکثر یا حداقل نباید خیلی از هم دور یا نسبت به هم نزدیک باشند.** فاصله مناسب بین این نقاط ، توسط عواملی از این قبیل تشخیص داده می شوند: **مقیاس زمانی رسم نمودار، محدوده تغییرات قیمت و نظرات شخصی تحلیل گر.** اگر دو نقطه حداقلی خیلی به هم نزدیک باشند، اعتبار عکس العمل مینیمم (یعنی ماکزیمم بعدی) زیر سؤال می رود (یعنی نمی توان مطمئن بود این حداقل باعث بوجود آمدن حداکثر قابل توجهی در آینده بشود، در حالیکه اگر خط روند معتبر و قابل اتکا باشد، اتفاق افتادن این موضوع تقریباً اجتناب ناپذیر است). اگر دو نقطه حداقلی از هم بسیار دور باشند ارتباط مابین این دو نقطه حداقل مشکوک و غیر قابل اتکا است. یک خط روند ایده آل و قابل اعتماد از تعدادی نقطه حداقل (یا حداکثر) با فواصل زمانی منطقی که بصورت هموار و پی در پی خط روندی را تشکیل می دهند. برای روند نزولی، متوسط ۲۹ روز است و برای خط روند صعودی، متوسط ۲۸ روز است.

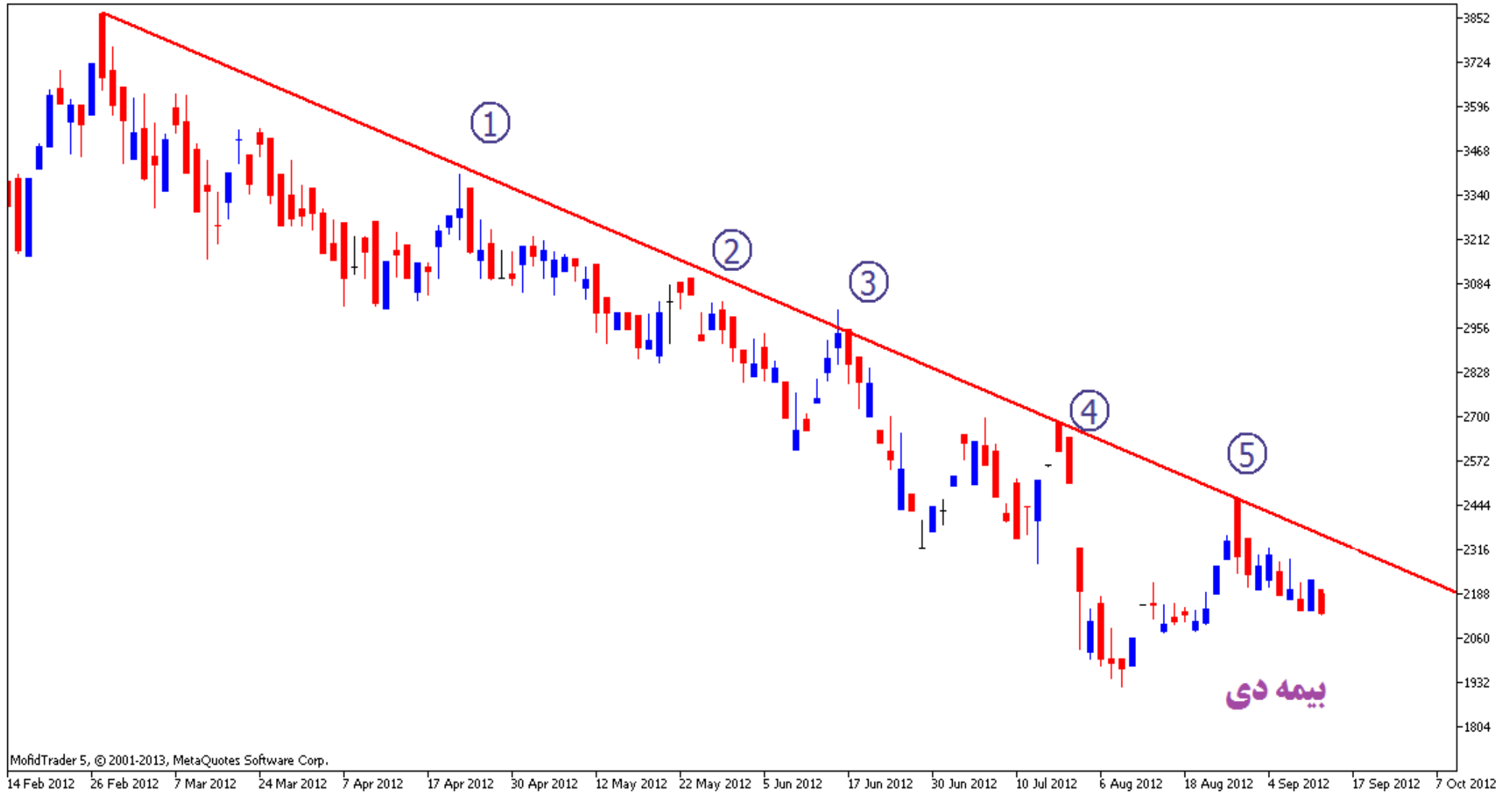
اعتبار خطوط روند طولانی تر به طور معمول کاهش می یابد و شکستها قوی و افت شدید قیمت محتمل است. زمان متوسط برای پشتیبانی از خطوط روند افزایشی ۱۳۷ روز است ، برای خطوط روند کاهشی ۱۳۹ روز است.



پژوهش Bulkowski در سال ۲۰۰۵ در زمینه اعتبار سنجی خطوط روند حاکی از آن است که فاصله زمانی بین لمس خط روند با زمان بندی متوسط حدود ۲۸ روز است بنابراین مجموع روزهای روند افزایشی قبل از شکست از ۱۳۷ روز می باشد.

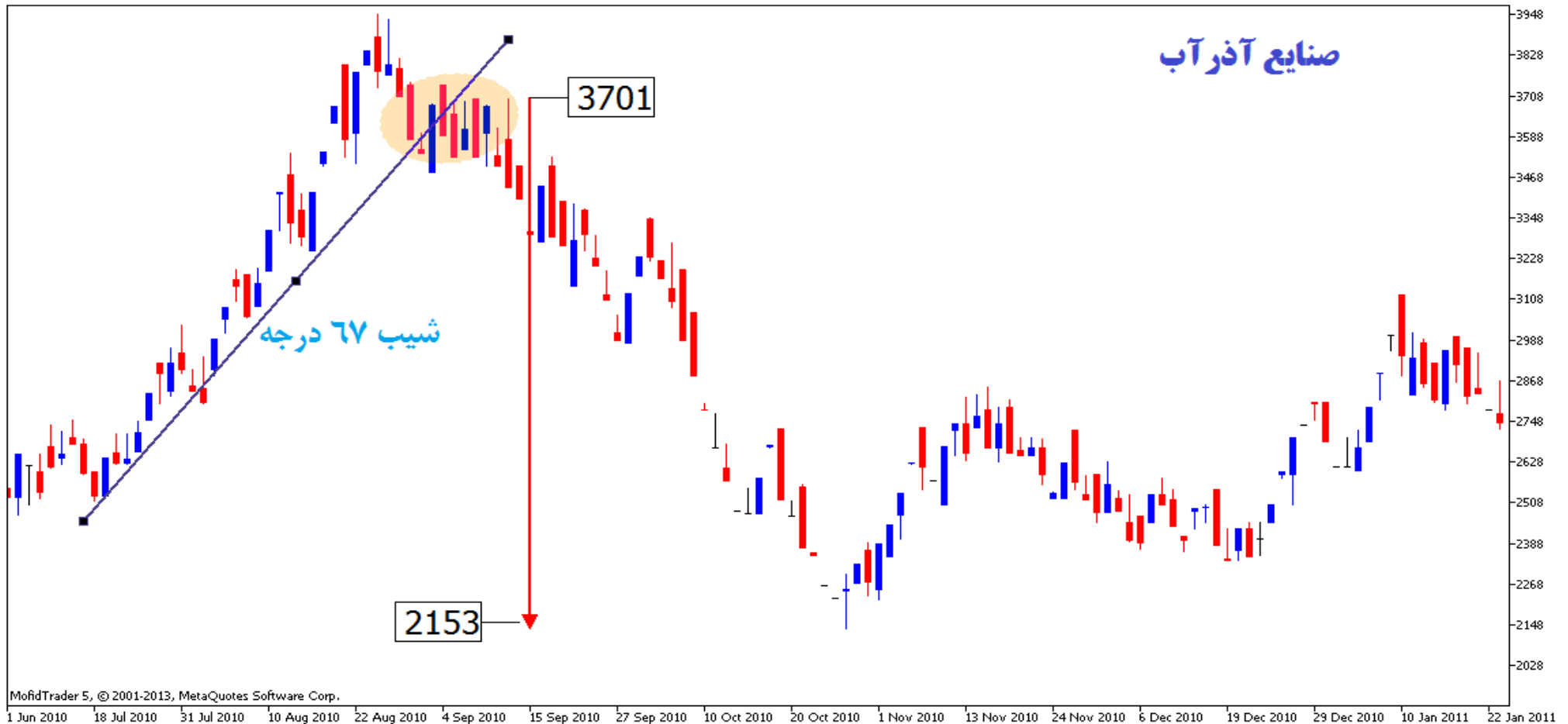


پژوهش Bulkowski در سال ۲۰۰۵ در زمینه اعتبار سنجی خطوط روند حاکی از آن است که فاصله زمانی بین لمس خط روند با زمان بندی متوسط حدود ۲۹ روز است بنابراین مجموع روزهای روند افزایشی قبل از شکست از ۱۳۹ روز می‌باشد.



زوايا و شیبها در خطوط روند

هر چقدر شیب خطوط روند بیشتر شود (قیمت با روند تندتری تغییر کند) از اعتبار درجه حمایت یا مقاومت کاسته می‌شود. پایدارترین روندها، روندهایی هستند که در آن تغییرات قیمتها به صورت یک واحد قیمت در یک واحد زمان باشد. به عبارت دیگر با شیب ۴۵ درجه. یک خط روند تند حاصل از یک جهش (یا افت) ناگهانی در یک بازه کوتاه زمانی است. خط روند بوجود آمده بدلیل اینگونه تغییرات ناگهانی، بعید است که یک خط حمایت یا مقاومت معنی دار و قابل اعتماد را مشخص کند. حتی اگر سه نقطه معتبر وجود داشته باشند که خطی با شیب به این تند را بعنوان یک خط حمایت یا مقاومت معرفی کند باز هم بسختی می‌توان به آن اطمینان کرد.



در نمودار بالا شاهد افت ۴۲٪ قیمت سهام شرکت صنایع آذر آب هستیم. قیمت سهم پس از ۴ بار برخورد با خط روند و سطح حمایت با شکست خط روند افت می‌کند. خط روندهایی که در فواصل زمانی کوتاه مدت ایجاد شوند **غالباً عمر کوتاهی داشته و بزودی شکسته می‌شوند.**

تایم فریم و مقیاس در بررسی نمودار قیمت

راه دیگری برای واضحتر کردن نمودار، استفاده از تایم فریم‌های متفاوت یعنی نمودارهای هفتگی و ماهانه یا حتی سالانه است. در نمودار هفتگی اطلاعات همه شمع‌های یک هفته در یک شمع جا داده می‌شود. در ماهانه و سالانه نیز هر شمع نشانه کل تغییرات یک ماه یا یک سال است. نمودار روزانه را برای یک سال گذشته به کار می‌برند. معمولاً تا حدود ۳ سال گذشته را از نمودار هفتگی و تا ۱۰ سال را از نمودار ماهانه استفاده می‌کنند. از آنجایی که بورس ما جوان است، نمودارهای سالانه کاربردی ندارد. اما بطور کلی قانون خاصی را نباید وضع کرد که مثلاً نمودار ۲ ساله باید هفتگی باشد و نمی‌توان آن را روزانه بررسی کرد. روند قیمت‌ها در تایم فریم‌ها ممکن است هم ناهمخوانی نداشته باشند. میانگین متحرک در تایم فریم روزانه سیگنال خرید می‌دهد اما در تایم فریم ۱ ساعته سیگنال فروش. چه باید کرد؟

آماتورها ساده‌ترین کار را انجام می‌دهند: تنها با یک تایم فریم کار می‌کنند.

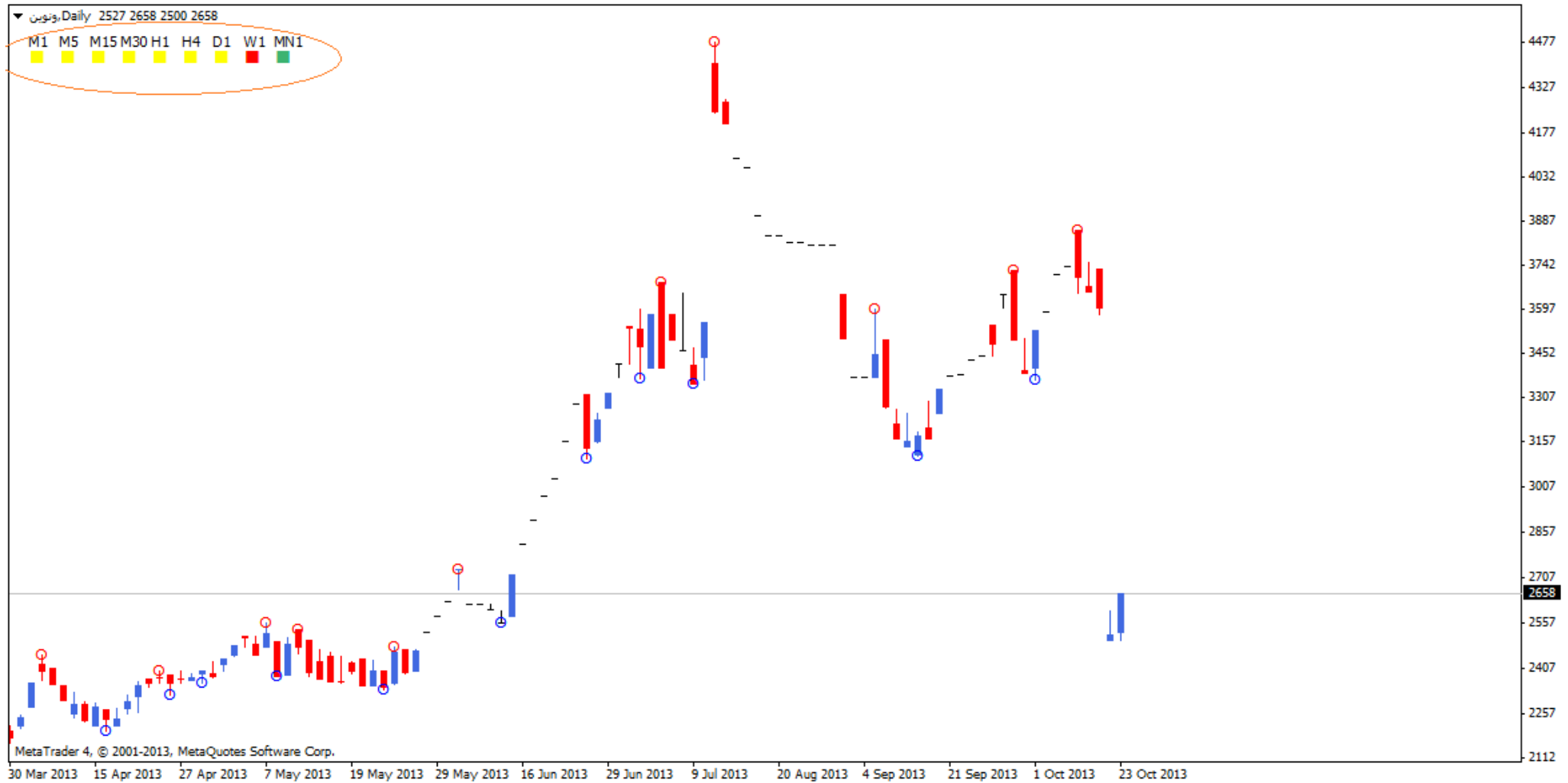
یکی از روشها برای بررسی وسیعتر بازار، سیستم سه صفحه‌ای است. در این سیستم به جای بررسی تنها یک تایم فریم ترکیبی از سه تایم فریم است به این شکل که : تایم فریمی را که با آن بسیار راحتید انتخاب کنید (صفحه میانی). این صفحه اول شماس است. برای مثال روزانه. سپس تایم فریم‌های هفتگی و ماهانه. در تایم فریم بلند مدت جهت بازار را پیدا می‌کنیم و با کمک دو تایم فریم دیگر زمان دقیق ورود به موقعیت خرید یا فروش را. اکثر تحلیل گران معتقدند وجود روند در تایم‌های بالاتر ریسک معامله در تایم‌های کوچک‌تر را کاهش می‌دهد. زیرا روند در تایم فریم‌های بالاتر فرضاً هفتگی و ماهانه بیانگر دیدگاه کلی‌تر سرمایه گذاران و انتظارات آنها از قیمت‌های آینده سهام است.

کاربرد تایم فریم‌های بزرگ برای معامله گران کوتاه مدت در چند مورد است :

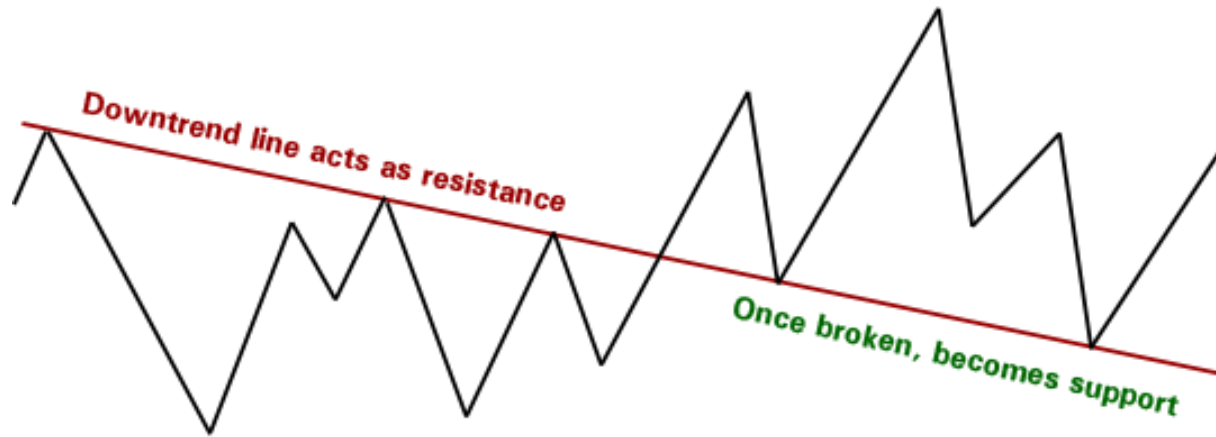
۱. سطوح حمایت و مقاومت در تایم فریم‌های هفتگی و ماهیانه بسیار قابل تأمل بوده و باید در هرگونه تحلیلی مد نظر قرار گیرد .

۲. شناسایی روند غالب در این تایم فریم‌ها به ما کمک می‌کند تا در خصوص مدت زمان نگهداری سهام، بهتر تصمیم بگیریم. اگر روندی اکیداً یک جهته (مثلاً در تایم هفتگی) مشاهده گردد، می‌توان معاملات تایم فریم‌های کوچکتر را که در همان جهت طراحی شده‌اند، با هدف گسترش سود باز نگه داشت.

اندیکاتور GG-TrendBar که در متاتریدر ۴ قابل استفاده می‌باشد، با سه رنگ سبز، زرد و قرمز وضعیت سایر تایم فریم‌های قیمتی نمودار را نشان می‌دهد.



سطوح حمایت و مقاومت جابجا می‌شوند
واژگونی وظایف (Role Reversal)



تعویض نقش خط روند هنگام شکسته شدن

هنگامی که یک خط روند شکسته می‌شود نقشش عوض می‌شود به این معنی که مثلاً هنگامی که یک خط روند صعودی شکسته می‌شود از نقش اصلی خود (حمایت) تبدیل به مقاومت می‌شود و همینطور بالعکس برای خط روند نزولی.

نکته: هنگامی که یک خط روند شکسته می‌شود رایج است (نه همیشه) که مجدداً به خط روند شکسته شده‌ی خود بر می‌گردد و آن را لمس می‌کند و بر می‌گردد.

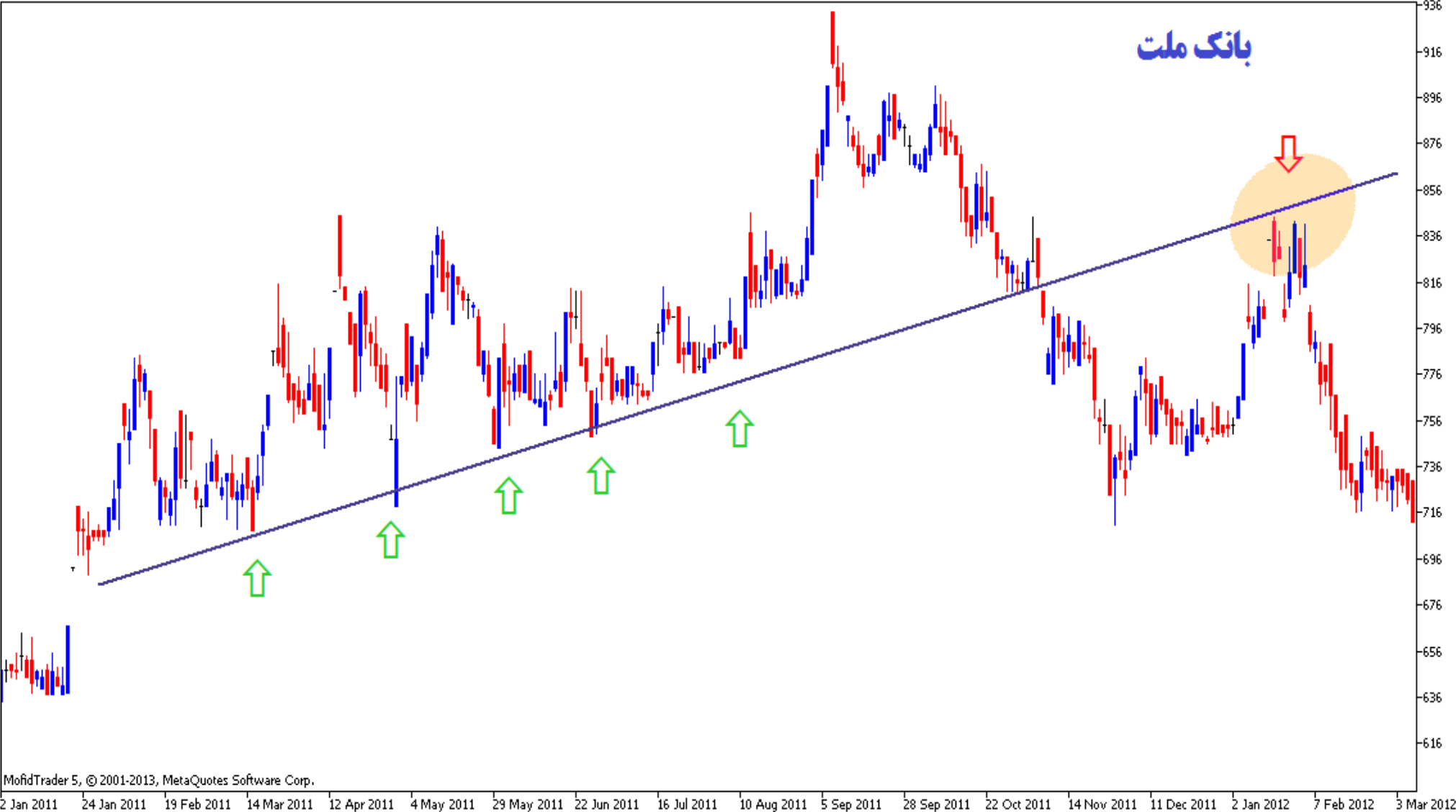
نکته: این احتمال نیز وجود دارد که قیمت خط شکسته شده را بار دیگر نیز بشکند در این صورت به نکته بعدی خواهیم رسید:

نکته مهم: خط روندی که از میان قیمت عبور کند هیچ اعتباری ندارد.

هر گاه قیمت‌ها به سطح مقاومت به طور کامل نفوذ کنند ، آنگاه سطح مقاومت نقش سطح حمایت را بازی می‌کند. به طور مشابه ، وقتی سطح حمایت به طور کامل شکسته شود ، آن سطح می‌تواند به عنوان سطح مقاومت مطرح گردد.

نمونه‌ای از تغییر سطح حمایت به مقاومت در نمودار شرکت همراه اول نشان داده شده است.





Break Out

سیگنال Break Out یکی از سیگنالهای قابل اعتماد زمان شکست سطوح حمایت یا مقاومت می باشد. هنگامی که یکی از سطوح حمایت یا مقاومت در زوندهای صعودی یا نزولی شکسته می شود این الگو می تواند شکل بگیرد. در بازارهای صعودی و نزولی دو نوع شکست بیرونی رخ می دهد:

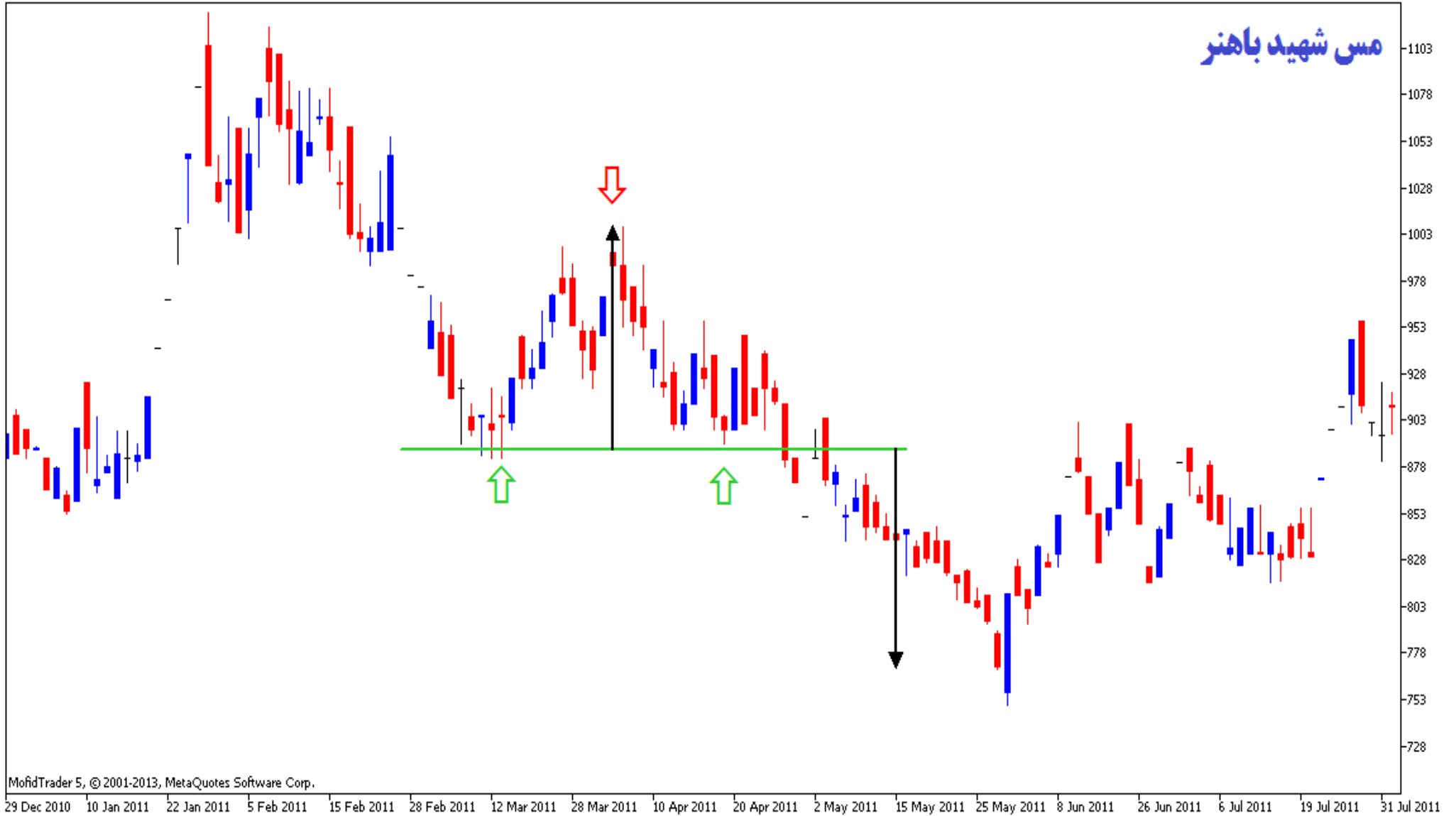
(۱) Bullish Break Out (شکست در بازار خریداران)

(۲) Bearish Break Out (شکست در بازار فروشندگان)



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

سیگنال Break Out این گونه عمل می کند که اگر سطح مقاومتی بوسیله نیروی خریداران رو به بالا شکسته شود سیگنال Bullish Break Out دریافت شده است. برای تعیین هدف قیمت فاصله میان سطح حمایت قبلی و سطح مقاومت شکسته شده اندازه گیری شده و به همان اندازه از محل شکست سطح مقاومت قیمت به سمت بالا رشد خواهد کرد. هدف قیمت حداقل فاصله بین نقطه شکست و خط مقاومت می باشد و هیچ الزامی برای محدود شدن روند آینده وجود ندارد.



تحلیل بالا به پایین در انتخاب سهام

بسیاری از تکنیکی‌ها از یک دیدگاه بالا به پایین (کل به جزء) استفاده می‌کنند: کار تحلیل گر با یک تحلیل کلان و وسیع آغاز می‌شود، سپس بخش‌های کلی جدا می‌شوند تا پایه‌ای برای تقسیم بندی خرد و متمرکز شکل دهند. چنین تحلیلی می‌تواند شامل سه قدم باشد:

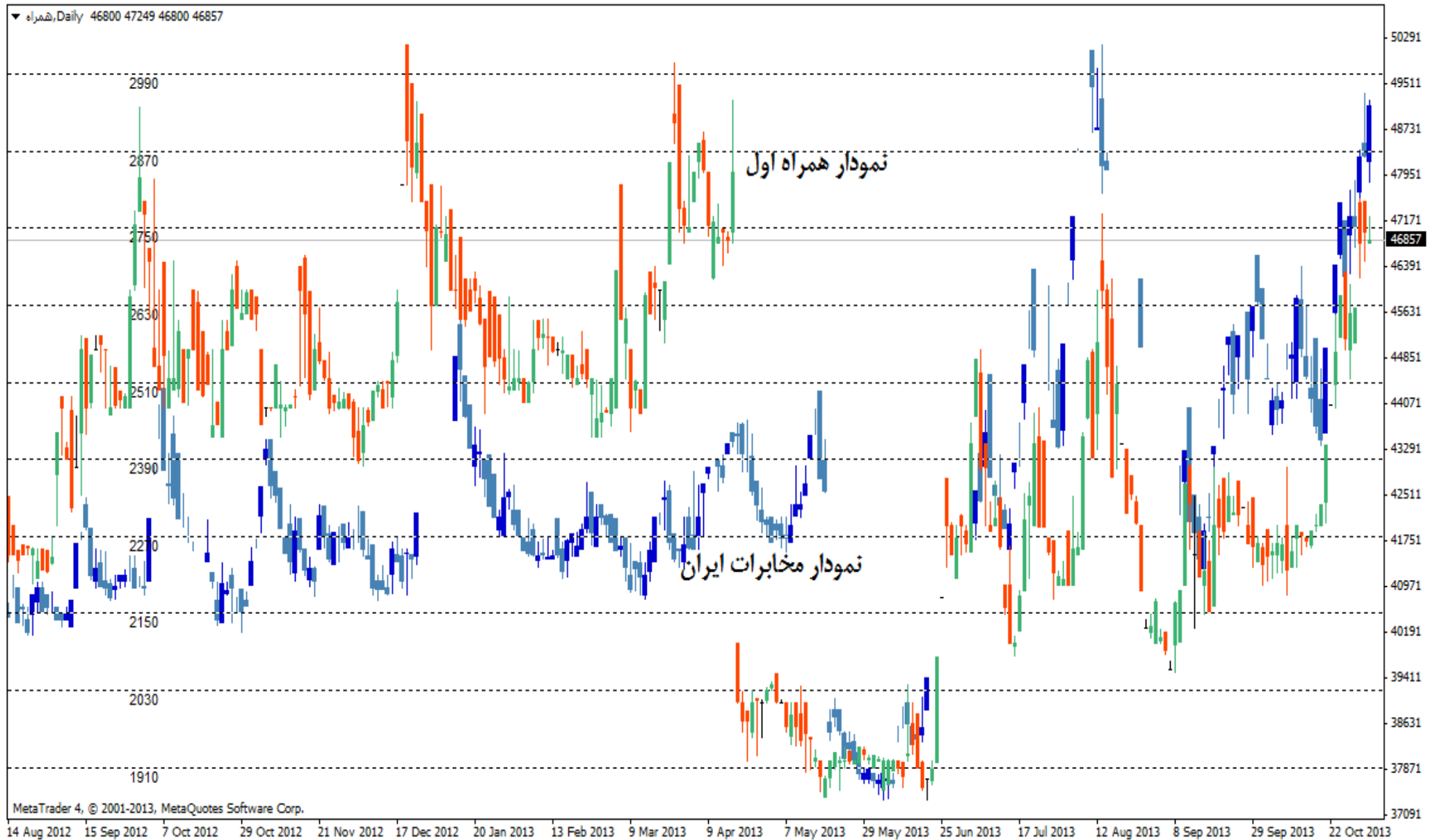
۱- تحلیل وسیع بازار از طریق شاخص‌های اصلی بازار مانند شاخص کل بازار، شاخص بازار اول، شاخص بازار دوم، شاخص صنایع و.....

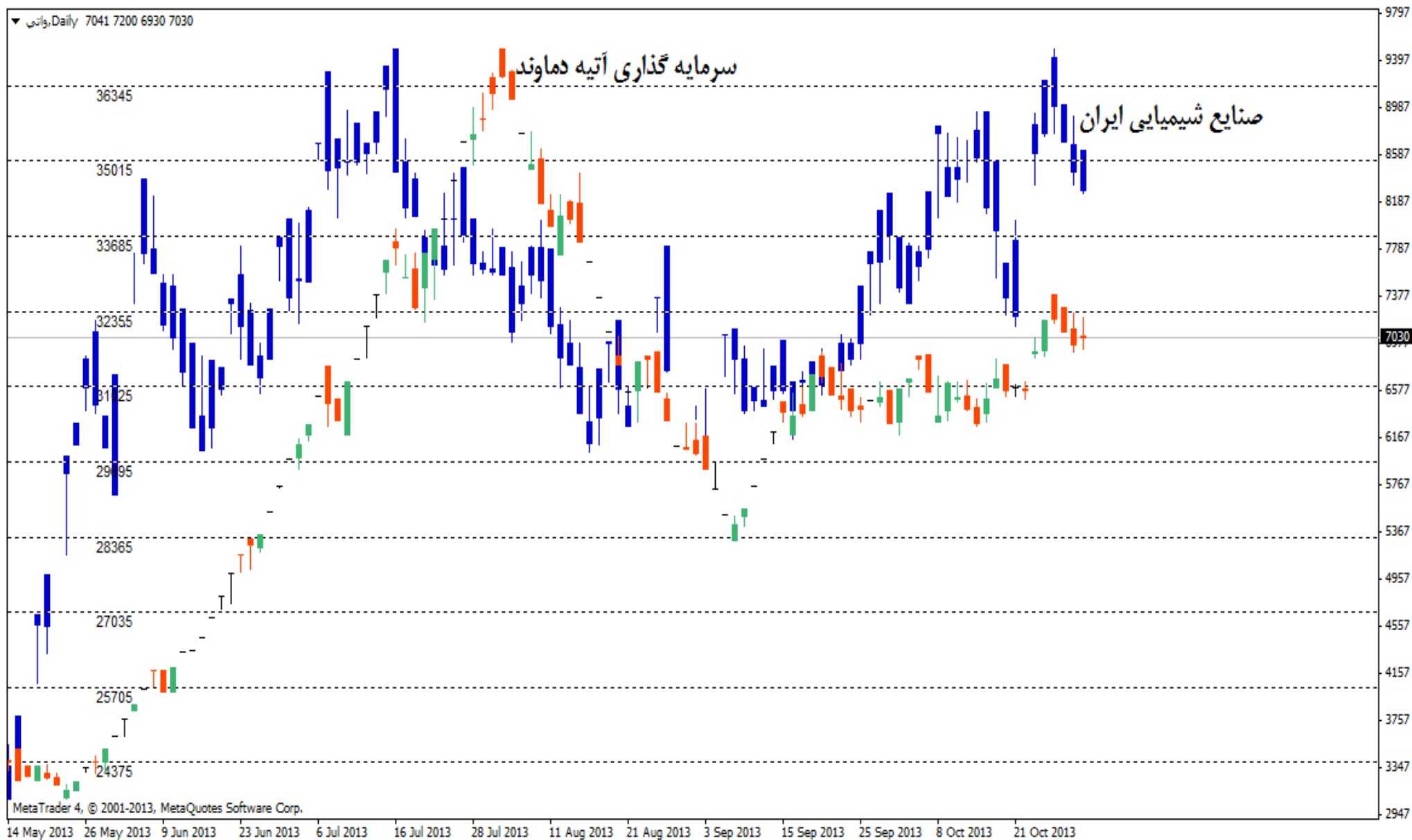
۲- تحلیل صنایع برای شناسایی گروه‌های قوی و ضعیف در داخل بازار. { صنعت برتر }

۳- تحلیل منفرد سهام برای شناسایی سهام قوی و ضعیف در داخل گروه‌های انتخابی. { سهم برتر }

یک سرمایه‌گذار، برای رسیدن به معیارهای معین، نمودارهای **بلند مدت و کوتاه مدت** را در مورد هر بخش (**بازار، صنایع و سهام‌های منفرد**) تحلیل می‌کند. تحلیل، ابتدا کل بازار مثلاً شاخص کل بازار را مورد توجه قرار می‌دهد. اگر کل بازار روند صعودی و مثبت داشته باشد، تحلیل گر به سراغ انتخاب نمودارهای صنایع می‌رود. آن دسته از صنایعی که نوید شرایط بهتری بدهند برای تحلیل سهام‌های منفرد انتخاب می‌شوند. وقتی که صنایع محدود به ۳ الی ۴ گروه صنعتی شد، انتخاب سهام‌های منفرد آغاز می‌شود. با بررسی ۱۰ الی ۲۰ نمودار می‌توان دامنه انتخاب را به ۳ تا ۴ سهام از بهترین‌های هر صنعت محدود کرد. تعداد سهام‌ها و گروه‌های صنعتی برای تصمیم گیری نهایی بستگی به دقت معیارهای مورد استفاده تحلیلگر دارد. با این سناریو ما سرانجام به ۹ تا ۱۲ سهام برای انتخاب می‌رسیم. در این مرحله نیز می‌توانیم از بین آنها ۳-۴ سهام قوی‌تر را انتخاب نماییم. برای مقایسه تغییرات دو نمودار مانند شاخص صنعت محصولات شیمیایی و شاخص کل بازار سهام بایستی از اندیکاتور **OVERLAY CHART** استفاده نمائید. مقایسه تغییرات روند عمومی بازار، صنایع و سهام‌های منفرد **شدت همگرایی و واگرایی روندها** را مشخص نموده و **سیکل حرکتی** سهام منفرد نسبت به صنعت مربوطه‌اش و کل بازار را معین می‌نماید.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis





خروج و ورود پله‌ای یک سرمایه گذار موقعی اتفاق می افتد که به نظرش شواهد رشد یا افت سهم کند شده باشد. برای مثال اگر وی به طور مثال حداکثر قیمت ۴۱۰۰ ریال را برای سهام شرکتی انتظار داشته باشد و مالک ۶۰۰۰ سهم آن باشد، می تواند ۲۰۰۰ سهم را در ۴۰۰۰، ۲۰۰۰ سهم را در ۴۰۵۰ و ۲۰۰۰ سهم را در ۴۰۷۵ ریال بفروشد. میانگین قیمت تمام شده فروش وی ۴۰۴۱ ریال خواهد بود. این امر ریسک ناشی از افت ناگهانی قیمت را برای وی کاهش می دهد.

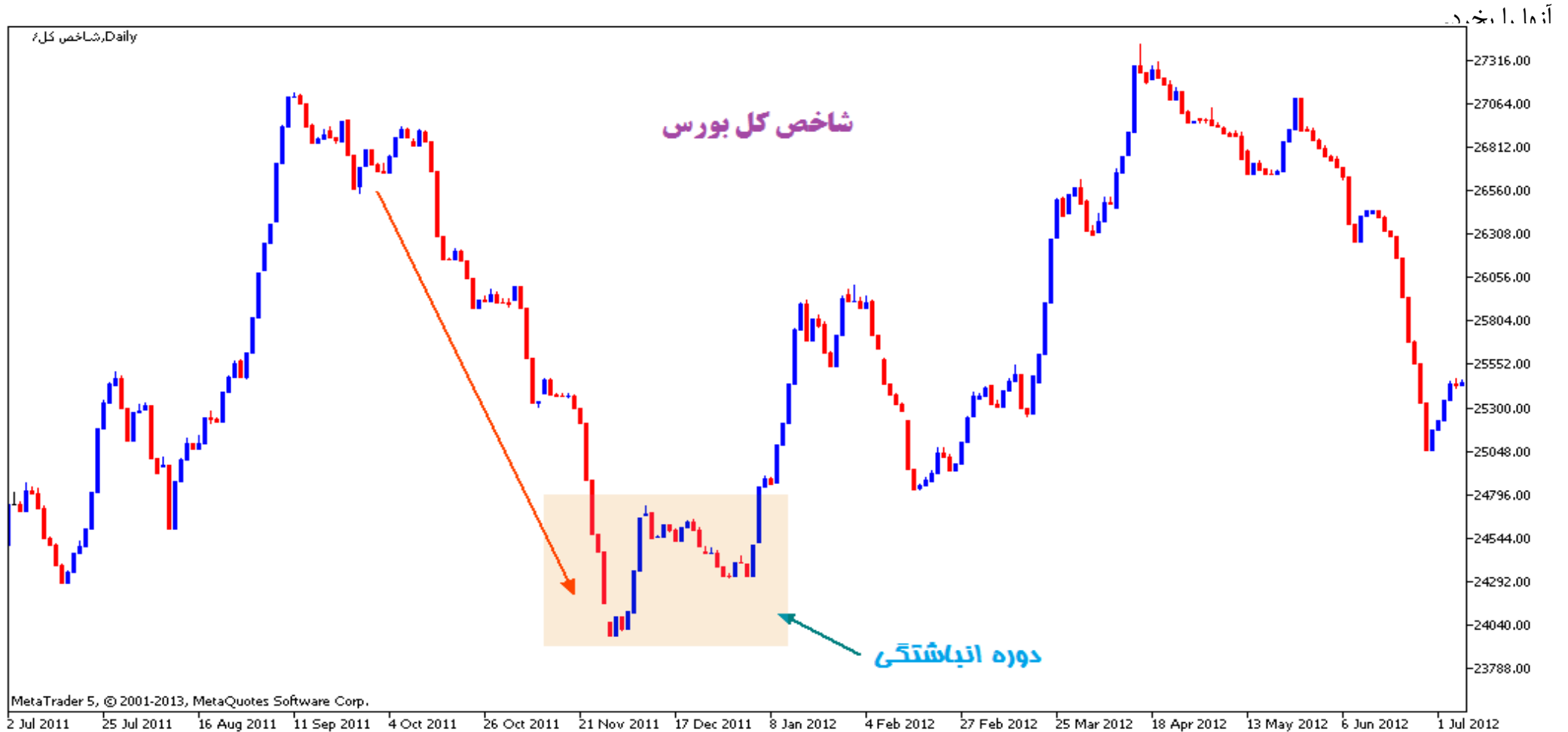
چرخه های زمانی بازار

مسئله ای که هنگام سرمایه گذاری در سهام بسیار حائز اهمیت است ، شناخت موقعیت روانی بازار و معاملات آن است. چرا که اگر موقعیت روانی که بازار در آن لحظه به سر می برد به خوبی شناخته شود سرمایه گذار می تواند سرمایه اش را به طور مناسب با بازار و موقعیت روانی آن به سهام مختلفی که می شناسد اختصاص دهد. این مساله بازدهی مورد انتظار وی را نیز افزایش و احتمال بلوکه شدن سرمایه وی را کاهش می دهد. سرمایه گذار می تواند همزمان با استفاده از مدل های تکنیکی و موج شماری ایوت ، چرخه بازار را هم شناخته و مد نظر قرار دهد تا بتواند تصمیم بهتری اخذ کند.



دوره انباشتگی

این فاز هنگامی رخ می‌دهد که بازار به طور کامل افت نموده است. در این فاز کسانی که دارای اطلاعات جانبی بوده و سرمایه گذاران تجربی شروع به خرید می‌کنند. قیمت‌ها برای خرید بسیار جذاب شده اما جو عمومی همچنان اثرات ناشی از افت شدید گذشته را دارد. کسانی که در فاز نزولی گذشته دچار ضرر شده‌اند با کمترین افزایش قیمت برای محدود کردن زیان خود اقدام به فروش سهام خود می‌کنند. اما قیمت‌ها و معاملات به نحوی است که برای فروش سهم دچار مشکل نمی‌شوند و همواره کسی هست که سهام



دوره افزایش قیمت‌ها (Mark-Up Phase)

در این فاز بازار، مدتی است ثابت شده است و روند رو به رشد خود را شروع کرده است. اکثریت زود هنگام (early majority) شروع به خرید می‌کنند که اکثراً شامل تکنیکال‌هایی هستند که مشاهده کرده‌اند که قیمت‌های محدوده کف در حال بالارفتن هستند و تشخیص می‌دهند که احساس و جهت بازار از روند منفی قبلی تغییر مشهودی کرده است.

رسانه‌ها شروع به بحث درباره پایان یافتن دوره رکود می‌کنند. همزمان با بلوغ این دوره از بازار سرمایه گذاران زیادی برای اینکه از روند شتابان افزایش قیمت‌ها جا نمانند اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

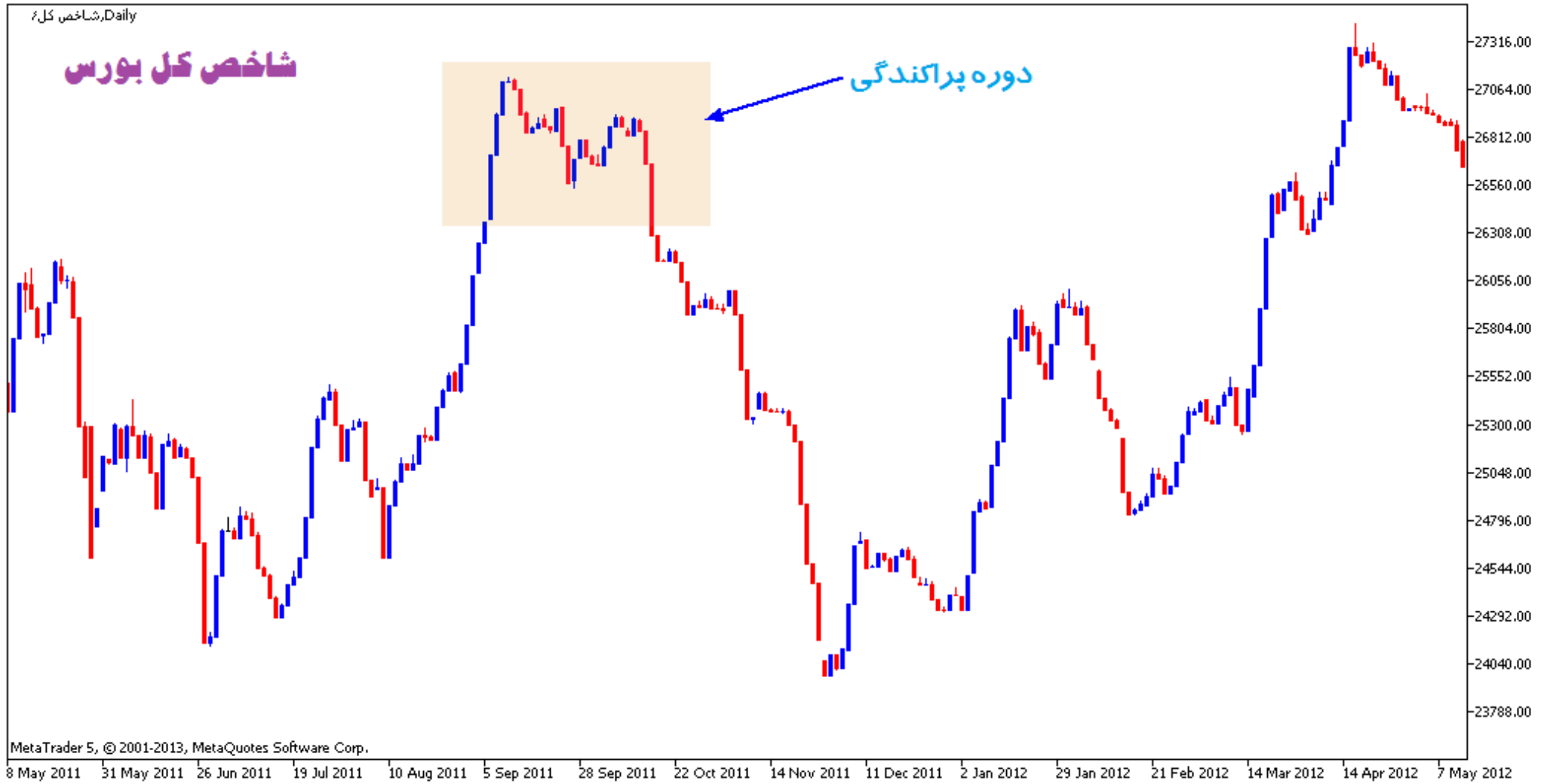
هنگامی که این چرخه به اواخرش می‌رسد، اکثریت دیر هنگام تازه به بازار وارد می‌شوند. در این نقطه قیمت‌ها از نرم‌های تاریخی بالاتر رفته و دلیل و منطق در مقابل حرص و طمع ورود به بازار عقب نشینی می‌کند. بعد از ورود اکثریت دیر هنگام، کسانی که در مرحله انباشتگی وارد شده بودند آهسته به نقد کردن و خروج از بازار می‌پردازند. بعد از کند شدن روند صعود کسانی که در روند صعودی تند گذشته احساس کرده بودند که عقب مانده‌اند شروع به ورود به بازار می‌کنند تا از این به اصطلاح فرصت‌ها استفاده کنند. در حالیکه بازار در آستانه حبابی شدن است و به سقف خود رسیده است.



پراکندگی : (Distribution)

در سومین فاز از چرخه ، **بازار فروشندگان** بیش از پیش نمایان می شوند. در این قسمت احساسات بازار جسور در مرحله قبل به صورت احساساتی مخلوط از جسارت و احتیاط در می آیند. قیمت ها ممکن است برای مدتی در یک محدوده قفل شوند و ممکن است این مرحله در بازار خیلی سریع پدیدار شده و به سرعت به مرحله بعدی تبدیل شود .

سرعت تبدیل احساسات نیمه محتاطانه به احساسات کاملاً محتاطانه در بازار به عواملی مانند متغیرهای منطقه ای ، اقتصاد جهانی و سیاست وابسته است . وقتی این مرحله تمام می شود بازار کاملاً روندش برگشت پیدا می کند. الگوهای سقف دوگانه و سه گانه و الگوهای سر و شانه به خوبی در روند قیمت ها در طی این مرحله مشاهده می شوند. **سرمایه گذارانی که روی ارزش سهام سرمایه گذاری می کنند نه رشد سهام، در این مرحله اقدام به معامله نمی کنند.** مرحله پراکندگی در بازار یکی از احساسی ترین زمان ها در بازار است. در این زمان سرمایه گذاران همانطور که با ترس ناشی از سرمایه گذاری دست و پنجه نرم می کنند از آن طرف با امید و شاید هم حرص ، امیدوارند که بازار دوباره برگردد. آن هایی که قادر به فروش سهام خود در سود نباشند ، یا به طور سر به سر یا در ضررهایی اندک سهام خود را خواهند فروخت .



نزول قیمتها : (Mark Down)

در چهارمین و آخرین فاز از چرخه‌های بازار شاهد دوره نزول قیمتها خواهیم بود که تلخ‌ترین چرخه برای صاحبان سهام خواهد بود. ارزش سهام در مقایسه با قیمت خرید بسیار پایین‌تر آمده است. کسانی که در فاز پراکندگی یا در هنگامی که اولین نشانه‌های نزول بازار دیده شده بود اقدام به خرید کرده بودند اکنون هر روز شاهد پایین‌تر آمدن قیمت سهامشان هستند. در همین حال بسیاری از نوآورها (Early Innovators) اقدام به شروع سرمایه گذاری در پایین‌ترین قیمت‌های ممکن برای خرید می‌کنند تا از به وجود



نکات مهم

- ۱) روند شکل گرفته تا زمانی که شکسته نشود دست نخورده باقی خواهد ماند.
- ۲) تا زمانی که در یک روند صعودی قرار داریم دره‌های قیمت (حمایت‌ها) نباید به قیمت پایین‌تر از حمایت قبلی برسد و در روند نزولی قله‌های قیمت (مقاومت‌ها) نباید به قیمت بالاتر از مقاومت قبلی برسد.
- ۳) اعتبار یک روند را تعداد دفعات برخورد قیمت با خط روند ، میزان زمان باقی ماندن قیمت در روند و شیب روند تعیین می‌کند و در صورتی که هر کدام از سه پارامتر بالا بیشتر و بزرگتر باشد اطمینان کردن به روند غالب اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.
- ۴) امتیازی که خط روند برای معامله گر دارد ، آن است که سرمایه گذار را از تصمیمات احساسی دور می‌کند.
- ۵) تا زمانی که خط روند افزایشی شکسته نشود سهم خود را نگه می‌داریم.
- ۶) استفاده از خط روند معامله گر را در موقعیت درست و مناسب داد و ستد قرار می‌دهد.
- ۷) هنگامی که از خط روند استفاده می‌کنیم دور از ذهن است که سهام خود را برای مدت طولانی هنگامی که قیمت‌ها در حال کاهش هستند نگه داریم.
- ۸) هنگامی که قیمت‌ها در حال افزایش است برای مدت کوتاهی سهم خود را نگهداری نخواهید کرد و منتظر خواهید ماند تا آنجایی که خط روند شکسته شود.

انواع ابزارهای رسم کانال قیمت

۱. کانال هم فاصله (Equidistant)
۲. کانال رگرسیون خطی (Linear Regression)
۳. چنگال اندروز (Andrew Pitchfork)

(Equidistant) کانال هم فاصله

کانال قیمت یکی از الگوهای ادامه می‌باشد. به حالتی که قیمت بصورت محدود به دو خط موازی حرکت می‌کند، کانال گفته می‌شود. یکی از این دو خط موازی (خط پایینی) نقش حمایت و خط بالایی کانال نقش مقاومت دارد.

معمولاً روندها تمایل دارند که در داخل کانال قیمتی خاص حرکت کنند. اگر از مرحله کشیدن خطوط روند یک مرحله بالاتر بیاییم و همزمان خط روند روبه بالا و خط روند رو به پایین را با زاویه یکسان و به صورت موازی با هم بکشیم، در واقع یک کانال را مشخص کرده‌ایم. بدین معنی که همانطور که شیب خط روند در صورت تغییر می‌تواند باعث تعویض نقش روند شود، خارج شدن بازار از کانال خود نیز می‌تواند باعث تغییرات در روند و شیب آن گردد.

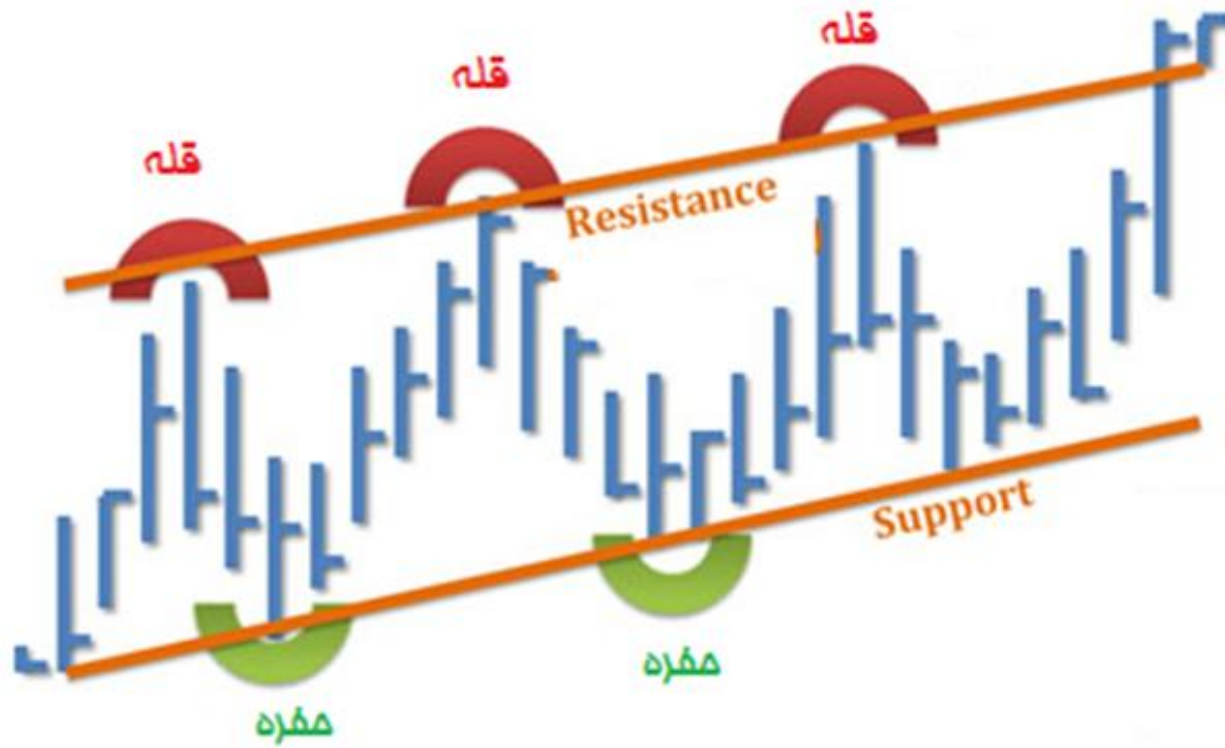
برای ترسیم خط کانال باید به موازات خط روند خطی از آخرین قیمت موجود در کانال رسم شود. برای خط روند حتماً لازم بود دو نقطه را برای روند در نظر بگیریم اما در خط کانال نیازی به دو نقطه برخورد قیمت نمی‌باشد و تنها یک نقطه را با فرض استفاده موازی خط روند می‌توان استفاده کرد. **فراموش نشود خط کانال تابعی از خط روند می‌باشد و هیچ زمانی خط کانال قبل از خط روند ترسیم نمی‌شود.**

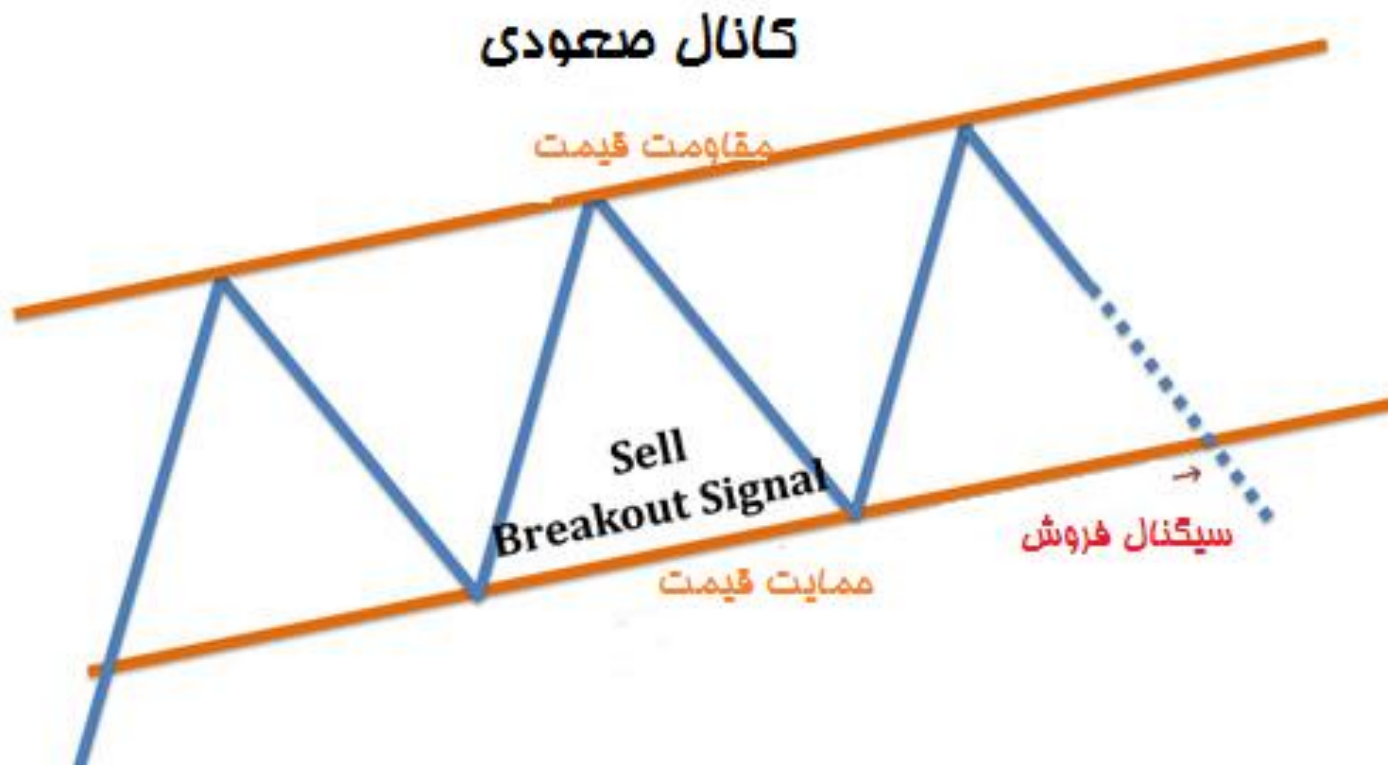
کانال‌های قیمت براساس جهت آن به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- کانال افقی

۲- کانال صعودی

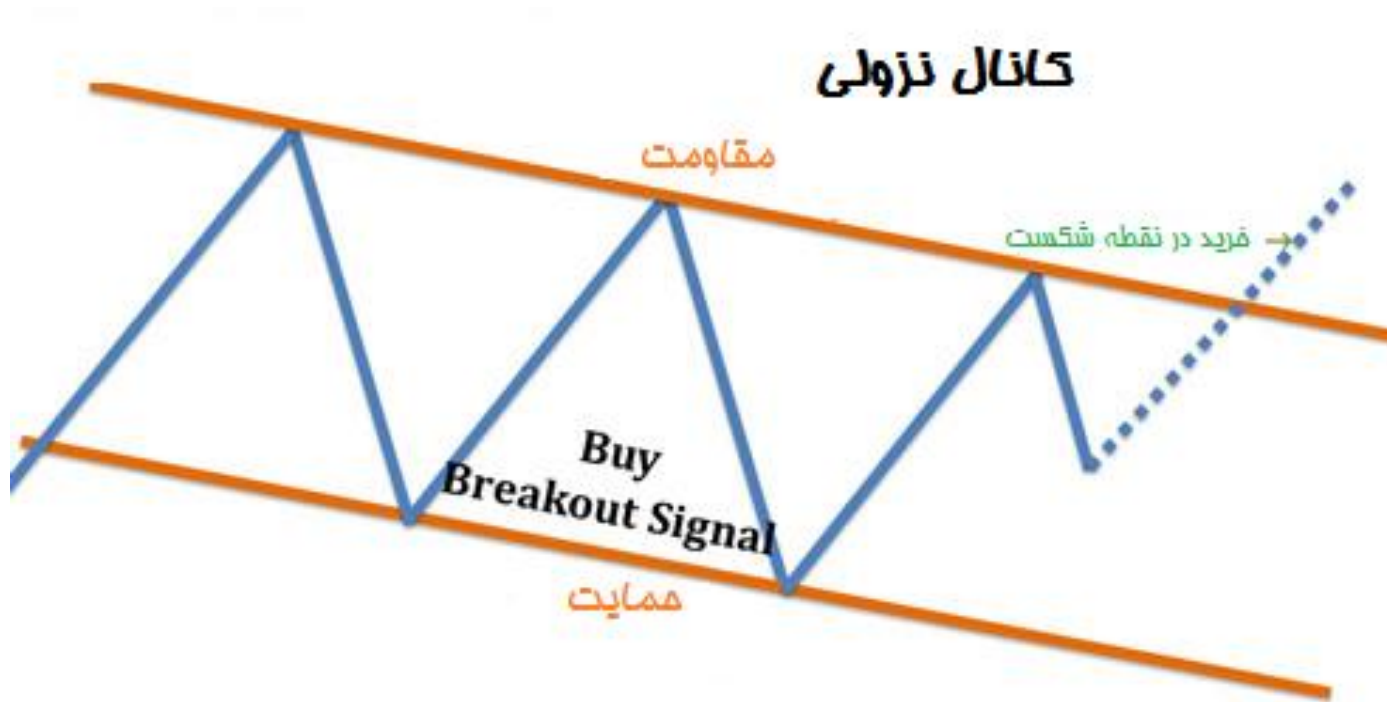
۳- کانال نزولی



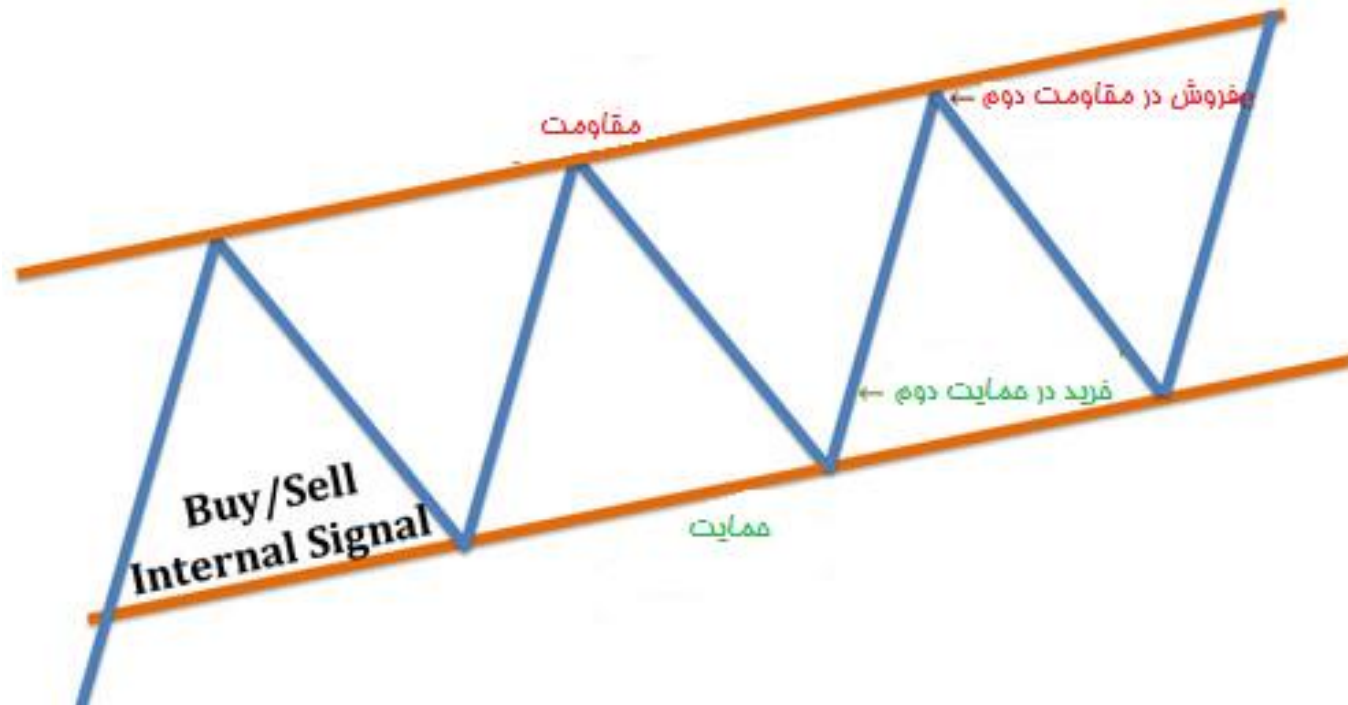


تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

مرزهای بالایی و پایینی کانالهای روند را به ترتیب، خطوط **مقاومت** و **حمایت** می‌نامند. در نقاط اوج قیمت، فشار فروش بیشتر از فشار خرید است. این نقاط، خطی ایجاد می‌کنند به نام سطح مقاومتی. از سوی دیگر در پایین‌ترین نرخها فشار فروش کمتر از فشار خرید است و به آنها سطح حمایتی می‌گویند. در یک روند صعودی، سطوح در حال شکل‌گیری حمایتی و مقاومتی باید به ترتیب از هم تجاوز کنند. **عبور قیمت از سطح حمایت اخطاری برای واژگونی روند صعودی و هشدار برای فروش سهم است.**



کانال نزولی دارای **شیب منفی** است و قیمت در محدوده مستطیلی حمایت و مقاومت در نوسان است. **خط بالای کانال نقش سطح مقاومت** و **خط پایین کانال نقش سطح حمایت** را ایفا می‌کند. شکست خط مقاومت (خط بالای کانال) **سیگنال خرید** و تغییر روند را صادر می‌کند.



در استفاده از کانال قیمت برای خرید و فروش ، هشدار خرید زمانی که قیمت در محدوده کف کانال (سطح حمایت) و هشدار فروش زمانی که قیمت در محدوده سقف کانال (سطح مقاومت) صادر می شود. بنابراین از خرید و فروش خلاف جهت روند اجتناب نمائید.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis



یکی از مهمترین روندها حالتی است که تحت تأثیر **زمان و حجم معاملات** است. هرچه افزایش نرخ از سطوح حمایتی و مقاومتی بیشتر باشد، روند مهمتر می‌شود. حجم معاملات نیز به ویژه در مورد سطح حمایتی و مقاومتی بحرانی، بسیار مهم است. وقتی قیمت در اثر حجم سنگین معاملات از این سطوح افزایش می‌یابد، اهمیت روند افزایش می‌یابد.

اهمیت سطوح حمایتی و مقاومتی به عملکرد اصلی آنها بازمی‌گردد. در مجموع برای ارزیابی قابل اطمینان بودن یا نبودن مرزهای یک کانال روند، که کمک شما در تصمیم‌گیری برای باز کردن و بستن معاملاتتان است، باید به قوانین زیر پایبند باشید:

۱. هرچه یک کانال بادوام‌تر باشد قابل اطمینان‌تر است.

۲. هرچه پهنای یک کانال بیشتر باشد، قابل اطمینان‌تر است.

۳. اگر مقاومت در اثر حجم معاملات در جهت صعودی قرار گیرد، ممکن است بشکند.

۴. یک کانال پر شیب در قیاس با یک کانال با جهت‌گیری ملایم قابل اطمینان‌تر است.

۵. حمایت ممکن است خودبه‌خود و بدون در نظر گرفتن حجم معاملات بشکند.





(Linear Regression) کانال رگرسیون خطی

واژه رگرسیون در فرهنگ لغت به معنی بازگشت است و اغلب جهت رساندن مفهوم "بازگشت به یک مقدار متوسط یا میانگین" به کار می‌رود. بدین معنی که برخی پدیده‌ها به مرور زمان از نظر کمی به طرف یک مقدار متوسط میل می‌کنند

کانال رگرسیون، بر اساس روند رگرسیون خطی ایجاد می‌شود. کانال رگرسیون یک ابزار تجزیه و تحلیل‌های آماری مورد استفاده برای پیش بینی مقادیر آینده بر اساس اطلاعات موجود است. خط روند ترسیمی بین دو نقطه بر روی نمودار قیمت با استفاده از روش حداقل مربعات ایجاد می‌شود. به عنوان یک نتیجه، این خط ثابت خط میانی دقیق قیمت در حال تغییر یا میانگین قیمت است. می‌توان آن را به عنوان یک خط تعادل قیمت در نظر گرفت که هر گونه انحراف به بالا و پایین (رفتار خریداران و یا فروشندگان) را نشان می‌دهد. کانال رگرسیون با استفاده از سابقه قیمت ایجاد می‌شود و سه خط بالا، وسط و پایین را شامل می‌شود. یک کانال رگرسیون خطی، یکی از شاخص‌های مورد استفاده برای تعیین امنیت روند در حال توسعه است که محتمل‌ترین محدوده قیمت در طی این روند را تشریح می‌کند.

خط رگرسیون خطی: خط میانگین به بهترین وجه متناسب با تمام نقاط داده‌ها رسم می‌گردد

خط بالایی کانال: این خط به موازات خط رگرسیون خطی است که معمولاً انحراف استاندارد بالاتر از خط رگرسیون خطی را نشان می‌دهد

کانال خط پایین: این خط به موازات خط رگرسیون خطی است و معمولاً انحراف استاندارد پایین‌تر از خط رگرسیون خطی را نشان می‌دهد.

کانال رگرسیون خطی متشکل از سه خط موازی است که با فاصله از خط روند رگرسیون خطی به صورت بالا و پایین می‌باشد. فاصله بین خط بالا و پایین از خط رگرسیون نشان دهنده میزان انحراف از رگرسیون یا مقدار متوسط است. **خط بالایی کانال با اتصال یک سری از نقاط بالای قیمت در یک خط مستقیم، خط وسط با اتصال قیمت‌های متوسط، و خط پایین کانال اتصال یک سری از نقاط قیمت پایین فرموله شده است.**

همه تغییرات قیمت در داخل کانال رگرسیون رخ می‌دهد و **خط پایین‌تر به عنوان خط حمایت** و **خط بالا به عنوان خط مقاومت** کار می‌کند. قیمت‌ها معمولاً برای مدت کوتاهی از کانال خارج می‌شوند اما میل به بازگشت قیمت به درون کانال زیاد است. قیمت ممکن است در خارج از کانال برای مدت کوتاهی از زمان گسترش حرکت کند و معمولاً اگر

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

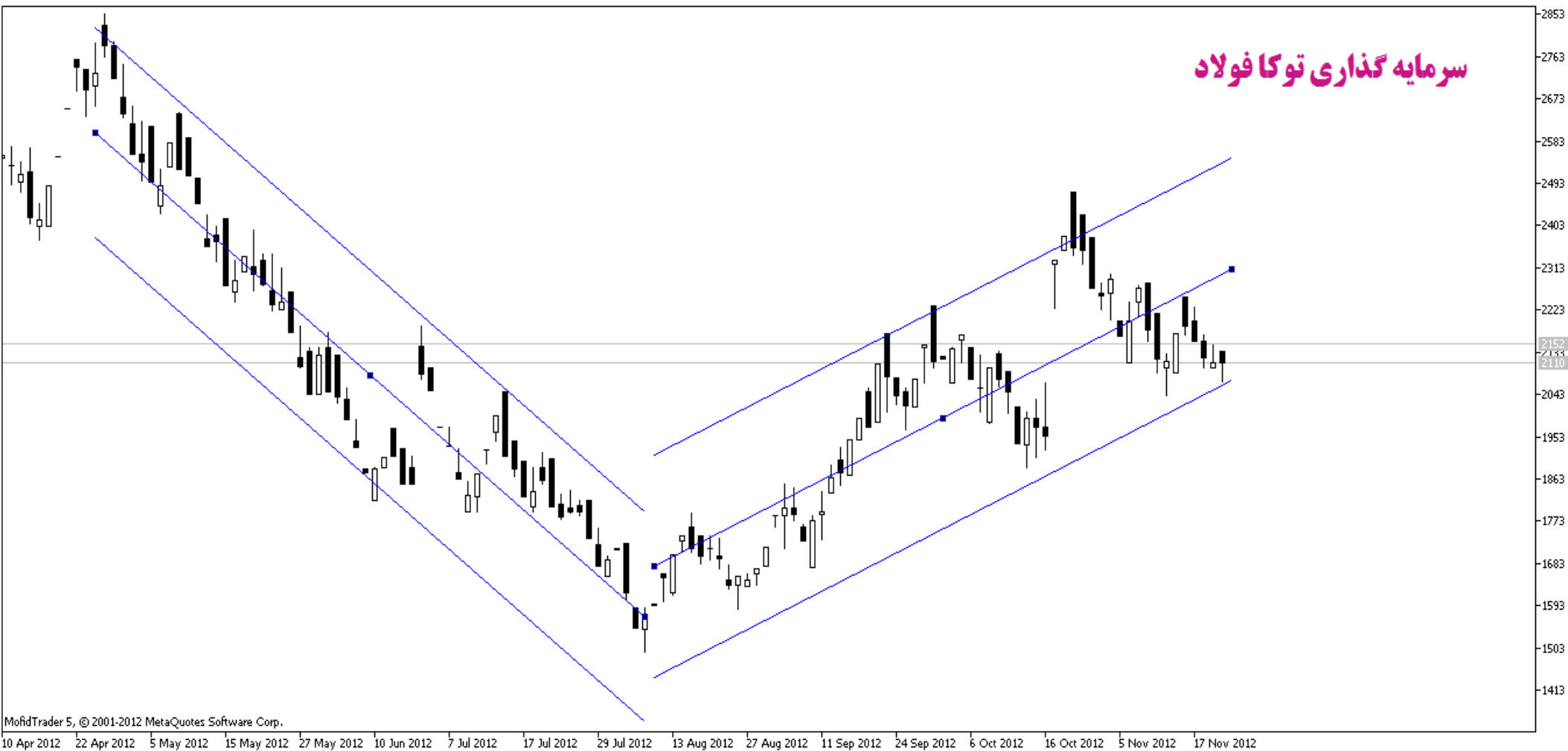
قیمت‌ها در خارج از کانال برای مدت زمان طولانی باقی می‌ماند، واژگونی در روند ممکن است قریب الوقوع باشد. زمانی که قیمت‌ها از دورن کانال رگرسیون خارج می‌شود امنیت استمرار روند به خطر می‌افتد. این خطوط به نام **باند اعتماد به نفس** نیز مشهور است.

استراتژی‌های موجود در این بخش شناسایی الگوهای مبتنی بر کانال‌های رگرسیون خطی است. کانال‌های رگرسیون خطی ارائه یک روش عالی برای شناسایی حرکت، روند و شرایط حد اشباع خرید یا اشباع فروش در سهام است. این استراتژی نقطه شروع برای شناسایی نوسان معاملات است. استفاده از این استراتژی برای پیدا کردن سهام قبل از بازگشت مفید است.

علاوه بر شناسایی روند و جهت روند، استفاده از انحراف استاندارد می‌تواند ایده‌های مناسبی به معامله‌گران هنگامی که قیمت در حال تبدیل شدن به حد اشباع خرید یا اشباع فروش نسبت به روند دراز مدت است را ارائه دهد. کانال رگرسیون خطی استفاده‌های زیر را داراست:

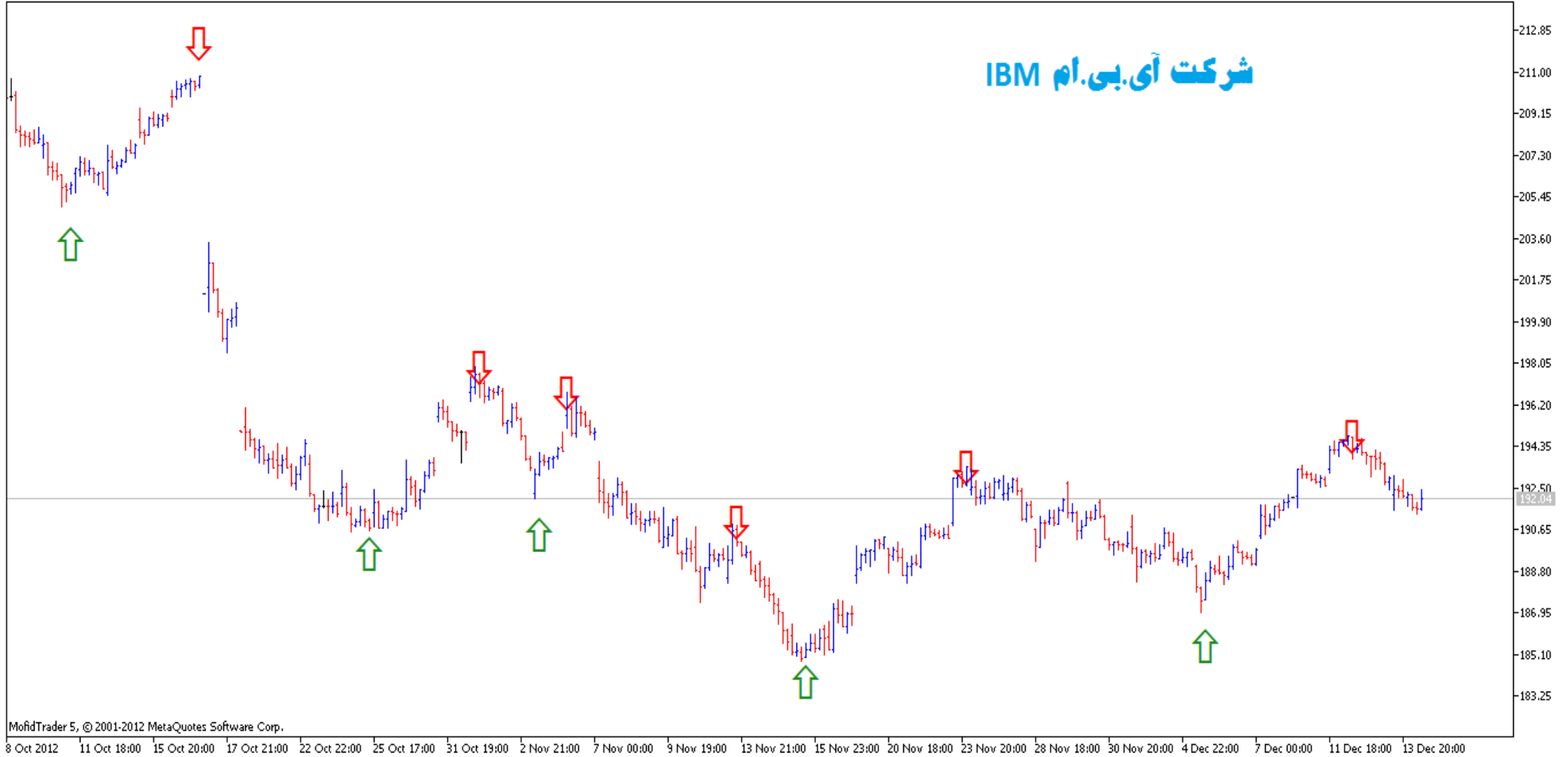
- تجسم روند
- جستجو در نقطه نوسان
- پیدا کردن سطوح مقاومت و حمایت
- اندازه‌گیری نوسانات اخیر و تعصب بازار

سرمایه گذاری توکا فولاد



چنگال اندروز (Andrew Pitchfork)

یک نقطه محوری نقطه‌ای است که جهت قیمت در آن تغییر می‌کند. در نمودار زیر نقاط "محور سقف" و "محور کف" نمایش داده شده‌اند.



خطوط روند سقف به سقف و کف به کف

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

نمودار زیر چهار خط روند را نشان می‌دهد. یکی از این خطوط روند از اتصال دو نقطه A, B حاصل می‌شود. این خط روند دو مشخصه دارد: ۱- بین دو نقطه محوری کف رسم شده است.

۲- جهت آن در جهت صعودی می‌باشد. چنین خط روندی یک خط روند کف به کف صعودی نامیده می‌شود.

وقتی خط روند بین دو نقطه محوری از یک نوع ترسیم شود می‌تواند به شش نوع زیر تقسیم گردد:

۱- سقف به سقف نزولی ۲- کف به کف نزولی ۳- سقف به سقف صعودی ۴- کف به کف صعودی ۵- سقف به سقف افقی ۶- کف به کف افقی



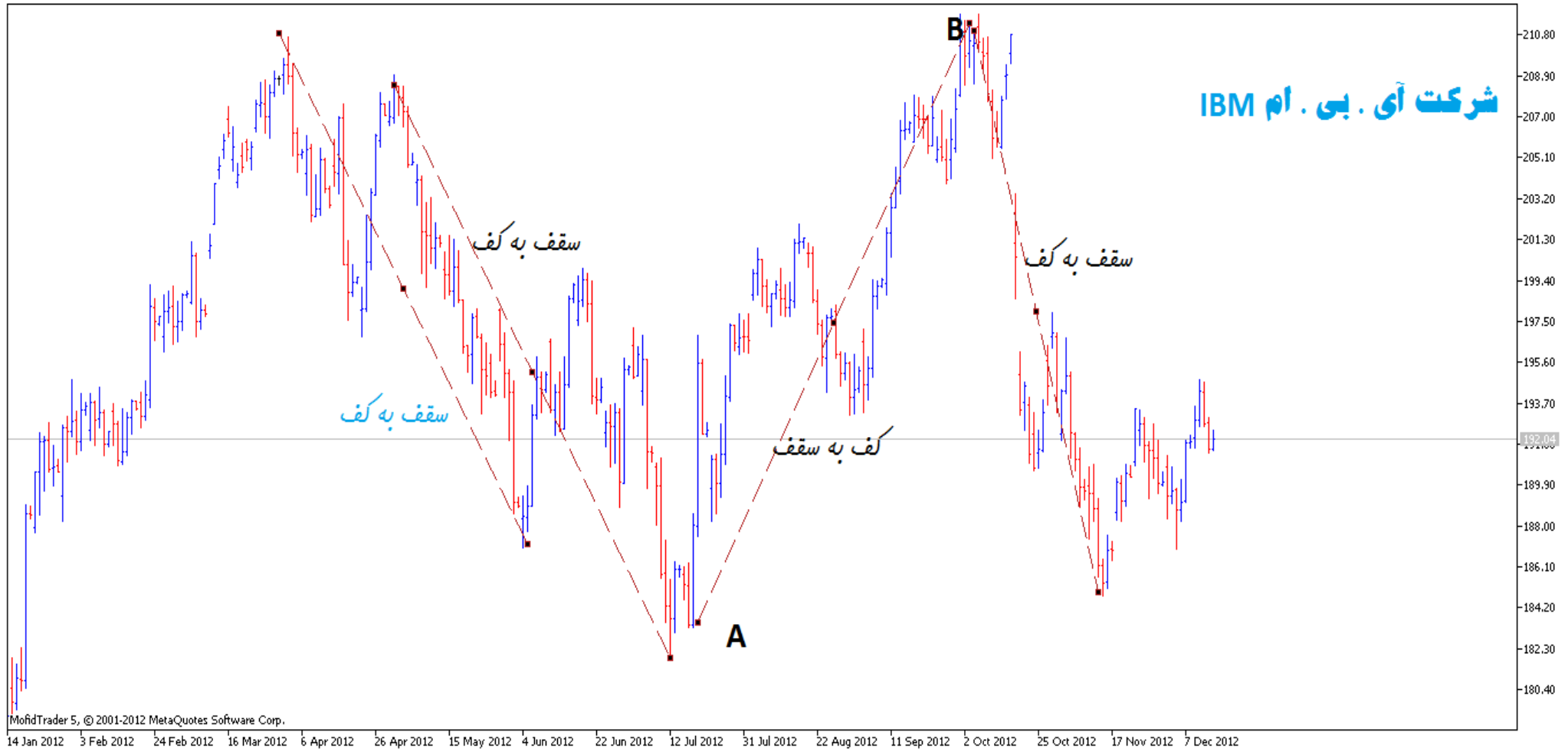
خطوط روند سقف به کف و کف به سقف

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

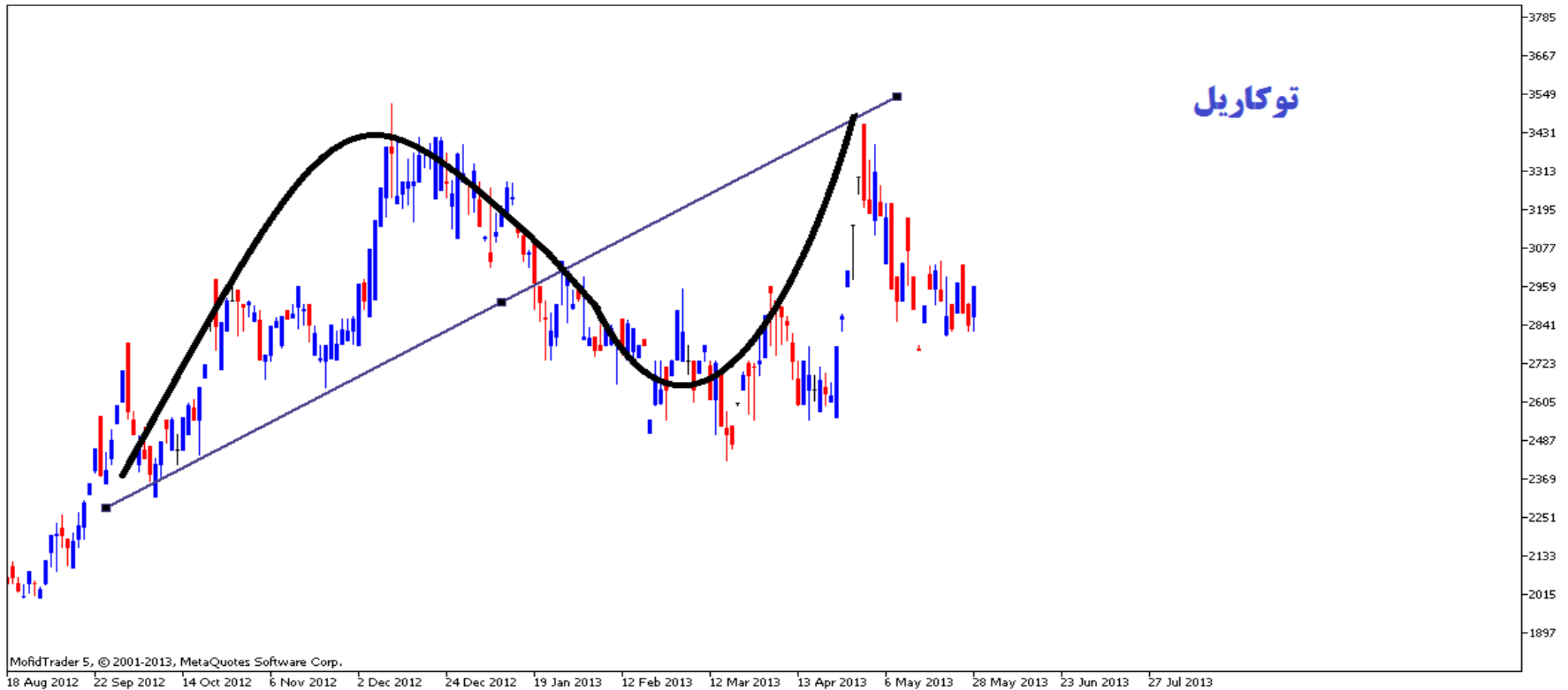
خط روند ترسیم شده بین دو نقطه A, B را در شکل بعدی ملاحظه کنید. این خط روند دارای دو مشخصه است: ۱- یک خط روند صعودی است ۲- بین یک نقطه محوری کف و یک نقطه محوری سقف رسم شده است.

هر گاه یک خط روند **دو نقطه محوری متضاد** را به هم وصل کند شش حالت زیر ممکن است بوجود آید :

۱- سقف به کف صعودی ۲- کف به سقف صعودی ۳- سقف به کف نزولی ۴- سقف به کف صعودی ۵- سقف به کف افقی ۶- کف به سقف افقی



آقای اندروز از خط روندی استفاده کرد که آنرا خط **چند محوره** نامگذاری نمود. یک خط روند چند محوره خط روندی است که چند نقطه محوری را به یکدیگر متصل می کند. **یک نقطه محوری نقطه ای است که جهت قیمت در آن تغییر می کند.** این خطوط روند ملزم به عبور دقیق از نقاط محوری نیست ، بلکه ممکن است از نزدیکی آنها عبور کنند. اندروز عقیده داشت که هر چه این خطوط از نقاط محوری بیشتری عبور کند معتبرتر بوده برای تعیین مقادیر حمایت و مقاومت یا نقاط محوری آتی مفیدتر است. نمودار زیر خط روند شرکت توکاریل بر ۴ نقطه محوری را نشان می دهد. این خط یک روند چند محوره است و باید مهم تر از خطوط متعارفی باشد که تنها با استفاده از دو نقطه محوری رسم می شود.

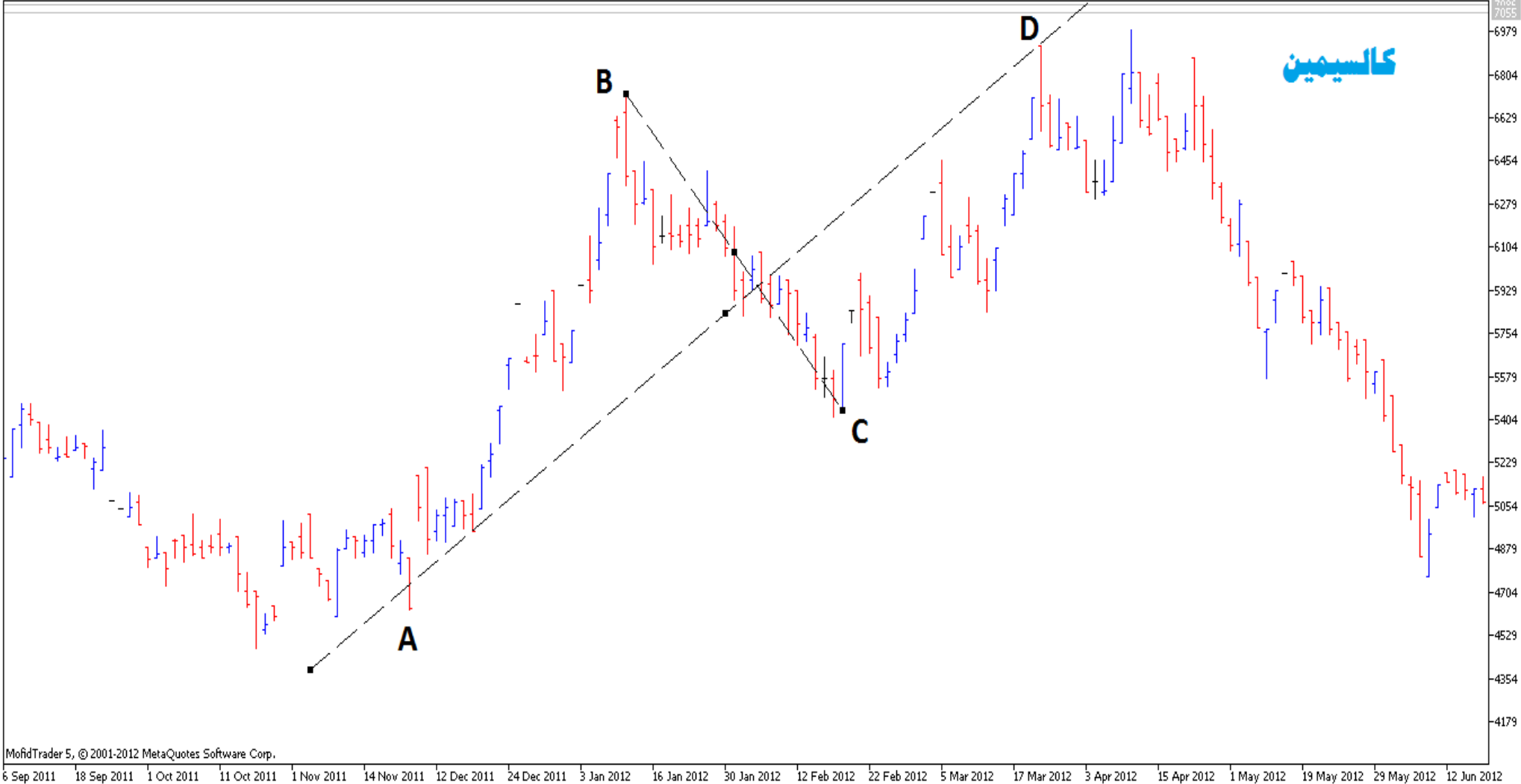




خطوط میانه

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

خطوط میانه خطوطی اند که آندروز بیش از همه با آنها شناخته شده است. شکل بعد یک خط میانه صعودی را نمایش می دهد. برای رسم یک خط میانه سه نقطه محوری مورد نیاز است. دو نقطه محوری باید سقف و کف یک نوسان باشند. نقطه میانه بین این نقاط سقف و کف باید محاسبه شود. این محاسبه بسیار ساده است. اختلاف قیمت بین نقاط محوری کف و سقف محاسبه و به مقدار کف افزوده می شود تا نقطه میانه بدست آید. برای زمان نیز باید همین محاسباتی که در مورد قیمت انجام شد صورت گیرد. در نمودار پی آمد، نقطه میانه بین نقاط B,C برای رسم خط میانه بکار می رود. نقطه محوری سوم باید قبل از دو نقطه سقف و کف ذکر شده قرار داشته باشد. معمولاً اولین نقطه محوری قبلی برای این منظور انتخاب می شود ولی می تواند هر نقطه محوی قبلی دیگری نیز انتخاب شود. در نمودار پی آمد، نقطه A به عنوان نقطه شروع خط میانه انتخاب شده است. خط میانه با اتصال نقطه محوری A و نقطه میانه ای که قبلاً محاسبه نمودیم، ترسیم می گردد. توجه داشته باشید که رسم خط بین نقاط A,B الزامی نیست و ما این کار را فقط برای نمایش بهتر انجام داده ایم.



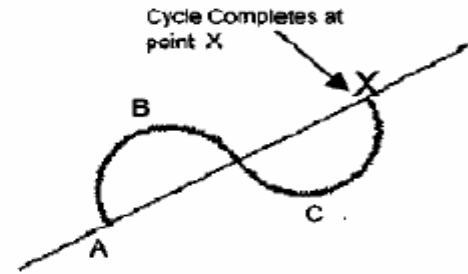
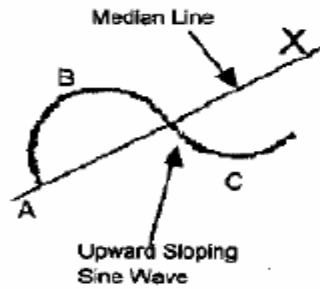
MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

6 Sep 2011 18 Sep 2011 1 Oct 2011 11 Oct 2011 1 Nov 2011 14 Nov 2011 12 Dec 2011 24 Dec 2011 3 Jan 2012 16 Jan 2012 30 Jan 2012 12 Feb 2012 22 Feb 2012 5 Mar 2012 17 Mar 2012 3 Apr 2012 15 Apr 2012 1 May 2012 19 May 2012 29 May 2012 12 Jun 2012

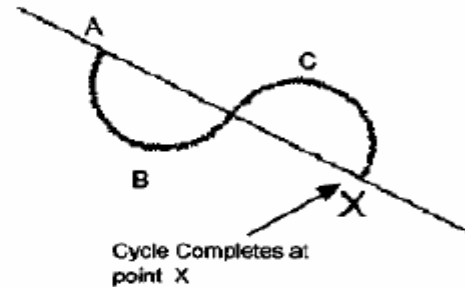
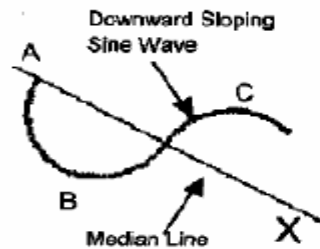
تئوری خطوط میانه

آندروز معتقد بود که خطوط میانه مبتنی بر قوانین فیزیک است. او عقیده داشت قوانین فیزیک می‌توانند در بازارهای مالی نیز مورد استفاده قرار گیرند. نمودار بعدی قوانینی را که خطوط میانه براساس آن بنا شده است را به نمایش می‌گذارد. این قوانین بیان می‌کند چرخه‌های طبیعی به سمت خط مرکزی خود بر می‌گردند و برای هر عملی عکس‌العملی وجود دارد. آندروز عقیده داشت حرکات قیمتی در بازارهای مالی به شکل سینوسی است و در ۸۰٪ موارد قیمت به خط میانه باز می‌گردد.

Upward Sloping Sine Wave with Median Line:



Downward Sloping Sine Wave with Median Line:



Median Line Trading Principles 1-3

آندروز تحقیقات زیادی در مورد خطوط میانه انجام داده که می‌تواند برای معامله‌گران بسیار مهم باشد. توجه داشته باشید که این قواعد مطلق نیستند ولی می‌توانند به یک معامله‌گر کمک نمایند که در موقع استفاده از خطوط میانه در تحلیل خود چه انتظاری داشته باشد.

قانون اول استفاده از خطوط میانه :

وقتی یک خط میانه بر اساس آخرین نوسانات بازار رسم شود، قیمت در ۸۰٪ مواقع به خط میانه بازخواهد گشت.

قانون دوم استفاده از خطوط میانه :

وقتی قیمت به خط میانه باز گردد معمولاً یک نقطه محوری در محل تقاطع با خط میانه تشکیل خواهد داد.

قانون سوم استفاده از خطوط میانه :

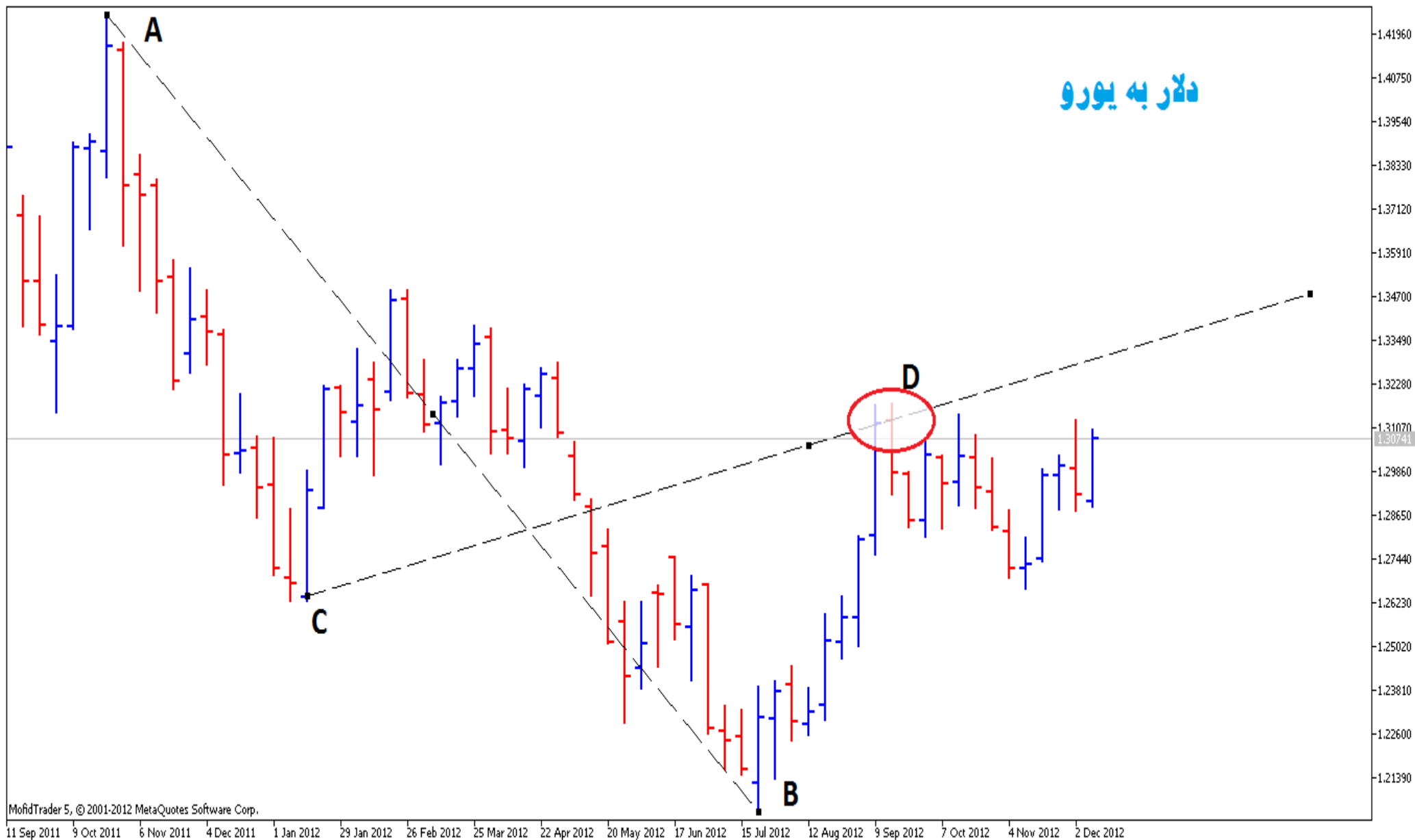
وقتی قیمت به خط میانه بازگردد معمولاً پیش از ادامه حرکت خود در حوالی آن نوسان خواهد کرد و بیش از یک بار آنرا لمس خواهد نمود.

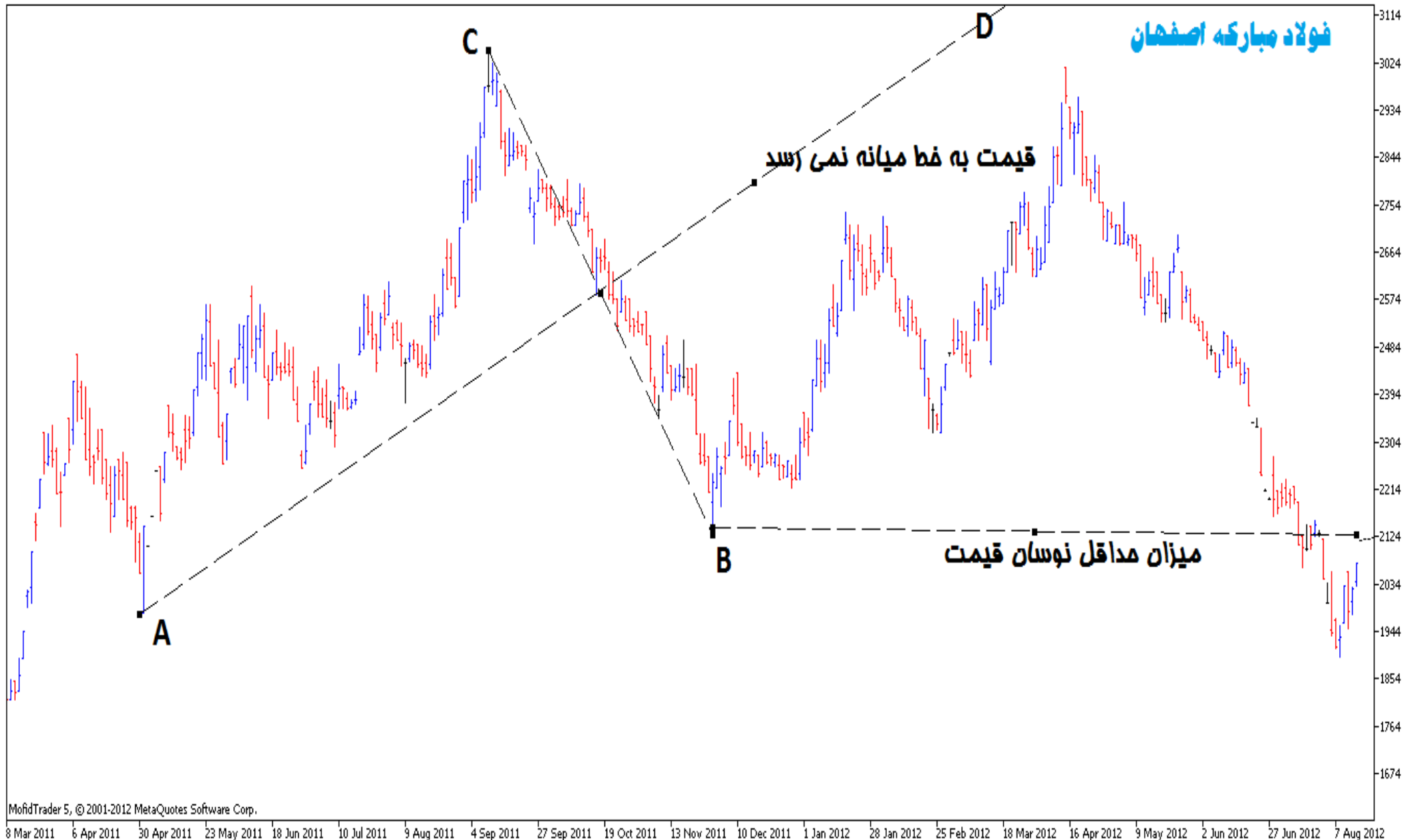
قانون چهارم استفاده از خطوط میانه :

این قانون وقتی که قیمت نتواند به خط میانه برسد کاربرد دارد. آندروز مشاهده کرد که در اینگونه موارد جهت قیمت برگشته و نوسانی بزرگتر از قبل پیدا می‌کند. کاربرد این قانون برای قرار دادن هدف قیمتی پس از نرسیدن قیمت به خط میانه کاربرد دارد.

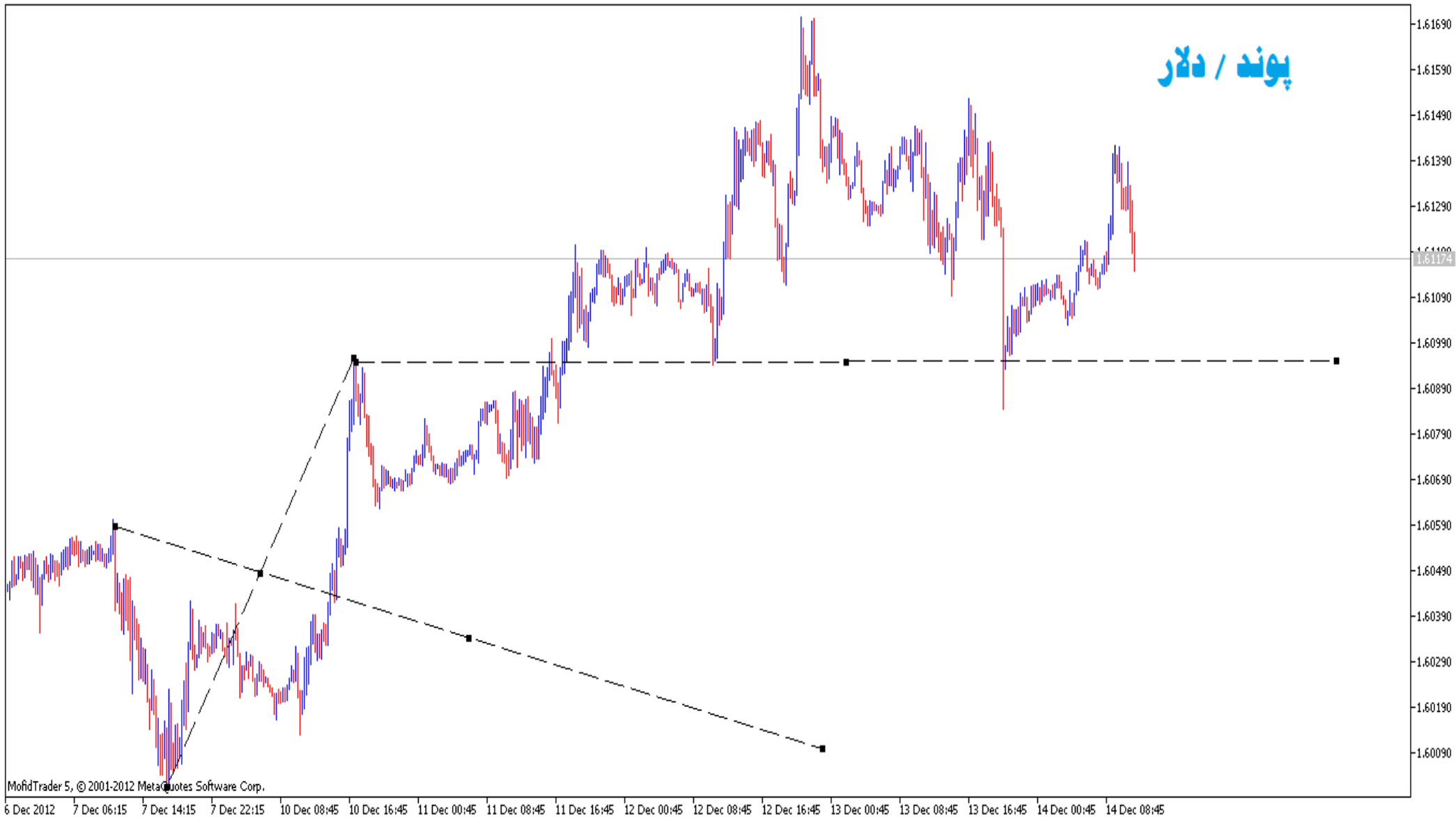
قانون چهارم خطوط میانه :

اگر قیمت نتواند خط میانه را لمس کند تغییر جهت داده و نوسانی بزرگتر از نوسان قبلی را شکل خواهد داد.



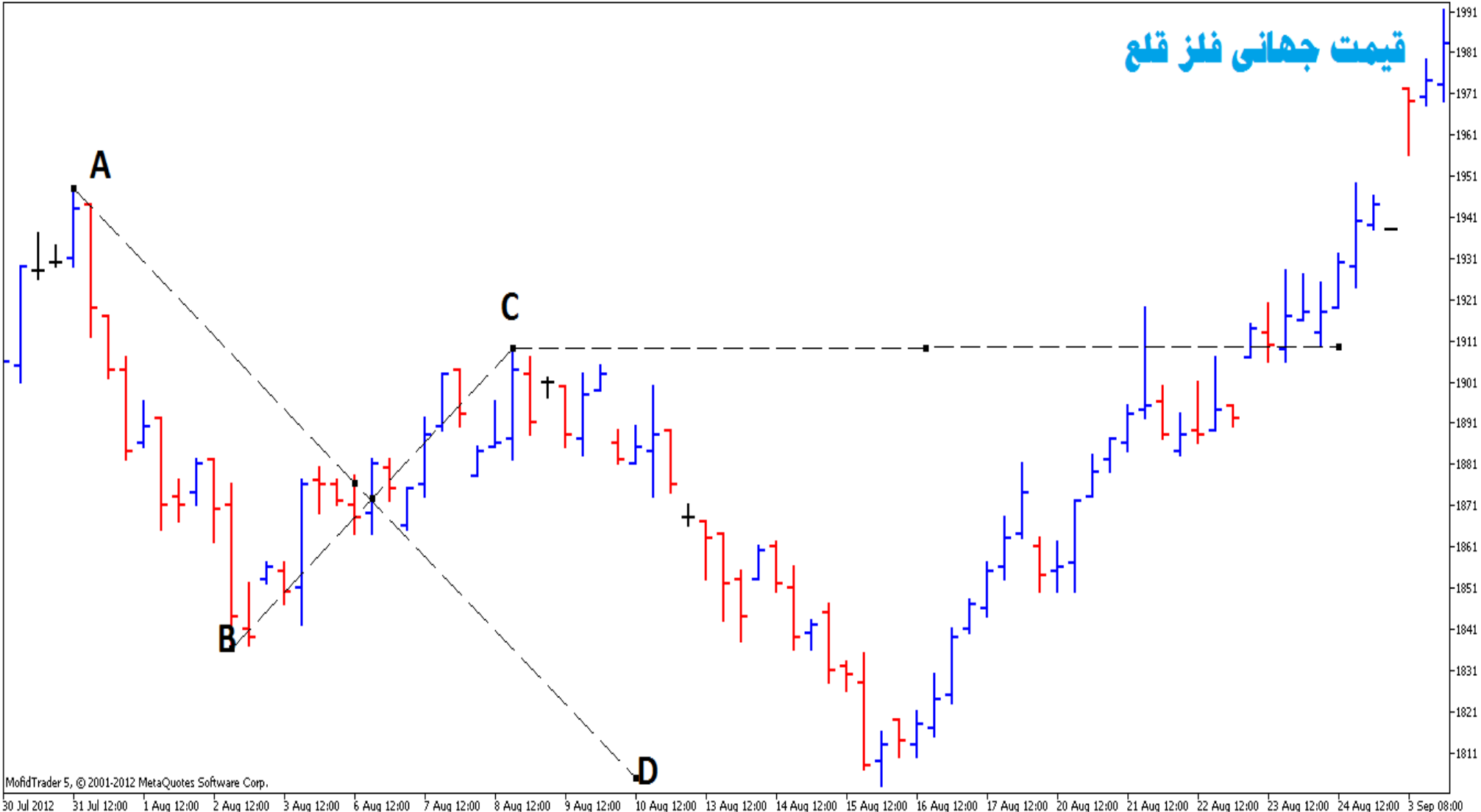


پوند / دلار





قیمت جهانی فلز قلع



چنگال اندروز

نمودار زیر خط میانه ترسیم شده براساس سه نقطه محوری A، B و C را نمایش می دهد. پس از ترسیم خط میانه اندروز دو خط موازی با این خط نیز از نقاط محوری B و C و ترسیم نمود که خط موازی بالائی و پایینی هستند. نتیجه این ترسیمات شکل چنگال ماندی است که به آن چنگال آلن اندروز شناخته می شود. آلن اندروز هیچگاه لغت چنگال را برای این الگو بکار نبرده است ولی بدلیل متداول بودن این نام، از نام چنگال تبعیت می شود.



تحليل تکنیکال – Technical Analysis

چنگال اندروز متشکل از سه خط به موازات خطوط روند است. این ابزار توسط دکتر آلن اندروز ساخته شد. تفسیر چنگال اندروز در قواعد استاندارد تفسیر بر اساس خطوط حمایت و مقاومت است.



چنگال اندروز تکنیکی برای استفاده از روندها می‌باشد. “آلن اندری” ابداع کننده این روش اعتقاد داشت خطوط **روند کلاسیک کارایی بالایی در بازارها ندارند** و خطوط روندی که از نقاط و پیوت های بیشتری می‌گذرد بسیار کاربردی تر می‌باشد. در عین حال بر مبنای این خط مرکزی **باید تمامی نوسانات قیمت را در بین دو بال، که کانالهایی را برای قیمت می‌سازند داشته باشیم.**

برای ترسیم یک “چنگال اندروز اندرو” تحلیلگر به سه نقطه (پیوت) که **آغازگر موج های جدید** باشد، نیاز دارد و پس از ترسیم چنگال اندروز پیچفورک باید مشاهده نماید که آیا چنگال اندروزش سه اصل اساسی ترسیمی را رعایت کرده یا خیر.

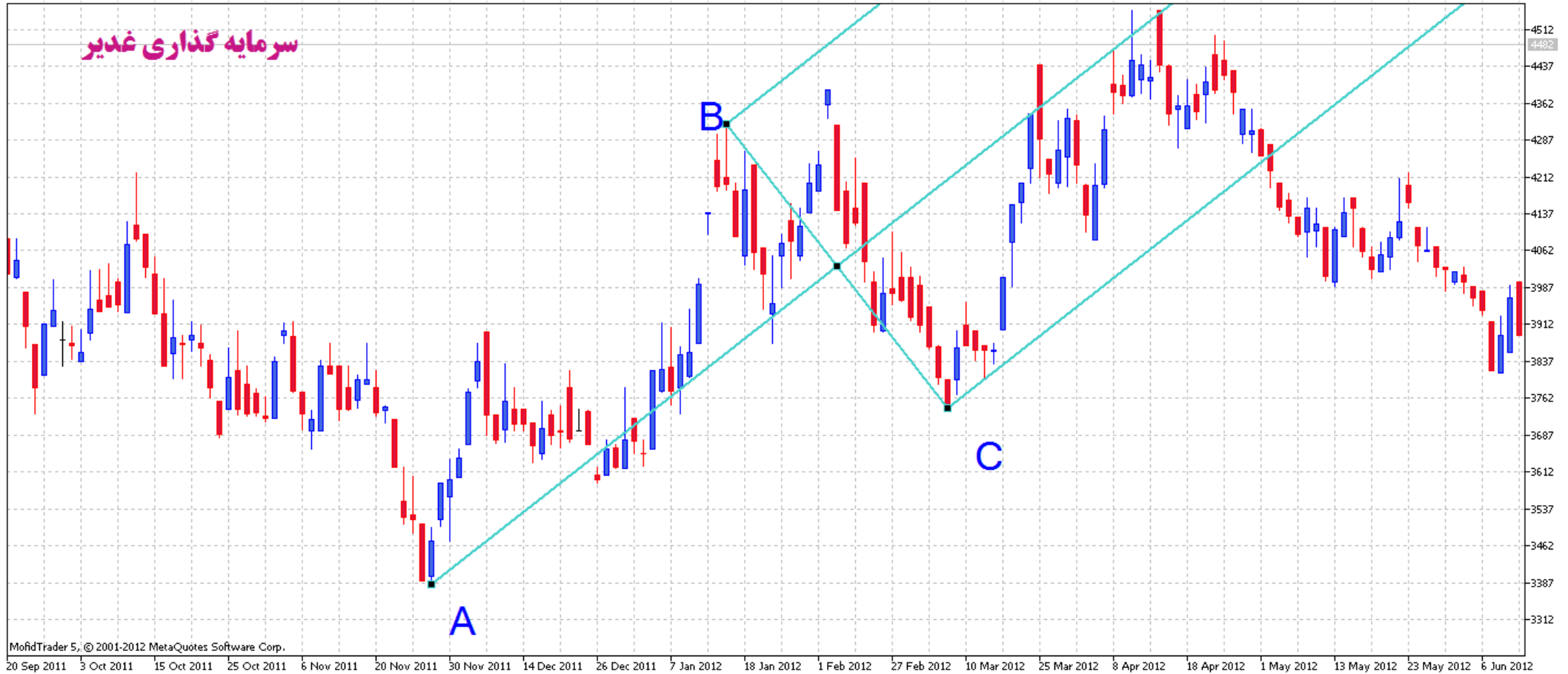
همانطور که در شکل زیر مشاهده می‌شود برای ترسیم یک چنگال اندروز پیچفورک به سه نقطه آغاز موج نیاز داریم. نقاط A و C نقش های یکسانی در تغییر جهت قیمت داشته‌اند و نقطه B نقشی خلاف نقاط A و C برای جابجایی قیمت ایفا می‌کند. بدین معنی که اگر نقاط A و C روندهای صعودی جاری را تبدیل به روند نزولی کرده‌اند **نقطه B روند نزولی جاری را تبدیل به صعودی کرده است.** در ترسیم چنگال اندروز صعودی این نقش ها معکوس می‌شود.



برای ترسیم یک چنگال اندروز به سه نقطه نیاز داریم که تا به اینجا با آنها آشنا شدیم. از این نقاط درک کردیم که تغییرات قیمت معمولاً به صورت سینوسی و با تصحیح همراه هستند. برای ترسیم خط میانه که بیشترین نوسانات را قیمت حول آن محور داشته است می توان ما بین نقاط B و C را شناسایی کرد (محدوده سبز رنگی که در تصویر بالا بین B و C وجود دارد) و خطی را از نقطه A به این نقطه میانی ترسیم کرد. این خط شیب و زاویه خاصی نسبت به تغییرات قیمت دارد که نوسانات بسیاری حول این محور است. به اندازه شیب خط میانی می توان به موازاتش خطوطی را از نقاط B و C ترسیم کرد. معمولاً قیمت مانند شکل، حول این محور و خط میانی بارها نوسان دارد. در عین حال نسبت به قیمت چنگال اندروز های بالا و پایین که موازی با خط میانی ترسیم شده عکس العمل نشان می دهد.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

در یک چنگال اندروز (اندرو پیچفورک) محدوده جابجایی قیمت حتماً باید بین دو چنگال اندروز کناری (بال کناری) قرار گرفته باشد. بنابراین زمانی که قیمت از بین دو چنگال اندروز کناری خارج شود چنگال اندروز ترسیمی دیگر مورد تأیید نخواهد بود.





آشنایی با نحوه استفاده از چنگال اندروز

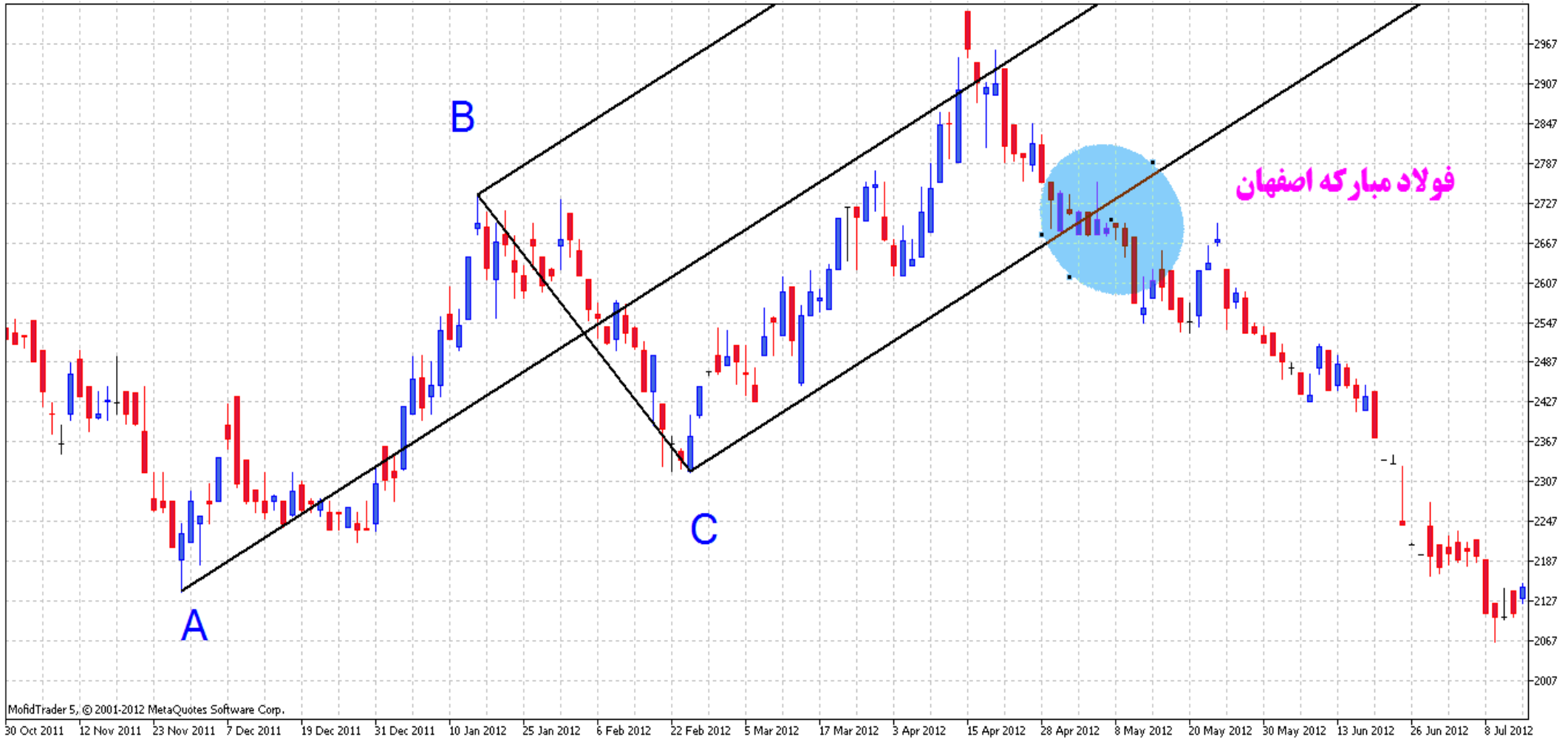
زمانیکه با ترسیم چنگال اندروزی کامل که تمامی اصول در آن رعایت شده است آشنا شدیم تکنیک‌هایی برای استفاده از چنگال اندروز “اندروز” وجود دارد که می‌توانیم از آنها برای معامله در بازار استفاده کنیم.

۱) روش استفاده اول از “چنگال اندروز” زمانی است که با وجود ترسیم صحیح چنگال اندروز قیمت‌ها در بازار به سمت خط میانی چنگال اندروز حرکت نمی‌کنند. قیمت‌ها در روند نزولی **اطراف بال بالایی و در روند صعودی اطراف بال پایینی** حرکت دارند. این مساله که قیمت به خط میانی داخل چنگال اندروز نمی‌رسد می‌تواند نشانه‌ای از تضعیف قدرت روند جاری بازار در حالت فعلی باشد از این رو احتمال اینکه بال پایینی یا بالایی که قیمت حول آن خط در حال نوسان است شکسته شود بسیار محتمل است.



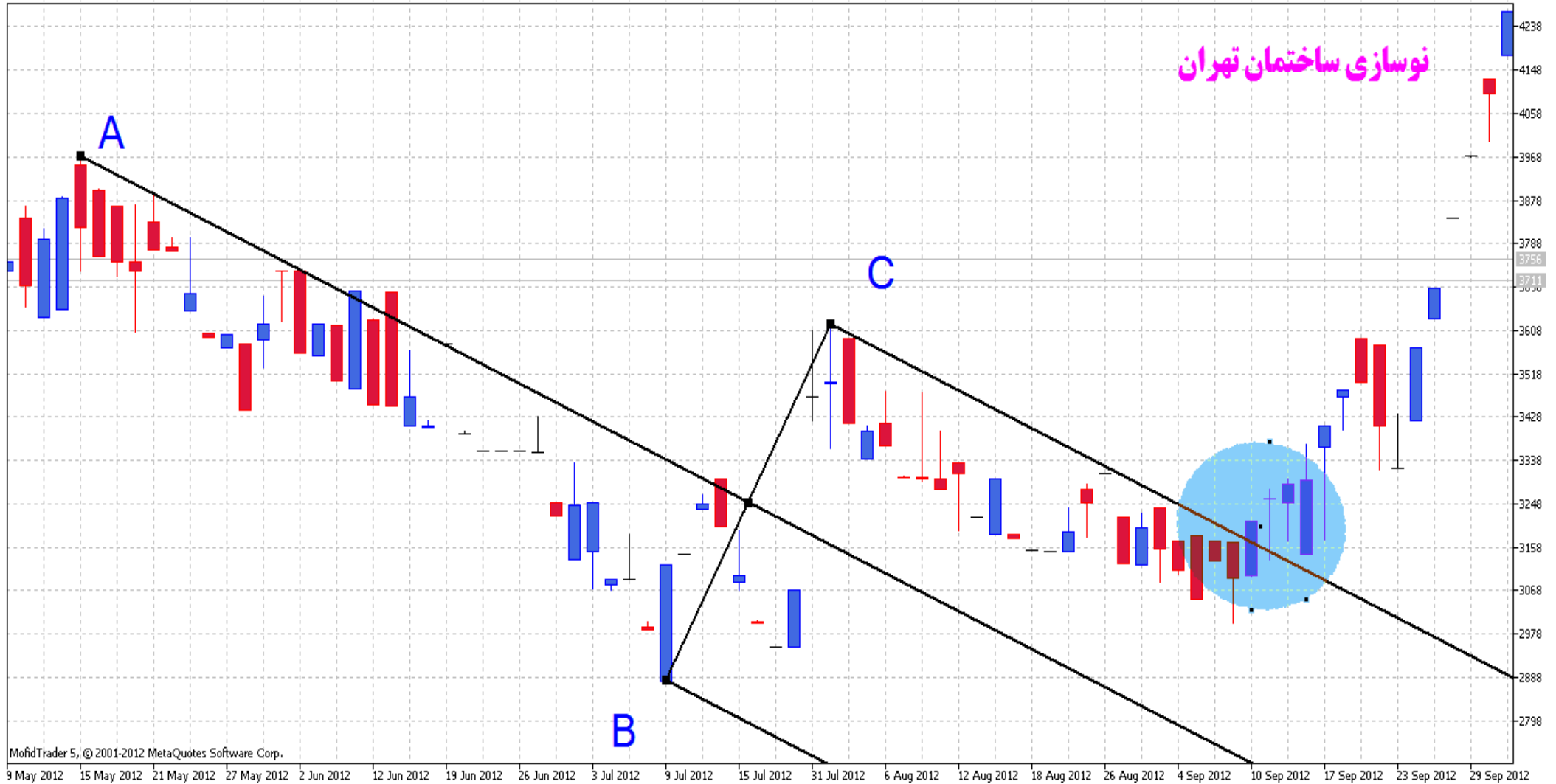
قاعده اول فروش: هر گاه چنگال اندروز صعودی بوده و قیمت بتواند خط موازی پایینی چنگال اندروز را بشکند دلیل بر ضعف بودن بازار و سیگنالی برای فروش است.

شکل زیر نمونه‌ای از حالت اول ورود به معامله را برای یک چنگال اندروز صعودی نشان می‌دهد که با شکسته شدن خط بال پایینی می‌توان وارد معامله فروش شد.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

قاعده اول خرید: هر گاه چنگال اندروز نزولی بوده و قیمت بتواند خط موازی بالائی چنگال اندروز را بشکند دلیل بر قوت بازار برای صعود بیشتر و سیگنالی برای خرید است. شکل زیر نمونه‌ای از حالت اول ورود به معامله خرید را برای یک چنگال اندروز نزولی نشان می‌دهد که با شکسته شدن خط بال بالائی می‌توان وارد معامله خرید شد.



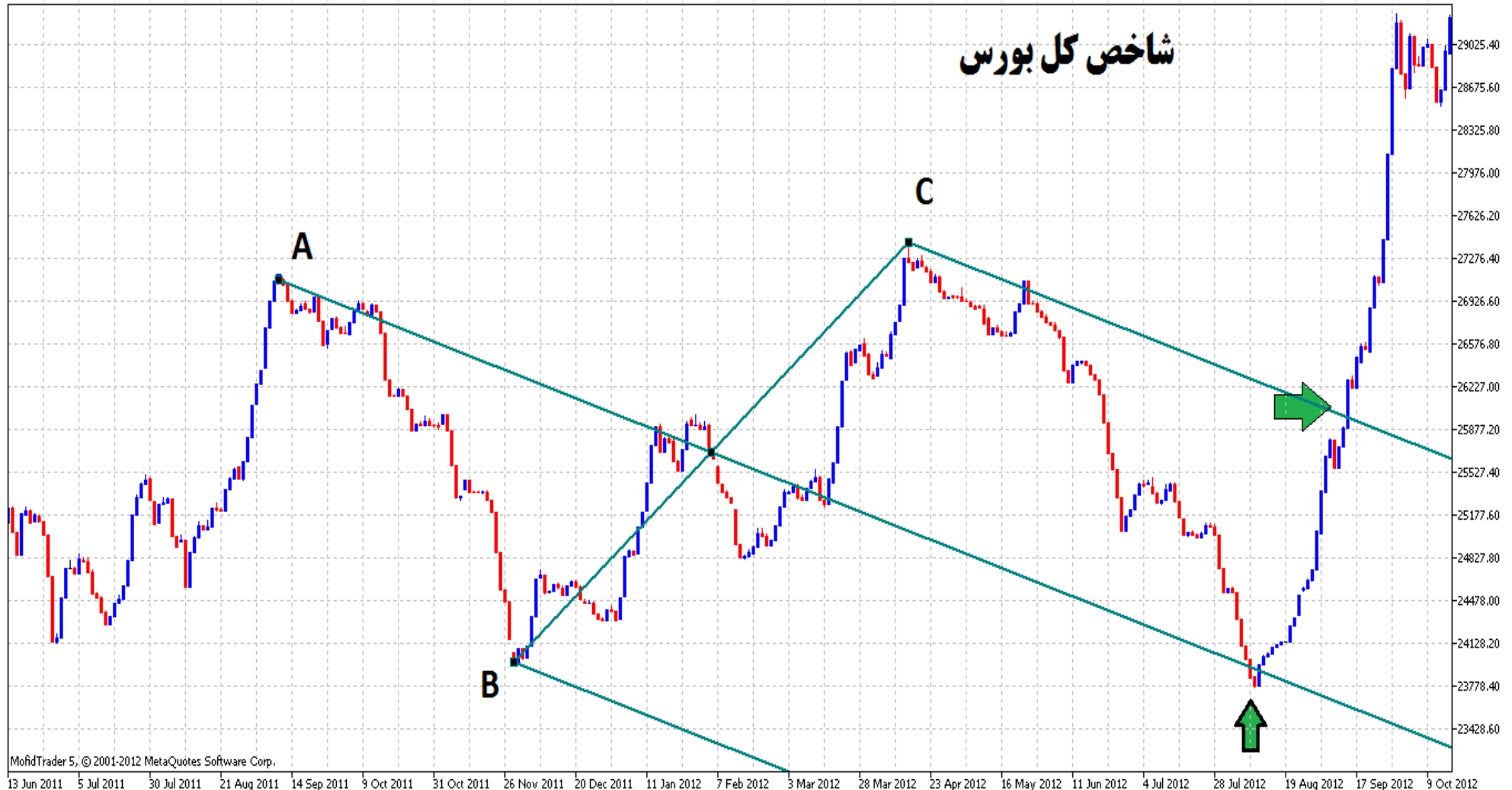
کنترل خوردگی تکین کو



MofidTrader 5, © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.

۲) قاعده دوم استفاده از چنگال اندروز زمانی مورد استفاده برای ورود به معامله قرار می‌گیرد که خط میانی برای قیمت تبدیل به یک **خط حمایت** می‌شود و از پیشروی قیمت در روند صعودی و نزولی به زیر خط میانی جلوگیری می‌کند. (سیگنال خرید)

اگرچه حالت بهینه برای ورود به معامله خرید در روند نزولی با مشاهده چنین وضعیتی که خط میانی چنگال اندروز حکم حمایت را داشته، صبر کردن تا زمانی است که بال بالایی شکسته شود. **اما در روندهای صعودی با اطمینان بیشتری می‌توان وارد معامله خرید شد.**



سیمان درود



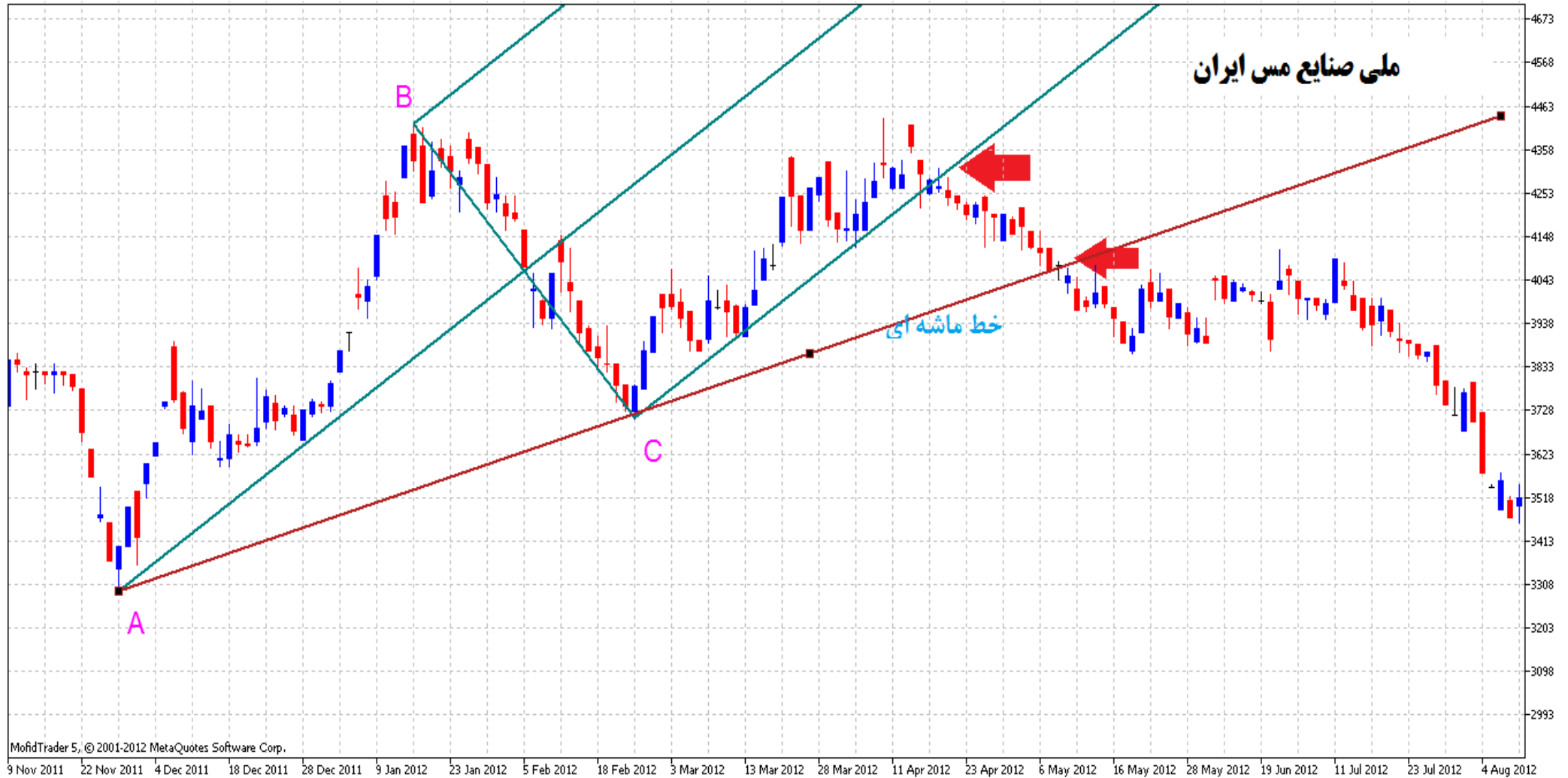
خطوط ماشه‌ای اندروز

اندروز خطوط ترسیم شده در شکل بعد را مورد استفاده قرار داد ، ولی برای آن نامی انتخاب نکرد. یک نام مناسب برای این خطوط ، خطوط ماشه‌ای است. در شکل بعد یک چنگال اندروز که با استفاده از نقاط محوری A ، B ، C ترسیم شده است را مشاهده می‌کنید. دو خط دیگر نیز به نمودار بانک کار آفرین " و کار " اضافه شده که با رنگ قرمز نمایش داده شده است. یکی از این خطوط خطی است که نقاط محوری A و C را در روندهای نزولی بیکدیگر متصل می‌کند. این خط **خط ماشه‌ای بالایی** نامیده می‌شود.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

در نمودار بعدی متعلق به شرکت ملی صنایع مس ایران "فملی" خط قرمز رنگ دوم خطی است که دو نقطه A و C را به یکدیگر وصل کرده است. این خط ماشه‌ای پایینی نام دارد. در روشهای معاملاتی مختلفی برخورد با این خطوط می‌تواند سیگنال خرید یا فروش صادر کند و به همین دلیل این خط ماشه‌ای پایینی نام گرفته است.

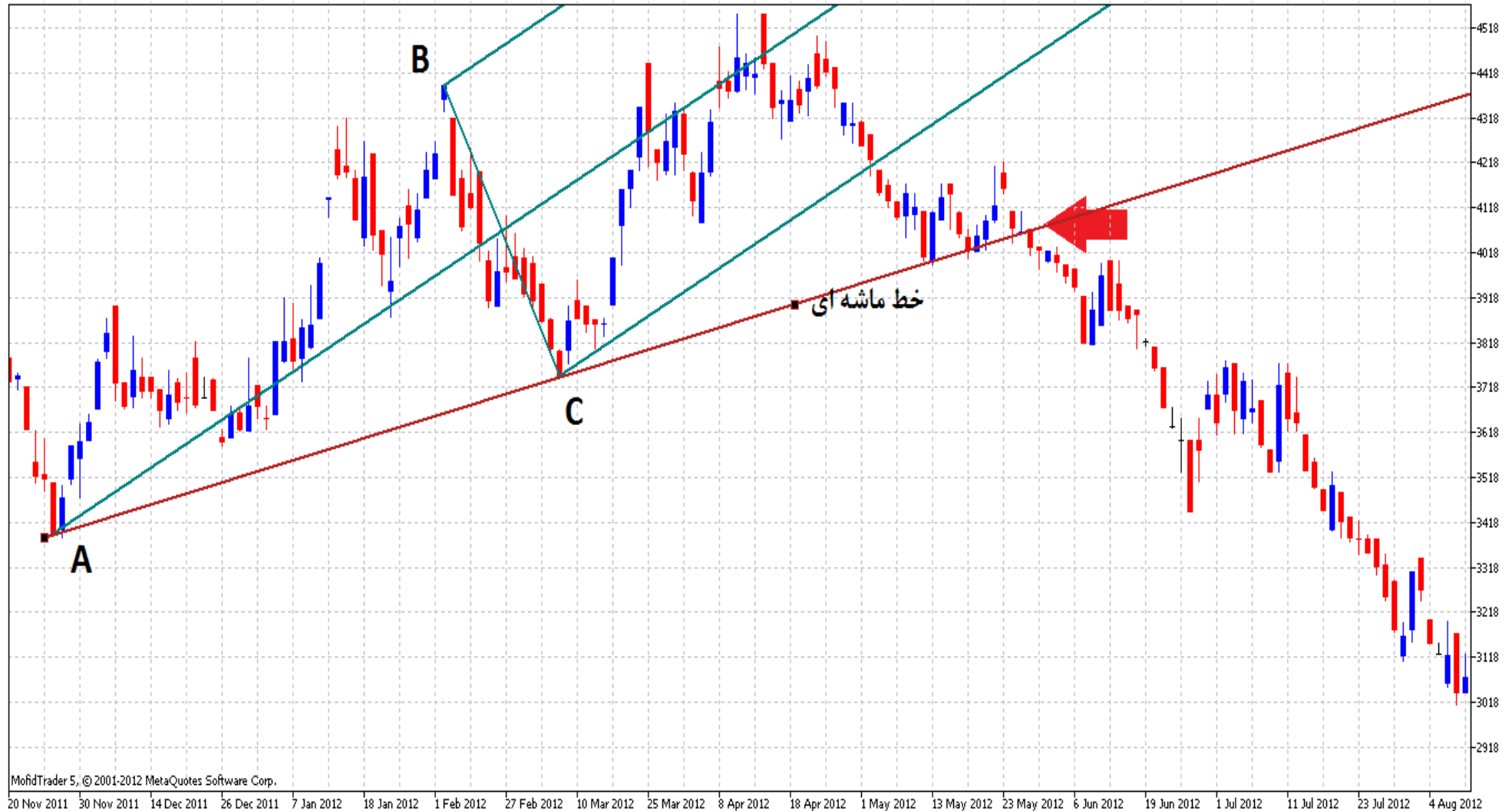


قاعده فروش: در یک چنگال صعودی هر گاه قیمت نتواند به خط میانه برسد و با حرکت به سمت پایین خط ماشه‌ای پایینی را بشکند **سیگنال فروش** صادر می‌شود. در نمودار زیر مثالی از این قاعده دیده می‌شود. این نمودار قیمت سهام شرکت فولاد مبارکه اصفهان را نشان می‌دهد. در این نمودار یک چنگال صعودی با استفاده از نقاط A و B و C و یک خط ماشه‌ای پایینی رسم شده است. از نقطه محوری C قیمت صعود کرده است ولی نتوانسته از خط میانی عبور کند و مجدداً با نزول خط موازی پایینی چنگال را شکسته است. این شکست می‌تواند یک سیگنال فروش اولیه یا هشدار برای احتمال وقوع سیگنال فروش قوی‌تر با شکست خط ماشه‌ای پایینی باشد. سیگنال فروش براساس قواعد فوق صادر می‌شود.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

نمودار بعدی روند قیمت سهام شرکت سرمایه گذاری غدیر "و غدیر" را نشان می‌دهد که در آن یک چنگال صعودی براساس سه نقطه محوری A ، B و C و خط ماشه‌ای پایینی ترسیم گردیده است. قیمت از نقطه C صعود کرده ولی نتوانسته در برخورد با خط میانه از آن عبور کند و مجدداً نزول نموده است. وقتی قیمت از خط موازی پایینی چنگال نیز عبور نماید انتظار صدور سیگنال فروش می‌رود. و وقتی قیمت توانست خط ماشه‌ای پایین را بشکند این سیگنال فروش صادر می‌شود.





قاعده خرید: در یک چنگال نزولی هر گاه قیمت نتواند به خط میانه برسد و با حرکت به سمت بالا خط ماشه‌ای بالائی را بشکند سیگنال خرید صادر می‌شود.

نمودار زیر روند تغییرات قیمت جهانی نفت را همراه با یک چنگال نزولی رسم شده براساس سه نقطه محوری A ، B و C نشان می‌دهد. قیمت پس از نقطه محوری C نزول کرده ولی نتوانسته به خط میانه برخورد کند و مجدداً صعود نموده است. با صعود قیمت و شکستن خط موازی بالایی چنگال هشدار نزدیک بودن سیگنال خرید و با شکست خط ماشه‌ای سیگنال قطعی خرید صادر می‌شود.



Daily, روزانه تعديل نشده

سرمایه گذاری خوارزمی

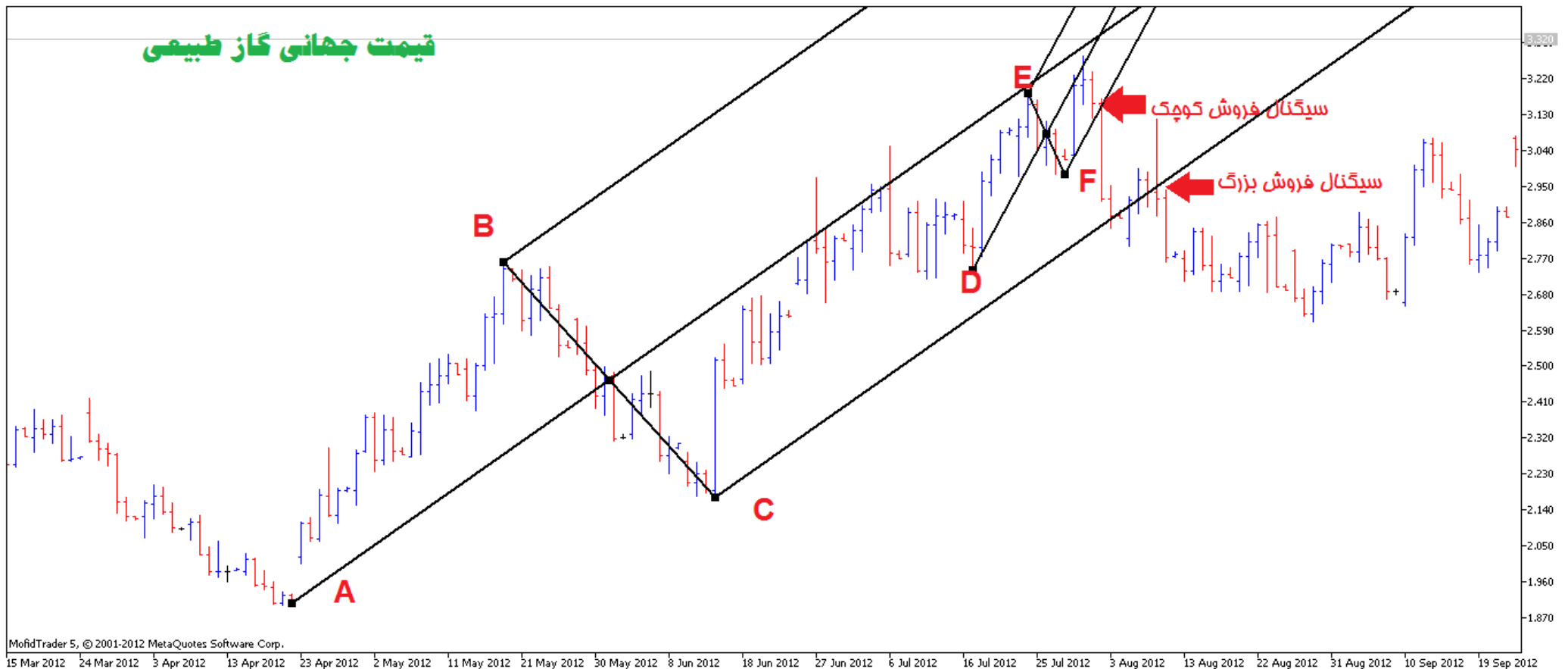




خط میانه کوچک

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

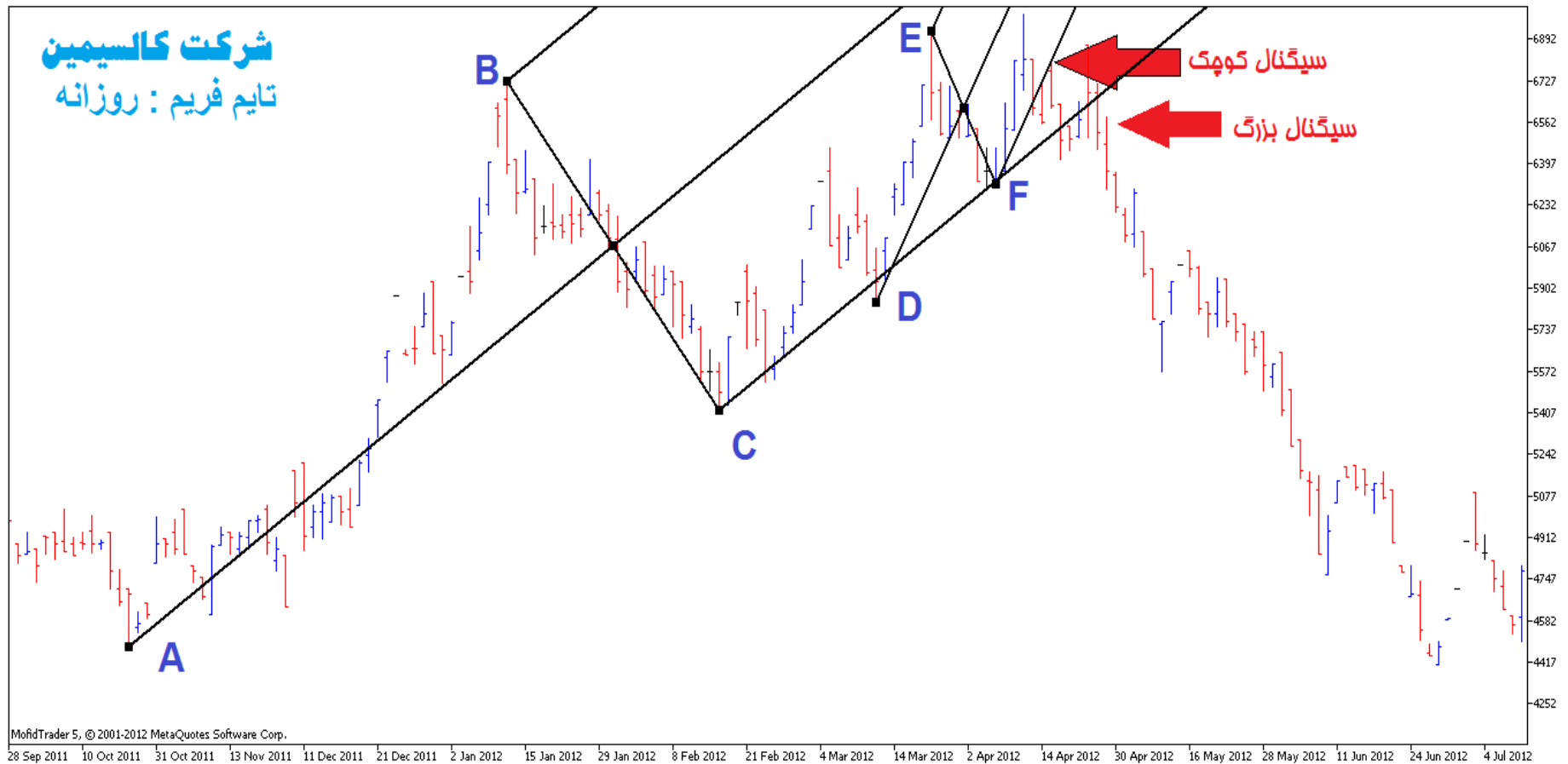
خط روند بعدی معرفی شده توسط آندروز خط میانه کوچک نام دارد. ترسیم خط میانه کوچک مطابق خط میانه عادی انجام می‌شود. فقط تفاوت این دو این است که خط میانه کوچک با استفاده از نقاط محوری کم فاصله انجام می‌گیرد. در شکل بعدی یک خط میانه کوچک نمایش داده شده است. هدف از ترسیم خط میانه کوچک جستجو برای سیگنال مرتبط با خط میانه بزرگ است. یک خط میانه کوچکتر اغلب قبل از خط میانه بزرگتر سیگنال صادر می‌کند. سیگنال خط میانه کوچک می‌تواند به تنهایی مورد استفاده قرار بگیرد یا به عنوان هشدار برای نزدیک بودن سیگنال خط میانه بزرگتر مورد استفاده قرار گیرد. قواعد خرید و فروش در خط میانه کوچک مطابق خط میانه نرمال است.



نمودار بالا روند قیمت جهانی گاز طبیعی در تایم فریم روزانه را نشان می‌دهد. یک چنگال با استفاده از نقاط محوری A، B و C و چنگال کوچک با استفاده از نقاط E، D و F ترسیم شده است. در اینجا هدف استفاده از چنگال کوچک جستجو برای سیگنال چنگال بزرگتر است. این به این معنی است که چنگال کوچک همراه با یک چنگال بزرگتر مورد

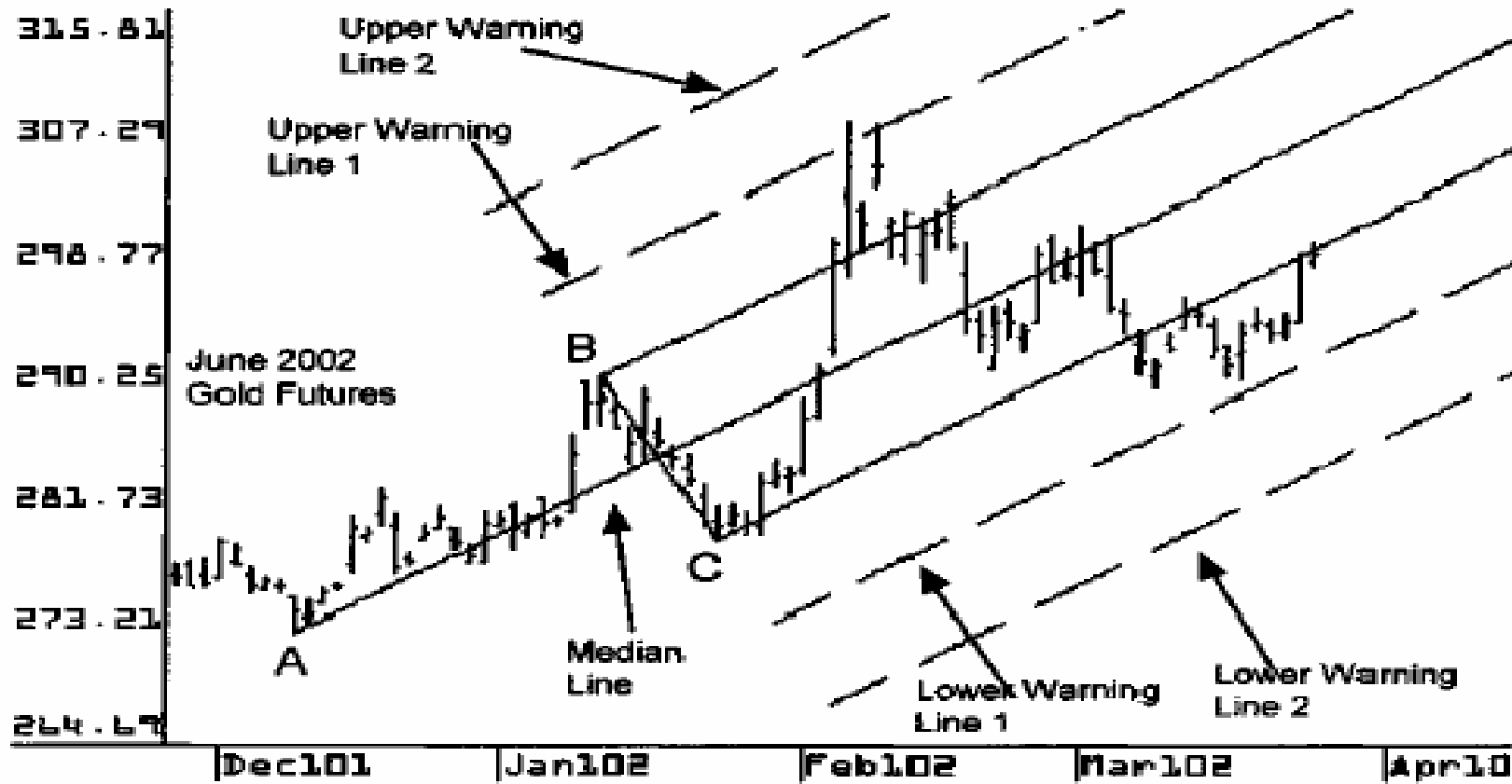
تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

استفاده قرار می‌گیرد. در این چنگال کوچک قیمت از نقطه C به سمت خط میانه حرکت نموده ولی نتوانسته از خط میانه عبور کند. این حالت به معنی ضعف قیمت و لزوم هشجاری برای سیگنال فروش است. بنابراین معامله گر می‌تواند از چنگال کوچک برای دریافت هشدارهای اولیه فروش یا خرید استفاده نماید. محلی که در شکل با فلش قرمز افقی نشان داده شده است محدوده سیگنال کوچک فروش نامیده می‌شود محلی است که قیمت نتوانسته خط پایینی موازی چنگال کوچک را بشکند و یک هشدار اولیه فروش صادر کند. می‌توان هنگام صدور این سیگنال نسبت به فروش سهم اقدام نمود و یا برای دریافت سیگنال قوی‌تر فروش از چنگال بزرگ‌تر منتظر ماند.



خطوط هشدار

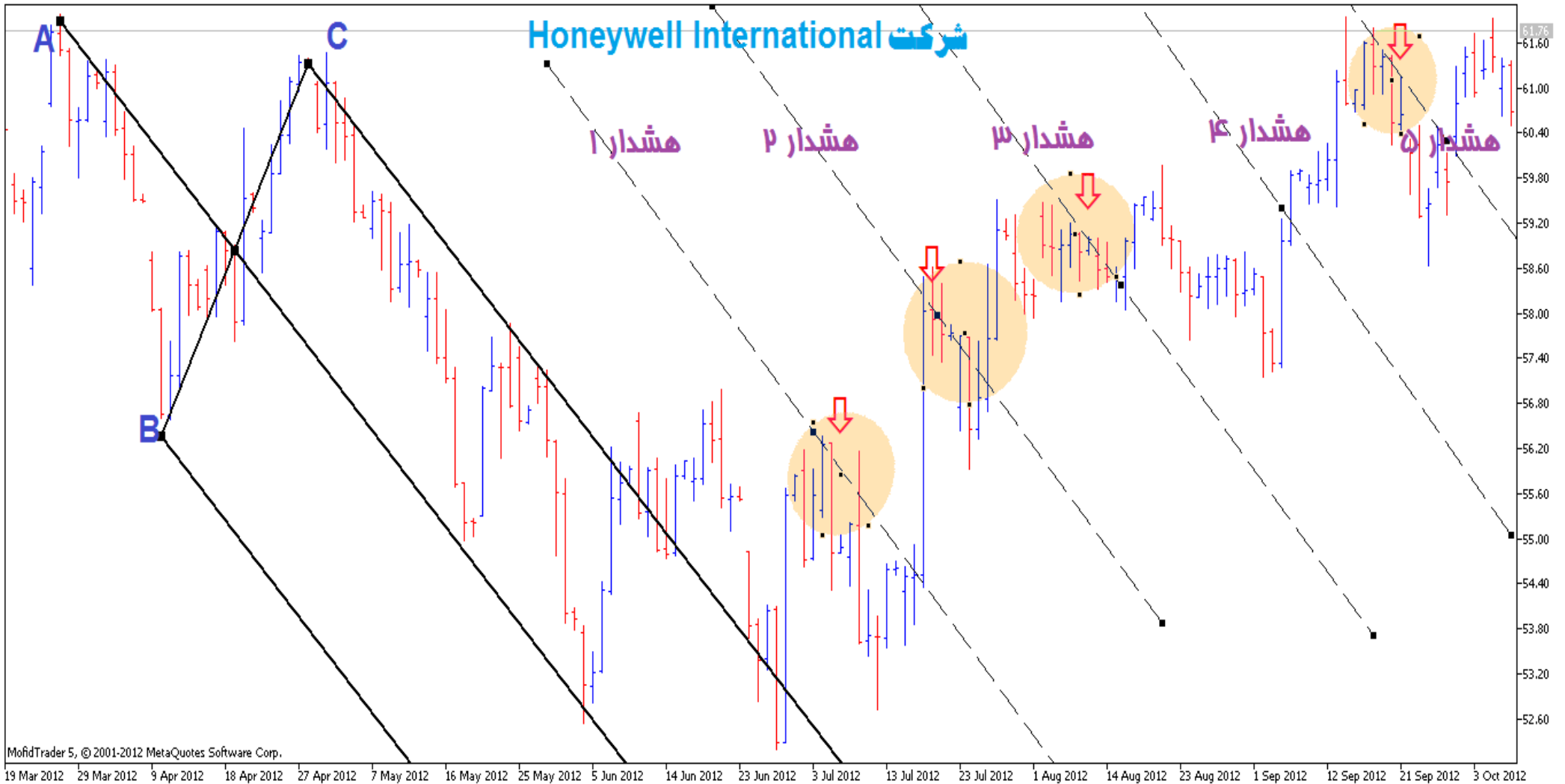
آندروز پس از ترسیم چنگال با استفاده از خطوط موازی بالائی و پایینی ، خطوط دیگری نیز به موازات آنها ترسیم نمود که خطوط هشدار نامیده شد. در نمودار زیر دو خط هشدار به صورت خط چین به موازات هر یک از خطوط پایینی و بالائی چنگال ترسیم شده است. فاصله هر یک از خطوط برابر فاصله خط میانه با خطوط موازی چنگال است



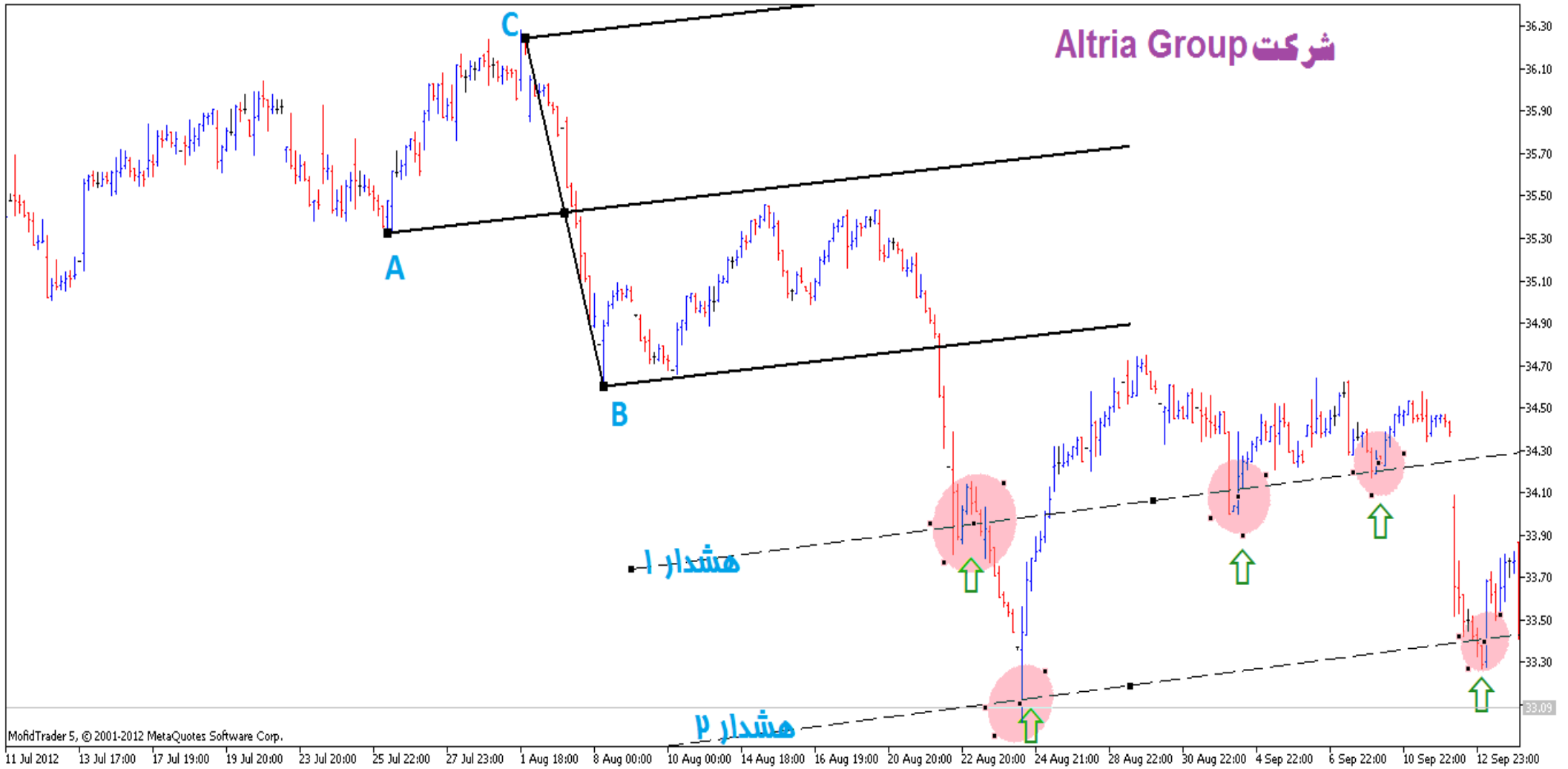
نمودار بعدی روند قیمت سهام شرکت مک دونالد را نشان می‌دهد. در این نمودار یک چنگال بزرگ ترسیم شده است. هنگامی که قیمت بال پایینی چنگال نزولی را شکسته است سیگنال فروش صادر می‌شود. پس از آن مشاهده می‌شود که قیمت در برخورد با خطوط هشدار ۱ و ۲ که به موازات بال پایینی چنگال رسم شده است تمایل به بازگشت دارد. خطوط هشدار به عنوان نقش سطح حمایت (بازدارنده از افت) را ایفا نموده و روند نزولی را به صعودی تبدیل می‌کند.



نمودار زیر قیمت سهام شرکت Honeywell International را نشان می‌دهد. یک چنگال و پنج خط هشدار بالائی با استفاده از سه نقطه محوری A, B, C ترسیم گردیده است. پس از نقطه C قیمت نتوانسته به خط میانه برسد که نشان دهنده قدرت قیمت است. افزایش قیمت در برخورد با خط هشدار اول و خط هشدار دوم و خط هشدار سوم و خط هشدار پنجم نقاط محوری سقف بوجود آورده است.

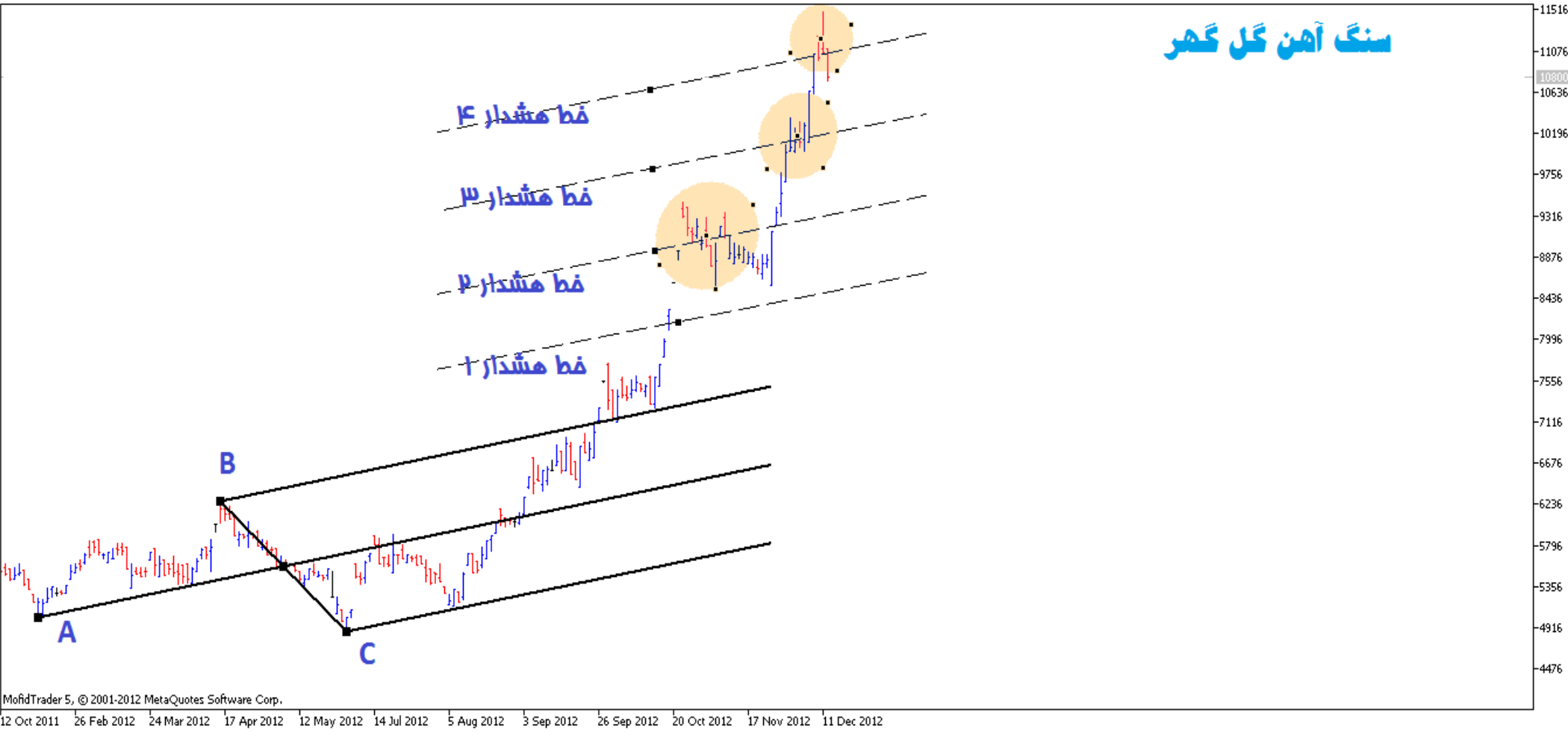


نمودار بعدی قیمت هفتگی سهام شرکت Altria Group را نشان می‌دهد. یک چنگال و یک خط هشدار با استفاده از سه نقطه محوری A,B,C در این نمودار ترسیم شده است. اولین موج نزولی تشکیل شده پس از نقطه محوری A تا خط موازی پائینی چنگال ادامه یافته است و بال چنگال را می‌شکند و تا خط هشدار ۱ استمرار می‌یابد. دومین موج نزولی تا خط هشدار پائینی ادامه پیدا کرده است و پس از تشکیل یک کف در این نقطه، روند صعودی و بازگشت قیمت آغاز می‌گردد.



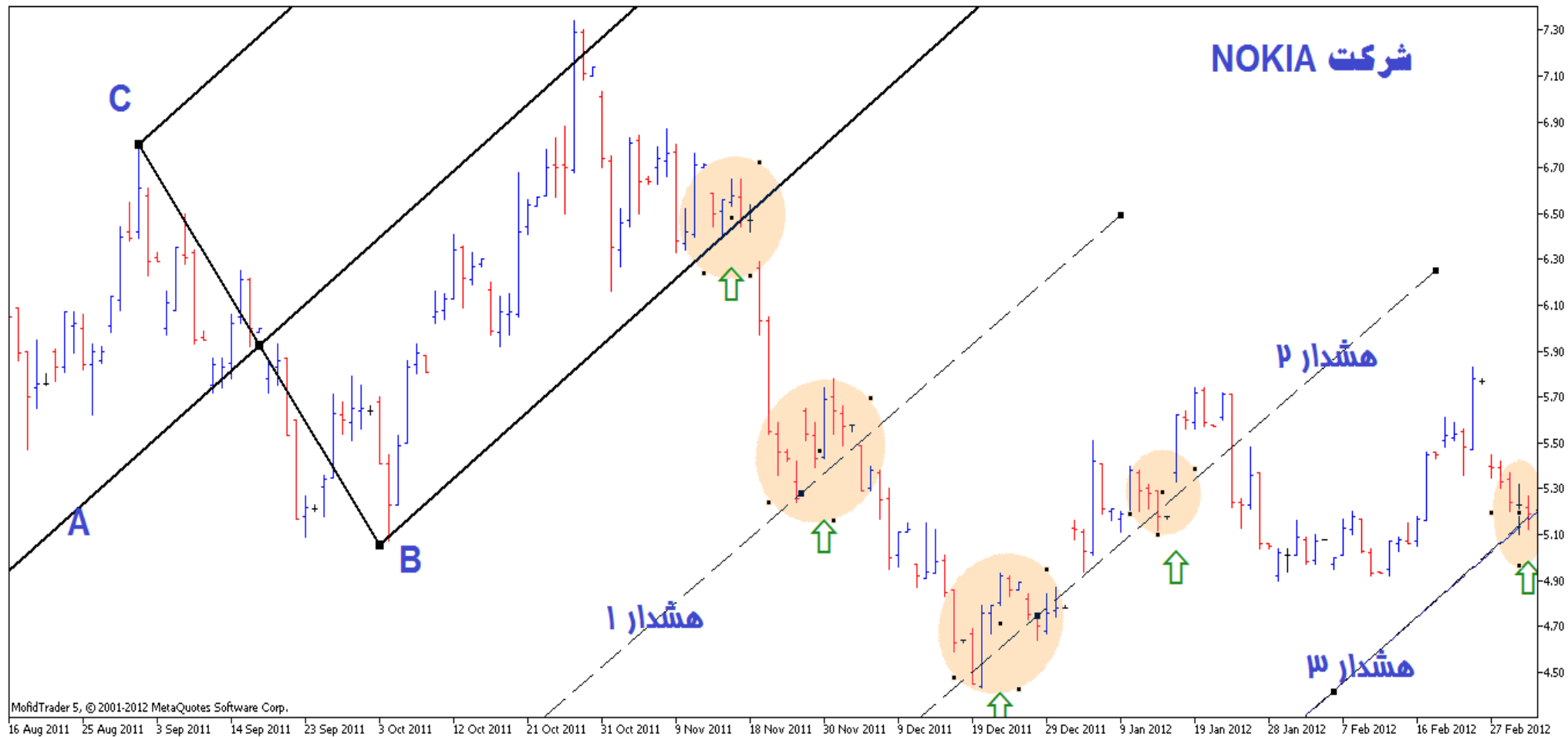
نمودار بعدی تغییرات قیمت سهام شرکت سنگ آهن گل گهر را در یک بازه زمانی ۱۰ ماهه نشان می‌دهد. نمودار یک چنگال آندروز و چند خط هشدار با استفاده از سه نقطه محوری A, B, C ترسیم شده‌است. پس از نقطه C قیمت تا خط میانه D صعود کرده، بال بالائی چنگال را می‌شکند. سپس ۴ خط هشدار به عنوان نقاط محوری بازدارنده از رشد به موازات بال بالائی چنگال رسم شده است که نقاط محوری سقف را ایجاد کرده‌اند.

سنگ آهن گل گهر



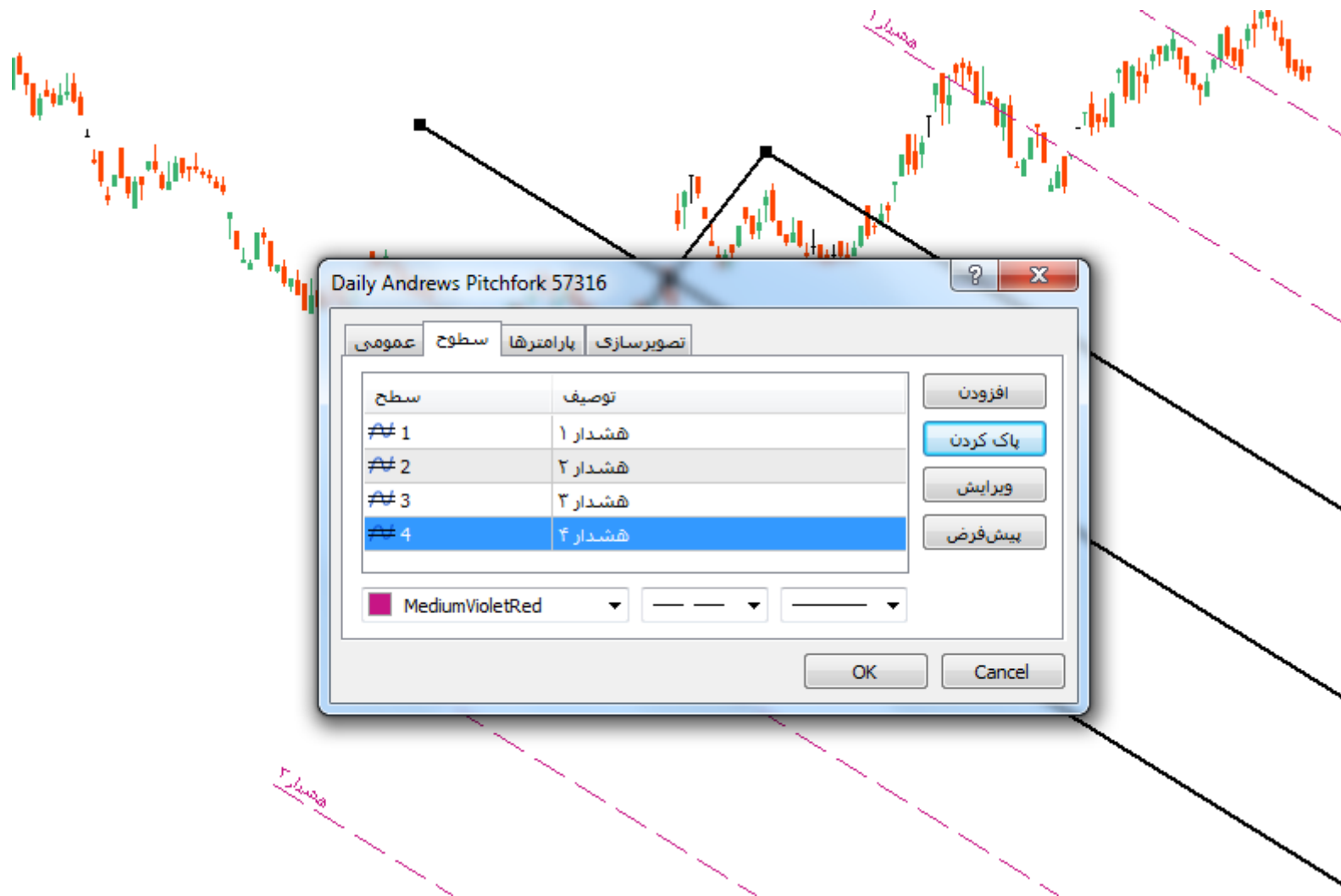
MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis



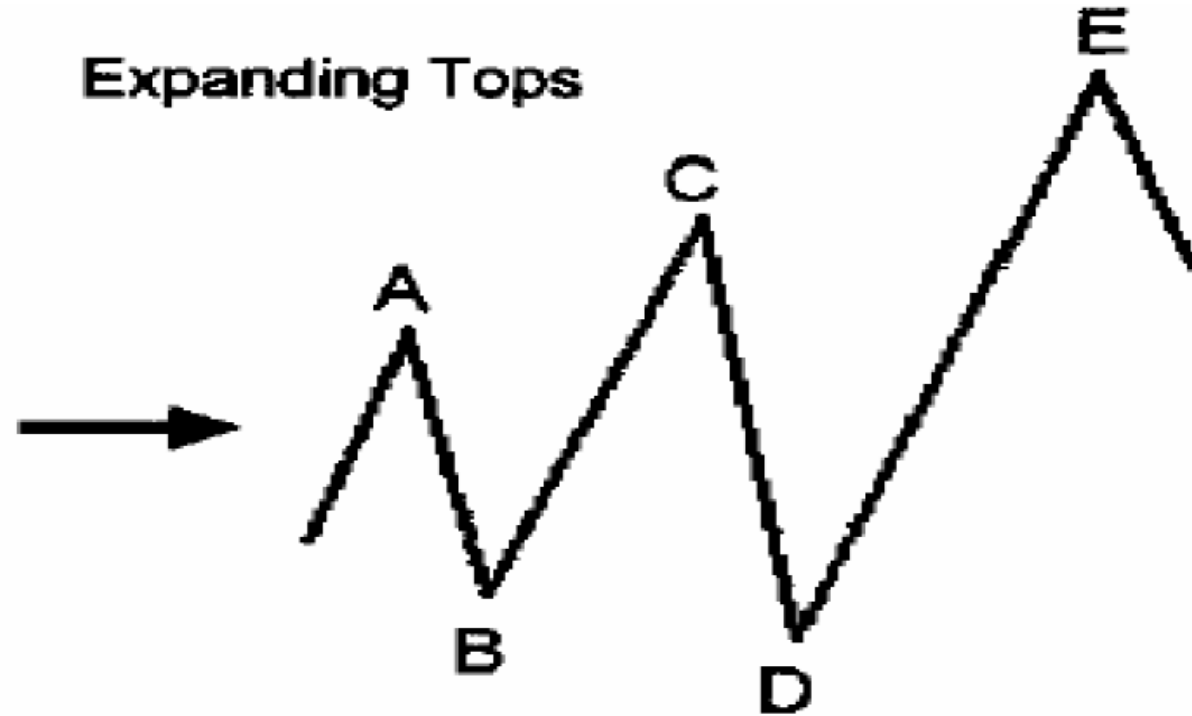
تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

برای استفاده از خطوط هشدار اندروز در پلاتفرم متاتریدر ۵ بر روی چنگال اندروز کلیک کرده و به قسمت ویژگی‌ها بروید. در پنجره ویژگی‌ها در **tab** سطوح اعداد پیش رفت را پاک نموده و در قسمت سطح به ترتیب اعداد ۱، ۲، ۳ و ۴ را تایپ نمائید. در ستون توصیف می‌توانید خطوط هشدار ۱ و ... را درج نمائید.



الگوی نوسان انبساطی

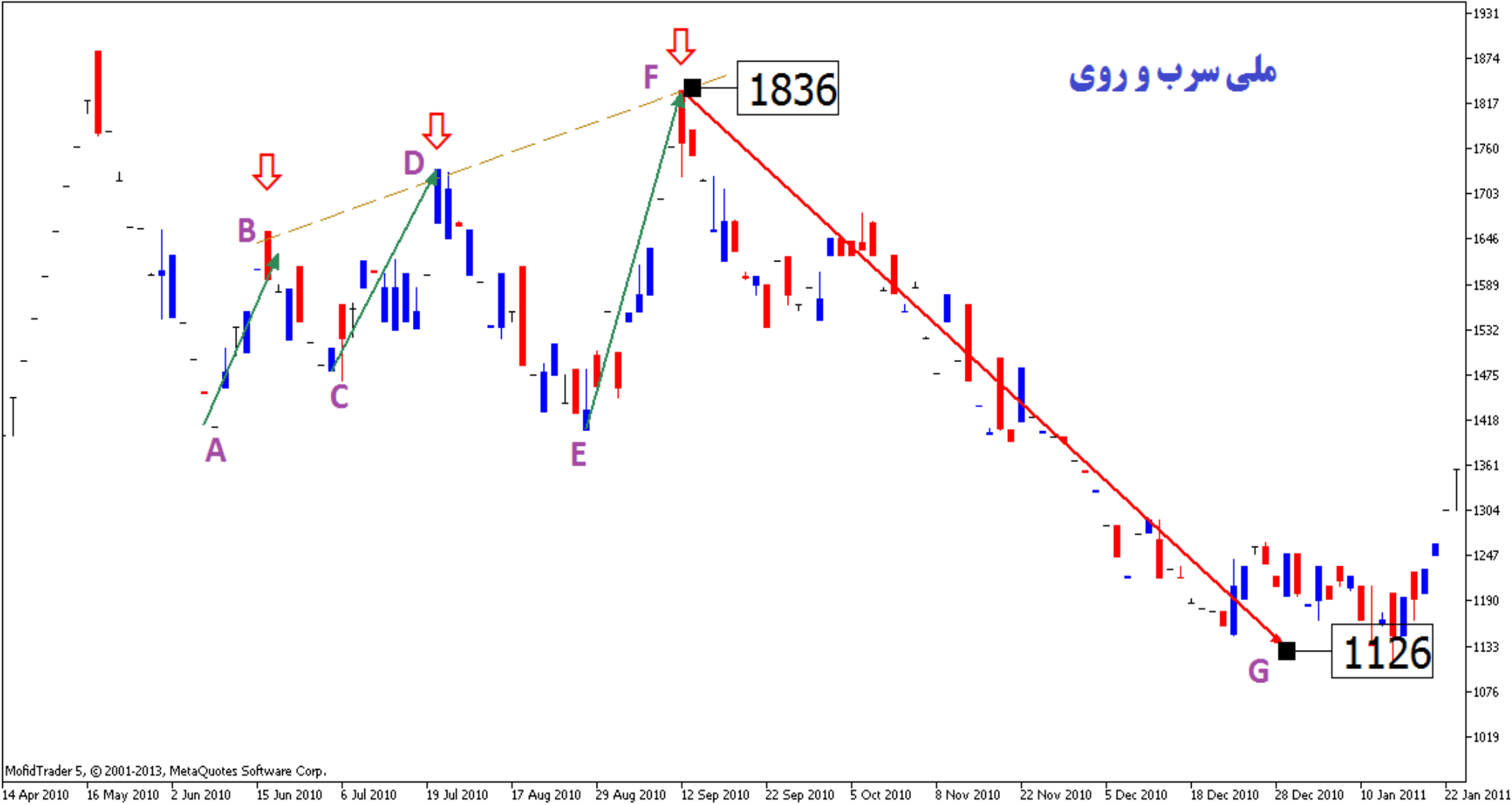
فقط یک الگو آنقدر برای آلن اندروز مهم بود که آنرا در آموزشهایش درج نماید. این الگو الگوی نوسان انبساطی است که در شکل زیر نمایش داده شده است. این الگو هنگامی شکل می‌گیرد که نوسانات قیمت به مرور بزرگ‌تر می‌شود. در نمودار زیر نوسان بین نقطه B و C بزرگ‌تر نوسانات بین نقاط A و B است. پس از آن نیز نوسان بین نقاط D و C بزرگ‌تر و نوسان بین نقاط E و D بزرگ‌ترین نوسان است. اندروز معتقد بود وقتی چنین الگویی پدید می‌آید بازار ناپایدار می‌شود و در آینده‌ای نزدیک یک شکست قوی به سمت پایین خواهد داشت.



مثالی از الگوی انبساطی آندروز در نمودار بعدی نشان داده شده است. این الگو یک الگوی سقفی است که معمولاً در بازارهای با تحرک بالا صورت می‌پذیرد. این الگو نشان می‌دهد که بازار ناپایدار بوده و بزودی یک شکست رخ خواهد داد. خط چین روی نمودار نوساناتی که این الگو را تشکیل داده‌اند نمایش می‌دهد.

مثالی از الگوی نوسان انبساطی آندروز در شکل بعد نشان داده شده است. این الگو یک الگوی سقفی است که معمولاً در بازارهایی با تحرک بسیار بالا پدید می‌آید. این الگو نشان می‌دهد که بازار ناپایدار شده و بزودی یک شکست رخ خواهد داد. هر نوسان صعودی از نوسان صعودی قبلی بزرگتر است و هر نوسان نزولی نیز از نوسان نزولی قبلی بزرگتر می‌باشد. این الگو از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که زیر یک خط میانه بلند مدت شکل گرفته است و پس از تشکیل این الگو روند نزولی پدید آمده است.

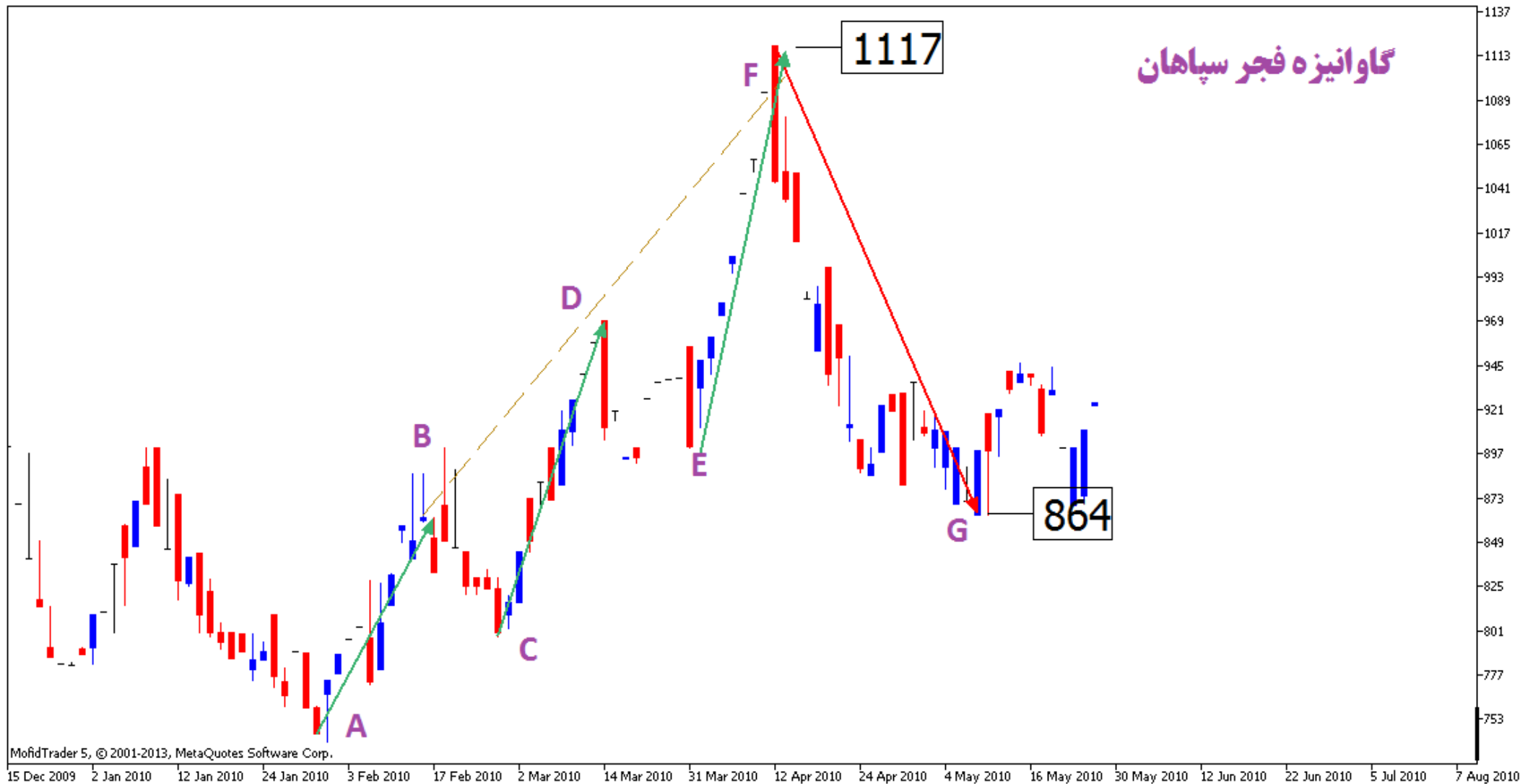
ملی سرب و روی



MofidTrader 5, © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.



گوانیزه فجر سپاهان



روش اول عمل و عکس العمل

آندروز در سمینارها و دوره‌های آموزشی خود بیان می‌نمود که اگر یک معامله گر فقط به همین روش مسلط باشد می‌تواند یک میلیون دلار بدست آورد.

گام اول : ترسیم خط مرکزی

روش عمل و عکس العمل از سه نوع خط استفاده می‌نماید. **خط مرکزی ، خطوط عمل و خطوط عکس العمل.** اولین گام برای استفاده از این روش **انتخاب خط مرکزی مناسب** است. خط مرکزی می‌تواند **یک خط میانه ، یک خط روند یا یک خط روند چند محوره** باشد. خط مرکزی نمی‌تواند یکی از خطوط بالائی یا پائینی چنگال یا خطوط هشدار باشد. نمودار زیر سهام شرکت نوکیا در چارچوب زمانی روزانه نمایش می‌دهد. در این نمودار یک خط میانه با استفاده از دو نقطه محوری A,B ترسیم شده و بعنوان خط مرکزی انتخاب گردیده است.



گام دوم : ترسیم خطوط عمل

نمودار بعد نیز بر اساس نمودار قبلی ترسیم گردیده است. قانون آندروز در مورد عمل و عکس العمل در بازارهای مالی این است که هر عملی عکس العملی دارد. عمل قسمت سمت چپ خط مرکزی است که در گذشته بوقوع پیوسته و عکس العمل در سمت راست خط مرکزی به وقوع خواهد پیوست. به نظر آندروز عمل شکل گرفته در سمت چپ خط مرکزی دارای وابستگی با عکس العمل آتی در سمت راست خط مرکزی خواهد بود. خطوط عمل با شیب مشابه خط مرکزی و در سمت راست آن ترسیم می‌شوند و یک نقطه محوری کف یا سقف قیمت را لمس می‌کنند. در نمودار زیر خط عمل شماره ۱ یک نقطه محوری کف و خط عمل شماره ۲ یک نقطه محوری سقف را لمس کرده‌اند که به وضوح در نمودار نمایش داده شده است.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

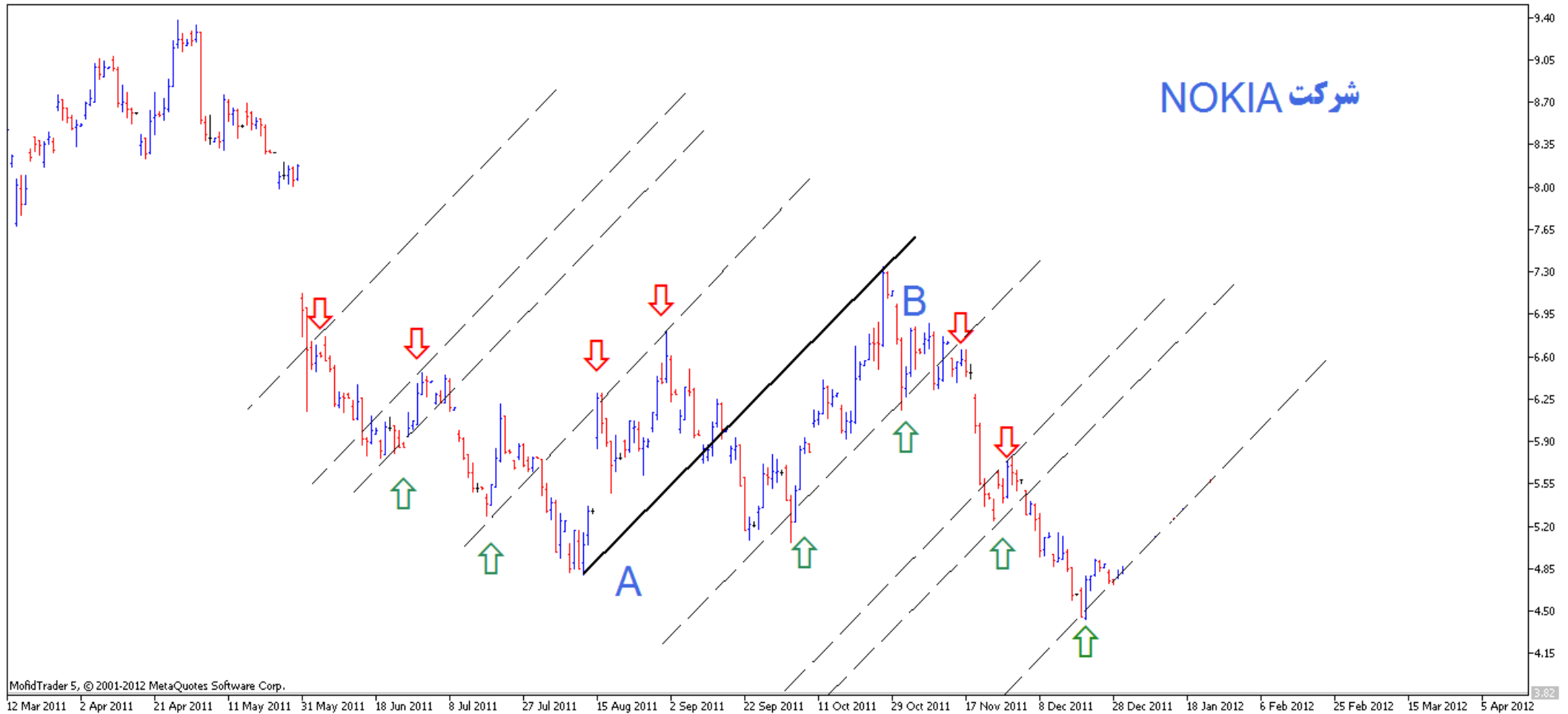
خطوط عمل گذشته قیمت را نشان می‌دهند در حالی که خطوط عکس العمل چارچوبی برای آینده قیمت ترسیم می‌نمایند. برای ترسیم خط عکس العمل شماره ۱، فاصله بین خط مرکزی و خط عمل شماره یک اندازه گیری و سپس خط عکس العمل با همین فاصله از خط مرکزی ولی در سمت راست رسم می‌شود. خط عکس العمل شماره ۲ هم به همین ترتیب ترسیم می‌گردد. در این جاست که نام خط مرکزی معنی خود را می‌یابد. خط مرکزی در مرکز خطوط عمل و عکس العمل قرار گرفته است و هر خط عکس العمل قرینه یک خط عمل نسبت به خط مرکزی است. در نمودار زیر دو خط عمل و دو خط عکس العمل را که با شیب معادل خط مرکزی رسم شده‌اند مشاهده می‌نمائید.



نمودار زیر ادامه نمودار قبلی قیمت شرکت نوکیا است. مشاهده کنید که در طول خط عکس العمل شماره ۱ دو نقطه محوری کف C, D تشکیل شده است. مشاهده می‌کنید در عکس العمل نسبت به خط عمل شماره ۱ که تنها بر اساس دو نقطه محوری ترسیم شده بود، دو نقطه محوری روی خط عکس العمل متناظر آن شکل گرفته است.

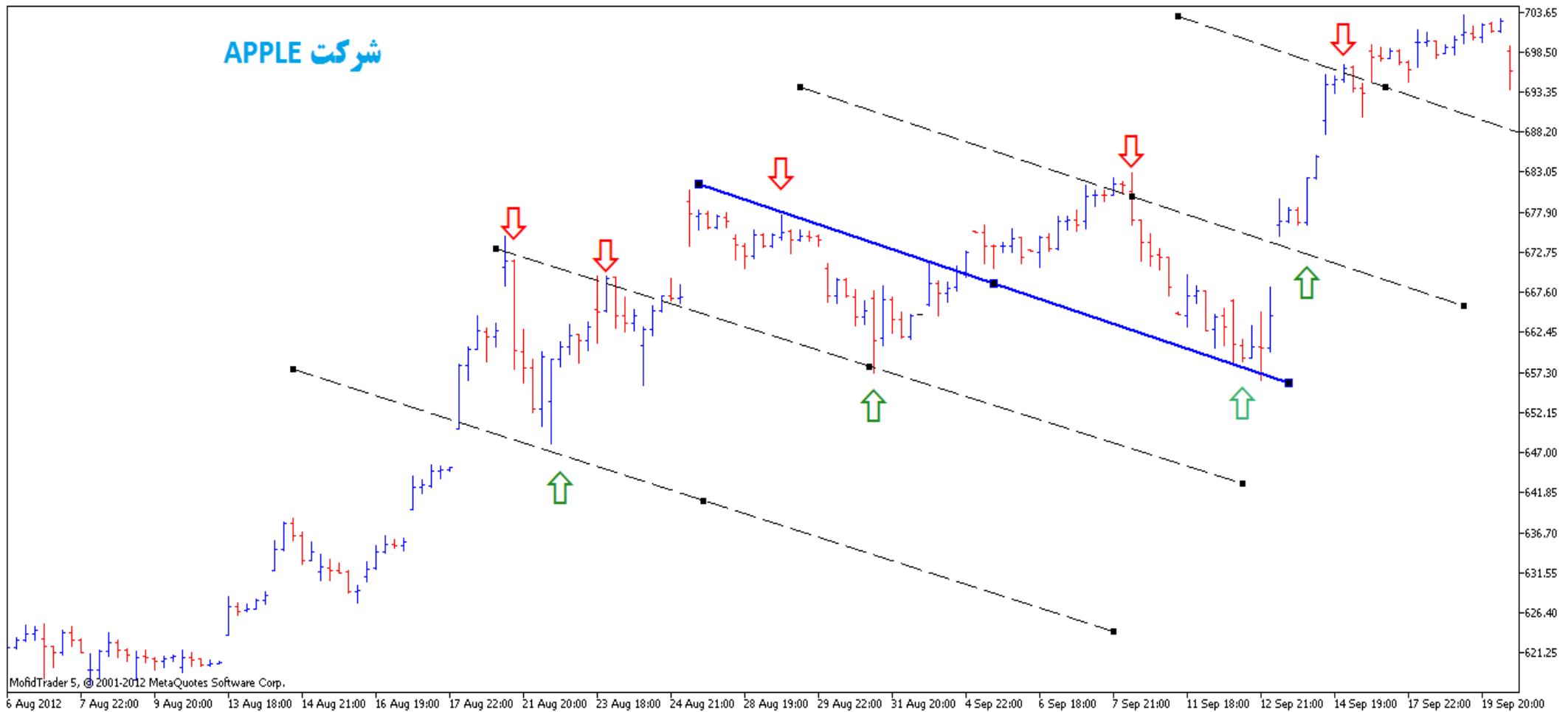
تحليل تکنیکال – Technical Analysis

همچنین ببینید که چگونه دو نقطه محوری F, E روی خط عکس العمل شماره ۲ تشکیل شده است که در عکس العمل نسبت به یک نقطه محوری مورد استفاده در ترسیم خط محوری شماره ۲، پدید آمده است. مفهوم عمل و عکس العمل آندروز بر این اصل استوار است که هر نقطه محوری می تواند منجر به تشکیل نقاط محوری عکس العمل شود. بنابراین یک معامله گر معتقد به این روش، به دنبال تشکیل نقاط محوری روی خطوط عکس العمل خواهد بود



تحليل تکنیکال – Technical Analysis

شکل بعدی یک مثال ساده از کاربرد روش اول عمل و عکس العمل در نمودار سهام شرکت اپل را نشان می‌دهد. یک خط میانه به عنوان یک خط مرکزی استفاده شده و خط عمل با استفاده از یک نقطه محوری کف و سقف و با شیب مشابه خط مرکزی رسم گردیده است. خط عکس العمل نیز قرینه خط عمل نسبت به خط مرکزی است. مشاهده کنید که چگونه یک نقطه محوری سقف پس از عبور قیمت از خط عکس العمل تشکیل شده است.

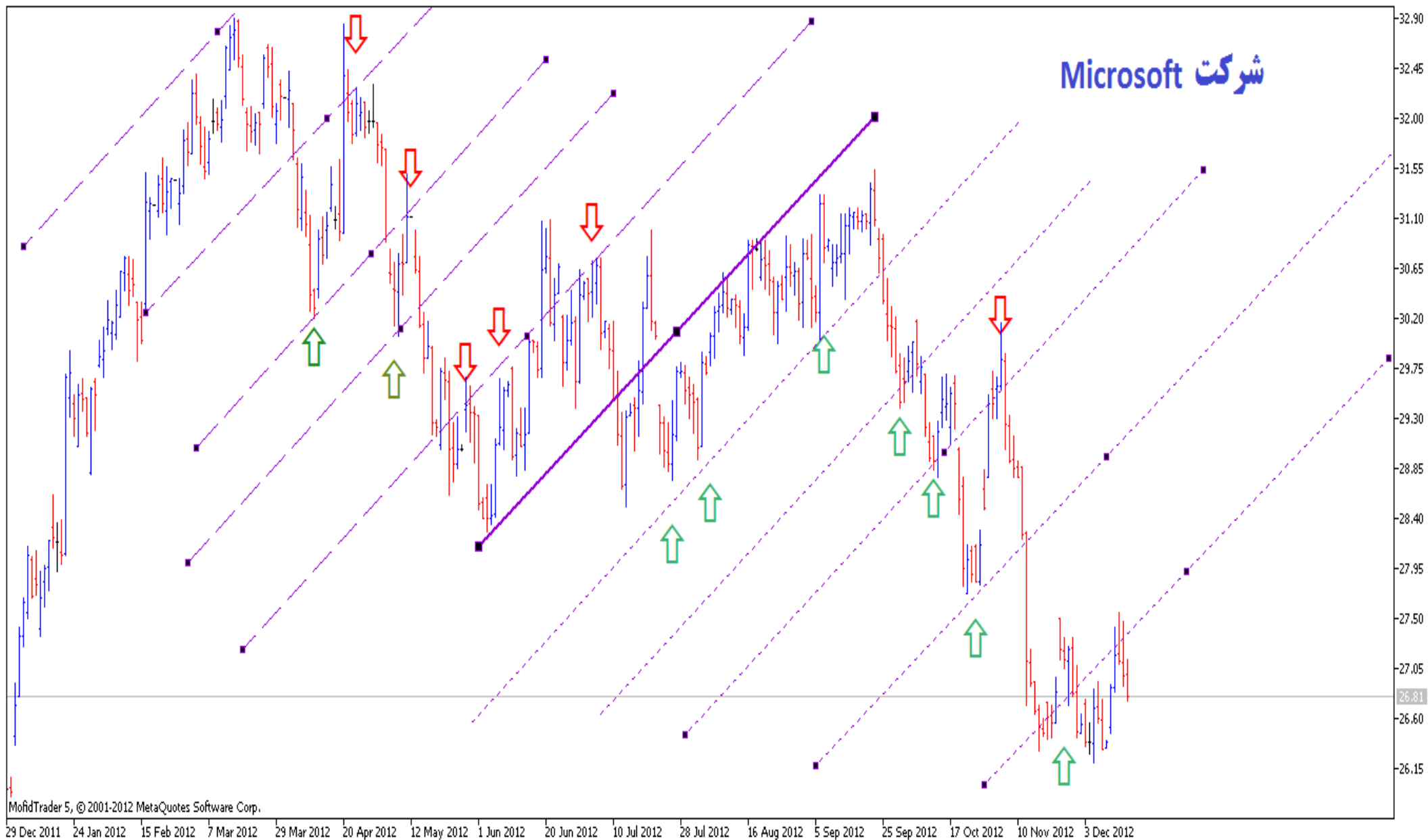


شرکت FACEBOOK

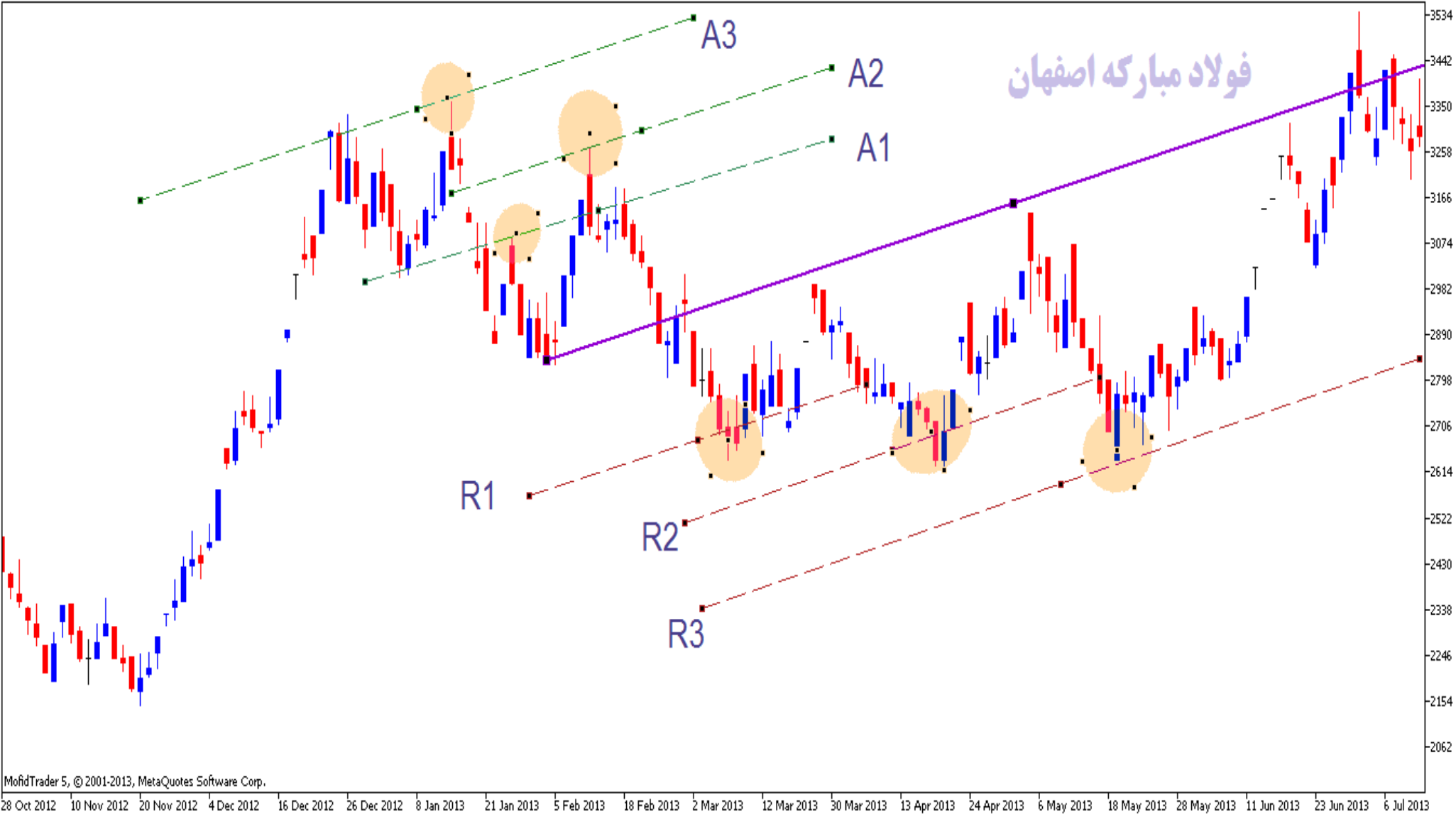


تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

نمودار زیر مثالی از کاربرد روش اول عمل و عکس العمل آندروز را با استفاده از قیمت سهام شرکت میکروسافت نشان می‌دهد. اولین قدم در استفاده از این روش انتخاب یک خط مرکزی مناسب است. در این مثال یک میانه به عنوان خط مرکزی مورد استفاده قرار گرفته است. سپس پنج خط عمل با شیب مساوی با خط مرکزی و مماس بر نقاط محوری سمت چپ خط مرکزی رسم شده‌اند. خطوط عمل باید همگی مبتنی بر قیمت‌های قبل از خط مرکزی ترسیم شده باشند. خطوط عکس العمل نیز با شیب مساوی خط مرکزی و با فاصله مساوی با خط عمل متناظر نسبت به خط مرکزی ترسیم می‌گردند. در این مثال قیمت با برخورد به خط عکس‌العمل شماره ۱، نقطه‌ای محوری تشکیل داده و به سمت بالا برگشته است. عمل این رفتار به صورت نقطه محوری مقاومتی بوده است که مبدل به عکس العمل حمایتی شده است. سپس مشاهده می‌شود که قیمت در ادامه مسیر خود با برخورد به خط عکس العمل شماره ۲، ۳ و ۴ عکس‌العمل‌های متناظر با خطوط عمل را نشان می‌دهد. در عکس العمل شماره ۵ انتظار می‌رود دوران نزولی سهم پایان پذیرد.

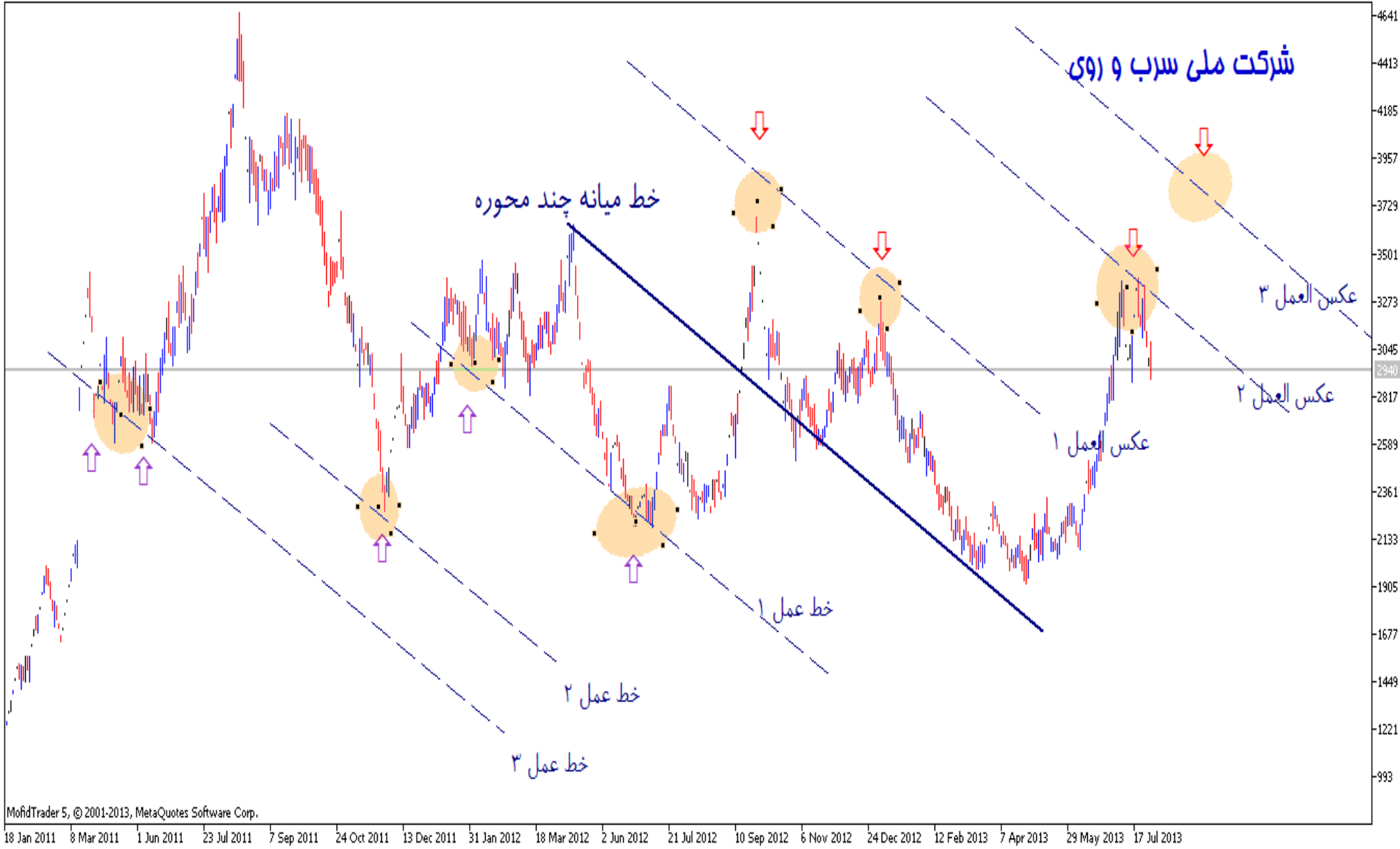




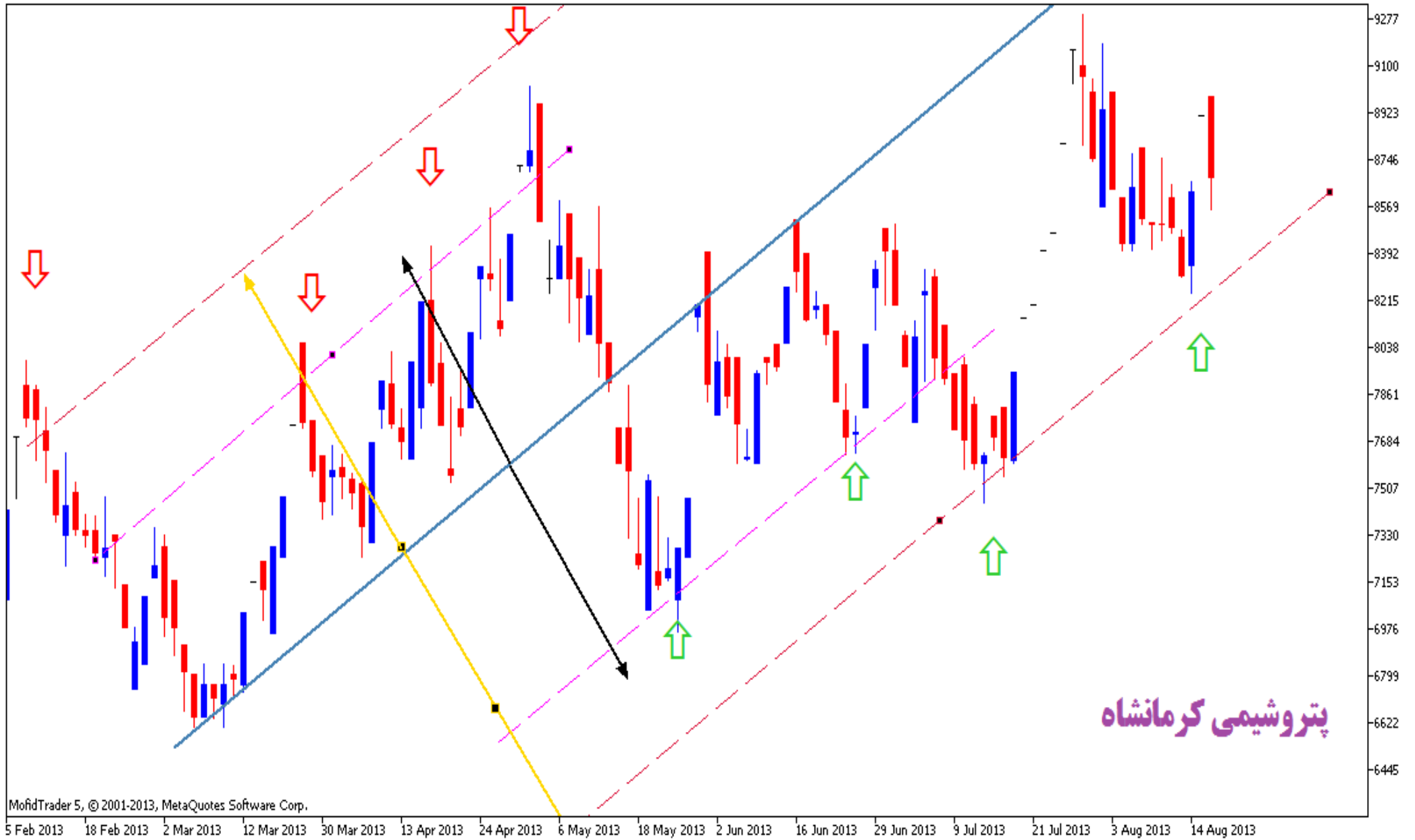


MofidTrader 5, © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis



Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



روش دوم عمل و عکس العمل

گام اول : رسم خط مرکزی

تفاوت روش‌های اول و دوم عمل و عکس العمل در تعداد خطوط عمل و محاسبات تعیین محل خطوط عکس العمل است. خطوط عمل و عکس العمل در صفحات بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرند و فعلاً رسم خط مرکزی را تشریح می‌کنیم. اولین گام در استفاده از روش دوم عمل و عکس العمل نیز انتخاب خط مرکزی مناسب است. انتخاب خط مرکزی در این دو روش یکسان است. بنابراین خط مرکزی می‌تواند یک خط میانه، یک خط روند ساده یا چند محوره باشد. خط مرکزی نمی‌تواند یکی از خطوط موازی چنگال آندروز یا خطوط هشدار باشد. در نمودار زیر قیمت سهام شرکت ماشین سازی اراک با نماد معاملاتی "فاراک" بعنوان یک مثال مشاهده می‌شود. در این نمودار یک خط روند از سقف به کف ترسیم شده است. این خط روند به عنوان خط مرکزی روش دوم عمل و عکس العمل در سه صفحه بعدی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.



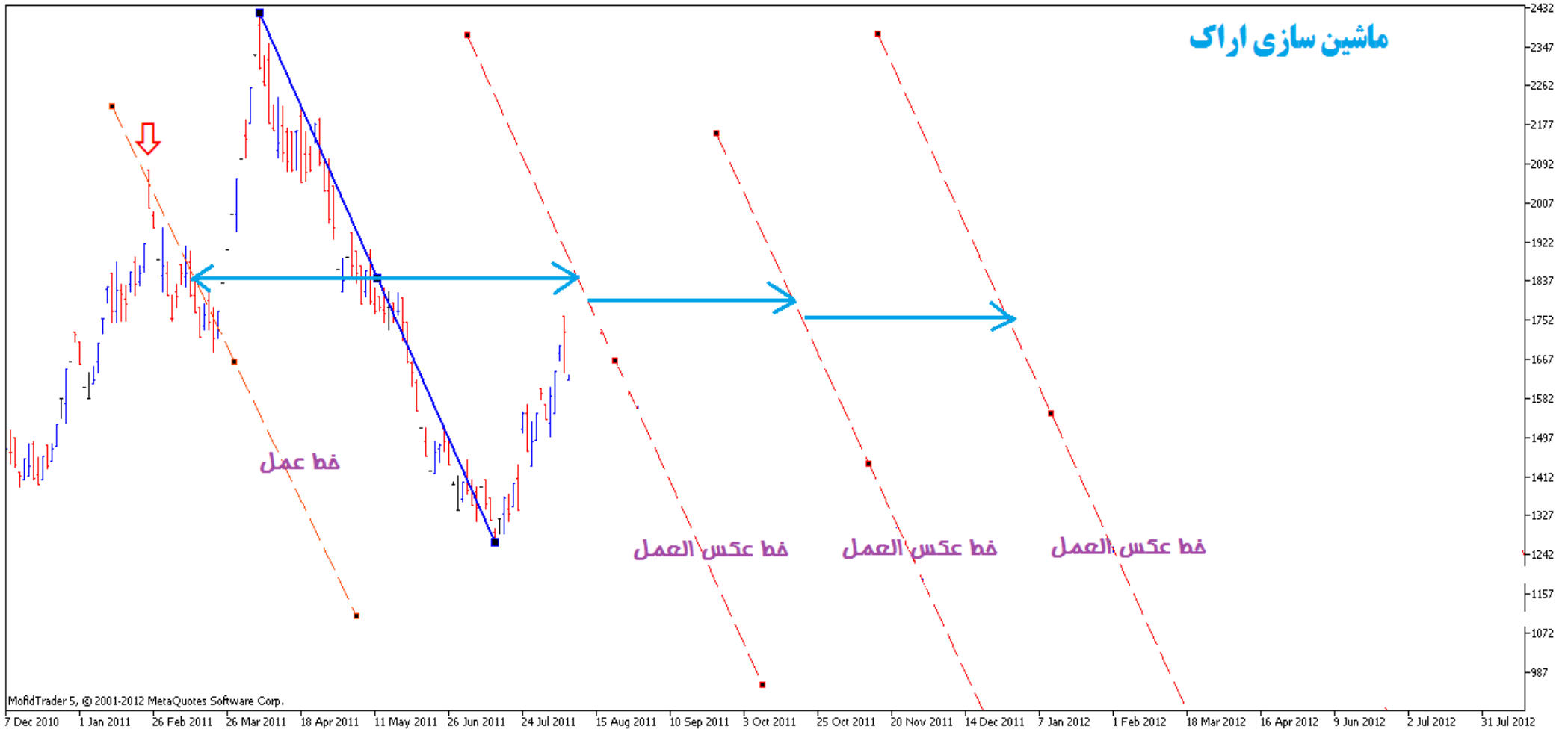
گام دوم : رسم خط عمل

در روش دوم عمل و عکس العمل تنها یک خط عمل رسم می شود و تمام خطوط عکس العمل بر اساس همین خط ترسیم می گردند. خط عمل باید در سمت چپ خط مرکزی و با شیب مساوی با آن ترسیم شود. این خط عمل باید از یک نقطه محوری سقف یا کف نیز عبور کند. فاصله خطوط عمل و عکس العمل **معیار تاریخی چرخه** نامیده می شود. این معیار برای ترسیم خطوط عکس العمل در آینده مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در نمودار زیر سهام شرکت ماشین سازی اراک و ترسیم خطوط عمل و عکس العمل روی آن نمایش داده شده است.



گام سوم : رسم خط عکس العمل

در روش دوم عمل و عکس العمل تنها یک خط عمل برای محاسبه و ترسیم خطوط عکس العمل مورد استفاده قرار می‌گیرد. فاصله بین خط مرکزی و خط عمل مبنای محاسبات برای ترسیم خطوط عکس العمل می‌باشد. اولین خط عکس العمل فاصله‌ای مساوی خط عمل نسبت به خط مرکزی داشته ولی در سمت راست آن ترسیم می‌شود. فاصله خط عکس العمل دوم نسبت به خط مرکزی دو برابر فاصله خط عکس العمل دوم است و به همین ترتیب فاصله خط عکس العمل سوم سه برابر فاصله خط عکس العمل اول می‌باشد. در واقع فاصله بین خط مرکزی با خط عمل برابر با فاصله بین هر خط عکس العمل با خط عکس العمل بعدی خواهد بود. بنابراین بر اساس روش دوم عمل و عکس العمل می‌توان به تعداد دلخواه خطوط عکس العمل در آینده رسم نمود که فاصله تمامی آنها با هم برابر و مساوی فاصله خط عمل از خط مرکزی است و همگی با خط مرکزی هم شیب هستند.



در نمودار بعدی ادامه حرکت قیمت در نمودار صفحه قبل و عملکرد خطوط عكس العمل ترسیم شده به نمایش در آمده است. در این نمودار حرکت قیمت تا پایان نمودار دیده می شود. بر اساس روش دوم عمل و عكس العمل، وقتی قیمت به حوالی خطوط عكس العمل می رسد، باید بازار را مورد توجه قرار داد. مشاهده کنید که قیمت با نزدیک شدن به خط عكس العمل اول نقطه محوری سقف A را تشکیل داده است. سپس قیمت نزول نموده و در حوالی خط عكس العمل دوم نقطه محوری کف B را شکل داده است. نهایتاً

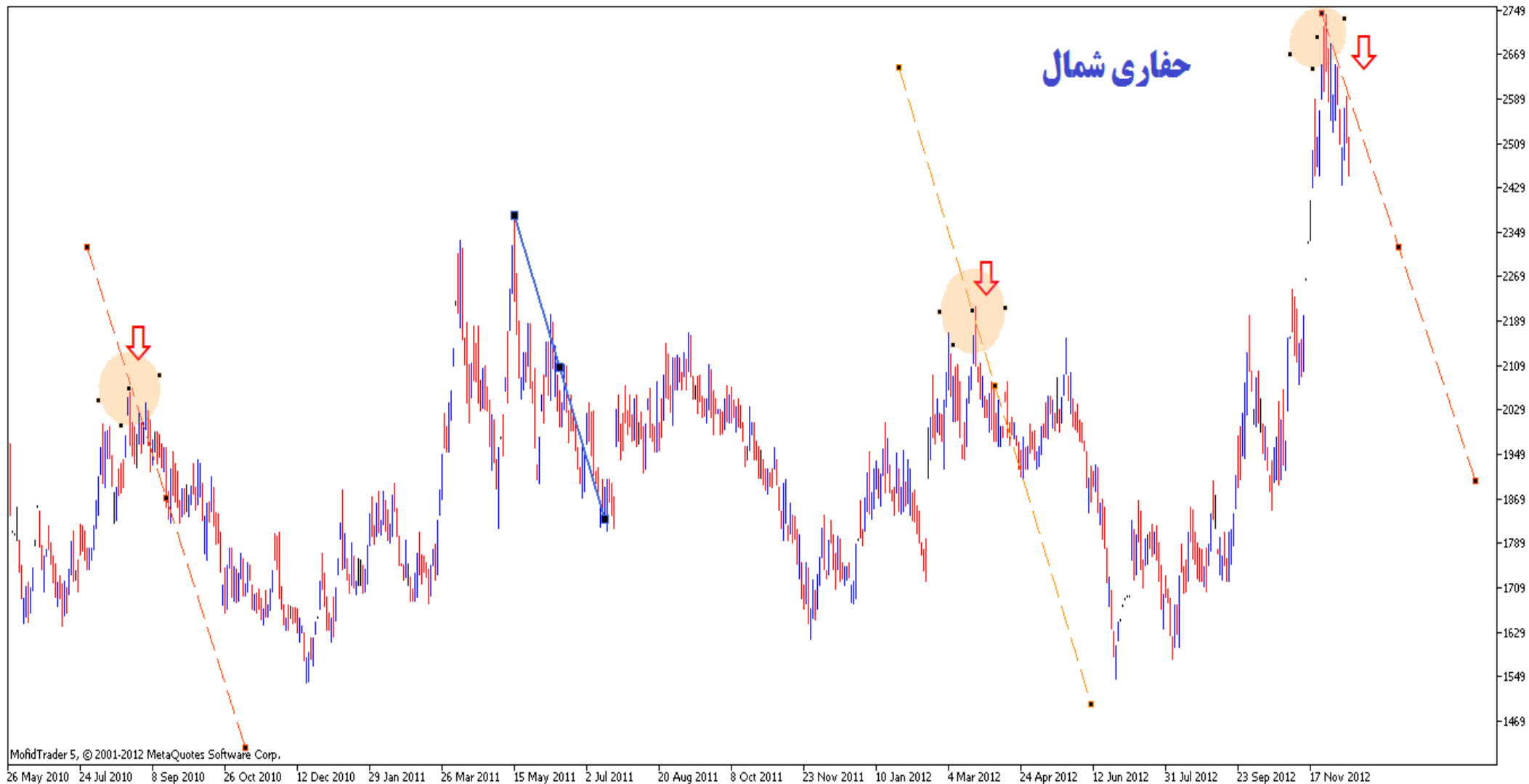
تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

قیمت در نزدیکی خط عکس العمل سوم نقطه محوری سقف C را بوجود آورده است و در نقطه محوری D مجدداً روند بازار تغییر می کند. این مثال نشان می دهد که فاصله خط عمل تا خط مرکزی معیار خوبی برای قضاوت در مورد چرخه های آتی قیمت بوده است





Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

خط روند لغزیده

خط روند لغزیده یکی از ابزارهای خاص روش‌های خط روند آندروز است. همانطور که میدانید خط روند متعارف با استفاده از دو یا چند نقطه محوری ثابت ترسیم می‌شود ولی خط روند لغزیده با لغزش یک خط روند عادی یا چند محوره یا خط میانه ترسیم می‌گردد. خط روند لغزیده یک خط موازی خط روند شروع و قابل لغزش به موازات آن است. خط روند لغزیده می‌تواند برای تشکیل کانال مورد استفاده قرار گیرد و نیز می‌تواند برای تعیین محدوده بالائی یا پائینی یک روند صعودی یا نزولی به کار گرفته شود. نمودار زیر قیمت سهام شرکت موتورولا را نشان می‌دهد. خط روند پر رنگ یک خط روند نزولی چند نقطه محوری است و خط روند شروع به شمار می‌رود. خط روند کم‌رنگ‌تر خط روند لغزیده ای است که به موازات خط روند شروع و به منظور تعیین کانال محدوده قیمت به کار گرفته شده است. این خط روند لغزیده یک محدوده حداکثری برای حرکت‌های صعودی کوتاه مدت است و تا وقتی که حرکت‌های صعودی نتوانسته‌اند این خط را بشکنند، روند نزولی همچنان برقرار خواهد بود.

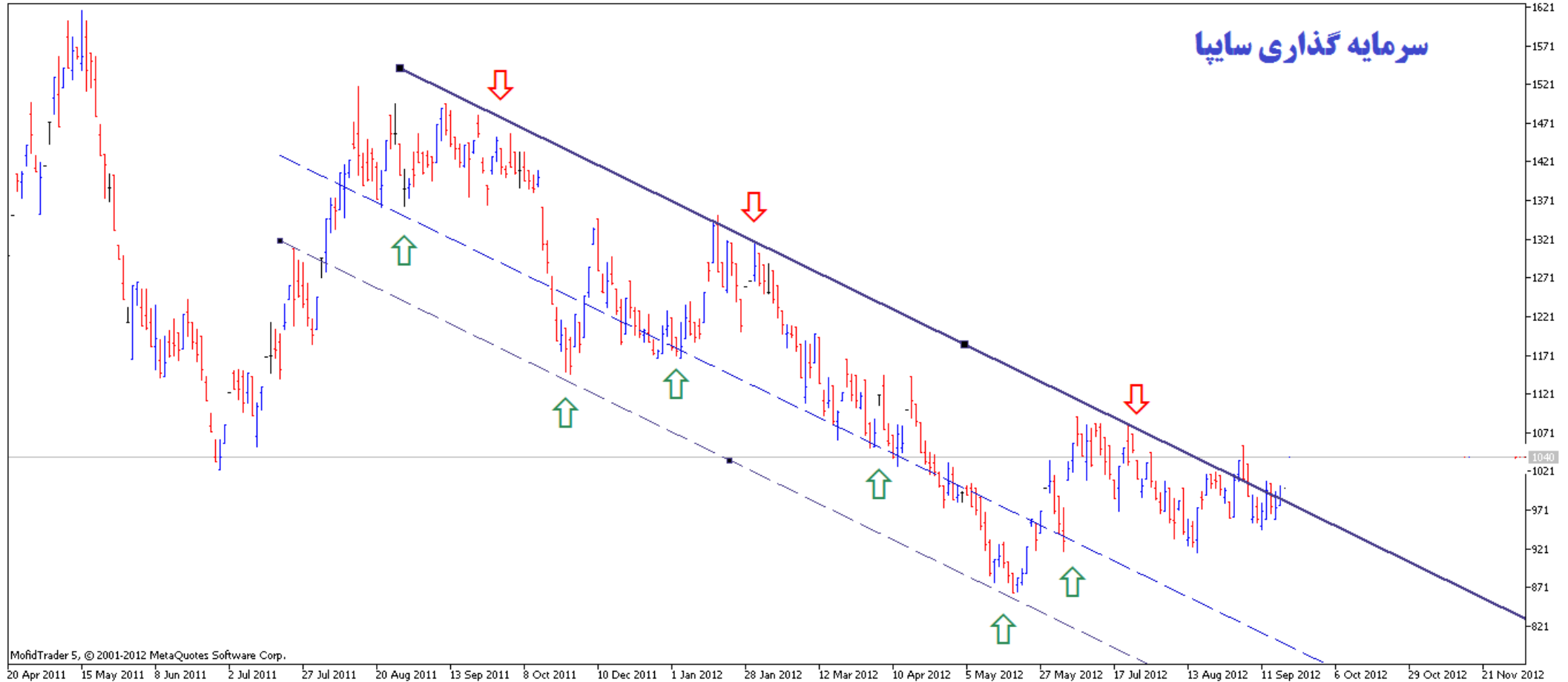
تحليل تکنیکال – Technical Analysis

شرکت موتورولا
تایم فریم : هفتگی



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

در شکل زیر قیمت سهام سرمایه گذاری سایپا را مشاهده می کنید. خط پر رنگ یک روند چند محوره نزولی است. دو خط کمرنگ تری که در شکل مشاهده می شود، خطوط روند لغزیده ای هستند که به موازات خط روند شروع (پر رنگ) رسم شده اند. این خطوط لغزیده محدوده حرکت های کوتاه مدت نزولی را مشخص می نمایند. تا وقتی که قیمت در محدوده این کانال حرکت می کند، این کانال نزولی معتبر خواهد بود



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

در شکل زیر قیمت سهام پتروشیمی خارک را مشاهده می‌کنید. خط پر رنگ یک خط روند چند محوره است که به عنوان خط شروع مورد استفاده قرار گرفته است. دو خط کم‌رنگ‌تر خطوط لغزیده‌ای هستند که به موازات خط شروع رسم شده‌اند. این خطوط لغزیده به گونه‌ای رسم شده‌اند که یک محدوده برای نوسانات قیمت در این روند صعودی مشخص نموده‌اند و تا زمانی که قیمت در این محدوده حرکت کند روند صعودی پا برجا خواهد بود.

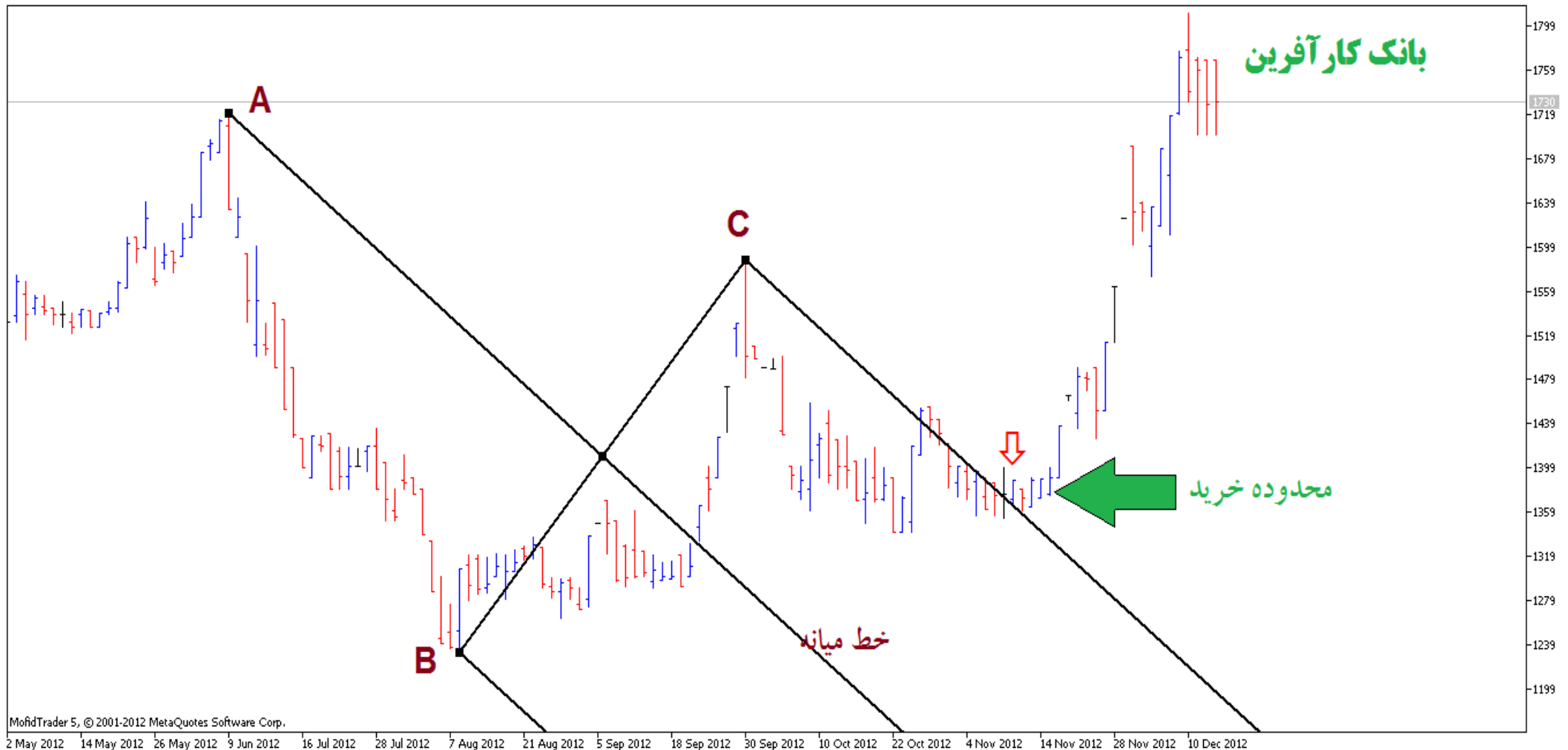


پنج روش جدید استفاده از خطوط روند

اولین روش جدید در معامله بر اساس چنگال آندروز

شرایط خرید

یک چنگال آندروز شیب دار نزولی رسم کنید. اگر قیمت حرکت قابل توجهی به درون کانال انجام نداد و خط موازی بالائی چنگال را شکست ، نشانه‌ای از قدرت قیمت در حرکت صعودی پدیدار شده است و در صورت تشکیل یک کندل کامل در بیرون چنگال آندروز، فرصت مناسبی برای خرید بوجود آمده است.



در شکل زیر نمودار قیمت بانک کارآفرین با نماد "وکار" نمایش داده شده است. یک چنگال آندروز نزولی با استفاده از سه نقطه محوری A,B,C رسم شده است. مشاهده می‌کنید که پس از نقطه محوری C قیمت حتی نتوانسته تا وسط فاصله بین خط موازی بالائی و خط میانه را طی کند. این حالت نشان دهنده قدرت قیمت است و با تشکیل یک کندل بالاتر از خط موازی بالائی سیگنال خرید صادر می‌شود. این سیگنال در شکل با علامت محدوده خرید نشان داده شده است.

شرایط فروش

یک چنگال آندروز شیب دار صعودی رسم کنید. اگر قیمت حرکت قابل توجهی به درون کانال انجام نداد و خط موازی پائینی چنگال را شکست ، نشانه‌ای از ضعف قیمت و حرکت نزولی پدیدار شده است و در صورت تشکیل یک کندل کامل در بیرون چنگال آندروز، فرصت مناسبی برای فروش تأیید می‌شود. نمودار بعدی قیمت سهام شرکت سایپا با نماد "خسایپا" را نشان می‌دهد. یک چنگال آندروز با استفاده از سه نقطه محوری A,B,C ترسیم شده است. قیمت در نزدیکی خط موازی پائینی حرکت کرده است که نشان دهنده ضعیف بودن قیمت در حرکت صعودی است. وقتی یک کندل پائین این خط موازی تشکیل و بسته شود سیگنال فروش صادر شده است



MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

نمودار بعدی قیمت سهام Wal-Mart Stores با نماد WMT را نشان می‌دهد. یک چنگال آندروز با استفاده از سه نقطه محوری A,B,C رسم شده است. قیمت پس از برخورد با خط میانه برای مدتی در طول خط موازی پائینی حرکت کرده است که نشان دهنده ضعف قیمت در حرکت صعودی خود است. وقتی که یک کندل در خارج از چنگال تشکیل و بسته شود، سیگنال فروش صادر شده است



دومین روش جدید در معامله بر اساس چنگال آندروز

الگوهای متعددی وجود دارند که هر گاه همراه با خط میانه چنگال آندروز بکار روند سیگنال‌های بسیار خوبی صادر می‌کنند. روش‌های دوم و سوم هر دو بر اساس نحوه حرکت قیمت در حوالی خط میانه طراحی شده‌اند.

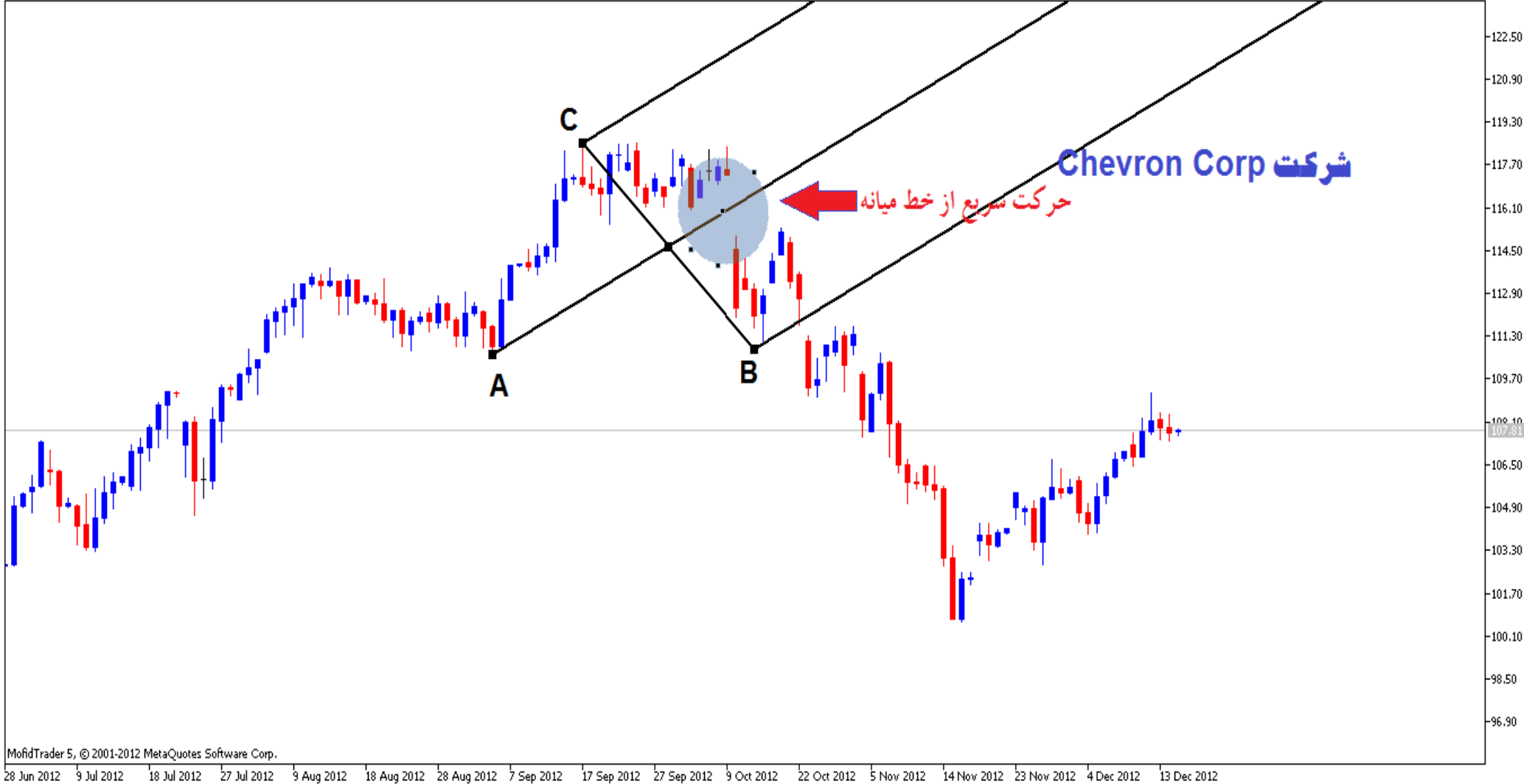
شرایط خرید

اگر قیمت به حوالی خط میانه کاهش یابد و سپس با یک شکاف یا حرکت سریع به سمت بالا جهش کند، یک سیگنال خرید صادر شده است.

شرایط فروش

اگر قیمت به حوالی خط میانه صعود کند و سپس با یک شکاف یا حرکت سریع به سمت پایین سقوط کند، یک سیگنال فروش صادر شده است.

در نمودار بعدی قیمت سهام Chevron Corp نشان داده شده است. یک چنگال آندروز با استفاده از سه نقطه محوری A,B,C رسم شده و مشاهده می‌شود که قیمت از نقطه C با یک حرکت صعودی به سمت خط میانه حرکت کرده است. سپس برای مدتی حرکات حاشیه‌ای در حوالی خط میانه انجام داده و نهایتاً با یک شکاف به سمت پایین حرکت کرده است. این حالت یک سیگنال مناسب برای فروش صادر می‌کند که هدف قیمتی آن خط موازی پائینی و حتی پائین تر از آن خواهد بود.



MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

سومین روش جدید در معامله بر اساس چنگال آندروز

شرایط خرید

یک چنگال آندروز صعودی رسم کنید. اگر قیمت در مسیر صعود خود با برخورد به خط میانه یک میخ (spike) تشکیل دهد، یک سیگنال فروش صادر شده است.

شرایط فروش

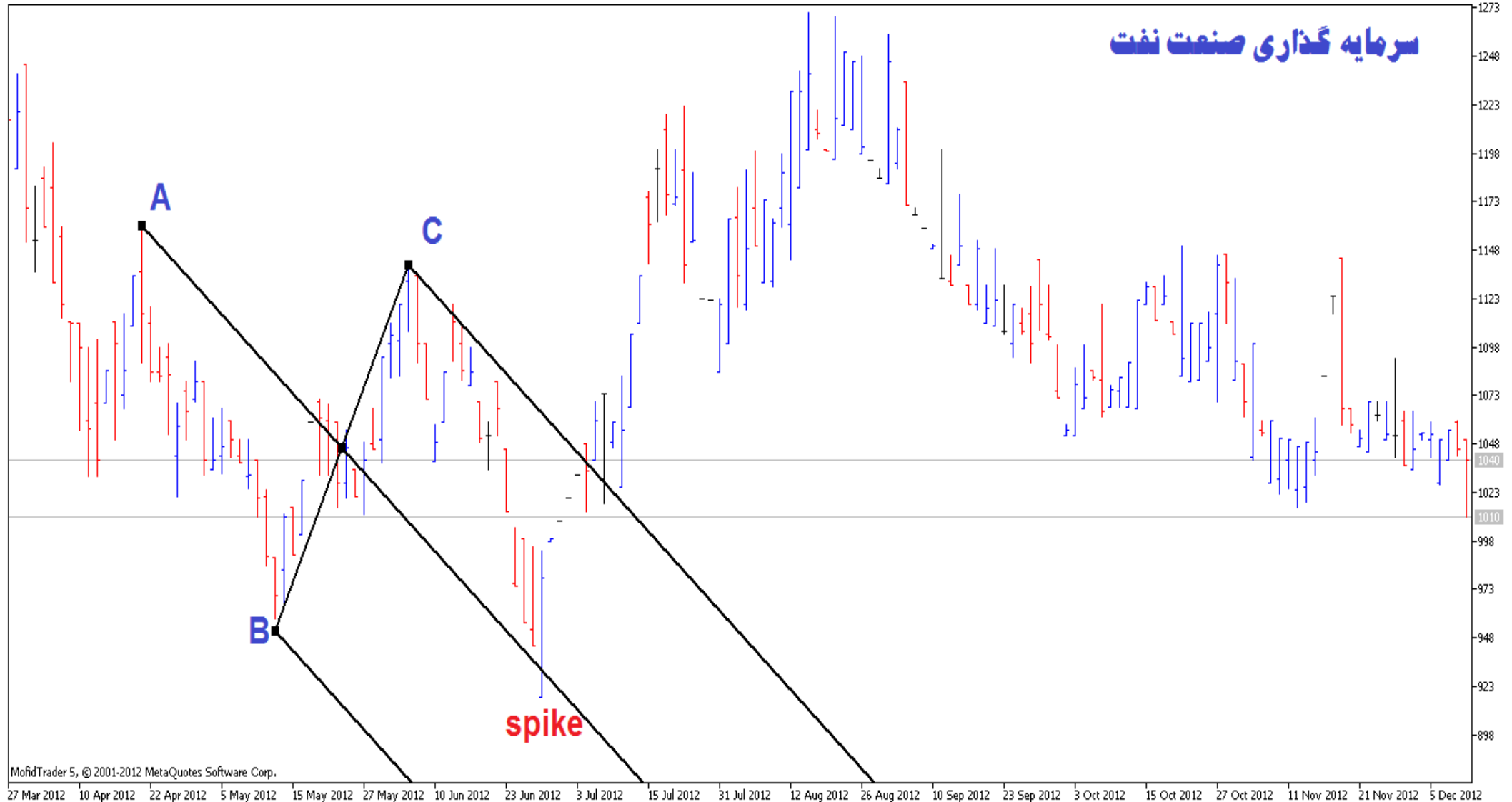
یک چنگال آندروز نزولی رسم کنید. اگر قیمت در مسیر نزول خود با برخورد به خط میانه یک میخ (spike) تشکیل دهد، یک سیگنال خرید صادر شده است. نمودار بعدی قیمت سهام لاستیک سه‌هنگام با نماد "پسهنگام" را نشان می‌دهد. یک چنگال آندروز با استفاده از سه نقطه محوری A, B, C ترسیم شده است. پس از نقطه C قیمت در یک حرکت صعودی به سمت خط میانه حرکت کرده است. قیمت پس از برخورد با خط میانه یک واکنش سریع نشان داده و با تشکیل یک میخ به سمت پائین حرکت کرده است. این حالت نشان می‌دهد که برخورد با خط میانه باعث تخلیه انرژی قیمت برای صعود شده و در جهت نزولی قرار گرفته است. چنین وضعیتی سیگنالی مناسب جهت فروش صادر می‌نماید.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

نمودار بعدی قیمت سهام سرمایه گذاری صنعت نفت با نماد "ونفت" را نشان می دهد. یک چنگال آندروز نزولی با استفاده از سه نقطه محوری A,B,C ترسیم شده است. قیمت پس از نقطه C یک حرکت نزولی در طول خط موازی بالائی را آغاز کرده و سپس با تشکیل یک spike خط میانه را لمس نموده و مجدداً به سمت بالا حرکت کرده است. این حرکت نشان دهنده صعود قیمت است و یک سیگنال خرید محسوب می شود.



خط میانه – استراتژی نوسانگیری بر اساس استوکستیک

استراتژی آتی یک روش نوسانگیری است که در گروه مالی آستین توسعه یافته است. این روش ترکیبی از کاربرد خط میانه و اندیکاتور استوکستیک کند را به خدمت گرفته است. در این روش از استوکستیک ۱۴ دوره‌ای استفاده شده و مقادیر بالاتر از ۸۰ خرید هیجانی و مقادیر کمتر از ۲۰ فروش هیجانی در نظر گرفته شده‌اند. همانطور که دیدیم تئوری خط میانه اظهار می‌دارد که خط میانه بر اساس سه نقطه محوری اخیر رسم می‌شود و قیمت در ۸۰٪ موارد این خط را لمس می‌نماید. تئوری استوکستیک بیان می‌کند که در بازارهای نوسانی و بدون جهت، وقتی استوکستیک به محدوده بالای ۸۰ می‌رسد یک نقطه سقف و وقتی که به محدوده کمتر از ۲۰ می‌رسد یک نقطه کف شکل می‌گیرد. توجه کنید که این تئوری در بازارهای روند دار صادق نیست. ترکیب این دو تئوری می‌تواند نقاط محوری قابل معامله سود آور را با احتمال بالایی تشخیص دهد.

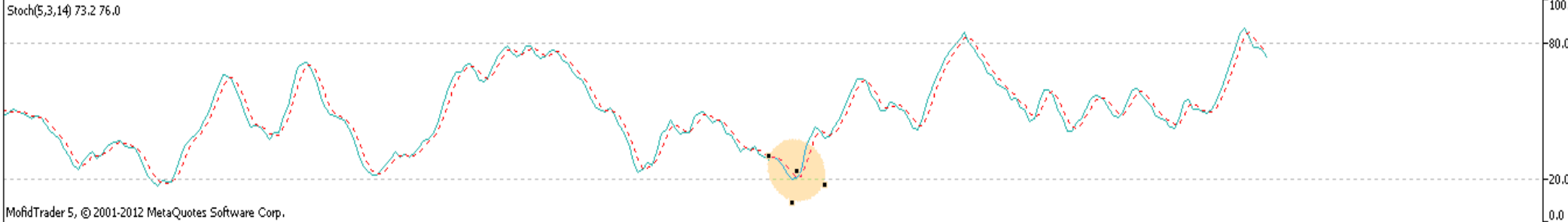
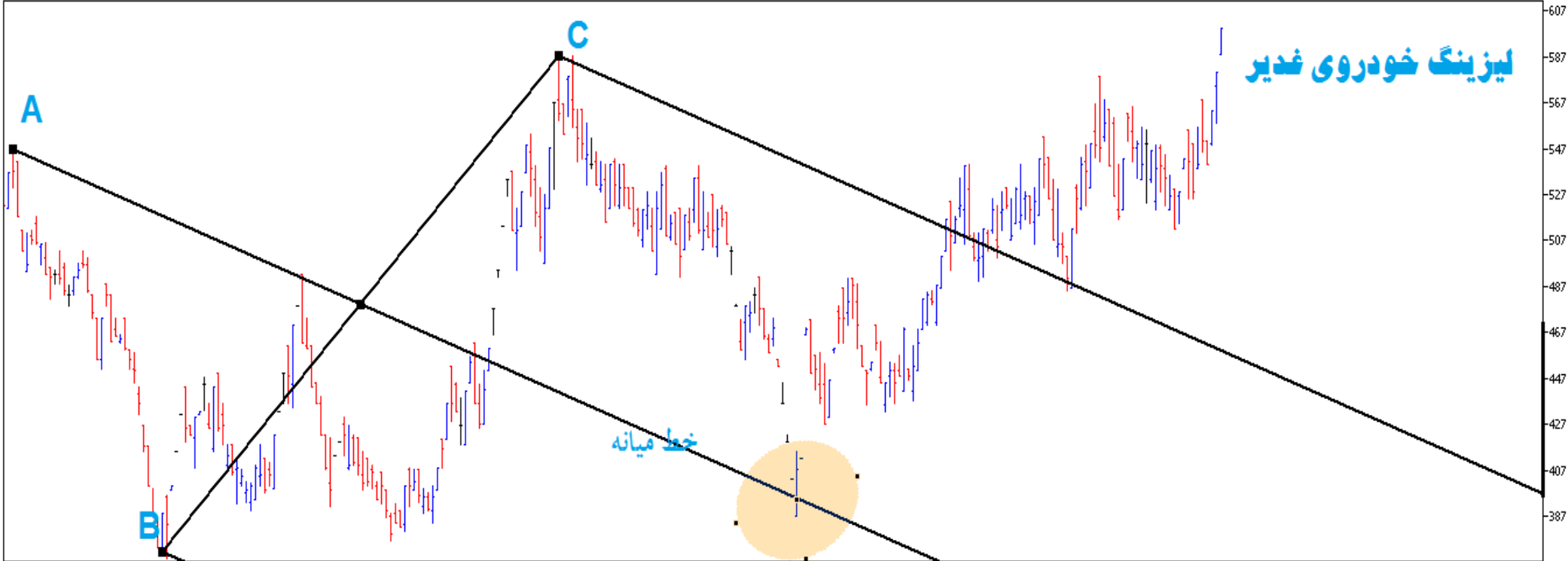
شرایط خرید

قدم اول: یک خط میانه نزولی با استفاده از سه نقطه محوری رسم نمائید.

قدم دوم: اندیکاتور استوکستیک کند را روی چارت نصب نمائید.

قدم سوم: صبر کنید تا قیمت نزول کرده و به خط میانه رسم شده برخورد نماید و همزمان استوکستیک شرایط فروش هیجانی را نمایش دهد.

قدم چهارم: اگر شرایط فوق برقرار شد وارد معامله خرید شوید چون به احتمال زیاد قیمت برگشت خواهد نمود.



در نمودار فوق قیمت سهام شرکت لیزینگ خودروی غدیر را ملاحظه می‌نمائید. یک خط میانه نزولی با استفاده از سه نقطه محوری نزولی A,B,C رسم شده است. اندیکاتور استوکستیک نیز روی چارت نصب شده و در نقطه D قیمت به خط میانه برخورد نموده است. در همین زمان اندیکاتور استوکستیک نیز وارد محدوده کمتر از ۲۰ و فروش هیجانی شده و کلیه شرایط خرید طبق این استراتژی فراهم شده است. در این شرایط ورود به معامله خرید و نگهداری آن تا شروع نوسان صعودی بعدی با احتمال بالایی از موفقیت همراه است.

شرایط فروش

قدم اول: یک خط میانه صعودی با استفاده از سه نقطه محوری رسم نمائید.

قدم دوم: اندیکاتور استوکستیک کند را روی چارت نصب نمائید.

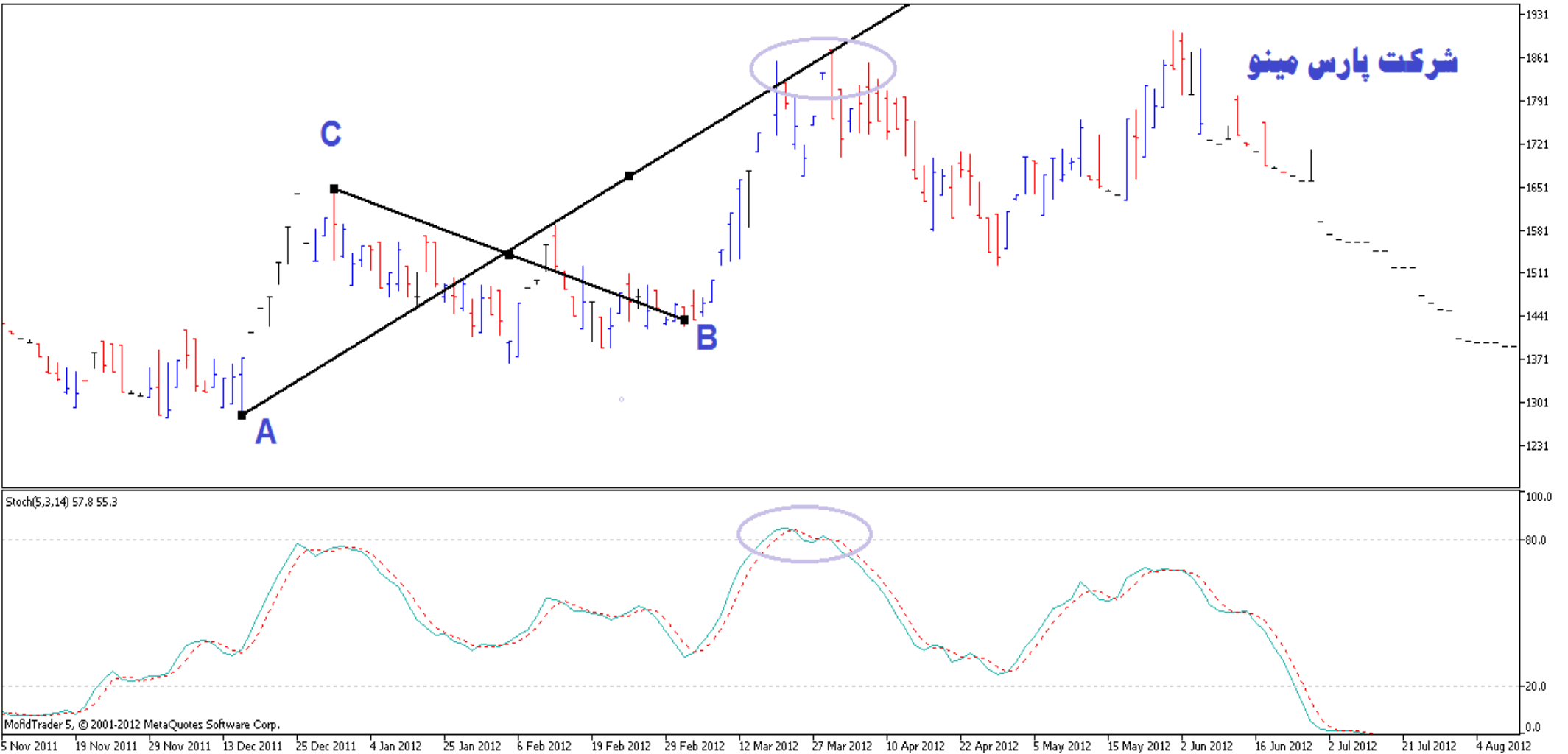
قدم سوم: صبر کنید تا قیمت صعود کرده و به خط میانه رسم شده برخورد نماید و همزمان استوکستیک شرایط خرید هیجانی را نمایش دهد.

قدم چهارم: اگر شرایط فوق برقرار شد وارد معامله فروش شوید چون به احتمال زیاد قیمت برگشت خواهد نمود.



در نمودار فوق قیمت سهام شرکت کابل شهید قندی را ملاحظه می نمائید. یک خط میانه صعودی با استفاده از سه نقطه محوری نزولی A, B, C رسم شده است. اندیکاتور استوکستیک نیز روی چارت نصب شده و در نقطه D قیمت به خط میانه برخورد نموده است. در همین زمان اندیکاتور استوکستیک نیز وارد محدوده بیش از ۸۰ و خرید هیجانی شده و کلیه شرایط فروش طبق این استراتژی فراهم شده است. در این شرایط ورود به معامله فروش و نگهداری آن تا شروع نوسان نزولی بعدی با احتمال بالایی از موفقیت همراه است.

شرکت پارس مینو



در نمودار فوق قیمت سهام شرکت پارس مینو را ملاحظه می نمائید. یک خط میانه صعودی با استفاده از سه نقطه محوری A,B,C رسم شده است. اندیکاتور استوکستیک نیز روی چارت نصب شده و در نقطه D قیمت به خط میانه برخورد نموده است. در همین زمان اندیکاتور استوکستیک نیز وارد محدوده بیشتر از ۸۰ و فروش هیجانی شده و کلیه شرایط فروش طبق این استراتژی فراهم شده است. در این شرایط ورود به معامله فروش با احتمال بالایی از موفقیت همراه است.

سرمایه گذاری بوعلی

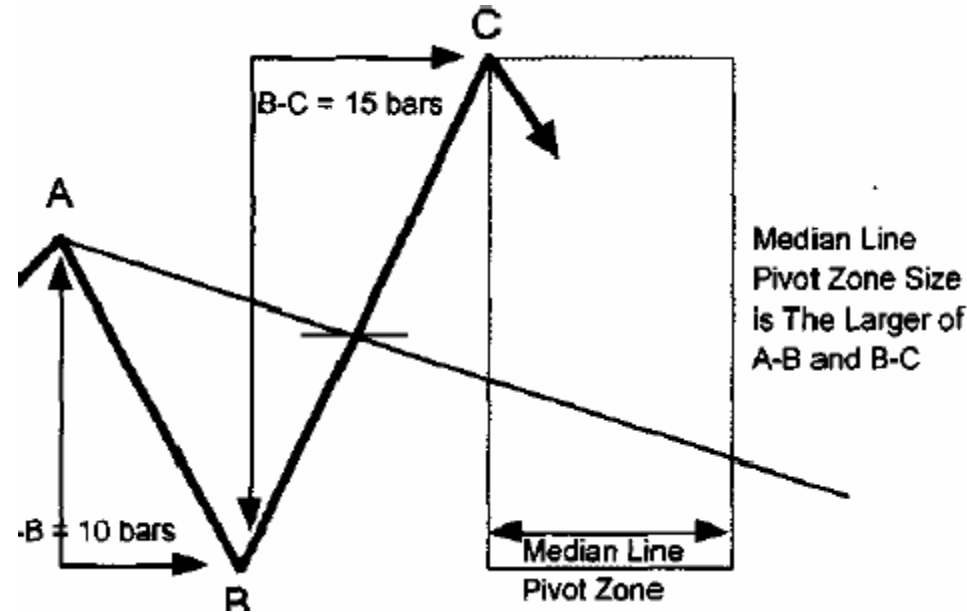


منطقه محوری خط میانه

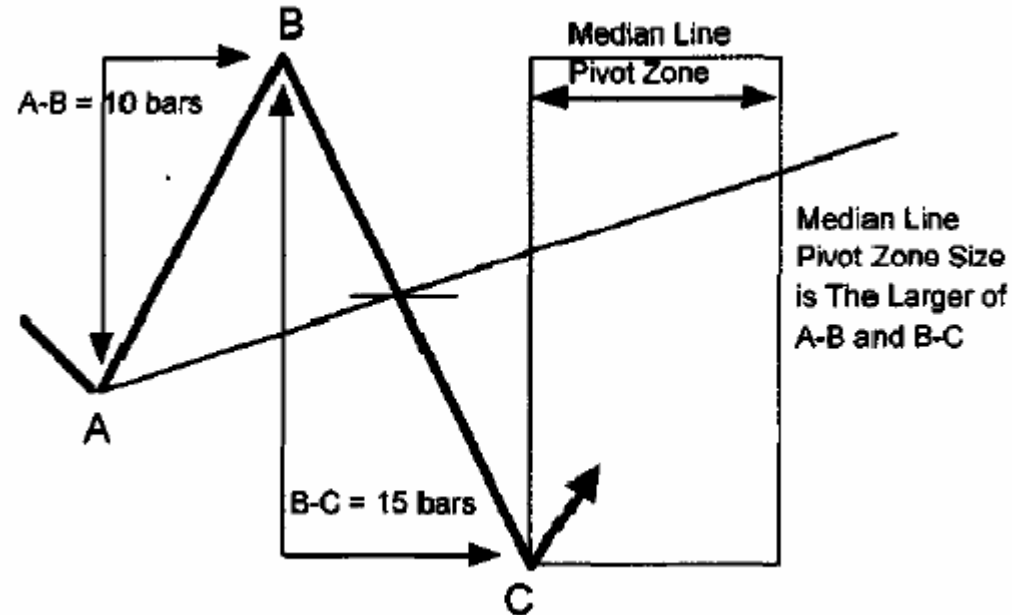
در موقع استفاده از خطوط روند برای معاملات، بسیار مفید است که تخمین بزنیم چه موقع قیمت به خط میانه خواهد رسید. آندروز عقیده داشت که قیمت در ۸۰٪ مواقع به خط میانه خواهد رسید. ولی معامله گر چقدر باید برای رسیدن قیمت به خط میانه صبر کند؟

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

گروه مالی آستین تکنیکی تحت عنوان "منطقه محوری خط میانه" برای این منظور طراحی نموده است. نمودار زیر یک خط میانه را که بر اساس سه نقطه محوری A, B, C رسم شده است، نمایش می‌دهد. اولین قدم در تعیین منطقه محوری خط میانه، ترسیم خط میانه و اندازه‌گیری تعداد میله‌های نوسان بین نقاط A, B و B, C است. در نمودار زیر اندازه نوسان بین نقاط A, B برابر ۱۰ میله و اندازه نوسان نقاط C, D برابر ۱۵ میله است. از آخرین نقطه محوری (در اینجا نقطه C) به اندازه حداکثر این دو مقدار شمار کرده و روی خط میانه علامت می‌زنیم. در نمودار زیر این مقدار ۱۵ است بنابراین منطقه محوری خط میانه ۱۵ میله پس از نقطه C را شامل می‌شود. در پایان مستطیلی بر نقطه محوری C و نقطه‌ای که روی خط میانه علامت گذاری کرده‌ایم، رسم می‌کنیم. این مستطیل منطقه محوری خط میانه نام دارد.



تحقیقات گروه مالی آستین نشان می‌دهد که در اکثر موارد قیمت قبل از پایان یافتن منطقه محوری خط میانه، به خط میانه برخورد می‌کند. باید توجه نمود که برخورد قیمت به خط میانه به معنی این نیست که قیمت پس از برخورد با این خط برگشت خواهد نمود. منطقه محوری خط میانه نشان می‌دهد که بازار دارای چرخه‌های زمانی است که از آن می‌توان برای نوسان‌گیری استفاده نمود. در ادامه قواعدی برای استفاده از منطقه محوری خط میانه مطرح خواهد گردید. نمودار زیر صعود قیمت از نقطه C به سمت خط میانه و منطقه محوری خط میانه را نشان می‌دهد که دقیقاً برعکس نمودار قبلی است.



قانون اول معامله در منطقه محوری خط میانه

اگر قیمت در منطقه محوری خط میانه به خط میانه برخورد نکرد، وضعیت بازار برای نوسان گیری مناسب نیست و معامله گر باید توجه بیشتری به حرکات قیمت داشته باشد و یا به انتظار نوسانات بعدی بماند.

قانون دوم معامله در منطقه محوری خط میانه

اگر قیمت در منطقه محوری خط میانه به خط میانه برخورد نمود نشان می دهد که بازار برای نوسانگیری مناسب است و معامله گر باید در انتظار تشکیل نقطه محوری باشد.

قانون سوم معامله در منطقه محوری خط میانه

اگر قیمت در منطقه محوری خط میانه به خط میانه برخورد کند، معمولاً قبل از تشکیل نقطه محوری بیش از یک بار با این خط برخورد می کند. بنابراین معامله گر باید برای تشخیص نقطه محوری هوشیار باشد ولی این به این معنی نیست که کورکورانه و با برخورد قیمت به خط میانه در جهت برگشت وارد بازار شود.

دو نمودار مربوط به قیمت سهام ایران ارقام در ادامه آورده شده‌اند. در نمودار اول خط میانه بر اساس سه نقطه محوری A,B,C ترسیم شده است. نوسان بین دو نقطه محوری B,C بیشتر طول کشیده و طی ۴۱ میله انجام شده است. از نقطه C مستطیلی به عرض ۸۰ میله ترسیم شده تا خط میانه را قطع کند. معامله گر در انتظار کاهش قیمت تا برخورد به خط میانه در این مستطیل است



نمودار دوم نشان می‌دهد که قیمت در منطقه محوری خط میانه به خط میانه خورد نموده است. در این حالت معامله گر متوجه می‌شود که قیمت از چرخه‌های خود تبعیت نموده و به انتظار تشکیل یک نقطه محوری کف برای ورود به بازار می‌ماند.

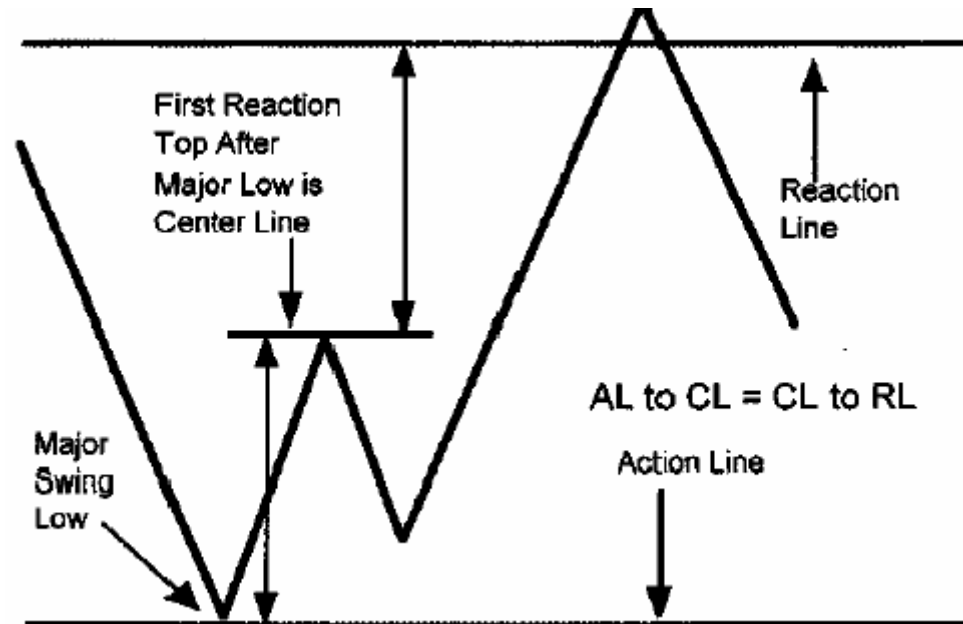


MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

روش سوم عمل و عکس العمل

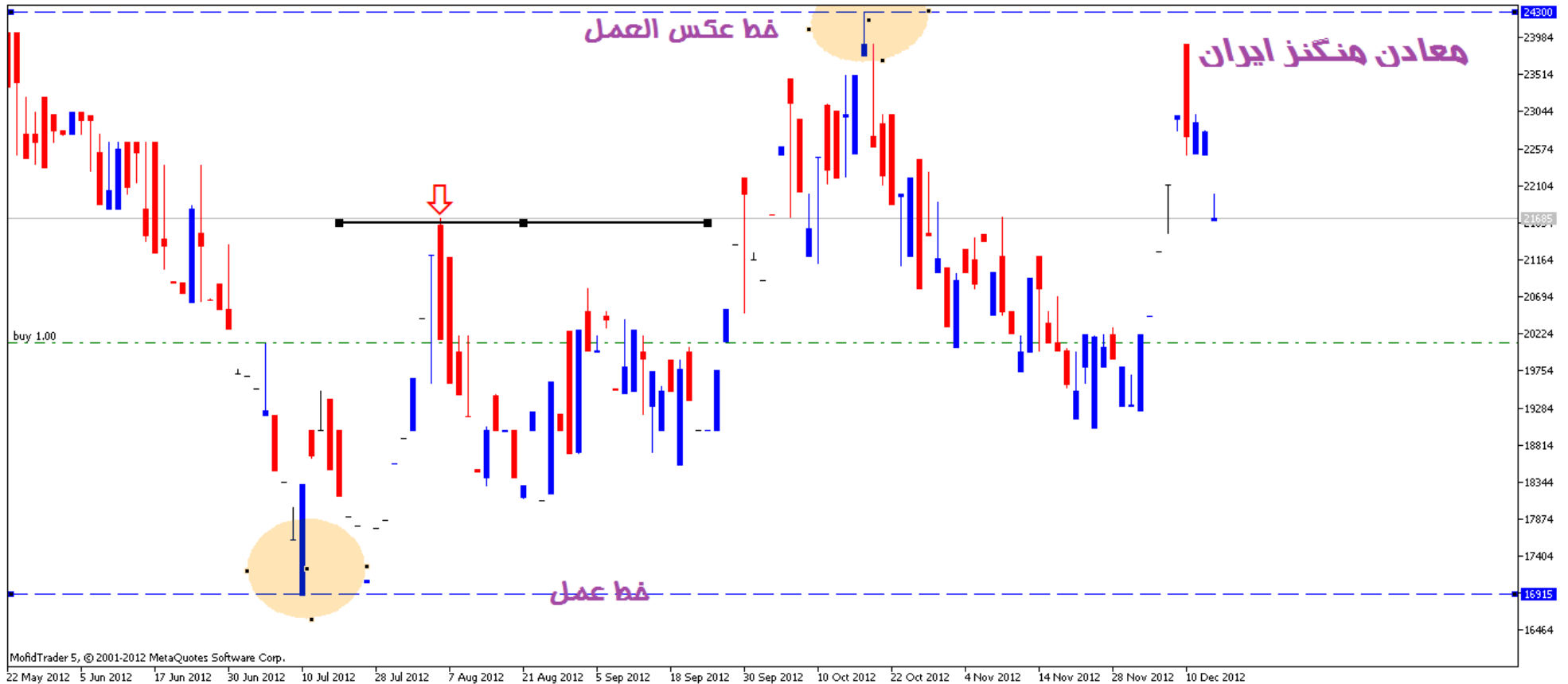
تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

در اینجا روش سوم عمل و عکس العمل، که توسط گروه مالی آستین توسعه یافته است، ارائه می‌گردد. این روش بر اساس خطوط حمایت و مقاومت طراحی شده و کاربرد جدیدی از خطوط حمایت و مقاومت افقی ارائه می‌نماید. خطوط ضخیم نمودار زیر قیمت را نشان می‌دهد. در این نمودار یک نقطه کف عمده در سمت چپ نمودار مشاهده می‌شود. وقتی قیمت یک کف عمده پدید می‌آورد، معمولاً قبل از اینکه یک حرکت صعودی را آغاز کند یک نوسان کوچک صعودی انجام می‌دهد. نقطه سقف این نوسان صعودی کوچک نشان دهنده خط افقی مرکزی است. نقطه کف حرکت نزولی اولیه نیز مبدأ ترسیم خط افقی عمل را مشخص می‌کند. خط عکس العمل قرینه خط عمل نسبت به خط مرکزی است. در نمودار زیر خطوط عمل، خط مرکزی و خط عکس العمل نمایش داده شده‌اند. خط عکس العملی که بر اساس این روش ترسیم می‌شود با احتمال زیادی یک خط مقاومت مناسب خواهد بود. به همین ترتیب می‌توان با یک نقطه سقف عمده و یک نقطه کف پس از یک نوسان نزولی کوچک، یک خط عکس العمل رسم نمود. این خط عکس العمل به احتمال زیاد می‌تواند یک خط مقاومت مناسب باشد.



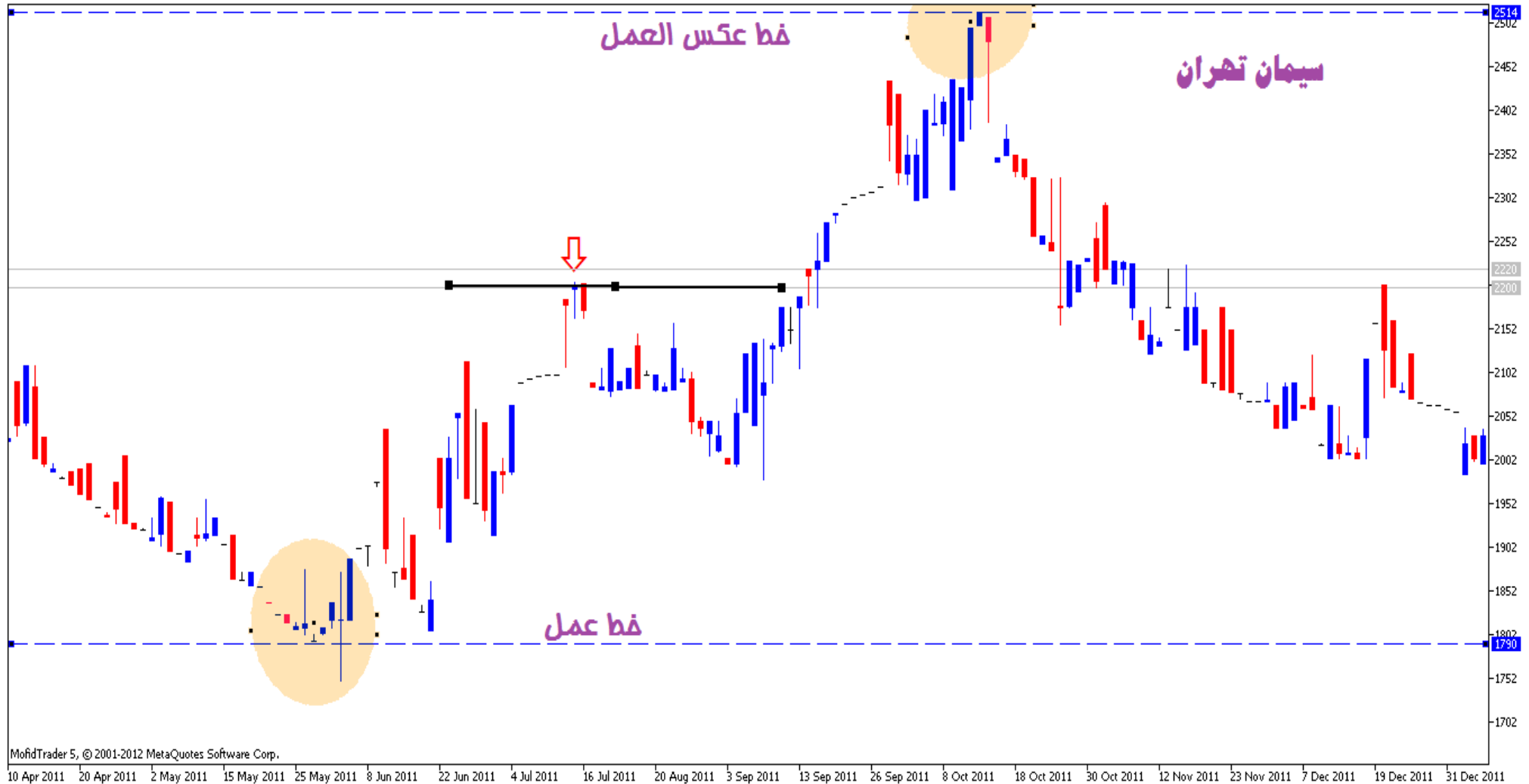
تحليل تکنیکال – Technical Analysis

در ادامه نمونه‌ای از کاربرد روش سوم عمل و عکس العمل را مشاهده می‌کنید. در این نمودار قیمت سهام شرکت معادن منگنز ایران نشان داده شده است. یک نقطه کف عمده در سمت چپ نمودار مشاهده می‌شود. در این نقطه خط افقی عمل ترسیم شده است. خط مرکزی از نقطه سقف اولین نوسان صعودی ترسیم شده است. خط عکس العمل قرینه خط عمل نسبت به خط مرکزی است. در این نمودار مشاهده می‌کنید که چگونه قیمت در مسیر صعود خود به خط عکس العمل برخورد نموده و نقطه سقف را در برخورد با این خط تشکیل داده است.

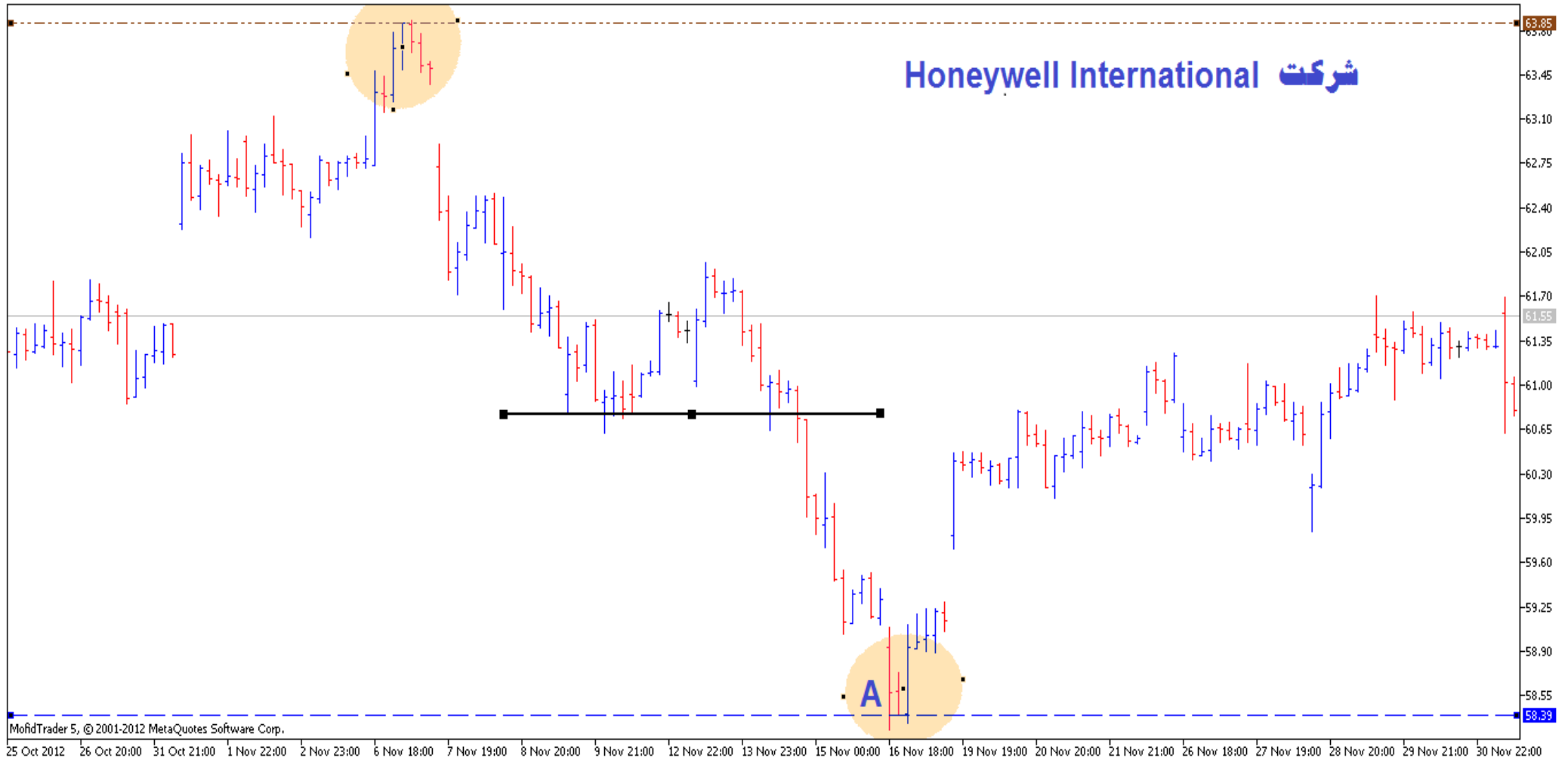


تحليل تکنیکال – Technical Analysis

در اینجا نمودار سیمان تهران را مشاهده می‌کنید. با تشکیل یک نقطه کف عمده خط عمل به صورت خط چین رسم شده و با یک نوسان صعودی پس از آن و از نقطه سقف تشکیل شده، یک خط به عنوان خط مرکزی ترسیم شده است. سپس خط عکس العمل به صورت قرینه خط عمل نسبت به خط مرکزی به صورت خط چین رسم گردیده است. مشاهده می‌شود که مسیر صعود خود چگونه به این خط عکس العمل واکنش نشان داده و نقطه سقف تشکیل شده است.

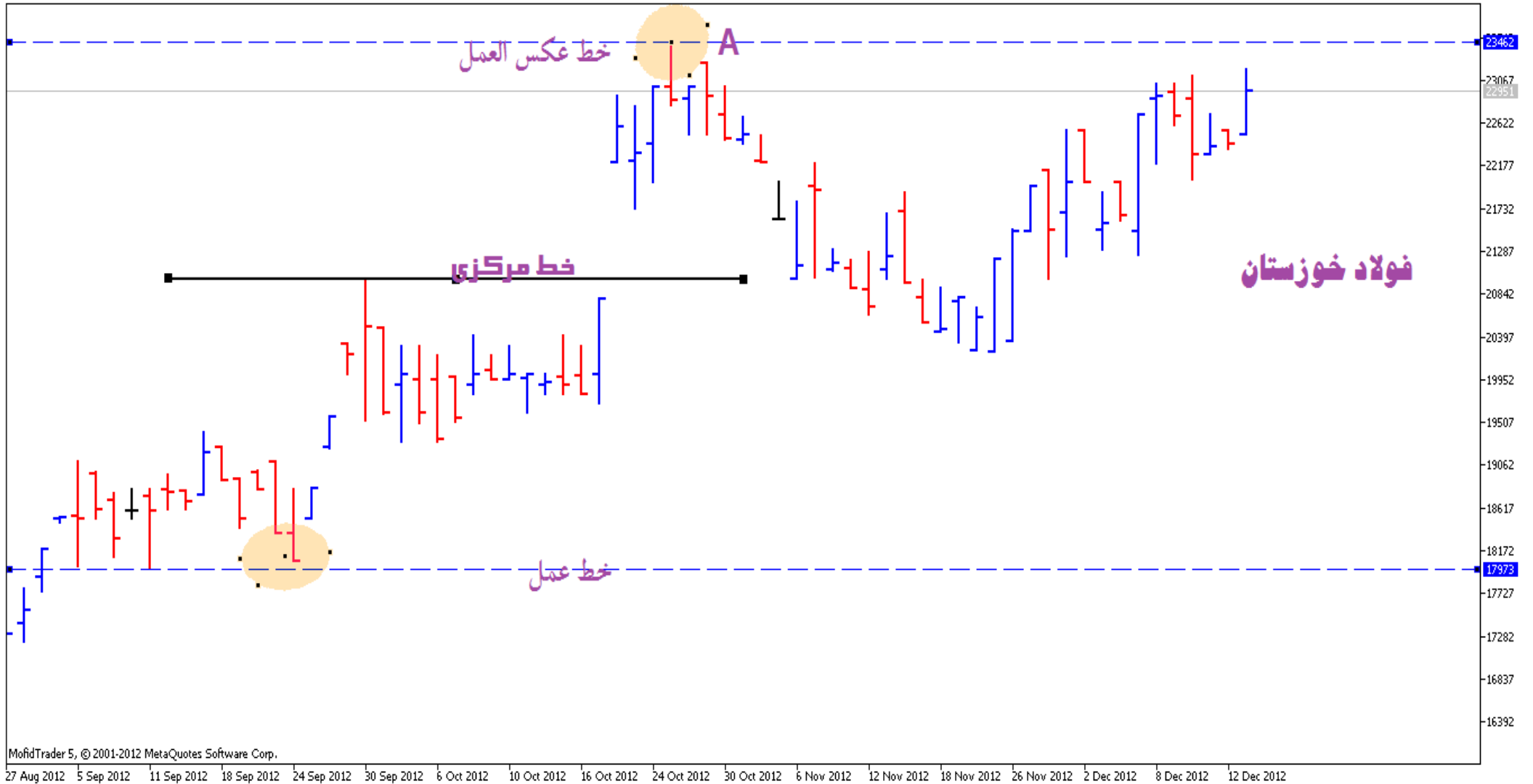


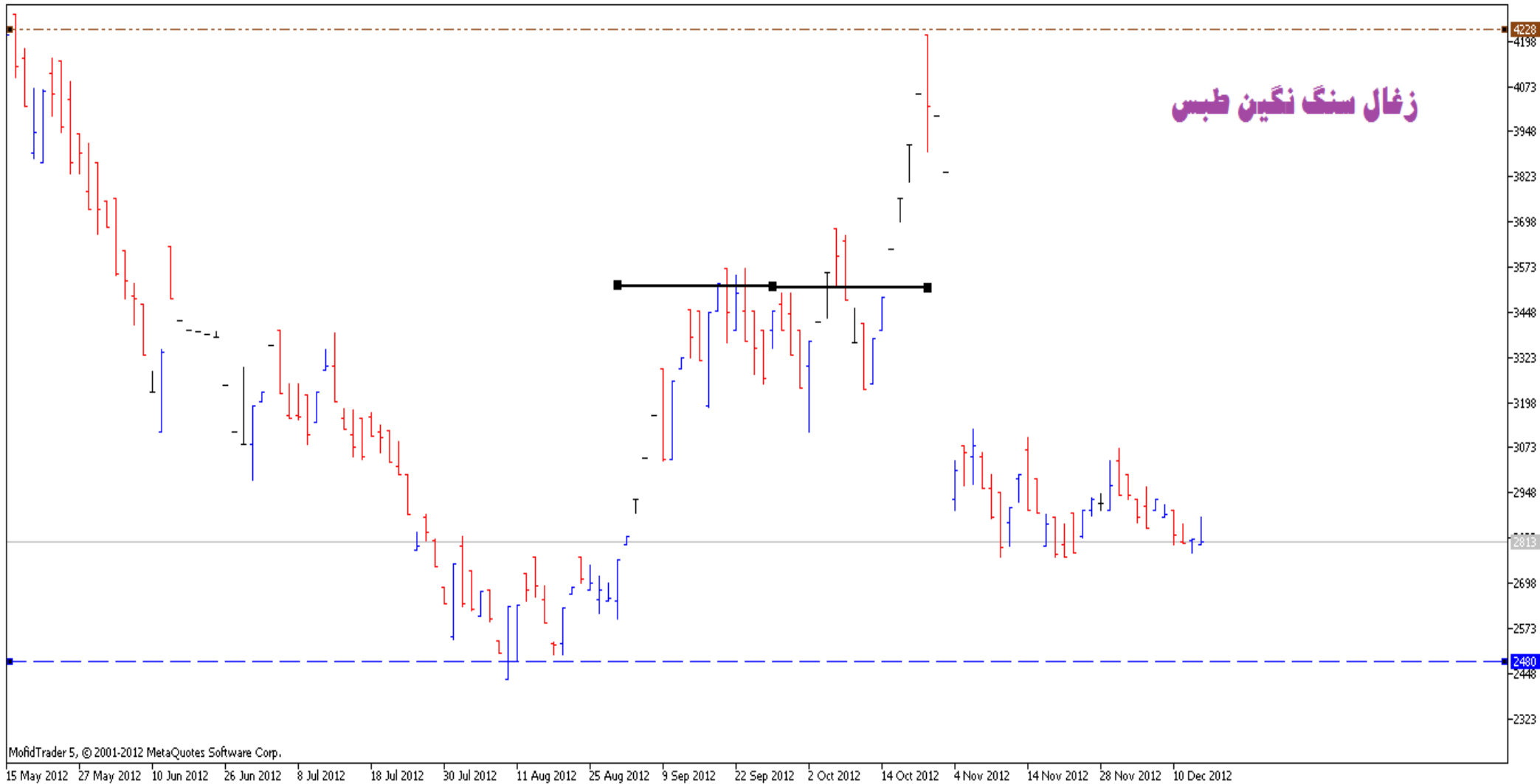
در نمودار بعدی قیمت سهام شرکت Honeywell International دیده می‌شود. در این نمودار با تشکیل یک سقف عمده خط عمل رسم شده و پس از آن یک نوسان نزولی بوجود آمده است. در نقطه کف این نوسان صعودی خط مرکزی ترسیم گردیده است. خط عکس العمل قرینه خط عمل نسبت به خط مرکزی است که با خط چین متمایز شده است. مشاهده کنید که چگونه قیمت در حرکت نزولی خود نسبت به خط عکس العمل واکنش نشان داده و نقطه کف قابل توجه A را تشکیل داده است.



تحليل تکنیکال – Technical Analysis

نمودار قیمت سهام شرکت فولاد خوزستان در شکل بعدی دیده می‌شود. در این نمودار یک نقطه کف عمده شکل گرفته و خط عمل بر اساس آن رسم شده است. سپس یک نوسان صعودی انجام شده و در سقف آن خط مرکزی ترسیم گردیده است. سپس خط افقی عکس العمل به طور قرینه با خط عمل نسبت به خط مرکزی کشیده شده است. مشاهده کنید که چگونه قیمت در مسیر صعود خود با برخورد به خط عکس العمل متوقف شده و نقطه سقف A تشکیل شده است.





چنگال برتر

گروه مالی آستین در هنگام استفاده از روش‌های عمل و عکس العمل مشاهده کردند که بعضی از نقاط محوری که برای رسم خط عمل استفاده شدند بهتر از سایر نقاط محوری عمل می‌کردند. به عبارت دیگر بهترین همبستگی با آینده نزدیک، آخرین نقطه گذشته است. بر اساس این مشاهدات چنگال آندروز و خطوط عمل و عکس العمل با یکدیگر تلفیق شده و چنگال برتر پدید آمده است. نمودار شرکت MMM Co جزئیات چنگال برتر را نمایش می‌دهد. برای استفاده از این تکنیک ابتدا یک محوری B,C به عنوان خط مرکزی عمل و عکس العمل استفاده می‌شود. نقطه A نیز برای رسم خط عمل استفاده می‌شود. در قدم بعدی فاصله نقطه A از خط مرکزی اندازه گرفته می‌شود که برای رسم خطوط عکس العمل استفاده خواهد شد. خطوط عکس العمل به موازات خط مرکزی BC و با فاصله مساوی با فاصله نقطه A از این خط، ترسیم می‌گردند. در نمودار زیر سه خط عکس العمل به این ترتیب رسم شده است. این تکنیک چنگال آندروز و خطوط عمل و عکس العمل را با یکدیگر ترکیب می‌کند. همه این موارد نیز فقط بر اساس سه نقطه محوری A,B,C رسم شده‌اند و چنگال برتر نام دارند.

شرکت 3M Co

AE=ED
AE=ED=DF

خط عكس العمل

خط عكس العمل

خط عمل

B

D

F

E

A

C

94.90
94.45
94.00
93.55
93.10
92.65
92.18
91.75
91.30
90.85
90.40
89.95
89.50
89.05
88.60
88.15
87.70
87.25

MetaTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

18 Oct 2012 22 Oct 22:00 25 Oct 17:00 31 Oct 19:00 2 Nov 21:00 7 Nov 00:00 9 Nov 19:00 13 Nov 21:00 15 Nov 23:00 20 Nov 18:00 27 Nov 19:00 29 Nov 21:00 3 Dec 23:00 6 Dec 18:00 10 Dec 18:00 12 Dec 18:00 14 Dec 18:00

در این نمودار نقطه D از اهمیت خاصی برخوردار است. در این نقطه قیمت هم به خط میانه چنگال آندروز و هم به خط عکس العمل شماره ۱ برخورد کرده است. بنابراین احتمال قوی تری برای تشکیل یک نقطه محوری در این نقطه وجود خواهد داشت. در اکثر مواقع به فاصله اندکی در قبل یا بعد از این تقاطع، نقطه محوری بوجود می آید.

مطالعات فیوناچی

لئوناردو فیبوناچی ریاضی دان ایتالیایی در شهر پیزا در اواخر قرن ۱۲ میلادی متولد گردید. فیبوناچی کتابی تحت عنوان لایبرآباجی نوشت و در این کتاب ارقام هندی – عربی را به مناطق دیگر اروپا معرفی کرد. این ریاضی دان مانند بسیاری دیگر از دانشمندان به دنبال ریشه‌های عددی بود که بواسطه آن بتواند بسیاری از پدیده‌ها را توجیه نماید. او بدنیال نظم ریاضی در پدیده‌های طبیعی بود. در این کتاب مسئله رشد تصاعدی جمعیت خرگوشها مورد توجه قرار گرفت و فیبوناچی سری ارقام افزایشی خود را به نام دنباله فیبوناچی مطرح کرد.

در دنیا همواره نظم و قاعده وجود دارد که انسان یا آن را کشف کرده و یا هنوز کشف نکرده است. تمام امور که تکراری هستند و یا نیستند (به ظاهر) از نظم – قاعده والگو بر خوردار هستند.

هنرمندان قدیمی برای اضافه نمودن حس توازن و شکوه به یک صحنه ، مجسمه یا بنا مدتها از ترکیب تناسب طلایی استفاده کرده‌اند . ترکیب مزبور یک تناسب ریاضی بر اساس نسبت ۱٫۶۱۸ بوده و در اغلب مواقع در طبیعت ، مثلاً در صدف‌های دریایی و الگوی دانه‌های گل آفتاب گردان و یا ساختار هندسی بازوهای میله‌ای کهکشانه‌های مارپیچی موجود در کیهان یافت می‌شود . امروزه سرنخ‌هایی از این نسبت طلایی در نانو ذرات (شاخه نانو تکنولوژی) بدست آمده است . در واقع هم در عالم خرد و هم در عالم کلان این تناسب بخوبی قابل شناسایی است. انسان همواره سعی کرده که در طراحی‌ها، ساختمان‌ها، اتاق‌ها، پنجره‌ها و ... این **نسبت طلایی** را رعایت کند.

وی برای بست آوردن این دنباله عدد یک را در نظر گرفته است. عدد یک را با خودش جمع نمود و سپس مجموع آنرا به عدد قبلی (همان یک) اضافه کرد.

$$۱+۱=۲ ؛ ۲+۱=۳ ؛ ۳+۲=۵ ؛ ۵+۳=۸ ؛ ۸+۵=۱۳ ؛$$

فیبوناچی جمع کردن عدد حاصل را با عدد قبلی خود ادامه داد. بدین صورت عدد ۳ را با عدد قبلی یعنی ۲ جمع کرد و این عملیات دنباله فیبوناچی را بوجود آورد. یعنی مجموع آخرین عدد را با حاصل عدد قبلی جمع کرد تا عدد پس از آن بدست آید. نتیجه دنباله‌ای به شکل زیر شد:

$$۱، ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، ۸۹، ۱۴۴، ۲۳۳، ۳۷۷$$

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

بنابراین دنباله فیبوناچی یک سلسله اعدادی است که هر عدد متوالی جمع دو عدد قبلی می‌باشد. این دنباله روابط متعددی را در خود جای داده است. ویژگی جالب نسبت هر عدد به عدد دنباله بعدی در دنباله می‌باشد. این نسبت تقریباً برابر ۰.۶۱۸٪ است. یعنی هر عدد حدوداً ۰.۶۱۸٪ برابر عدد بعدی است و هر عدد تقریباً ۱.۶۱۸ برابر عدد پیشین است. نسبت ۰.۶۱۸٪ به عنوان نسبت فیبوناچی معروف شده است.

یک جفت خرگوش را در مزرعه‌ای در نظر بگیرید .

در صورتیکه یک ماه طول بکشد تا خرگوشها به حد بلوغ برسند و یک ماه نیز زمان لازم باشد تا در نتیجه تولید مثل یک جفت جدید به مزرعه اضافه شود، با فرض اینکه هیچکدام فرار نکنند یا نمیرند تعداد جفت‌های آنها بصورت سری عددی زیر افزایش خواهد یافت:

۱, ۱, ۲, ۳, ۵, ۸, ۱۳, ۲۱, ۳۴, ۵۵, ۸۹, ۱۴۴, ۲۳۳

در طبیعت موارد بسیاری وجود دارند که از سری اعداد فیبوناچی پیروی می‌کنند. همانند: الگوی چیدمان تخمها در گل آفتابگردان، ردیف‌های موجود در میوه آناناس، ... اما این اعداد به دلیل روابطی که میان آنها وجود دارد، معامله‌گران را سالهاست مجذوب خود کرده است بطوریکه در حال حاضر در بازارهای سهام به عنوان یک رخداد کاملاً طبیعی به این روابط توجه می‌شود.

به عنوان مثال، چند عدد از اعداد بالا را انتخاب می‌کنیم، ... ۲۳۳, ۱۴۴, ۸۹, ۵۵

مشاهده می‌کنیم که

$$\begin{array}{l} \frac{144}{89} = 1.618 \quad \frac{233}{144} = 1.618 \quad \frac{233}{55} = 4.236 \\ \frac{89}{144} = 0.618 \quad \frac{144}{233} = 0.618 \quad \frac{55}{233} = 0.236 \end{array}$$

همچنین جذر عدد ۰/۶۱۸ می‌شود ۰/۷۸۶ و جذر عدد ۱/۶۱۸ می‌شود ۱/۲۷ نسبت‌های کلیدی که از این روابط بدست می‌آیند عبارتند از

$$0.25 = 0.247$$

$$0.38 = 0.382$$

$$.0 = 50\%$$

$$.618 = 62\%$$

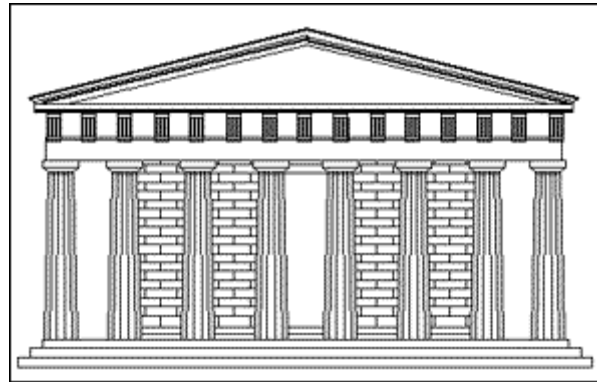
$$.786 = 79\%$$

$$1.27 = 127\%$$

$$1.618 = 162\%$$

$$2.618 = 262\%$$

یونانیان قدیم با این نسبت به خوبی آشنا بودند. معبد معروف پارتنون بهترین مثال از کاربرد این نسبت است. نسبت عرض به طول پنجره‌های مستطیل شکل معبد همگی برابر نسبت طلایی است. در اهرام مصر نیز این نسبت بخوبی رعایت شده است. طول هر ضلع قاعده هر کدام از اهرام به ارتفاع آن، معادل نسبت طلایی می‌باشد.



این نسبت در آناتومی بدن انسان نیز بکار رفته است. اگر قد خود را بر فاصله عمودی ناف تا نوک انگشتان خود تقسیم کنید، تقریباً عدد ۱,۶۱۸ را بدست می‌آورید. با تقسیم طول بازوی خود از نوک انگشت بزرگ تا بالای شانه، بر فاصله نوک انگشت بزرگ تا آرنج خود نیز به این نسبت می‌رسید. این نسبت در نقاشی معروف لئوناردو داوینچی به نام مرد ویترووین (Vitruvian Man)، بدقت شرح داده شده است. از آنجایی که این نسبت در بسیاری از اندازه‌های بدن انسان وجود دارد، از آن به نام نسبت الهی نیز یاد می‌شود.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

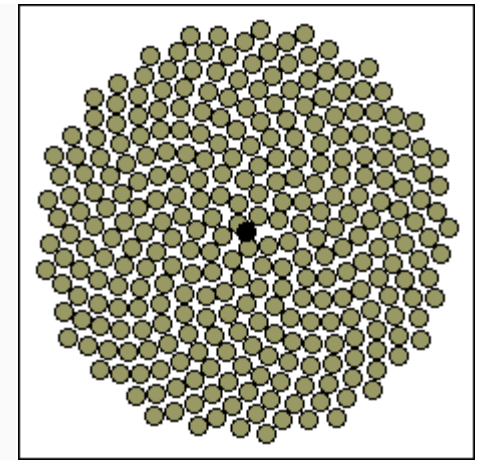
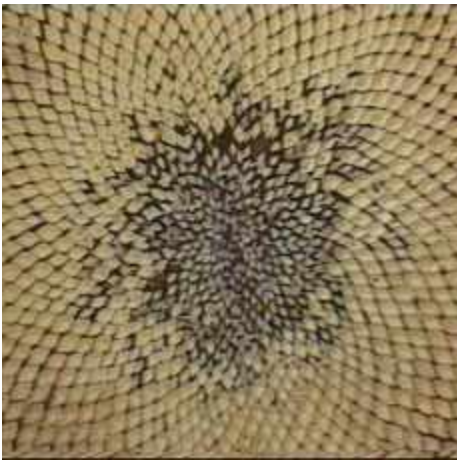
نسبت طلایی در طبیعت نیز بچشم می خورد. تعداد گلبرگ های گلها اغلب برابر با یکی از اعداد فیبوناچی است. تعداد مارپیچ های گل آفتاب گردان نیز برابر با یکی از اعداد فیبوناچی است. به طور مثال وقتی از زاد و ولد خرگوشها در یک منطقه آمارگیری کردند با کمال تعجب دیدند که رشد جمعیت از سری اعداد فیبوناچی تبعیت می کند.

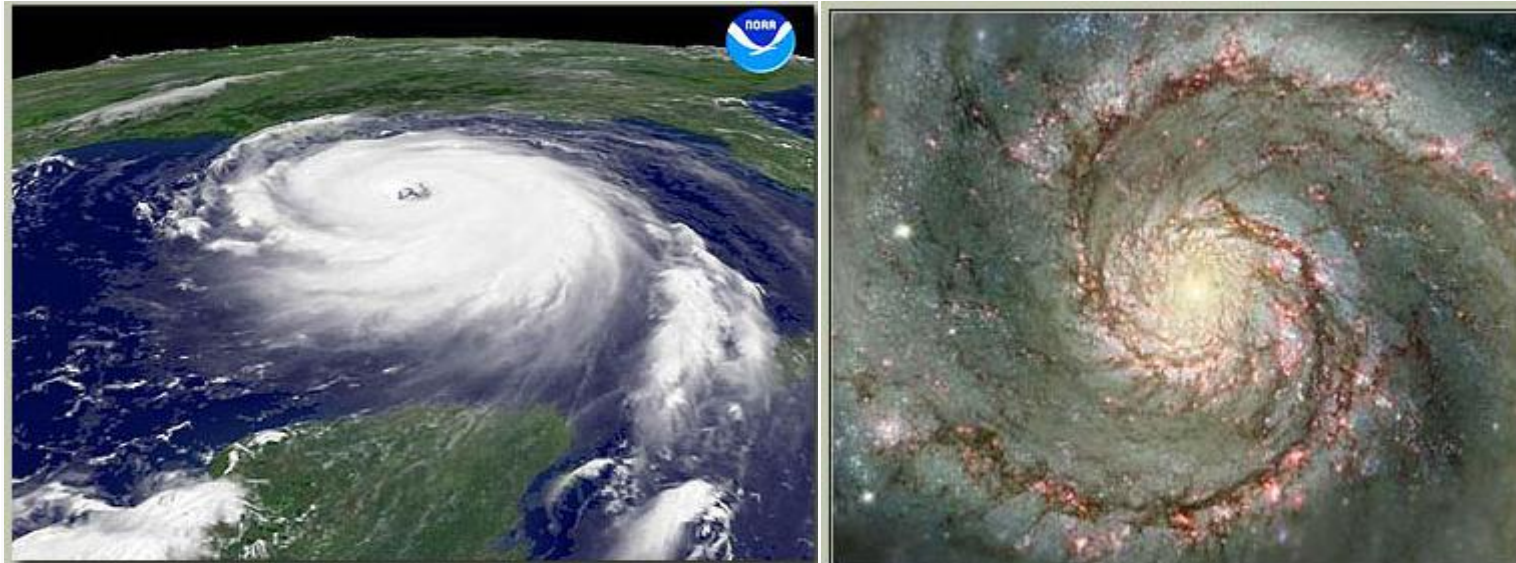
*تعداد برگهای گل کلم از این سری پیروی می کند.

*تعداد برگهای درختان از این سری تبعیت می کند.

*نسبت اعضای بدن ما انسانها نسبت به کل بدن ما از این سری تبعیت می کند.

خداوند متعال دنیا را بر اساس نظم آفریده

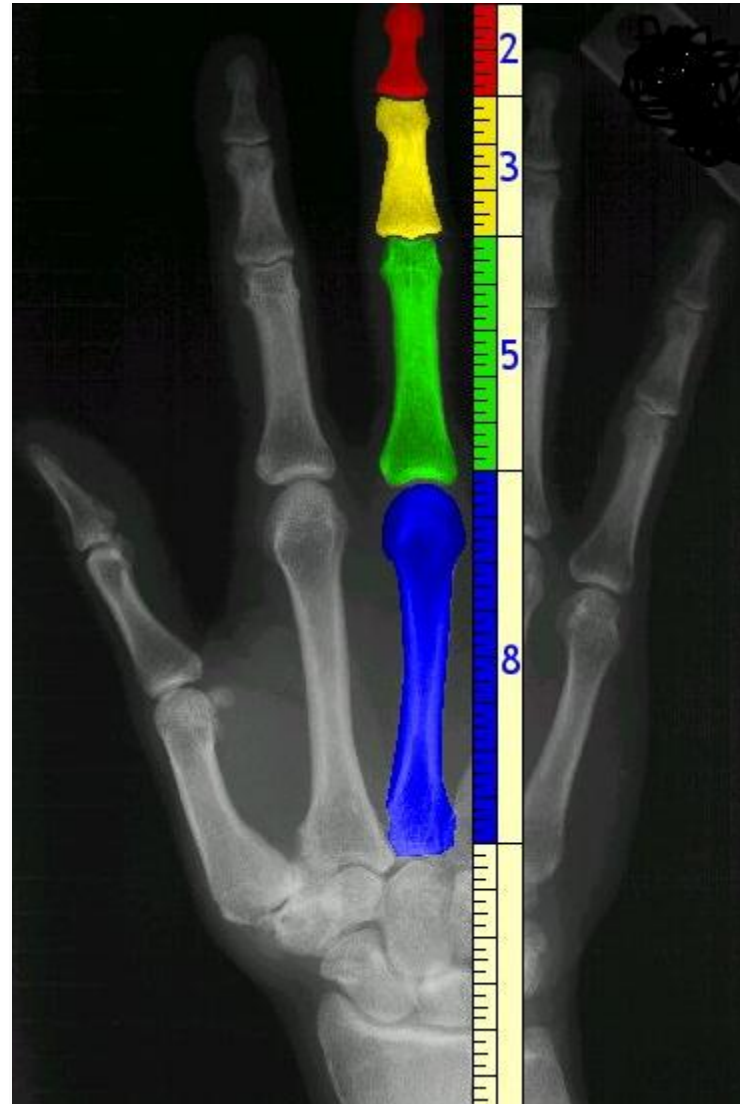


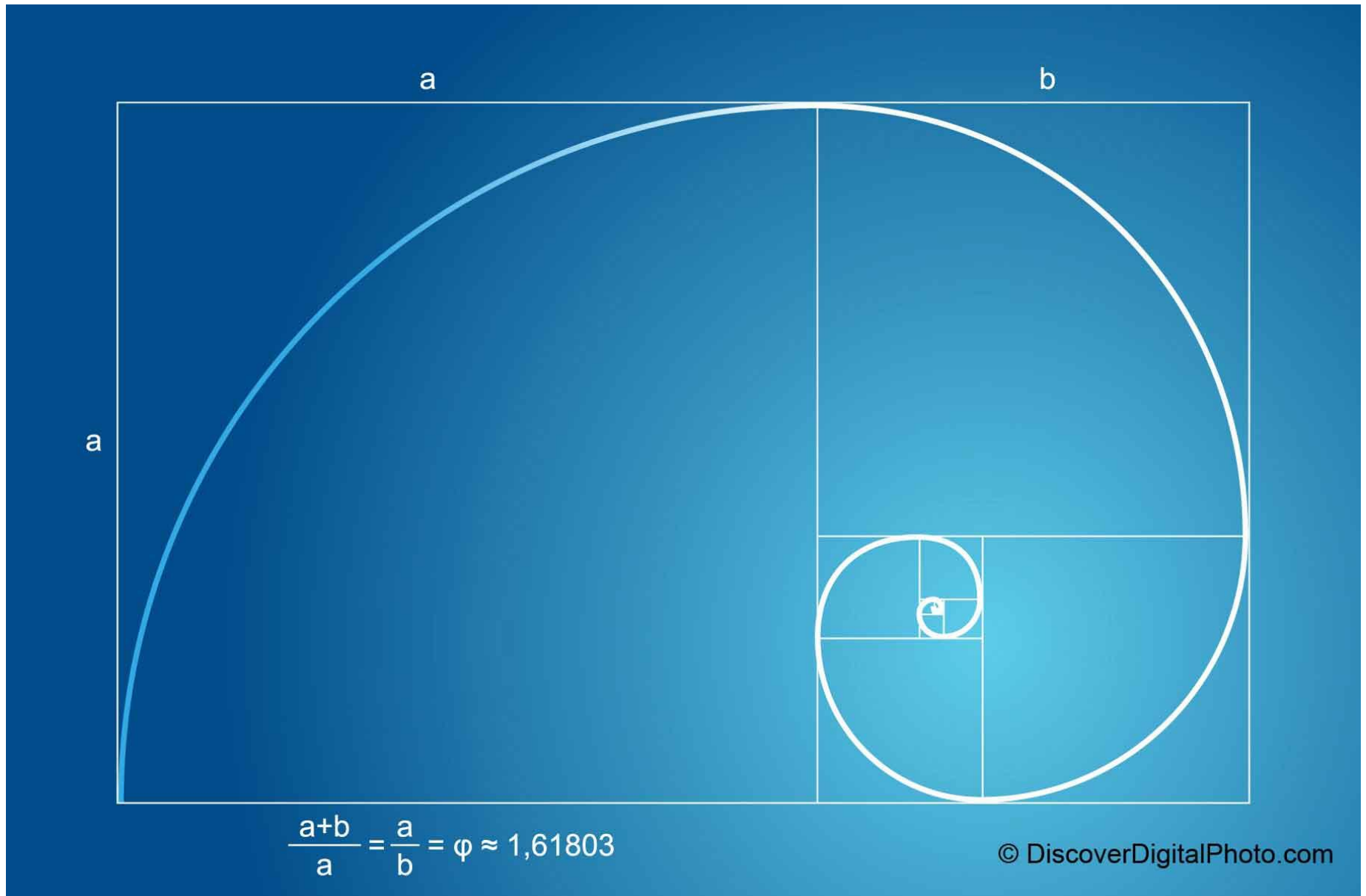


در قرآن کریم واژه دریا ۳۲ بار و واژه زمین ۱۳ بار ذکر شده‌اند که مجموعاً ۴۵ بار می‌شود.

$$۱۳ + ۳۲ = ۴۵ \quad \frac{۱۳}{۴۵} * ۱۰۰ = ۲۸.۸۸۸۸۸۸۸۸۸۸۸۹\% \quad \frac{۳۲}{۴۵} * ۱۰۰ = ۷۱.۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱\%$$

دانشمندان به تازگی اثبات نموده‌اند که آب ۷۱,۱۱۱٪ و خشکی ۲۸,۸۸۹٪ از کره زمین را فراگرفته است.





اعداد فیبوناچی در علم اقتصاد نیز کاربرد دارد. بورس را ما انسان‌ها می‌سازیم. رفتار ما در حرکت سهام تأثیر گذار است. خرد یا بی‌خردی سبب بالا - پایین شدن قیمت سهام می‌شود. و ما بدون اینکه بدانیم رفتاری را سبب می‌شویم که پشت آن نظم است. حقایق جالب توجه فراوانی در مورد اعداد فیبوناچی وجود دارد (مقاله فیبوناچی‌های افسونگر: اسرار و جادوهای اعداد، نویسنده: ترودی هامل گارلند) اما امروزه برای معامله‌گران این موضوع اهمیت دارد که بفهمند چگونه این اعداد وارد بازی می‌شوند و نقش خود را در بازار بر عهده می‌گیرند.

تحلیل فیبوناچی

انواع ابزارهای فیبوناچی در بازارهای مالی، روشی برای تحلیل بازگشت یا ادامه روند می‌باشد. از منظری انواع ابزارهای فیبوناچی نقاط حمایت و مقاومت می‌باشند که با ابزارها و روش‌های گوناگون رسم می‌شوند. این سطوح بازگشت بر خلاف حمایت و مقاومت‌های قبلی که تنها قیمتی خاص را نقطه حساس تلقی می‌کردند می‌توانند قیمتی خاص، منحنی روی نموداری، خطی مورب یا زمان خاصی را نقطه حساس حمایت یا مقاومت تعریف کنند. در استفاده از ابزارهای فیبوناچی درصدها اهمیتی فوق‌العاده دارند. عموم این درصدها از نسبت درصدهای بین اعداد فیبوناچی بدست می‌آیند. به غیر از چند عدد ابتدای سری اعداد فیبوناچی، هر کدام از اعداد دنباله، تقریباً ۱٫۶۱۸ برابر عدد قبل از خود هستند (نسبت طلایی) و هر عدد ۰٫۶۱۸ برابر عدد بعد از خود می‌باشد. این نسبت‌ها به درصد به ترتیب ۱۶۱٫۸ درصد و ۶۱٫۸ درصد می‌شوند. درصدهای دیگری نیز مهم هستند که در زیر می‌آید. تقسیم عدد اول به عدد دوم سری اعداد فیبوناچی یک به یک یا به عبارتی ۱۰۰ درصد را نشان می‌دهد. تقسیم عدد دوم به عدد سوم سری اعداد فیبوناچی ۰٫۵ یا به عبارتی ۵۰ درصد را نشان می‌دهد. در اعداد بالاتر سری اعداد فیبوناچی و تقسیم هر عدد به دو عدد بعد از آن، مشاهده می‌شود حاصل تقسیم به ۳۸٫۲ درصد تمایل می‌کند. در اعداد بالاتر سری اعداد فیبوناچی و تقسیم هر عدد به سه عدد بعد از آن، مشاهده می‌شود حاصل تقسیم به ۲۳٫۶ درصد تمایل دارد.

این تناسبات در بازارهای بورس بقدری مقدس شده که بیشتر معامله‌کنندگان به آن احترام گذاشته و بدقت آن‌ها را مراعات می‌کنند و نقاطی برای ورود و خروج از معاملات تلقی می‌شوند و شاید این پدیده دال بر این باشد که حس طمع و ترس انسانها در جهت کسب سود و یا فرار از زیان و حفظ سرمایه با تناسبات طلایی بشدت گره خورده است.

خطوط فیبوناچی بعنوان نشان دهنده روند قیمت سهام مورد مطالعه قرار می‌گیرد. البته این روش ابزار مناسبی برای زمان ورود و خروج از یک سهم نمی‌باشد بلکه حرکت قیمت مابین خطوط را می‌شود تفسیر کرد.

چهار بررسی مشهود بوسیله اعداد فیبوناچی توسط تحلیل‌گران به کار برده می‌شود. خطوط فیبوناچی به ۴ طریق مختلف رسم می‌گردند.

- الف) سطوح ردیابی فیبوناچی
- ب) بادبزن فیبوناچی
- ج) کمانهای فیبوناچی
- د) مناطق زمانی (حوزه زمان) فیبوناچی

در بررسی و مطالعه خطوط، توسط ابزارهای دسترس سطوح و خطوطی بر روی نمودار قیمت ترسیم می‌شود. تفسیر و بررسی مطالعات این خطوط شامل تغییرات در روند قیمتها در نزدیکی خطاهای ایجاد شده در مطالعات فیبوناچی می‌باشد. هر کدام از این بررسی‌ها در زیر توضیح داده شده است:

سطوح ردیابی فیبوناچی

بوسیله مشخص کردن دو نقطه کمینه و بیشینه خطوطی کشیده می‌شوند که این خطها در سطوح فیبوناچی معروف ۲۳٫۶٪، ۳۸٫۲٪، ۵۰٪، ۶۱٫۸٪، ۷۸٫۶٪، ۱۰۰٪، ۱۲۷٫۲٪، ۱۶۱٫۸٪، ۲۰۰٪، ۲۶۱٫۸٪، ۴۲۳٫۶٪ قیمت‌ها را قطع می‌کنند. این سری ۱۱ خط افقی پس از یک تغییر قابل توجه در بالا و پایین قیمتها، معمولاً ردپای یک قسمت سهم را دوباره ادامه می‌دهند. این خطوط معمولاً در شناسایی تغییر روند، سطوح حمایت و یا مقاومت پنهان و تشخیص برگشتهای کلیدی به کار گرفته می‌شود.

روش کار تقریباً ساده است. ابتدا دو خط در نقاط حداقلی و حداکثری قیمتهای مورد بررسی کشیده می‌شود. سپس در سطوح معروف ۲۳٫۶٪، ۳۸٫۲٪، ۵۰٪، ۶۱٫۸٪ خطوطی کشیده می‌شود. پس از مطالعه و بررسی مشخص می‌شود که تغییرات قابل توجه در نزدیکی این سطوح شکل گرفته است. معمولاً این سطوح به صورت سطوح حمایت و مقاومت عمل می‌کنند و در حقیقت نقش خطوط بازدارنده از کاهش یا افزایش قیمتها را بازی می‌کنند.

نحوه ترسیم فیبوناچی

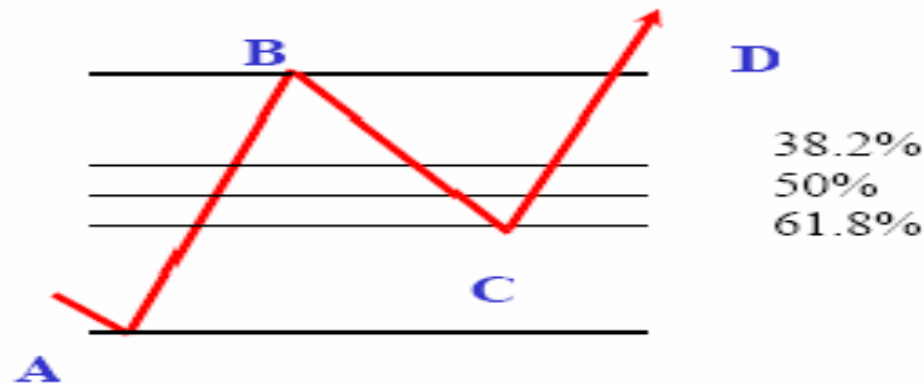
Fibonacci Price Retracements

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

اصول کار با فیبوناچی Retracement (اصلاحی) و نحوه رسم

فیبوناچی ریتریسمنت (اصلاحی) (Retracement) ساده‌ترین و کاربردی‌ترین ابزار از گروه خطوط فیبوناچی‌ها می‌باشد.

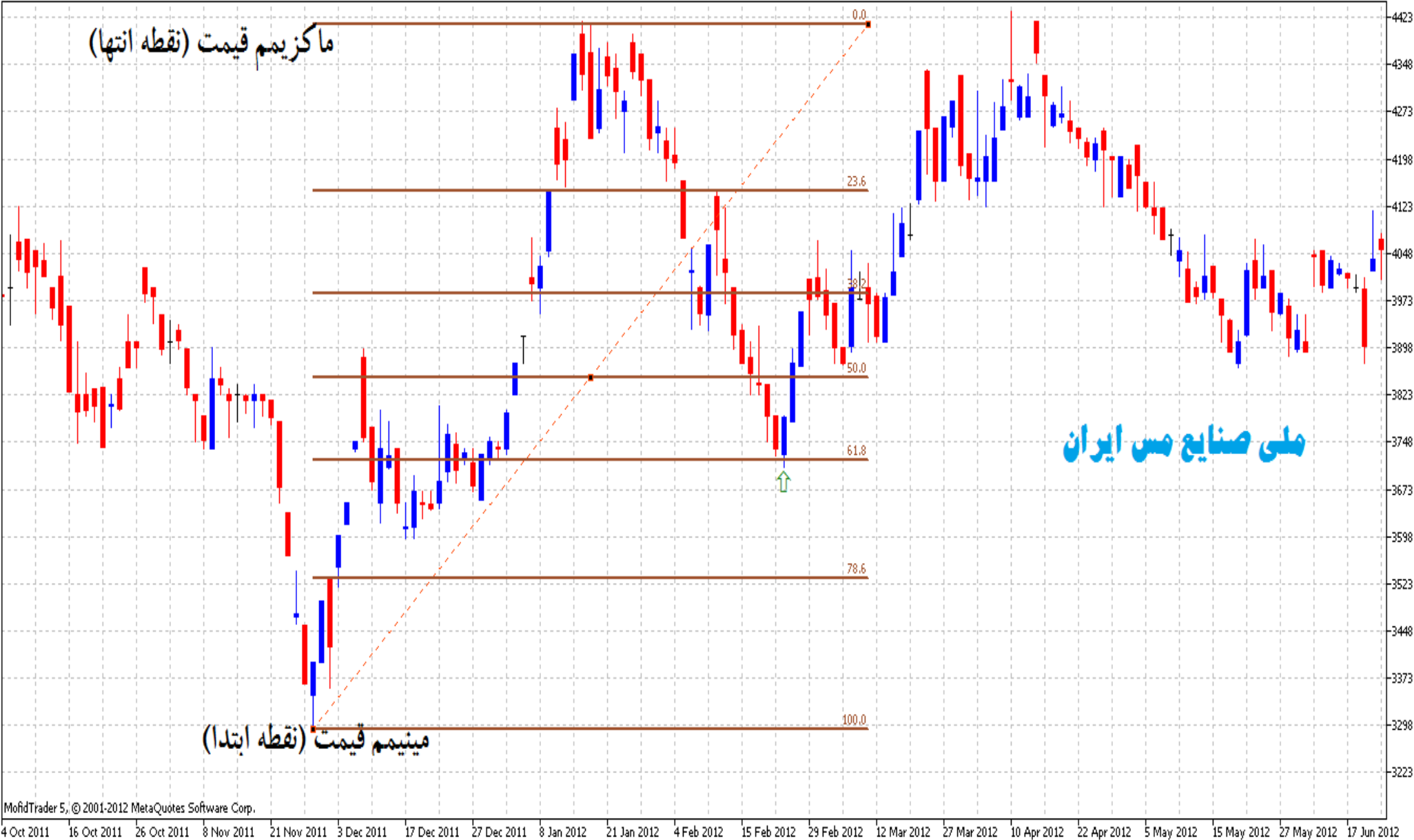
بازار به طور معمول پس از هر حرکت قوی و قبل از ادامه حرکت، بازگشت می‌کند. عموماً زمانی که بازار در روندی خاص حرکت می‌کند در بازه‌هایی تمایل به بازگشت و تصحیح نسبت به قیمت‌های قبلی دارد اما پس از مدتی تمایل به ادامه روند غالب پیدا می‌کند. در یک روند صعودی درصدهای تصحیح بازگشت روند در جهت روند صعودی قبل، به ترتیب درصدهای ۲۳٫۶ ، ۳۸٫۲ ، ۵۰ ، ۶۱٫۸ و ۱۰۰ درصد می‌تواند باشد.



برای رسم فیبوناچی **Retracements** بر روی نرم افزار ابتدا باید یک نقطه بالا و یک نقطه پایین را شناسایی کنیم. سپس از منطقه قیمتی پایین به سمت بالا (-to-low high) این نسبت‌ها را رسم می‌کنیم

فرض کنیم قیمت سهامی از ۱۰۰ تومان به ۲۰۰ تومان رسیده (البته نه به یکباره و با نوسانات قیمتی) در این صورت ما باید فیبوی **Retracements** را از پایین (۱۰۰ تومان) به سمت بالا (۲۰۰ تومان) رسم کنیم و در افت قیمت به دنبال نقاط برگشتی معتبر (pull back) باشیم. با اینکار سطوح حمایتی و نقاط برگشت کلیدی سهم را پیدا می‌کنیم (support levels)

- الزامی نیست که قیمت در هنگام بازگشت به تمام نسبت‌های فیبو عکس العمل نشان دهد ، بلکه این نقاط حمایت‌های فرضی پیش روی سهام را به ما نشان می‌دهند
 - در هنگام رسم فیبو از پایین به بالا ، اگر قیمت به اولین نسبت‌ها عکس العمل نشان دهد (۰,۲۳۶ یا ۰,۳۸۲) احتمال این که نقطه‌ی بالا (۲۰۰ تومان) شکسته شود و سقف جدیدی شکل بگیرد زیاد است.
 - اگر قیمت سهم از محدوده تراز ۵۰ در صد بازگشت نمود به احتمال زیاد دیگر نباید به برگشت آن امید داشت. ولی اگر سهمی از سطوح ۷۸,۶ و ۶۱,۸ بازگشت نمود امید است از سقف قبلی عبور کند.
- نمودار زیر نوسانات قیمت سهم شرکت ملی صنایع مس ایران را در طی سه ماه نشان می‌دهد. با شناسایی دو نقطه بالایی و پایینی و استفاده از نرم افزار سطوح ۲۳,۶٪ ، ۳۸,۲٪ ، ۵۰٪ ، ۶۱,۸٪ و ۷۸,۶٪ بدست می‌آیند. روش کار به این صورت است که در آغاز روند نقطه مینیمم قیمت ۳۳۰۰ ریال و نقطه ماکزیمم در قیمت ۴۴۰۰ ریال را در نظر می‌گیریم و توسط ابزارهای در دسترس سطوح فیبوناچی بدست می‌آید. پنج سطح بین صفر تا صد درصد ترسیم شده و سطوح حمایت پنهان شده شناسایی شده‌اند. قیمت‌ها در نزدیکی یا در برخورد با این سطوح واکنش نشان می‌دهند و معمولاً برگشت و توقف‌هایی را شاهد خواهیم بود و در تراز ۶۱,۸٪ شاهد بازگشت قیمت هستیم.

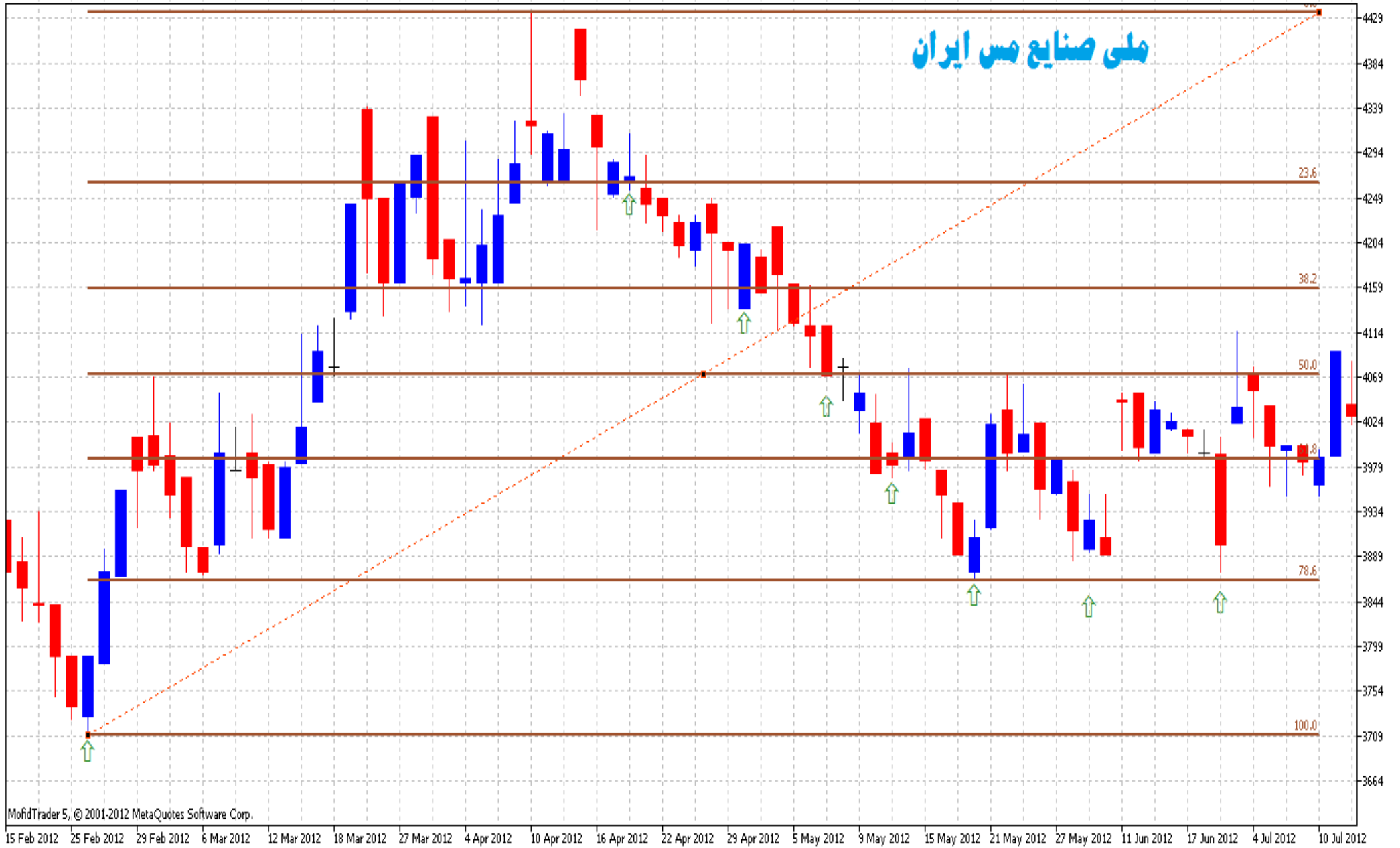


سطوح فیبوناچی در شناسایی **سطوح برگشتی آینده سهم** نیز به ما کمک می‌کند. تغییرات قیمت در سطوح فیبوناچی و تکنیکهای کاربردی در این زمینه گاهی معامله‌گران را شگفت زده می‌کند. سطوح فیبوناچی برای حرکت نموداری قیمت در دوره‌های **کوتاه مدت و بلند مدت** تعریف شده است. این خطوط اکثراً در سطوح ۶۲٪، ۵۰٪ و ۳۸٪ در سقوطهای اساسی قیمت قابل تشخیص است. قیمت در روند نزولی و یا افزایشی پیش از آنکه به مسیر خود ادامه دهند در این سطوح **گرایش به توقف و یا برگشت** دارند. حرکت‌های مهم قیمت بیشتر **بین سطوح ۳۸ تا ۶۲٪** در نمودار به چشم می‌خورد. پیدا کردن سطوح فیبوناچی ابزار مهمی است که **حرکتهای بزرگ آینده را برای ما روشن می‌سازد.** حرکت‌های بزرگ در روندهای موجی سهم بین ۵ تا ۳۸٪ و یا ۶۲ تا ۱۰۰٪ سطوح فیبوناچی رخ می‌دهد. هر گاه ازدحام قیمت بین ۳۸ تا ۶۲٪ را می‌نگریم معمولاً استراتژی شکست پایین یا شکست بالا جهش بعدی را برای ما مهیج می‌کند. منتظر می‌مانیم تا قیمت‌های از آن سطوح عبور کنند و این جهش بزرگ می‌تواند به سطوح بالایی یا پایینی قدیمی خود برگشت نماید. توجه نمایید این استراتژی زمانی به خوبی کار می‌کند که سطوح را به درستی شناسایی کرده باشید.

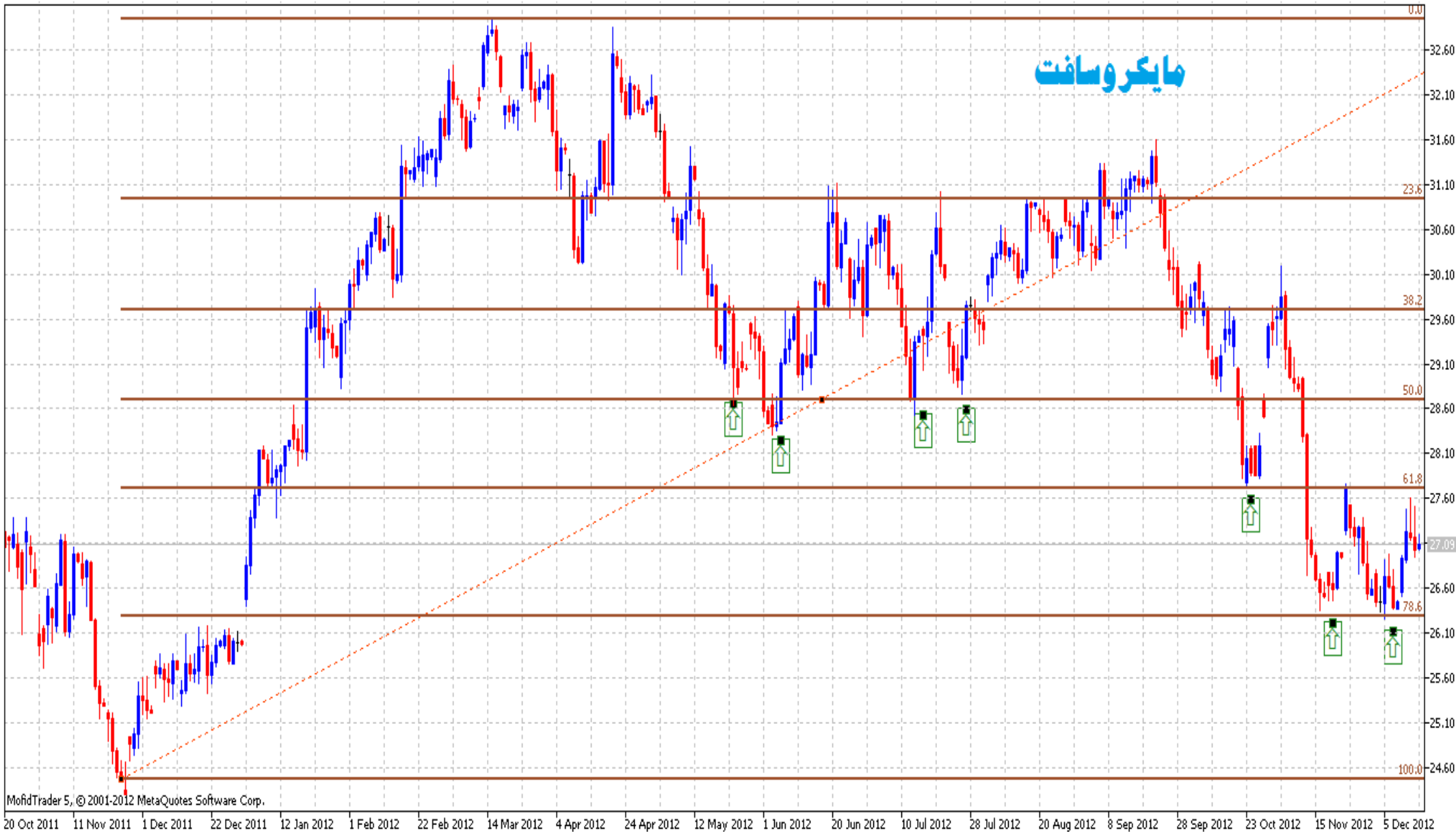
سطوح فیبوناچی برای تشخیص سطوح اولیه برگشت قیمت سهم در روندهای تصحیحی کارایی زیادی دارد. برگشتهای نخست قیمت معمولاً روی سه سطح ۳۸، ۵۰ و ۶۲ درصد روی می‌دهد. معامله‌گران با شناسایی این سطوح کلیدی وسعت حرکت‌های روند تصحیحی و جهت حرکت روند قیمت را پیش بینی می‌کنند.

برخی از معامله‌گران برای یافتن سطوح فیبوناچی با مشکل روبرو می‌شوند. برخی از آنها نمی‌دانند که بهترین نقطه بالا و پایین برای مشخص کردن سطوح کجاست. نگاه به ازدحام قیمت‌ها در شروع به ما کمک نمی‌کند. می‌توانید دنبال یک ناودیس و تاقدیس کوچک در بالا و پایین باشید و جایی که روند از آنجا آغاز گردیده نقطه پایین شماست. پس از آن می‌توانید سطوح بدست آمده را با نقاط ازدحام قیمت تطبیق دهید.

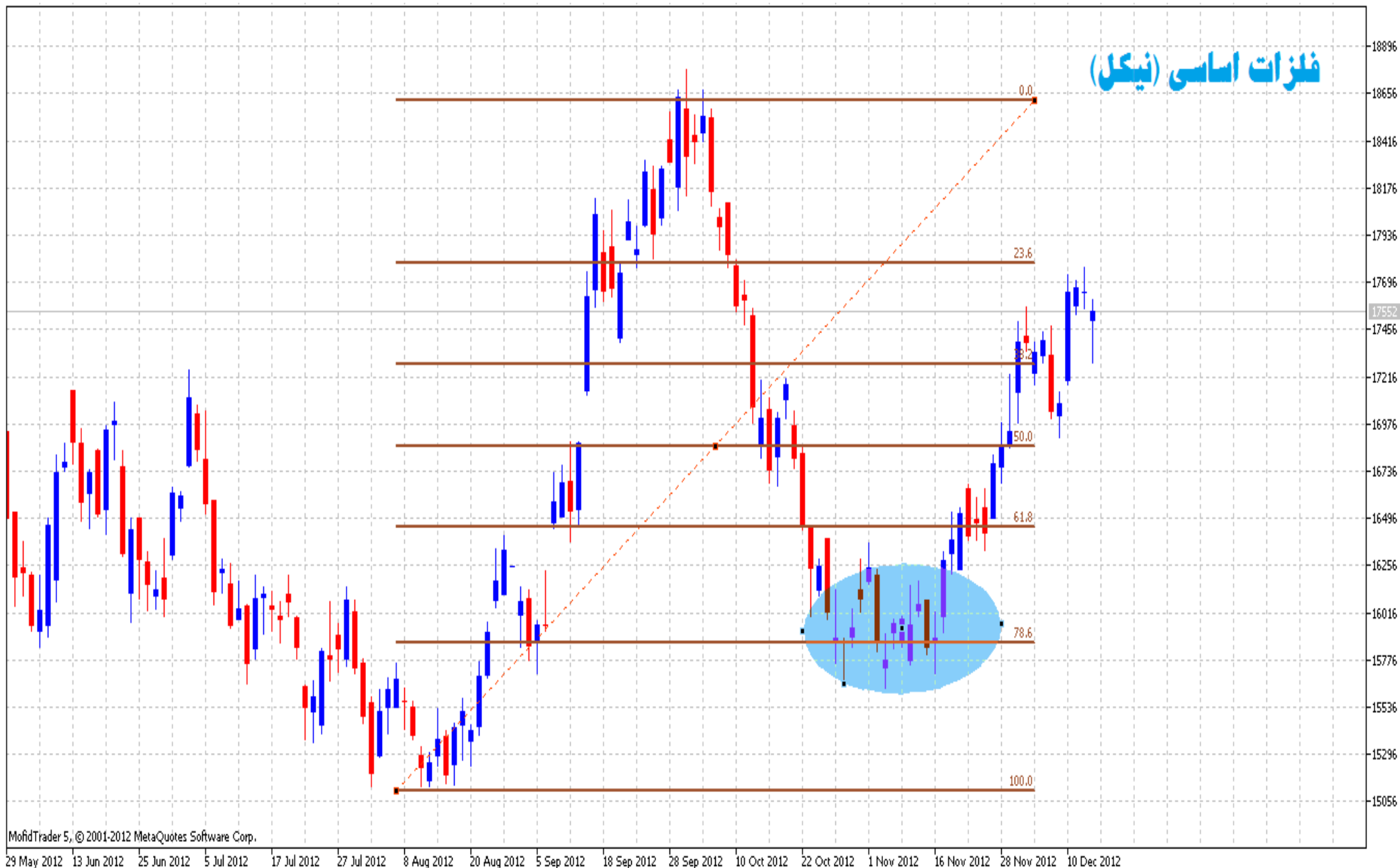
ملی صنایع مس ایران



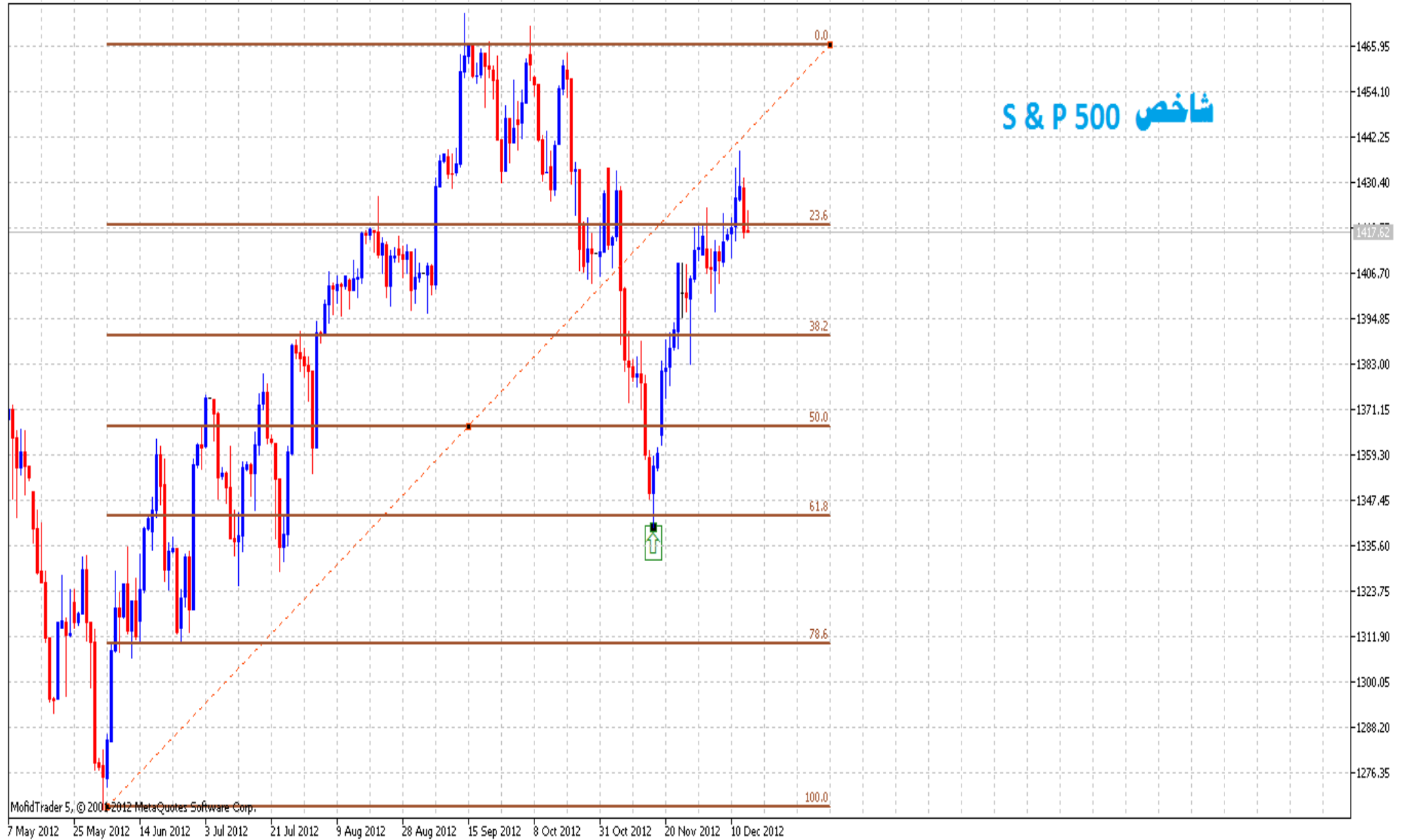
مایکروسافت



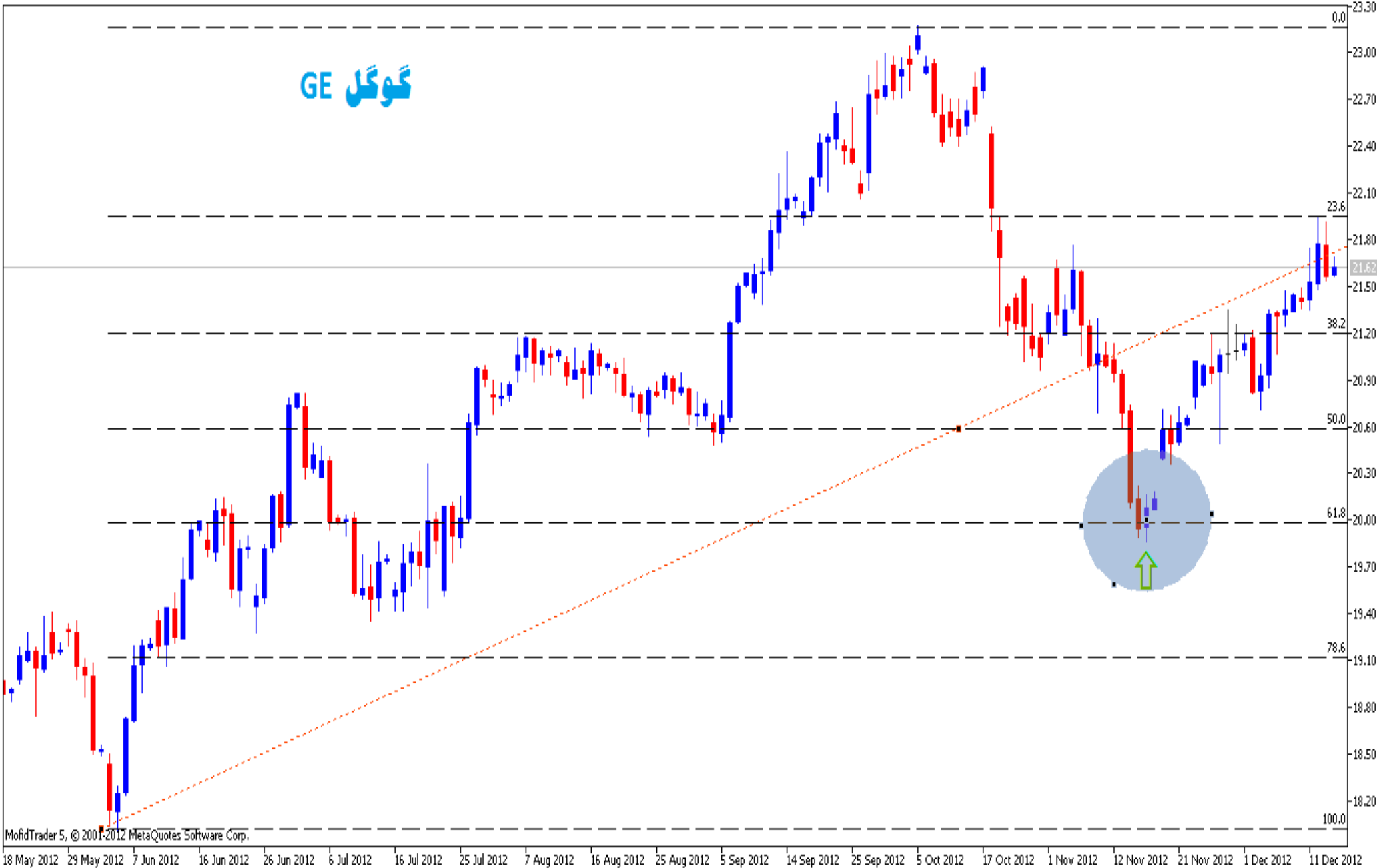
فلزات اساسی (نیکل)



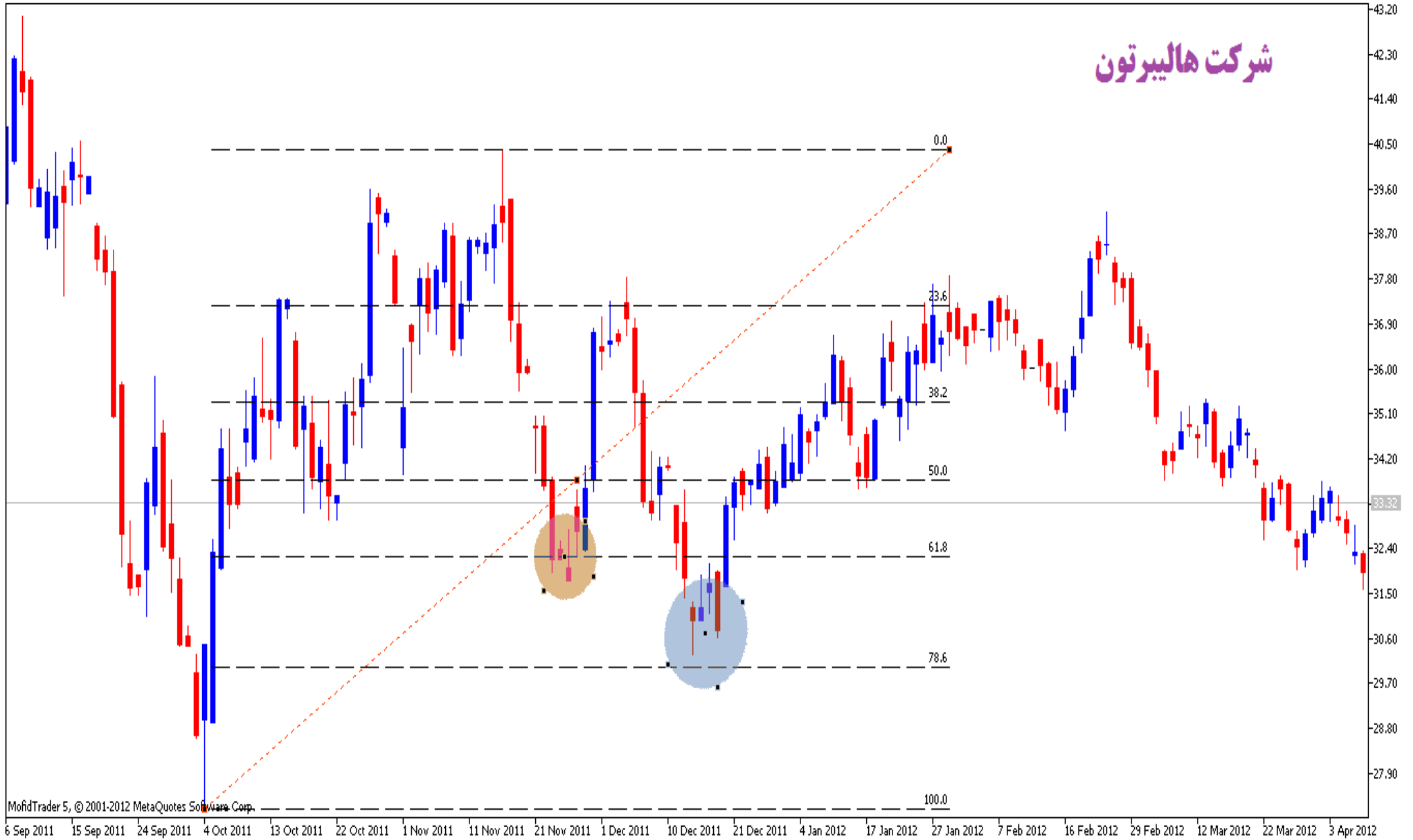
Technical Analysis – تحليل تکنیکال



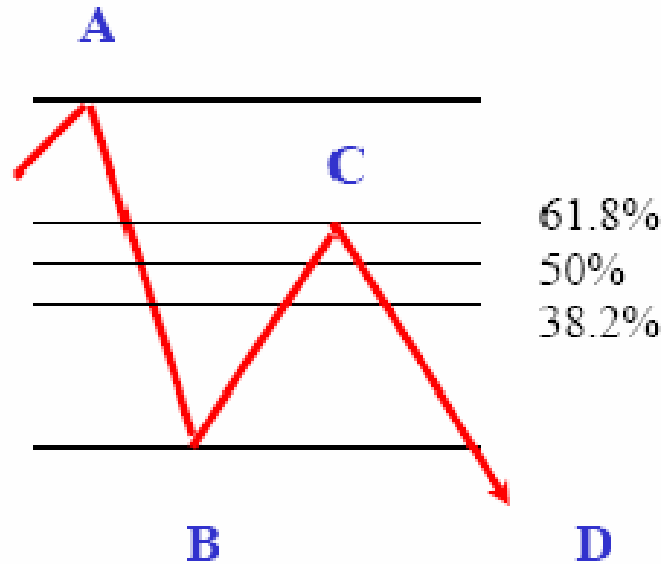
گوگل GE



شرکت هالیرتون



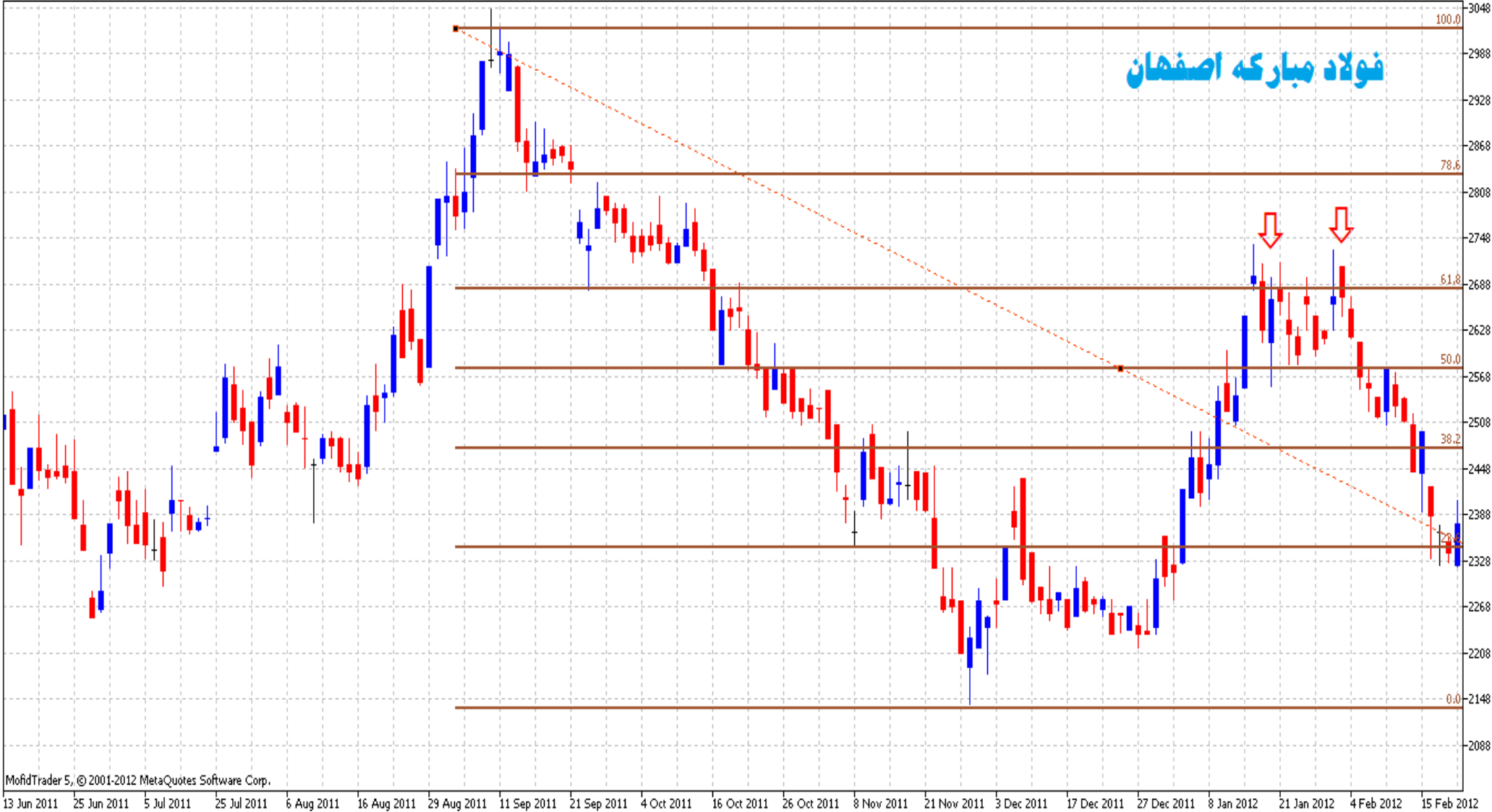
اصول کار با فیبوناچی Extension (گسترش) و نحوه رسم



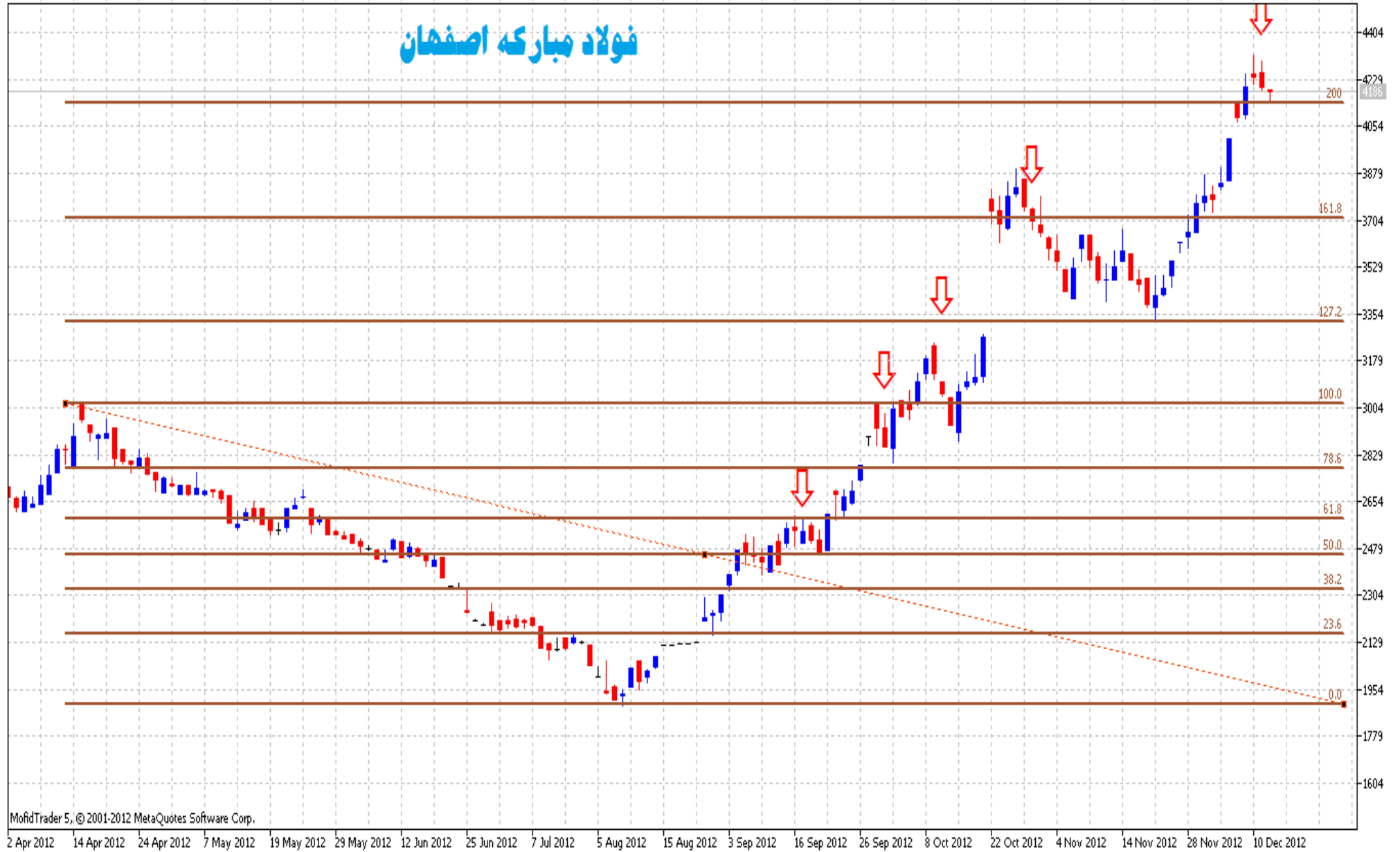
فیبوناچی Extension ابزاری است که نقاط بازگشت بیش از ۱۰۰ درصد هر موج را برای هدف‌های قیمتی جلوتر پیش بینی می‌کند. بازار پس از یک موج صعودی یا نزولی در فیبوناچی Extension ۱۶۱٫۸٪ ، ۲۶۱٫۸٪ ، و ۴۲۳٫۶٪ و یا درصدهای محاسباتی بالاتر می‌تواند بازگشت داشته باشد. همانطور که در شکل زیر دیده می‌شود بازار پس از یک روند نزولی در تصحیح روند نزولی بازگشتی، تا ۵۰ درصد روند نزولی را صعود داشته است. این درصد فیبوناچی Extension به عنوان یک مقاومت عمل کرده و روند نزولی قیمت را بوجود آورده است.

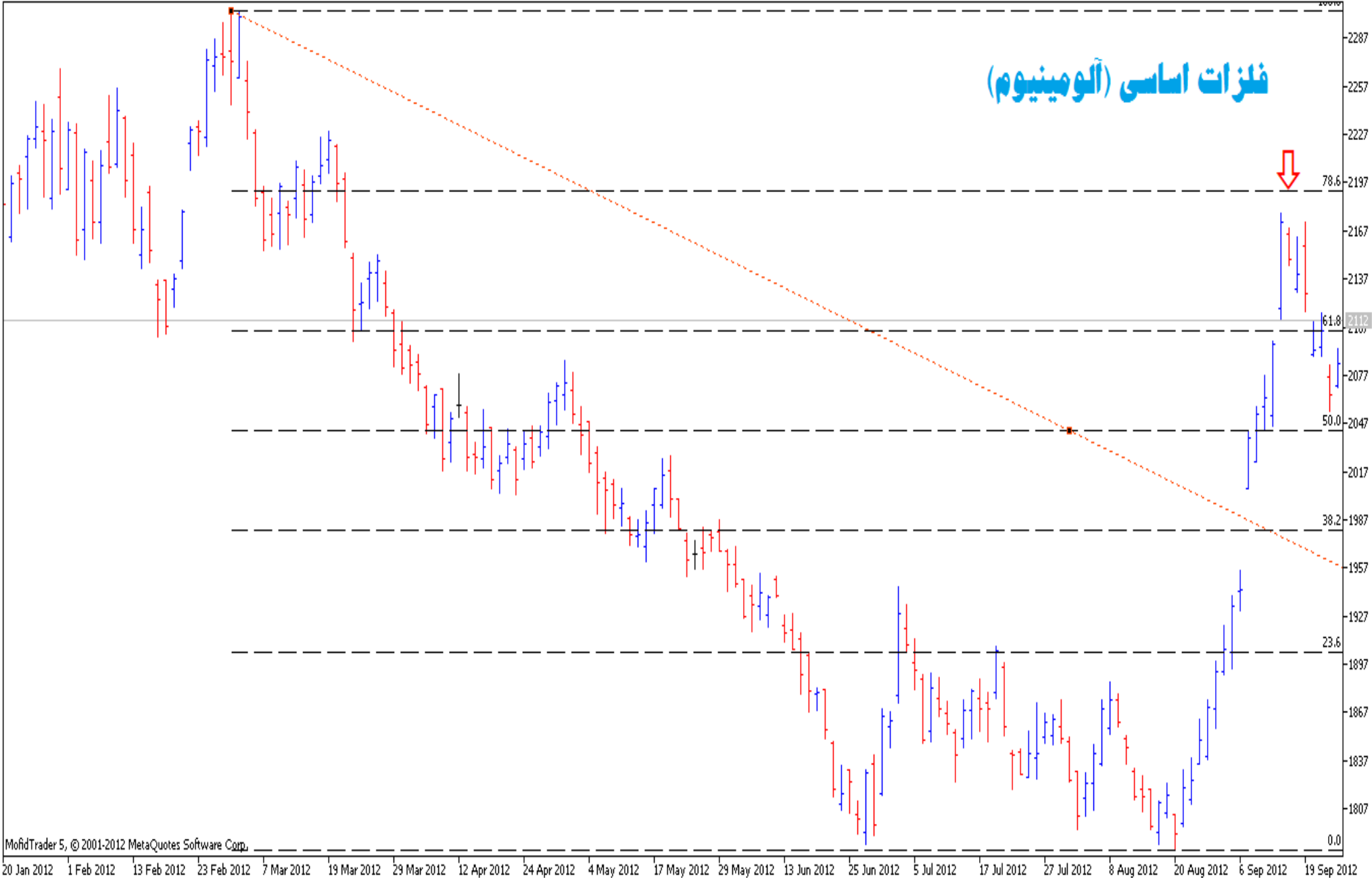
برای استفاده از فیبوناچی Extension از همان ابزار فیبوناچی Retracement استفاده می‌شود با این تفاوت که درصدهای ذکر شده ۱۶۱٫۸ ، ۲۶۱٫۸ و ۴۲۳ درصد برای ما دارای اهمیت هستند.

فولاد مبارکه اصفهان

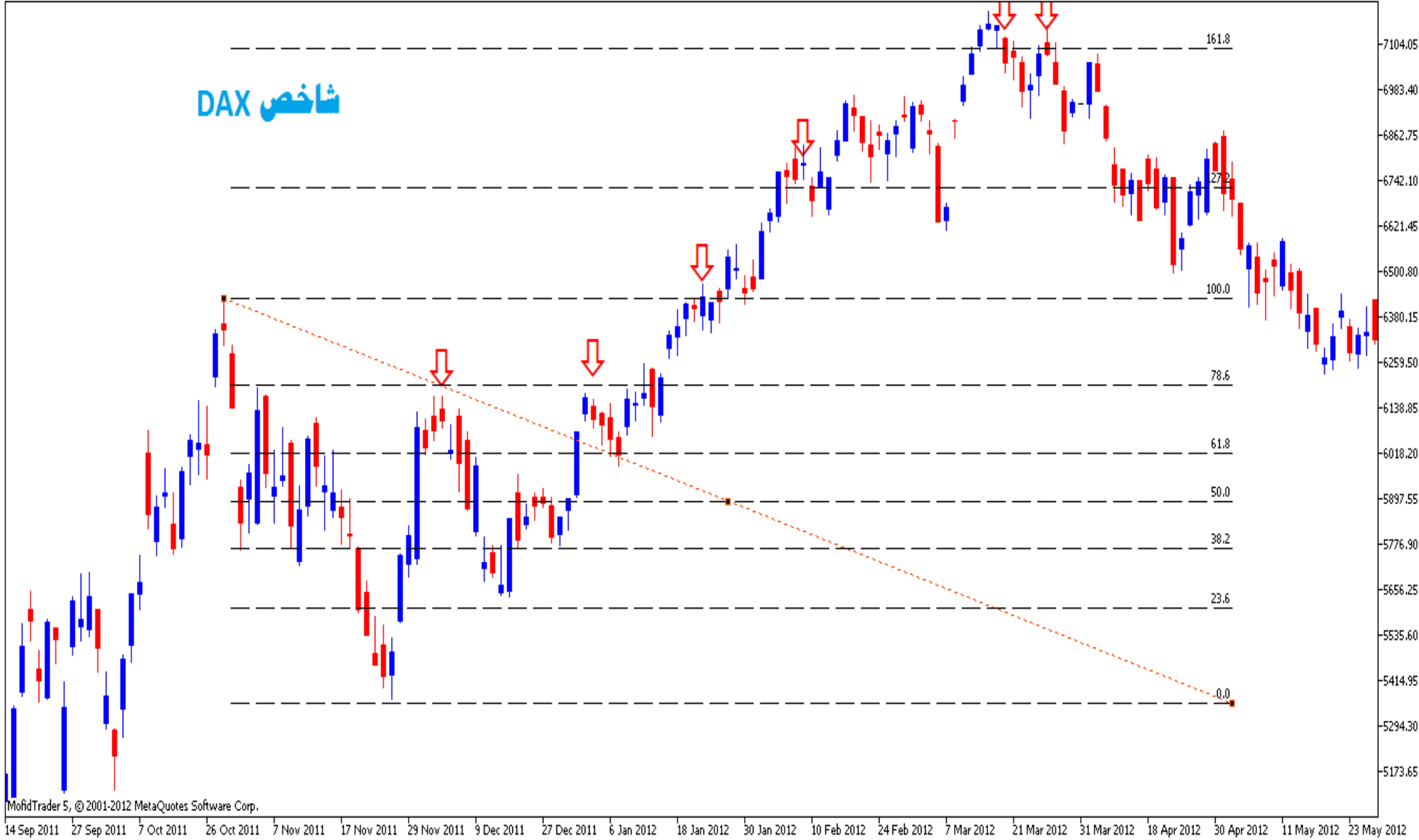


فولاد مبارکه اصفهان



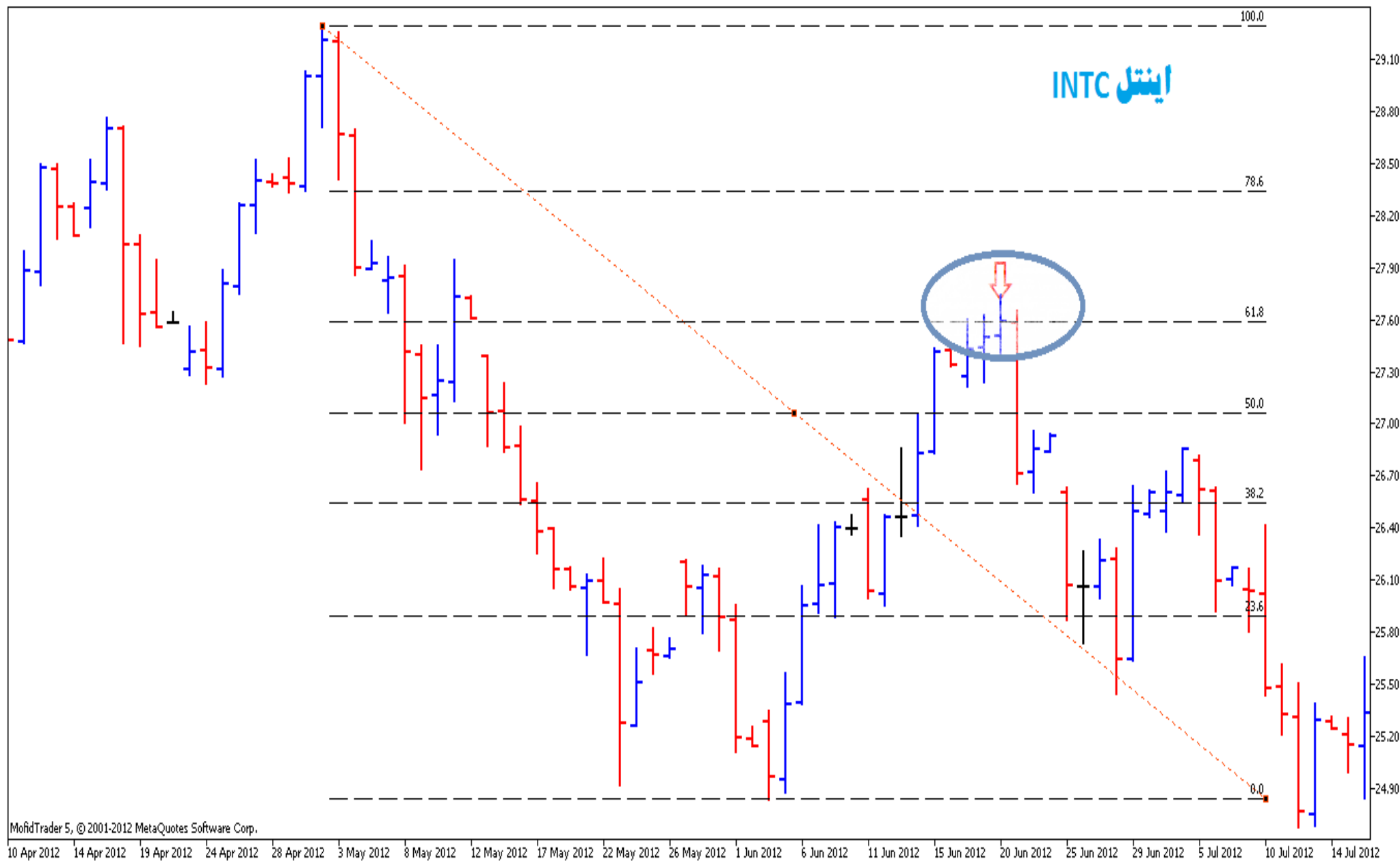


شاخص DAX

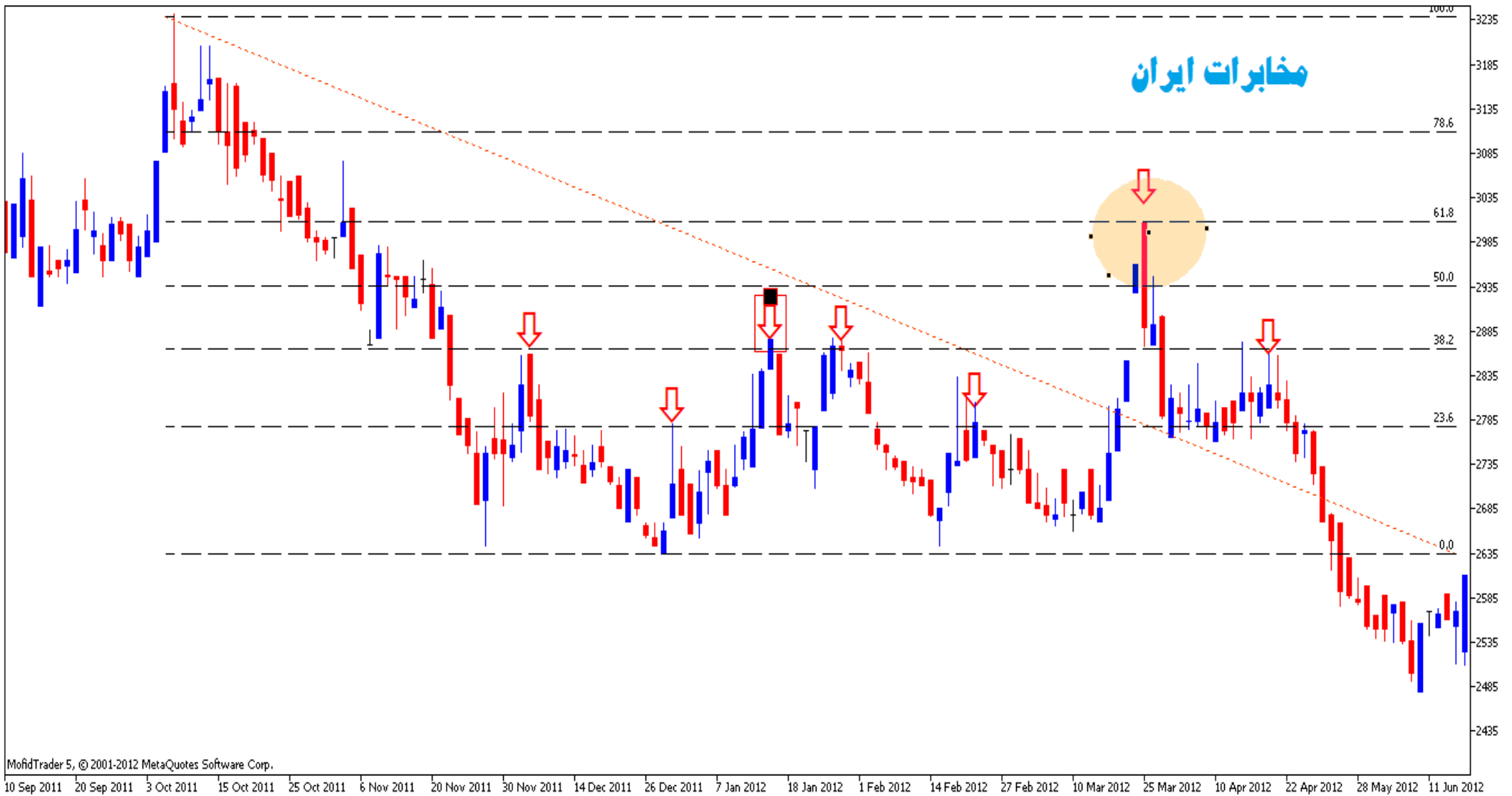


MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

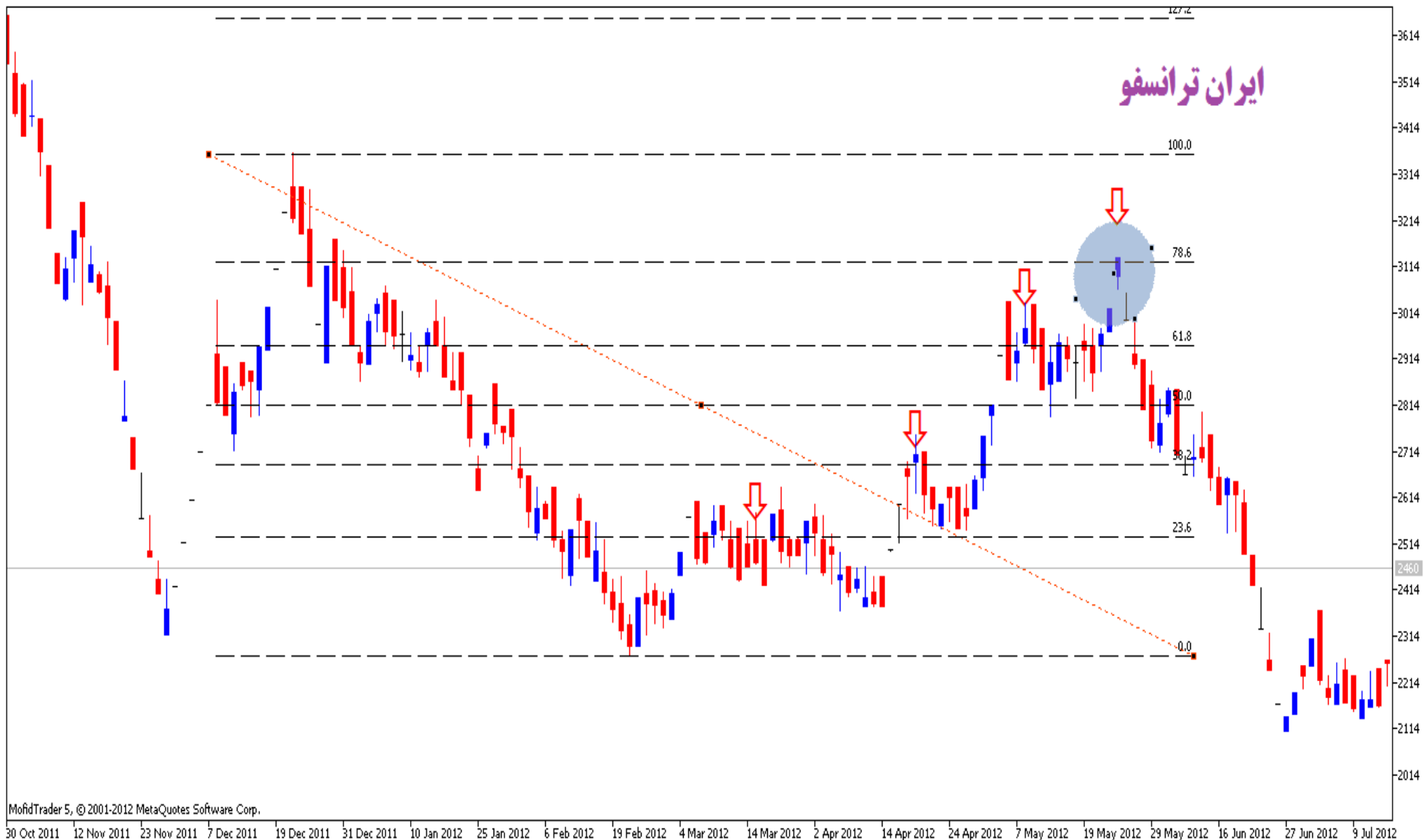
Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



مخابرات ایران



در هنگام رسم فیبوی Extension از بالا به پایین ، اگر قیمت به اولین نسبت‌های (۰,۶۱۸ و ۰,۷۸۶) عکس العمل نشان دهد ، احتمال اینکه نقطه پائینشکسته شود و کف جدیدی شکل بگیرد زیاد است.

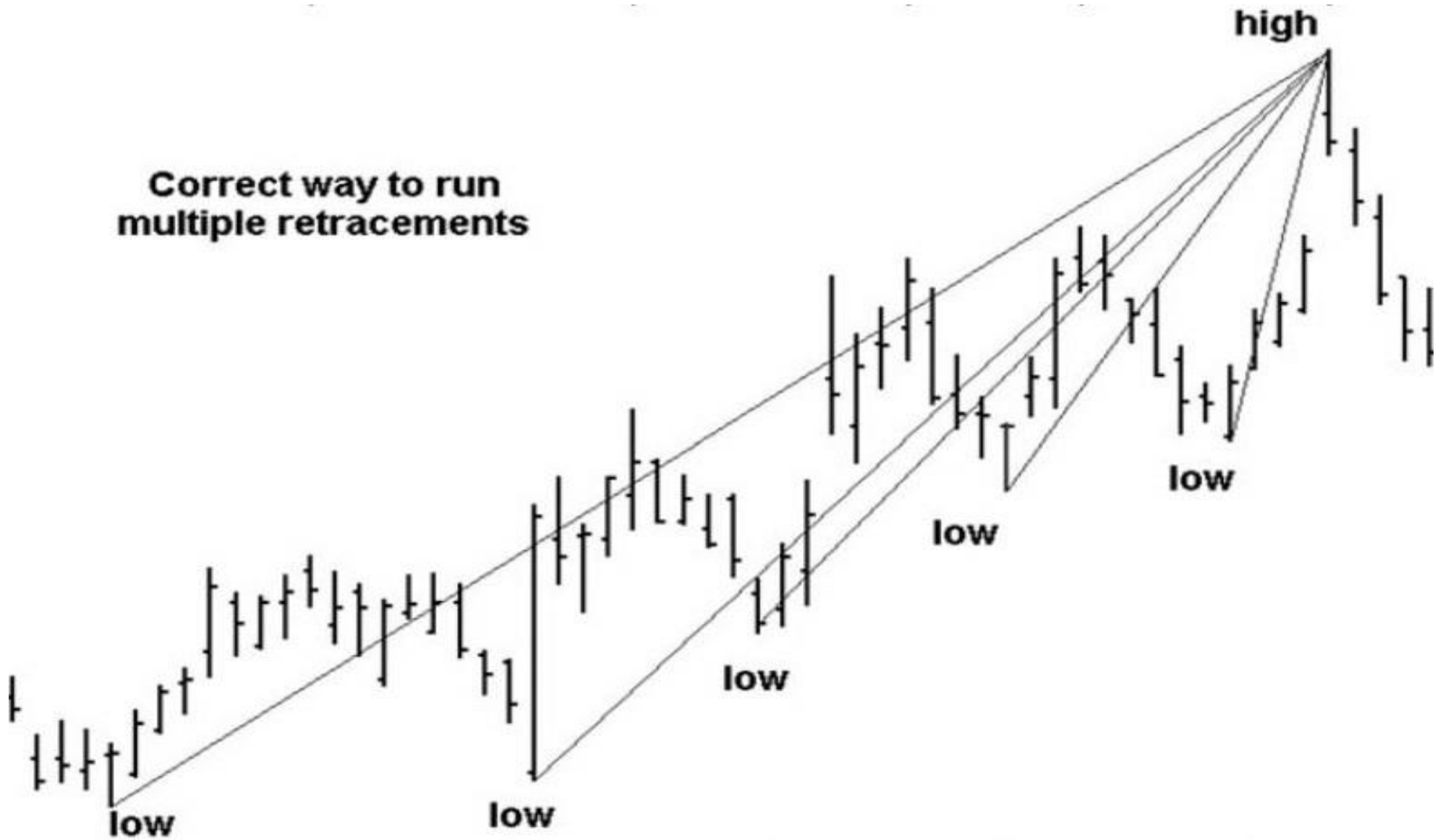


فیوناچی چندگانه multiple Fibonacci

همانطور که گفته شد در رسم فیوناچی ریتریسمنت همواره اولین فیووی که ترسیم می شود فیووی است که نقطه صفر و صد آن بالاترین و پایینترین نقطه قیمتی بر روی چارت باشد ، به عبارتی دیگر اولین فیووی ترسیمی باید بیشترین قیمتی که سهم تا به حال به خود دیده را به کمترین قیمت معامله شده متصل کند. اما برای بدست آوردن نقاط حمایتی و مقاومتی دقیقتر نیاز داریم تا در بازه های کوچکتر نیز اقدام به رسم فیو کنیم. به این صورت که در یک بازه خاص نقاط بالا و پایین را شناسایی می کنیم و با اتصال آن دو نقطه به هم فیو مورد نظر را رسم می کنیم. به این روش ما به نقاط حمایتی یا مقاومتی زیادی دست پیدا می کنیم. مهم ترین نقطه حمایتی یا مقاومتی نقطه ای است که بیشترین فیو در آن ناحیه قرار گرفته باشد. نقاط همگرا سطوح حمایت و مقاومت محکمتر و معتبرتری اطلاق می شوند.

طریقه ترسیم درست فیو چندگانه از پایین به بالا

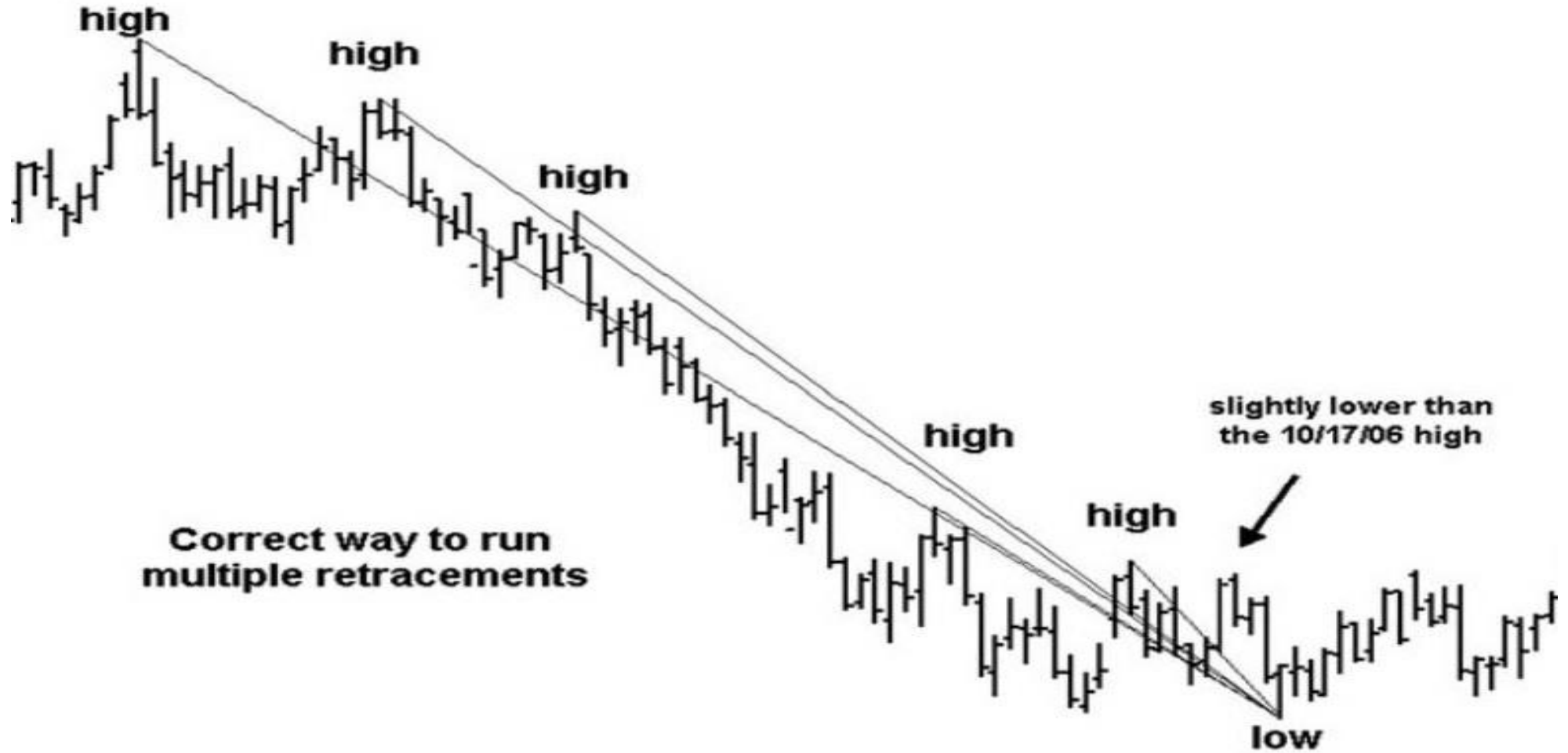
برای ترسیم فیو چندگانه از " پایین به بالا " ابتدا نقطه بالا را شناسایی می کنیم سپس در بازه های مختلف چند نقطه پایین را شناسایی می کنیم و هر کدام از این نقاط را به نقطه بالا متصل می کنیم. به این طریق ما توانستیم چندین نقطه حمایتی پیش روی سهام را شناسایی کنیم . مهم ترین منطقه حمایتی جایی هست که بیشترین فیو در آنجا قرار گرفته باشند. به مثال زیر توجه کنید:



طریقه ترسیم درست فیبو چندگانه از بالا به پایین

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

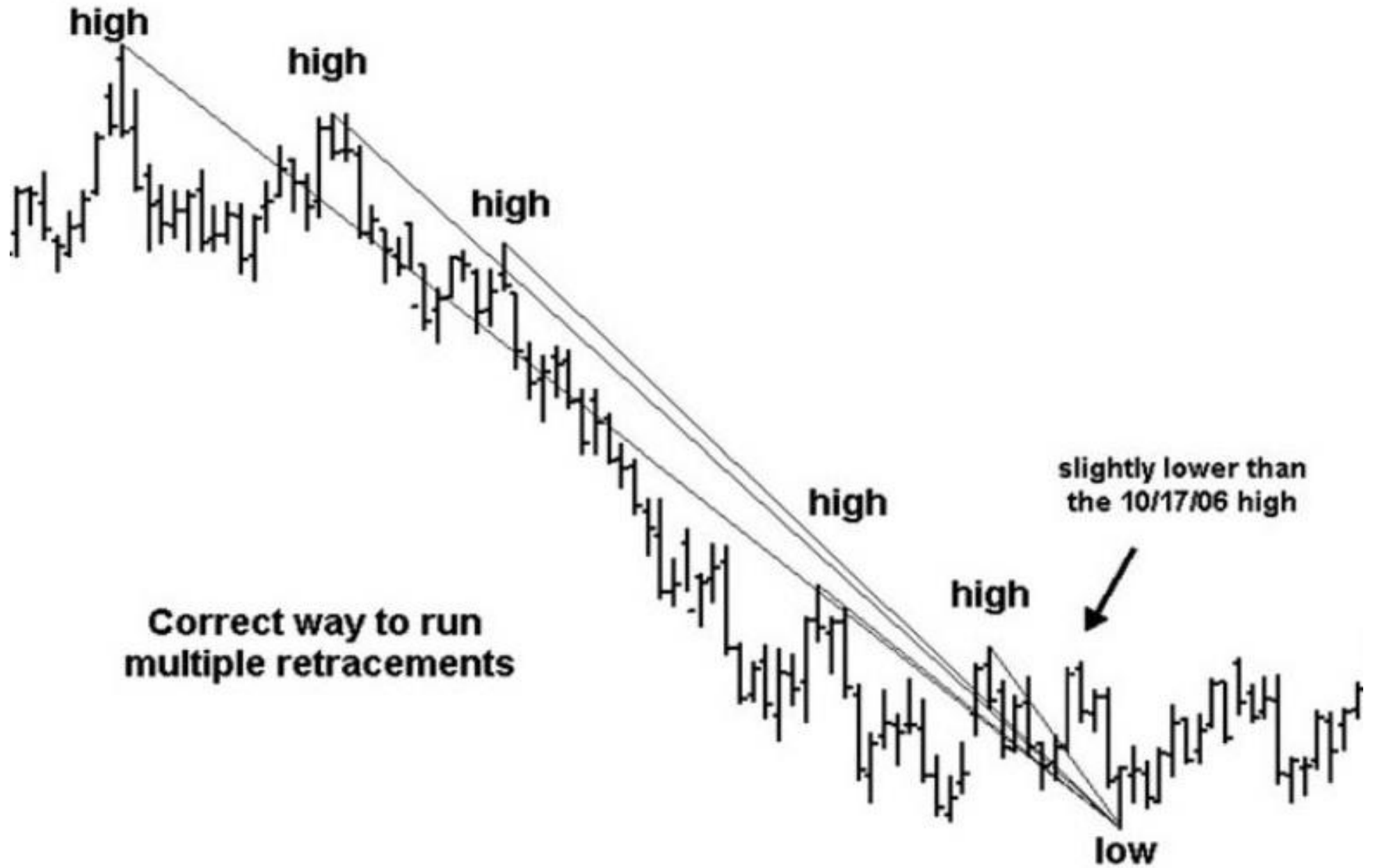
برای ترسیم فیبو چندگانه از "بالا به پایین" ابتدا نقطه پایین را شناسایی می‌کنیم سپس در بازه‌های مختلف چند نقطه بالا را شناسایی می‌کنیم و هر کدام از این نقاط را به نقطه پایین متصل می‌کنیم. به این طریق ما توانستیم چندین نقطه مقاومتی پیش روی سهام را شناسایی کنیم. مهم‌ترین منطقه مقاومتی جایی هست که بیشترین فیبو در آنجا قرار گرفته باشد. به مثال زیر توجه کنید:



موارد ترسیم اشتباه

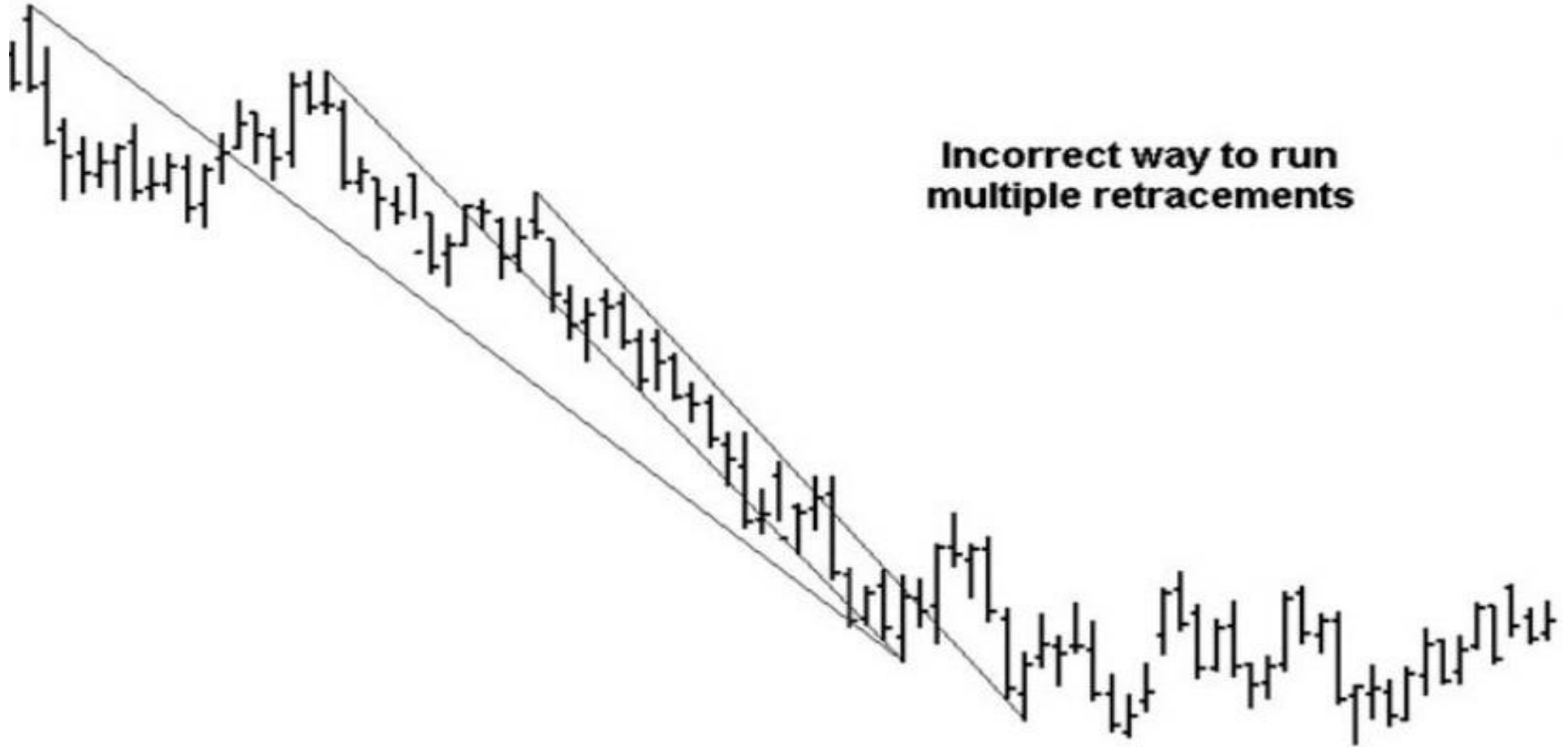
تحليل تکنیکال – Technical Analysis

این نکته بسیار حائز اهمیت است که چطور به درستی از این ابزار استفاده کنیم . چیزی که در ترسیم تمام انواع فیبو باید مورد توجه قرار گیرد این است که نقاط ابتدا و انتها باید دقیقاً به بالاترین نقطه بالا و پایتترین نقطه پایین چسبیده باشد اما نکته مهم در ترسیم فیبو چند گانه این است که مثلاً وقتی اقدام به ترسیم فیبو چند گانه از بالا به پایین می کنیم ما فقط باید یک نقطه پایین داشته باشیم و چندین نقطه بالا و یا در ترسیم فیبو چند گانه از پایین به بالا فقط باید یک نقطه بالا داشته باشیم و چندین نقطه پایین شکل زیر ترسیم اشتباه فیبو چند گانه از بالا به پایین را نشان می دهد:

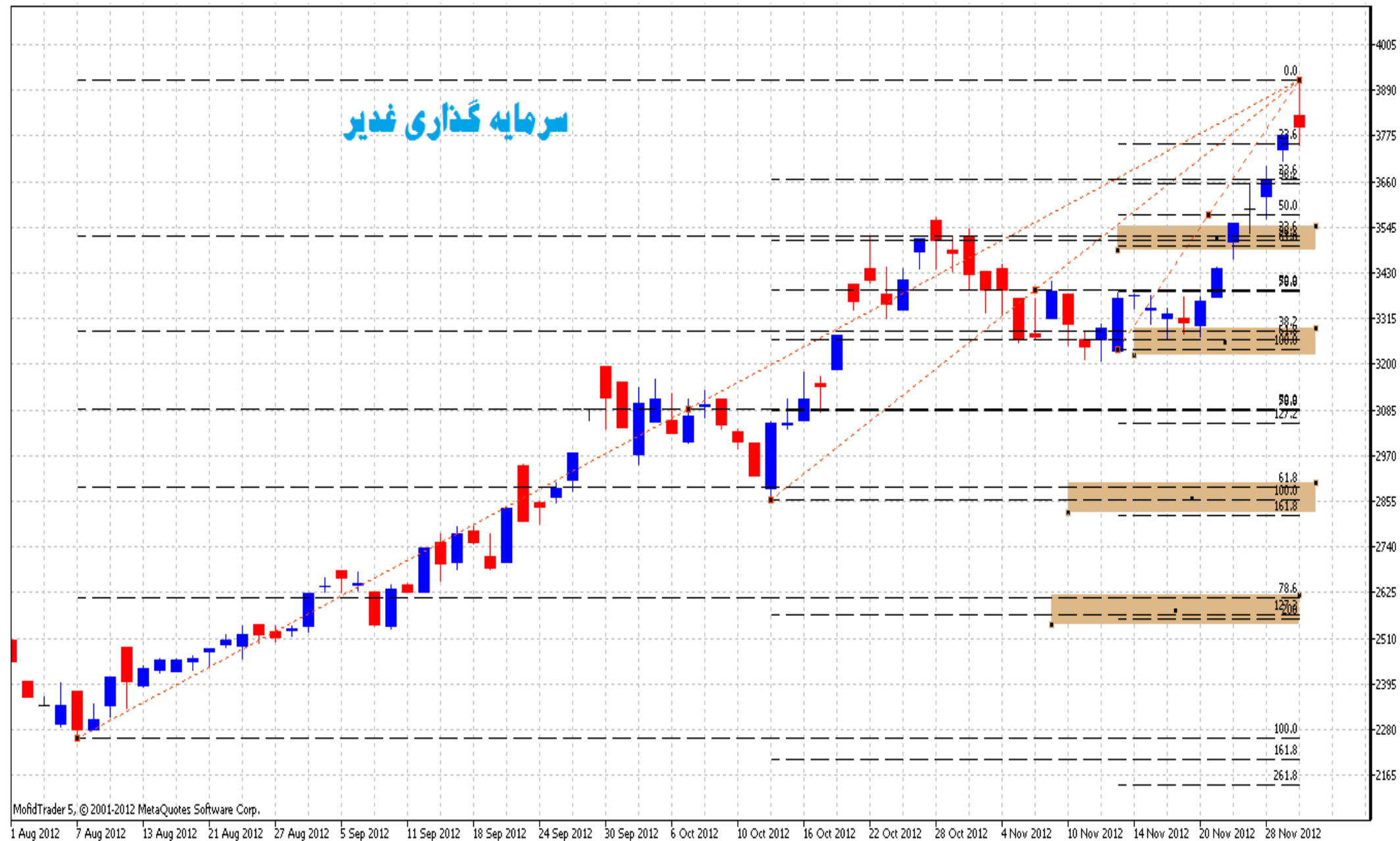


تحليل تکنیکال – Technical Analysis

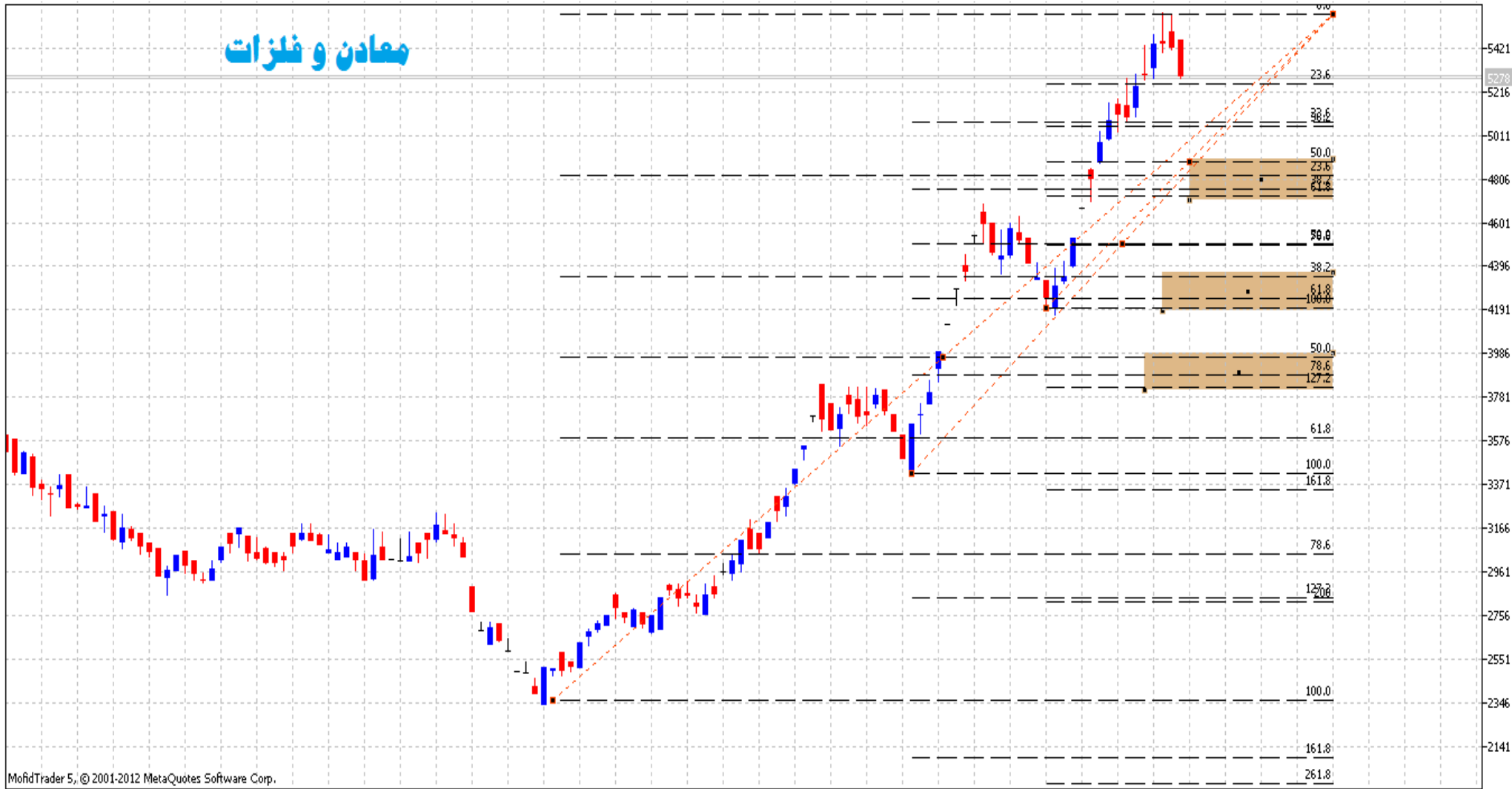
شکل زیر ترسیم اشتباه فیبو چندگانه از پایین به بالا را نشان می دهد:



سرمایه گذاری غدیر



معادن و فلزات



MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

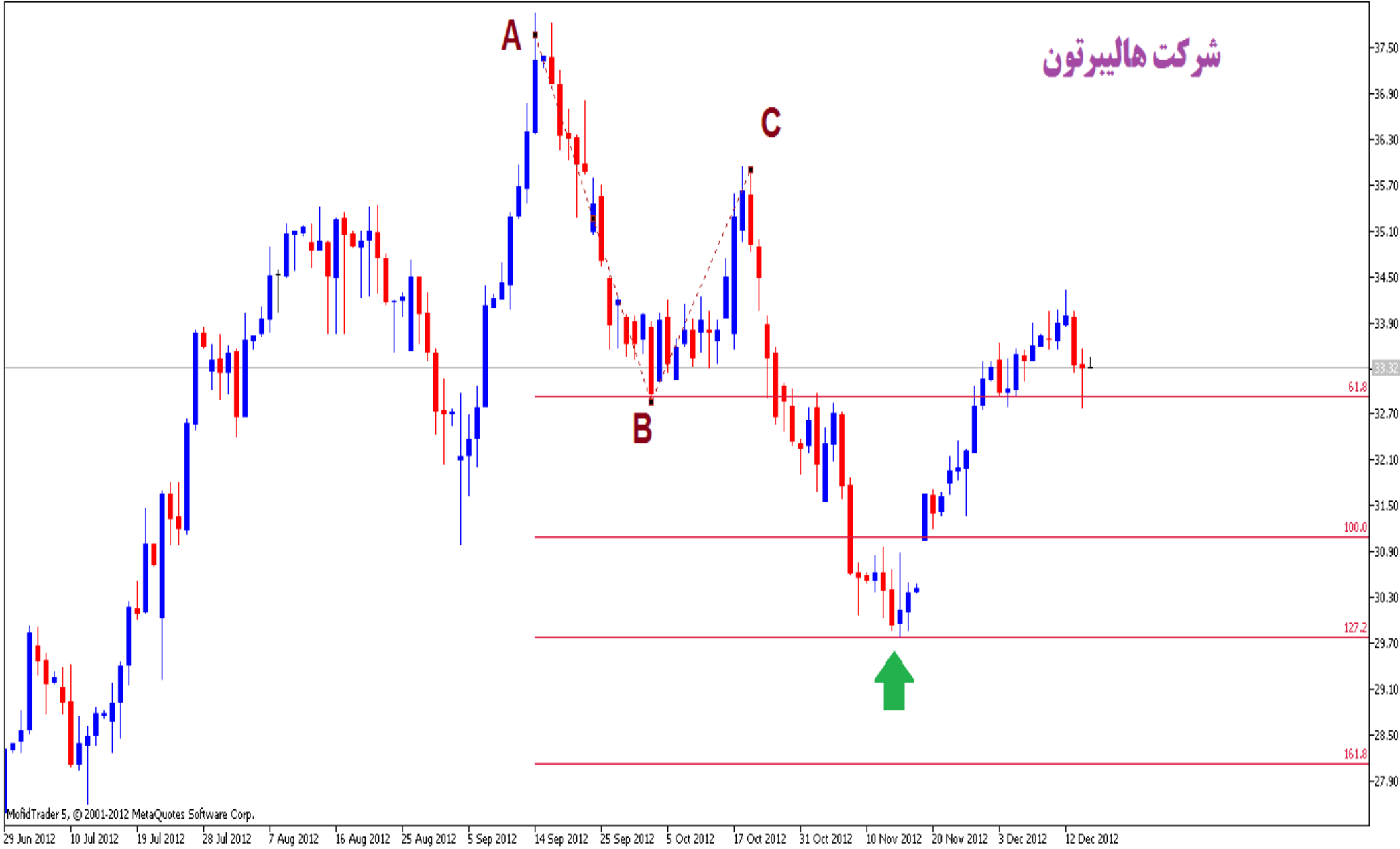
16 Apr 2012 29 Apr 2012 9 May 2012 21 May 2012 10 Jun 2012 23 Jun 2012 11 Jul 2012 4 Aug 2012 14 Aug 2012 2 Sep 2012 15 Sep 2012 25 Sep 2012 7 Oct 2012 17 Oct 2012 13 Nov 2012 27 Nov 2012 9 Dec 2012

فیوناچی Expansion بسیط و نحوه رسم

فیوناچی Expansion ابزاری مانند فیوناچی Extension می باشد و نقاط بازگشت بیش از ۱۰۰ درصد بازگشت هر موج را نمایش می دهد با این تفاوت که میزان بازگشت تصحیح قیمت در یک موج برای بدست آوردن نقاط بالای ۱۰۰ درصد آن روند اهمیت دارد.

برای استفاده از فیوناچی Expansion ابزار فیوناچی Expansion بسیط نرم افزار را انتخاب می کنیم سپس از یک بیشینه قیمت (در شکل زیر نقطه A) به کمترین قیمت آن روند (نقطه B) خط رسم می کنیم. نقطه سوم که میزان تصحیح قیمت در این روند نزولی می باشد را در نقطه C تعیین می کنیم. بعد از رسم صحیح فیوناچی Expansion انتظار خواهیم داشت قیمت از درصدهای ۶۱,۸, ۱۰۰, یا ۱۶۱,۸ و حتی ۲۶۱,۸ به **روند نزولی خاتمه دهد و روند صعودی پیدا کند**. به بیان دیگر این درصدها می تواند حمایتهایی برای بازگشت قیمت باشند. درصدهای ۶۱,۸, ۱۰۰, ۱۶۱,۸ و ۲۶۱ میزان ادامه روند نزولی می باشند که نقطه آغازین محاسبه آخرین نقطه تصحیح روند (نقطه C) می باشد. در شکل زیر دیده می شود بازار نسبت به نقاط (۶۱,۸ درصد, ۱۰۰ درصد و ۲۶۱ درصد) عکس العمل نشان داده است.

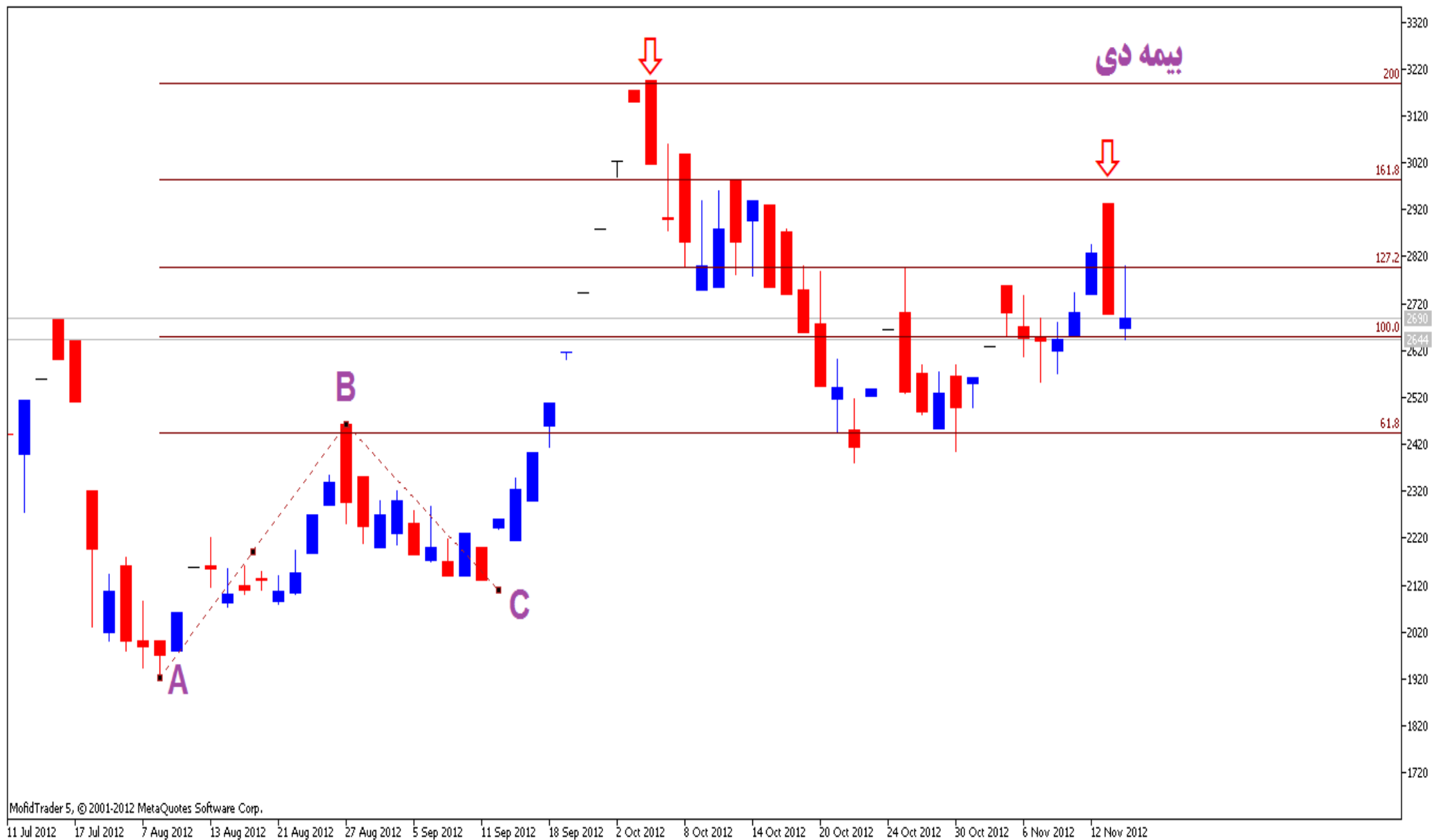
شرکت هالیرتون

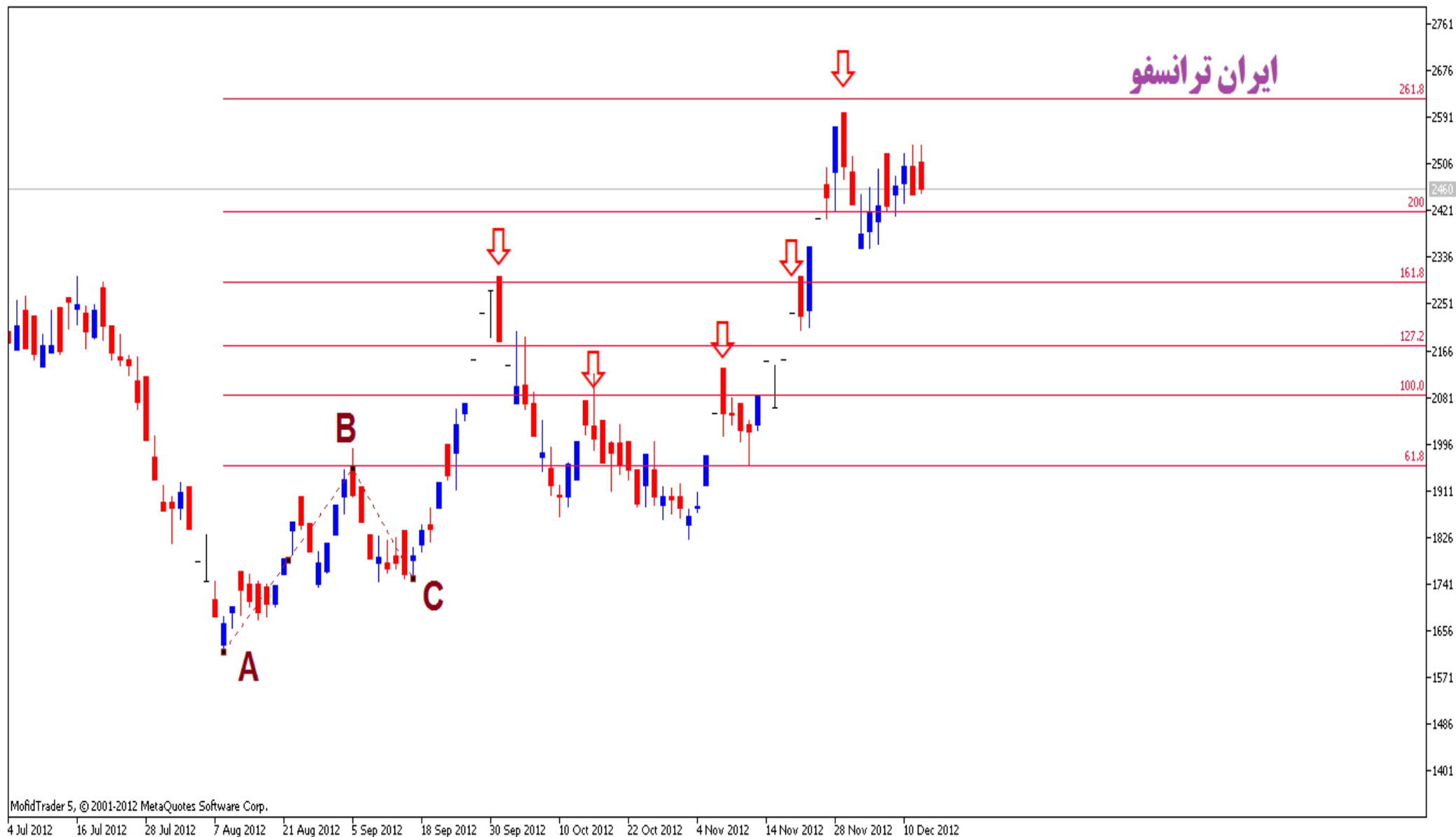




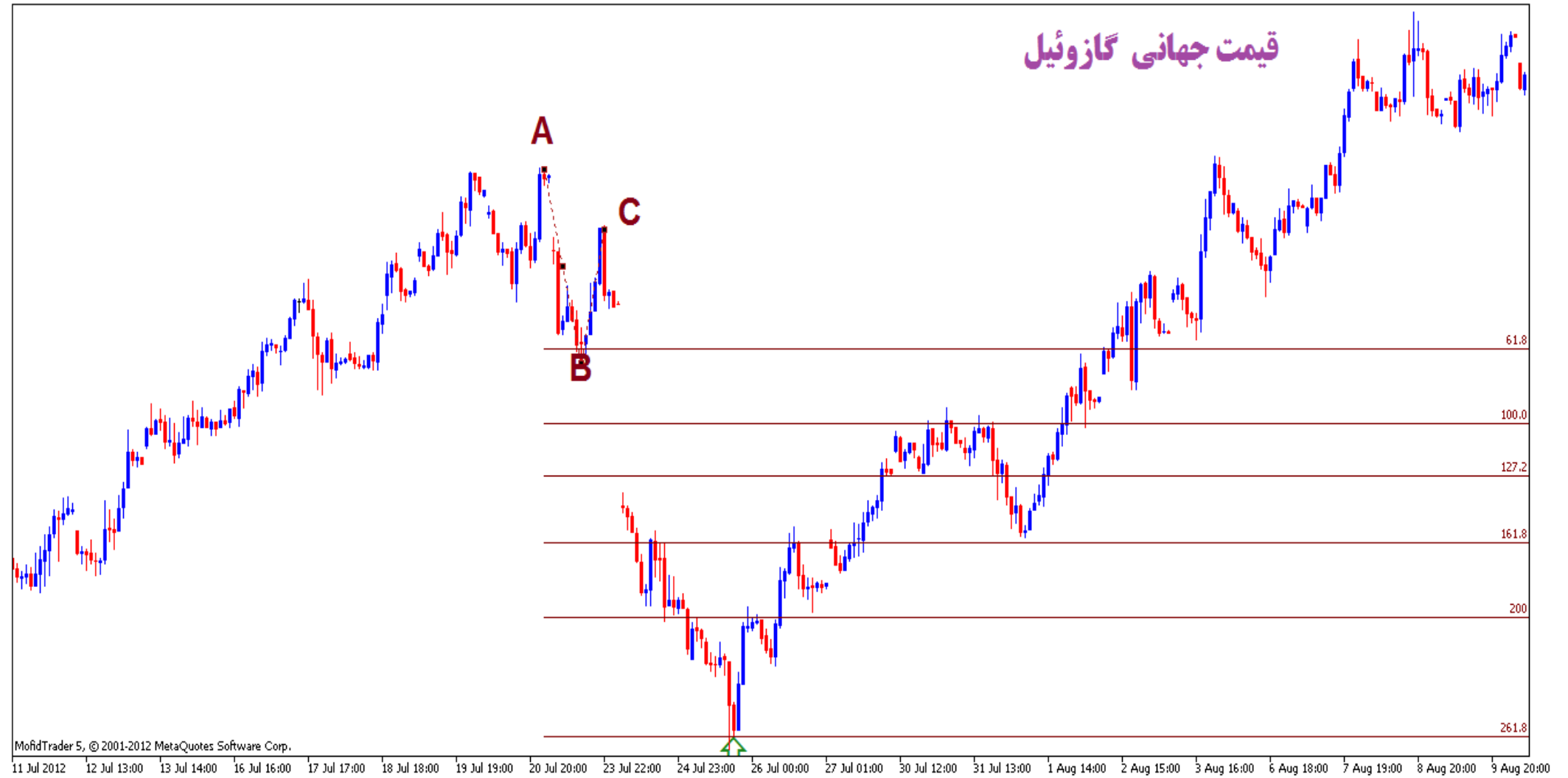
شایان ذکر است در یک روند صعودی این نقاط بصورت معکوس مورد استفاده قرار می گیرند تا نقاط مقاومت انتهایی یک روند صعودی محاسبه گردد.

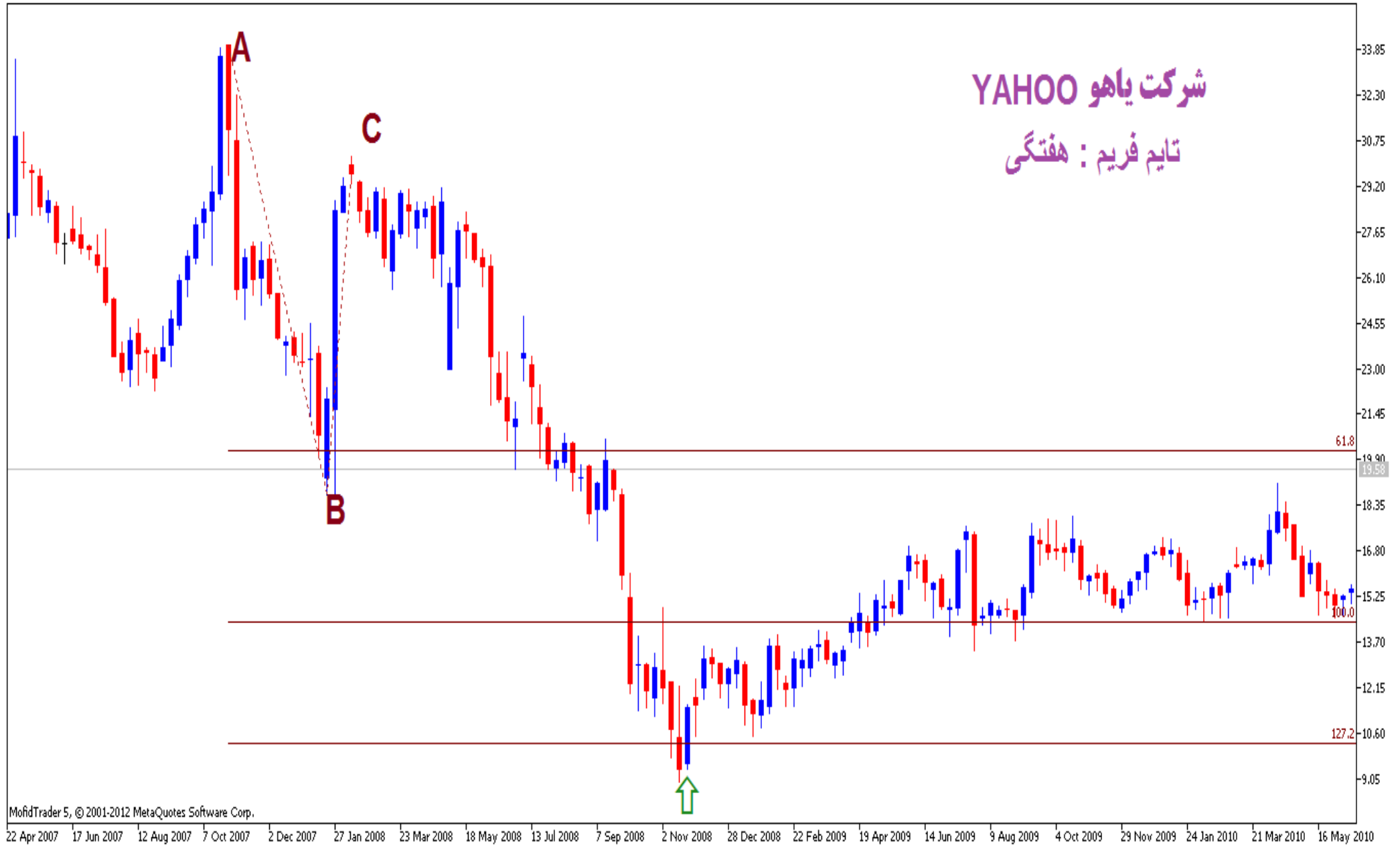
تحليل تکنیکال – Technical Analysis





قیمت جهانی گازوئیل





بادبزن فیوناچی Fibonacci Fan

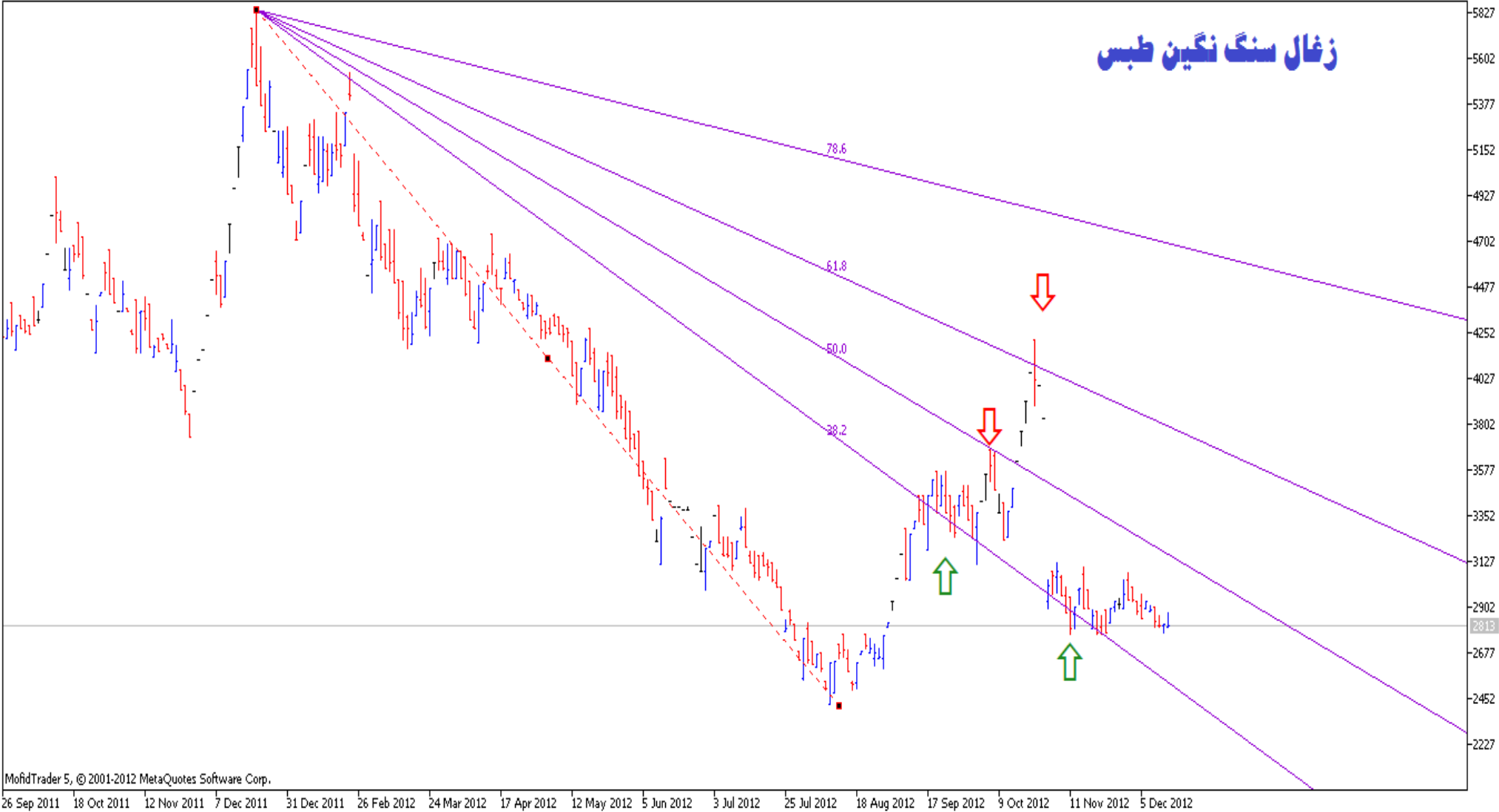
فیوناچی Fan ابزاری دیگر از گروه ابزارهای فیوناچی می باشد که بر اساس **زاویه روند غالب** نقاط بازگشت را از برخورد خطهای بادبزن (فن) با قیمت بدست می آورد. در این ابزار نیز درجه های (درصدهای) ۳۸,۲ , ۵۰ و ۶۱,۸ از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. بادبزن فیوناچی بوسیله کشیدن یک خط روند در حد فاصل دو نقطه دور از هم ترسیم می شود.

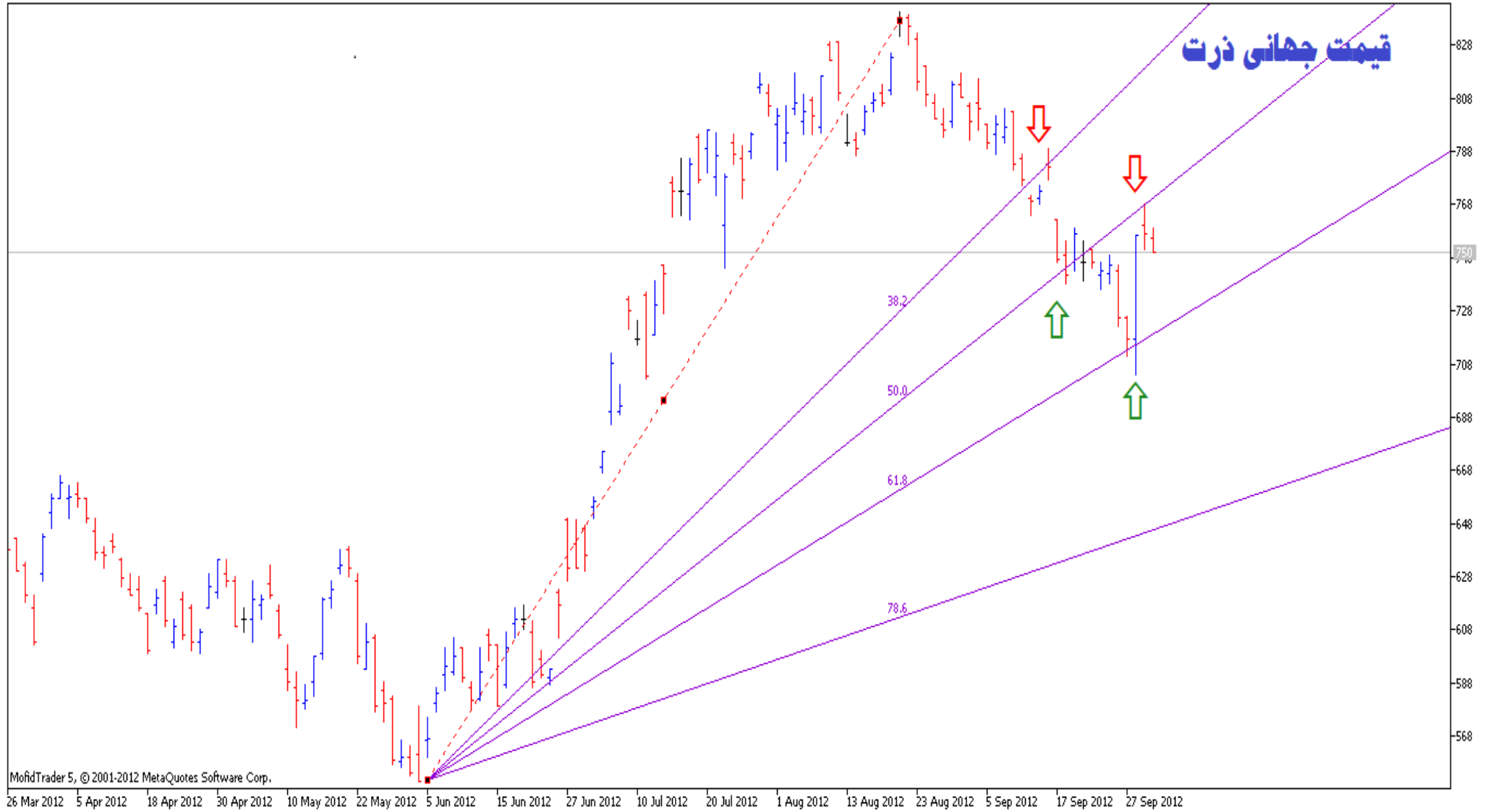




پتروشیمی خاړک



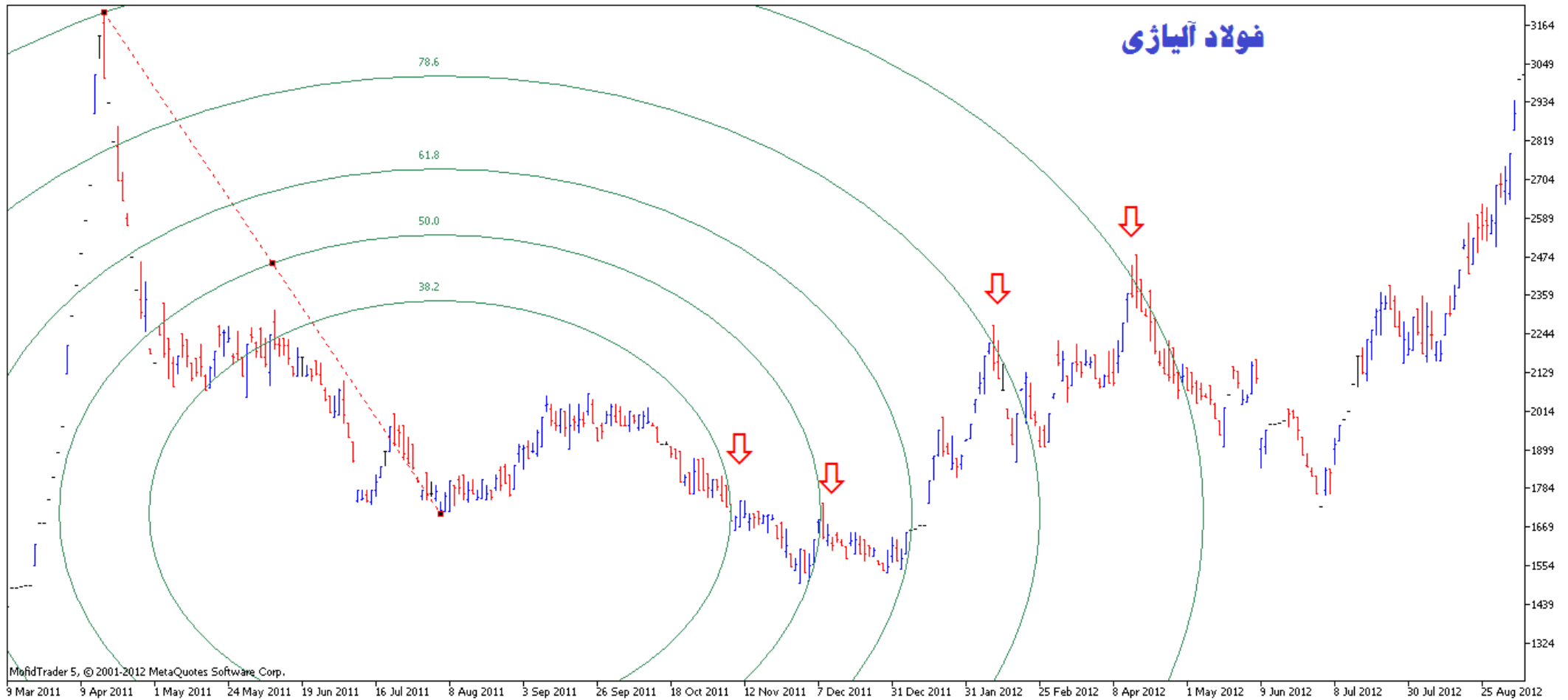




کمان فیوناچی Fibonacci Arcs

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

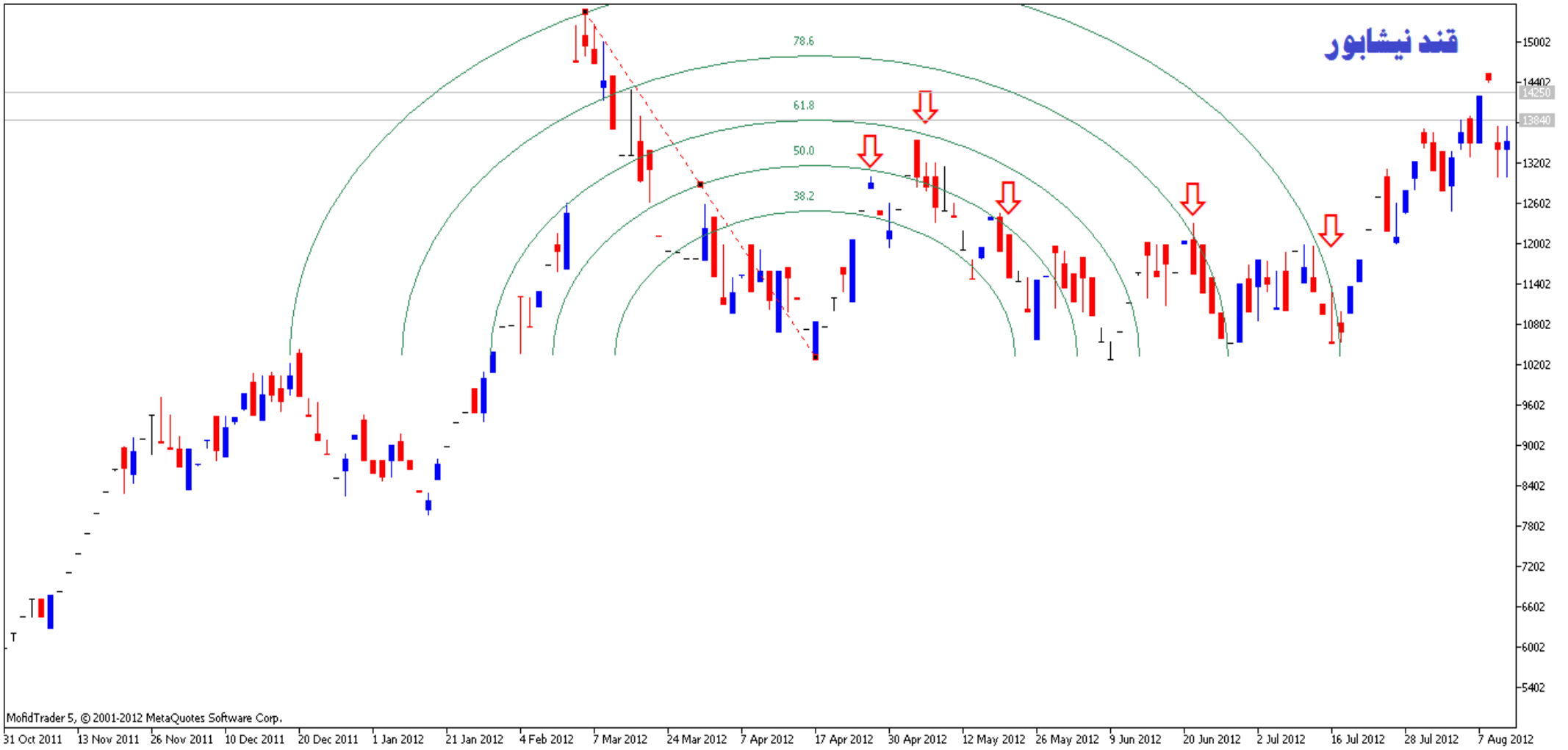
فیبوناچی Arcs ابزاری از گروه فیبوناچی‌ها می‌باشد که درصدهای تصحیح و بازگشت یک روند را بصورت کمائی نمایش نشان می‌دهد درصدهای عمومی مورد استفاده در این ابزار ۳۸,۲ ، ۵۰ و ۶۱,۸ درصد می‌باشند که کمان‌های برگشت قیمت را نسبت به یک روند صعودی یا نزولی نمایش می‌دهند.



شکل بالا نمونه استفاده از ابزار فیبوناچی آرک را نمایش می‌دهد درصدهای ۵۰ و ۶۱,۸ در شکل بالا برای روند تصحیح نزولی حکم مقاومت را ایفا کرده و باعث روند نزولی قیمت شده‌اند.

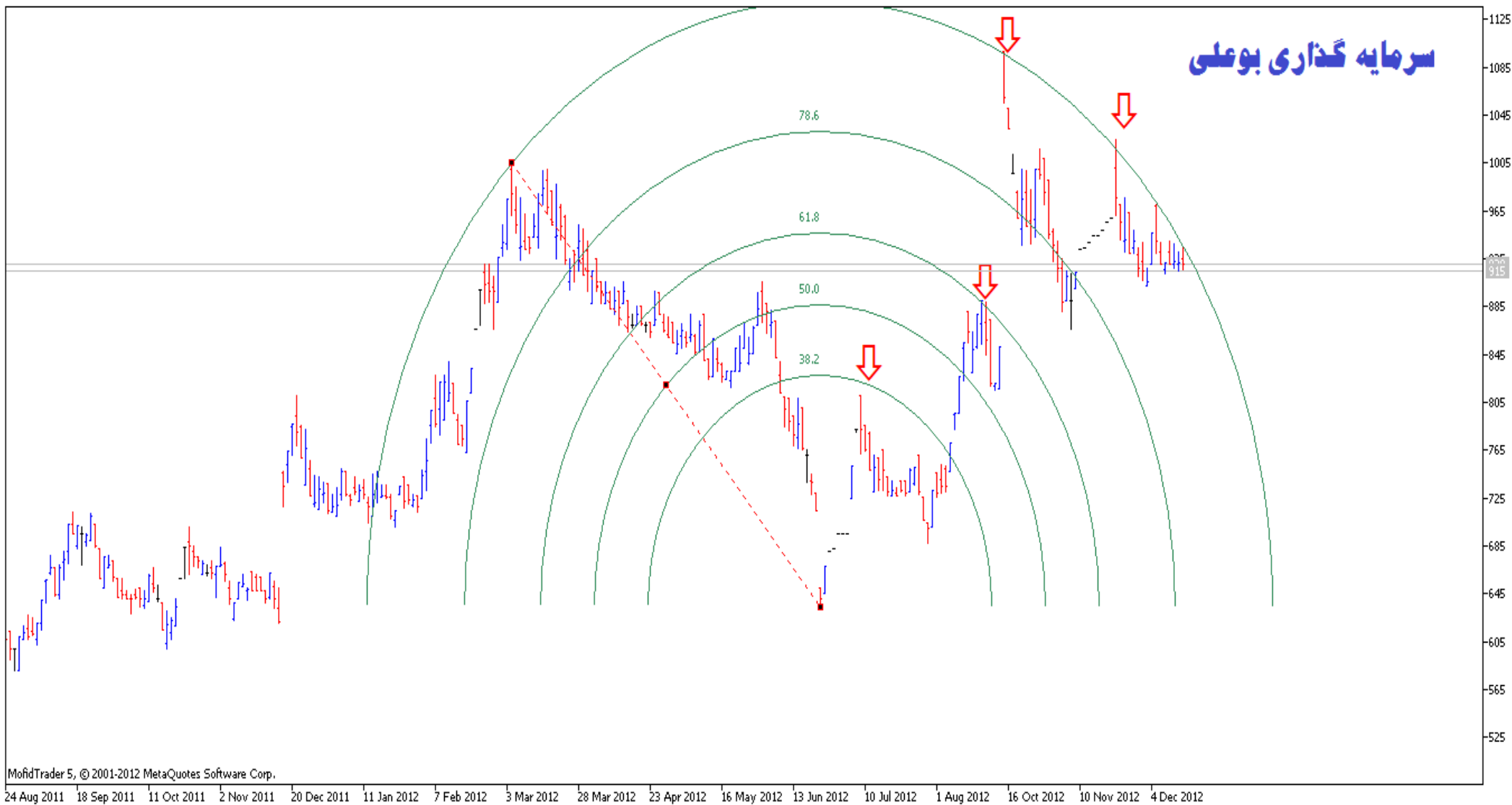
Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

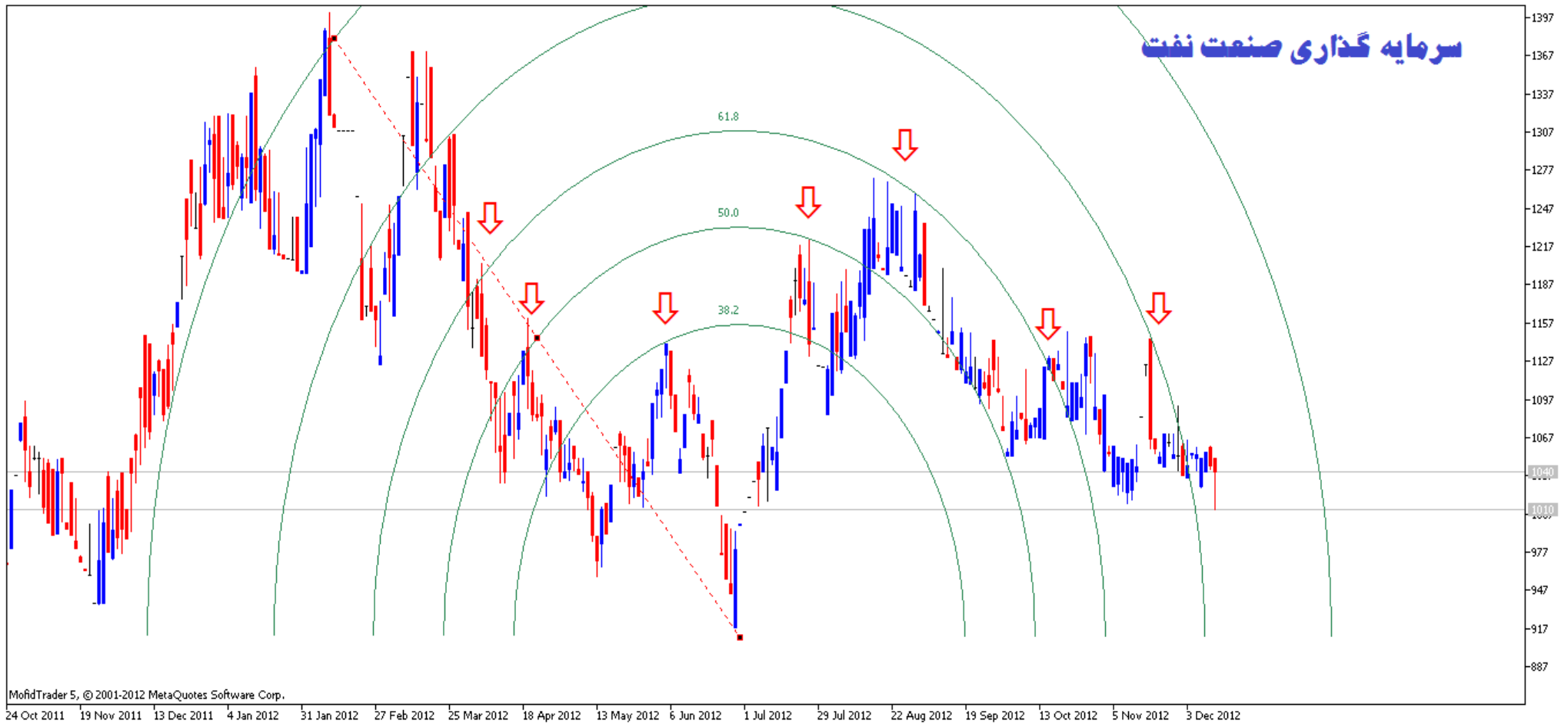
قند نیشابور



Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

سرمایه گذاری بوعلی

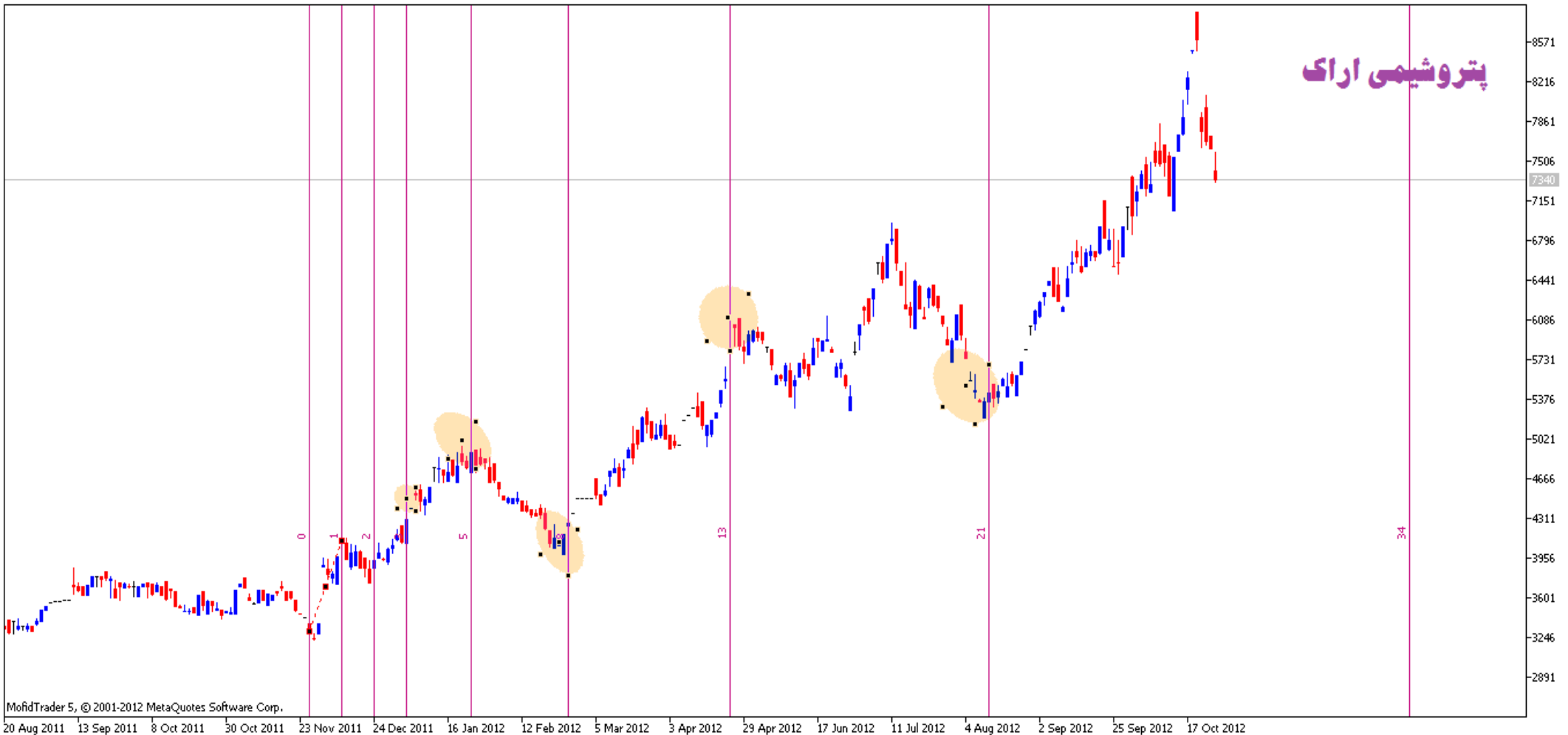




دوره‌های زمانی فیوناچی Fibonacci Time Zones

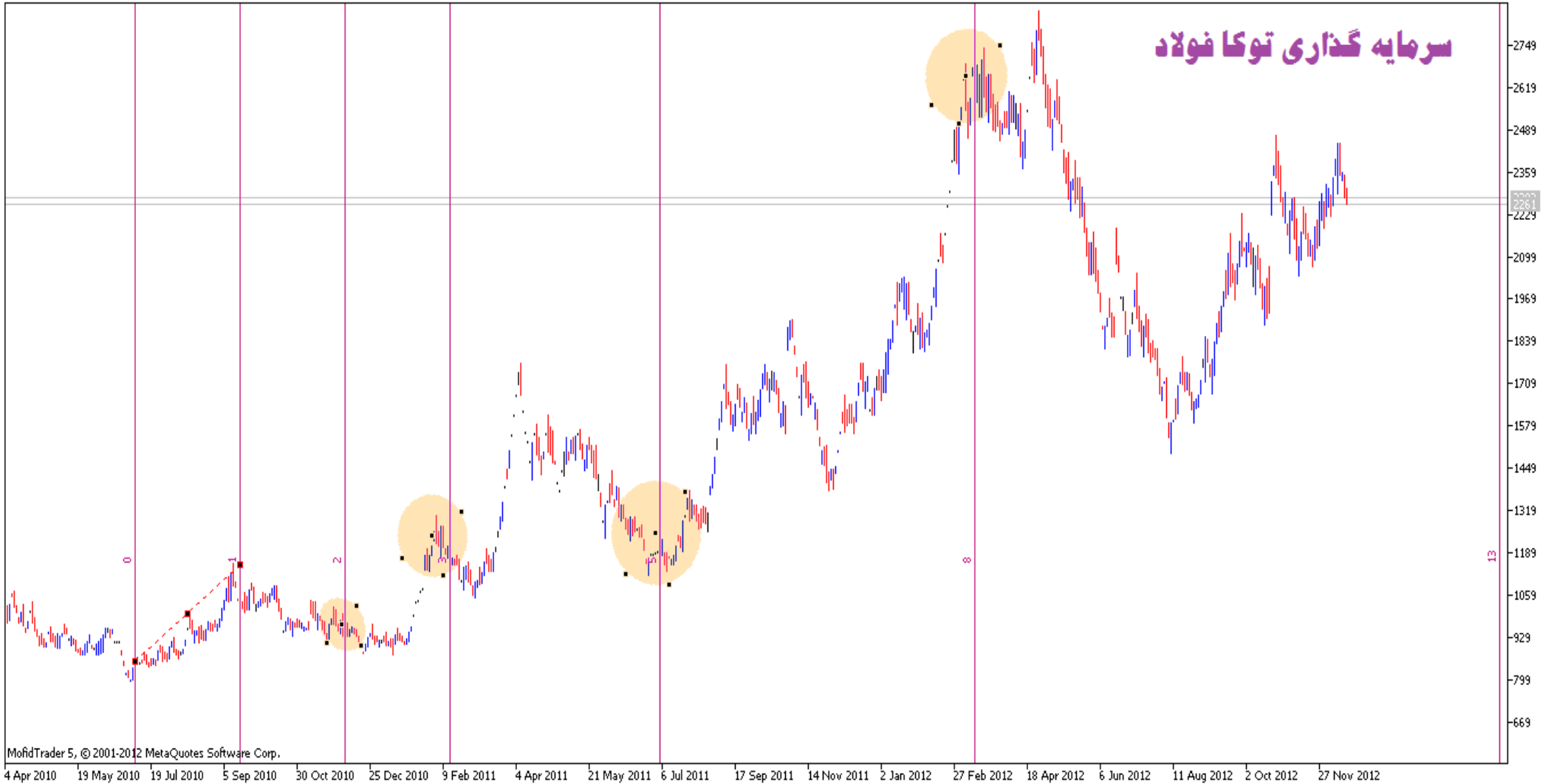
تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

فیبوناچی تایم یا فیبوناچی زمانی ابزاری است که نقاط بازگشت قیمت را بر اساس زمان تعیین می‌کند از این ابزار به دو روش استفاده می‌کنند. در روش اول فاصله زمانی دو قله را به عنوان صفر و یک محاسبه می‌کنند و در نقاطی که زمان به خطوط عمودی ۱-۲-۳-۵-۸ و الی آخر می‌رسد انتظار ریزش دوباره قیمت را دارند.



در روش دوم مانند مثال بالا، فاصله زمانی پایین‌ترین قیمت (Low) تا بالاترین قیمت (High) یک موج محاسبه می‌شود. سپس انتظار می‌رود در بازه‌های زمانی ۱-۲-۳-۵-۸ و الی آخر قیمت تغییر جهت بدهد و موج‌های جدید تشکیل شود.

سرمایه گذاری توکا فولاد

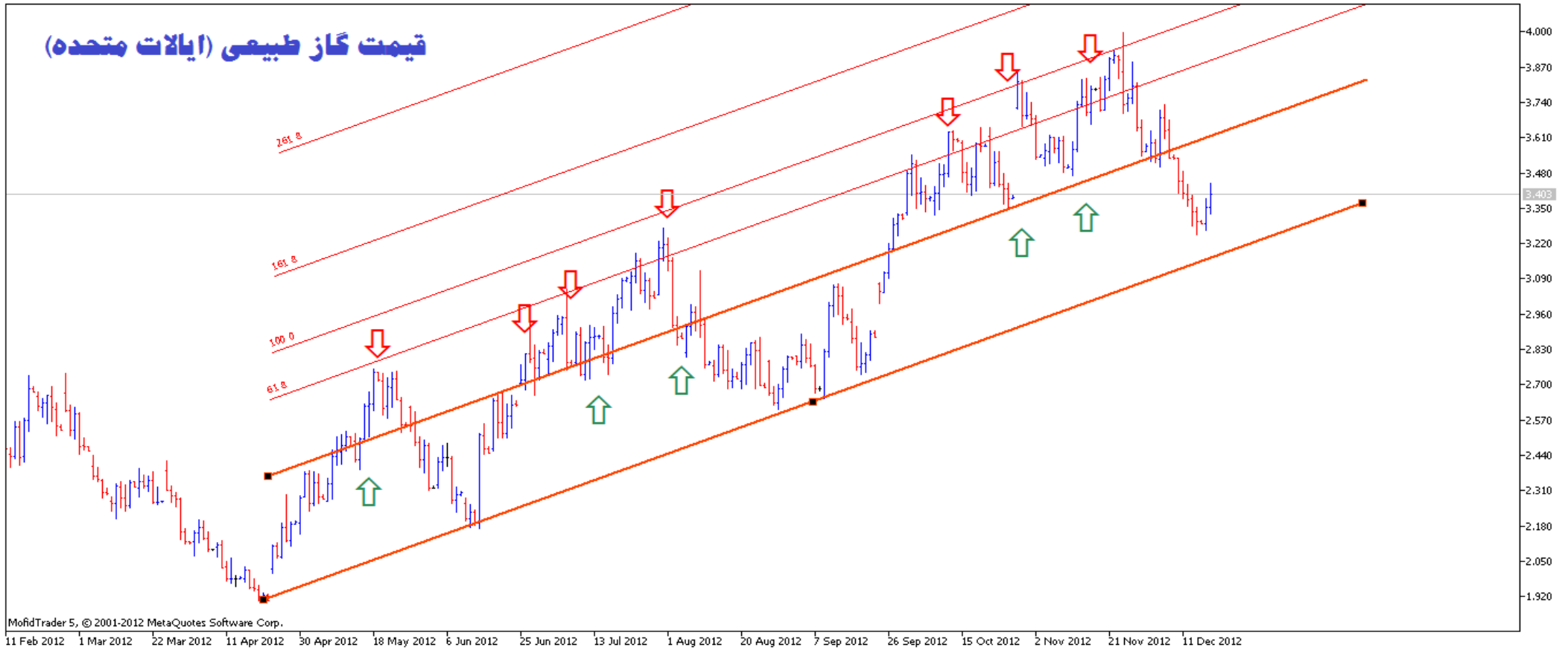


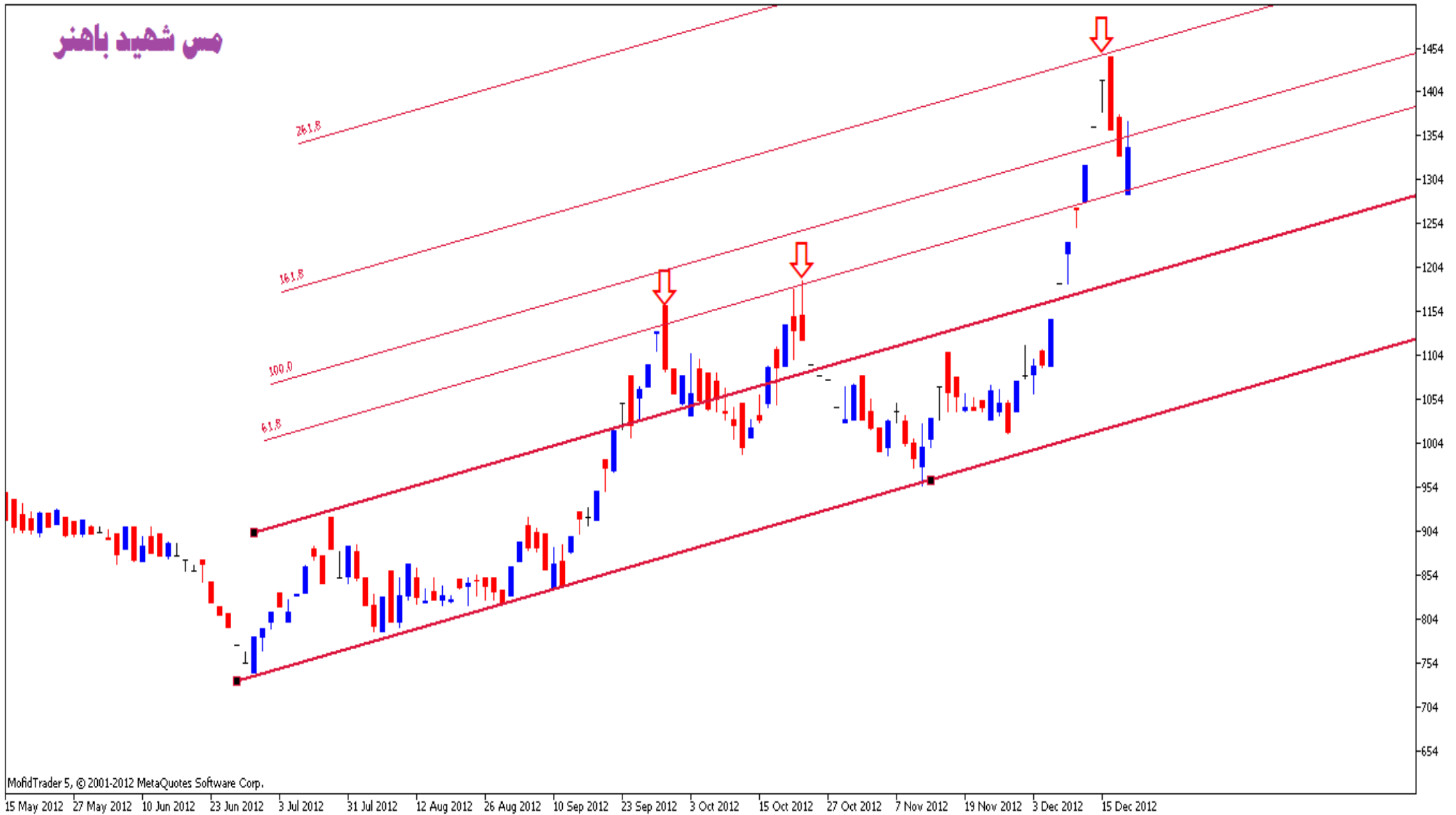
کانال فیوناچی Fibonacci Channel

کانال فیوناچی با استفاده از چندین خط موازی روند ساخته شده است. برای رسم این ابزار، کانال هم فاصله به عنوان یک عرض واحد استفاده می شود. پس از آن، خطوط موازی با خط کانال براساس اعداد فیوناچی (۶۱,۸، ۱۰۰، ۱۶۱,۸ و ۲۶۱,۸) کشیده می شود و کاربرد آن به منظور برآورد مناطق حمایت و مقاومت روند آینده ست.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

برای رسم این ابزار، فاصله دو خط موازی در کانالی که رسم می‌شود به عنوان واحد فرض می‌شود. در فاصله‌هایی که توسط نسبت فیبوناچی تعریف می‌شود، خطوط موازی این کانال رسم می‌شود. دو نقطه و مقدار عرض اولیه کانال برای کشیدن این ابزار رسم باید تنظیم شود.





کانال فیبوناچی باید در بازار دارای روند مورد استفاده قرار گیرد. این ابزار را می‌توان برای روندهای بلند مدت و کوتاه مدت، روندهای صعودی و نزولی به کار گرفت.

پتروشیمی خاکی



فصل ۵: آرایش‌ها و الگوها

پترن چارت یا همان الگوی قیمت عبارتست از **شکل هائی که به دلیل تکرار شکل گیری آنها** روی نمودار قیمت‌ها و به دنبال آنها حرکت قیمت در جهتی خاص پس از مشاهده این شکل‌ها (در بیش از ۵۰ درصد موارد)، به هنگام مشاهده شدن علامت یا همان سیگنالی به ما می‌دهند که حرکت قیمت در آینده با احتمال بیشتر از ۵۰ درصد می‌تواند در جهت بالا یا پائین باشد.

در شروع این بحث ما راجع به سه پیشفرض تحلیل فنی یا همان تحلیل تکنیکال صحبت داشتیم که اصل سوم آن این بود که گذشته خود را تکرار می‌کند. نظریه چارت پترن‌ها یا همان الگوهای قیمت بر اساس این فرض بنا شده است. بطور کلی این نظریه می‌گوید که اشکال یا الگوها و یا همان پترن‌های خاصی وجود دارند که به کرات در چارت و یا همان نمودار قیمت‌ها ظاهر می‌شوند و معمولاً با احتمال قابل توجهی پس از شکل گرفتن این الگوها روی چارت، حرکت قیمت در جهت خاصی خواهد بود چرا که در گذشته اکثراً چنین بوده است. به همین دلیل چارتیست‌ها همیشه روی چارت به دنبال این الگوها می‌گردند تا از این احتمالات نسبتاً بالا برای گرفتن پوزیشن‌های سود آور استفاده کنند. باید دقت داشته باشید که این احتمال یعنی حرکت قیمت در یک جهت معین پس از مشاهده یک الگوی معین **قطعی نیست** بلکه از احتمالی بالاتر از ۵۰ درصد برخوردار است و اینکه همیشه این الگوها کاملاً واضح نیستند و ممکن است فقط با دقت کردن بسیار بتوان آنها را دید که این حقیقت این تکنیک را بیشتر به یک هنر شبیه می‌سازد تا به یک علم.

الگوها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از الگوهای بازگشتی و یا همان ریورسال (Reversal) و الگوهای تمدید (Continuation). الگوهای بازگشتی شکل‌ها یا پترن‌های هستند که انتظار می‌رود پس از پایان شکل گیری کامل آنها **جهت حرکت قیمت عوض شود** و الگوهای تمدید عبارتند از شکل‌های که پس از کامل شدن آنها روی چارت **انتظار ادامه روند را بیشتر می‌توان داشت**. این الگوها یا همان پترن‌ها ممکن است روی هر چارتی با هر تایم فریم یا همان بازه زمانی مشاهده شوند. در اینجا چند تا از معروفترین الگوها را معرفی می‌کنیم.

الگوهای برگشتی روند

آرایش‌های برگشتی از تنوع زیادی برخوردارند. اما رایج‌ترین آنها عبارتند از :

- | | | | |
|---------------------------------------|------|---------------------------|------|
| آرایش سه قله (سقف سه قلو) | (۱۱) | آرایش سروشانه | (۱) |
| آرایش سه دره (کف سه قلو) | (۱۲) | آرایش سروشانه کف | (۲) |
| آرایش وی | (۱۳) | آرایش دو قله (سقف دو قلو) | (۳) |
| الماس | (۱۴) | آرایش دو دوره (دو کف) | (۴) |
| لوله فوقانی و لوله تحتانی | (۱۵) | جزیره یک روزه (فوقانی) | (۵) |
| جهش ناگهانی (دست انداز) و چرخش فوقانی | (۱۶) | جزیره یک روزه (تحتانی) | (۶) |
| دست انداز و چرخش تحتانی | (۱۷) | جزیره چند روزه (فوقانی) | (۷) |
| تخته شیرجه | (۱۸) | جزیره چندروزه (تحتانی) | (۸) |
| میخ تحتانی و میخ فوقانی | (۱۹) | شاخ فوقانی | (۹) |
| | | شاخ تحتانی | (۱۰) |

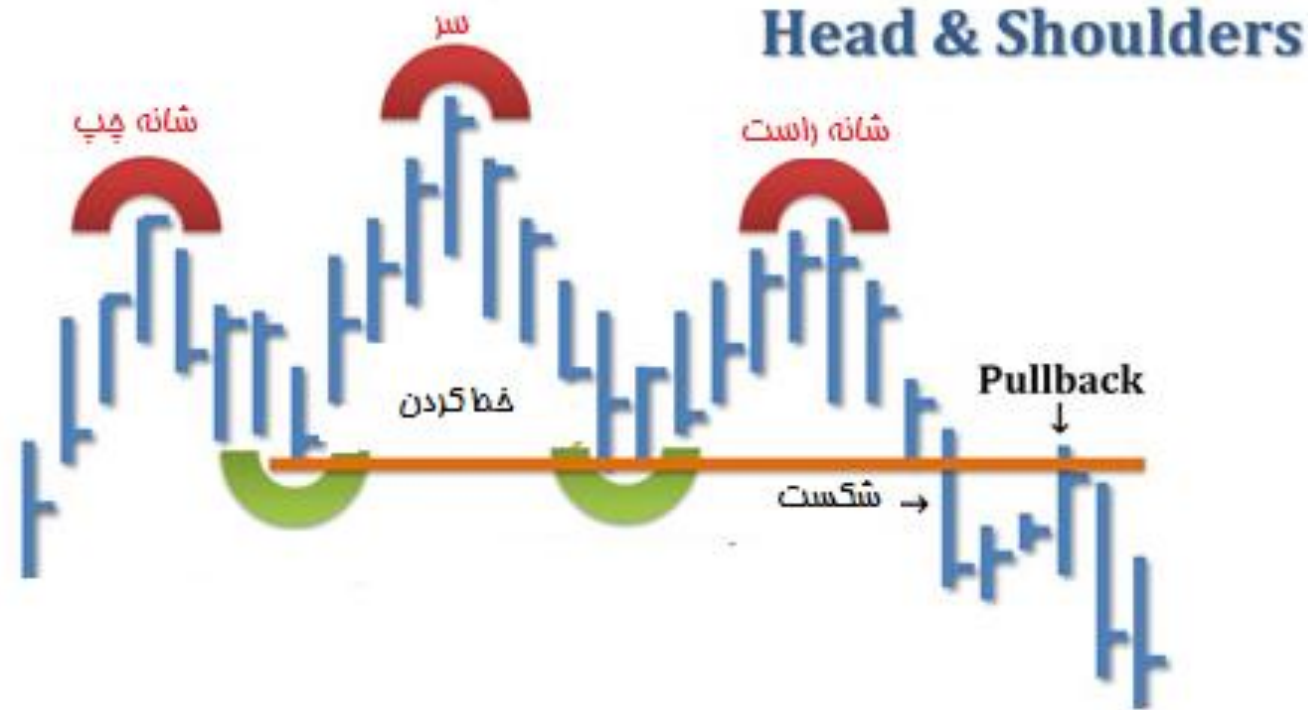
نکات اساسی مشترک در الگوهای برگشتی

۱. لازمه شروع هر الگوی برگشتی وجود یک روند اولیه می‌باشد.

۲. اولین افطار برگشت روند معمولاً زمانی داده می‌شود که یکی از خطوط روند شکسته شود.
۳. بزرگ بودن الگو نشان دهنده بزرگ‌تر بودن تمرکات بعد از آن می‌باشد.
۴. الگوهای سقف معمولاً دوره زمانی کوتاه‌تر و نوسان بلندتری نسبت به الگوهای کف دارند.
۵. کف‌ها معمولاً تغییرات قیمت کمتری دارند و زمان بیشتری برای تشکیل شدن صرف می‌کنند.
۶. حجم معمولاً در نقاط سقف اهمیت فوق العاده ای دارد.
۷. برای تأیید الگوها اندیکاتورها از اهمیت بسزایی برخوردار هستند.

مهم‌ترین شرط ایجاد الگوی برگشتی وجود یک روند اولیه می‌باشد (یعنی باید اول روند کلی شناسایی شود که صعودی است یا نزولی که بر طبق آن می‌توان گفت الگوی برگشتی سقف اتفاق افتاده یا کف) اگر یک روند اولیه دیده نشد مسلماً چیزی برای بازگشت وجود ندارد. باید مکانهایی که مستعد الگویی برگشتی هستند را شناسایی کرد (در بحث امواج الیوت خواهید دید که امواج اصلاحی مستعد تشکیل این الگوها هستند) اولین علامت مهم و جدی برای ایجاد الگوی برگشتی واگرایی بین قیمت و اندیکاتور است و بعد از آن شکسته شدن یکی از خطوط روند مهم این اخطار را صادر می‌کند. شکسته شدن خطوط روند الزاماً به معنای شروع روند برگشتی نیست بلکه چیزی که اخطار داده شده تغییر در روند است) نکته: شکسته شدن خط روند ممکن است اخطار شروع الگوی جانبی باشد که ممکن است بعدها به عنوان نوع برگشتی یا تحکیمی قیمت شناخته شود. نکته: برخی اوقات شکسته شدن خط روند همزمان می‌شود با به انتها رسیدن الگوی قیمت. هر چقدر الگو بزرگتر باشد (از نظر ارتفاع و پهنا) و در زمان طولانی‌تری ساخته شد (چه از نظر تایم فریم و چه از نظر مدت زمان) اعتبار آن بالاتر می‌رود. الگوهای برگشتی در سقف‌ها معمولاً در مدت زمانی کمتری تشکیل می‌شوند و نوسانات شدیدتری می‌کنند اما الگوهای برگشتی کف معمولاً در مدت زمان کوتاه‌تر همراه با نوسانات کمتر تشکیل می‌شوند.

الگوی سر و شانه Head and Shoulders



الگوی سر و شانه یا همان Head and Shoulder یکی از معروفترین الگوهای کلاسیک در بازارهای سرمایه می‌باشد. الگوی سر و شانه یکی از قابل اعتمادترین و مشهورترین اشکال نموداری است و بسیاری از معامله‌گران با آن مانوس هستند. این الگو در انتهای یک روند رخ می‌دهد و روند صعودی را به نزولی و روند نزولی را به صعودی تبدیل می‌کند. الگوی سر و شانه مهمترین و پرکاربردترین الگوی برگشتی (Reversal) است. سایر الگوهای برگشتی حالت خاصی از این الگو هستند.

این الگو خود بر دو قسم است: سر و شانه سقف، سر و شانه کف

الگوی سر و شانه سقف در انتهای یک روند صعودی و الگوی سر و شانه کف در انتهای یک روند نزولی تشکیل می‌شود.
اجزای این الگو عبارتند از:

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

۱ – شانه چپ Left Shoulder

۲ – سر Head

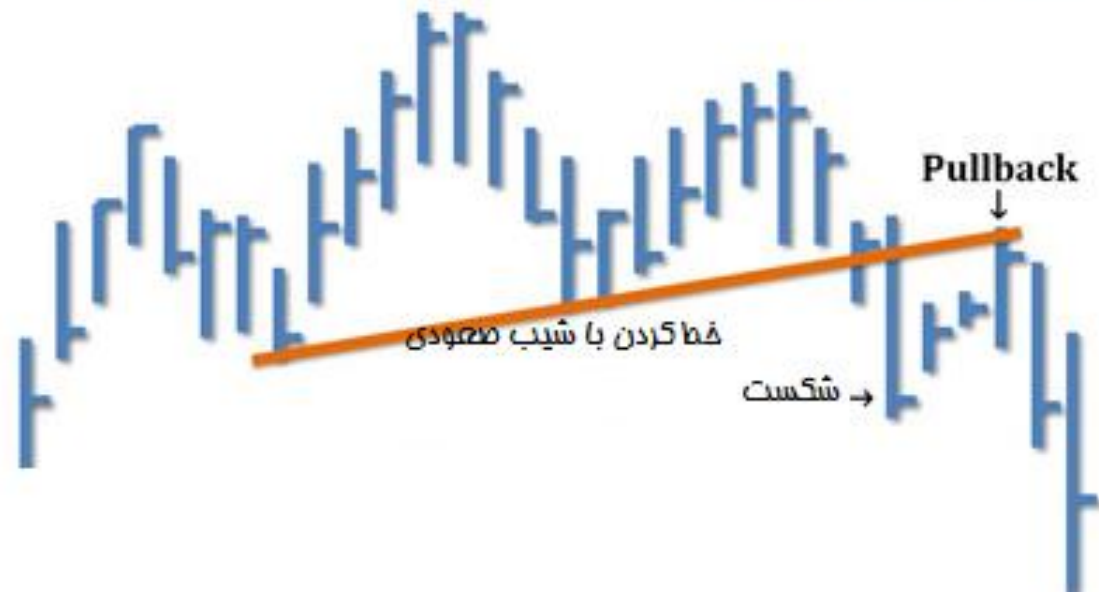
۳ – شانه راست Right Shoulder

۴ – خط گردن Nicke Line

همانطور که در نمودار می‌بینید اولین نشانه ایجاد این الگو با شکسته شدن خط روند صعودی به وجود می‌آید. قیمت‌ها در یک روند به سمت بالا از سطح مقاومت گذشته است. قیمت‌ها در خط گردن به سطح مقاومت نفوذ کرده و به سمت بالا رفته است. این سطح در مرحله بعدی تبدیل به حمایت شده است. شانه چپ هنگامی که قیمت‌ها به در نقطه B به سطح حمایت برخورد می‌کند شکل می‌گیرد. پس از به وجود آمدن یک قله قیمت‌ها خط روند را در کانال صعودی شکسته و در شرایط عادی سطح قیمت‌ها به حمایت قبلی خود باز می‌گردد. در این حالت وقتی که قیمت‌ها افت می‌کنند شکست سطح حمایت تأیید می‌شود.

الگوی سر و شانه مشتمل بر سه موج پشت سر هم می‌باشد. موج اول و سوم که شانه‌ها را شکل می‌دهد، تقریباً بلندی یکسانی دارند. سر در این الگو توسط موج میانی ایجاد می‌گردد و بلندتر از شانه‌ها می‌باشد. در این الگو هر سه موج از خط حمایتی پیروی می‌کنند که این سطح به عنوان خط گردن معروف شده است. در آرایش سر و شانه کف این سه موج از یک خط مقاومت تبعیت می‌کنند.

Head & Shoulders



خط کشیده شده بین دو حفره قیمت خط گردن نام دارد. توجه نمائید همیشه الگوی سر و شانه به صورت افقی رخ نمی دهد و در اکثر مواقع دارای شیب صعودی است. خط گردن رو به پایین بسیار نادر است.

علائم ساخته شده توسط الگوی سر و شانه

خط حمایت با توجه به نقطه B و D قابل شناسایی است. این سطح خط گردن را به نمایش می گذارد. خط مقاومتی که فشار خرید را کنترل می کند. معمولاً بازار پس از شکست سطح حمایت ، خط گردن را دوباره آزمایش می کند. جهت روند و قیمتتها توسط این الگو مشخص می شود. اگر خط گردن فشار خرید را در نقطه برخورد دوباره متوقف سازد ، آنگاه الگوی سر و شانه اطلاعاتی راجع به جهت قیمت فراهم می کند.

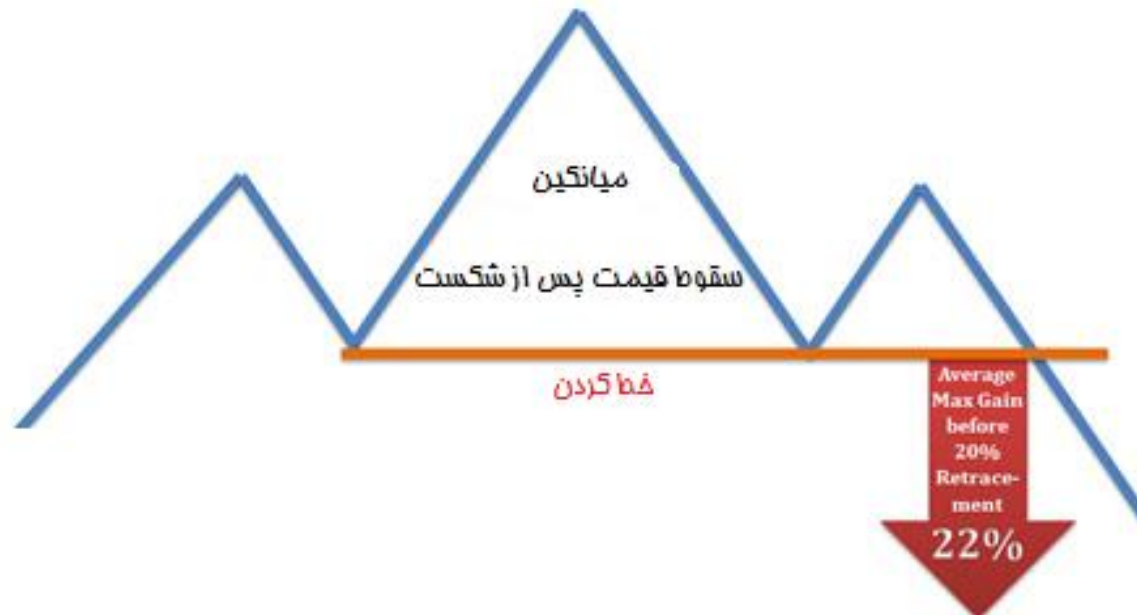
تحليل تکنیکال – Technical Analysis

هدف قیمت از بدست آوردن فاصله سر تا خط گردن قابل محاسبه است(به صورت خط چین و فلش در نمودار بالا). به عنوان تأیید این الگو نیاز است که قیمتها تحت حجم معاملات بالا به خط گردن نفوذ نماید.
بنابراین فروض اصلی در توسعه این الگو این است که در هنگام شکست خط گردن حجم معاملات بسیار زیاد است و فروشهای زیادی انجام می گیرد.



پلايش نفت اصفهان

Head & Shoulders



شکستن قیمت از طریق خط گردن سیگنال فروش صادر می‌کند زیرا هشدار می‌دهد خطر شکست بزرگی در راه است.

هدف قیمت الگوی سر و شانه: قیمت نقطه شکست – ((قیمت اوج نقطه سر – قیمت خط گردن) * ۵۵٪)

دوره زمانی در آرایش سر و شانه

چارچوب زمانی الگوی سر و شانه می‌تواند از چند هفته تا چند ماه را پوشش دهد. هر چه زمان این الگو طولانی‌تر باشد این الگو دقیق‌تر است. اما هدف قیمتی به احتمال زیاد در کوتاه مدت بدست نمی‌آید. موقعی که برای رسیدن به هدف زمانی با مشکل مواجه می‌شویم، اجماع عمومی بر این است که طول مدت گسترش یافتن این الگو با دوه زمانی آن ارتباط خواهد داشت. بایستی تاکید کرد که اندازه گیری هدف از نقطه‌ای که خط گردن شکسته می‌شود بسیار مهم است. بسیاری از الگوهای سروشانه ظاهر متفاوتی با نمودار بالا دارند. حالت واقعی قیمت‌ها به اندازه کافی نرمال و متقارن نیستند و آرایش سر و شانه گاهی اوقات وضوح نخواهد داشت. همین‌طور توجه داشته باشید خط گردن به ندرت افقی خواهد بود.

نقطه نظرات داد و ستد

اصولاً معامله‌گران از انواع مختلف نمودارها براساس چارچوب زمانی متفاوت استفاده می‌کنند. لازم است تاکید کنیم که برای تأیید الگو قیمت پایانی بایستی نقاطی خارج از گردن را بوجد آورند. پیشنهاد می‌شود که در این صورت از نمودار شمعی یا میله‌ای استفاده شود. در آرایش سر و شانه بسیاری از معامله‌گران مترصد عبور قیمت‌ها از خط گردن خواهند بود، اما گزارشات قیمتی معمولاً بسیار گسترده‌اند و هر وقفه در آن امکان بازگشت دوباره قیمت‌ها را مشکل می‌کند، و در این شرایط امکان دارد بازار خط گردن را آزمون کند. الگوی سر و شانه همواره به صورت یک آرایش منظم و متقارن شکل نمی‌گیرد. به نکات زیر توجه کنید:

نکته ۱: حجم معاملات در این الگو رفته رفته کمتر می‌شود یعنی حجم معاملات در شانه چپ بیشتر از سر است و در قسمت سر بیشتر از شانه راست است.

نکته ۲: هنگام شکست خط گردن حجم معاملات به طرز محسوسی با افزایش همراه است.

نکته ۳: در صورتی که حجم معاملات به هنگام شکست خط گردن بسیار بالا باشد معمولاً حرکت برگشتی به خط G انجام نمی‌شود.

نکته ۴: بیشتر اوقات شیب خط گردن صفر می‌باشد (یا نزدیک صفر)، اگر این شیب مثبت باشد نشان از قدرت روند صعودی است و در مواقعی نادر این شیب می‌تواند منفی باشد.

نکته ۵: الگوی سر و شانه اکثراً با واگرایی بین قیمت و حجم تأیید می‌شود.

به یاد داشته باشیم تا زمانی که خط گردن شکسته نشده و قیمت در آن نفوذ نکرده الگو کامل نشده است.

امتیاز دهی به الگوی سقف سرو شانه:

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

رتبه عملکرد: ۱ از ۲۱ (۱ بهترین نمره است)

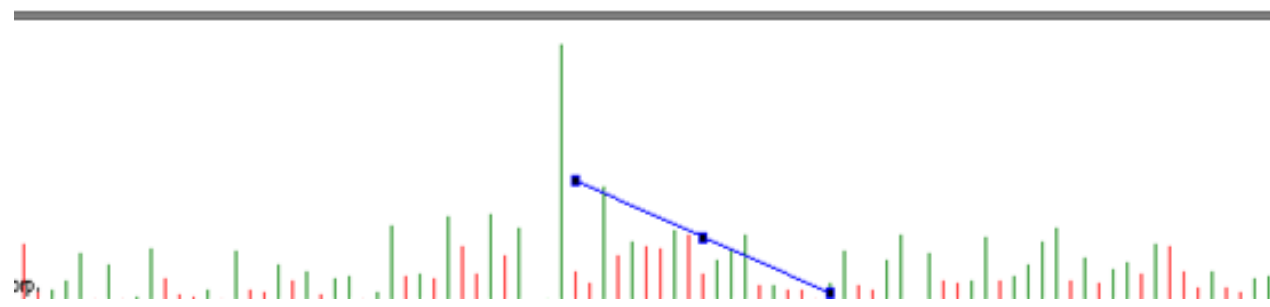
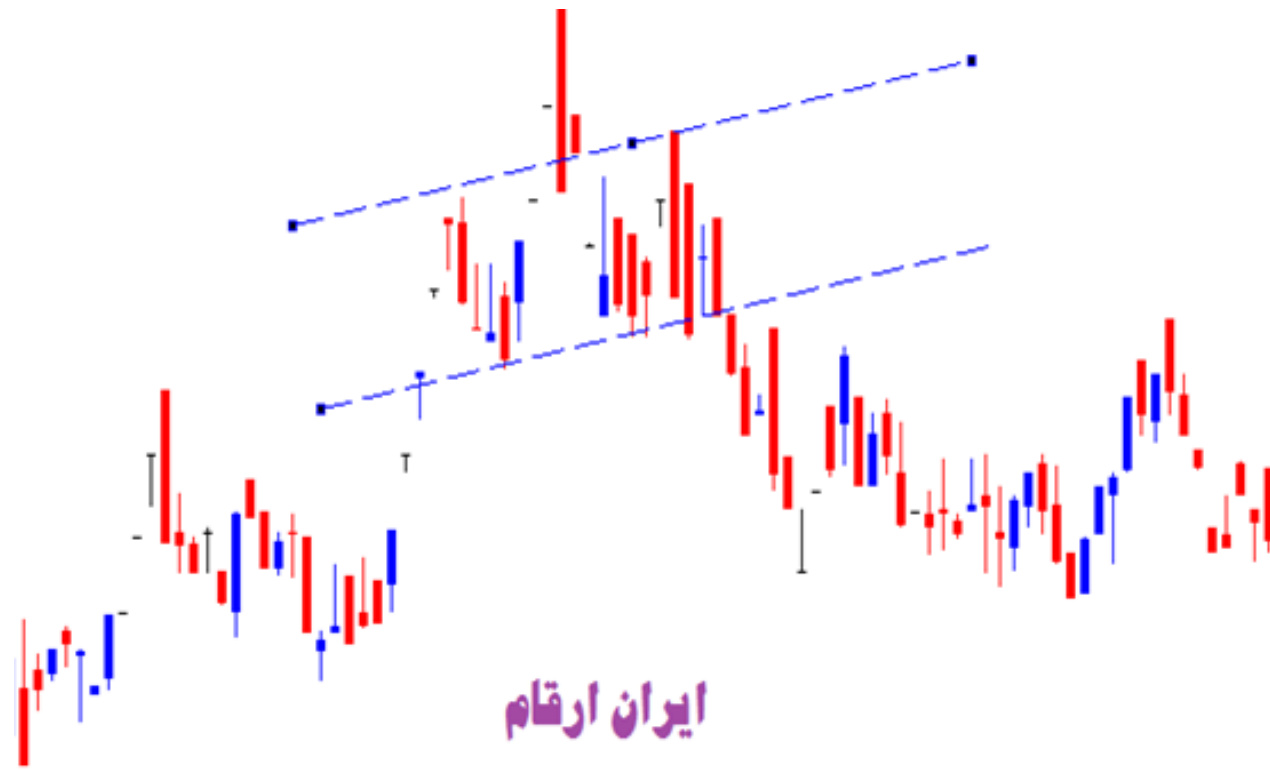
عدم موفقیت: ۴%

میانگین کاهش: ۲۲%

pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت) : ۵۰%

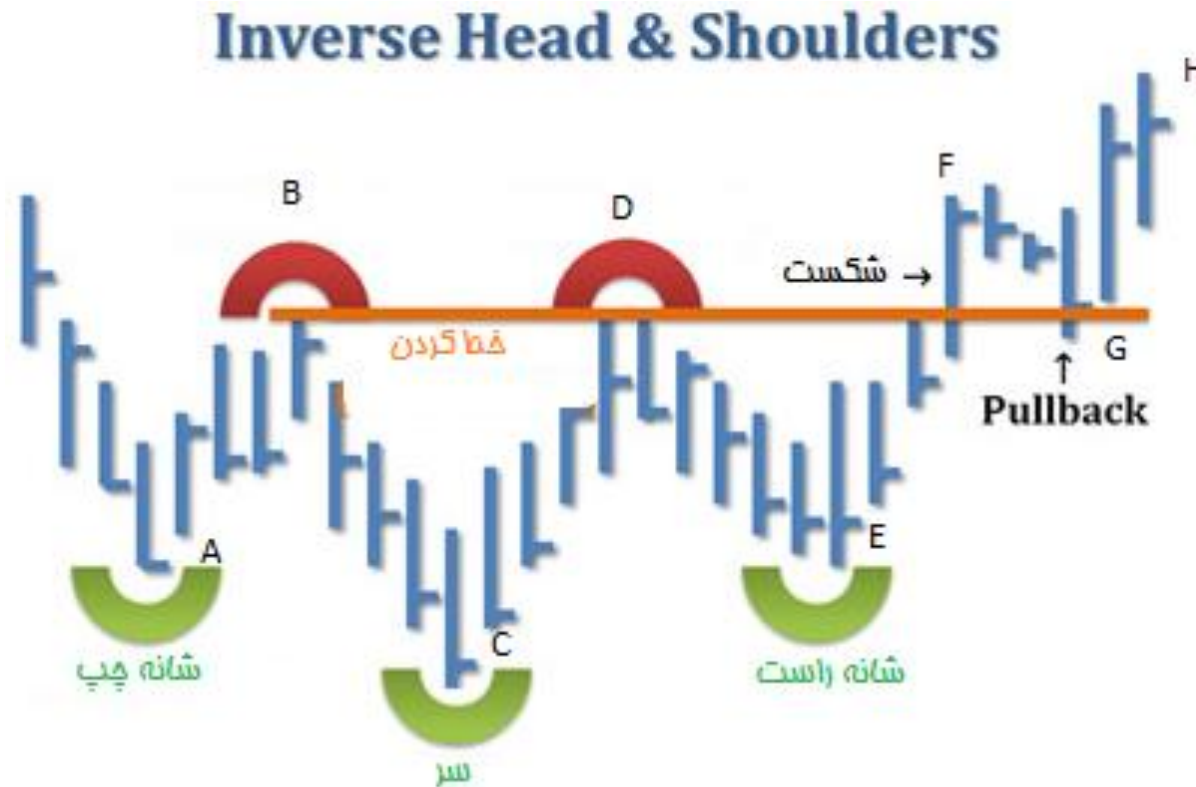
درصد دستیابی به هدف قیمتی: ۵۵%

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|--|
| روند قیمت‌ها | قبل از الگو صعودی ، پس از آن نزولی |
| شکل | شبه سر و شانه انسان |
| تقارن | ارتفاع شانه‌ها با هم برابر باشد |
| حجم معاملات | در شانه چپ بالاست پس از آن در ۶۳٪ مواقع کاهشی می‌شود |





آرایش سر و شانه کف و Head-and-Shoulders Bottoms



آرایش سر و شانه کف یک تصویر درون آینه از الگوی پیشین است. به نمودار بالا توجه کنید. پیش از آنکه قیمت‌ها از نقطه A عبور کند، سطح حمایت در برابر قیمت‌ها خود نمایی می‌کند. زمانی که این سطح شکسته شود، آن خط به یک خط مقاومت مهم و قوی تبدیل می‌شود. اما در طول زمان قیمت دوباره به سوی خط مقاومت پرش می‌کند. سطح حمایت پیشین و سطح مقاومت جدید به عنوان خط گردن در اینجا مطرح می‌شود. قیمت‌ها دوباره نقاط B و C به سوی خط گردن هجوم می‌آورند، اما حرکت آنها با برخورد با این سطح متوقف می‌شود. در نتیجه با تلاش خریداران خط گردن شکسته شده و این بار قیمت‌ها با حجم معاملات بالا از سطح مقاومت عبور می‌کند. پس از عبور قیمت از خط گردن، اکنون

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

این سطح نقش حمایت را ایفا می‌کند. اگر خط حمایت در برابر فشار فروشندگی و آزمون بازار دوام آورد، انتظار می‌رود که قیمت‌ها در نهایت به نقطه D بالا بروند که هدف قیمتی آرایش سر و شانه به شما می‌آید. هدف قیمتی احتمالاً با فاصله بین بالای سر و خط گردن است و از نقطه شکسته شدن خط گردن در نقطه مقاومت محاسبه می‌شود.



در الگوی سر و شانه کف هر چه از چپ به راست بیابیم حجم معاملات بیشتر می‌شود. یعنی حجم شانه راست بیشتر از حجم سر و حجم قسمت سر هم بیشتر از شانه چپ است. تکنیک محاسبه هدف کلاسیک قیمت همانند الگوی سر و شانه سقف است. یعنی فاصله عمودی سر از خط گردن را محاسبه می‌کنیم و از نقطه شکست به قیمت اضافه می‌کنیم.



شکستن قیمت از طریق خط گردن سیگنال فروش صادر می کند زیرا هشدار می دهد خطر شکست بزرگی در راه است.

هدف قیمت سر و شانه کف : قیمت نقطه شکست + ((قیمت خط گردن - پایین ترین قیمت سر) * ۷۴٪)





تحليل تکنیکال – Technical Analysis

امتیاز دهی به الگوی سقف سرو شانه کف :

رتبه عملکرد: ۷ از ۲۳ (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت: ۳%

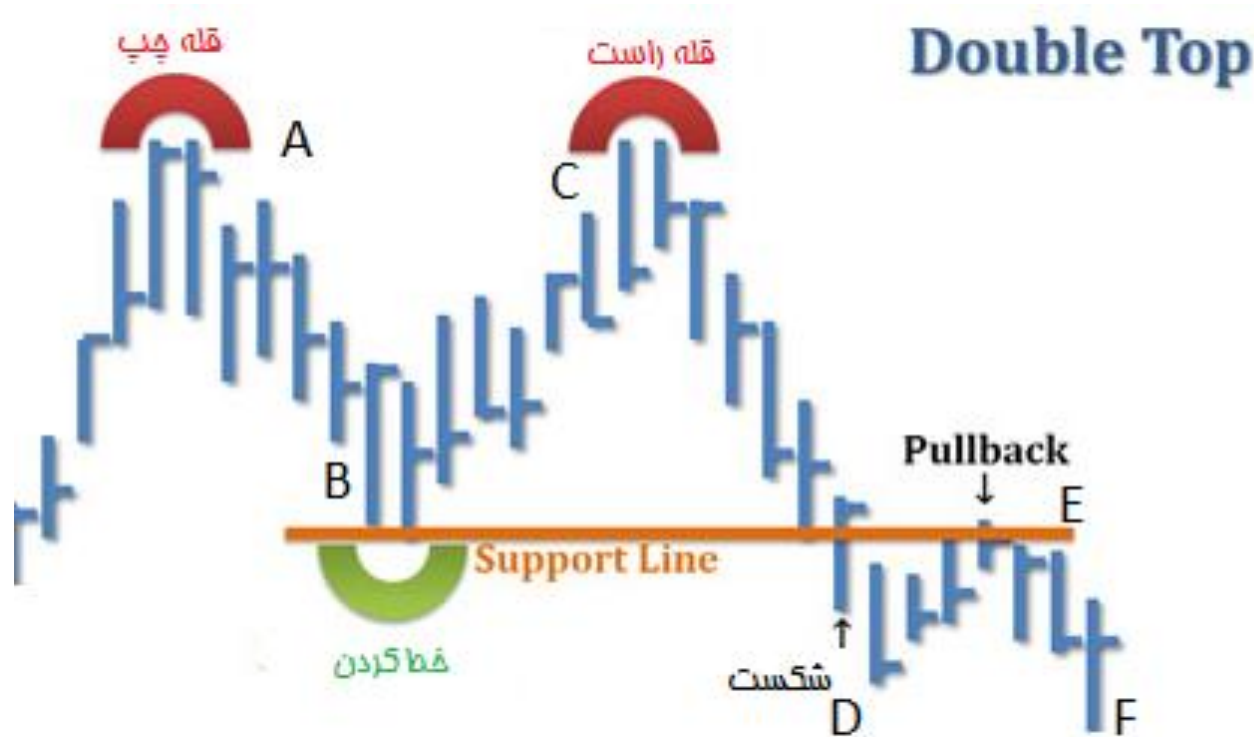
میانگین افزایش: ۳۸%

احتمال بازگشت: ۴۵%

درصد دستیابی به هدف قیمتی: ۷۴%

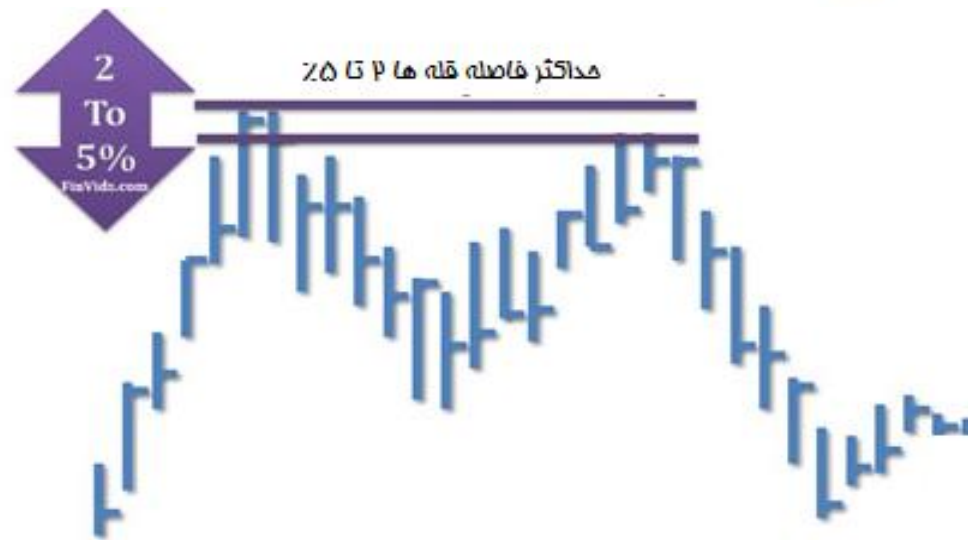
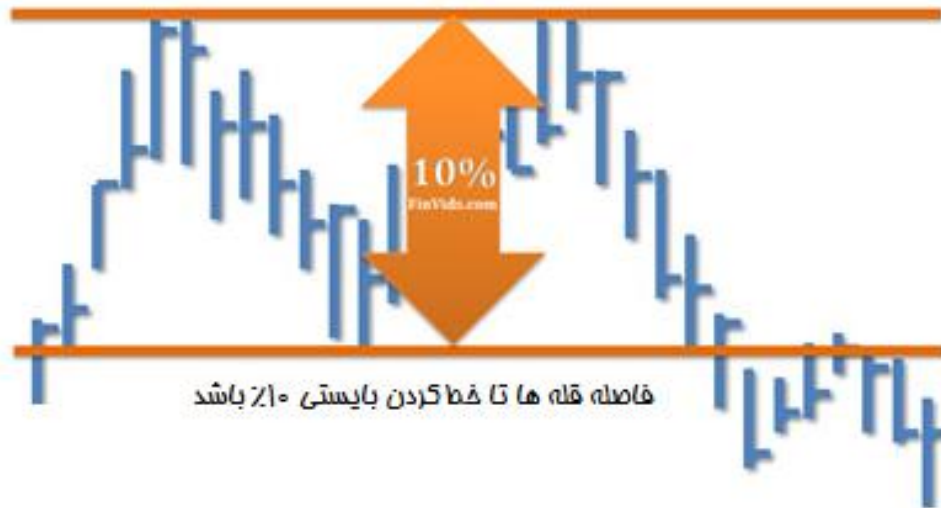
| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | قبل از الگو نزولی ، پس از آن صعودی |
| شکل | شبه سر و شانه انسان |
| تقارن | ارتفاع شانه‌ها با هم برابر باشد |
| حجم معاملات | در شانه چپ کم است پس از آن افزایش می‌یابد |
| تأیید الگو | شکست خط گردن |

آرایش دو قله (سقف دوقلو) Double Tops



الگوی سقف دوقلو نیز در انتهای روند صعودی تشکیل می‌شود و مانند حرف "M" است. در این آرایش خطی موازی رو به روی سطح مقاومت کشیده می‌شود که دو قله را به هم وصل می‌کند. این خط جهت شناسایی خط گردن در نظر گرفته می‌شود. پیش از آنکه قیمت‌ها از نقطه A عبور کنند، سطح حمایت در برابر قیمت‌ها بوجود آمده و زمانی که این خط شکسته می‌شود به یک خط مقاومت مهم و قوی تبدیل خواهد شد. قیمت‌ها در برخورد با نقطه B به سطح حمایت برگشت می‌کنند. این سطح اکنون به عنوان خط گردن مطرح است. امید خریداران به برگشت قیمت‌ها دوام زیادی پیدا نمی‌کند، چرا که بار دیگر قیمت‌ها در نقطه بوسیله عرضه‌هایی بازمی‌گردد. حرکت قیمت‌ها طوری است که سطح حمایت شکسته می‌شود، اما احتمال دارد با تلاش خریداران قیمت به سوی خط گردن متمایل شود. این حالت خط گردن توسط بازار آزموده شده و می‌تواند نقش بازدارنده از رشد را بازی کند. اگر خط مقاومت در برابر فشار خریداران دوام بیاورد انتظار می‌رود قیمت سقوط کند.

Double Top

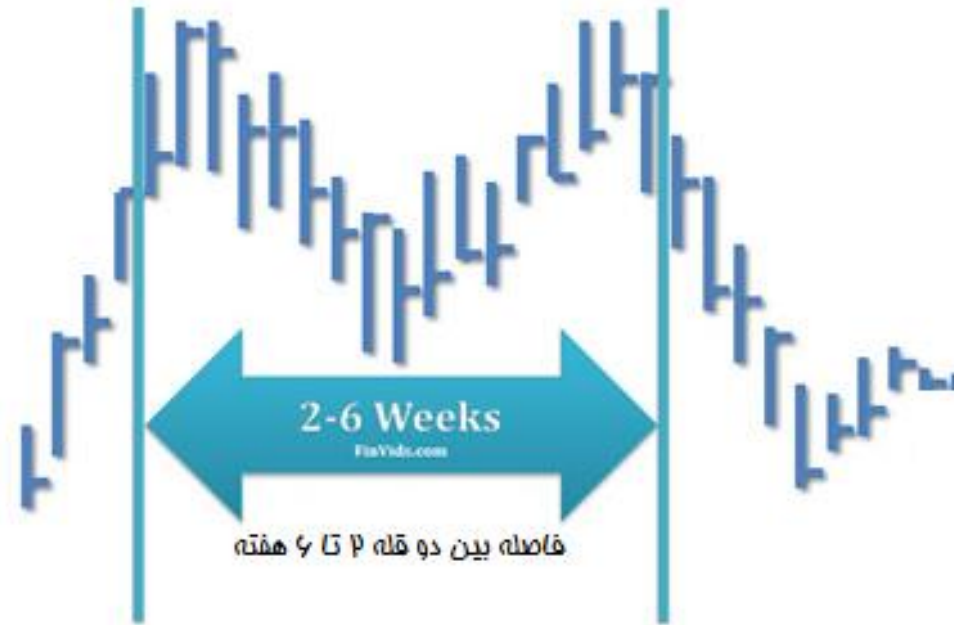


Double Top

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

به گفته Bulkowski، فاصله دو قله بالایی قیمت باید حداکثر ۲-۵٪ از یکدیگر باشند و باید در زمان ۲ تا ۶ هفته از هم جدا شوند، و به درازا کشیدن تشکیل دو سقف بالا تا ۸ هفته و از موفقیت الگو می‌کاهد. همچنین بهترین زمان برای تشکیل الگوی سقف دو قله زمانی است که قیمت سهام در یک سوم بالایی قیمت سالانه خود قرار داشته باشد. هنگامی که قیمت زیر سطح حمایت ایجاد شده نفوذ کند، سیگنال فروش صادر شده است.

Double Top



هدف قیمت: قیمت خط گردن - ((قیمت بالاترین سقف دو قله - قیمت خط گردن) * ۷۲٪)

شناسایی آرایش

بلندی قله‌ها بایستی برابر باشد.

خیلی مهم است که نقاط معین و مهم همگی با خط گردن مماس شوند. کوتاهی در این شرط ویژگی‌های آرایش را کم اعتبار می‌کند.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

آرایش دو قله تنها زمانی تأیید می‌شود که به طور کامل دو موج به سطح مقاومتی برخورد نموده و در برگشت قیمت‌ها نفوذی به خط گردن ایجاد گردد. در این حالت قیمت بسته شدن خارج از خط گردن خواهد بود. چنانچه قیمت نتواند خط گردن را قطع کند الگو اعتبار خود را از دست می‌دهد. در آرایش دو قله بهترین کار آن است که **در اولین علامت فروش از بازار خارج** شد. خیلی بد است که منتظر دومین افزایش باشیم ، چون ممکن است هرگز اتفاق نیفتد. به هر حال حرکت به طرف دومین روند افزایش ، موقعیت دیگری برای سهامدارانی که به علائم بی اعتنا بودند بوجود می‌آورد تا از این سهم خارج شوند.

امتیاز دهی به الگوی سقف دوقلو :

رتبه عملکرد: ۴ از ۲۱ (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت: ۸%

میانگین کاهش: ۱۹%

احتمال بازگشت : ۶۱%

درصد دستیابی به هدف قیمتی: ۷۲%

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|------------------------------------|
| روند قیمت‌ها | قبل از الگو صعودی ، پس از آن نزولی |
| شکل | شبه حرف M |
| فواصل | معمولاً بین ۲ تا ۶ هفته |

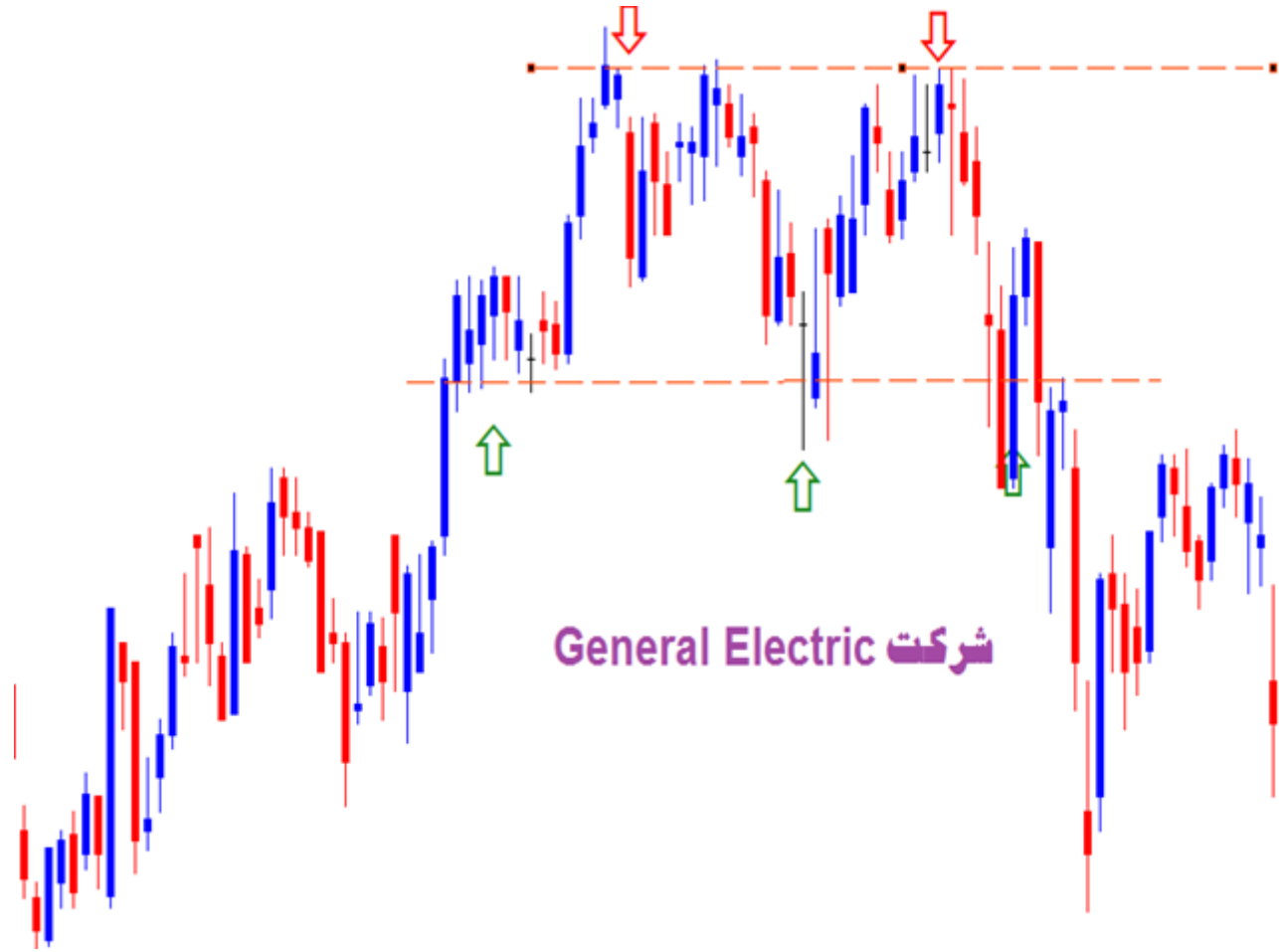
حجم معاملات

در قله اول افزایشی و سپس کاهشى





تحليل تکنیکال – Technical Analysis



آرایش کف دو قلو Double Bottom

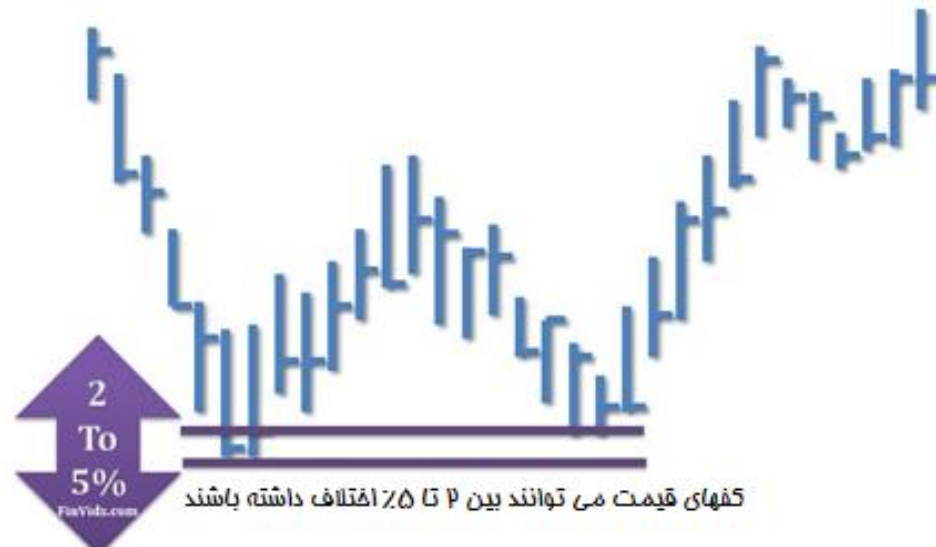
کف دو قلو



آرایش کف دو قلو مانند حرف "W" است و یک تصویر درون آینه از الگوی پیشین است. بنابراین ویژگی‌ها، مسائل بالقوه، علامت‌ها، نقطه نظرات معامله‌گران که در الگوی دو قله ارائه شد را به طور مشابه در این الگو به کار گیرید.

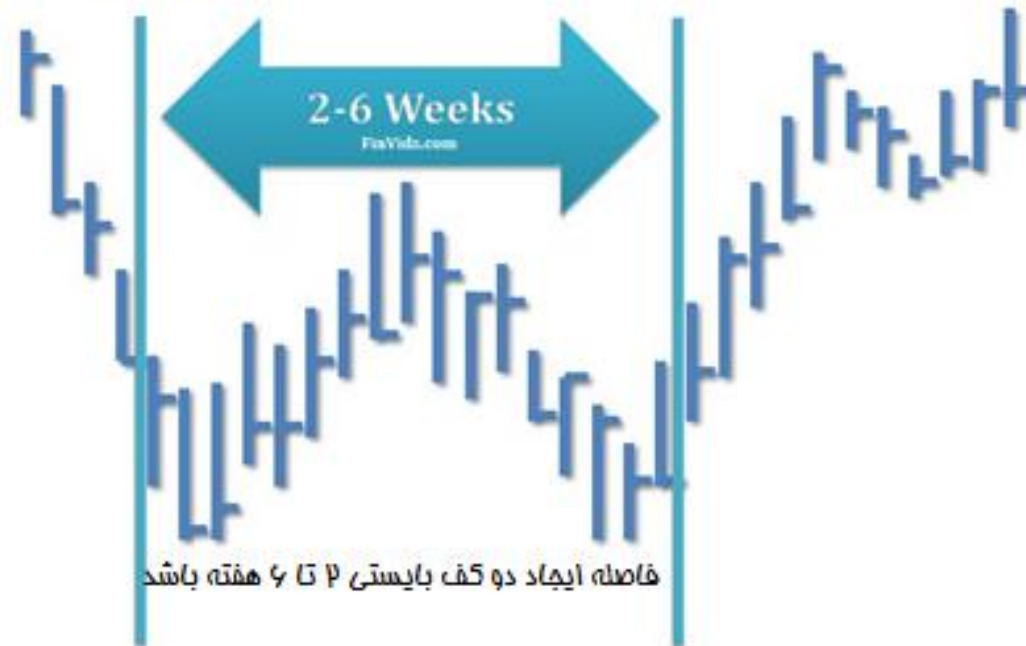


Double Bottom



به گفته Bulkowski ، دو قیمت کف بایستی حداکثر ۲-۰.۵٪ از یکدیگر اختلاف داشته و طی ۲ تا ۶ هفته ایجاد گردند ، هر چه به سمت ۸ هفته به درازا بکشد موفقیت الگو کاهش می یابد. همچنین توجه شود که دو کف بهترین عملکرد را زمانی خواهند داشت که در یک سوم پایین ترین رنج قیمت سالیانه رخ دهند. هنگامی که قیمت با نفوذ به قله میانی به اهداف بالاتری می رسد یک سیگنال خرید پیشنهاد می گردد. در منابع متعدد ذکر شده است که قیمت سقف میانه باید برای یک سیگنال خرید معتبر فعال شود .

Double Bottom



هدف قیمت

Bulkowski محاسبه اهداف قیمت پس از دریافت سیگنال خرید را به شرح ذیل ارائه نموده است :

قیمت سقف میانه + ((قیمت سقف میانه - قیمت از کمترین کف دوقلو) * ۶۶٪)





امتیاز دهی به الگوی کف قلو :

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

رتبه عملکرد: ۱۰ از ۲۳ (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت: ۵٪

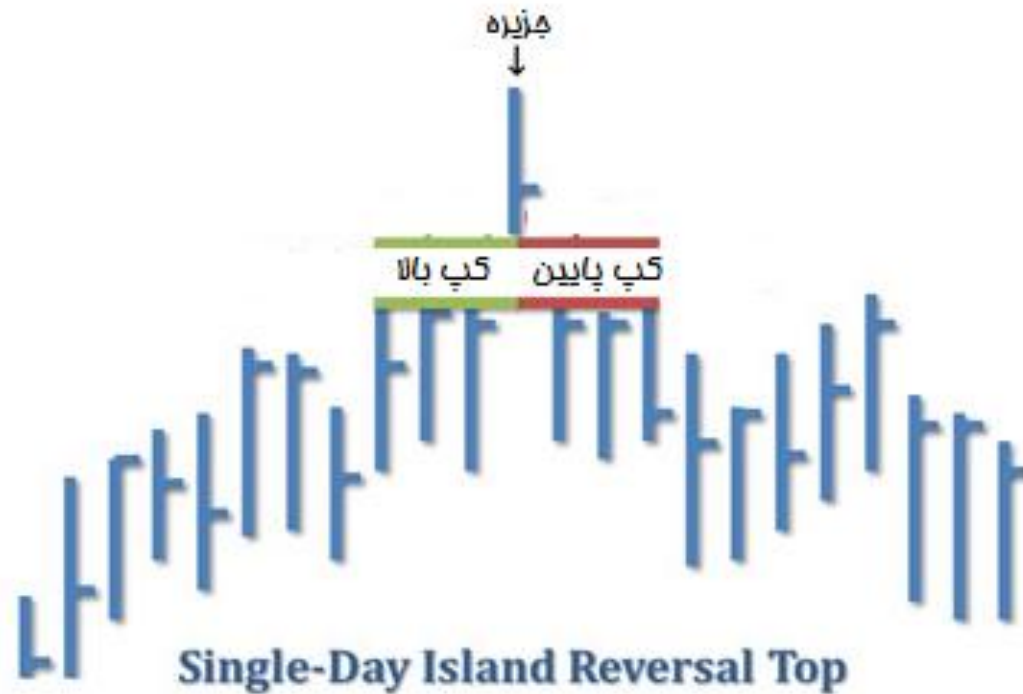
میانگین افزایش: ۳۵٪

احتمال بازگشت: ۶۴٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی: ۶۶٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|------------------------------------|
| روند قیمت‌ها | قبل از الگو نزولی ، پس از آن صعودی |
| شکل | شبیه حرف W |
| فواصل | معمولاً بین ۲ تا ۶ هفته |
| حجم معاملات | در حفره اول کاهشی و سپس افزایشی |

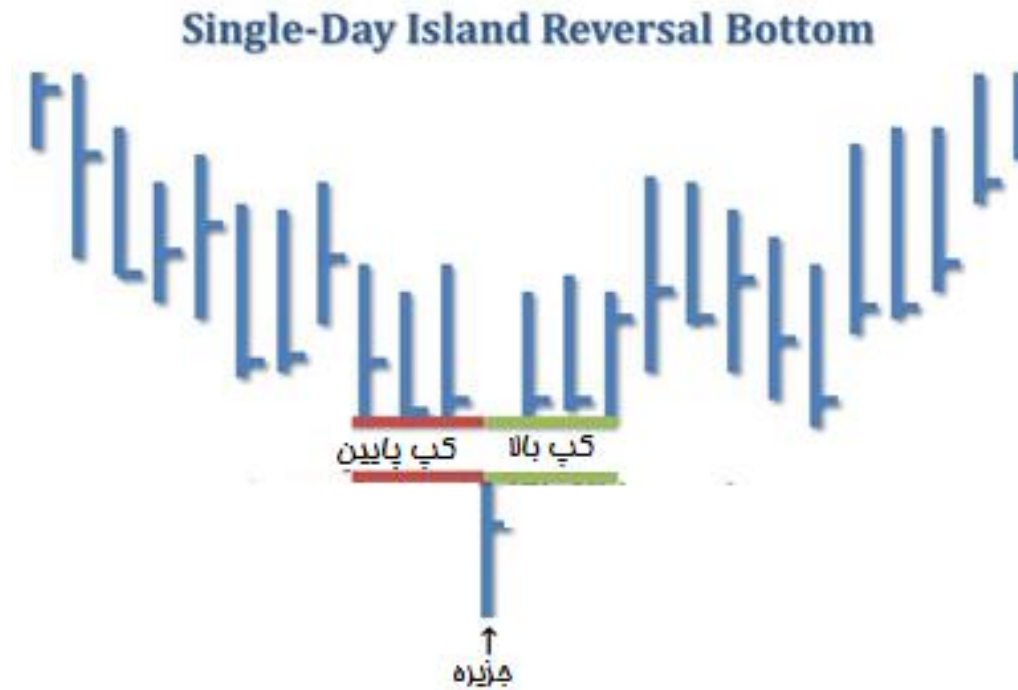
Single-Day Island Reversal Top جزیره یک روزه (فوقانی)



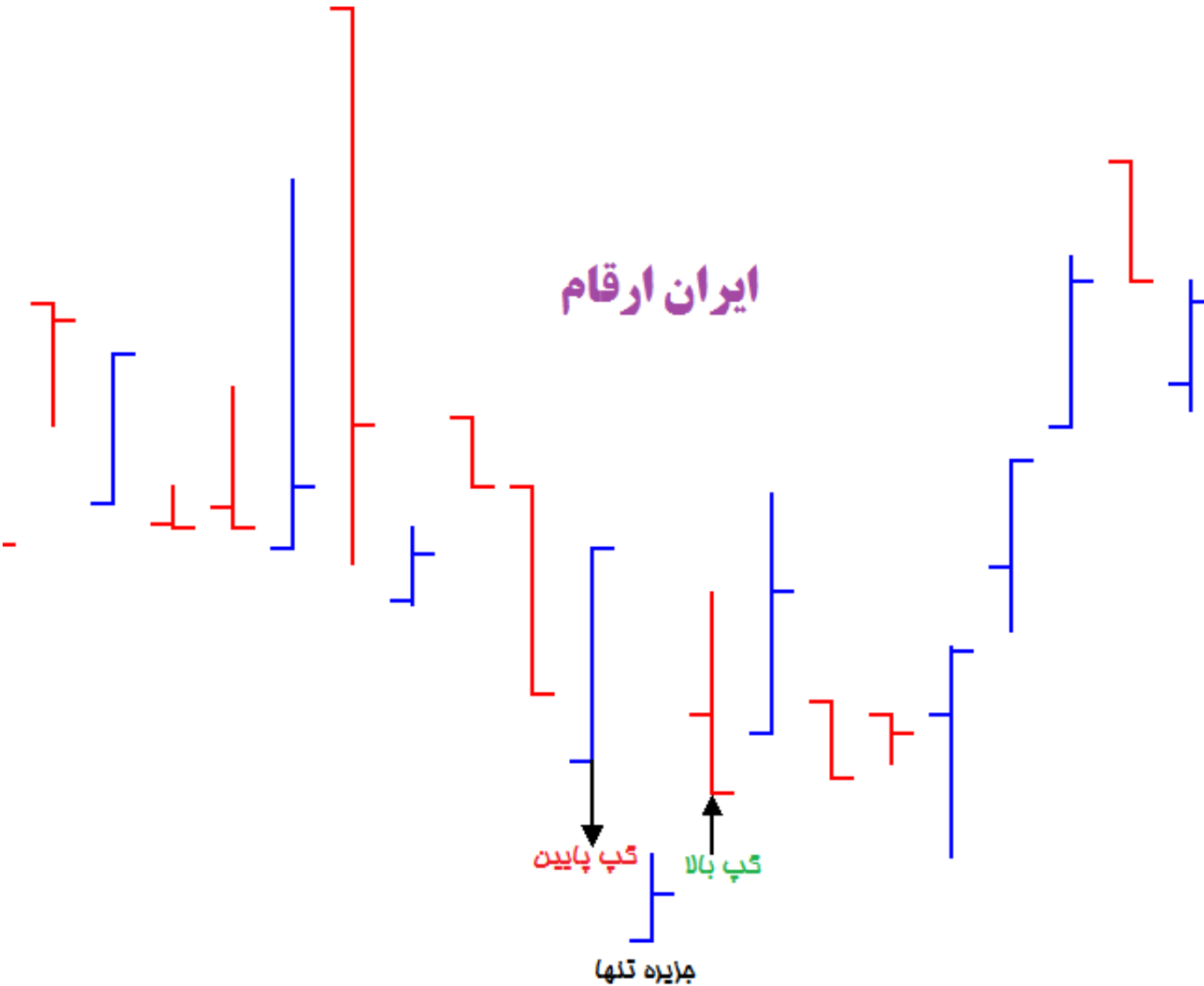
جزیره فوقانی معمولاً در طی یک روند صعودی رخ می‌دهد. الگو از خط روند صعودی با گپ رو به بالا و رو به پایین با ۳ کندل تکمیل می‌گردد. برگشت قیمت از الگوی جزیره توام با شکاف به سمت پایین است. انتظار می‌رود که به تبع آن قیمت به سمت پایین حرکت کند.



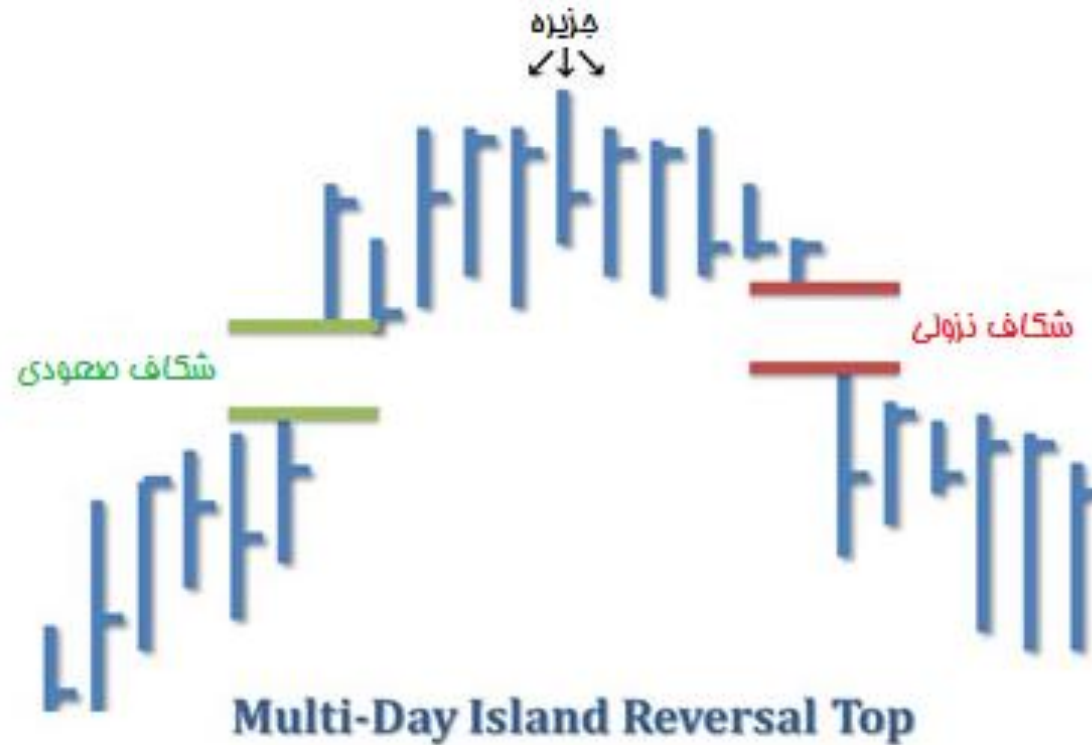
Single-Day Island Reversal Bottom جزیره یک روزه (تحتانی)



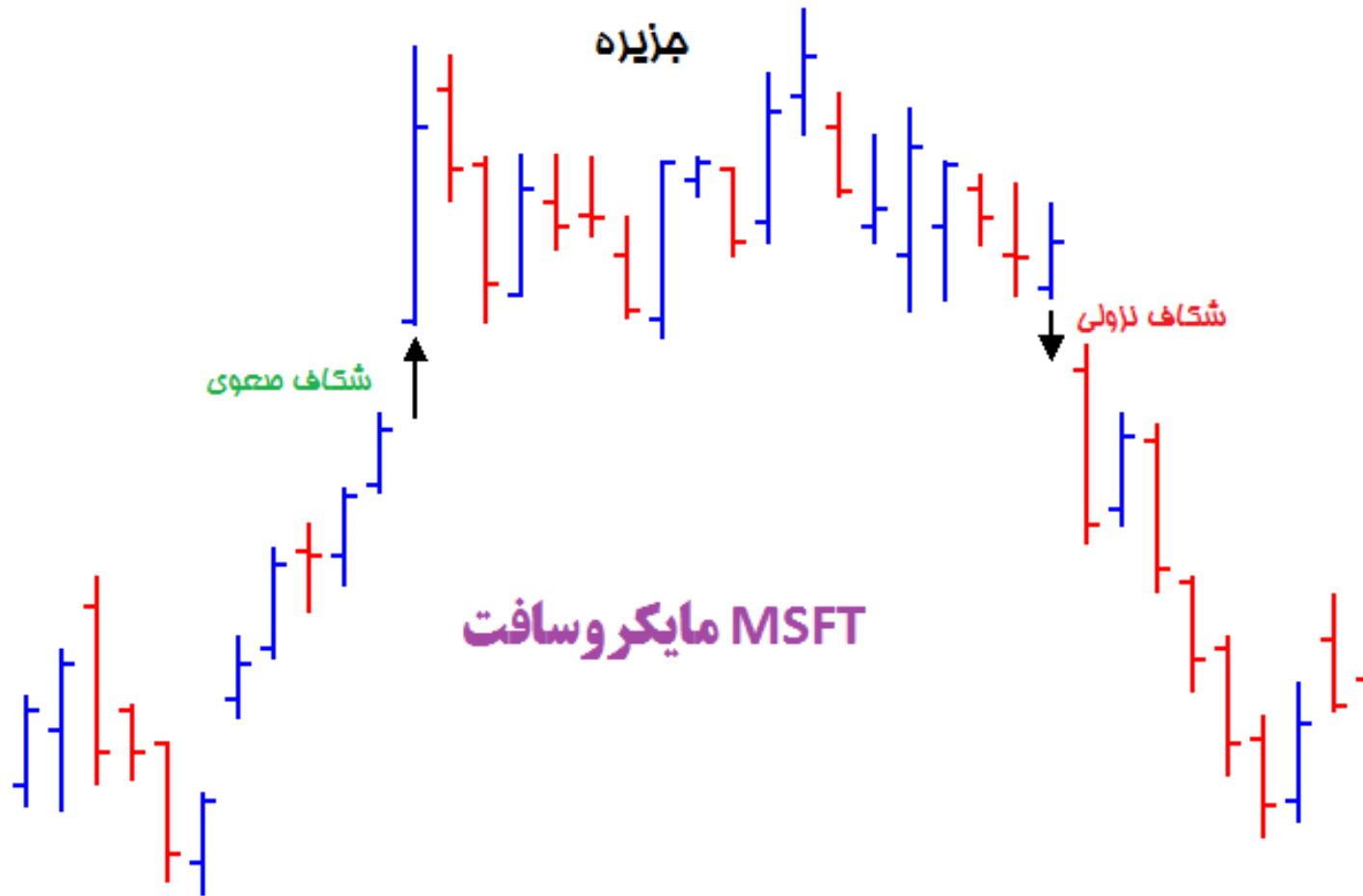
در مقابل، جزیره برگشتی پایین در طول یک روند نزولی اتفاق می افتد. الگو از خط روند نزولی با گپ رو به پایین و رو به بالا با ۳ کندل تکمیل می گردد. برگشت قیمت از الگوی جزیره توام با شکاف به سمت بالا است. انتظار می رود که به تبع آن قیمت به سمت بالا حرکت کند. حجم معاملات در الگوی جزیره ثابت و در گپ دوم برگشتی صعودی بسیار بالاست.



Multi-Day Island Reversal Top Pattern (فوقانی)

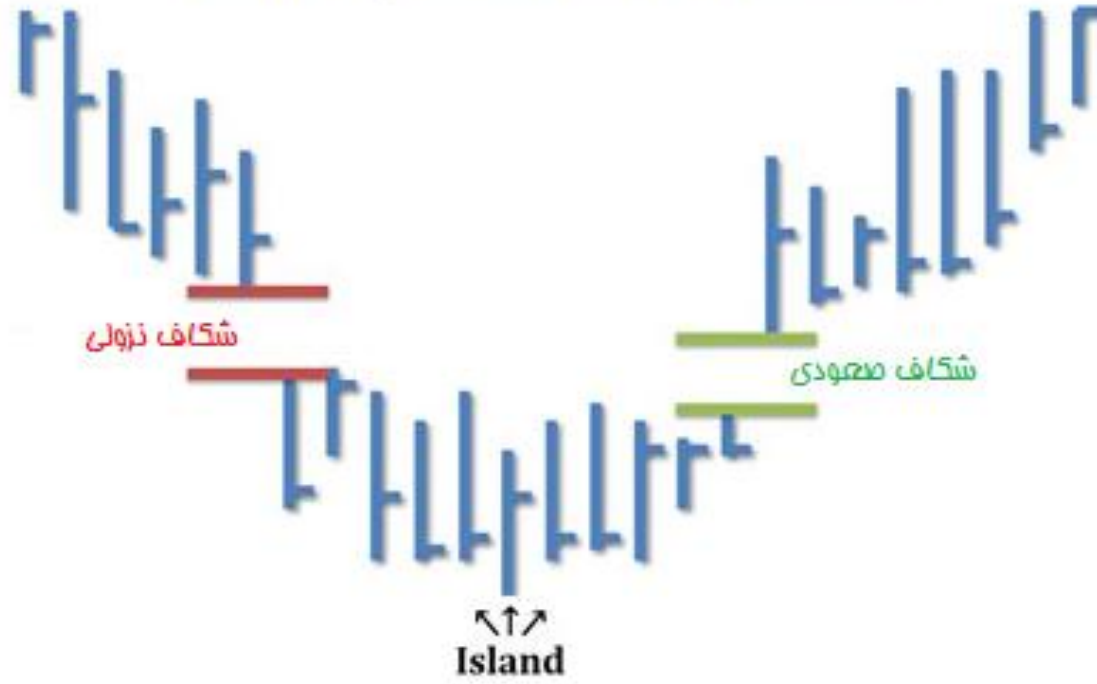


الگوی چند جزیره ، گروهی از میله‌های قیمت است که توسط یک شکاف صعودی و یک شکاف نزولی از روند قیمت جدا شده است.



Multi-Day Island Reversal Bottom Pattern الگوی جزیره چندروزه (تحتانی)

Multi-Day Island Reversal Bottom





امتیاز دهی به الگوی جزیره :

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

رتبه عملکرد کل برای شکست به سمت بالا / پایین : ۲۳ از ۲۳ برای بالا و ۲۱ از ۲۱ برای پایین (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت در شکست به سمت بالا / پایین: ۱۸٪ ، ۱۷٪

میانگین افزایش / کاهش: ۲۳٪ ، ۱۷٪

احتمال بازگشت / pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت) : ۷۰٪ ، ۳۵٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۶۹٪ ، ۶۲٪

| مشخصه | توضیحات |
|---------------|--|
| روند قیمت‌ها | جزیره فوقانی رو به بالا ، جزیره تحتانی رو به پایین |
| شکل | فاصله از روند و نمودار اصلی ، شبیه جزیره |
| شکاف | دو شکاف صعودی و نزولی در هر روند |
| مدت زمان الگو | یک روز تا چند ماه |

جزیره بالا: قیمت پایین جزیره جدا شده از شکاف – ((قیمت بالای جزیره جدا شده از شکاف – قیمت پایین جزیره جدا شده از شکاف) *

(۶۲٪)

جزیره پایین: قیمت بالای جزیره جدا شده توسط شکاف + ((قیمت بالای جزیره جدا شده توسط شکاف - قیمت پایین جزیره جدا شده از شکاف) * ۶۹٪)

شاخ فوقانی Horn Tops

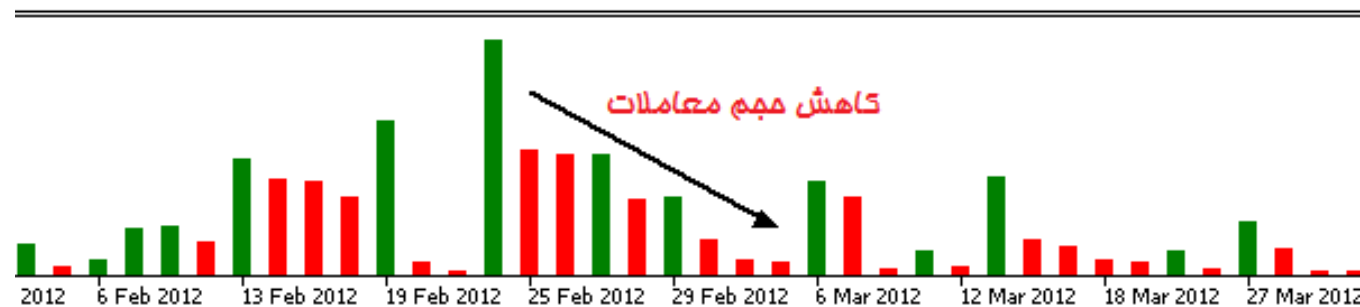
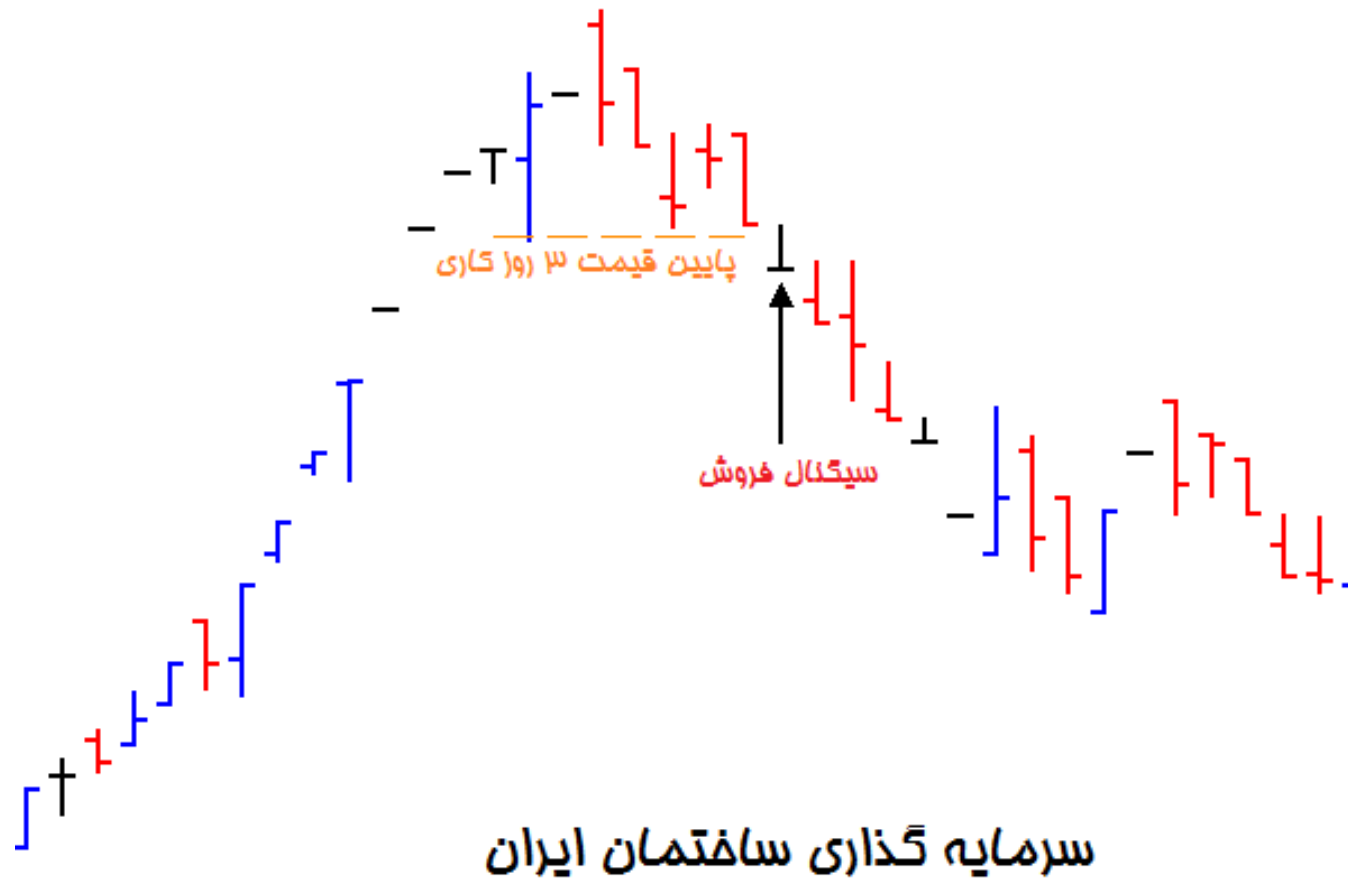


الگوی شاخ فوقانی پس از یک روند صعودی رخ می دهد و دو سقف قیمت بالاتر از قیمت های دیگر با یک سطح حمایت کوچک در قسمت فوقانی چارت پدیدار می شود. این الگو به نظر می رسد مثل دو شاخ گاو یا حرف "H" است. سیگنال فروش زمانی صادر می شود که که قیمت بسته به زیر کمترین سه میله قیمت که الگوی شاخ فوقانی را ایجاد کرده اند افت می کند.



به عقیده Bulkowski ارتفاع متوسط حرکت رو به پایین پس از سیگنال فروش برای تکمیل الگوی شاخ فوقانی ، قبل از هر گونه اصلاح ۲۰٪ تا ۲۱٪ خواهد بود.

هدف قیمت: بالاترین قیمت سه کندل فوقانی + ((بالاترین قیمت سه کندل فوقانی - پایین ترین قیمت سه کندل فوقانی) * ۲۰٪)



تحليل تکنیکال – Technical Analysis

امتیاز دهی به الگوی شاخ فوقانی :

رتبه عملکرد: ۴ از ۲۱ (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت: ۷%

میانگین کاهش: ۲۱%

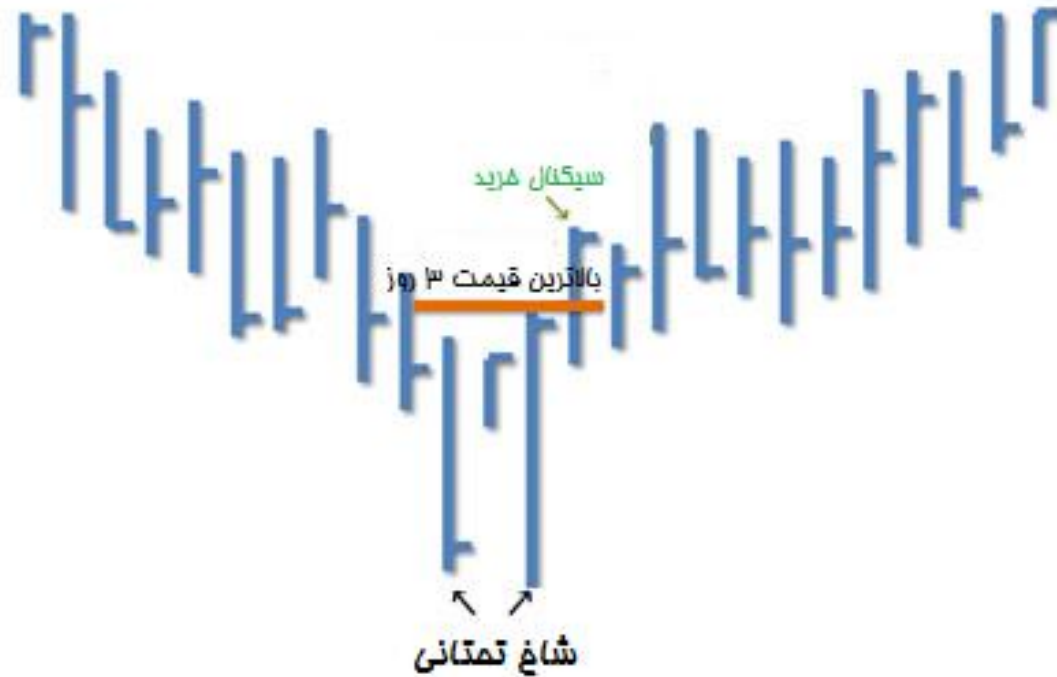
pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت) : ۳۳%

درصد دستیابی به هدف قیمتی: ۷۰%

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | قبل از الگو صعودی ، پس از آن نزولی |
| مقیاس نمودار | بهتر است هفتگی باشد |
| شکل | شبه حرف H |
| فواصل | ۳ کندل |
| حجم معاملات | به مرور کاهشی می‌شود |
| تأیید الگو | بسته شدن قیمت در روند نزولی پایین‌تر از ۳ کندل الگو |

شاخ تحتانی Horn Bottoms

Horn Bottom

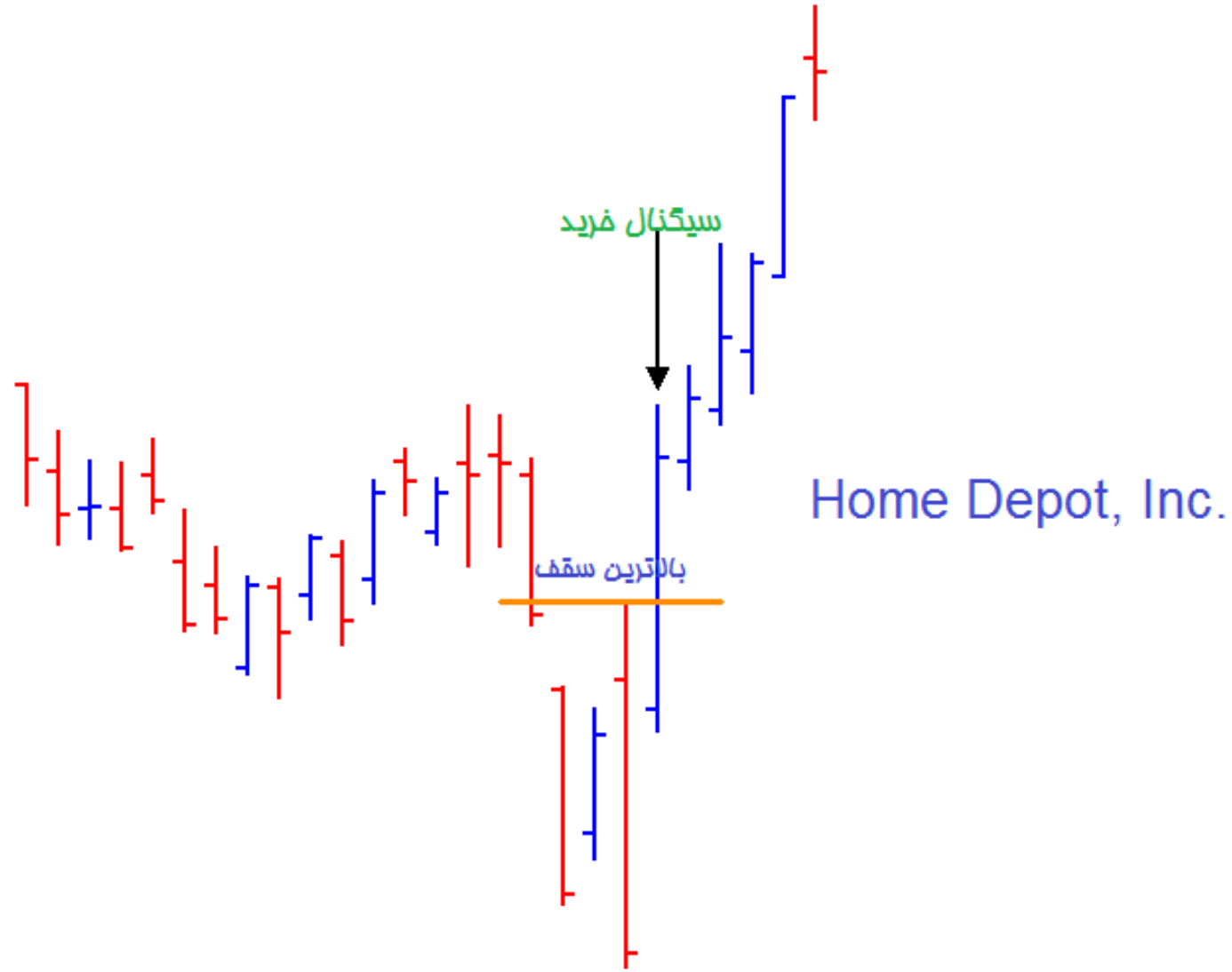


در مقابل، الگوی شاخ تحتانی پس از یک روند نزولی رخ می‌دهد و شامل دو روز معاملاتی بلندتر در مقایسه با روزهای گذشته است. سیگنال خرید زمانی تأیید می‌شود که قیمت در بالاترین میزان در سه روز کاری شکل گیری الگو باشد.



به عقیده Bulkowski ارتفاع متوسط حرکت رو به بالا پس از سیگنال خرید برای تکمیل الگوی شاخ فوقانی ، قبل از هر گونه اصلاح ۲۰٪ تا ۲۱٪ خواهد بود.

هدف قیمت: پایین ترین قیمت سه کندل تحتانی + ((بالاترین ترین قیمت سه کندل تحتانی – پایین ترین قیمت سه کندل تحتانی) * ۷۶٪)



Home Depot, Inc.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

امتیاز دهی به الگوی شاخ تمثالی :

رتبه عملکرد: ۱۴ از ۲۳ (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت: ۹٪

میانگین افزایش : ۳۵٪

احتمال بازگشت : ۲۹٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی: ۷۶٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | قبل از الگو نزولی ، پس از آن صعودی |
| مقیاس نمودار | بهتر است هفتگی باشد |
| شکل | شبيه حرف H |
| فواصل | ۳ کندل |
| حجم معاملات | به مرور افزایشی می‌شود |
| تأیید الگو | بسته شدن قیمت در روند صعودی بالاتر از ۳ کندل الگو |

ویژگی‌هایی که باعث افزایش اثربخشی الگوی شاخ فوقانی و تحتانی می‌شود.

- بهترین زمان برای تشکیل الگوی شاخ فوقانی بعد از یک روند صعودی است که در عرض چند ماه رخ داده است.
- الگوی شاخ فوقانی که پس از یک روند نزولی شکل بگیرد غیر قابل اعتماد است.
- ابتدا شاخ کوتاهتر و سپس شاخ بلندتر ایجاد می‌شود.
- الگوی شاخ با حجم سنگین در نقطه شکست کامل می‌گردد.

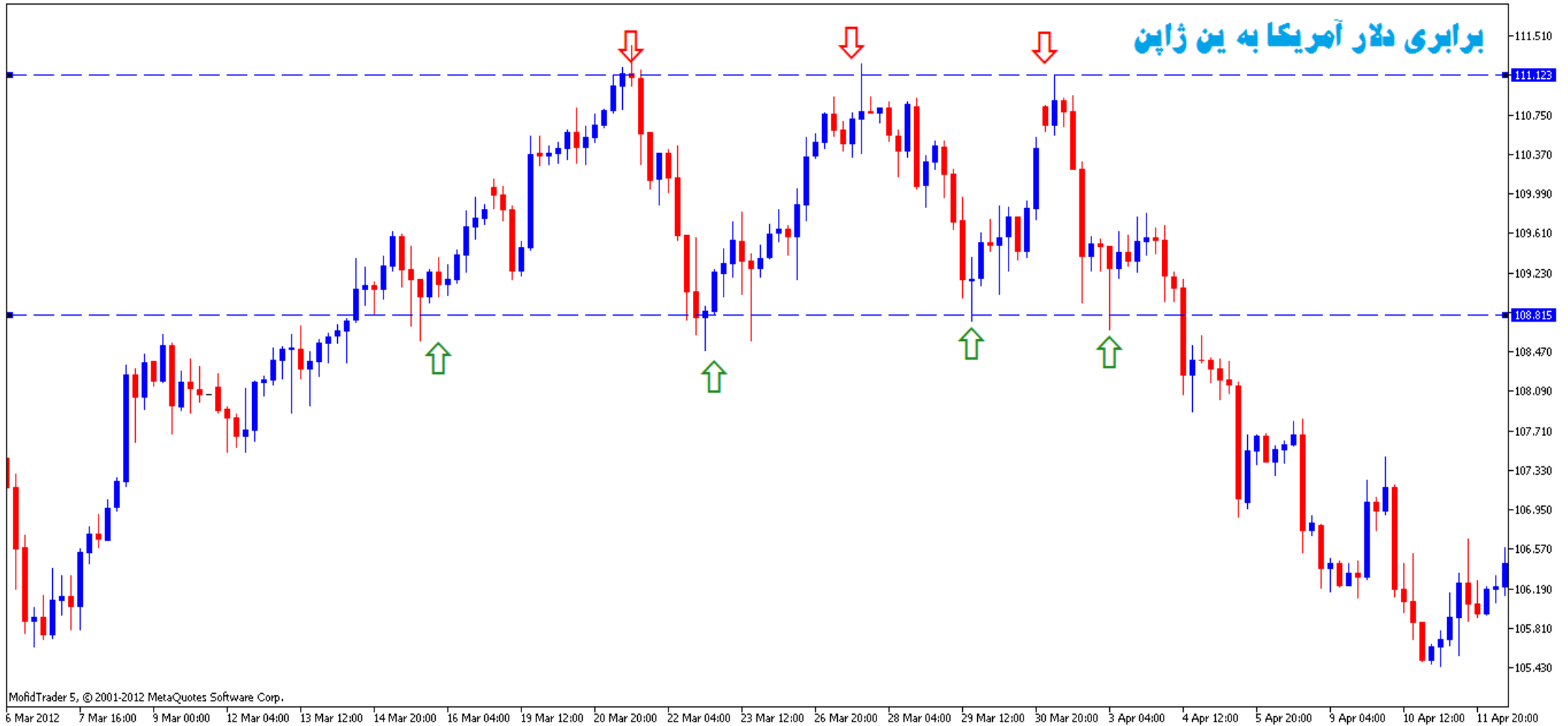
Triple Top سقف سه قله



سه قله یک الگوی قیمتی است که در یک روند صعودی ایجاد می‌شود و علامتی است از تغییر روند و افت قیمت‌ها. این الگو بیشتر از جفت قله اهمیت دارد. این الگو از سه سقف قیمتی متوالی تشکیل می‌شود که تقریباً در یک سطح قرار دارند و دو کف دارد. یک خط مقاومت (Resistance)، قله‌ها را بهم وصل می‌کند و خط حمایت (Support) نیز کف‌های قیمتی را به یکدیگر متصل می‌کند. به این دلیل که مقاومت حاصل سه بار رفت و برگشت قیمت در یک سطح است و سهم در آنجا به حداکثر قیمت خود رسیده است، یک مقاومت قدرتمند تلقی می‌شود. اگر قیمت پایین سطح حمایت (Support) یا پایین‌ترین بخش الگو ریزش پیدا کند (احتمال انحراف معین وجود دارد)، شکل گیری این الگو کامل شده و معنای آن این است که تغییری در جهت روند ایجاد شده است و یک سیگنال فروش قلمداد می‌شود.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

سقف سه قلو ترکیبی از آرایش‌های برگشتی سر و شانه و دو قلو است. بر عکس، کف سه قلو ترکیبی از سر و شانه کف و دو قلو است. نتیجه آنها در ویژگی‌ها، مسائل بالقوه، علامت‌ها و نقطه نظرات معامله گران، به ترتیب با سقف دو قلو و کف دو قلو مشابه هستند.



هدف قیمت سقف سه قلو

Bulkowski برای هدف قیمت بالای سه گانه فرمولی خاص ارائه می دهد:

پایین ترین قیمت حفره – ((بالاترین قیمت قله – پایین ترین قیمت دره) * ۴۰٪)

امتیاز دهی به الگوی سقف سه قله :

رتبه عملکرد: ۷ از ۲۱ (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت: ۱۰٪

میانگین کاهش: ۱۹٪

احتمال pullback: ۶۱٪

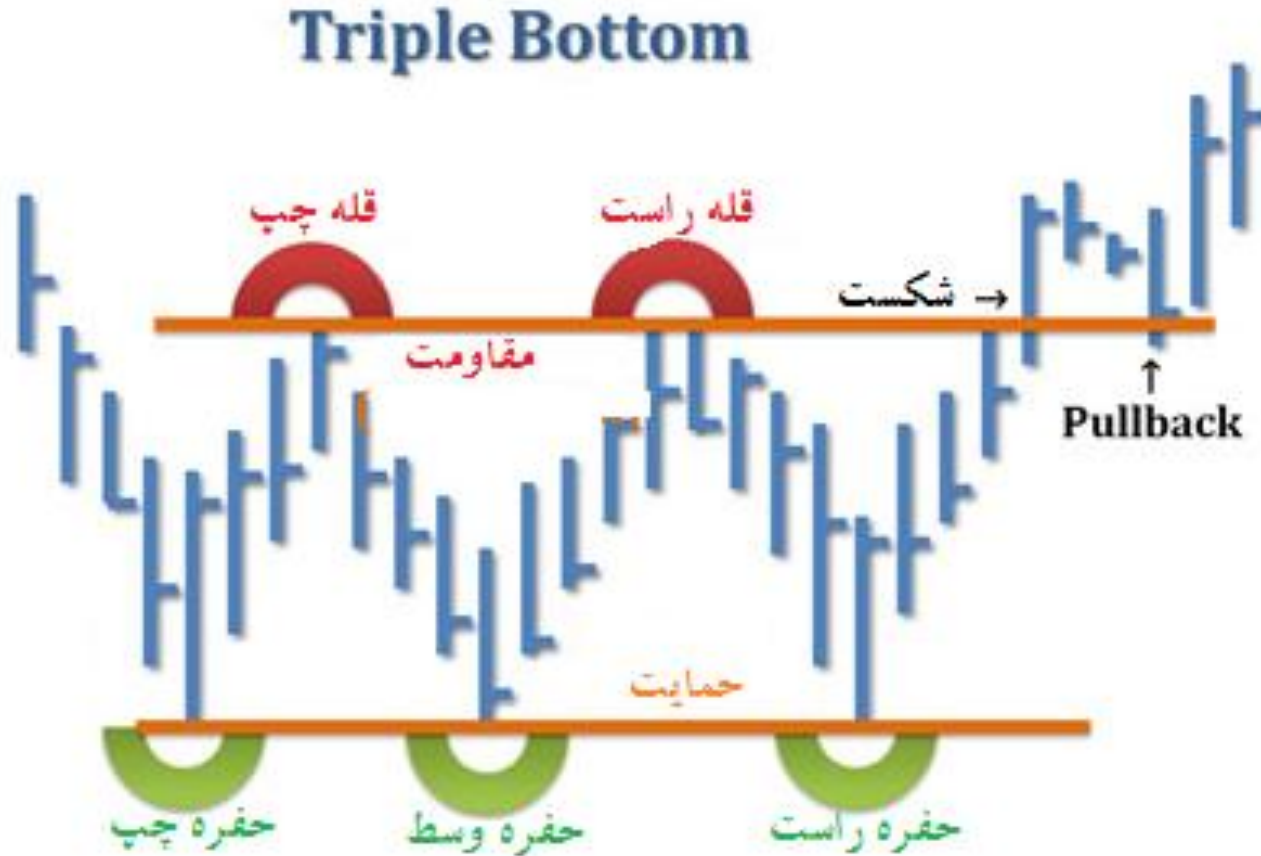
درصد دستیابی به هدف قیمتی: ۴۰٪

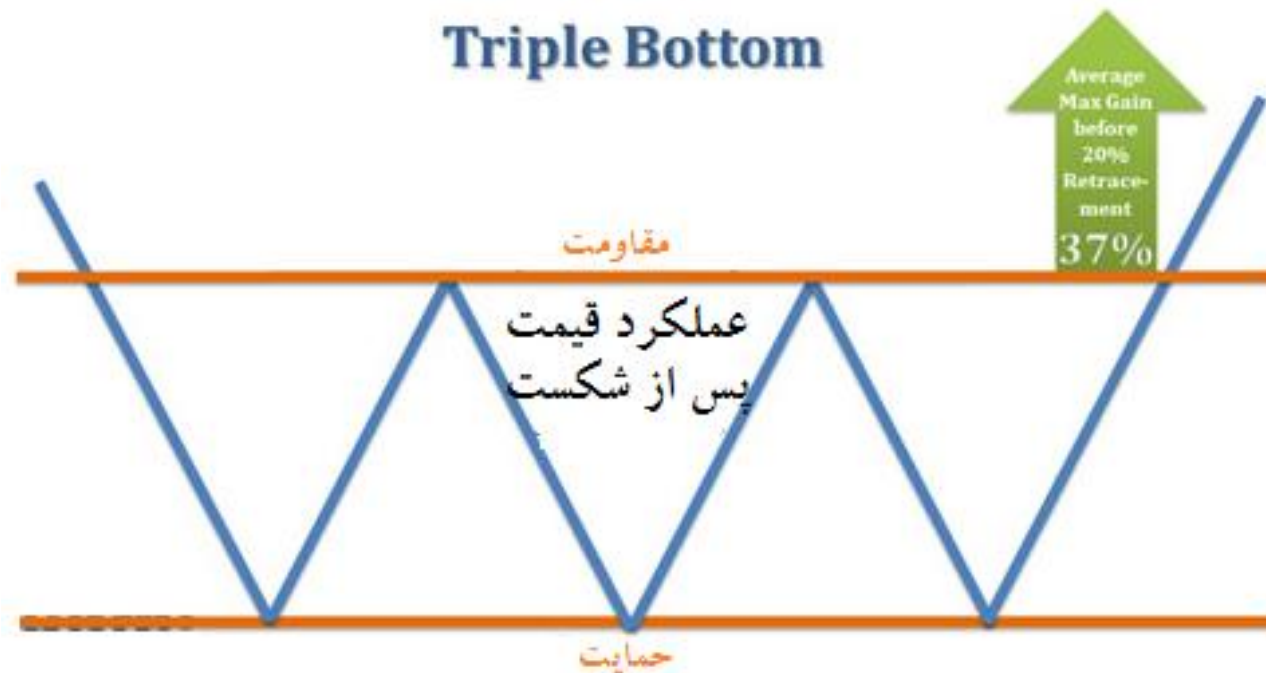
| مشخصه | توضیحات |
|--------------|--|
| روند قیمت ها | قبل از الگو صعودی ، پس از آن نزولی |
| شکل | سه قله در نزدیکی هم با شکست رو به پایین قیمت |
| حجم معاملات | روند کاهشی در ۵۹٪ از مواقع |
| تأیید الگو | بسته شدن قیمت در روند نزولی پایین تر از خط حمایت |

آرایش سه دره (کف سه قلو) Triple Bottoms

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

برعکس الگوی قبلی، این الگو ترتیبی از ساختارهای سر و شانه‌های کف و کف دو قلو است. همانطور که در شکل زیر نشان داده شده است، در یک ساختار کف سه قلو، کفها تقریباً یکسانند. الگوی کف سه دره شبیه سه حرف "V" به عنوان سطح حمایت و دو حرف "A" به عنوان قله‌ها و سطح مقاومت است.



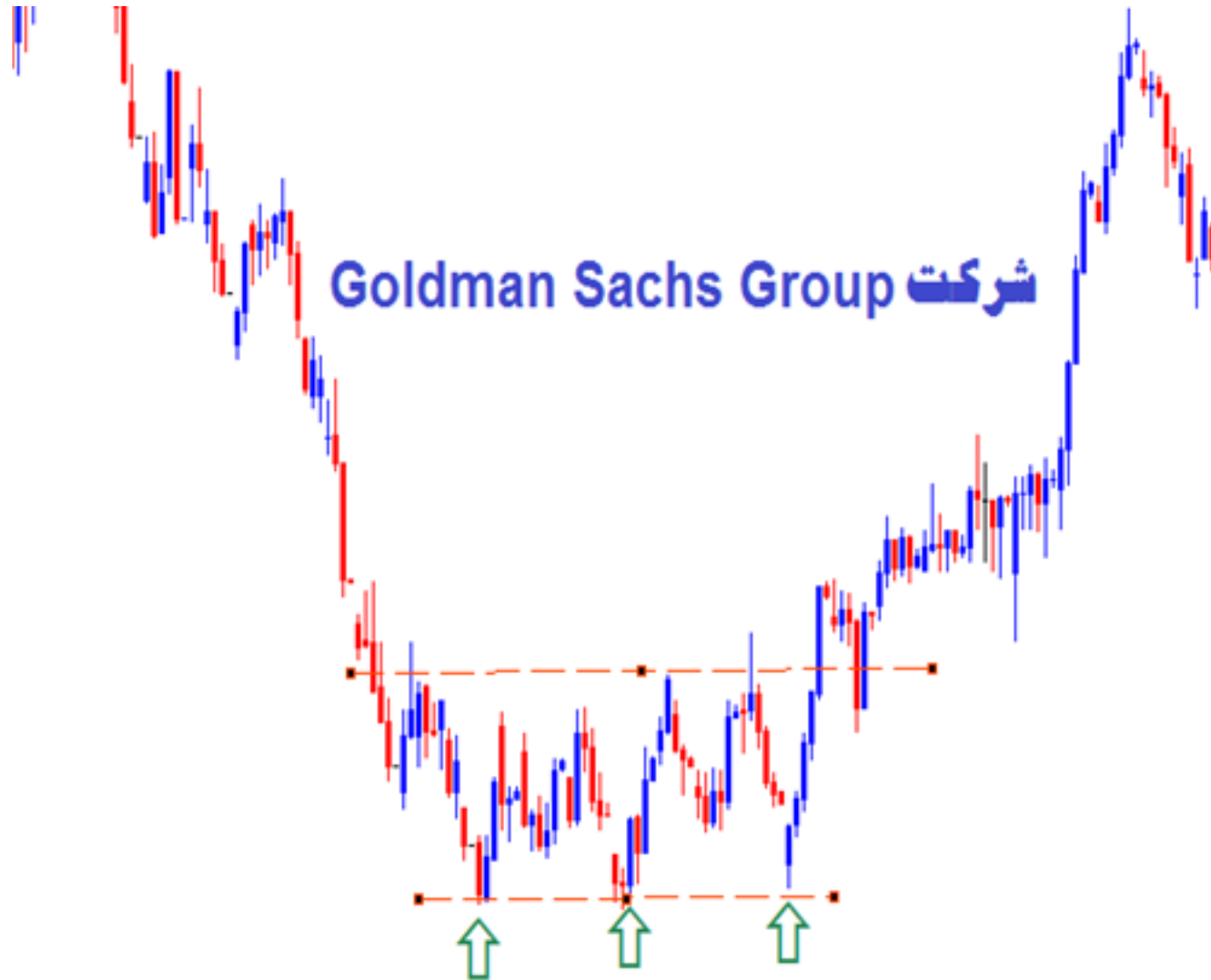


سیگنال خرید زمانی صادر می‌شود که قیمت پس از سومین و آخرین دره "VVV" خط مقاومت بالا را بشکند. bulkowski توضیح می‌دهد که متوسط افزایش قیمت پس از سیگنال خرید داده شده ۳۷٪ است با این حال، در ۶۴٪ مواقع قیمت پس از شکست مقاومت به این خط pullbac دارد.

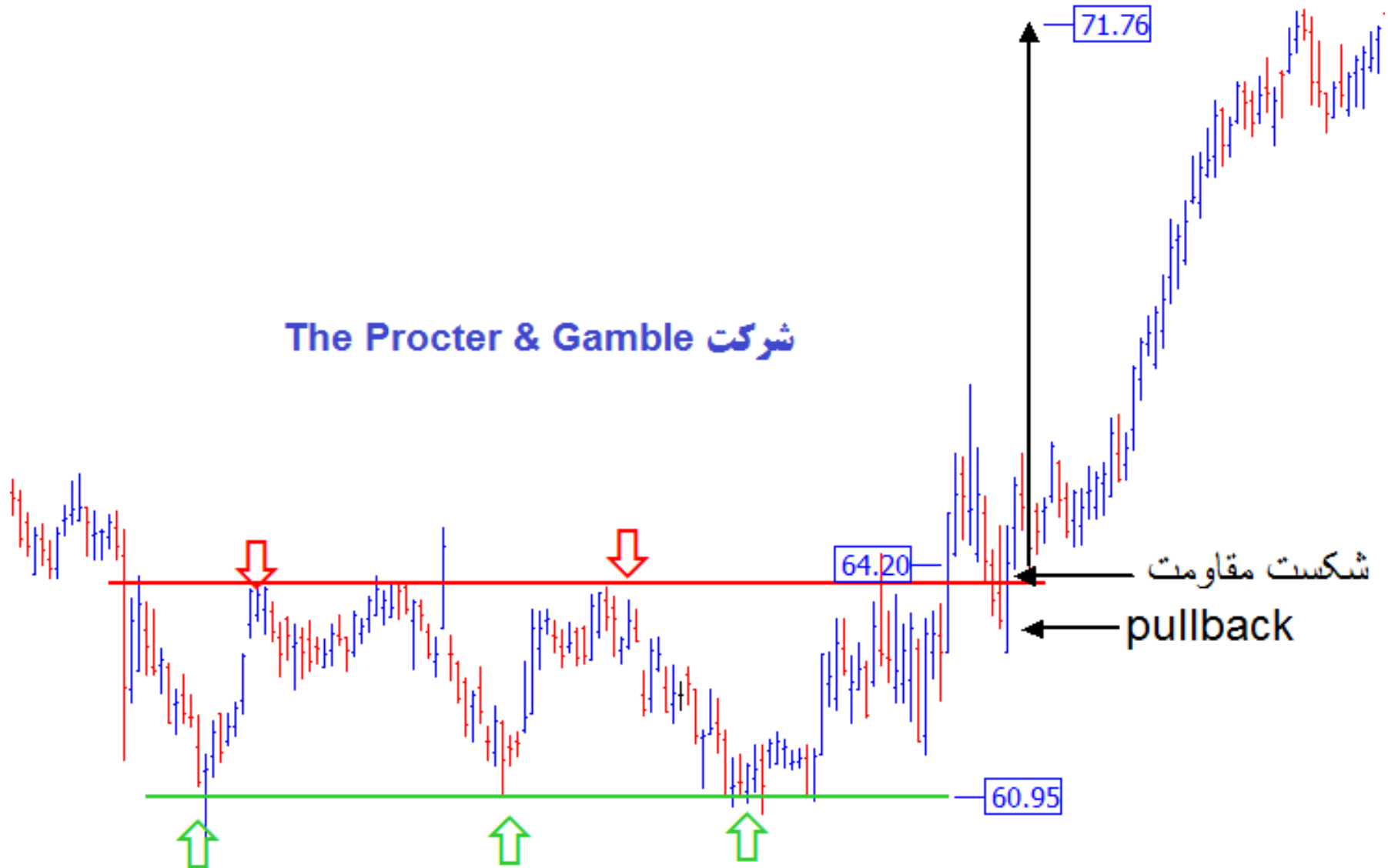
هدف قیمت کف سه قلو

Bulkowski برای هدف قیمت پایین سه گانه فرمولی خاص ارائه می‌دهد:

$$\text{بالاترین قیمت قله} + ((\text{بالاترین قیمت قله} - \text{پایین‌ترین قیمت دره}) * ۰.۶۴)$$



شرکت The Procter & Gamble



تحليل تکنیکال – Technical Analysis

امتیاز دهی به الگوی کف سه قله :

رتبه عملکرد: ۷ از ۲۳ (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت: ۴٪

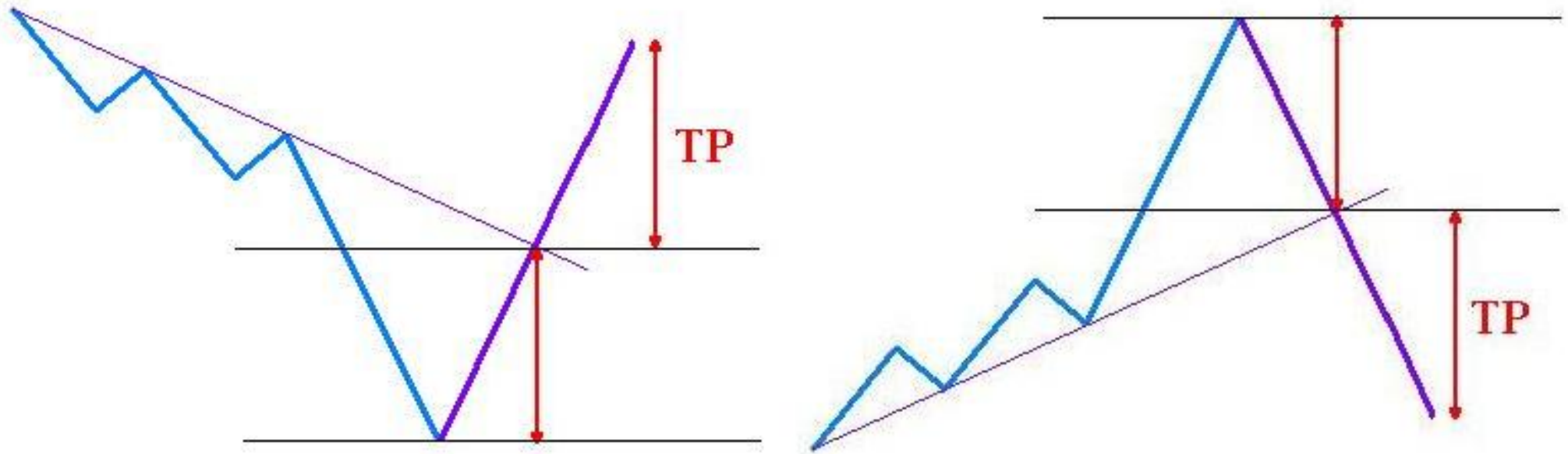
میانگین افزایش : ۳۷٪

احتمال بازگشت : ۶۴٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی: ۶۴٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | قبل از الگو نزولی ، پس از آن صعودی |
| شکل | سه قله در نزدیکی هم با شکست رو به بالای قیمت |
| حجم معاملات | به مرور افزایشی |
| تأیید الگو | بسته شدن قیمت در روند صعودی بالاتر از خط مقاومت |

آرایش وی ۷



ساختارهای V یا اسپایک (spike)، نوع نادری از ساختار کف هستند. در تمامی الگوهای دیگر که در این فصل راجع به آنها بحث شد، بازار سعی دارد که بعد از یک شکست نرخ، قیمت‌ها را دوباره به روند اصلی برگرداند. اما کفهای اسپایک فاقد این خصوصیت هستند. آن‌ها بسادگی و **بدون هیچ هشدار**ی، از یک روند به روند متقابلش تغییر موقعیت می‌دهند و در طی این تغییر موقعیت و یا بعد از آن، حجم زیادی از معاملات را در بر می‌گیرند زیرا در طی زمانی که روند اصلی باید نقدی و یا کف شود، موقعیت‌های فوق العاده‌ای به وجود می‌آیند.

الگوی "وی" V با **شکسته شدن خط روند** تکمیل می‌شود و می‌توان وارد معامله شد. شاخصه اصلی این الگو بازگشت ناگهانی قیمت می‌باشد و بازگشت‌های داخل الگو بسیار کوتاه و موقت است. مشخصه دیگر الگوی V **شیب زیاد موج آخر حرکت روند قبلی** می‌باشد و **بازگشت‌ها معمولاً با همان زاویه‌ای بر می‌گردد که بازار با آن شیب حرکت اصلی را آغاز کرده است.**

شکل زیر، چگونگی ساختار کف V را نشان می‌دهد. خطی که در پائین نمودار رسم شده و مینیمم نرخ روند نزولی را نشان می‌دهد، می‌تواند از دیگر خط‌های قبلی و بعدی، منحصر باشد. شدید بودن هر دو روند، نشانه قطعیت بازار در مسیر قیمت است.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

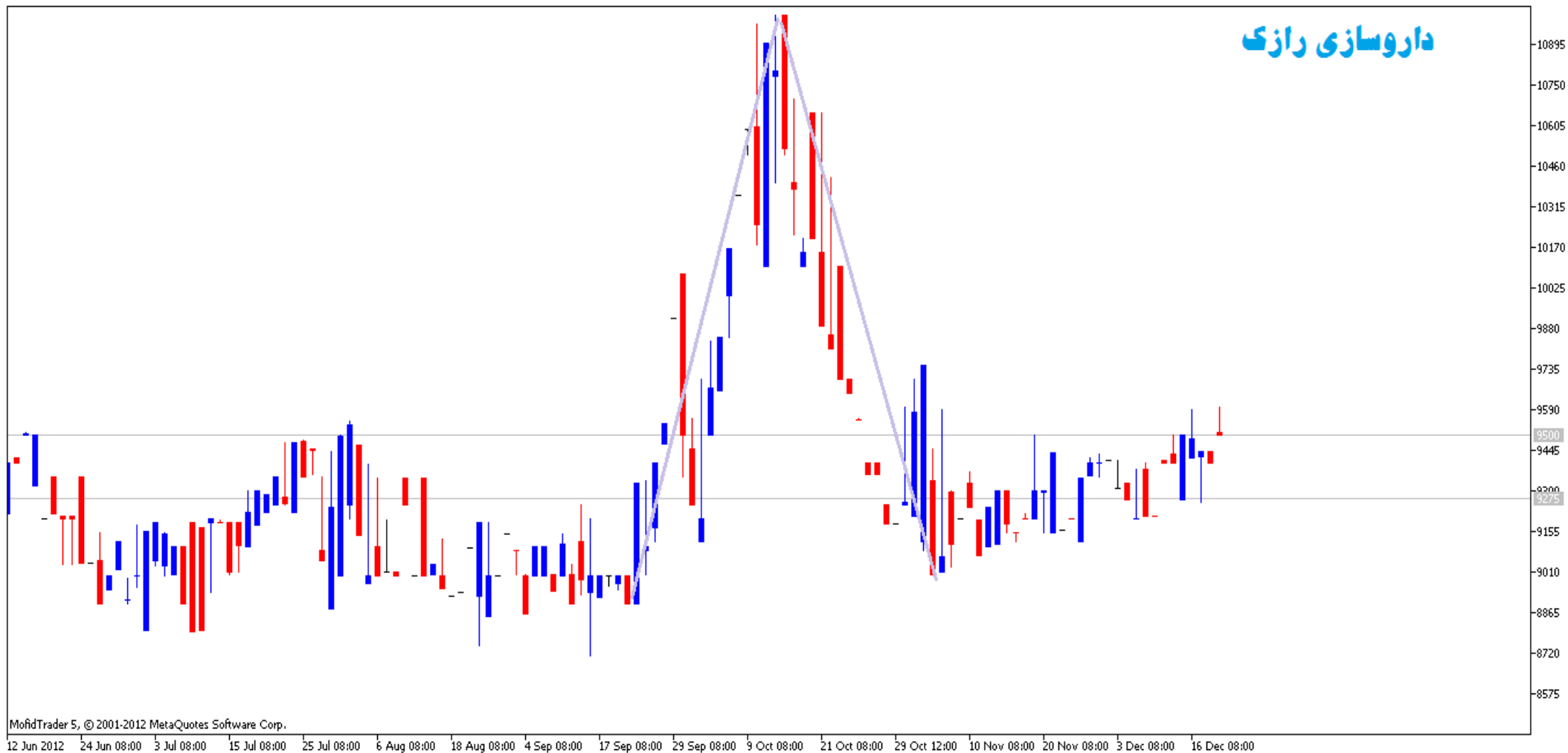
ارتباط V با قیمت : قیمت‌ها به سرعت پایین یا بالا می‌روند و این مقدار می‌تواند خارج از حد انتظار باشد. این تغییر جهت، عموماً بدون اخطار قبلی صورت می‌گیرد.
ارتباط V با حجم: حجم عموماً در این الگو زیاد است.

وقوع V : آرایش V را می‌توان به خصوص در سهام پرگردش به کرات مشاهده نمود.

اهمیت تکنیکی : آرایش V آن قدر سریع و غیرمنتظره اتفاق می‌افتد که تنها پس از وقوع می‌توان ایجادش را مشاهده نمود. بنابراین، فرصت سود بردن از این نوع آرایش کاملاً محدود است و بستگی به تجربه تکنیسین دارد.

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

داروسازی رازک



Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

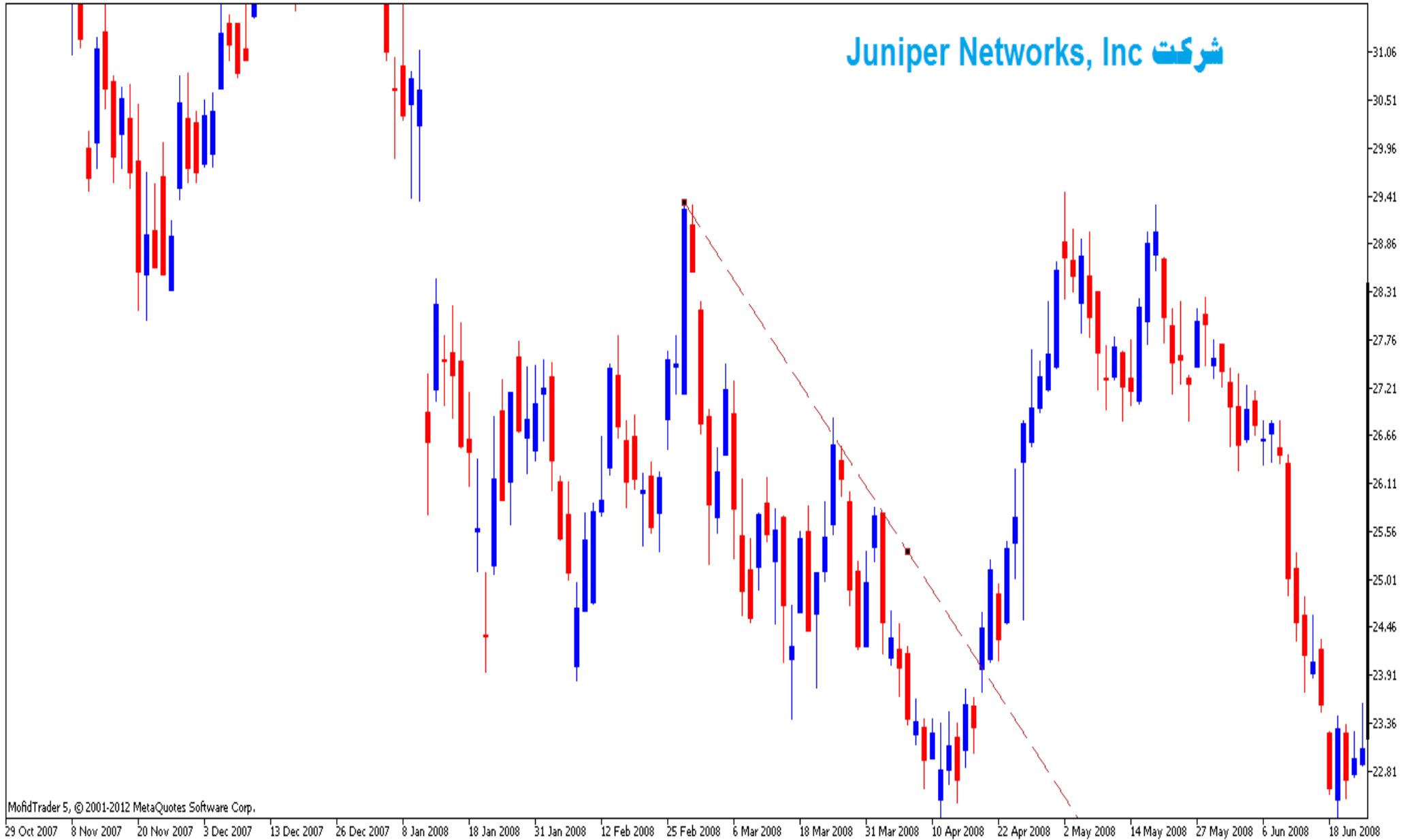
فولاد مبارکه اصفهان



MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

12 Mar 2012 27 Mar 2012 10 Apr 2012 22 Apr 2012 5 May 2012 15 May 2012 27 May 2012 10 Jun 2012 23 Jun 2012 3 Jul 2012 1 Aug 2012 13 Aug 2012 27 Aug 2012 11 Sep 2012 24 Sep 2012 6 Oct 2012 16 Oct 2012 30 Oct 2012 12 Nov 2012 26 Nov 2012 8 Dec 2012

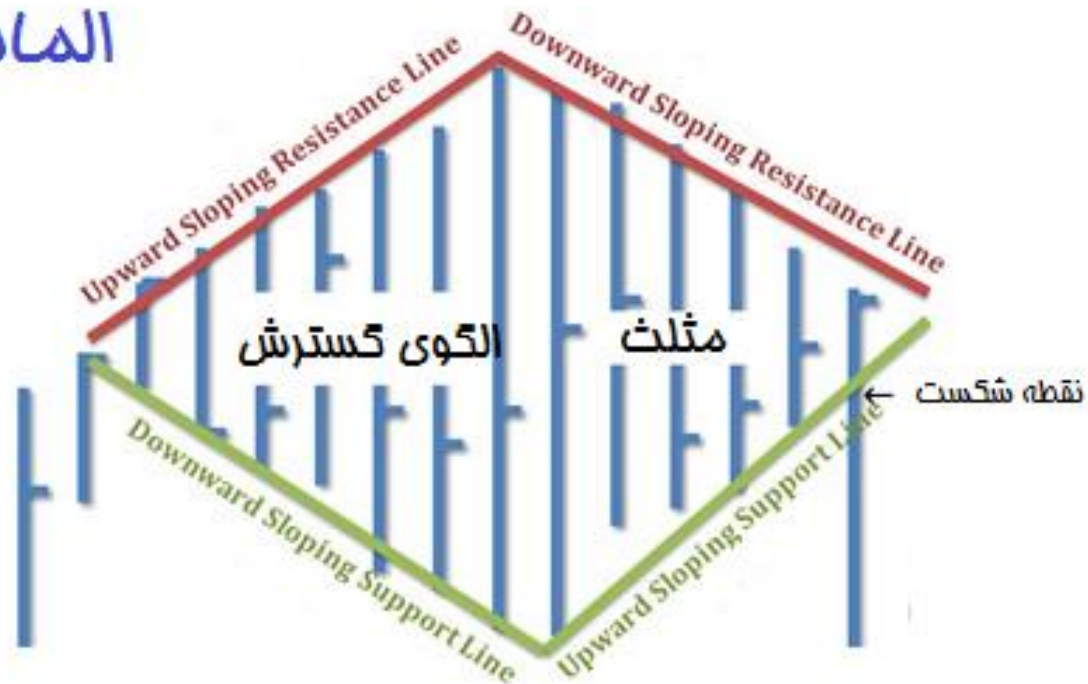
Technical Analysis – تحليل تکنیکال

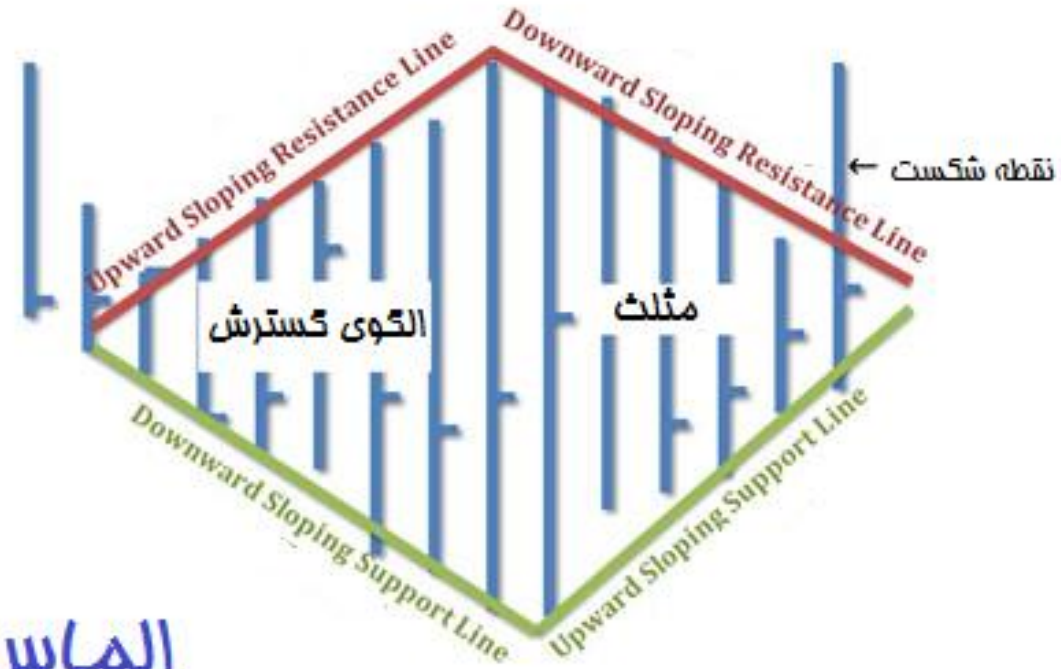


الگوی الماس Diamond

الگوی الماس نیز در انتهای روند به وجود می‌آید. بعد از یک روند صعودی یا نزولی در ابتدا شاهد سقف و کفهای کوچک هستیم. به مرور دامنه حرکت سقف و کفها بزرگ‌تر می‌شود دوباره در اواخر الگوی اندازه سقف و کفها بزرگ‌تر می‌شود.

الماس سقف





الماس پایین

الماس بالا



اکثریت (۵۸٪) از الماس‌های تشکیل شده در بالای نمودار، پس از یک روند شدید صعودی ایجاد می‌شوند که احتمال شکست رو به پایین قیمت را افزایش می‌دهد. افت قیمت نیز یک آینه (قرینه) از روند رو به رشد قبلی خواهد بود. (به عنوان مثال حرکت نزولی بازار پس از شکست، ۸۲ درصد مسیر صعودی را طی می‌کند.)

امتیاز دهی به الگوی الماس بالا :

رتبه عملکرد کل برای شکست به سمت بالا / پایین: ۲۱ از ۲۳ برای بالا و ۷ از ۲۱ برای پایین (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت در شکست به سمت بالا / پایین: ۱۰٪، ۶٪

میانگین افزایش / کاهش: ۲۷٪، ۲۱٪

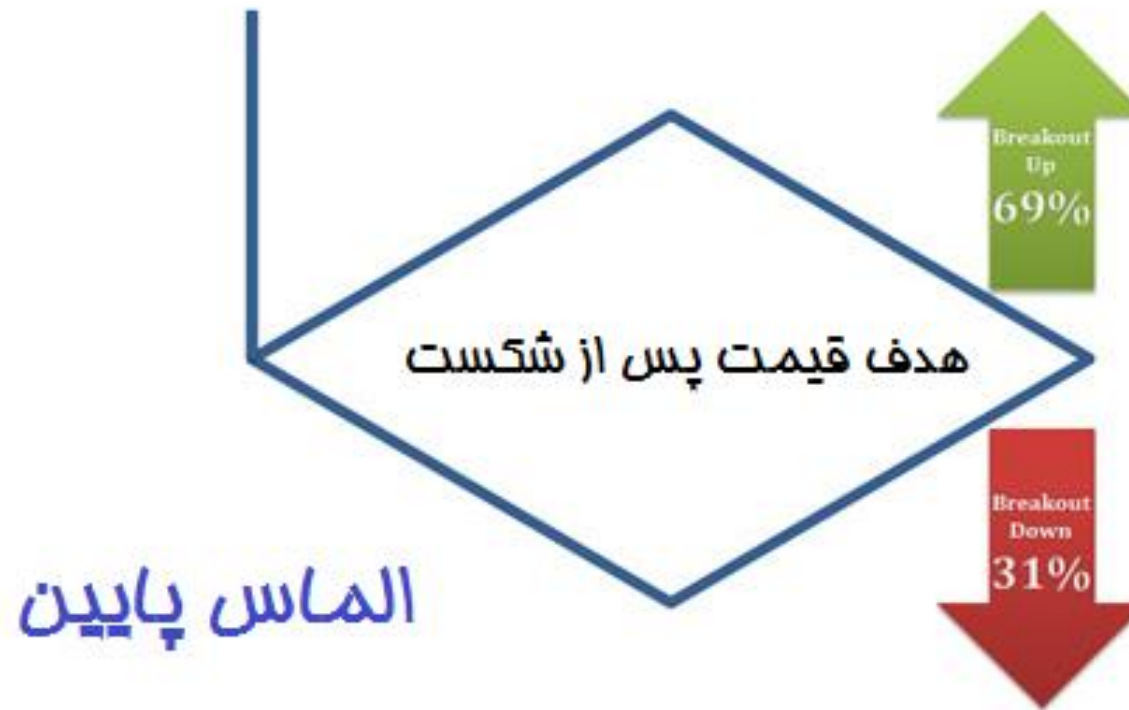
احتمال بازگشت / pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت) : ۵۹٪، ۵۷٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۶۹٪، ۷۶٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | صعودی |
| شکل | شبیه الماس ، اما معمولاً به سمتی کج شده است |
| خطوط روند | خطوط روند از هم دور می‌شوند و مجدداً به هم نزدیک می‌شوند |
| لمس | قیمت‌ها هر خط روند را یک یا دو بار لمس کند. نگران نباشید اگر خطوط از برخی نقاط دورافتاده قیمت عبور می‌کند |
| حجم معاملات | روند کاهشی در ۶۷٪ مواقع |
| جهت شکست | ۶۹٪ رو به پایین |

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

بررسی احتمالات جهت شکست در الماس پایین



Bulkowski در تحقیقات وسیع خود به این نکته اشاره کرده است که احتمال شکست رو به بالای الماس پایین و احتمال شکست رو به پایین الماس بالا ۶۹٪ است. الگوی الماس ایجاد شده در پایین نمودار در صورت شکست به سمت بالا به عنوان یکی از بهترین الگوهای قیمتی برای کسب بازدهی شناخته شده است.

امتیاز دهی به الگوی الماس پایین :

رتبه عملکرد کل برای شکست به سمت بالا / پایین: ۸ از ۲۳ برای بالا و ۱ از ۲۱ برای پایین (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت در شکست به سمت بالا / پایین: ۴٪ ، ۱۰٪

میانگین افزایش / کاهش: ۳۶٪ ، ۲۱٪

احتمال بازگشت / pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت) : ۵۳٪ ، ۷۱٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۸۱٪ ، ۶۳٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | نزولی |
| شکل | شبیه الماس ، اما معمولاً به سمتی کج شده است |
| خطوط روند | خطوط روند از هم دور می‌شوند و مجدداً به هم نزدیک می‌شوند |
| لمس | قیمت‌ها هر خط روند را یک یا دو بار لمس کند. نگران نباشید اگر خطوط از برخی نقاط دورافتاده قیمت عبور می‌کند |
| حجم معاملات | روند کاهشی در ۶۶٪ مواقع |
| جهت شکست | ۶۹٪ رو به بالا |

Diamond Top





اهداف قیمت الگوی الماس

الماس پایین شکست به سمت بالا : قیمت نقطه شکست + ((بلندترین قله از الگوی الماس – پایین ترین دره الگوی الماس) * ۸۱٪)

الماس پایین شکست به سمت پایین: قیمت نقطه شکست – ((بلندترین قله از الگوی الماس – پایین ترین دره الگوی الماس) * ۶۳٪)

الماس بالا شکست به سمت بالا : قیمت نقطه شکست + ((بلندترین قله از الگوی الماس – پایین ترین دره الگوی الماس) * ۶۹٪)

الماس بالا شکست به سمت پایین : قیمت نقطه شکست – ((بلندترین قله از الگوی الماس – پایین ترین دره الگوی الماس) * ۷۶٪)

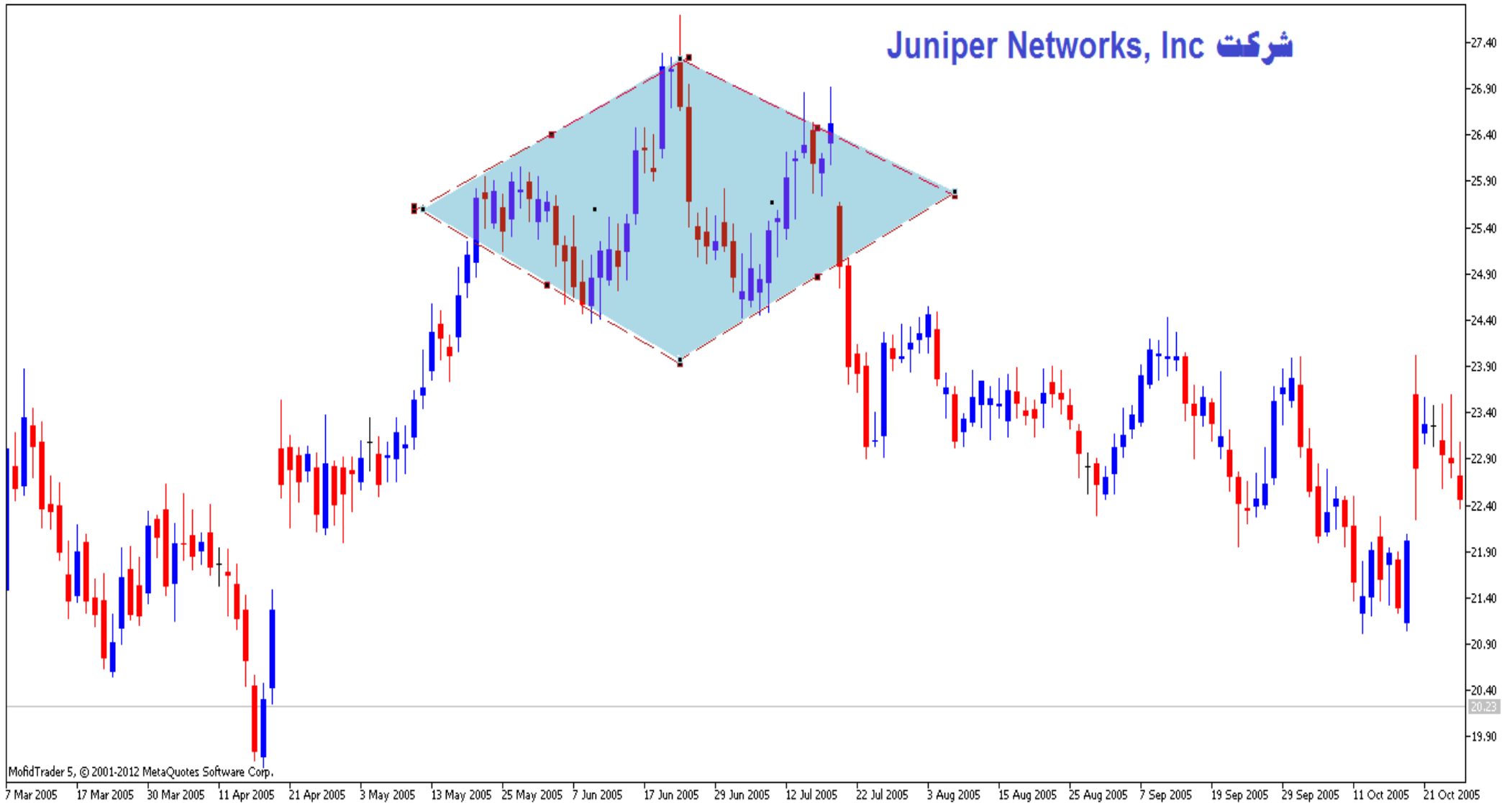


تحليل تکنیکال – Technical Analysis

سرمایه گذاری صنعت و معدن



MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.



الگوی لوله فوقانی Pipe Top

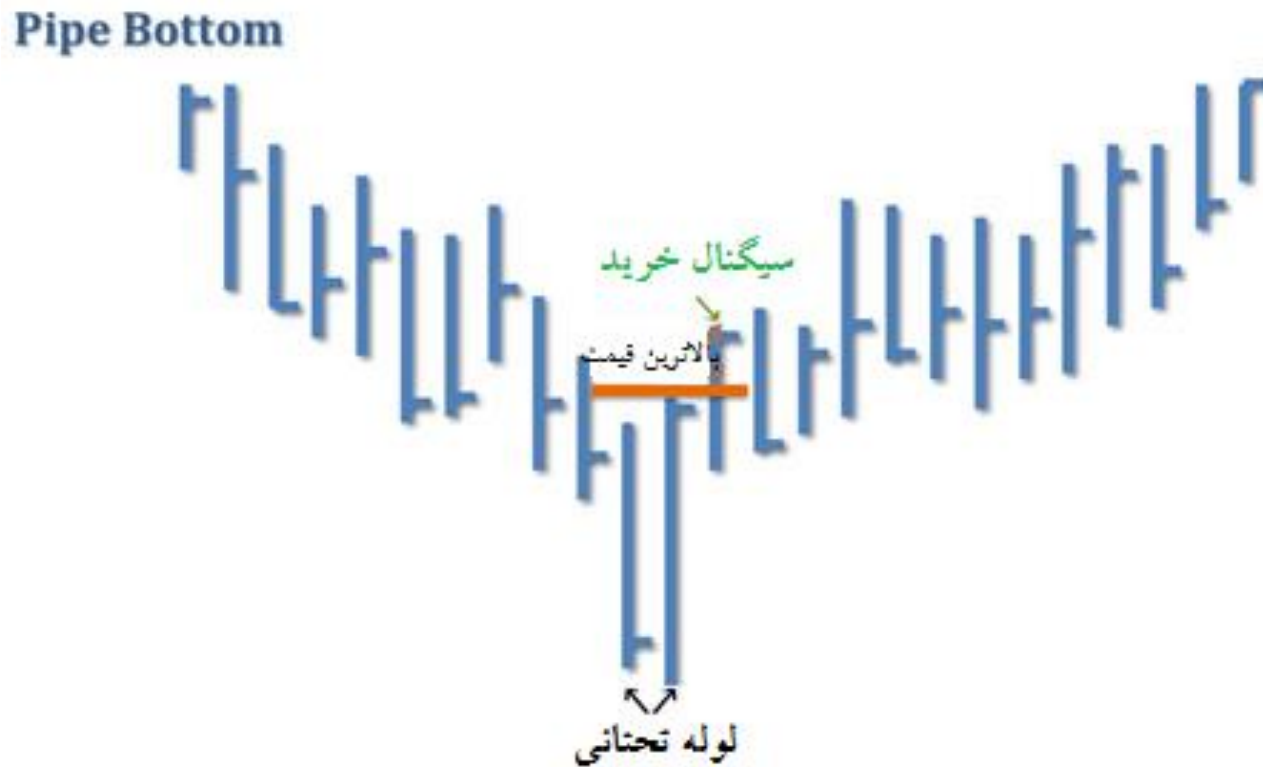
Pipe Top



لوله فوقانی پس از یک روند صعودی کوتاه مدت بر روی نمودار هفتگی رخ می‌دهد و شامل دو خوشه بلندتر قیمت از روزهای عادی است. سیگنال فروش هنگامی صادر می‌شود که قیمت بسته روز سوم به زیر کمترین قیمت میله‌های الگو برسد.

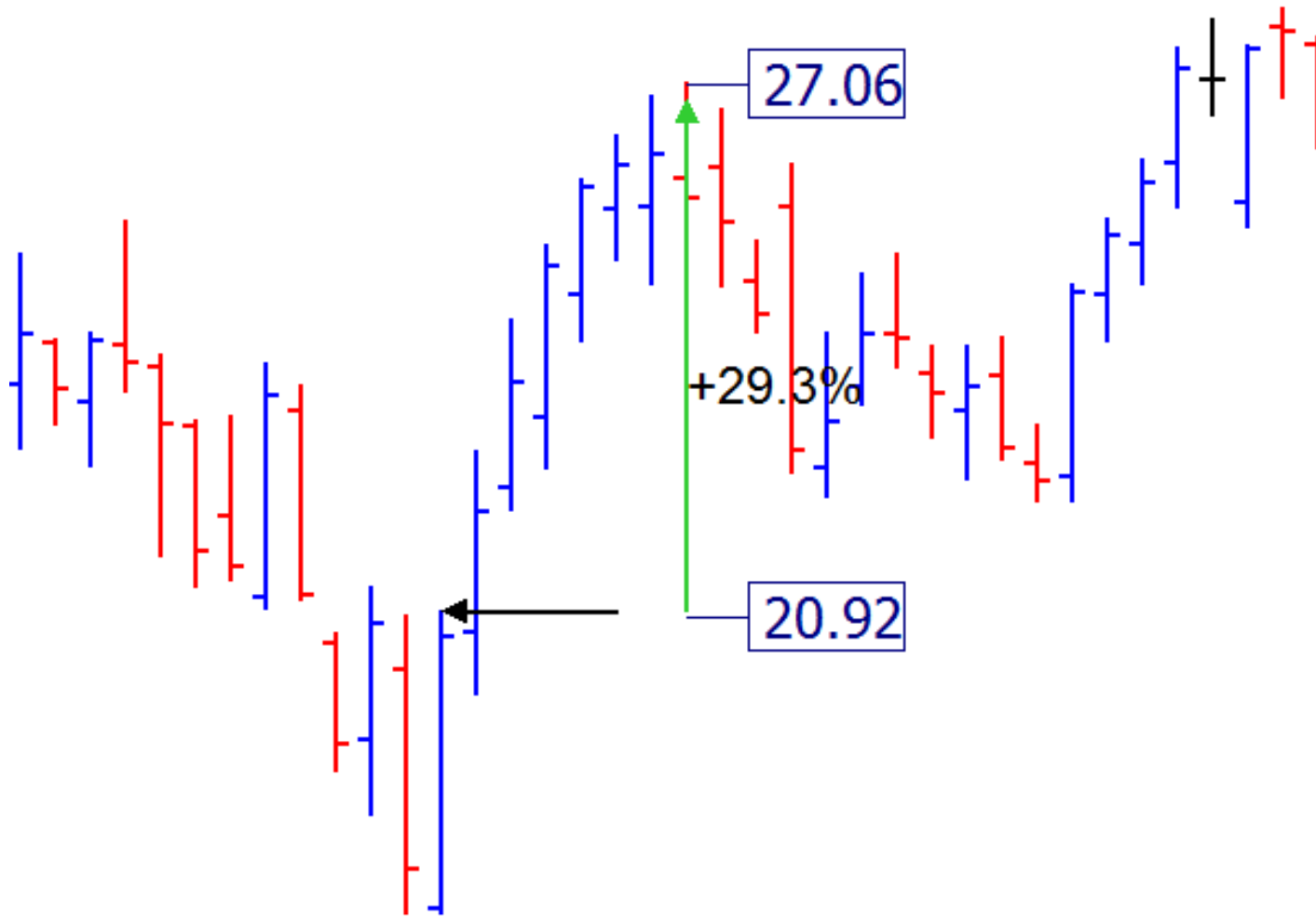


الگوی لوله تحتانی Pipe bottoms



لوله فوقانی پس از یک روند نزولی کوتاه مدت بر روی نمودار هفتگی رخ می‌دهد و شامل دو خوشه بلندتر قیمت از روزهای عادی است. سیگنال خرید هنگامی صادر می‌شود که قیمت بسته روز سوم به بالای بیشترین قیمت میله‌های الگو برسد.

Home Depot, Inc.



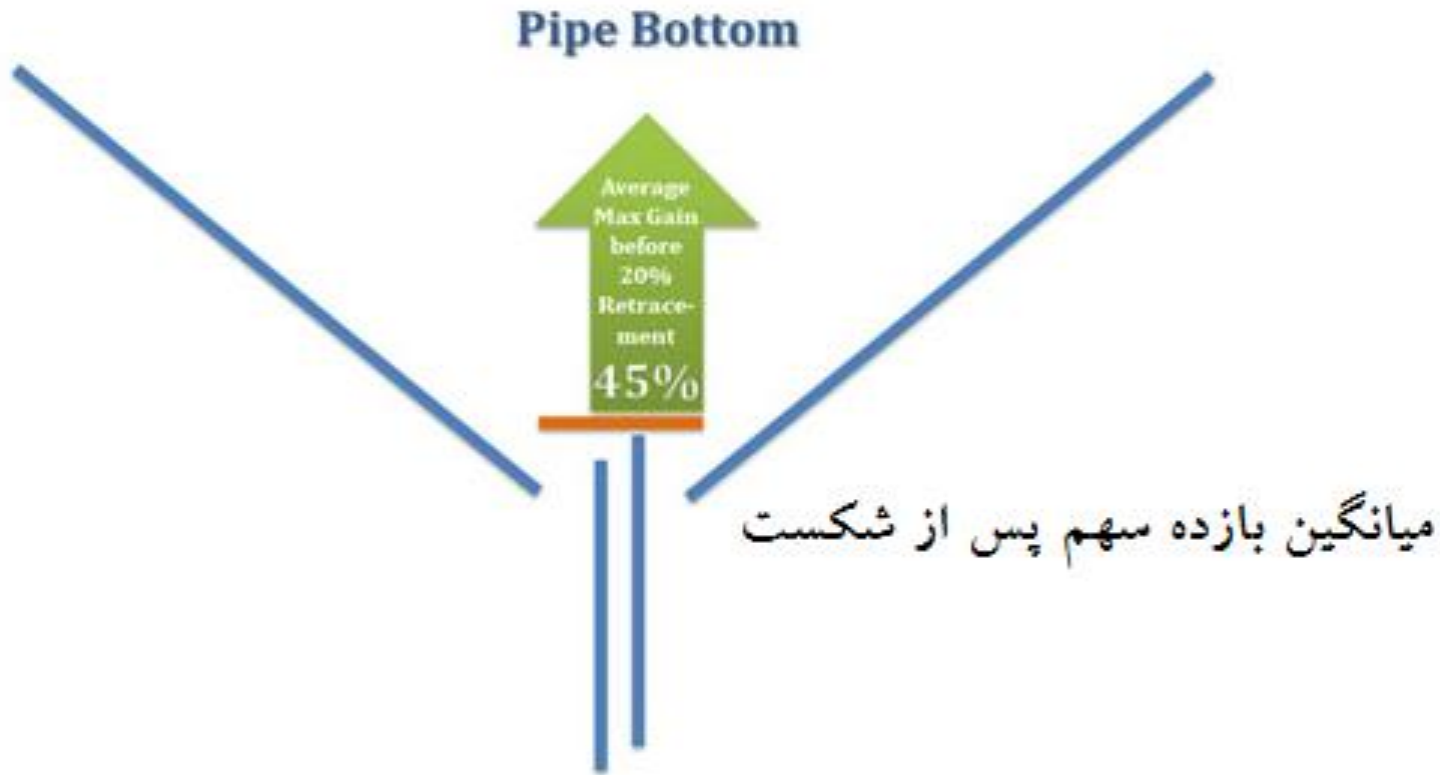


به عقیده Bulkowski، به طور متوسط کاهش قیمت پس از سیگنال فروش در الگوی لوله فوقانی ۲۰٪ است.

صفاتی که باعث افزایش اثربخشی الگوی لوله می شود:

- بهترین لوله فوقانی پس از یک روند نزولی بسیار طولانی رخ می دهد.
- بهترین لوله تحتانی در انتهای یک روند نزولی طولانی رخ می دهد (بیش از ۶ ماه)
- لوله فوقانی که در یک سوم پایین ۵۲ هفته رخ می دهد بهترین عملکرد را دارد.

➤ لوله تحتانی که در یک سوم از ۵۲ هفته رخ می‌دهد بهترین عملکرد را دارد.



افزایش به طور متوسط پس از یک سیگنال خرید برای تشکیل الگوی پایین لوله باعث افزایش ۴۵٪ قیمت می‌شود، در واقع Bulkowski الگوی لوله پایین را یکی از بهترین الگوهای برگشتی قلمداد کرده در حالی که رتبه الگوی بالا ۴ از ۲۳ است.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

امتیاز دهی به الگوی لوله فوقانی :

رتبه کل: ۴ از ۲۱

عدم موفقیت در شکست به پایین: ۱۱٪

میانگین کاهش: ۲۰٪

pullback(جابجایی سطوح حمایت / مقاومت) : ۴۱٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت پایین: ۷۰٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|----------------------------------|
| روند قیمت‌ها | صعودی |
| مقیاس نمودار | هفتگی بهتر است |
| شکل | خوشه‌های دوقلو در کنار هم |
| خطوط روند | حمایت و مقاومت بایستی موازی باشد |
| حجم معاملات | از کندل اول به دوم کاهشی |

امتیاز دهی به الگوی لوله تمتانی :

رتبه کل: ۲ از ۲۱

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

عدم موفقیت در شکست به بالا : ۵٪

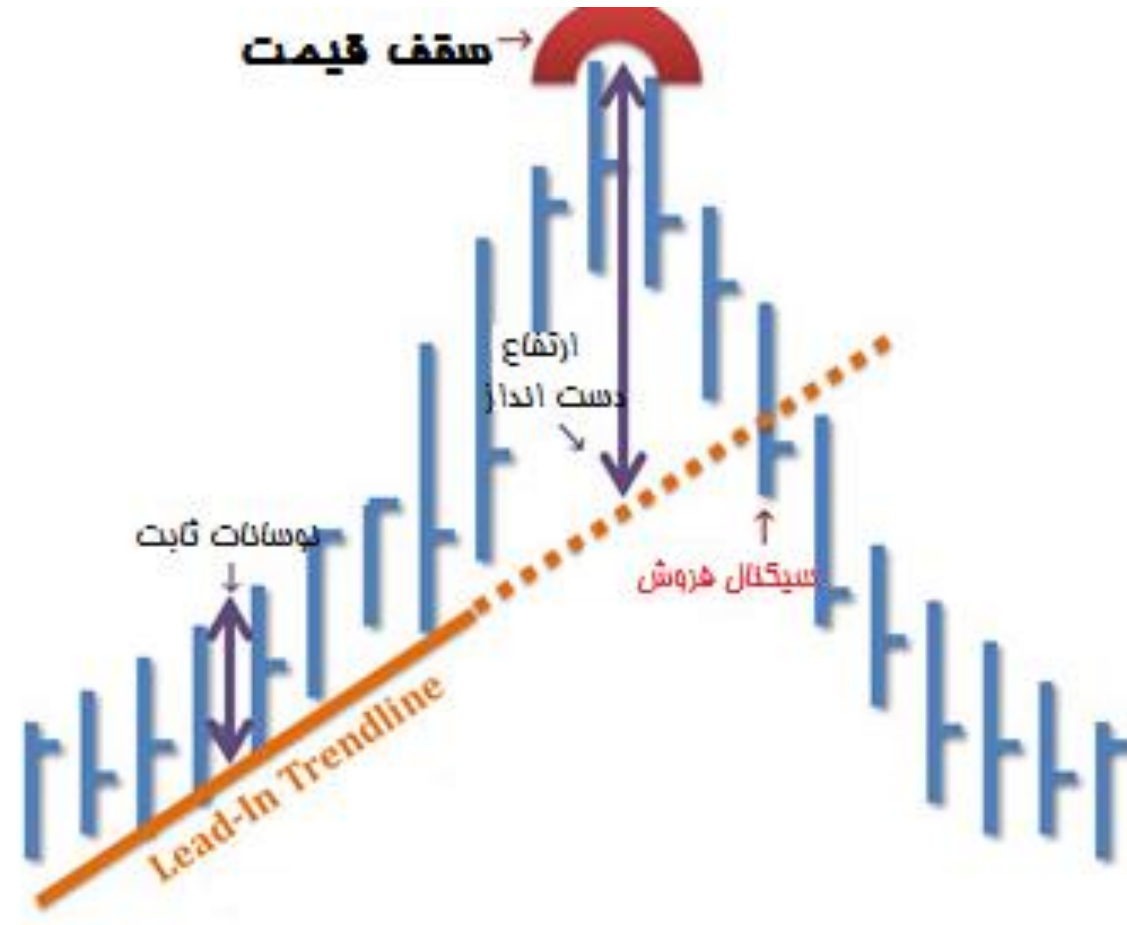
میانگین افزایش: ۴۵٪

احتمال بازگشت : ۴۴٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت پایین: ۸۳٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|----------------------------------|
| روند قیمت‌ها | نزولی |
| مقیاس نمودار | هفتگی بهتر است |
| شکل | خوشه‌های دوقلو در کنار هم |
| خطوط روند | حمایت و مقاومت بایستی موازی باشد |
| حجم معاملات | از کندل اول به دوم افزایشی |

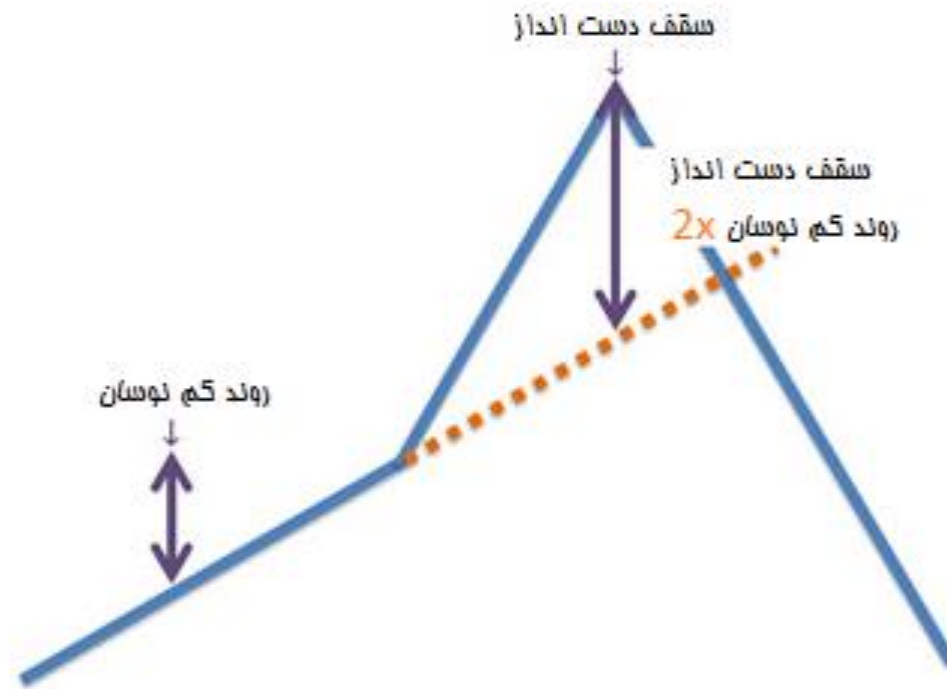
الگوی جهش ناگهانی (دست انداز) و چرخش فوقانی



دست انداز قیمتی (جهش ناگهانی) و برگشت از بالا در روندی با زاویه **حدودی ۳۰ تا ۴۵ درجه** ایجاد می گردد. رشد ناگهانی قیمت با شیبی در حدود ۴۵ تا ۶۰ درجه الگوئی شبیه دست انداز را ایجاد می کند. هیجانان خریداران به سرعت فروکش کرده و قیمت در چرخشی ناگهانی افت می کند (سیگنال فروش) و به نزدیکی خط روند صعودی می رسد. توجه داشته باشید **اگر این الگو در زمانی که قیمت با شیب ۳۰ تا ۴۵ در حرکت بود**، کمتر از یک ماه شکل بگیرد به احتمال بسیار بالا خط روند شکسته می شود و سیگنال فروش صادر می شود.



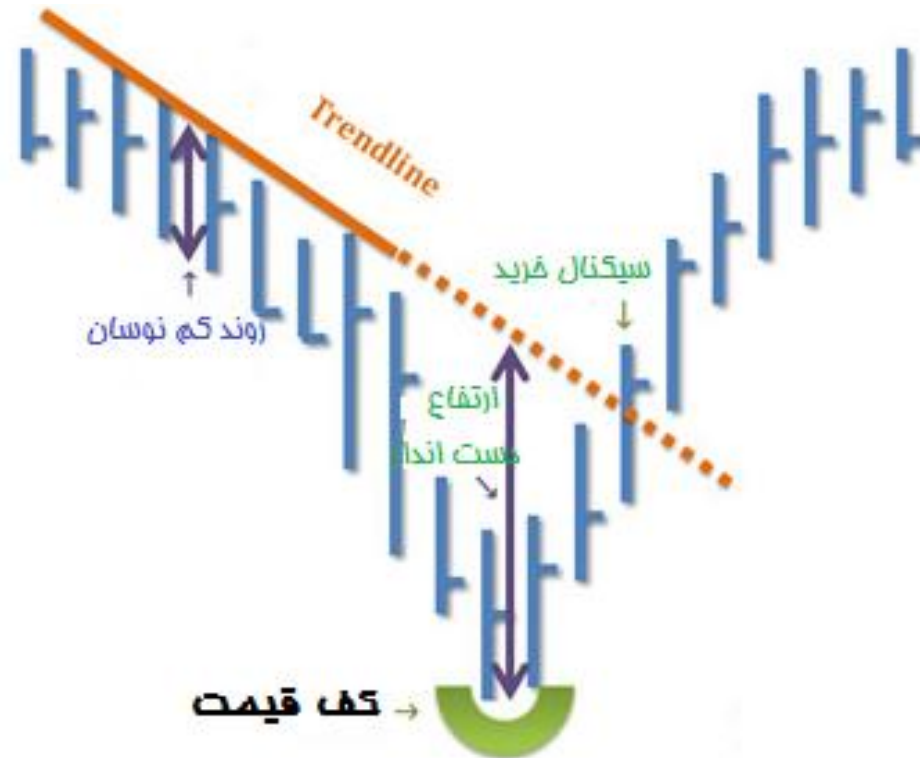
روند صعودی کم نوسان شیب مثبت و صعودی بین ۳۰ تا ۴۵٪ داراست. جهش ناگهانی و ایجاد الگوی دست انداز با افزایش شیب روند به ۵۴ تا ۶۰٪ توام خواهد بود.



توجه داشته باشید که ارتفاع دست انداز باید حداقل دو بار ارتفاع بزرگترین نوسان قیمتی در بازه زمانی خط روند صعودی ۳۰ تا ۴۵ درجه باشد.

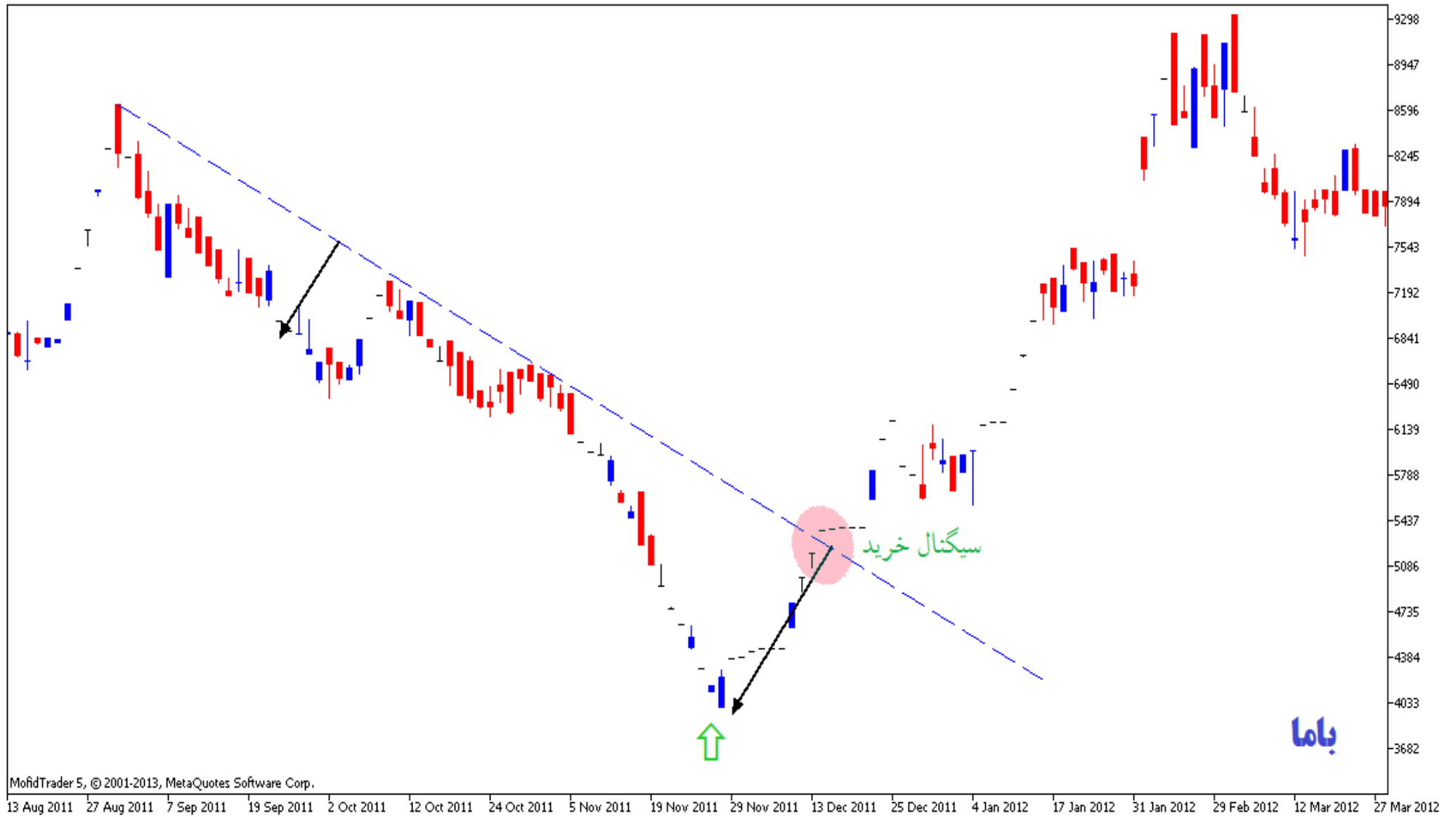


دست انداز و چرخش تحتانی



دست انداز کف و برگشت پایین با یک روند نزولی و سپس روند نزولی تندتر آغاز می شود ، سپس یک برگشت صعودی قوی ایجاد می شود. هنگامی که قیمت ها رشد می کند و به نزدیکی خط روند نزولی می رسد ، سیگنال خرید صادر می شود.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis



MofidTrader 5, © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.

اهداف قیمت

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

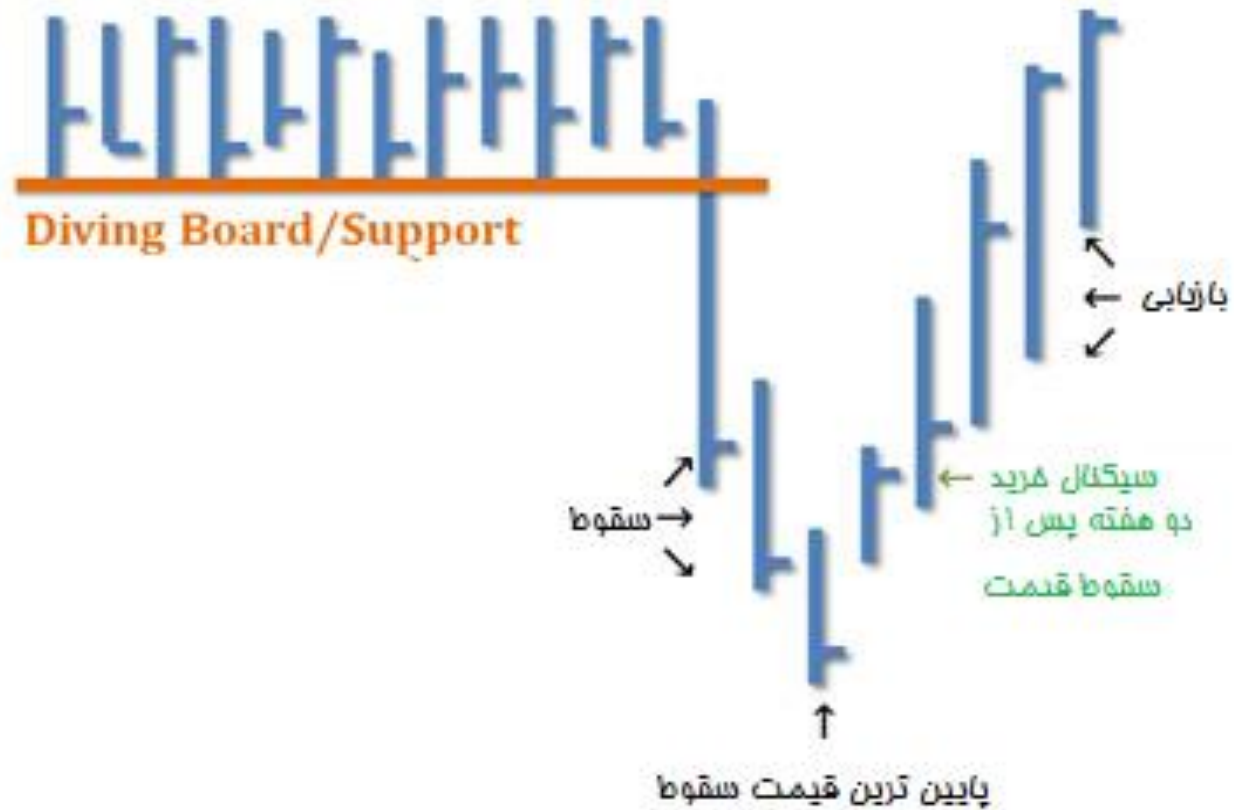
اهداف قیمت پس از یک سیگنال شکست به شرح ذیل است :

دست انداز کف : قیمت شکست مقاومت + ((بالاترین قیمت دست انداز – پایین ترین قیمت دست انداز) * ۶۸٪)

دست انداز سقف : قیمت شکست حمایت – ((قیمت شکست حمایت) * ۷۸٪)

الگوی تخته شیرجه Diving-Board

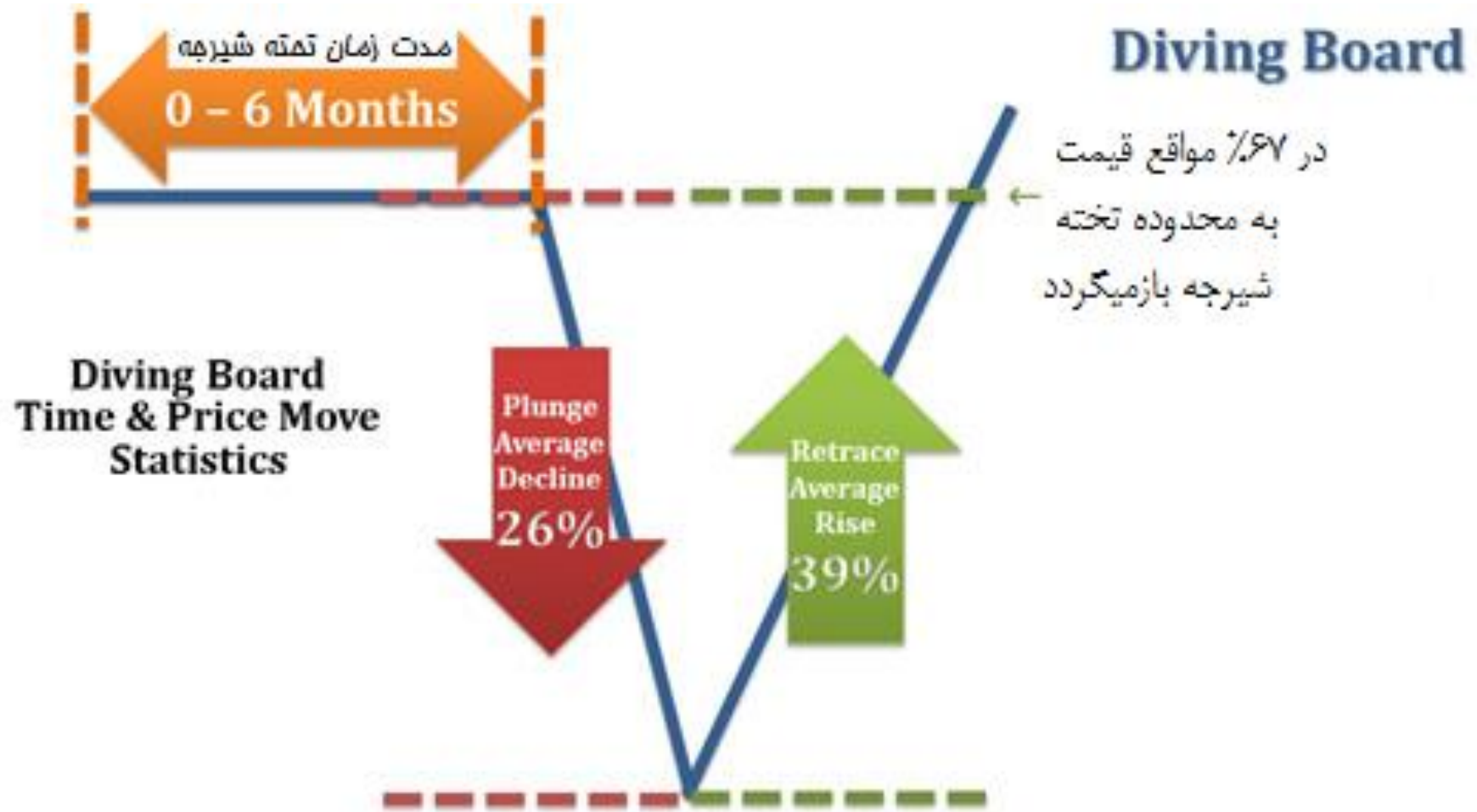
Diving Board



تحليل تکنیکال – Technical Analysis

الگوی تخته شیرجه دارای سه بخش در نمودار هفتگی است: "تخته شیرجه"، تثبیت قیمت به شکل افقی با ته صاف (یعنی خط حمایت) است که به طور متوسط حدود ۲۴ هفته طول می کشد؛ "شیرجه"، که یک نفوذ و سقوط چشمگیر به زیر خط حمایت است که در طول بیش از یک هفته رخ می دهد و ۲۶ درصد کاهش به طور متوسط رخ می دهد و در نهایت "بهبود" است که یک حرکت رو به بالاست و در ۶۷٪ مواقع قیمت به محدوده تخته شیرجه بازمیگردد.

متوسط حرکت و قیمت



این الگو توسط Bulkowski معرفی شده است. او می گوید با استفاده از نمودار هفتگی ۵۶۲ شرکت از ژانویه ۱۹۹۵ تا دسامبر ۲۰۱۰ تنها توانسته است ۳۶۶ الگوی تخته شیرجه را شناسایی کند. این بدان معناست که حداقل در مقیاس هفتگی یک الگوی نادر است.

امتیاز دهی به الگو :

رتبه عملکرد کل: ۳ از ۴۲ (۱ بهترین نمره است)

عدم موفقیت: ۵%

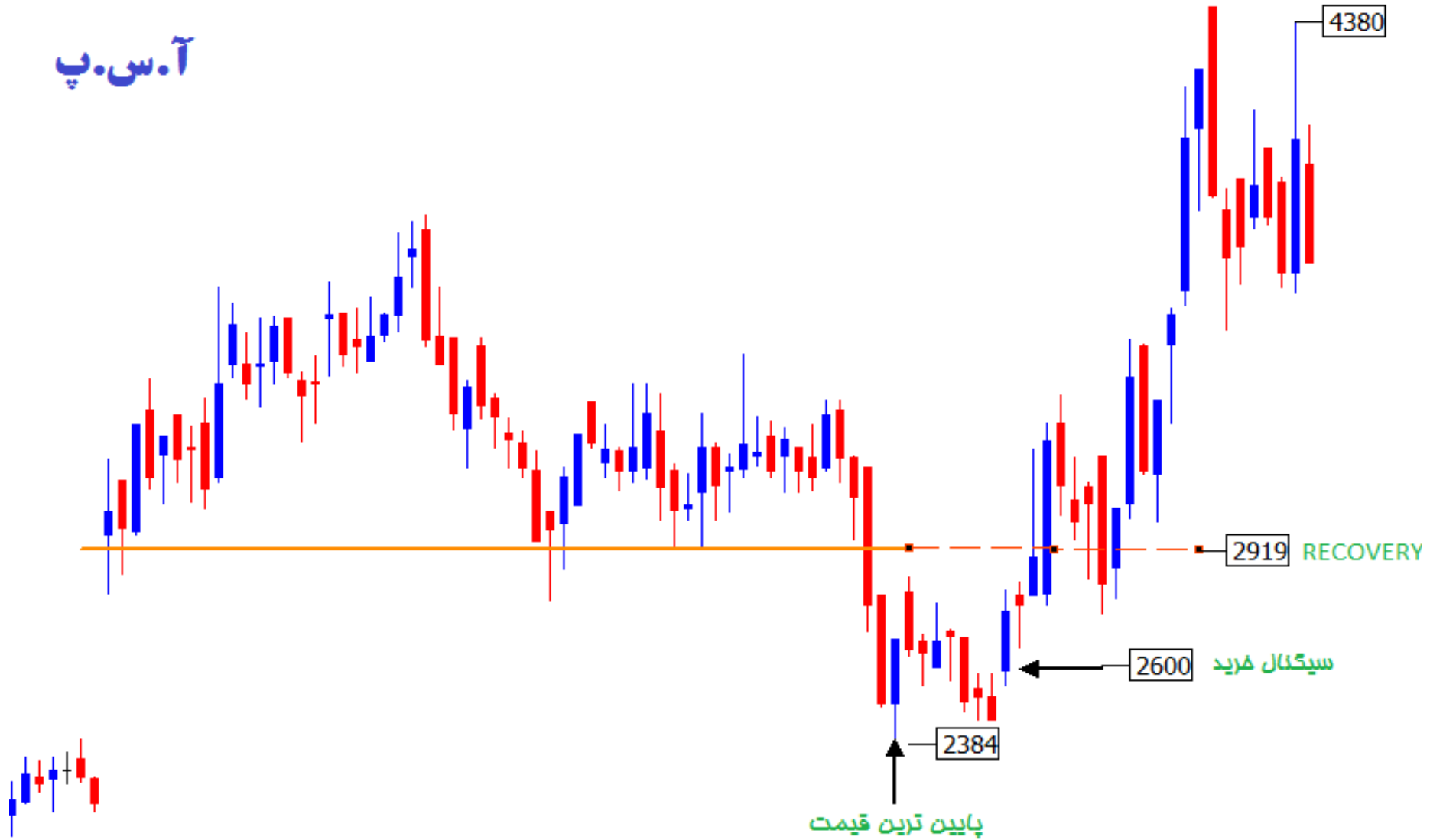
میانگین افزایش: ۳۹%

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|--|
| مقیاس نمودار | برای پیدا کردن این الگو از نمودار هفتگی استفاده کنید. |
| شکل | شبيه تخته شیرجه (دایو شنا) |
| سقوط | قیمت بایستی عمودی (شبيه شیرجه رفتن در آب) سقوط کند |
| میزان سقوط | بین ۲۴ تا ۲۶% |
| recovrey | پس از افت شدید ، قیمت با کندلهای مستقیم بازیابی می شود |

سیگنال خرید دو هفته پس از پایین‌ترین قیمت ثبت شده داده می‌شود. از آنجا که به احتمال ۶۴٪ شکاف ایجاد شده در زمان سقوط قیمت "ریکاوری" می‌شود فروش در محدوده قیمت "تخته شیرجه" گزینه مناسبی است، هر چند Bulkowski معتقد است معامله گران تا زمانی که روند افزایشی ادامه دارد سهام خود را نگه دارند.

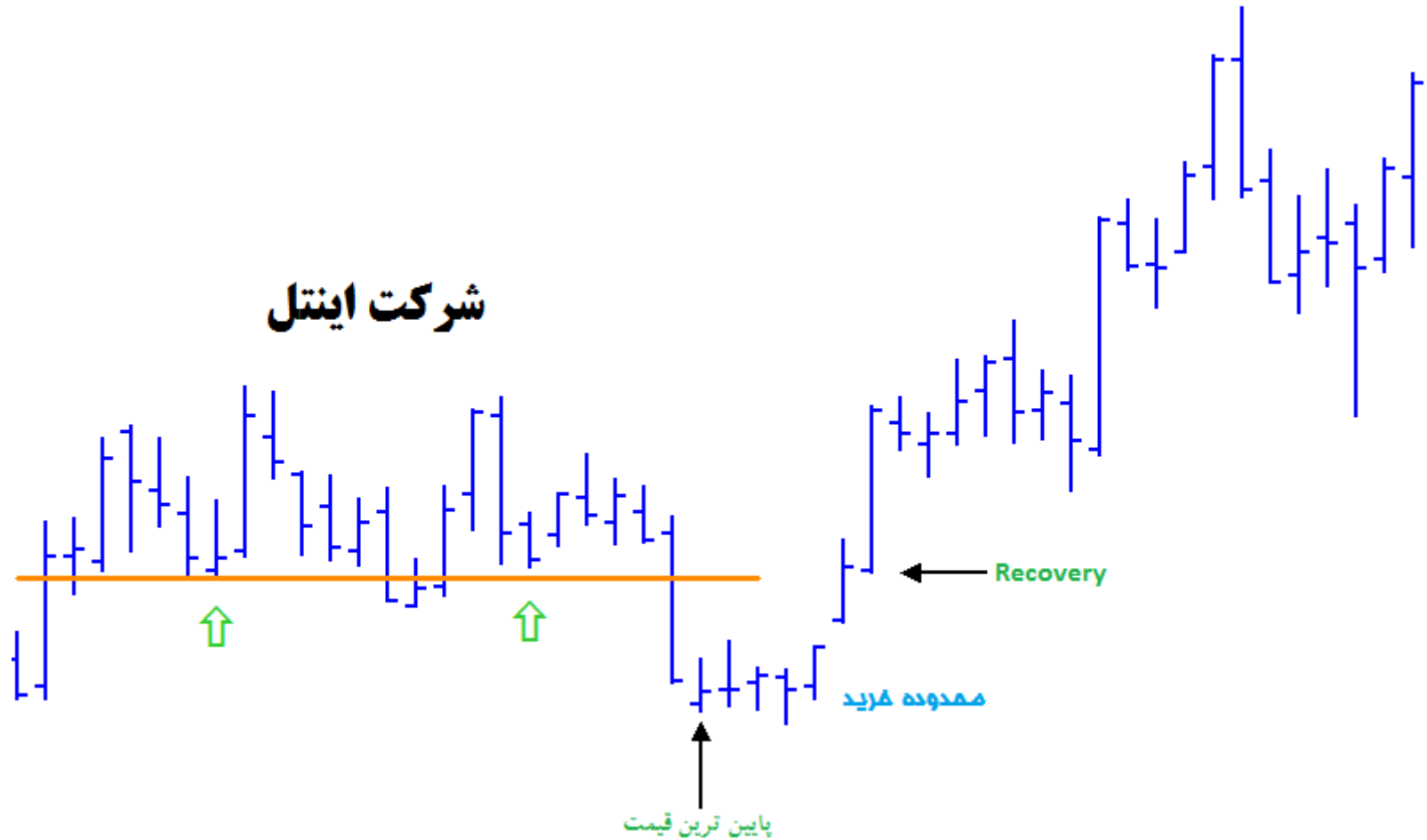
Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

آ.س.پ

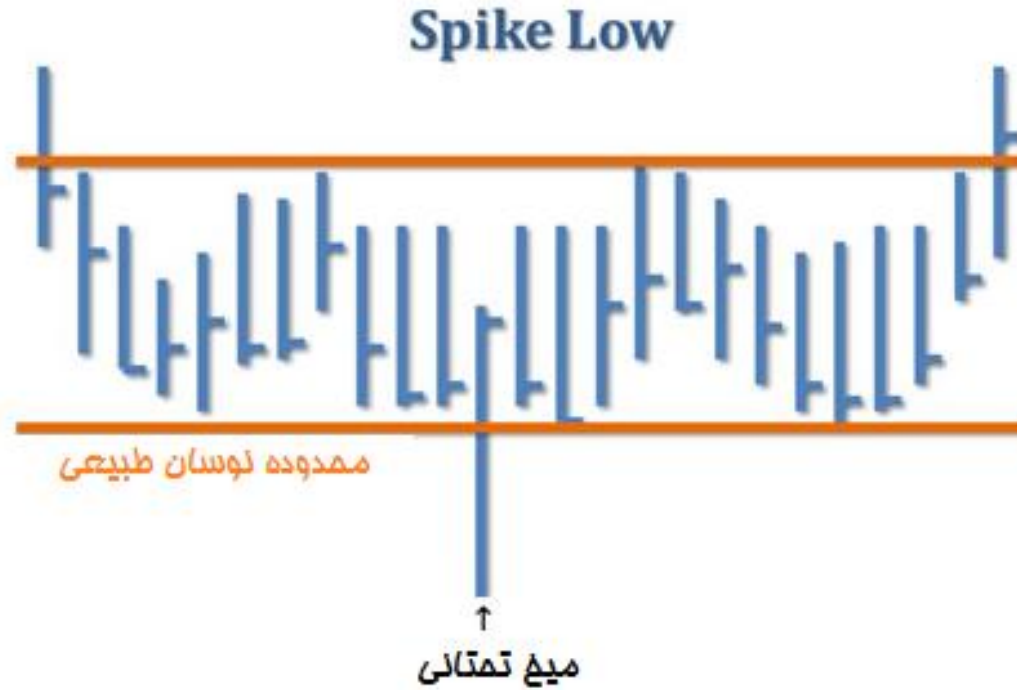


تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

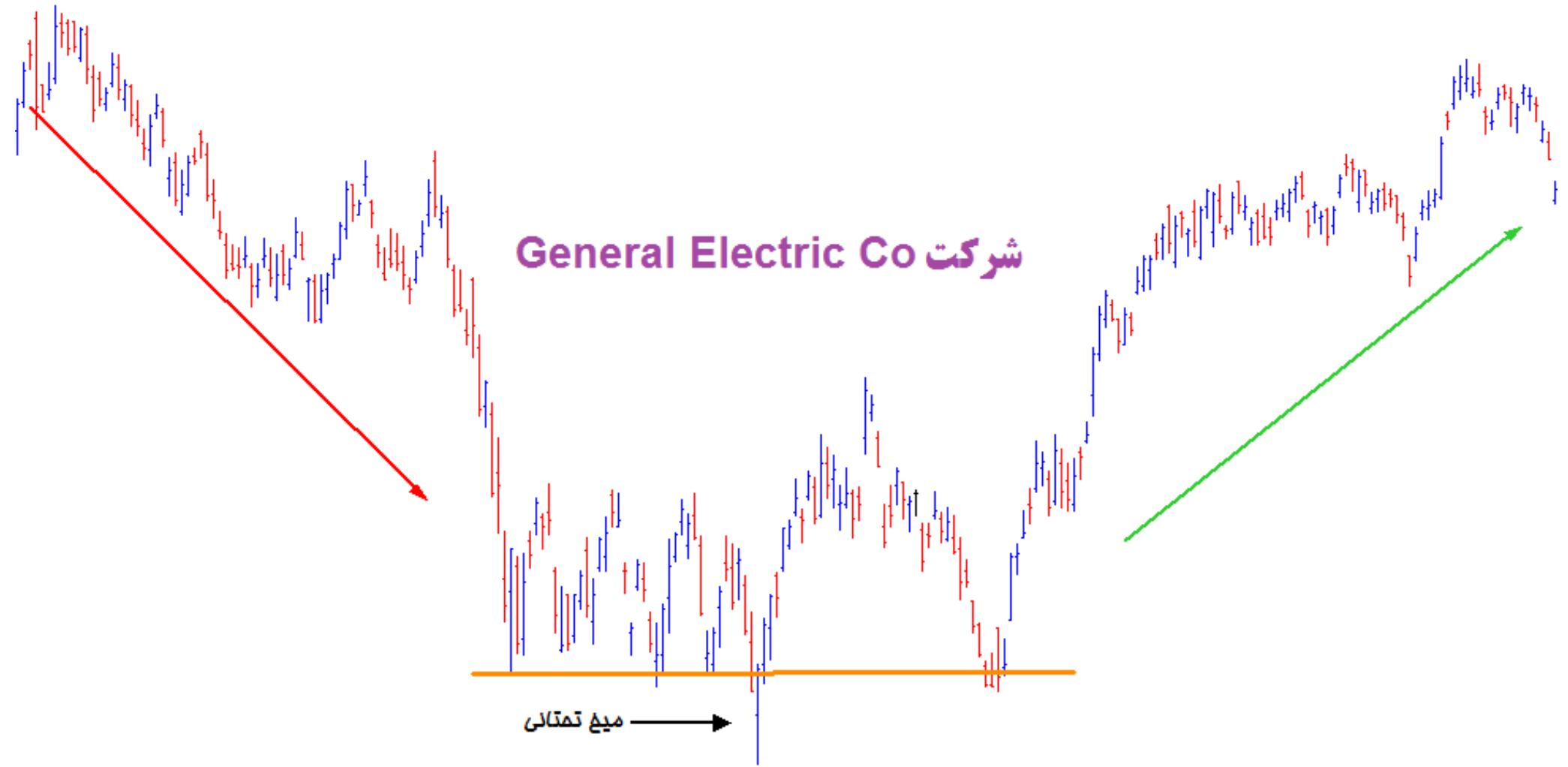
نمودار بالا متعلق به شرکت آ.س.پ است. تثبیت قیمتها در محدوده حمایت ۲۹۲۰ ریال به مدت ۵۶ هفته بوده است. پس از آن یک سقوط شدید و نفوذ قوی به سطح حمایت تا مرز ۲۳۴۸ ریال پیشروی می کند. سپس رشد قیمتها باعث می شود که پایین ترین قیمت الگو ثبت شود و سیگنال خرید صادر شود. در نهایت قیمت بازیابی "ریکاوری" شده و از محدوده حمایت گذشته نیز فراتر می رود.



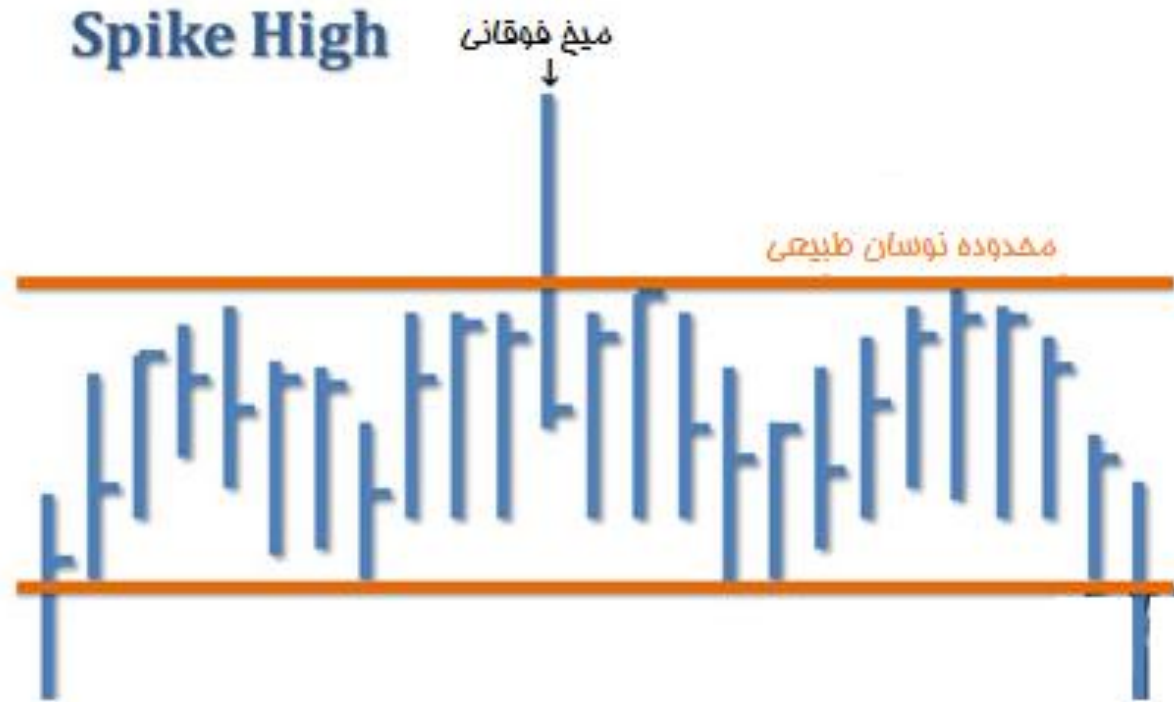
Spike Low or Bullish Spike میخ تحتانی یا میخ صعودی



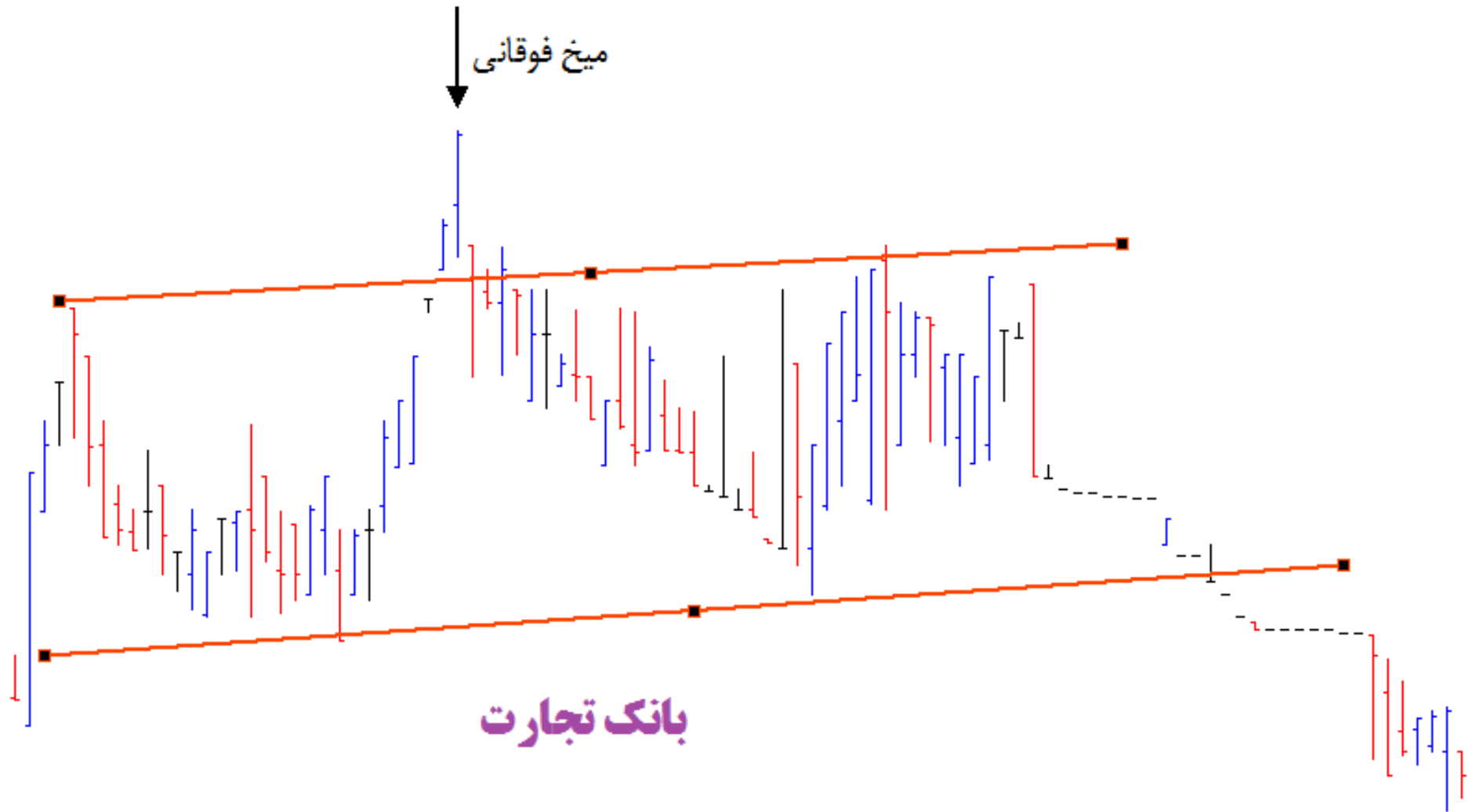
میخ تحتانی کندل غیر طبیعی بزرگی است که به شکل میله‌ای در روند قیمت خنثی نفوذ کرده است. هنگامی که در یک روند خنثی، قیمت در یک روز پایین‌تر از خط روند بسته می‌شود این الگو شکل می‌گیرد.



Spike High or Bearish Spike میخ فوقانی یا میخ نزولی



میخ فوقانی کندل غیر طبیعی بزرگی است که به شکل میله‌ای در روند قیمت خنثی نفوذ کرده است. هنگامی که در یک روند خنثی، قیمت در یک روز بسیار بالاتر تر از خط روند بسته می‌شود این الگو شکل می‌گیرد. برای کسانی که تکنیک‌های رسم نمودار شمعی ژاپنی آشنایی دارند، میخ تحتانی و فوقانی به یک چکش، doji سنجاقک و یا doji سنگ قبر شبیه است. Bulkowski ادعا می‌کند که میخ‌ها نقاط عطف کوتاه مدت هستند و باید به عنوان احتمال تغییرات عمده روند تفسیر شوند.



بانک تجارت

الگوهای ادامه دهنده

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

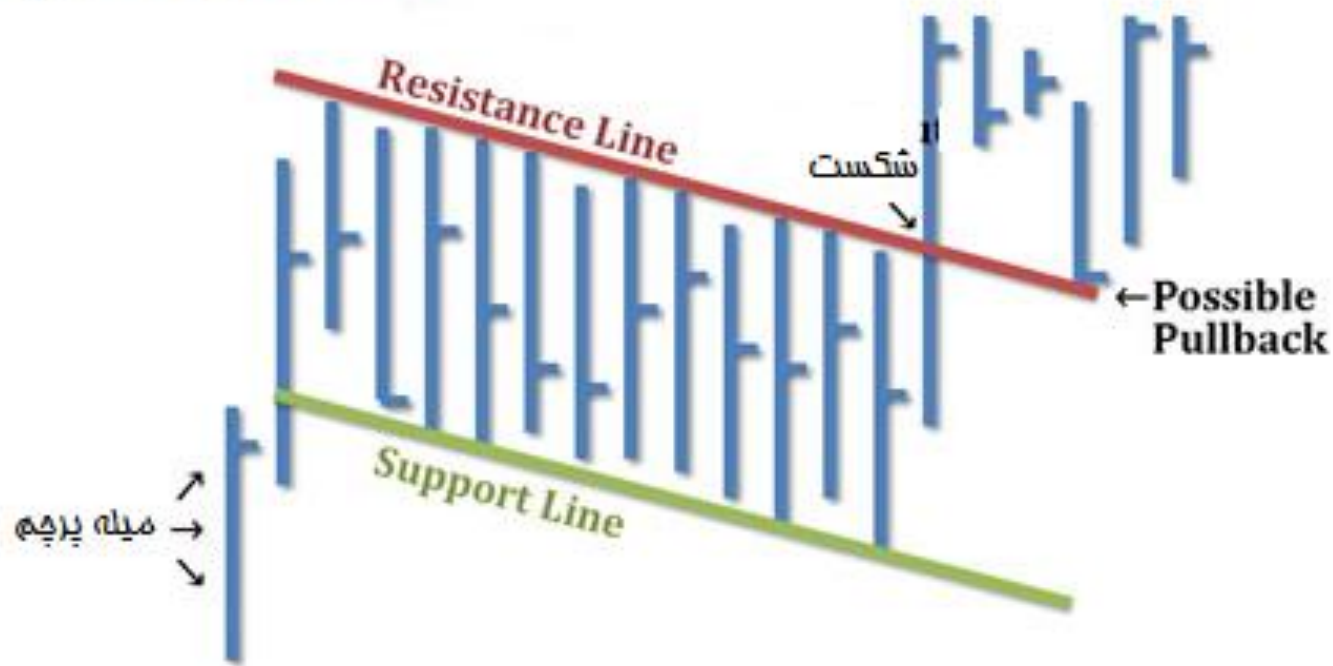
تحلیل گران تکنیکی ، علاوه بر الگوهای روندهای کف اصلی ، الگوهای ادامه دهنده را هم معرفی کرده‌اند. این الگوها باعث تقویت روندها می‌شوند و شکست مورد نیاز بازار در طی یک روند شدید را منعکس می‌کنند. از طریق این ساختارها ، بعضی از معامله گران می‌توانند کل ویا قسمتی از سود خود را برداشت کنند در صورتی که دیگران در درستی جهت روند شک دارند. به طور کلی این فعالیتها ، باعث ایجاد تثبیت قیمت می‌شوند که گاهی به عنوان حرکات خنثی اتفاق می‌افتند ، اما معمولاً در جهت مخالف روند اصلی عمل می‌کنند. این دوره تثبیت کاملاً کوتاه هستند. شکستها باید به طور طبیعی در جهت روند اصلی اتفاق بیفتند. مهم‌ترین الگوهای ادامه دهنده عبارتند از:

- | | |
|--------------------------------|--------------------------------------|
| ۱. پرچم | ۹. صعودی و نزولی زاویه دار (راست) |
| ۲. پرچم همگرا در روند صعودی | ۱۰. انبساط فوقانی و تحتانی |
| ۳. پرچم همگرا در یک روند نزولی | ۱۱. فنجان و دسته |
| ۴. مثلث افزایشی و کاهش | ۱۲. اندازه گیری حرکت صعودی |
| ۵. مثلث متقارن | ۱۳. اندازه گیری حرکت نزولی |
| ۶. مستطیل | ۱۴. نیم دایره پایین و نیم دایره بالا |
| ۷. کنج | ۱۵. سه قله در حال سقوط |
| ۸. گسترش کنج صعودی و نزولی | ۱۶. سه دره افزایشی |

الگوی پرچم Flags

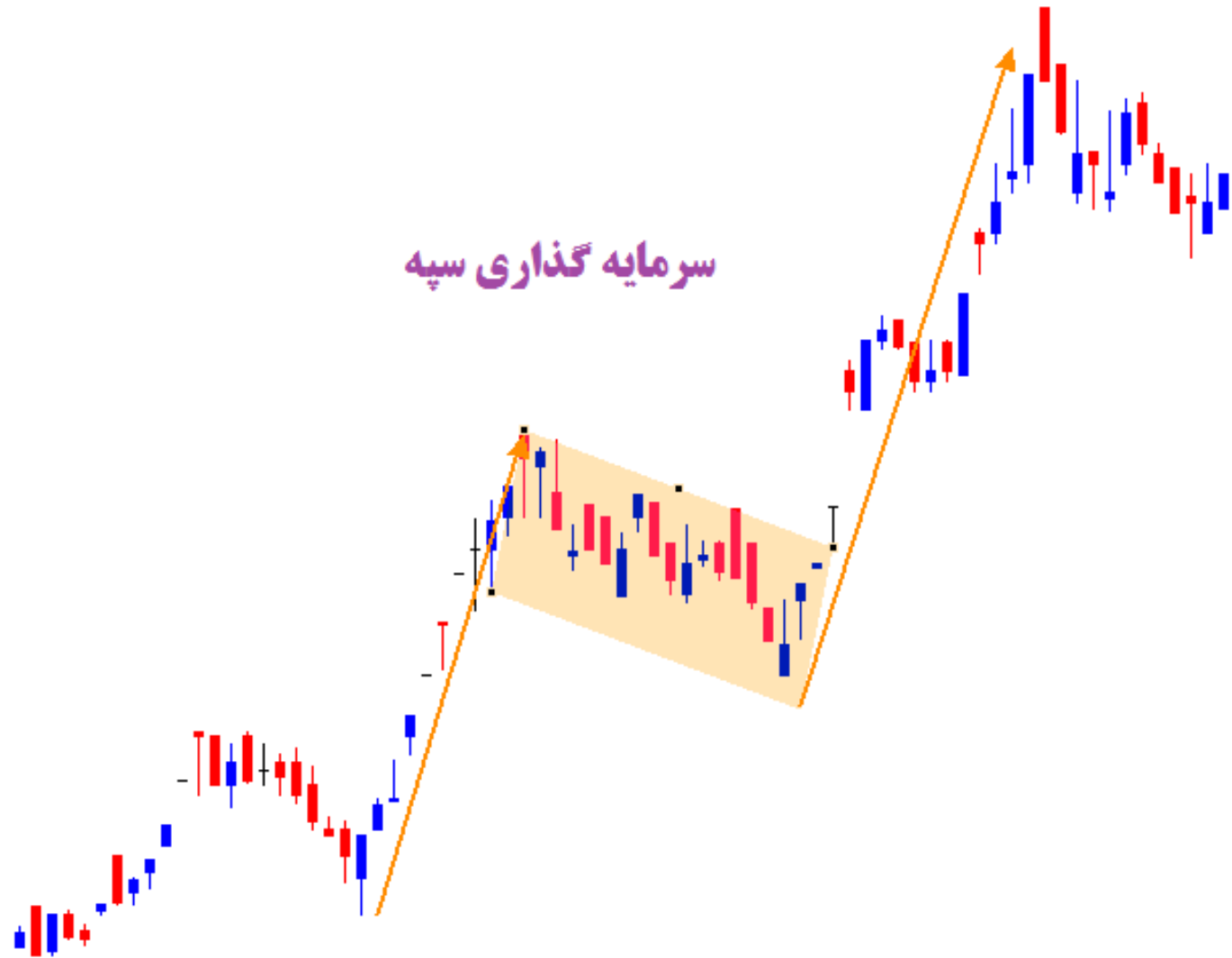
پرچم، یک الگوی روند ادامه دهنده معتبر است که نشانه‌های مهمی بدست می‌دهد: جهت و نرخ مورد نظر. این ساختار شامل یک دوره ثابت کوتاه مدت در یک روند شیب دار صعودی و یا نزولی است. شیب ثابت یا درخلاف جهت شیب روند اصلی است، و یا مسطح است. این ثابت بین یک خط حامی و یک خط مقاومت محصور شده است که این دو خط یا با هم موازی هستند (مثل یک متوازی الاضلاع) و یا به سمت هم مایل هستند که باعث می‌شوند الگو شبیه یک پرچم شود. روند اصلی، میله پرچم است. هنگامی که قیمت با شکست ثابت، دوباره وارد روند شود، هدف قیمت طول کلی میله پرچم است که از سطح شکست نرخ اندازه گیری می‌شود.

Flag in Uptrend



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

الگوی پرچم از امتداد اتصال محدوده‌ای از تغییرات قیمت در میانه یک روند به وجود می‌آید که شبیهی کم و خلاف جهت روند قبل از خود دارد. این الگو معمولاً مدت زمان زیادی پایدار نمی‌ماند و خیلی زود شکسته می‌شود. با شکسته شدن امتداد خطوط الگو بازار به اندازه ابتدای روند قبلی تا نقطه آغاز اولین موج الگوی پرچم پیش روی دارد.



ویژگی‌هایی که باعث افزایش اثربخشی الگوی پرچم می‌شود

ارتباط پرچم چهار گوش با قیمت: الگوی پرچم همان‌طور که از نامش پیداست، روی نمودار قیمت به صورت پرچم چهار گوش دیده می‌شود. این آرایش، توقف کوتاه مدت را در حرکت تقریباً عمودی سهام به سمت بالا یا پایین نشان می‌دهد. قیمت به صورتی حرکت می‌کند که الگویی شبیه پرچم ساخته شود، سپس در قسمت شکسته شدن (بالا یا پایین) ادامه می‌یابد.

ارتباط پرچم چهار گوش با حجم: حجم قبل از ایجاد آرایش، بسیار سنگین است. هنگام شکل‌گیری آرایش، حجم تا حد بسیار زیادی کم می‌شود. سرانجام، پس از شکل‌گیری آرایش و در نقطه شکست پرچم، حجم دوباره افزایش می‌یابد و بسیار سنگین می‌شود.

وقوع پرچم چهار گوش: پرچم‌ها را معمولاً می‌توان روی نمودارهای روزانه مشاهده نمود، اما از آنجاکه شکل‌گیری این آرایش، زمان کوتاهی طول می‌کشد (معمولاً کمتر از چهار هفته)، به ندرت روی نمودارهای هفتگی تشکیل می‌شوند و روی نمودارهای ماهانه وجود ندارند.

اهمیت تکنیکی: پرچم‌ها عموماً در میان راه حرکت صعودی یا نزولی سهام اتفاق می‌افتند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که پس از پایان آرایش، قیمت از همان جایی ادامه یابد که قطع شده بود. یعنی، قیمت پیش از آغاز آرایش و پس از آن، تقریباً یکسان است.

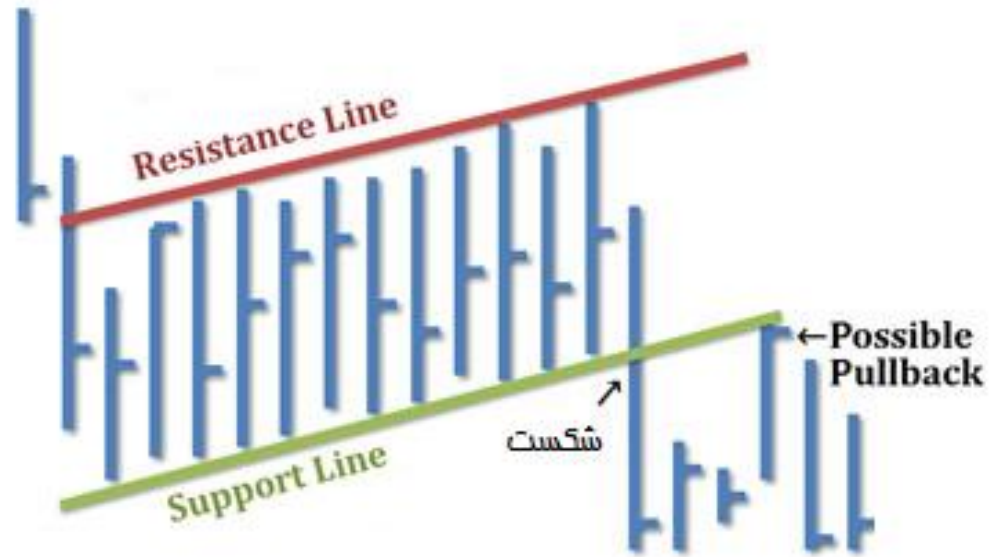
پرچم صعودی زمانی که قیمت در محدوده یک سوم بالایی طی ۵۲ هفته قبل از آن رخ دهد قابل اعتماد است. پرچم نزولی نیز در یک سوم پایین قیمت در ۵۲ هفته قبل از آن. پرچم "متراکم" نسبت به پرچم "باز" ارجح است. پرچم باز معمولاً گسترده‌تر است و فضای بین سطح حمایت و مقاومت آن بیشتر است.



روند صعودی قبل از الگوی پرچم باید ۴۵ درجه و روند اصلاحی پس از الگو باید در جهت مخالف روند قبلی باشد. انتظار می‌رود پس از شکست خط مقاومت به سمت بالا قیمت سهام ۲۵٪ رشد کند.

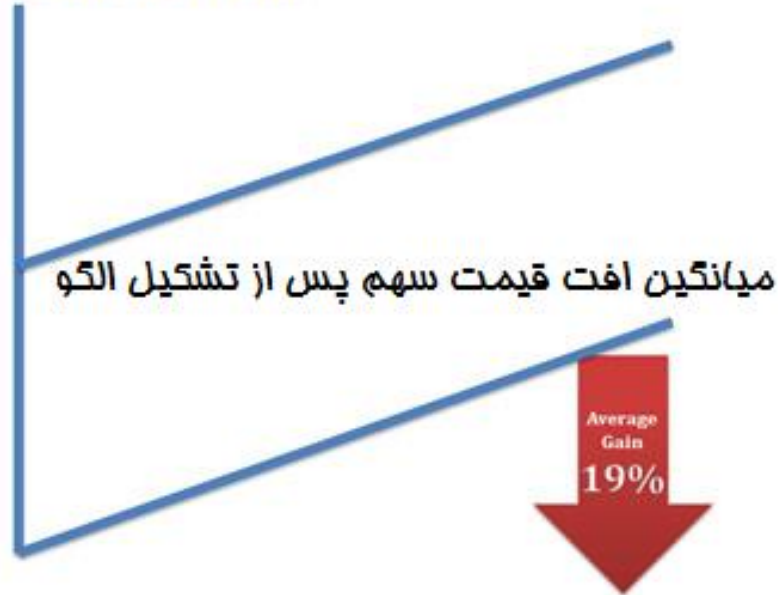
هدف قیمت پرچم صعودی: قیمت پایین پرچم + ((ارتفاع میله پرچم) * ۰.۶۴)

Flag in Downtrend



پرچم نزولی در یک روند رو به پایین قیمتها رخ می دهد. سقوط قیمت پس از یک کانال اصلاحی صعودی کوتاه و شکست سطح حمایت روند کوچک اصلاحی اتفاق می افتد.

Flag in Downtrend



به طور متوسط، یک پرچم در یک روند صعودی ۲۵٪ افزایش قیمت را تجربه خواهد نمود، در حالی که پرچم نزولی، به طور متوسط از کاهشی ۱۶٪ برخوردار خواهد بود. الگوی پرچم باید در عرض چند هفته رخ دهد، ۱۵ روز حالت مطلوب آن است.

هدف قیمت پرچم نزولی: قیمت بالای پرچم – ((ارتفاع میله پرچم) * ۴۷٪)

امتیاز دهی به الگوی پرچم :

عدم موفقیت در شکست به سمت بالا / پایین: ۴٪ ، ۲٪

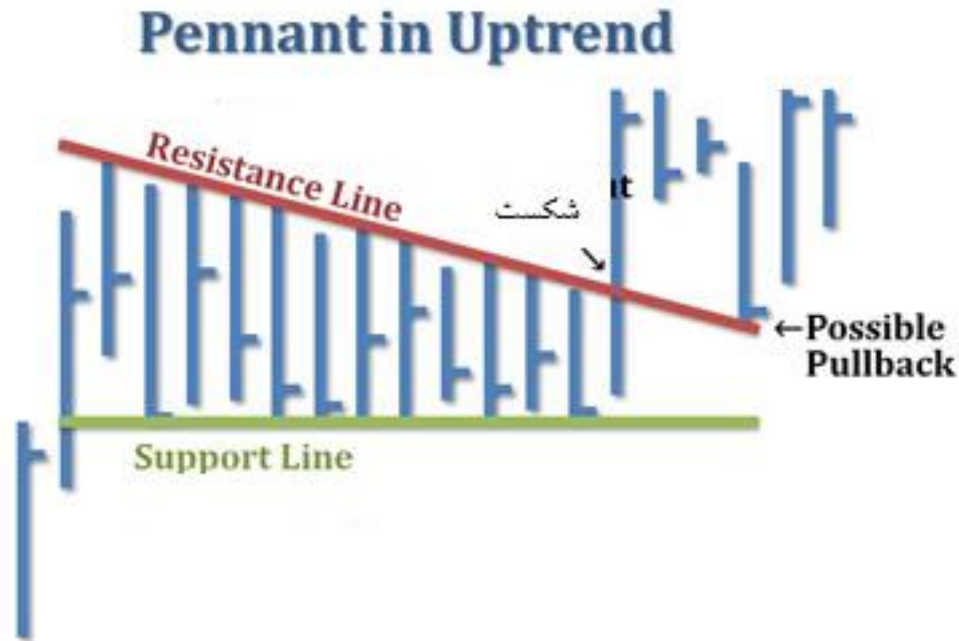
میانگین افزایش / کاهش: ۲۳٪ ، ۱۶٪

احتمال بازگشت / pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت) : ۴۳٪ ، ۴۶٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۶۴٪ ، ۴۷٪

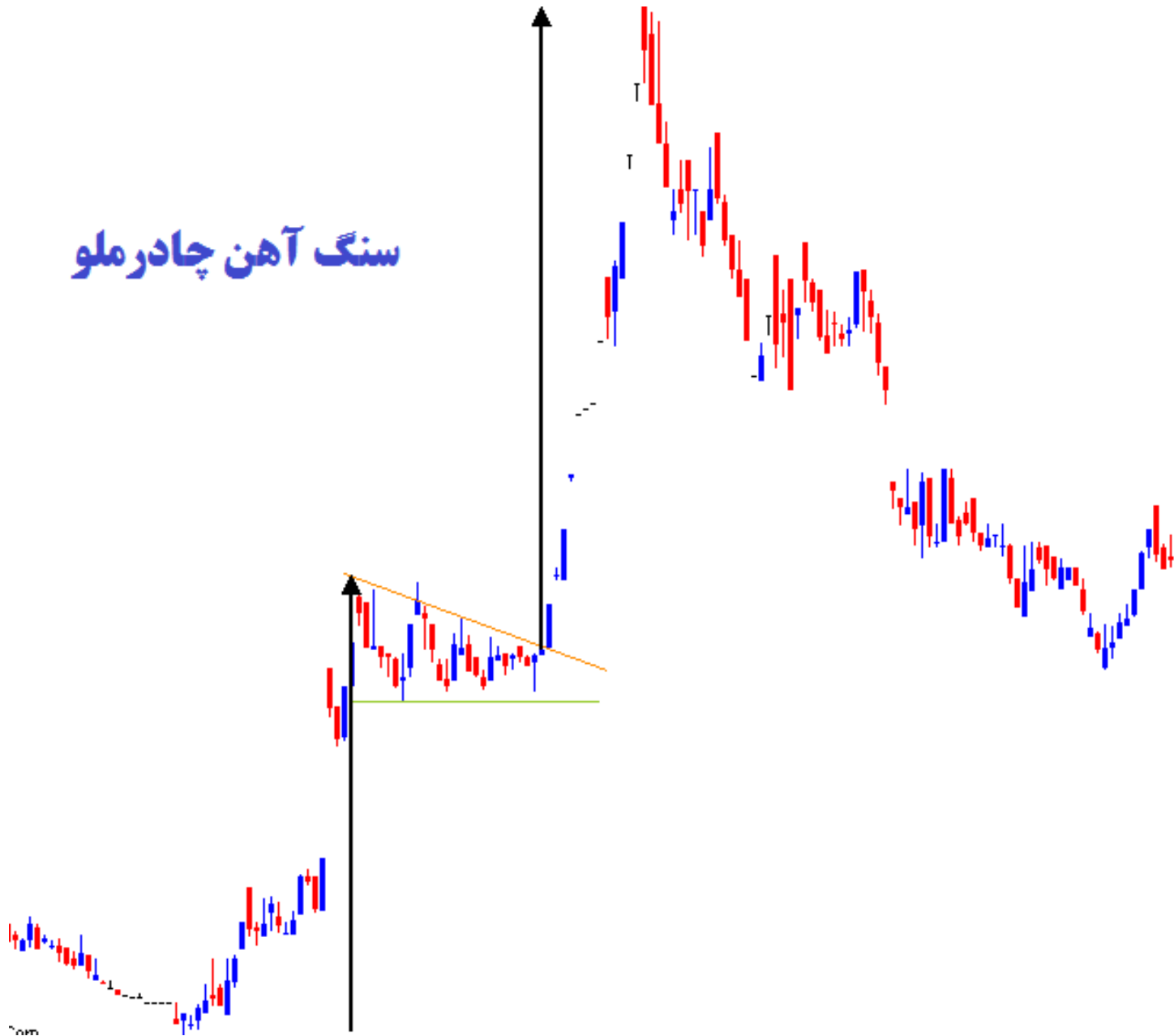
| مشخصه | توضیحات |
|--------------|----------------------------------|
| روند قیمت‌ها | می‌تواند صعودی یا نزولی باشد |
| شکل | شبیه مستطیل به شکل اریب |
| خطوط روند | حمایت و مقاومت بایستی موازی باشد |
| حجم معاملات | روند کاهشی در ۷۳٪ مواقع |
| شکست | رو به بالا در ۵۴٪ مواقع |

Pennant in an Uptrend پرچم همگرا در روند صعودی

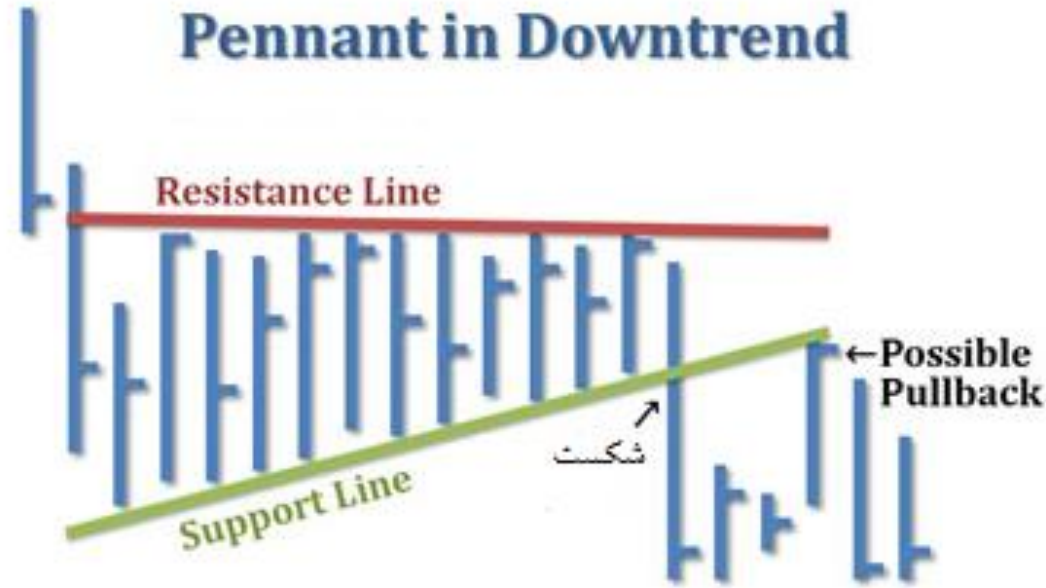


الگوی پرچم همگرا مانند الگوی پرچم مستطیلی و پرچم سه گوش در میانه یک روند تشکیل می‌شود، با این تفاوت که اتصال خطوط حمایت و مقاومت در داخل الگو همگرا بوده و خط حمایت به صورت افقی و خط مقاومت دارای شیب نزولی و منفی است. الگوی پرچم همگرا شبیه مثلث قائم الزاویه است که تقاطع روند صعودی قبل از الگو و سطح حمایت درون الگو به صورت زاویه ۹۰ درجه است. قبل از شکل گیری الگوی مثلث همگرا حتماً بایستی روند با شیب زیاد داشته باشیم. زمانی که قیمت‌ها خط مقاومت پرچم را به سمت بالا بشکنند سیگنال خرید دریافت شده است.

سنگ آهن چادر ملو



Pennant in a Downtrend پرچم همگرا در یک روند نزولی

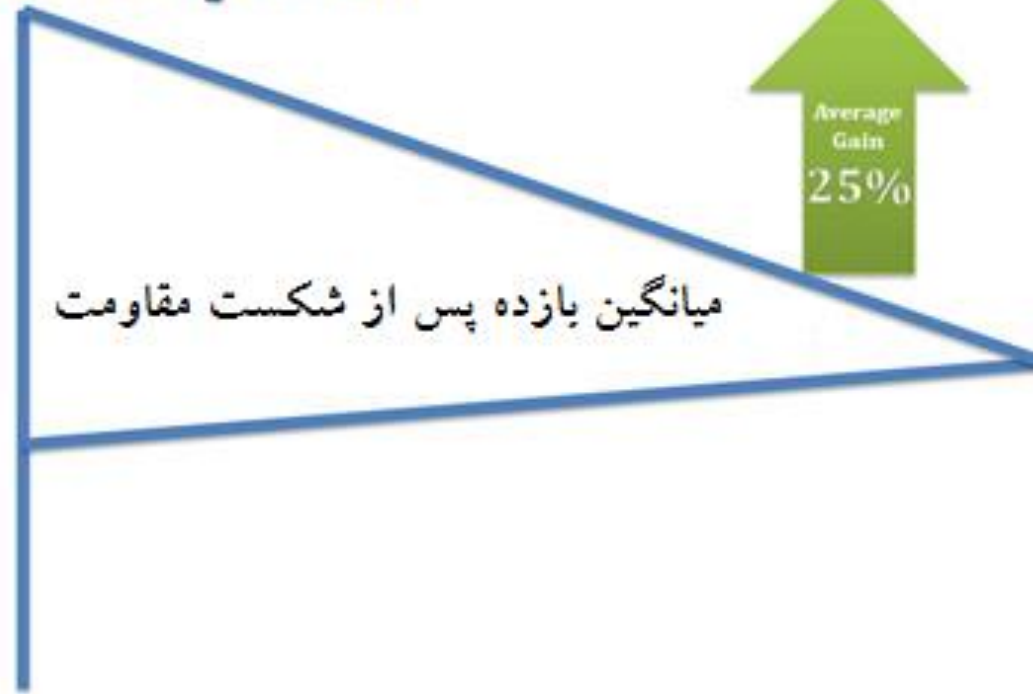


پرچم همگرا در روند نزولی برعکس الگوی قبلی است. سقوط قیمت، به دنبال یک مثلث اصلاحی کوتاه و سپس سیگنال فروش که از طریق بازگشت قیمت و شکست سطح حمایت ایجاد می شود صادر می شود. در این الگو خط مقاومت با روند قبلی تشکیل زاویه ۹۰ درجه را می دهد.

ملی صنایع مس ایران



Pennant in Uptrend



الگوی پرچم همگرا قبل از روند صعودی با شیبی بیش از ۴۵ درجه نتایج بهتری را در بر دارد. به طور متوسط، یک پرچم همگرا در یک روند افزایشی به طور متوسط از ۲۵٪ بازده مثبت نصیب سرمایه گذار می‌کند.

هدف قیمت در پرچم همگرای صعودی: قیمت پایین پرچم + ((ارتفاع میله پرچم) * ۶۰٪)

Pennant in Downtrend



قیمت در الگوی پرچم همگرا در یک روند نزولی، به طور متوسط ۱۹٪ کاهش می یابد پرچم باید در عرض چند هفته تشکیل شود.

هدف قیمت در پرچم همگرای نزولی: قیمت بالای پرچم – ((ارتفاع میله پرچم) * ۵۱٪)

امتیاز دهی به الگوی پرچم همگرا :

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

عدم موفقیت در شکست به سمت بالا / پایین: ۲٪، ۴٪

میانگین افزایش / کاهش: ۲۵٪، ۱۹٪

احتمال بازگشت / pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت): ۳۱٪، ۴۷٪

درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۶۰٪، ۵۱٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | می‌تواند صعودی یا نزولی باشد |
| شکل | شبيه مثلث قائم الزاويه |
| خطوط روند | قیمت‌ها بین خط حمایت و مقاومت همگرا می‌شوند |
| حجم معاملات | روند کاهشی در ۸۸٪ مواقع |
| شکست | رو به بالا در ۶۱٪ مواقع |

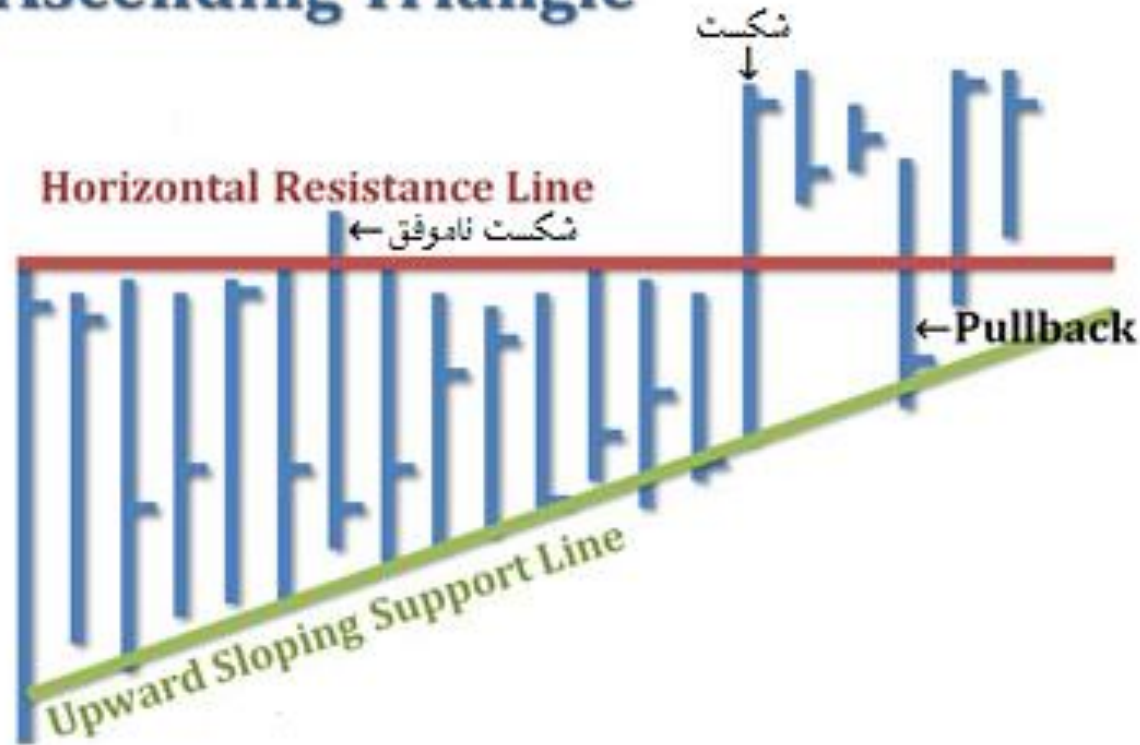
الگوی مثلث

مثلث به سه گونه است: متقارن، صعودی و نزولی. هر سه الگو دارای وجه مشترک هستند بدین گونه که که محدوده قیمت (قیمت بالا - قیمت پایین) از میله‌های بزرگتر در سمت چپ نمودار (قاعده مثلث) و محدوده قیمتی که به مرور زمان کوچک‌تر می‌شود تشکیل می‌شوند. سمت راست الگو رأس مثلث است که کوچکترین محدوده قیمت است.

الگوی مثلث افزایشی

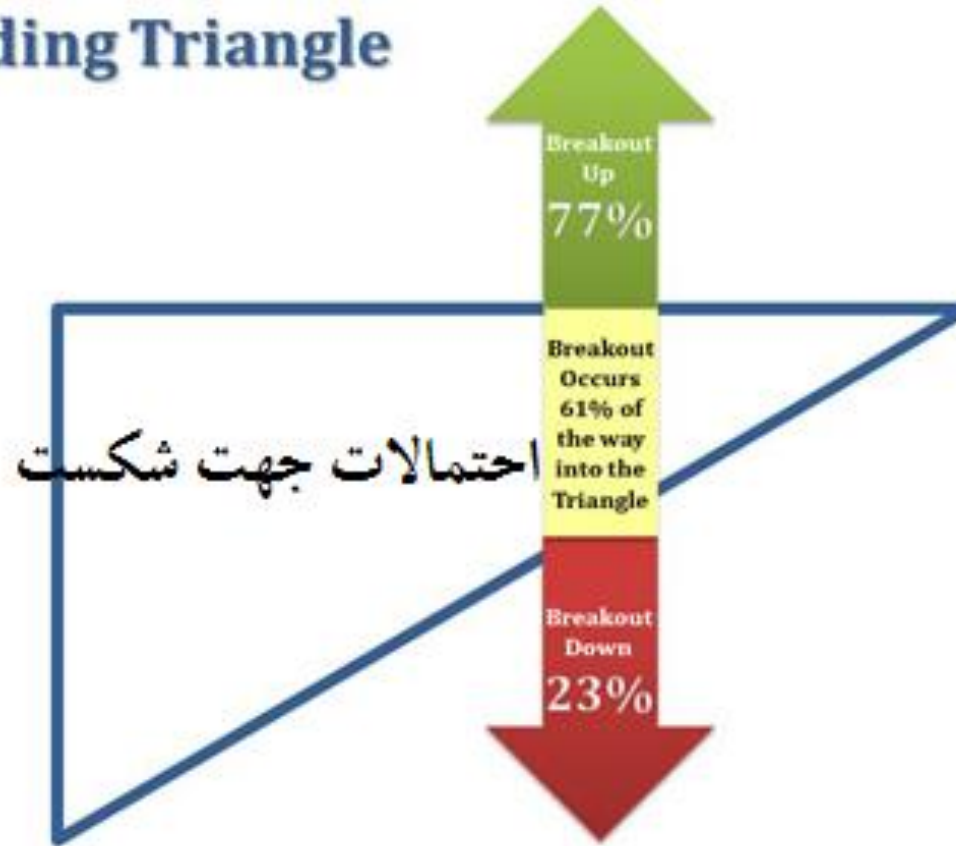
الگوی مثلث افزایشی حالتی از تغییرات قیمت است که قیمت هر بار در صعودهایش در محدوده‌ای از مقاومت متوقف می‌شود در حالی که پس از بازگشت از این محدوده مقاومت هر بار به دره یا کمینه قبل از خود نمی‌رسد. امتداد خطوط پایینی در اتصال به مقاومت بالایی، الگویی می‌سازد که نشان دهنده آغاز یک حرکت قوی بازار می‌باشد. تغییرات قیمت معمولاً خط مقاومت در این الگو را می‌شکند و می‌توان انتظار داشت که به اندازه قاعده اولین حرکت داخل مثلث افزایشی بازار در جهت بالایی افزایش داشته باشد. این الگو معمولاً بعد از یک روند افزایشی به وجود می‌آید با اینکه هیچ الزامی به این روند افزایشی نمی‌باشد.

Ascending Triangle



جهت و زمان شکست

Ascending Triangle



مثلث صعودی در ۷۷٪ از مواقع باعث شکست قیمت به سمت بالا و در ۲۳٪ مواقع شکست به سمت پایین می‌شود. همچنین این شکست در فاصله ۶۱٪ بین قاعده تا رأس مثلث روی می‌دهد (قاعده، سمت چپ مثلث، ۰٪ در نظر گرفته شده و رأس، یا سمت راست مثلث ۱۰۰٪)

Ascending Triangle



اهداف قیمت مثلث صعودی

صعودی شکست رو به بالا: بالاترین قیمت مثلث + ((بالاترین قیمت مثلث – پایین ترین قیمت مثلث) * ۷۵٪)

صعودی شکست رو به پایین: قیمت شکست – ((بالاترین قیمت مثلث – پایین ترین قیمت مثلث) * ۶۸٪)



امتیاز دهی به الگوی مثلث افزایشی :

رتبه عملکرد کل برای شکست به سمت بالا / پایین : ۱۷ از ۲۳ و ۹ از ۲۱

عدم موفقیت در شکست به سمت بالا / پایین: ۱۳٪، ۱۱٪

میانگین افزایش / کاهش: ۳۵٪، ۱۹٪

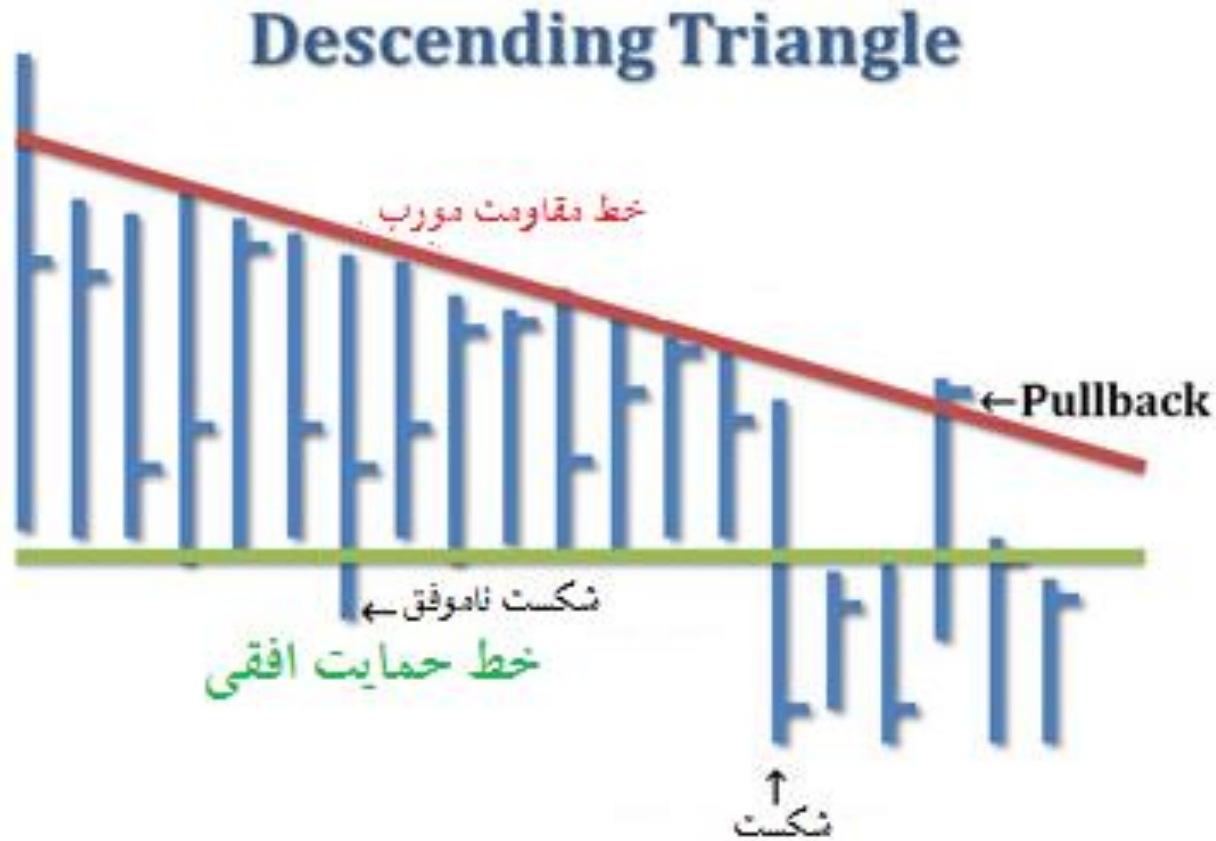
احتمال بازگشت / pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت) : ۵۷٪، ۴۹٪

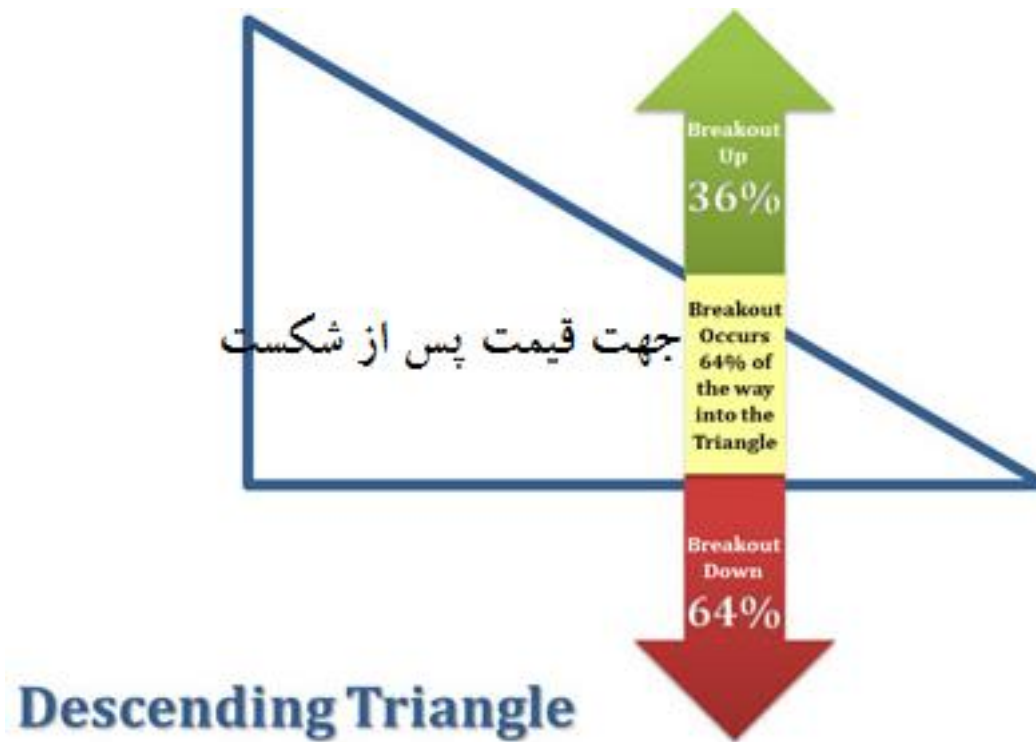
درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۷۵٪، ۶۸٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|--|
| مشخصه | توضیحات |
| روند قیمت‌ها | می‌تواند صعودی یا نزولی باشد |
| شکل | سه گوش. قیمت‌ها بین دو خط روند همگرا حرکت می‌کند |
| خطوط روند | خط حمایت یا مقاومت افقی در بالا و خط حمایت یا مقاومت شیب دار |
| حجم معاملات | روند کاهشی در ۷۷٪ مواقع |
| شکست | روند افزایشی در ۷۰٪ مواقع و در فاصله ۶۱٪ از رأس و در روند کاهشی ۶۱٪ به سمت پایین |

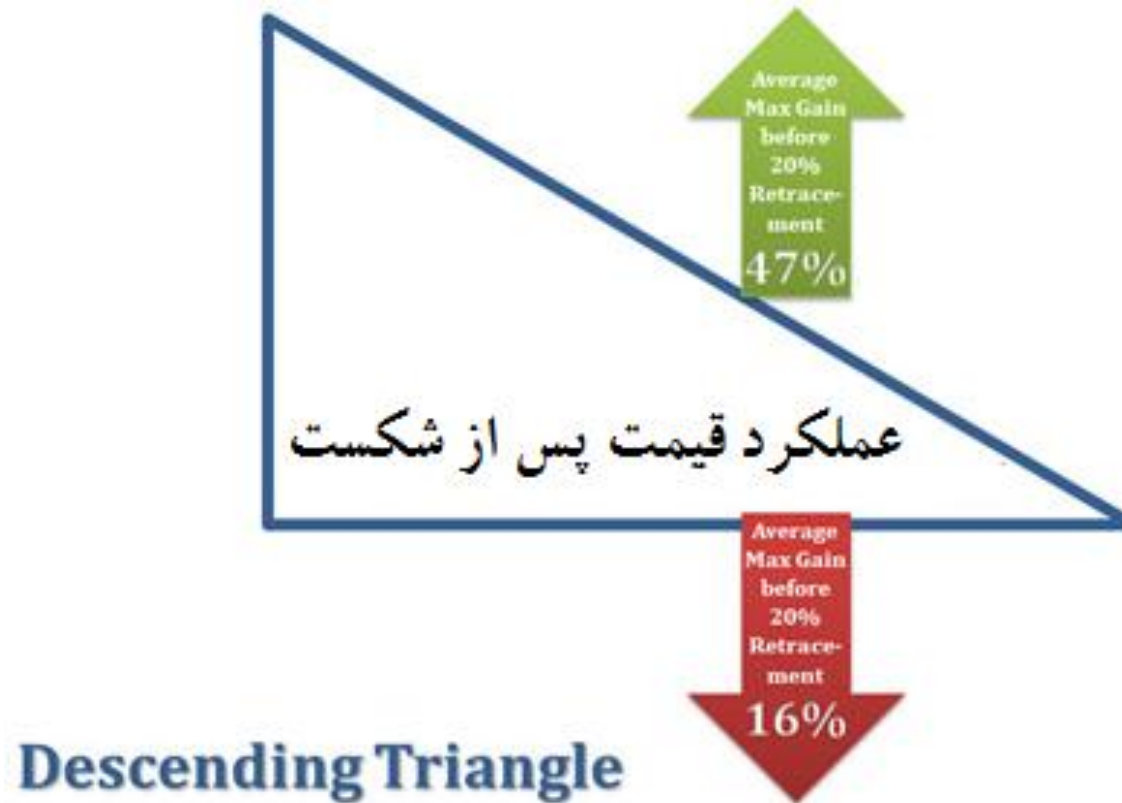
الگوی مثلث کاهشی

الگوی مثلث کاهشی حالتی از تغییرات قیمت است که قیمت هر بار در نزول هایش در محدوده‌ای از حمایت متوقف می‌شود در حالی که پس از بازگشت از این محدوده حمایت هر بار به قله یا بیشینه قبل از خود نمی‌رسد. امتداد خطوط بالایی در اتصال به مقاومت پایینی، الگویی می‌سازد که نشان دهنده آغاز یک حرکت قوی بازار می‌باشد. تغییرات قیمت معمولاً خط حمایت در این الگو را می‌شکند و می‌توان انتظار داشت که به اندازه قاعده اولین حرکت داخل مثلث کاهشی بازار در جهت پایینی کاهش داشته باشد. این الگو معمولاً بعد از یک روند کاهشی به وجود می‌آید با اینکه هیچ الزامی به این روند کاهشی نمی‌باشد.





شکست سطح حمایت در ۶۴٪ از فاصله رأس تا قاعده مثلث رخ می‌دهد و به احتمال ۳۶٪ قیمت به سمت بالا و ۶۴٪ قیمت به سمت پایین حرکت می‌کند.



شکست به سمت بالا: به طور متوسط افزایش قیمت قبل از هر گونه کاهش ۲۰٪، حداکثر ۴۷٪ است.
 شکست به سمت پایین: به طور متوسط کاهش قیمت قبل از هر گونه افزایش ۲۰٪، حداکثر ۱۶٪ است.

اهداف قیمت مثلث نزولی

شکست رو به بالا: قیمت شکست + ((بالاترین قیمت مثلث – پایین‌ترین قیمت مثلث) * ۸۴٪)

شکست رو به پایین: پایین‌ترین قیمت مثلث – ((بالاترین قیمت مثلث – پایین‌ترین قیمت مثلث) * ۵۴٪)



امتیاز دهی به الگوی مثلث کاهش:

رتبه عملکرد کل برای شکست به سمت بالا / پایین: ۵ از ۲۳ و ۱۰ از ۲۱

عدم موفقیت در شکست به سمت بالا / پایین: ۷٪، ۱۶٪

میانگین افزایش / کاهش: ۴۷٪، ۱۶٪

احتمال بازگشت / pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت): ۳۷٪، ۵۴٪

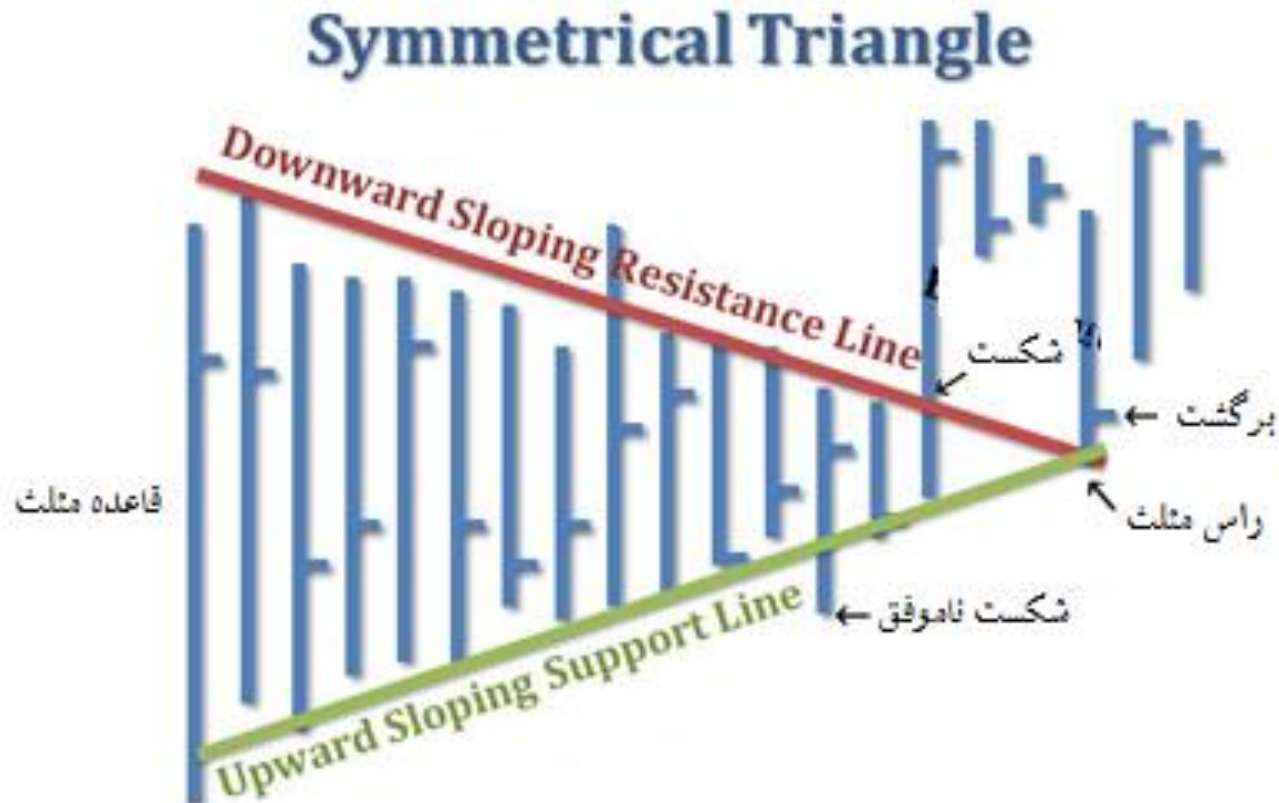
درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۸۴٪، ۵۴٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|--|
| مشخصه | توضیحات |
| روند قیمت‌ها | می‌تواند صعودی یا نزولی باشد |
| شکل | سه گوش. قیمت‌ها بین دو خط روند همگرا حرکت می‌کند |
| خطوط روند | خط حمایت یا مقاومت افقی در بالا و خط حمایت یا مقاومت شیب دار |
| حجم معاملات | در ۸۳٪ مواقع کاهشی |
| شکست | روند رو به پایین در ۶۴٪ مواقع |

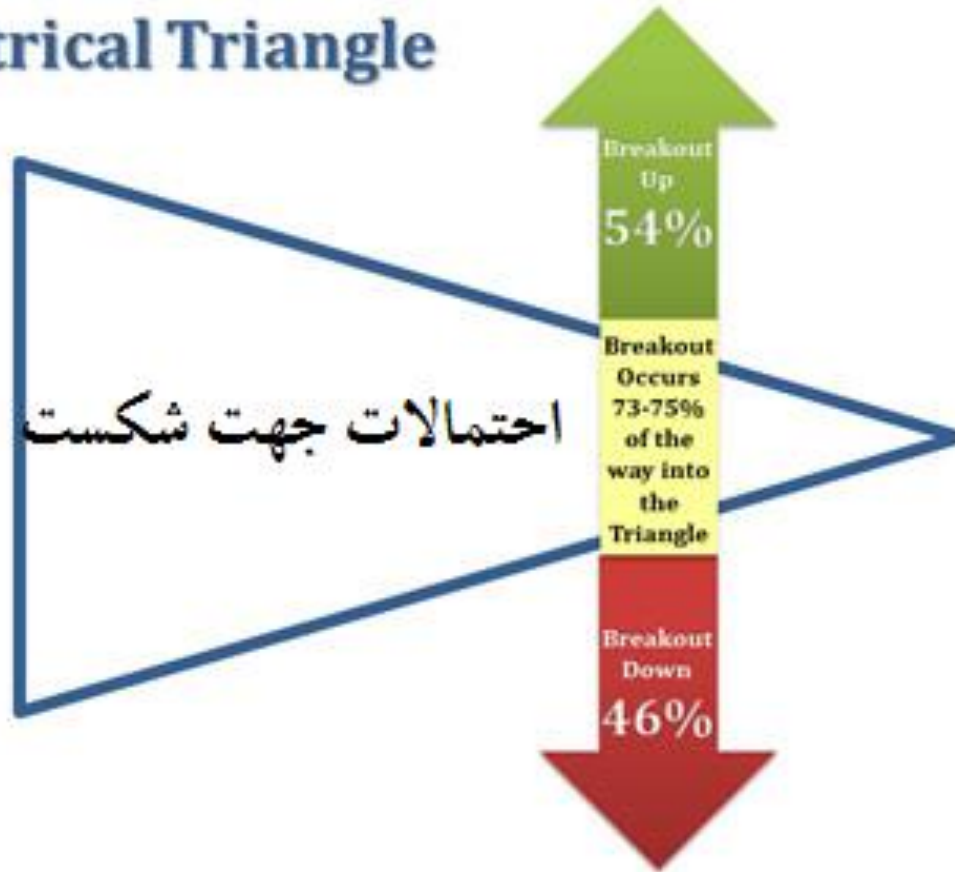
الگوی مثلث متقارن Symmetrical Triangle

مثلث متقارن یک الگوی امتداد روند است و هم در روندهای نزولی و هم در روندهای صعودی ایجاد می‌شود. اگر این مثلث در نمودار پدیدار شود، پس از ظهورش جهت روند شکل می‌گیرد.

این الگو حاصل باریک شدن محدوده قیمتی بین کفها و سقفهای قیمتی است که به لحاظ ظاهری یک مثلث را شکل می‌دهد. ویژگی اصلی و بارز این نوع از مثلث این است که دارای یک خط روند نزولی (مقاومت) است که سقفهای قیمتی پایین‌تر و پایین‌تر را بهم وصل می‌کند و یک خط روند صعودی (حمایت) که کفهای قیمتی بالاتر و بالاتر را به یکدیگر مرتبط می‌کند.



Symmetrical Triangle



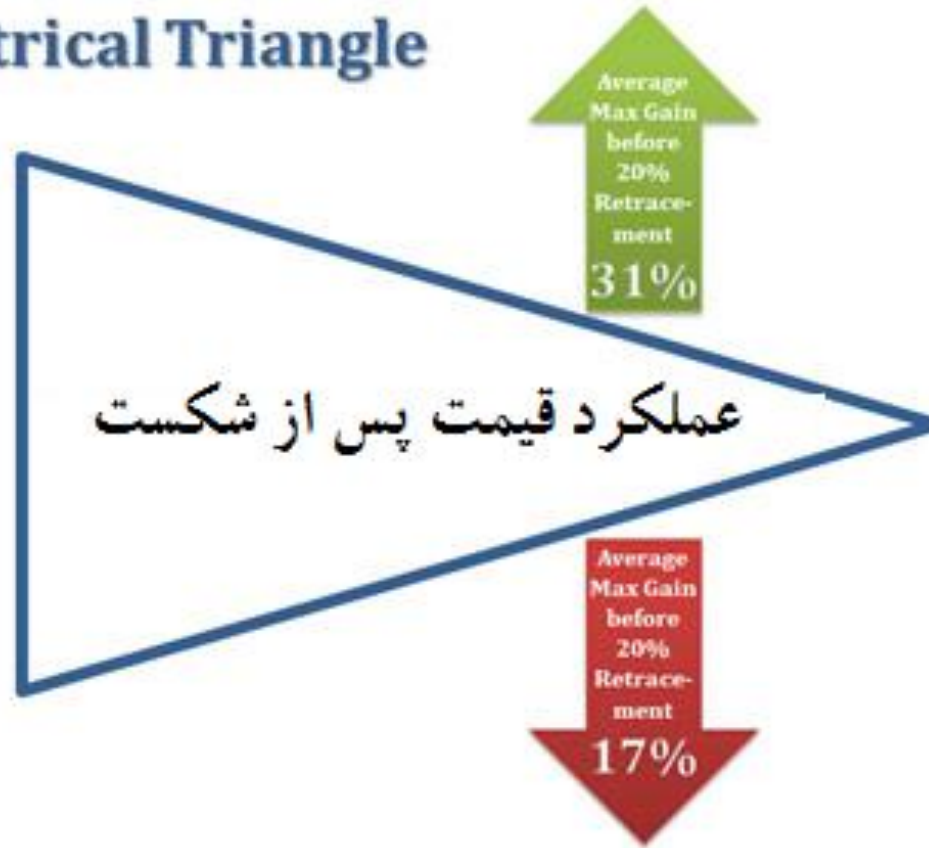
در الگوی مثلث متقارن شکست به سمت بالا در ۵۴٪ از مواقع رخ می‌دهد و در ۴۶٪ شکست به سمت پایین را شاهد هستیم. همچنین این شکست در فاصله ۷۳ تا ۷۵٪ بین قاعده تا رأس مثلث روی می‌دهد (قاعده، سمت چپ، مثلث، ۰٪ در نظر گرفته شده و رأس، یا سمت راست مثلث ۱۰۰٪). افزایش حجم معاملات در نقطه شکست باعث بهبود عملکرد الگوی مثلث متقارن خواهد شد.

تفسیر

هنگامیکه مثلث در یک روند نزولی پدید می‌آید و قیمت زیر خط حمایت بشکند (احتمال انحراف معین وجود دارد) معمولاً جایی بین وسط $\frac{1}{2}$ و سه چهارم $\frac{3}{4}$ از طول الگو، یک سیگنال فروش به دست می‌آید.

اگر مثلث در یک روند صعودی شکل بگیرد و قیمت بالای خط مقاومت بشکند (احتمال انحراف معین وجود دارد) معمولاً جایی بین وسط $1/2$ و سه چهارم $3/4$ از طول الگو، یک سیگنال خرید ایجاد می‌شود.

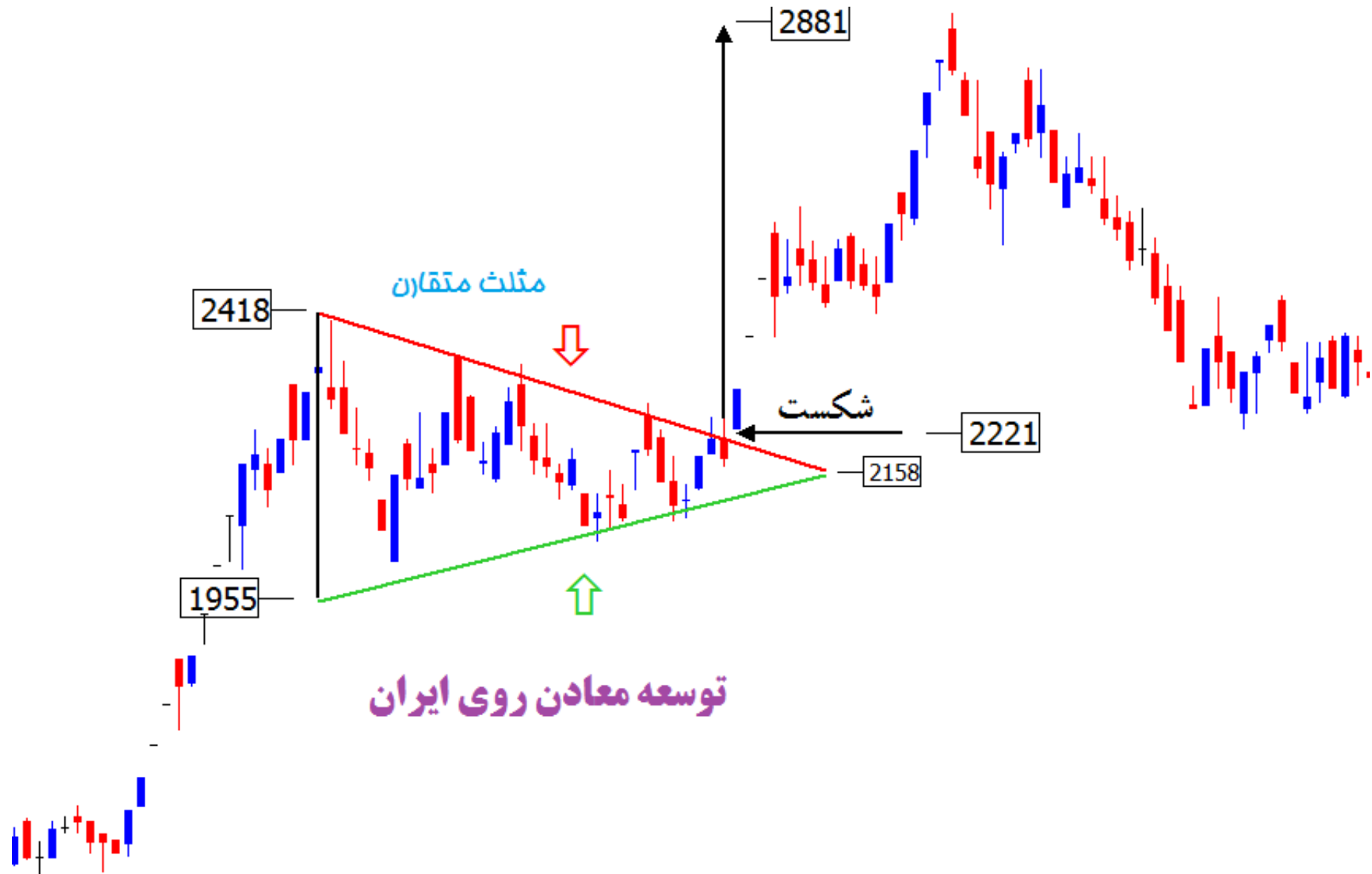
Symmetrical Triangle



اهداف قیمت برای مثلث متقارن

مثلث متقارن شکست رو به بالا: قیمت شکست + ((بالاترین قیمت در مثلث – پایین‌ترین قیمت در مثلث) * ۶۶٪)

مثلث متقارن شکست رو به پایین: قیمت شکست - ((بالاترین قیمت در مثلث – پایین‌ترین قیمت در مثلث) * ۴۸٪)



امتياز دهی به الگوی پرچم مثلث متقارن :

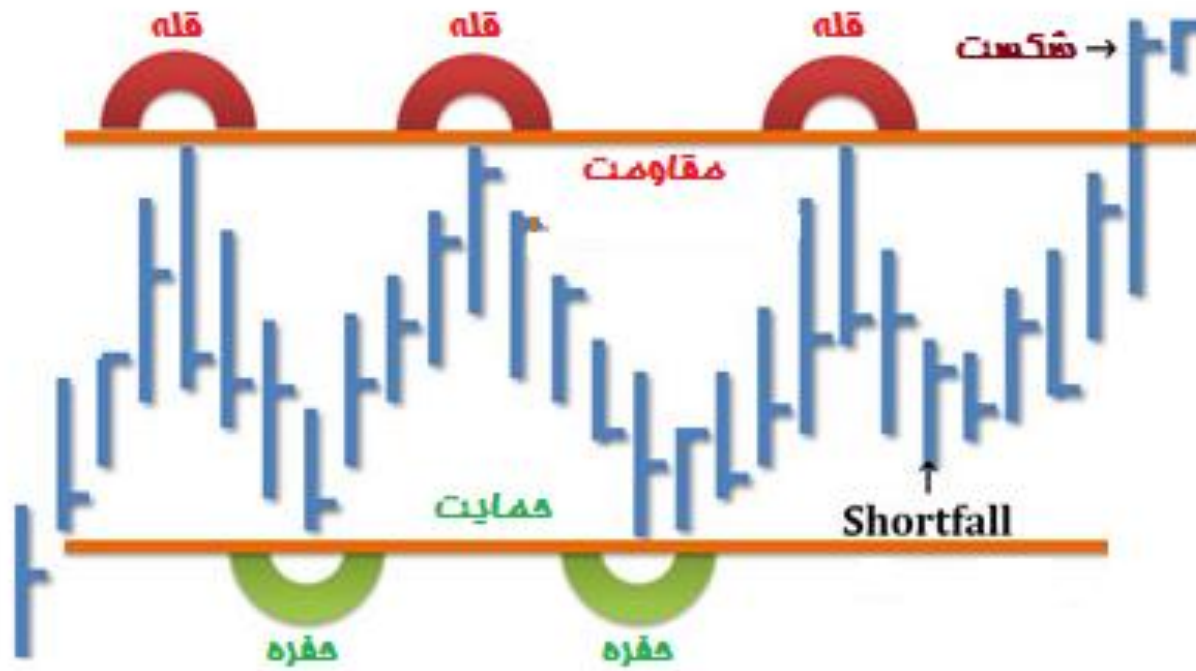
رتبه عملکرد کل برای شکست به سمت بالا / پایین (۱ بهترین است): ۱۶ از ۲۳ و ۱۵ از ۲۱
 عدم موفقیت در شکست به سمت بالا / پایین: ۹٪، ۱۳٪
 میانگین افزایش / کاهش: ۳۱٪، ۱۷٪
 احتمال بازگشت / pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت): ۳۷٪، ۵۹٪
 درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۶۶٪، ۴۸٪

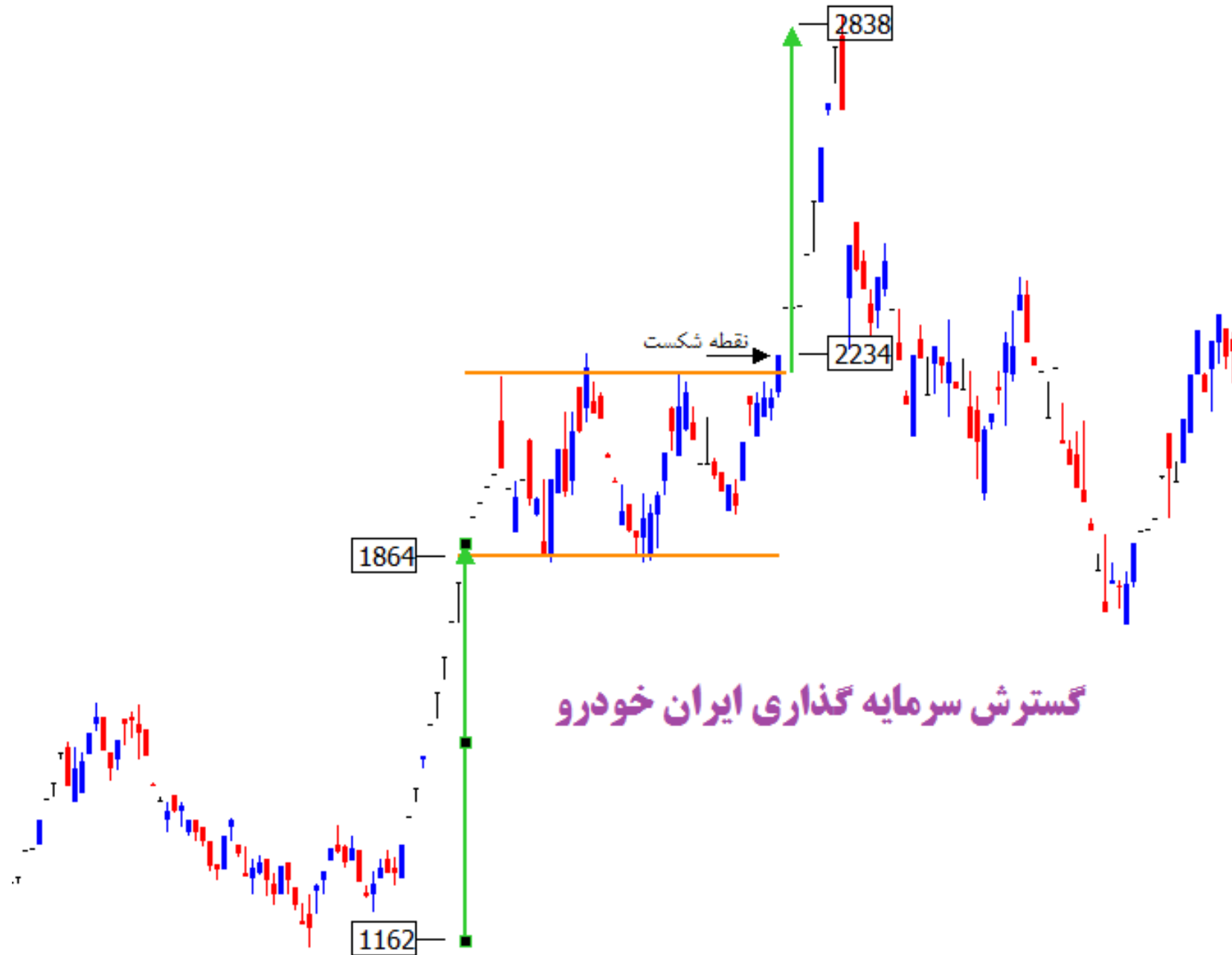
| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | می‌تواند صعودی یا نزولی باشد |
| شکل | سه گوش. قیمت‌ها بین دو خطوط روند همگرا حرکت می‌کند |
| خطوط روند | قیمت‌ها بین خط حمایت و مقاومت همگرا می‌شوند |
| حجم معاملات | روند کاهشی در ۸۶٪ مواقع |
| شکست | رو به بالا در ۵۴٪ مواقع از ۷۵٪ فاصله رأس و رو به پایین در ۴۶٪ مواقع |

الگوی مستطیل Rectangle

الگوی مستطیل بعد از یک روند کاهشی یا افزایشی تشکیل می‌شود که امتداد خطوط بیشینه و کمینه درون آن موازی-افقی بوده و تشکیل یک مستطیل فرضی را می‌دهد. الگوی مستطیل می‌تواند دارای شیب بالا یا پایین بسیار کمی باشد. خط حمایت توسط حداقل دو حفره شبیه حرف "W" و خط مقاومت که توسط حداقل دو قله که شبیه حرف "M" است ایجاد می‌گردد. هنگامی که قیمت از بالا وارد الگوی مستطیل شود، مستطیل نزولی نامیده می‌شود و در مقابل، زمانی که قیمت از پایین وارد مستطیل شود مستطیل صعودی است.

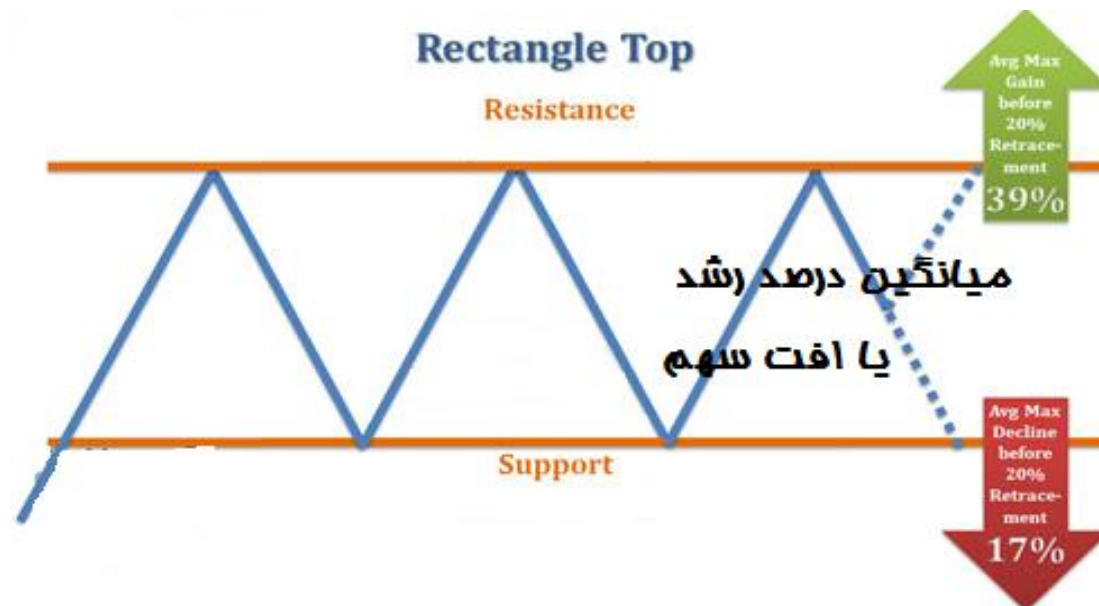
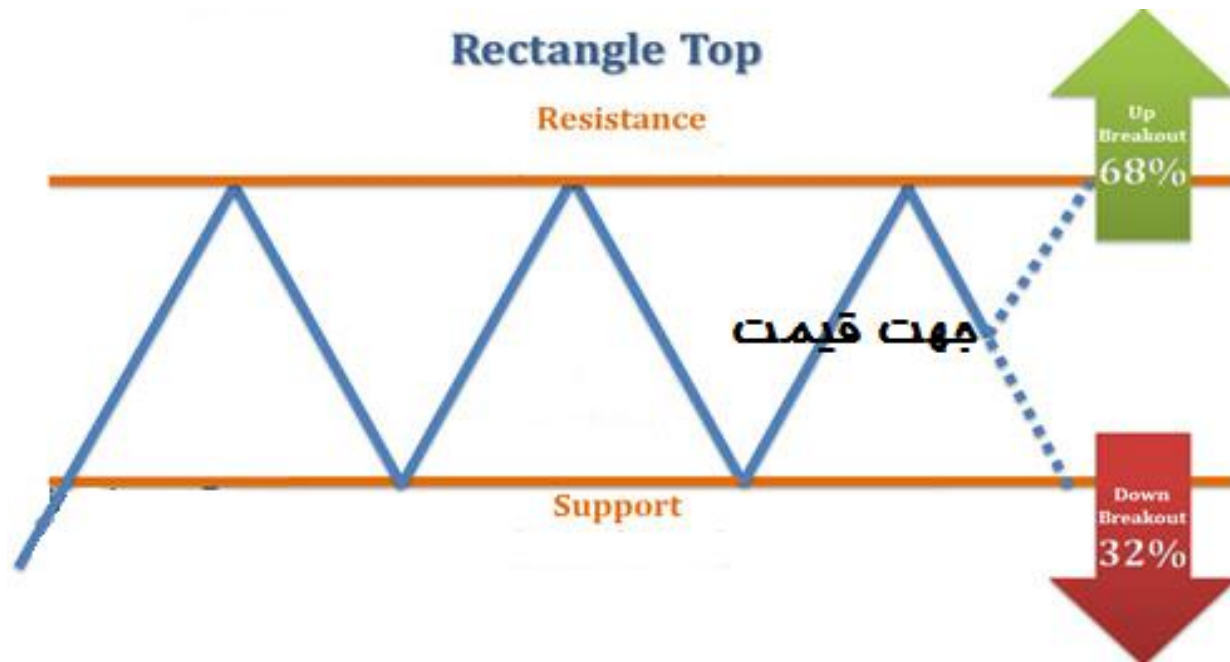
Rectangle Top







سرمایه گذاری ساختمان ایران

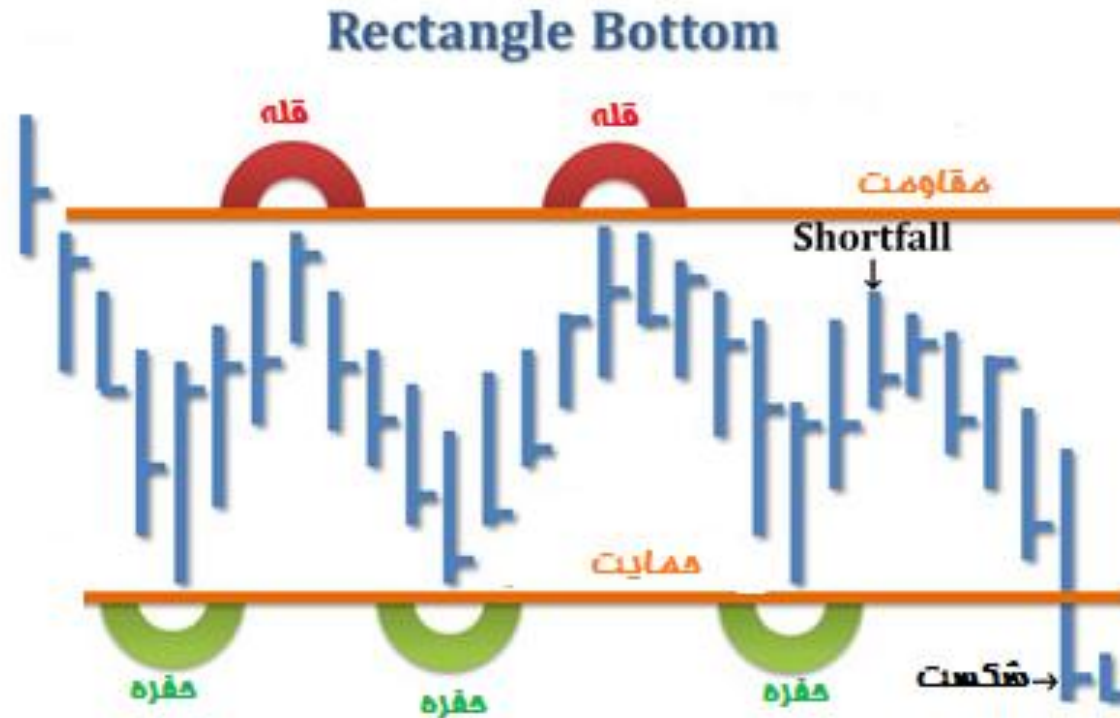


امتیاز دهی به الگوی مستطیل صعودی :

رتبه عملکرد کل برای شکست به سمت بالا / پایین (۱ بهترین است): ۱۲ از ۲۳ و ۶ از ۲۱
 عدم موفقیت در شکست به بالا/پایین : ۹٪ ، ۱۱٪
 میانگین افزایش / کاهش: ۳۹٪ ، ۱۷٪
 احتمال بازگشت / pullback : ۶۴٪ ، ۵۸٪
 درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۸۰٪ ، ۶۳٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | رو به بالا |
| شکل | خطوط روند حمایت و مقاومت افقی و موازی شبیه مستطیل |
| لمس خطوط | قیمت حداقل دوبار سطوح حمایت و مقاومت را لمس کند |
| حجم معاملات | روند کاهشی در ۷۰٪ مواقع |
| شکست | رو به بالا در ۶۸٪ مواقع |

مستطیل نزولی



روانشناسی الگوی مستطیل

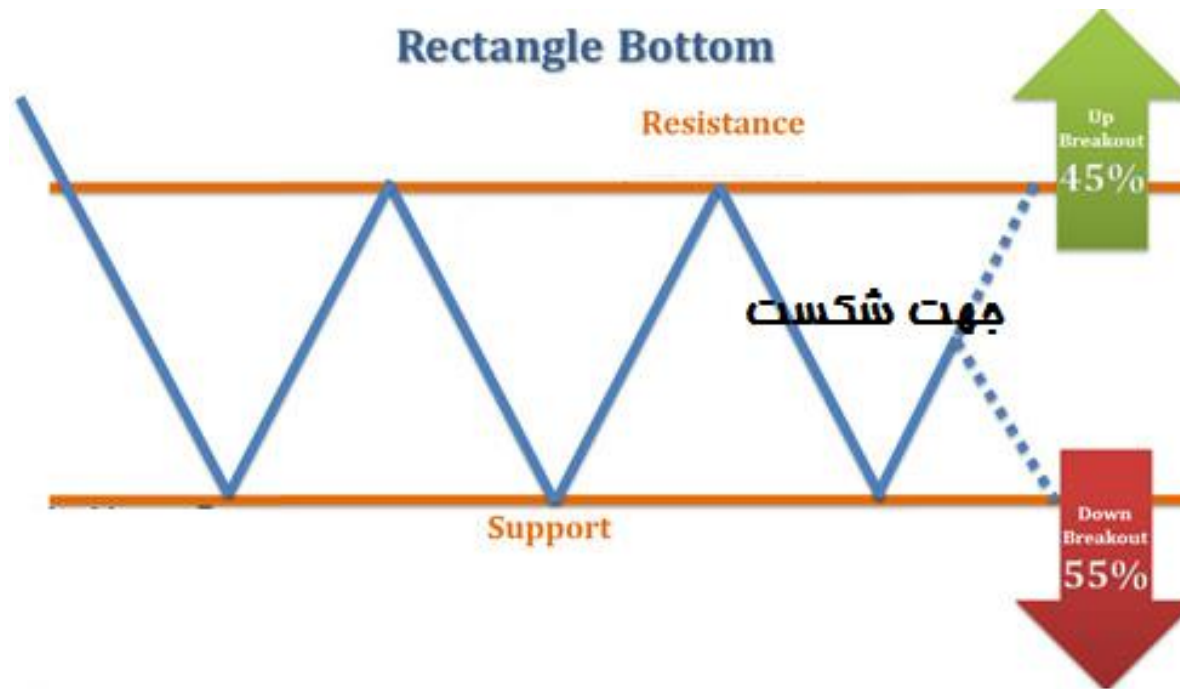
محدوده مقاومت ایجاد شده توسط چندین قله قیمت بیانگر آن است فروشندگان در حال حاضر کنترل روند در آن سطح را عهده دار هستند. به همین ترتیب، محدوده حمایت ایجاد شده توسط دره‌های متعدد قیمت معامله بیانگر حمایت خریداران از روند در آن است. تنها زمانی که خریداران قادر به غلبه بر فروشندگان باشند خط مقاومت شکسته می‌شود و زمانی که فروشندگان مایل و قادر به غلبه بر خریداران باشند خط حمایت شکسته خواهد شد. در محدوده پشتیبانی، معامله‌گران بدنبال خرید و فروش کوتاه مدت هستند زمانی

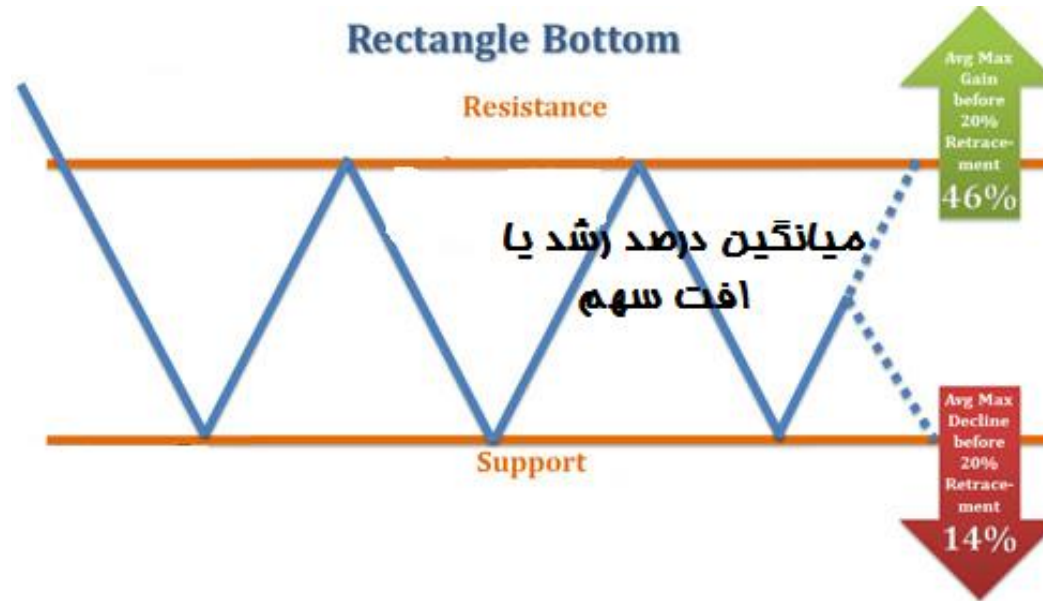
تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

که با فشار فروشند ها و تضعیف خریداران سطح حمایت شکسته می شود اعتماد به نفس خریداران افت کرده و برای جلوگیری از زیان بیشتر مبدل به فروشنده سهم می شوند. هنگامی که خط حمایت قیمت شکسته شود خریدارانی که احتمالاً در خط حمایت سهم را خریداری کرده اند در معرض زیان هستند و این مسئله باعث فشار فروش بیشتر در محدوده شکست خط حمایت می شود. در مقابل در محدوده مقاومت پس از شکست خط مقاومت، فروشنده ها از روند صعودی سهم اندوهگین شده و برای اینکه سود خود را به حداکثر برسانند مجدداً خریدار سهم شده و قیمت ها بالا و بالاتر می رود.

سیگنال خرید و فروش

سیگنال خرید زمانی پیشنهاد می شود که قیمت خط مقاومت را شکسته و قیمت بسته بالاتر از خط مقاومت قرار بگیرد و سیگنال فروش زمانی پیشنهاد می شود که قیمت خط حمایت را بشکند. برخی از معامله گران اعتقاد دارند رشد آتی قیمت پس از الگوی مستطیل به اندازه ارتفاع آن خواهد بود.





اهداف الگوی مستطیل

Bulkowski در پژوهش‌های خود، چهار هدف اصلی قیمت برای الگوی مستطیل را بدین صورت ارائه نموده است :

مستطیل نزولی شکست بالا: قیمت بالای مستطیل + ((قیمت بالای مستطیل - قیمت پایین مستطیل) * ۸۵٪)

مستطیل پایین شکست پایین: قیمت پایین مستطیل - ((قیمت بالای مستطیل - قیمت پایین مستطیل) * ۵۰٪)

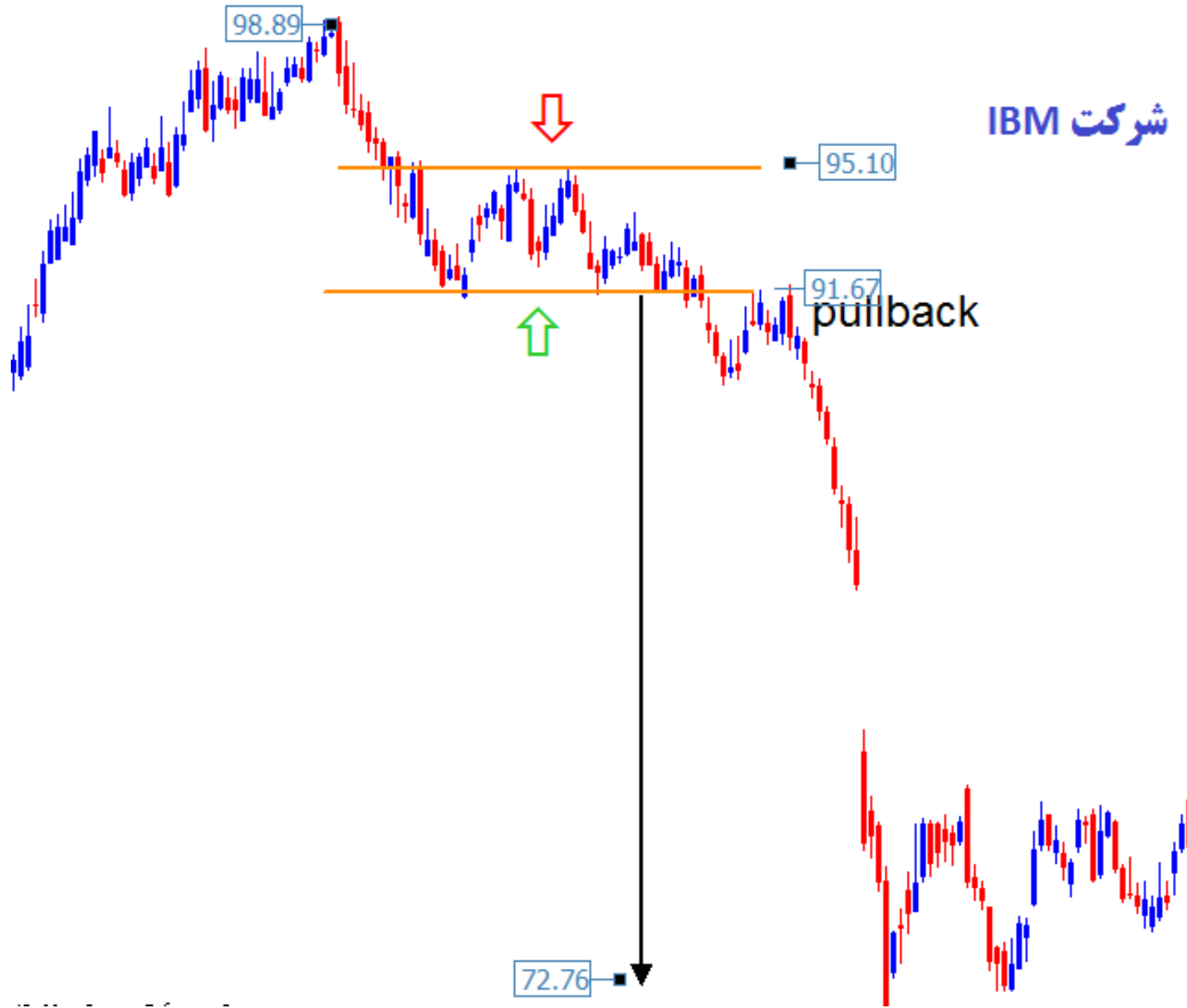
مستطیل صعودی شکست بالا: قیمت بالای مستطیل + ((قیمت بالای مستطیل - قیمت پایین مستطیل) * ۸۰٪)

مستطیل صعودی شکست پایین: قیمت پایین مستطیل - ((قیمت بالای مستطیل - قیمت پایین مستطیل) * ۶۳٪)

امتیاز دهی به الگوی مستطیل نزولی :

رتبه عملکرد کل برای شکست به سمت بالا / پایین (۱ بهترین است): ۱۱ از ۲۳ و ۱۲ از ۲۱
 عدم موفقیت در شکست به بالا/پایین : ۱۰٪، ۱۶٪
 میانگین افزایش / کاهش: ۴۶٪، ۱۴٪
 احتمال بازگشت / pullback : ۵۳٪، ۶۹٪
 درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۸۵٪، ۵۰٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | رو به پایین |
| شکل | خطوط روند حمایت و مقاومت افقی و موازی شبیه مستطیل |
| لمس خطوط | قیمت حداقل دوبار سطوح حمایت و مقاومت را لمس کند |
| حجم معاملات | روند کاهشی در ۶۶٪ مواقع |
| شکست | رو به پایین در ۵۵٪ مواقع |



الگوی کنج Wedge

الگوی کنج یک الگوی امتداد روند کوتاه مدت کوچک است که پس از پدیدار شدن نشان می‌دهد جهت قبلی در آینده غالب خواهد شد. شکل گیری این الگو در نمودار روزانه، یک و یا دو هفته به طول می‌انجامد. کنج‌ها وقتی تشکیل می‌شوند که قیمت سهم بین دو خط مرزی همگرا نوسان نمایند. در کنج صعودی، خطوط مرزی شیب صعودی دارند و خط مرزی پایین نسبت به خط مرزی بالا، زاویه شیب بیشتری دارد. در کنج نزولی، خطوط مرزی شیب منفی و نزولی دارند و خط مرزی بالا، نسبت به خط مرزی پایین، زاویه شیب بیشتری دارد. «گریز» یا «شکست قیمت» این آرایش، معمولاً در فاصله دو سوم طول کنج تا نقطه تقاطع دو خط همگرا اتفاق می‌افتد.

ساختار

این الگو از دو خط روند همگرا، یکی حمایت و دیگری مقاومت، تشکیل شده است که به لحاظ ظاهری یک مثلث را شکل می‌دهند و نوسانات قیمت را درون آن رخ می‌دهد. در الگو کنج هر دو خط روند یا شیب صعودی (در یک روند نزولی) دارند یا شیب نزولی (در یک روند صعودی). این الگو اغلب با یک ورود قیمتی سریع به دنبال حرکت شدید مشخص می‌شود. حجم معاملات روزانه به تدریج که به نقطه تقاطع بر خط همگرا نزدیک می‌شویم، کاهش می‌یابد و وقتی به شکست قیمت نزدیک شویم، زیاد می‌شود.

تفسیر

این الگو در صورت شکسته شدن، تأیید کننده جهت حرکت روند خواهد بود:

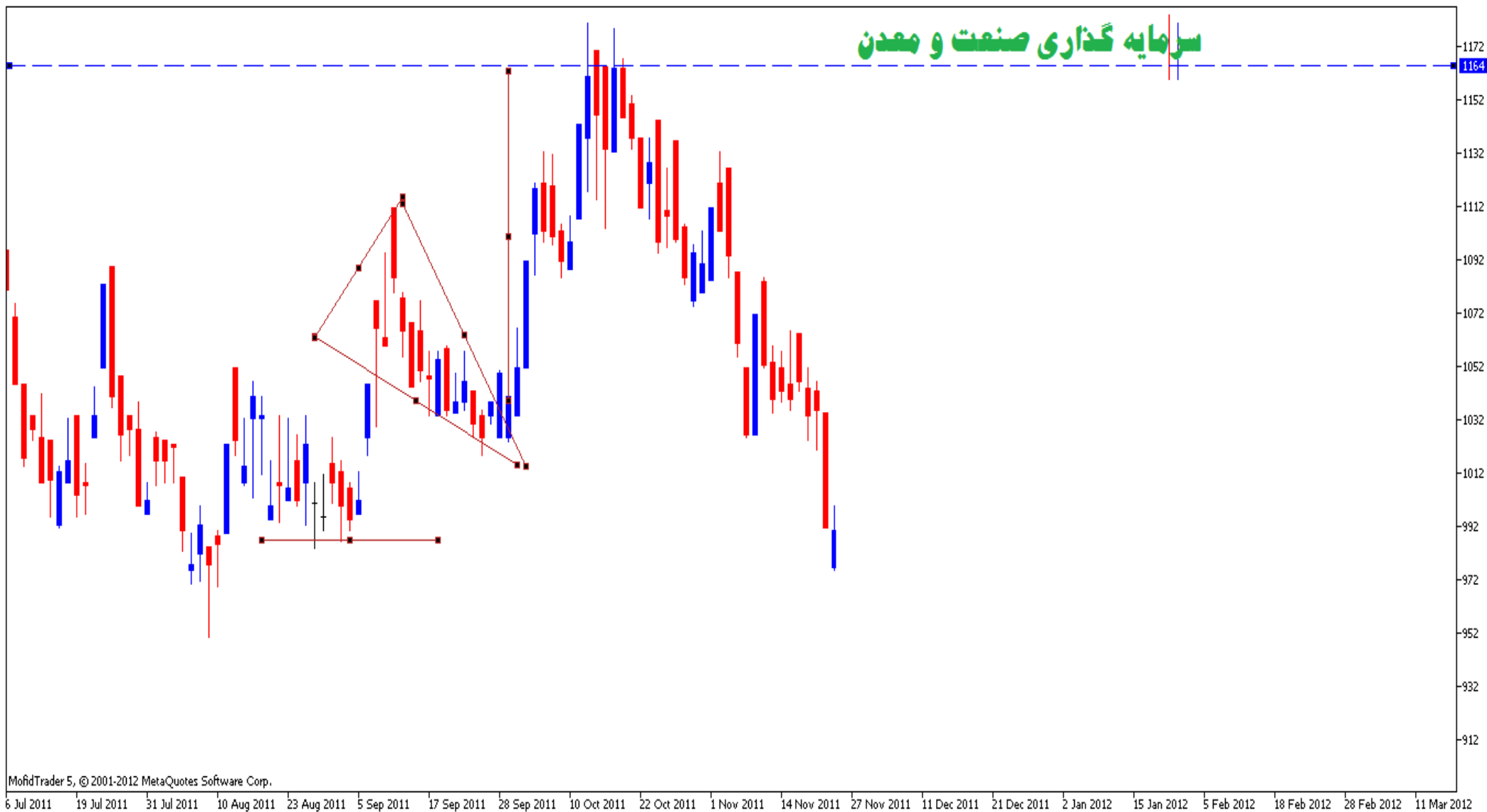
اگر این الگو در یک روند نزولی پدیدار شود و قیمت زیر خط حمایت پایین بیاید (احتمال انحراف معین وجود دارد)، یک سیگنال فروش ایجاد می‌شود.

اگر این الگو در یک روند صعودی پدیدار شوند و قیمت بالای خط مقاومت صعود کند (احتمال انحراف معین وجود دارد)، یک سیگنال خرید (Buy signal) ایجاد می‌شود.

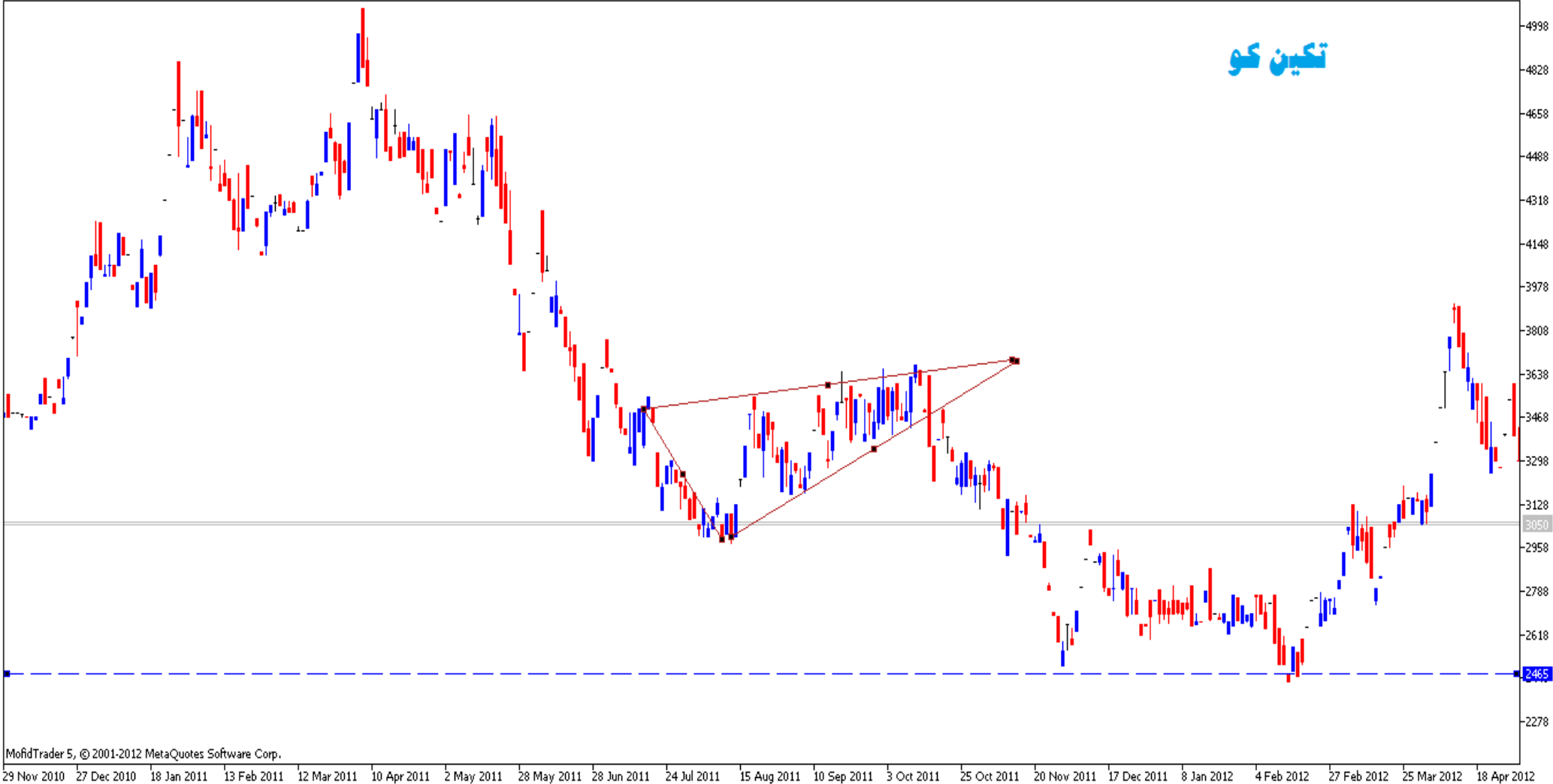
کنج صعودی، موقعیتی را بیان می‌کند که از نظر تکنیکی رو به ضعف نهاده است. وقتی قیمت‌ها، کنج صعودی را در خط مرزی پایین می‌شکنند، معمولاً به سرعت کاهش می‌یابند. علامت فروشی که توسط کنج‌ها در بازار کاهشی داده می‌شود، قابل اعتمادتر از علامتی است که در بازار افزایشی داده می‌شود.

کنج نزولی موقعیتی را بیان می‌کند که از نظر تکنیکی رو به قوت نهاده است. وقتی قیمت‌ها کنج نزولی را در خط مرزی بالا می‌شکنند، معمولاً قبل از افزایش، مدتی را به صورت افقی یا خنثی خواهند بود.

سرمایه گذاری صنعت و معدن

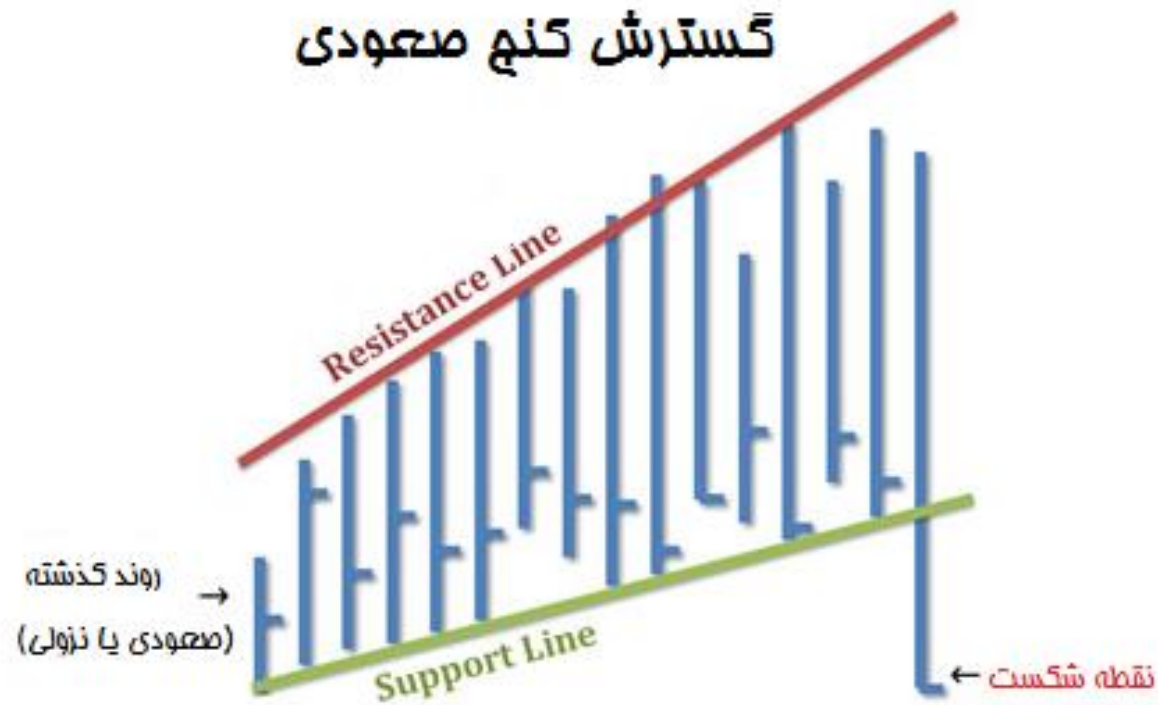


تکین کو



الگوی گسترش کنج Ascending Broadening Wedge

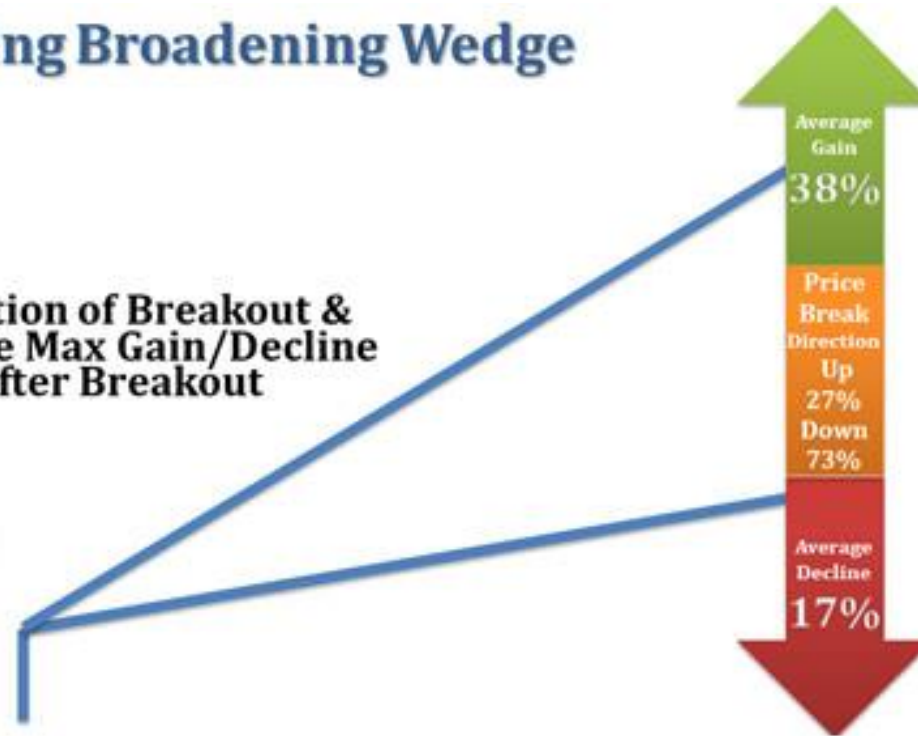
الگوی گسترش کنج خطوط مقاومت و حمایت به سمت بالا می‌رود (گسترش صعودی) یا هر دو دارای روند رو به پایین (گسترش نزولی) هستند. به عنوان یک الگوی گسترش، محدوده قیمت (بالا منهای پایین) از ابتدای الگو افزایش می‌یابد و دهانه کنج باز و بازتر می‌شود.



گسترش کنج صعودی زمانی رخ می‌دهد که قیمت‌ها بالا به اوج بالاتر و قیمت‌ها پایین‌ترین نرخ بالاتر را تجربه نمایند. برای ایجاد پشتیبانی و مقاومت مناسب هر بالا و پایین قیمت باید حداقل سه بار رخ دهد (خط سبز کشیده شده در پایین نمودار، شیب دار و رو به بالا و به سمت راست به عنوان خط حمایت و خط کشیده شده در بالای نمودار شیب دار و رو به بالا و حتی تندتر از خط حمایت به عنوان سطح مقاومت قیمت معرفی می‌شود).

Ascending Broadening Wedge

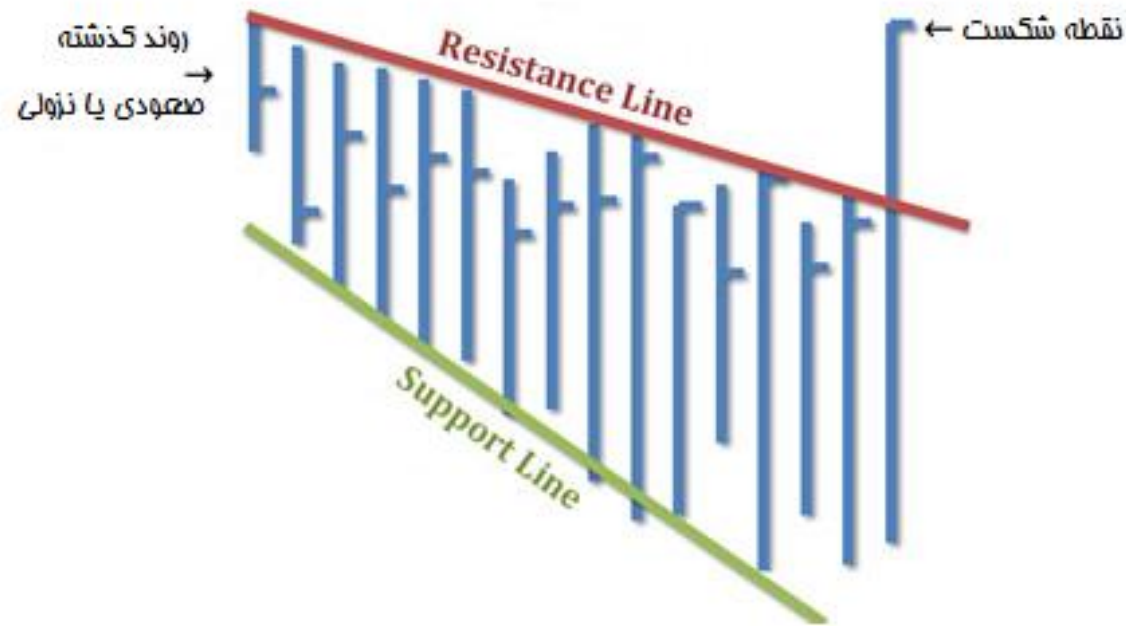
Direction of Breakout &
Average Max Gain/Decline
After Breakout



بیش از ۷۳٪ مواقع قیمت سهم به سمت شکست سطح حمایت حرکت می کند. هنگامی که قیمت سطح مقاومت را می شکند (سیگنال خرید)، قیمت (قبل از هر گونه اصلاح ۲۰٪ یا بیشتر) حداکثر ۳۸٪ رشد می کند و زمانی که قیمت سطح حمایت را می شکند (سیگنال فروش)، قیمت (قبل از ۲۰٪ درصد اصلاح) حداکثر ۱۷٪ افت می کند. اکثر تحلیل گران اعتقاد دارند که پس از شکست سطح مقاومت در این الگو رشد قیمت بسیار ناچیز است.

Bulkowski اعتقاد دارد که معامله گران زمانی که قیمت در داخل الگوست در سیگنال های خرید شتابزده عمل می کنند، یعنی که معامله گران باید تا لمس سوم سطح حمایت و مقاومت صبر کنند.

Descending Broadening Wedge



الگوی گسترش کنج نزولی زمانی رخ می‌دهد در که سطوح حمایت و مقاومت روند رو به پایین و به سمت راست داشته و محدوده نوسان قیمت با گذشت زمان در حال گسترش باشد.

Descending Broadening Wedge

Direction of Breakout &
Average Max Gain/Decline
After Breakout



در الگوی گسترش کنج نزولی احتمال شکست به سمت بالا در حدود ۷۹٪ برآورد شده است. قیمت در نهایت پس از شکست به طور متوسط ۳۳٪ (۲۰٪ قبل از اولین اصلاح) و زمانی که سطح حمایت را بشکند، به طور متوسط ۲۰٪ کاهش می‌یابد.

اهداف قیمت

Bulkowski در پژوهش‌های تاریخی خود از الگوی گسترش کنج، فرمولهای زیر را برای اهداف قیمت ارائه نموده است:

کنج صعودی (شکست به سمت بالا): قیمت مقاومت بالا + ((بالاترین سقف – پایین‌ترین کف) * ۶۹٪)

کنج صعودی (شکست به سمت پایین): قیمت حمایت پایین – ((بالاترین سقف – پایین‌ترین کف) * ۵۸٪)

کنج نزولی (شکست به سمت بالا): قیمت سطح مقاومت + ((بیشترین سقف – پایین‌ترین کف) * ۷۹٪)

کنج نزولی (شکست به سمت پایین): قیمت سطح حمایت – ((بالاترین سقف – پایین‌ترین کف) * ۳۶٪)

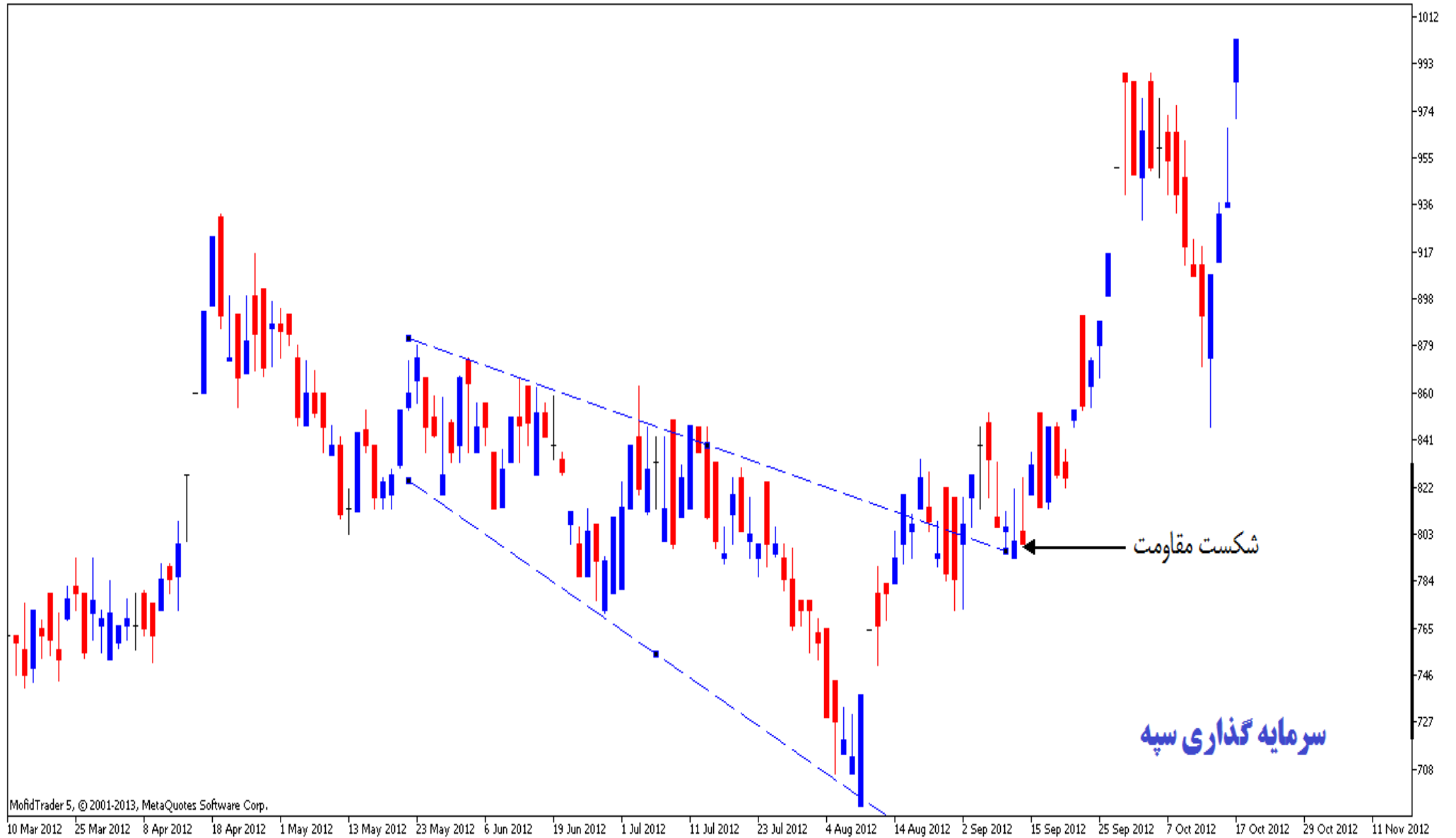
امتیاز دهی به الگو :

رتبه عملکرد کل برای شکست به سمت بالا / پایین: ۶ از ۲۳ برای بالا و ۱۴ از ۲۱ برای پایین (۱ بهترین نمره است)
 عدم موفقیت در شکست به سمت بالا / پایین: ۵۲٪ ، ۱۱٪
 میانگین افزایش / کاهش: ۳۸٪ ، ۱۷٪
 احتمال بازگشت / pullback (جابجایی سطوح حمایت / مقاومت) : ۵۰٪ ، ۵۷٪
 درصد دستیابی به هدف قیمتی در شکست به سمت بالا / پایین: ۶۹٪ ، ۵۸٪

| مشخصه | توضیحات |
|--------------|---|
| روند قیمت‌ها | می‌تواند صعودی یا نزولی باشد |
| شکل | شبه بلندگوی دستی کج |
| خطوط روند | شیب هر دو خط روند (حمایت و مقاومت) رو به بالاست |
| لمس | حداقل سه قله و سه دره باید خط روند مربوطه را لمس کنند |
| حجم معاملات | نامنظم ، اما روند صعودی ۶۴٪ مواقع افزایش می‌یابد |
| شکست | ۷۳٪ رو به پایین |

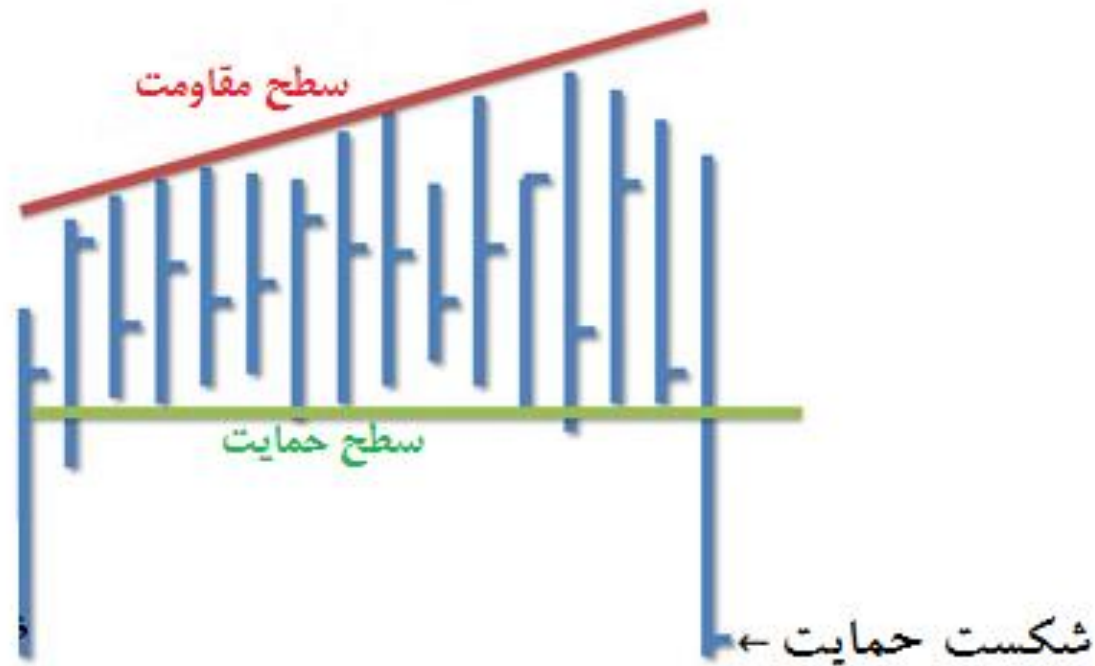


تحليل تکنیکال – Technical Analysis



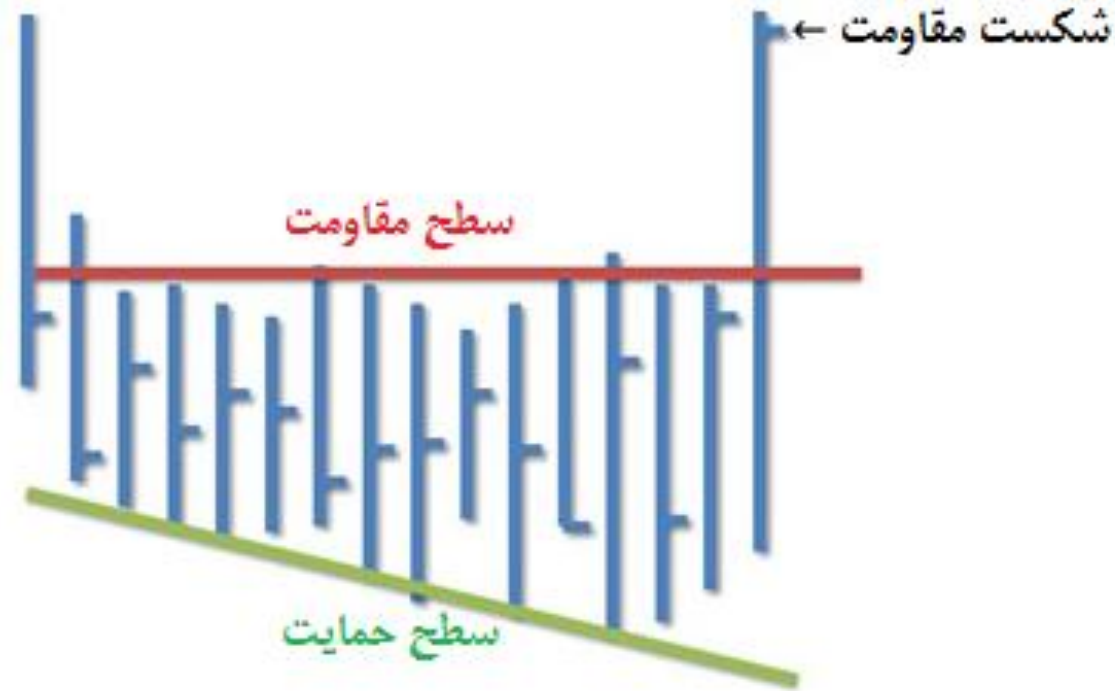
Broadening Right Angled Ascending صعودی زاویه دار (راست)

الگوی صعودی زاویه دار (راست) به جز سطوح مقاومت یا حمایت که در روند افقی قرار دارند؛ در بالا و پایین نمودار ایجاد می‌شود. الگوی صعودی زاویه دار دارای یک خط حمایت افقی و یک خط مقاومت رو به افزایش است.





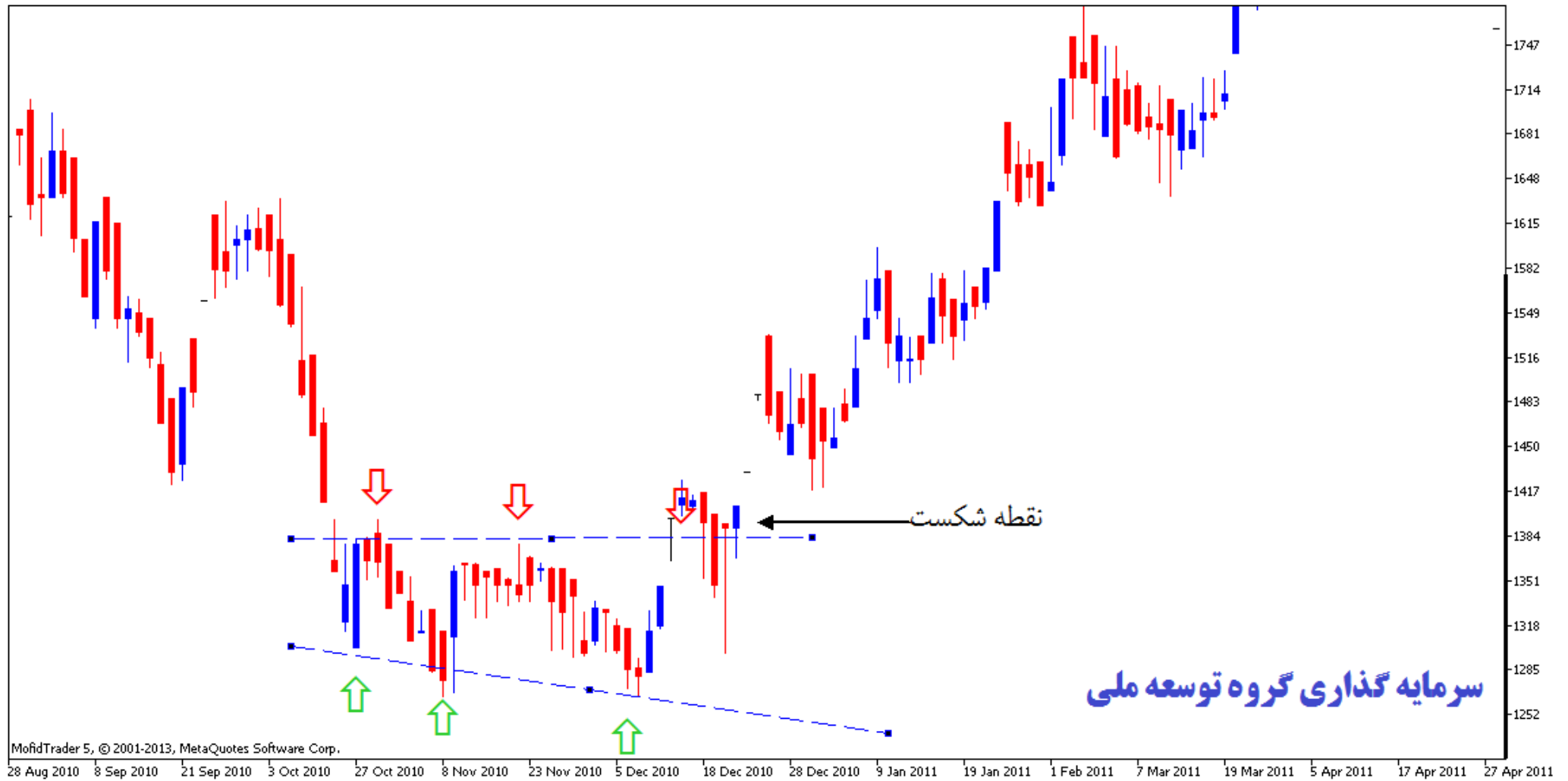
در مقابل، الگوی نزولی زاویه دار (راست) دارای یک خط مقاومت افقی و و یک خط حمایت رو به گسترش است.



عواملی که باعث افزایش اثربخشی الگو می‌شوند عبارتند از :

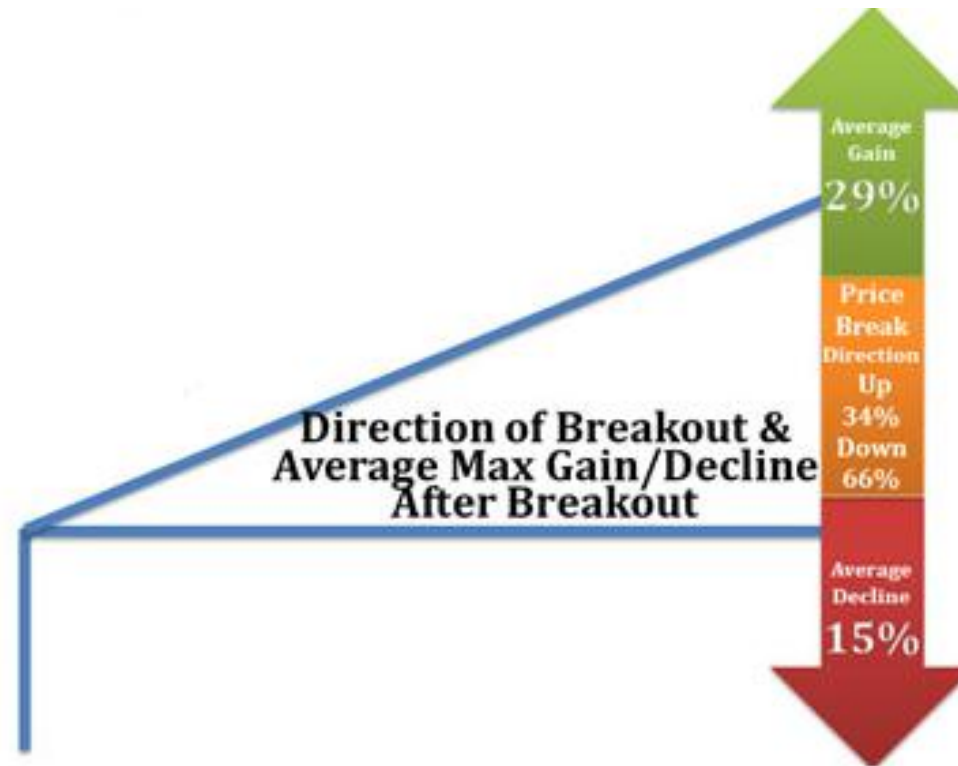
- ۱- بهترین عملکرد الگوی صعودی در روندی کمتر از سه ماه و الگوی نزولی در روندی بیش از سه ماه ایجاد می‌شود.
- ۲- الگوهای صعودی بلند بهتر از الگوهای صعودی کوتاه هستند

تحليل تکنیکال – Technical Analysis



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

با توجه به پژوهش Bulkowski، روند قیمت قبل از گسترش الگو **۳۴٪ احتمال رشد** و **۶۶٪ احتمال افت** دارد. در صورت شکست خط مقاومت سهم به طور میانگین ۲۹٪ بازدهی نصیب سرمایه گذار خواهد کرد و در صورت شکست سطح حمایت ۱۵٪ زیان در برخواهد داشت.

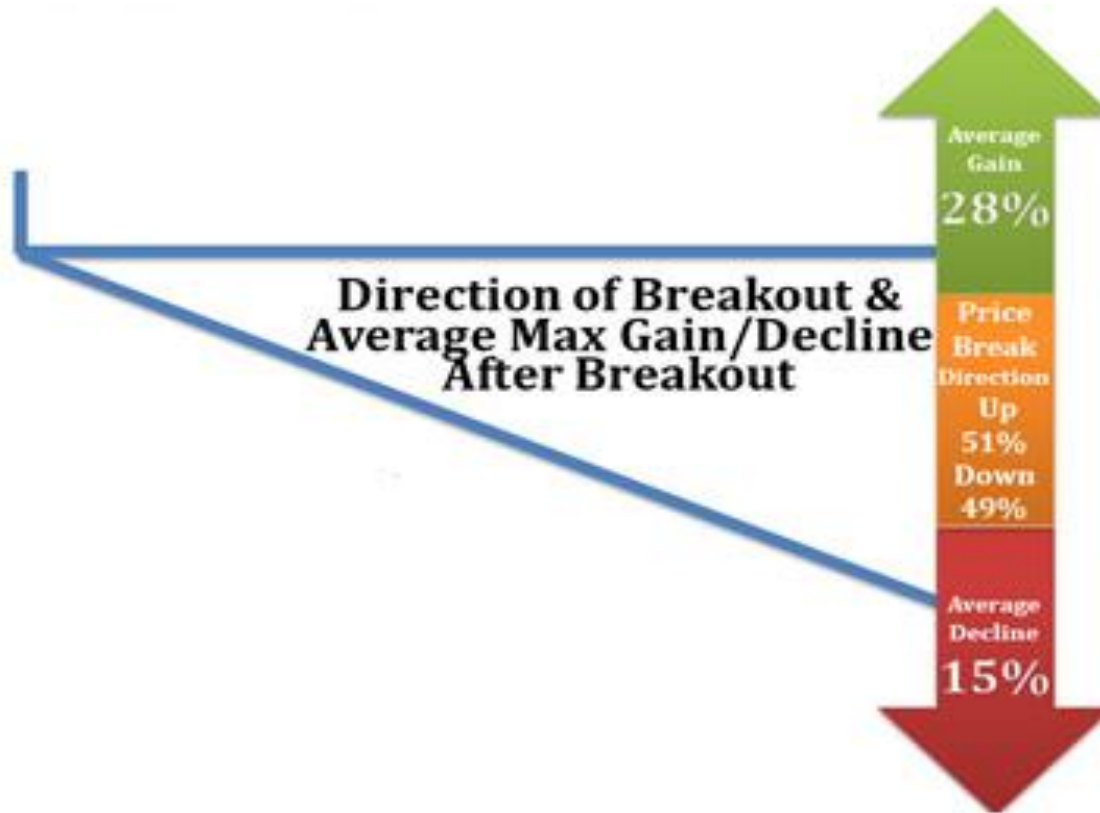


Bulkowski در پژوهش های تاریخی اش در نمودارهای قیمت، محاسبات ذیل را برای اهداف قیمتی الگو ارائه کرده است:

هدف قیمت (شکست سطح مقاومت): قیمت نقطه شکست + ((بالاترین سقف - پایین ترین کف) * ۶۸٪)

هدف قیمت (شکست سطح حمایت): قیمت نقطه شکست + ((بالاترین سقف - پایین ترین کف) * ۳۲٪)

روند قیمت قبل از گسترش الگو **۵۱٪ احتمال رشد** و **۴۹٪ احتمال افت** دارد. در صورت شکست خط مقاومت سهم به طور میانگین ۲۸٪ بازدهی نصیب سرمایه گذار خواهد کرد و در صورت شکست سطح حمایت ۱۵٪ زیان در برخواهد داشت.

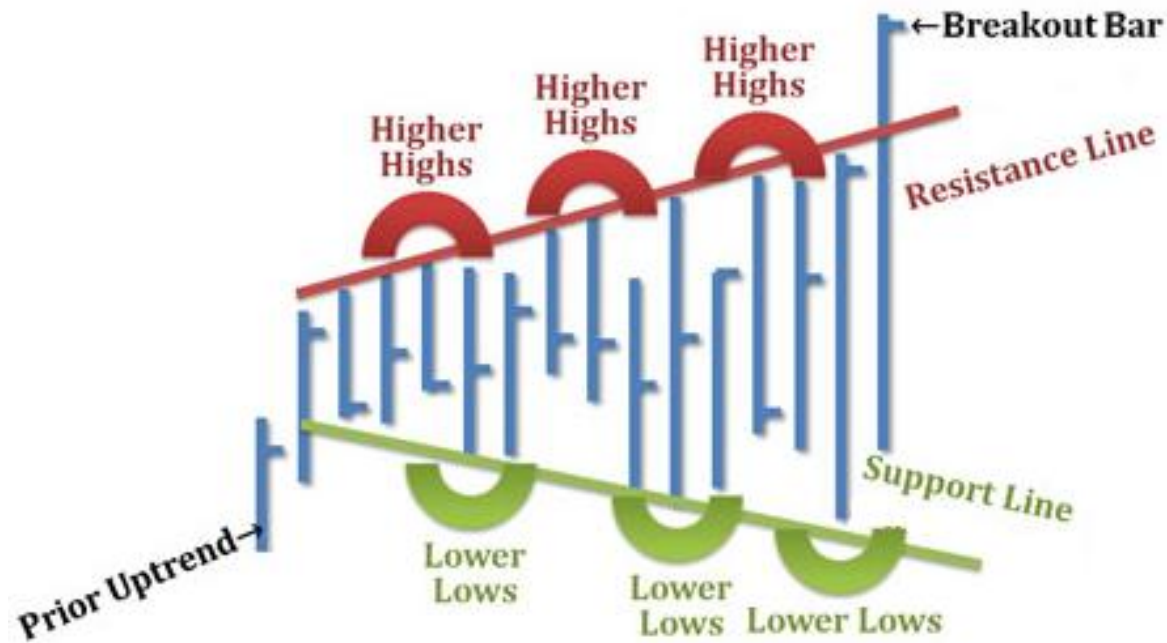


هدف قیمت (شکست سطح مقاومت): قیمت نقطه شکست + ((بالاترین سقف – پایین‌ترین کف) * ۶۳٪)

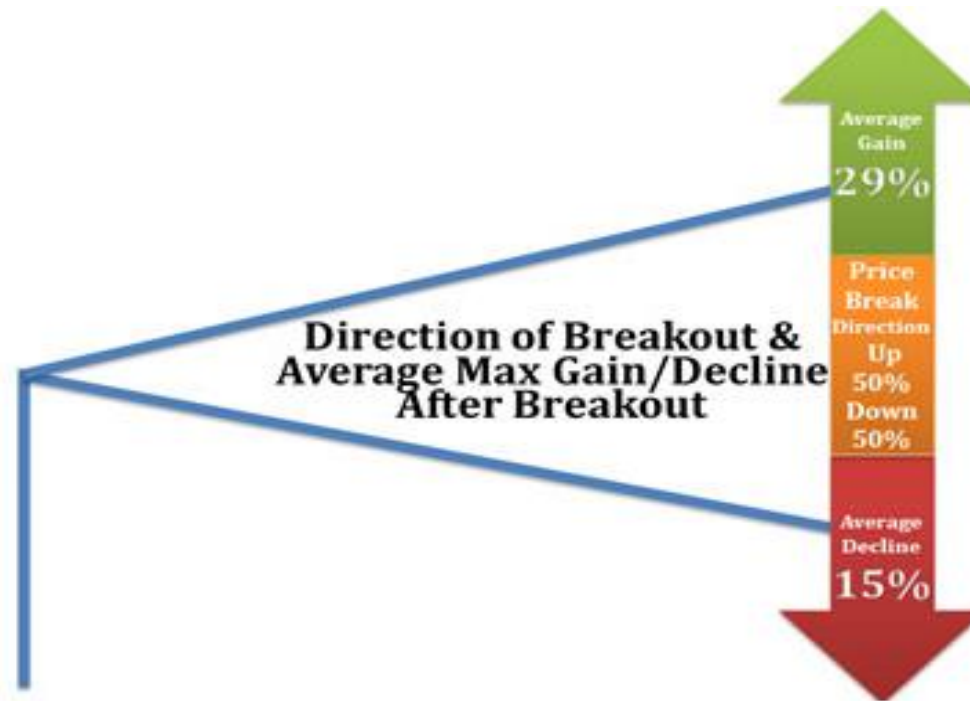
هدف قیمت (شکست سطح حمایت): قیمت نقطه شکست – ((بالاترین سقف – پایین‌ترین کف) * ۴۴٪)

Broadening Tops الگوی انبساط فوقانی

الگوی نشان داده شده در شکل انبساط فوقانی، بلندگو و مثلث معکوس نامیده می‌شود که در یک روند صعودی شکل می‌گیرد. دامنه قیمت در محدوده قیمت‌های بالا - قیمت‌های پایین در طول زمان به شکل بلندگو در حال گسترش است. گسترش الگو زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت بین دو حمایت و مقاومت محصور شود. قیمت پس از آن اوجی بالاتر و کفی پایین‌تر را تجربه نموده، و حداقل دو بار قیمت در محدوده خط سبز رنگ برگشت به سمت بالا (حمایت) و در محدوده خط قرمز برگشت به سمت پایین (مقاومت) نموده باشد.



گسترش فوقانی ، شکست به سمت بالا و میانگین سود و زیان



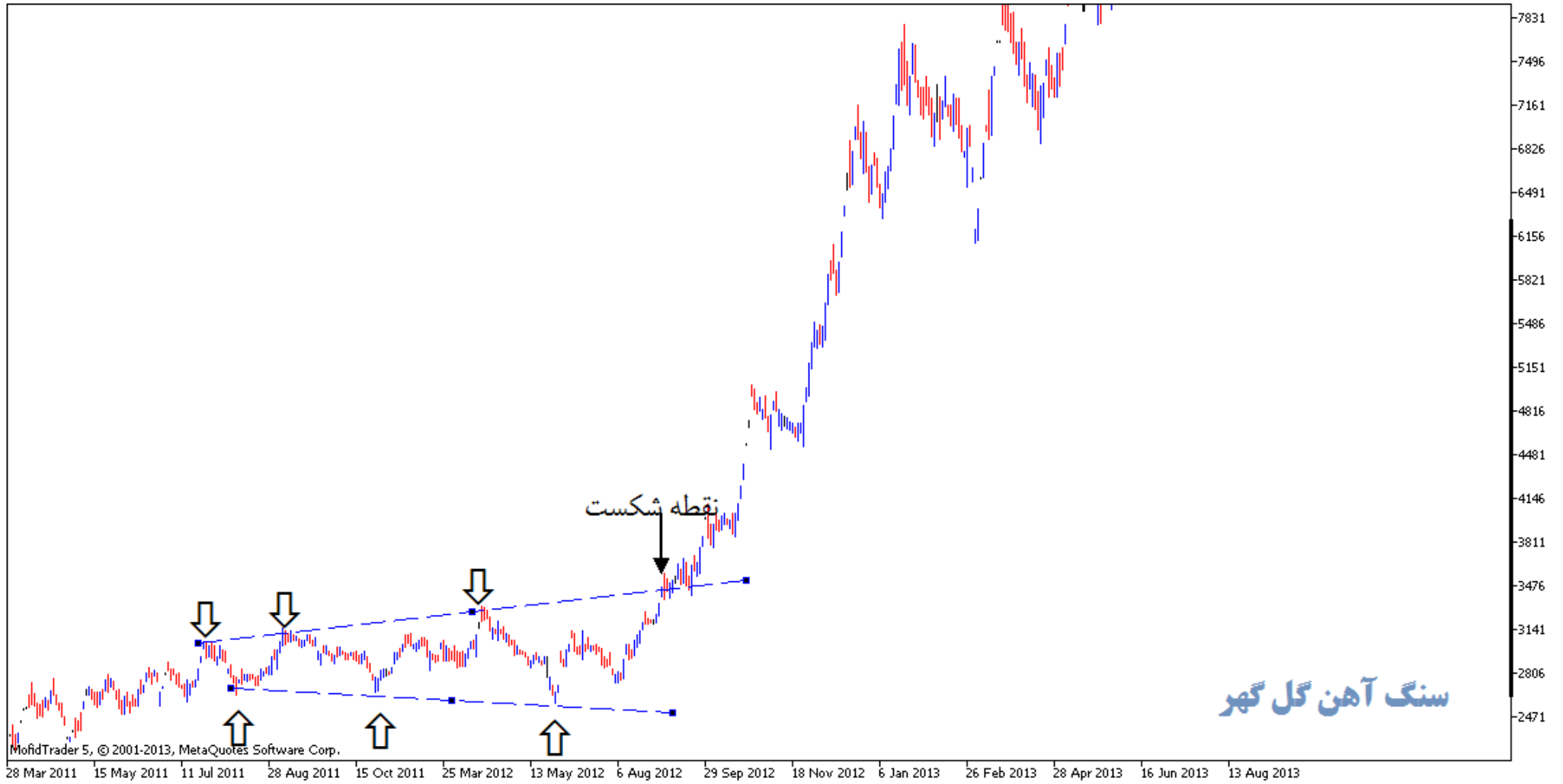
در زمان شکل گیری الگو احتمال شکست به بالا یا پایین نمودار ۵۰٪ - ۵۰٪ است. زمانی که قیمت در خط مقاومت شکسته شود ، بازده سهم به طور میانگین ۲۰٪ تا ۲۹٪ و زیان افت ارزش سهم در زمان شکستن خط حمایت ۱۵٪ تا ۲۰٪ خواهد بود.

Bulkowski در پژوهش‌هایش فرمول محاسبه اهداف قیمتی الگوی بلندگو را به شرح زیر ارائه نموده است :

الگوی بلندگوی صعودی (شکست مقاومت) : قیمت شکست سطح مقاومت + ((بیشترین سقف - پایین‌ترین کف) * ۶۲٪)

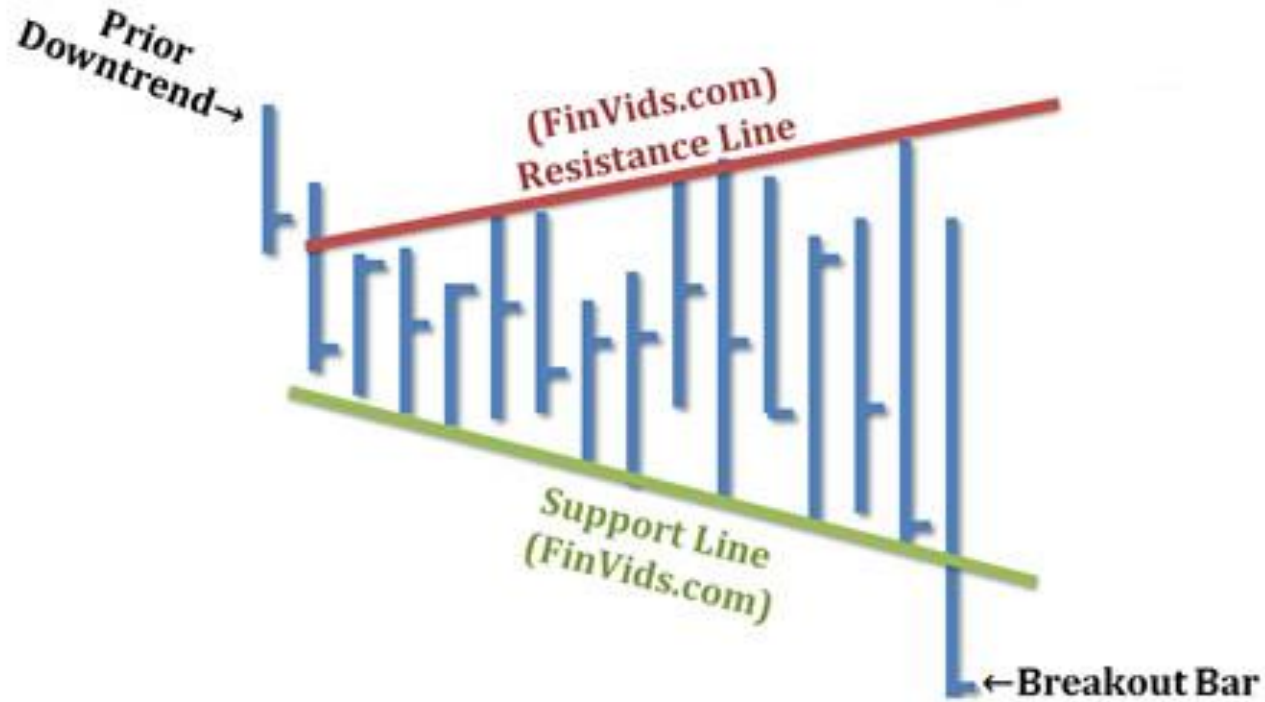
الگوی بلندگوی صعودی (شکست حمایت) : قیمت شکست سطح حمایت قیمت – (بیشترین سقف – پایین‌ترین کف) * ۳۷٪



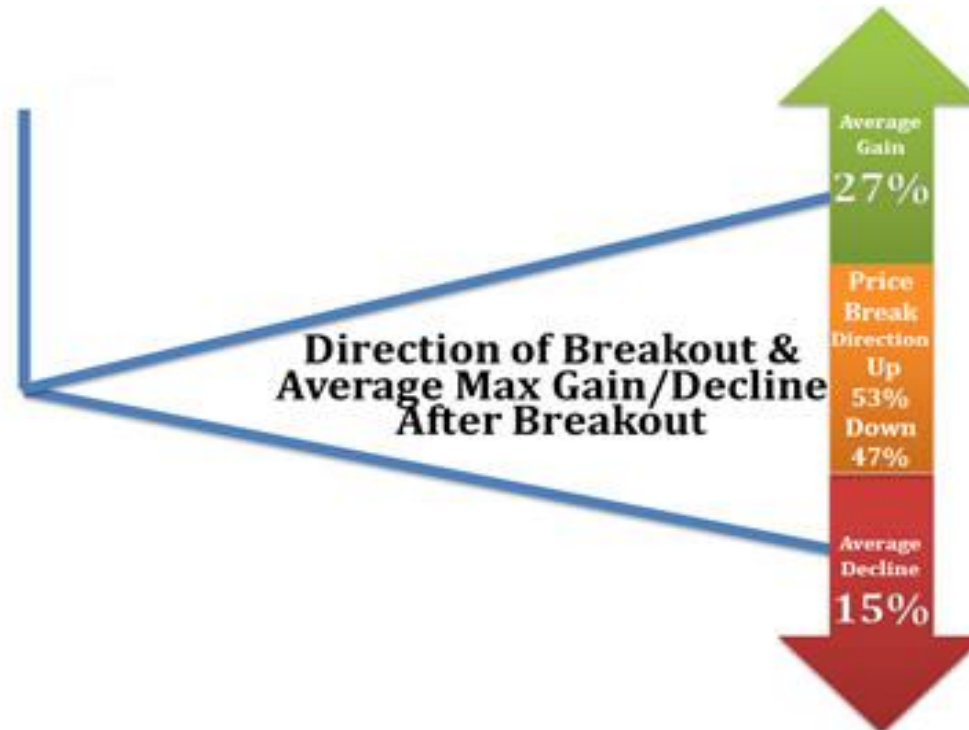


الگوی انبساط تحتانی Broadening Bottoms

گسترش تحتانی شبیه به گسترش فوقانی قیمت است. با این تفاوت که گسترش تحتانی پس از یک روند نزولی رخ می‌دهد.



گسترش تحتانی ، شکست به سمت پایین و میانگین سود و زیان

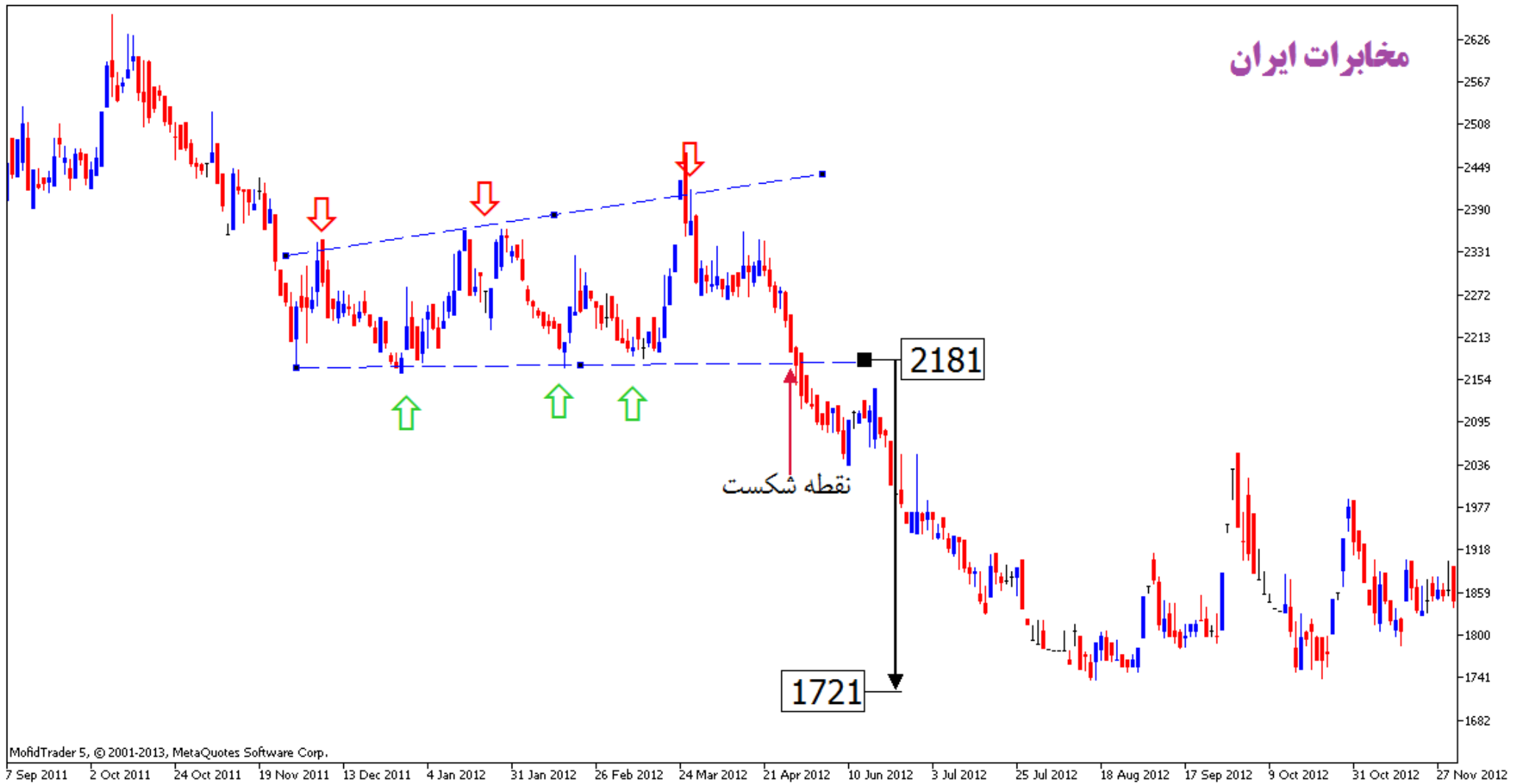


در زمان شکل گیری الگو احتمال شکست قیمت به سمت بالا ۵۳٪. به سمت پایین ۴۷٪ است. زمانی که قیمت در محدوده خط مقاومت شکسته شود ، بازده سهم به طور میانگین ۲۰٪ تا ۲۷٪ و زیان افت ارزش سهم در زمان شکستن خط حمایت ۱۵٪ خواهد بود.

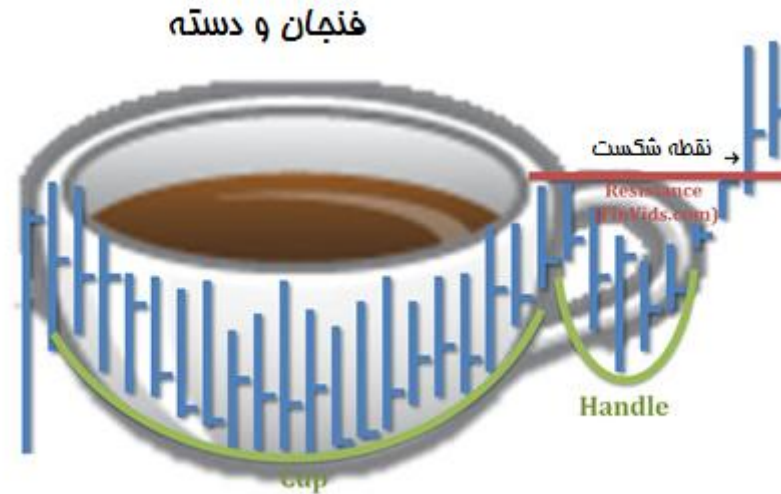
الگوی بلندگوی نزولی (شکست مقاومت) : قیمت شکست سطح مقاومت + ((بیشترین سقف – پایین ترین کف) * ۵۹٪)

الگوی بلندگوی نزولی (شکست حمایت): قیمت برک آوت زیر پشتیبانی قیمت – ((بیشترین سقف – پایین ترین کف) * ۴۴٪)

مخابرات ایران



الگوی فنجان و دسته Cup and Handle



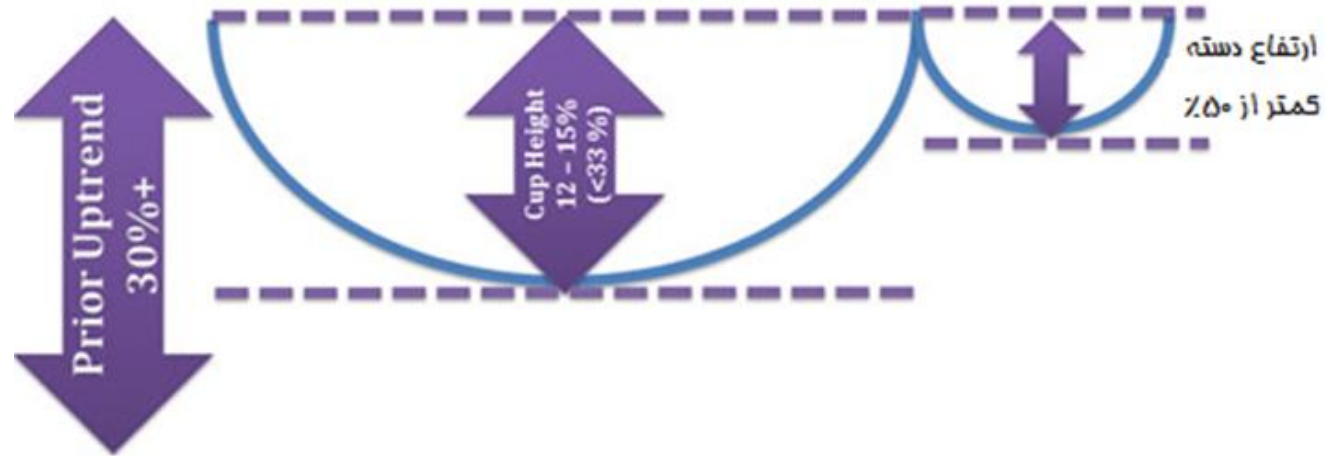
الگوی فنجان و دسته یک الگوی ادامه دهنده روند است فنجان و دسته یک الگوی خیزان ادامه دهنده است که دوران تثبیت قبل از شکست را نشانه گرفته است. این الگو را ویلیام انیل در کتاب "چگونه در سهام پول درآوریم" در سال ۱۹۸۸ معرفی کرد. بخش فنجان الگوی فنجان و دسته یک حرکت اصلاحی از روند صعودی قبلی است و زمانی که قیمت‌ها به آرامی بسمت پایین و سپس به آرامی به سمت بالا می‌آیند و در بلند مدت شبیه حرف "U" می‌شود بخش دسته یک حرکت اصلاحی رو به پایین از سمت راست فنجان ایجاد نموده و سپس برگشت به سمت بالا به سوی سطح قیمت بالای سمت چپ فنجان که معمولاً مانند حرف "V" خواهد شد. هنگامی که قیمت محدوده لبه فنجان را به سمت بالا می‌شکند سیگنال خرید صادر می‌شود.

الگوی فنجان و دسته معمولاً قبل از یک روند صعودی با ۳۰٪ رشد و در بازه زمانی ۷ تا ۶۵ هفته ایجاد می‌شود، اما اکثریت الگوهای شکل گرفته در بازار بین ۳ تا ۶ ماه طول می‌کشد. دوره زمانی شکل گیری دسته الگو حداقل یک هفته و معمولاً ۲ هفته طول می‌کشد. علاوه بر این، فاصله بین بالای فنجان و ته فنجان ۱۲٪ تا ۱۵٪ است، اما

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

می‌تواند تا ۳۳٪ نیز افزایش پیدا کند. به طور معمول حجم در سمت چپ از فنجان کاهش می‌یابد و پس از آن مجدداً افزایش می‌یابد. لبه‌های فنجان باید در محدوده‌های قیمتی یکسانی باشد.

متوسط ارتفاع الگوی فنجان و دسته



دوره زمانی الگوی فنجان و دسته





نتایج پژوهش Bulkowski نشان می‌دهد که متوسط افزایش قیمت پس از شکست الگوی فنجان و دسته ۳۴٪ است. احتمال رسیدن قیمت به هدف ۳۴ درصدی تنها ۵۰٪ است و درصد عدم موفقیت الگو ۵ درصد است. همچنین هدف به قیمت برای فنجان و دسته به روش زیر محاسبه می‌شود:

قیمت در نقطه شکست + ((بالاترین قیمت از هر دو طرف فنجان – پایین‌ترین قیمت در ته فنجان) * ۵۰٪)

خرید: هنگامی که قیمت بالاتر از لبه سمت راست فنجان (نقطه A، و خط قرمز رنگ افقی) بسته شود، اقدام به خرید نمایید.

هشدار: قیمت معمولاً ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش می‌یابد و سپس روند آن وارونه می‌شود و به سمت پایین می‌رود. در این صورت به سرعت سهم مورد نظر را بفروشید، در غیر این صورت زیان زیادی خواهید کرد.

دسته کوتاه: الگوهایی که دسته‌هایی کوتاه‌تر از ۲۳ روز دارند، عملکرد بسیار خوبی را پس از شکست قیمتی از خود نشان می‌دهند.

شکل و چگونگی حجم: فنجان‌هایی که از نظر حجم معامله کاملاً U شکل هستند، عملکرد بهتری از سایرین پس از شکست قیمتی دارند.

نمودار قیمت جهانی طلا

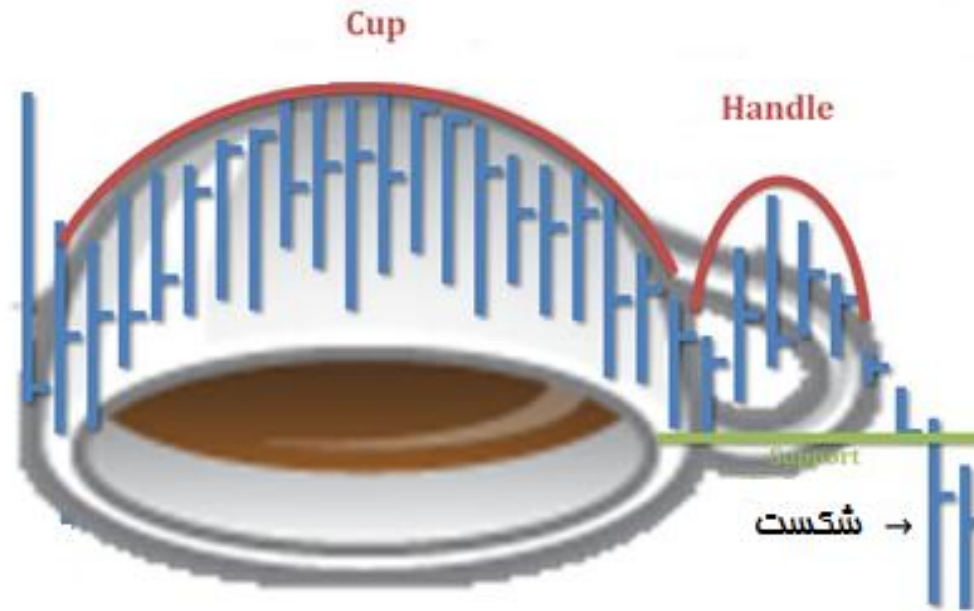
تایم فریم : هفتگی



نمودار بالا قیمت جهانی طلا را نشان می‌دهد. طلا پس از روند صعودی قبلی، پس از آن روند نزولی که کف سمت چپ فنجان را ایجاد نموده با صعودی مجدد و تشکیل قسمت راست بخش عمده‌ای از الگو را کامل می‌کند. قیمت پس از شکستن خط مقاومت در سمت راست دسته فنجان را کامل می‌کند، قیمت‌ها به شکل "V" در سمت راست فنجان افزایش می‌یابد، به سطح مقاومت نفوذ می‌کند و از ۹۹۴ دلار تا ۱۲۲۰ دلار افزایش پیدا می‌کند.

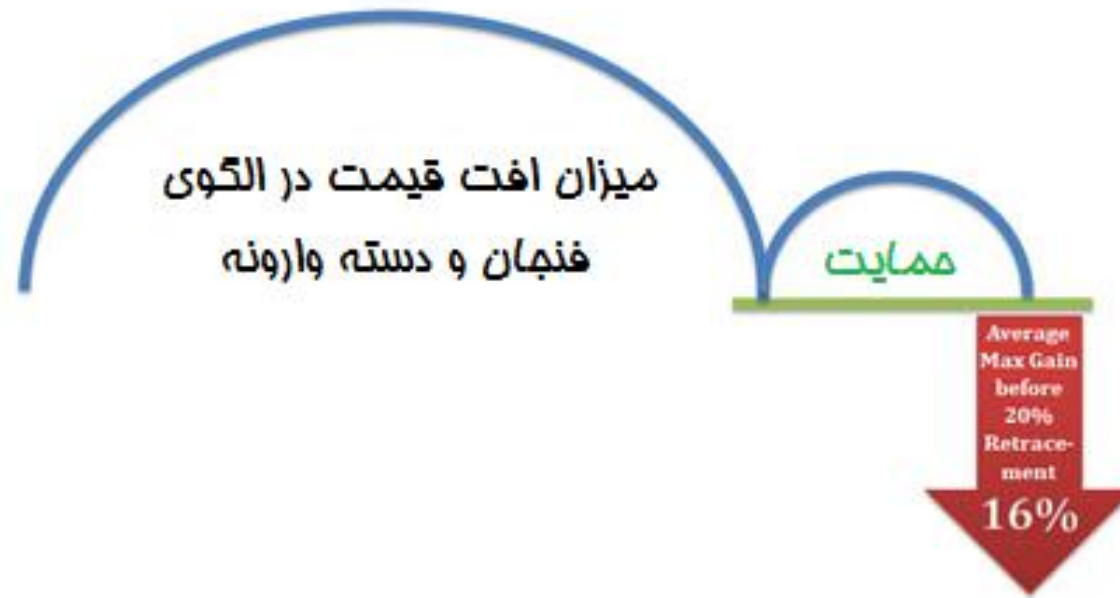


فنجان و دسته وارونه



فنجان و دسته وارونه

نوع دیگری از فنجان و دسته فنجان و دسته وارونه است. جهت روند قبل از الگو می‌تواند به سمت بالا یا رو به پایین باشد. در فنجان و دسته وارونه، بیش از نیمی از زمان قیمت افزایش می‌یابد. پس از آن قیمت‌ها به آرامی کاهش و به آرامی ایجاد یک منحنی بالا می‌نمایند. بخش دسته یک حرکت اصلاحی رو به بالا از سمت راست فنجان (لبه‌ها) را تجربه نموده و سپس برگشت به سمت پایین و حرکت مجدد قیمت به سمت لبه‌های فنجان تکمیل کننده الگو خواهد بود. سیگنال فروش زمانب صادر می‌شود که قیمت از محدوده حمایتی لبه فنجان به سمت پایین افت کند.



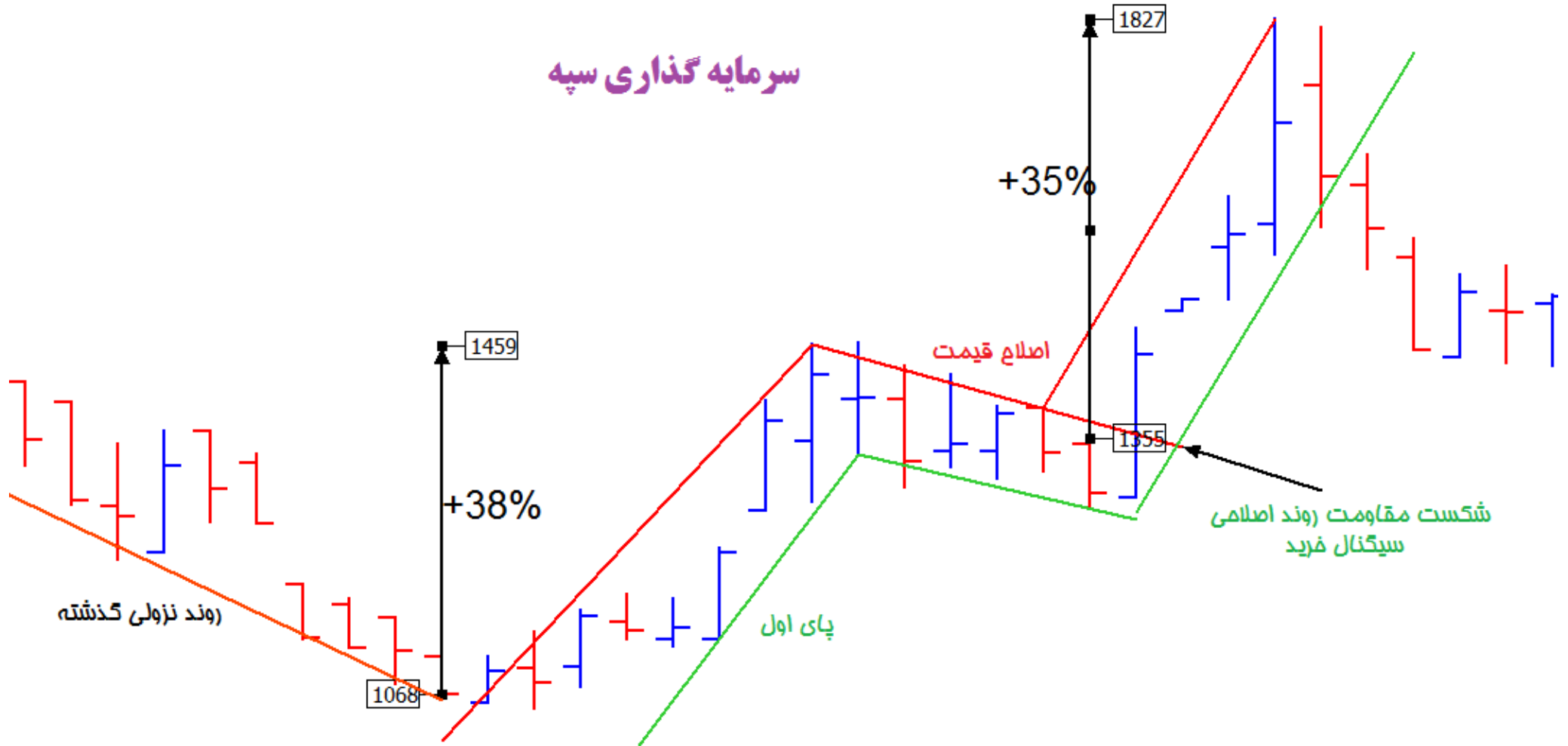
Bulkowski معتقد است که متوسط کاهش قیمت در الگوی فنجان و دسته وارونه ۱۶٪ است.

Measured Move Up اندازه گیری حرکت صعودی



اندازه گیری حرکت معکوس روند قبل به عنوان یک الگوی ادامه دهنده روند شناخته می‌شود. برای اندازه گیری حرکت سهم و گاهی اوقات به نام اندازه گیری رفتار خریداران در یک روند کوتاه رو به پایین از این الگو می‌توان بهره جست. در الگوی اندازه گیری حرکت خریداران سه بخش وجود دارد: پای اول که یک روند رو به بالا است. دوم، اصلاح قیمت نسبت به روند صعودی ابتدایی است که در آن قیمت به سمت پایین عقب نشینی می‌کند؛ و سوم، دور برگشت، که قیمت یکبار دیگر به مقدار پای اول رشد می‌کند. ایده اصلی این الگو این است که پس از اصلاح، قیمت باید در روند اصلی و با همان شیب از سر گرفته شود و باید تقریباً به اندازه موج اول افزایش پیدا کند.

سرمایه گذاری سپه



متوسط افزایش قیمت در اولین "پا": ۴۶٪ در ۸۷ روز
میانگین فاز اصلاحی: ۴۷٪ در ۳۲ روز
آخرین "پا": ۳۲٪ در ۶۰ روز

درصد احتمال دستیابی به هدف قیمت: ۴۵٪

درصد زمان دستیابی به هدف: ۳۸٪

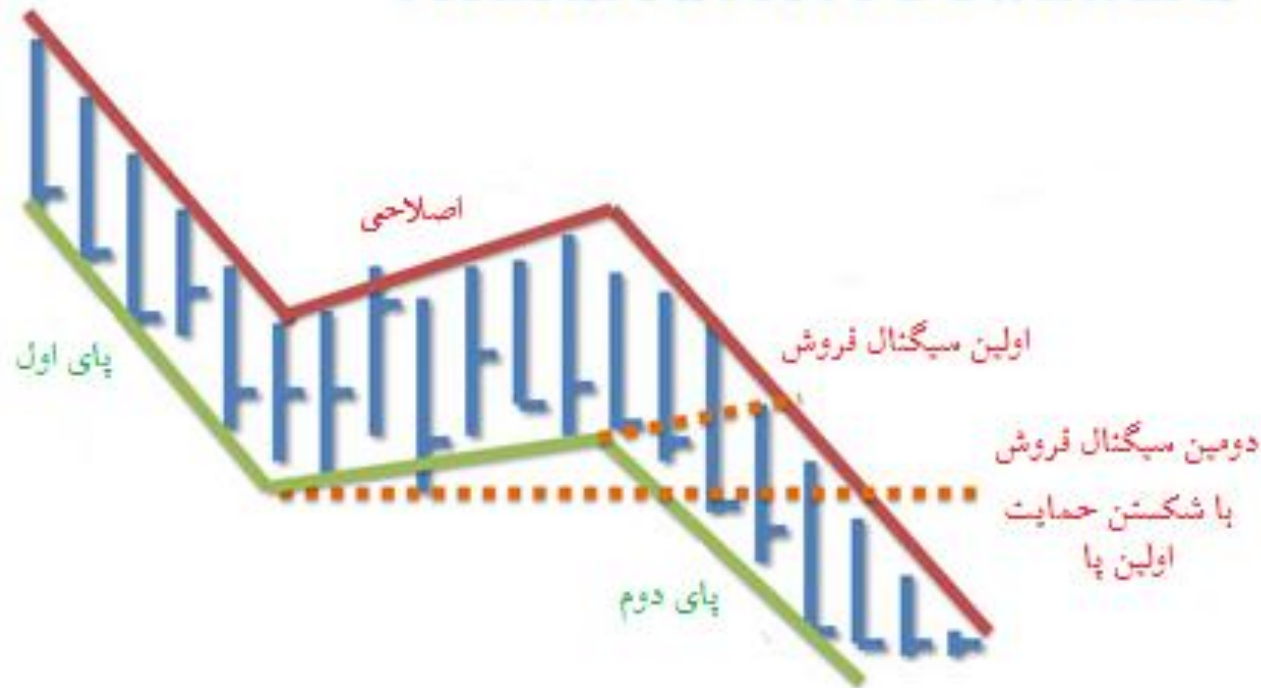
میانگین مدت زمان ، قیمت و صفات الگوی اندازه گیری حرکت صعودی



ارزیابی دقیق تر bulkowski از الگو نشان می دهد به طور متوسط، پای اول حدود ۴۶ درصد در حدود ۸۷ روز افزایش می یابد، و پس از آن قیمت حدود ۴۷٪ در ۳۲ روز اصلاح و عقب نشینی به سمت پایین دارد؛ و پای دوم به طور متوسط ۳۲٪ در حدود ۶۰ روز رشد می کند.

اندازه گیری حرکت قیمت: بیشترین قیمت پای اصلاحی – ((بالاترین قیمت پای آغازین – پایین‌ترین قیمت پای اصلاحی) * ۳۵٪)

Measured Move Downward



اولین پا، ابتدا باعث واژگونی روند صعودی قبلی رو به پایین می‌شود، و پس از اصلاح که در آن قیمت به سمت بالا حرکت می‌کند، در نهایت، قیمت روی پای نهایی سقوطی مجدد را تجربه می‌کند. به طور معمول زمانی که قیمت در زیر خط حمایت کانال صعودی (شکستن روند اصلاحی) قرار می‌گیرد سیگنال فروش صادر می‌شود. سیگنال فروش ثانویه زمانی که قیمت در زیر کمترین قیمت پای اول قرار می‌گیرد صادر می‌شود.

متوسط پای اول کاهشی: ۲۷٪ در ۶۱ روز

میانگین فاز اصلاحی: ۴۸٪ در ۳۰ روز

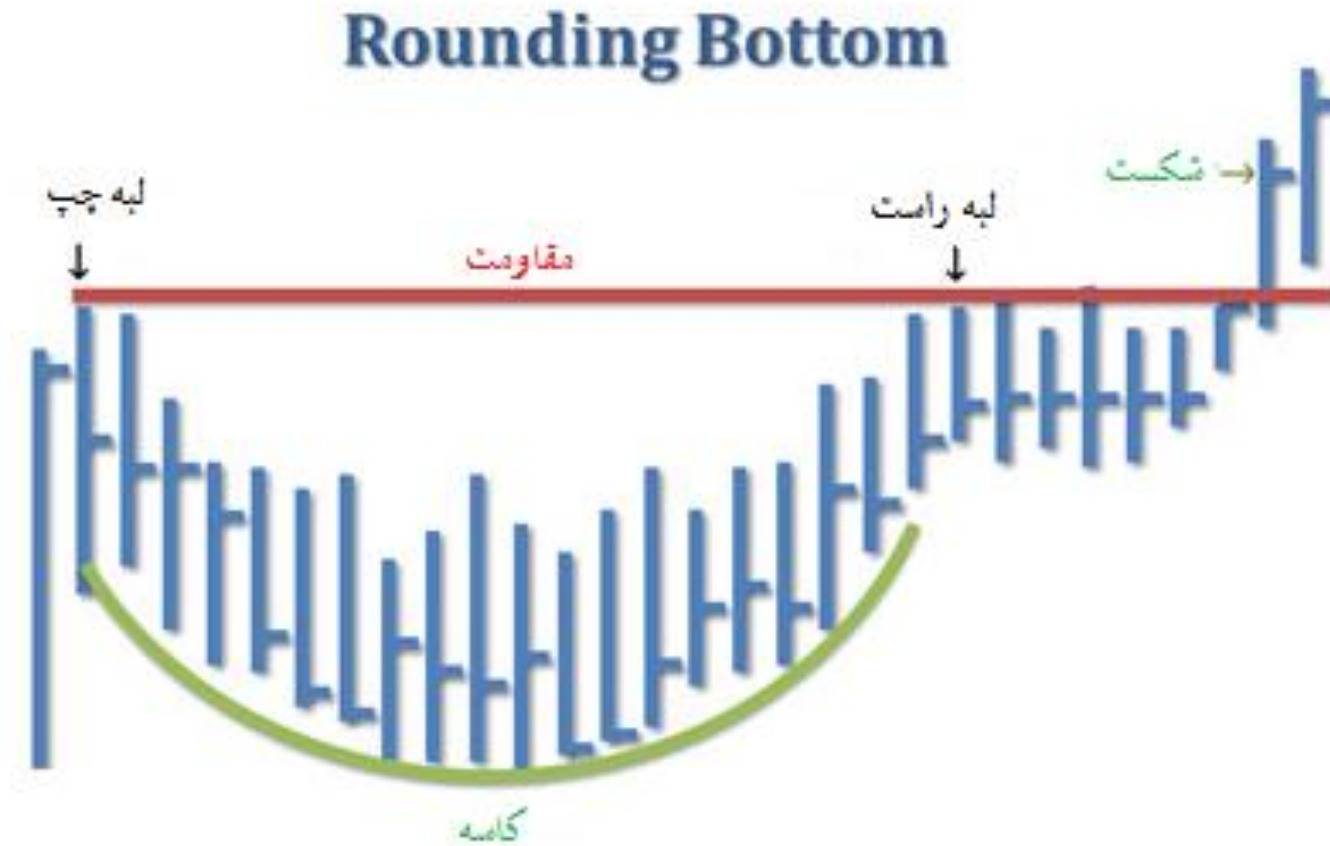
آخرین پای کاهشی: ۲۵٪ در ۶۲ روز.

درصد احتمال دستیابی به هدف قیمت: ۳۵٪

درصد زمان دستیابی به هدف: ۵۳٪



Rounding Bottom Chart Pattern الگوی نیم دایره پایین

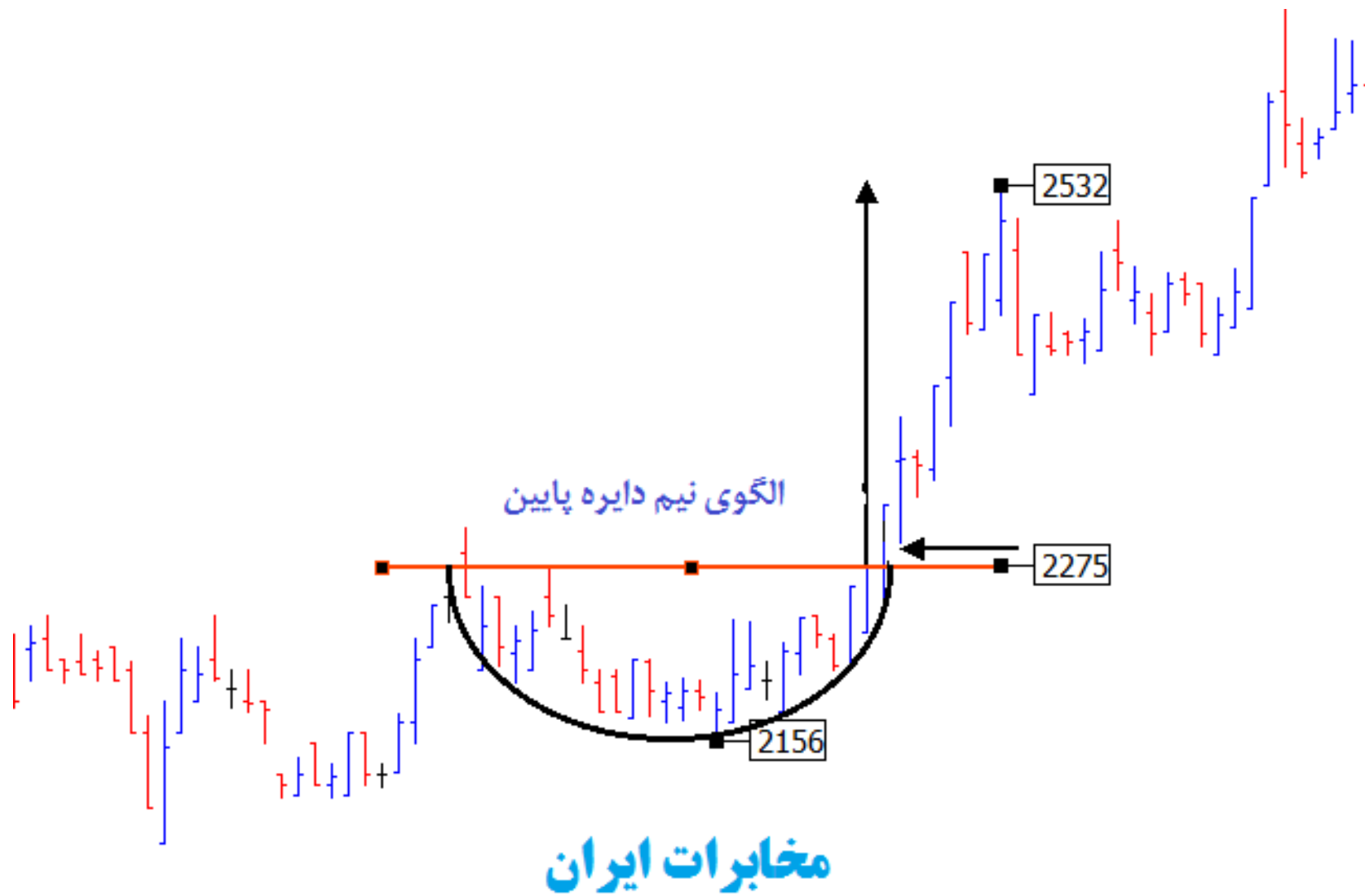


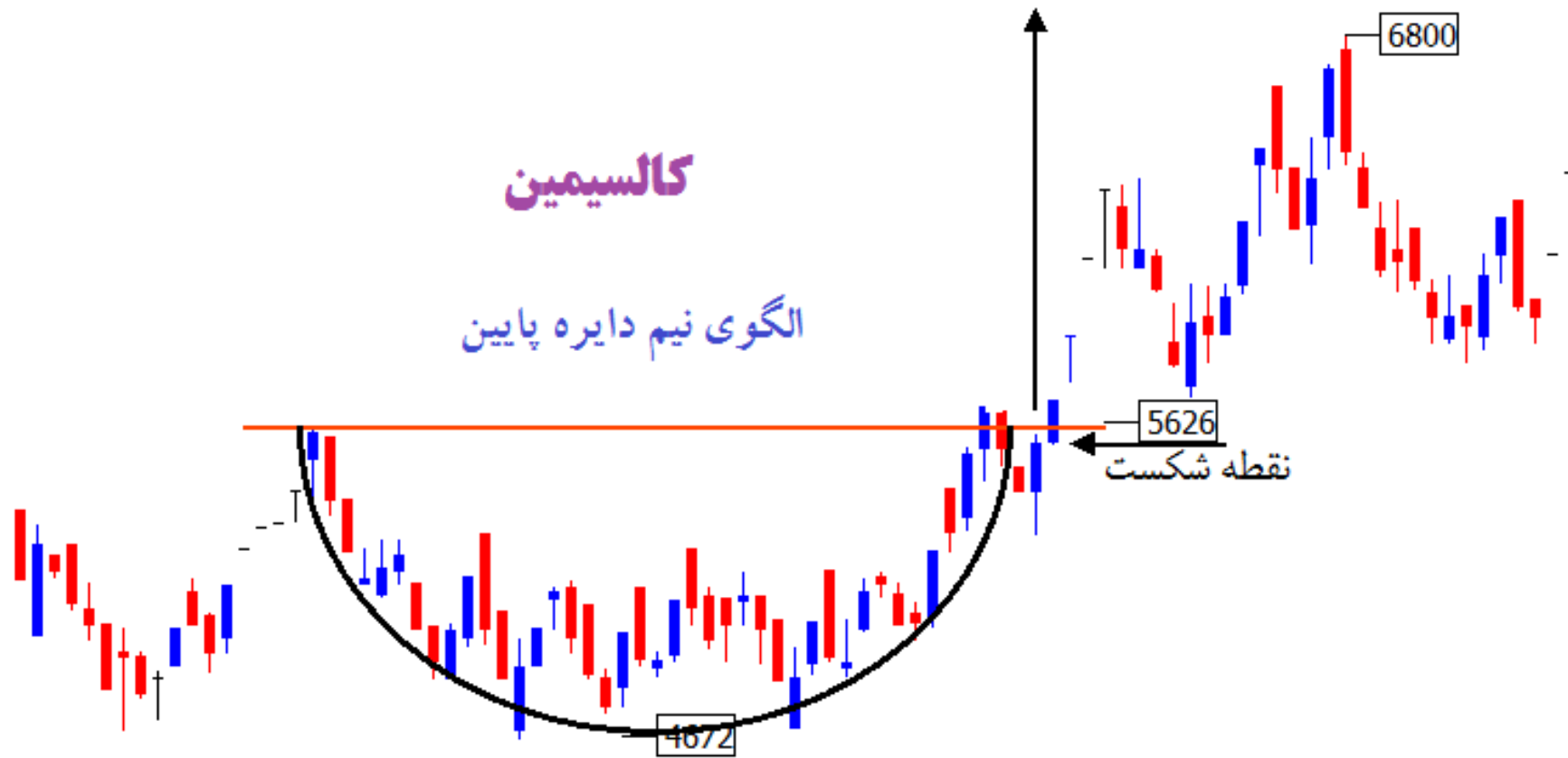
الگوی کف گرد یا نیم دایره پایین ، همچنین به عنوان "کاسه" نیز شناخته می‌شود و یک الگوی دراز مدت است که معمولاً با استفاده از نمودار با تایم فریم هفتگی مشخص می‌شود. به طور معمول (۶۲ درصد از مواقع)، قبل از روند صعودی انتهای نمودار به صورت این الگو در می‌آید. قیمت‌ها پس از یک دوره کاهش و یک دوره افزایش ظاهر دیداری یک کاسه یا حرف "U" را ایجاد می‌کند. سمت چپ کاسه جایی که الگوی آغاز می‌شود "لب چپ" نامیده می‌شود و در سمت راست کاسه به "لبه راست" موسوم است. معمولاً

قیمت لب سمت راست در حدود سطح قیمت لبه چپ است. به عقیده Bulkowski سیگنال خرید زمانی صادر می‌شود که قیمت بالای خط مقاومتی که از لبه سمت چپ به منطقه تثبیت رسیده و سپس به لبه راست کشیده نزدیک شود و از آن عبور کند.

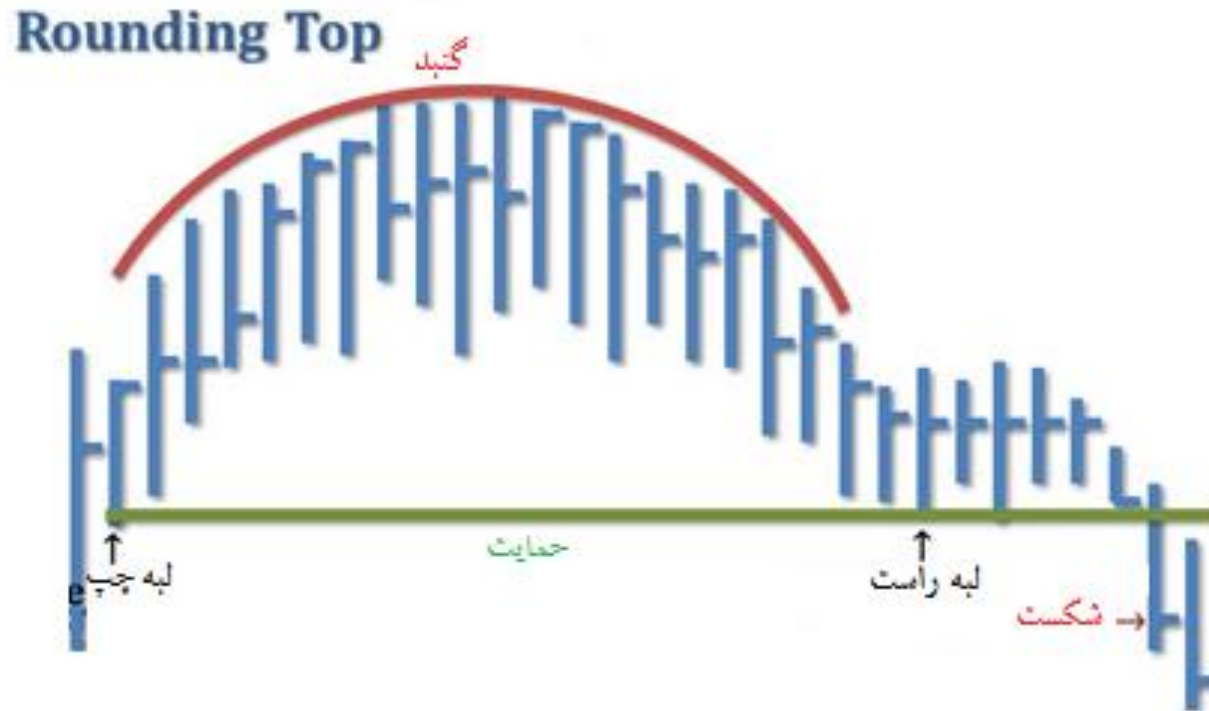


به طور متوسط افزایش قیمت در الگوی نیم دایره پایین در حدود ۴۳٪ است. البته الگوی نیم دایره پایین از الگوی نیم دایره بالا شایع‌تر است.





الگوی نیم دایره بالا (شکست پایین) Rounding Top Chart Pattern



از منظر بصری الگوی نیم دایره بالا مخالف نیم دایره پایین است. قیمت قبل از الگو در روند صعودی قرار دارد که در آن قیمت‌ها افزایش و سپس به تدریج کاهش یافته و در نقطه به صورت افقی در می‌آید. سپس قیمت شروع به حرکت رو به پایین نموده و شیب رو به پایین در طول زمان افزایش یافته و در نهایت یک گنبد و یا ناودانی وارونه شبیه "U" ایجاد خواهد شد.

الگوی نیم دایره بالا (شکست بالا) Rounding Top with Upside Breakout



الگوی نیم دایره بالا می تواند شکست در دو جهت ایجاد کند.

شهر سازی و خانه سازی باغمیشه

نمودار هفتگی



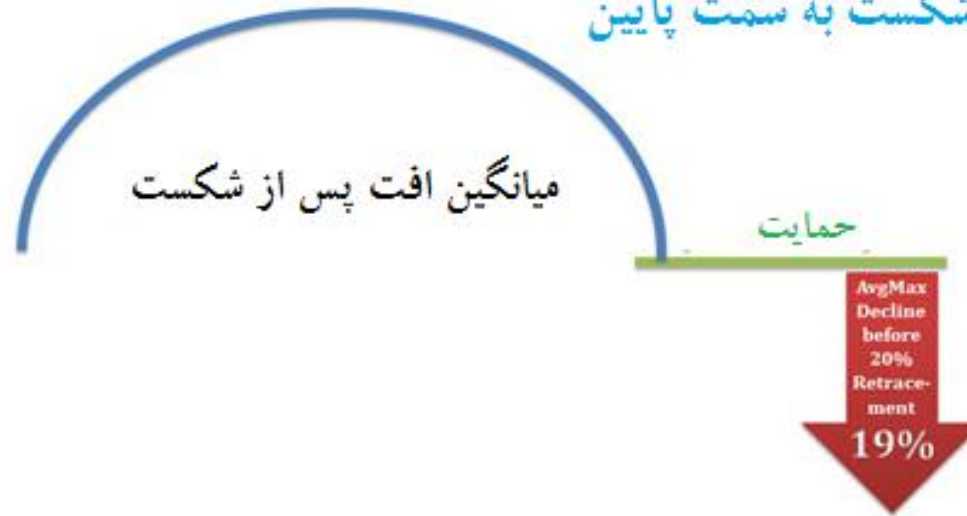
مقاومت قیمت

شکست

الگوی نیم دایره بالا

شکست به سمت بالا

الگوی نیم دایره بالا
شکست به سمت پایین



الگوی نیم دایره بالا
شکست به سمت بالا



شکست رو به پایین در ۴۷ درصد از مواقع رخ می‌دهد زمانی که قیمت به لبه راست نفوذ کرده و به زیر محدوده پشتیبانی افت نماید. همچنین شکست رو به بالا در ۵۳ درصد از مواقع رخ می‌دهد، زمانی که قیمت بعد از نفوذ به لبه راست از خط مقاومت می‌گذرد. در الگوی نیم دایره بالا، به طور متوسط قیمت پس از شکست به سمت بالا ۳۷٪ افزایش و پس از شکست به سمت پایین ۱۹٪ کاهش می‌یابد.

تحقیقات Bulkowski نشان می‌دهد اهداف قیمت برای الگوی نیم دایره پایین و بالا به شرح ذیل است:

الگوی نیم دایره پایین: قیمت لبه راست + ((پایین‌ترین قیمت در الگو) * ۵۷٪)

الگوی نیم دایره بالا شکست به سمت بالا: بالاترین قیمت در الگو + ((بالاترین قیمت در الگو - قیمت لبه راست الگو) * ۶۱٪)

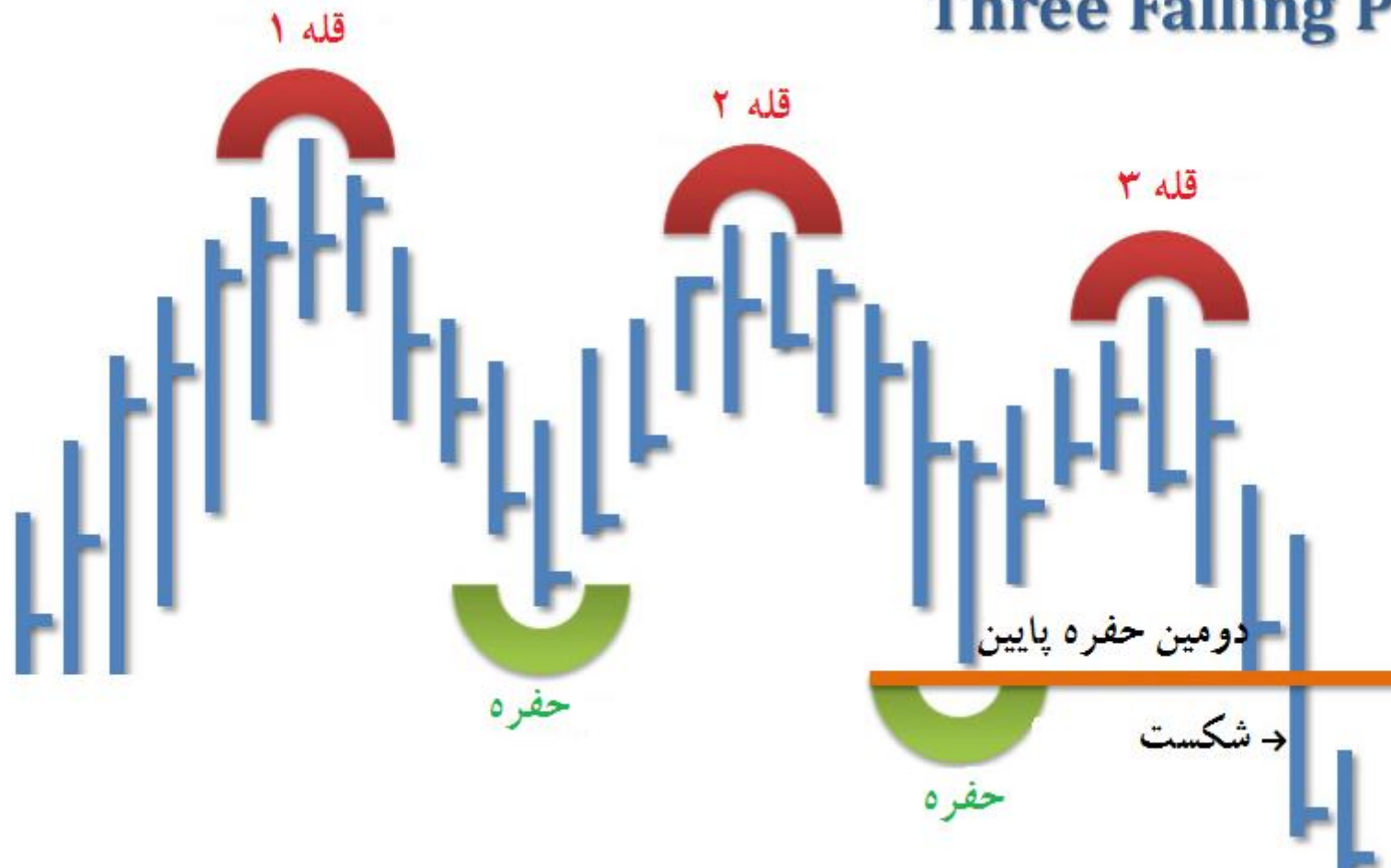
الگوی نیم دایره بالا شکست به سمت پایین: قیمت لب راست الگو - ((بالاترین قیمت در الگو - قیمت لبه راست الگو) * ۲۴٪)

برخی از ویژگی‌هایی که باعث افزایش اثر بخشی الگوهای نیم دایره بالا و پایین می‌شود عبارتند از:

۱. الگوهای بلندتر بهتر هستند
۲. نیم دایره پایین در یک سوم بالای سالانه جواب بهتری می‌دهد.
۳. نیم دایره بالا با حجم معاملات بیشتر در نقطه شکست بهتر عمل می‌کند.
۴. نیم دایره پایین در یک سوم پایین سالانه جواب بهتری می‌دهد.

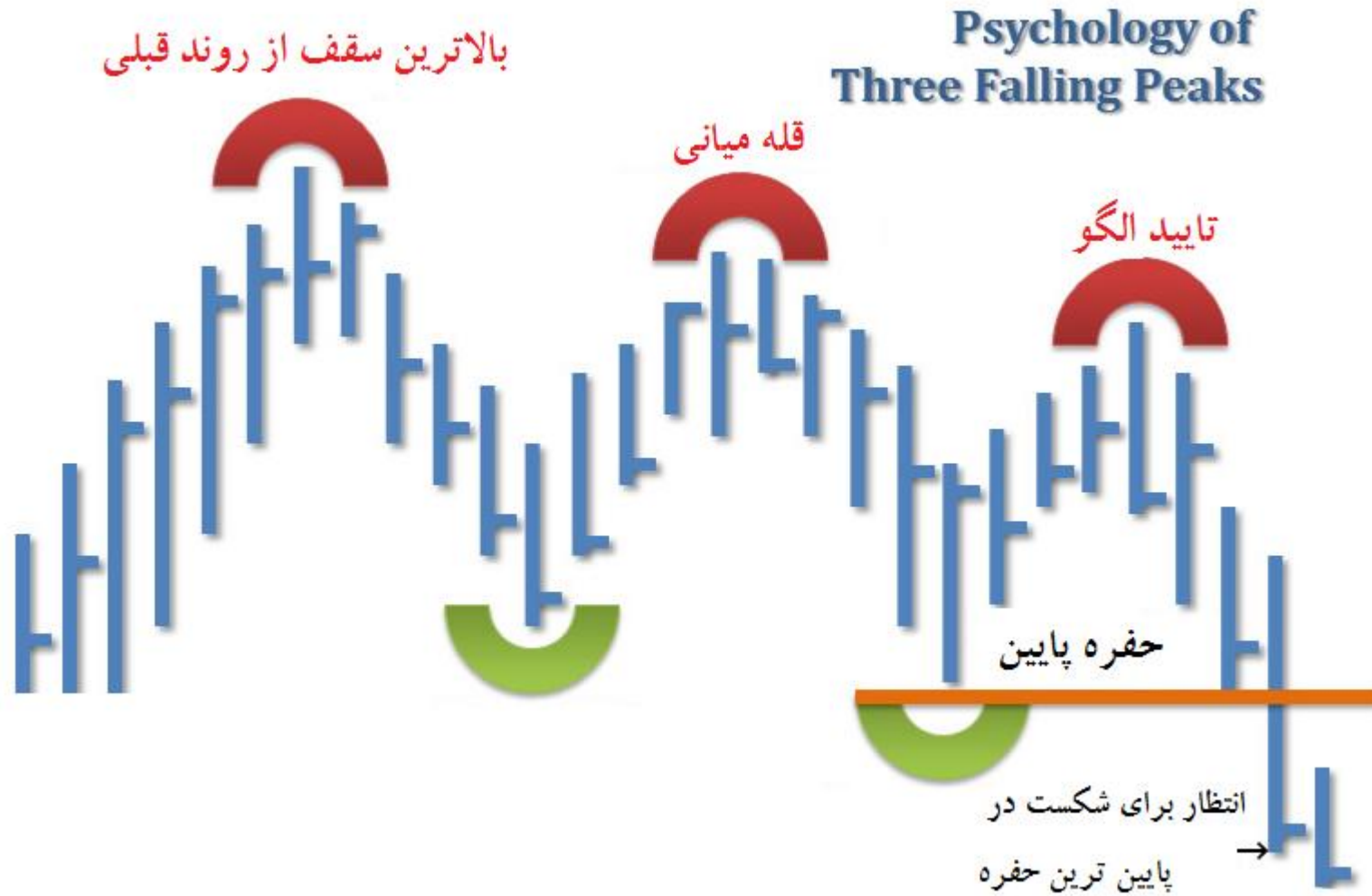
الگوی سه قله در حال سقوط

Three Falling Peaks



الگوی سقوط سه قله دارای یک فاز استراحت پیش از حرکت نزولی بزرگ است. در این الگو سه قله وجود دارد، قله دوم کمتر از بالاترین قله در روند نزولی است و قله سوم از قله دوم پایین تر است. قله‌ها باید عرض نسبتاً مشابه داشته باشند. سیگنال فروش هنگامی پیشنهاد می‌شود که قیمت به سطح حمایت حفره‌های بین قله‌های دوم و سوم نفوذ کند.

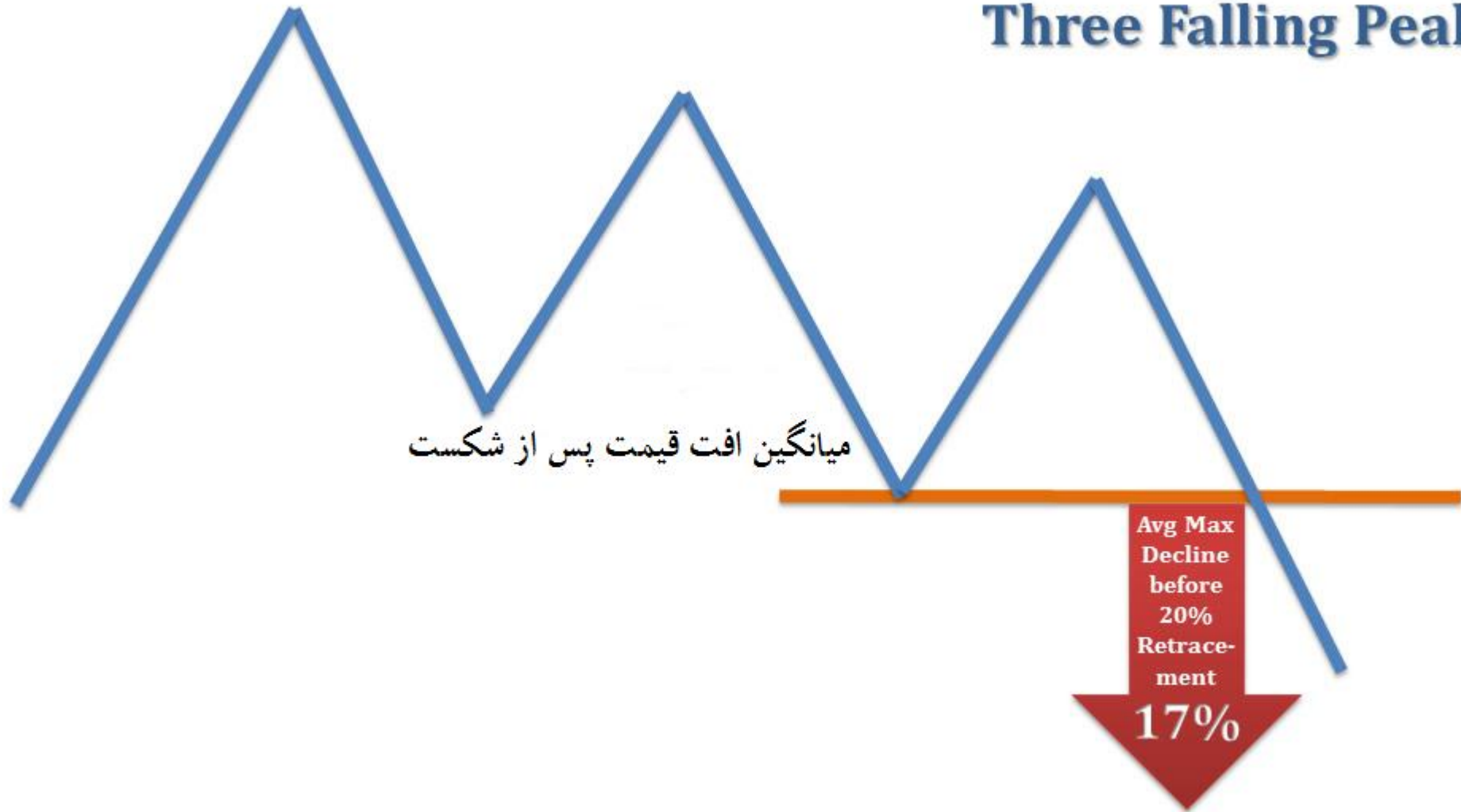
روانشناسی الگوی سه قله در حال سقوط



روانشناسی الگو به شرح زیر است: قبل از شکل گیری الگو روندی صعودی وجود داشته است. یکی از صفات روند نزولی این است که این روند باعث می شود قله‌هایی پایین و پایین تر ایجاد شود. قله دوم در الگوی سه قله در حال سقوط حاصل رشد و افت است. پس از قله دوم دره دوم کم پایین تر شکل می گیرد. تعریف یک روند نزولی جدید کامل شده است. قله سوم تأیید حرکت نزولی کمی پایین تر قرار می گیرد. هنگامی که قیمت در زیر دره دوم خط حمایت را می شکند، معامله گران کوتاه مدت دست به فروش سهم می زنند و

مطمئن هستند حفره آتی قیمت بسیار پایین تر خواهد بود.

Three Falling Peaks

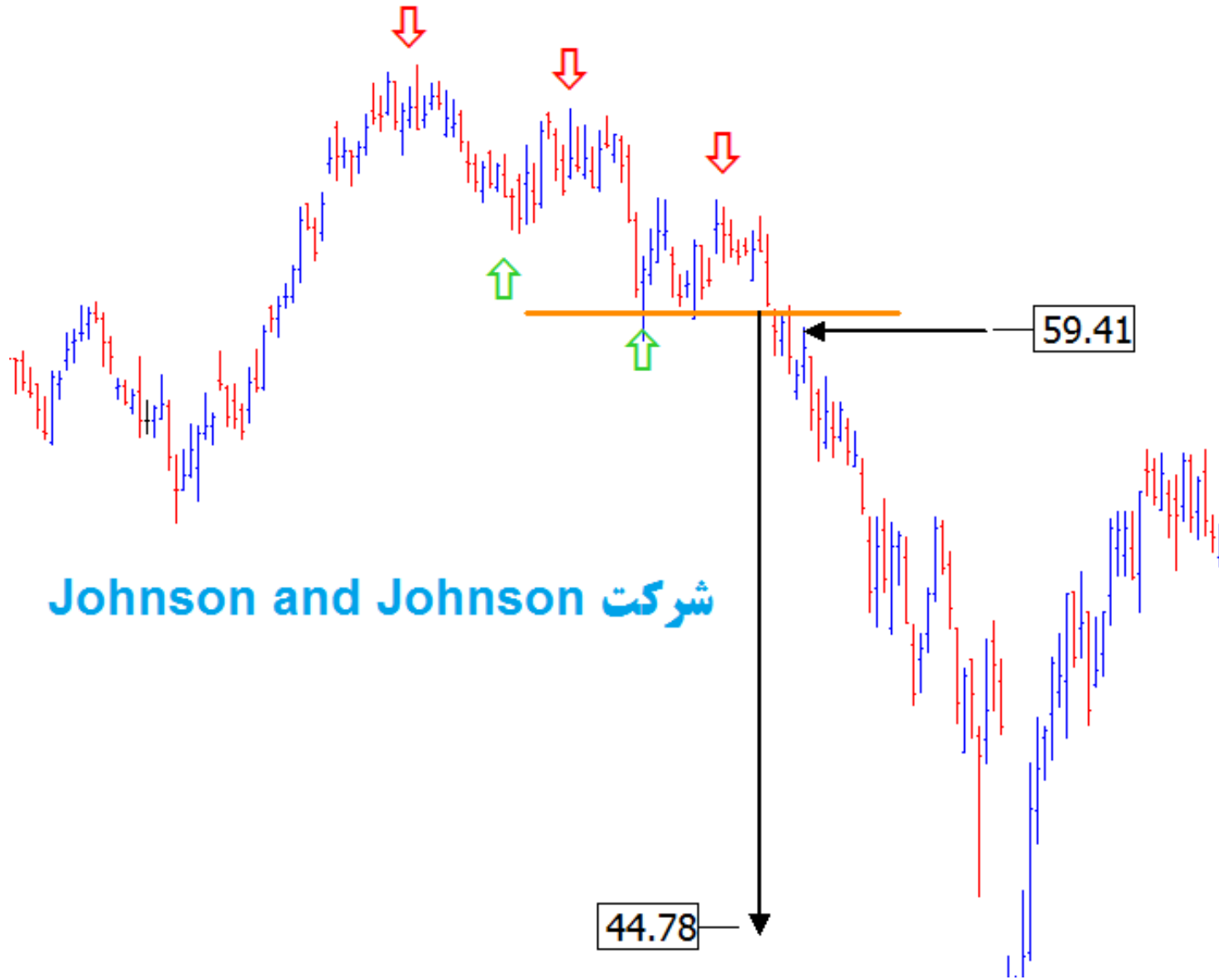


Bulkowski اعتقاد دارد که متوسط کاهش قیمت ۱۷٪ است و ظرف مدت ۳۰ روز در ۵۹٪ از مواقع قیمت به سمت محدوده سیگنال فروش pullback دارد.

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

هدف قیمت الگوی سه قله در حال سقوط به شرح ذیل است :

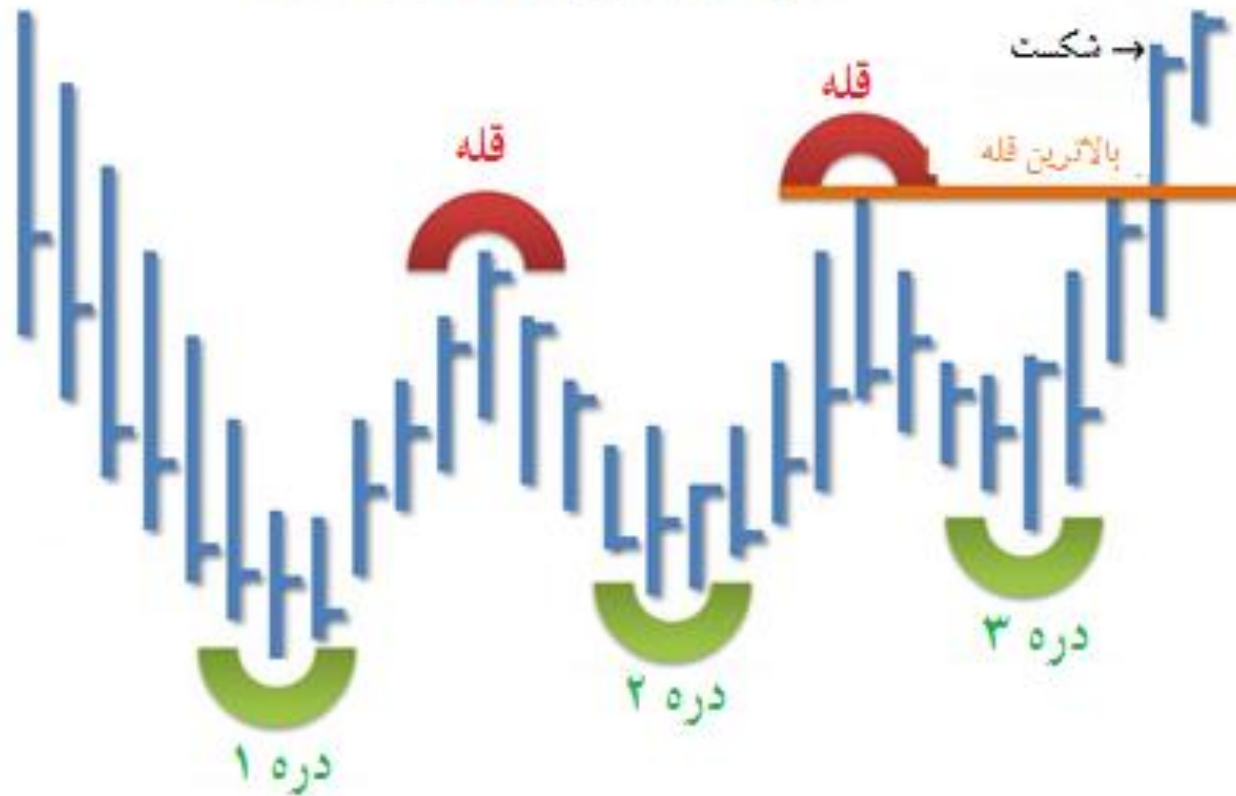
قیمت پایین حفره دوم – ((قیمت بالای قله اول – قیمت پایین دره دوم * ۳۳٪))



شرکت Johnson and Johnson

Three Rising Valleys سه دره افزایشی

Three Rising Valleys



الگوی سه دره افزایشی دره معمولاً توسط یک خط روند صعودی پس از یک روند نزولی قبلی ایجاد می‌شود. این الگو سه دره قیمت وجود دارد، قیمت پایین دره دوم بالاتر از قیمت پایین دره اول است، و قیمت پایین دره سوم بالاتر از قیمت پایین دره دوم است. دره‌های قیمت باید عرض نسبتاً مشابهی داشته باشند. سیگنال خرید زمانی پیشنهاد می‌شود که قیمت بالاتر از قیمت قله‌های بین دره‌های دوم و سوم بسته شود.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

روانشناسی الگو به شرح زیر است: قبل از شکل گیری الگو روندی نزولی وجود داشته است. یکی از صفات روند صعودی این است که این روند باعث می شود قله‌هایی بالا و بالاتر ایجاد شود. دره دوم در الگوی سه قله در حال سقوط حاصل رشد و افت است. پس از دره دوم، قله دوم کمی بالاتر شکل می‌گیرد. تعریف یک روند صعودی جدید کامل شده است. دره سوم تأیید حرکت صعودی کمی بالاتر قرار می‌گیرد. هنگامی که قیمت در بالای قله دوم خط مقاومت را می‌شکند، معامله‌گران کوتاه مدت دست به خرید سهم می‌زنند و مطمئن هستند قله آتی قیمت بسیار بالاتر خواهد بود.



Bulkowski اعتقاد دارد که متوسط افزایش قیمت ۴۱٪ است و ظرف مدت ۳۰ روز در ۶۰٪ از مواقع قیمت به سمت محدوده سیگنال خرید pullback دارد.

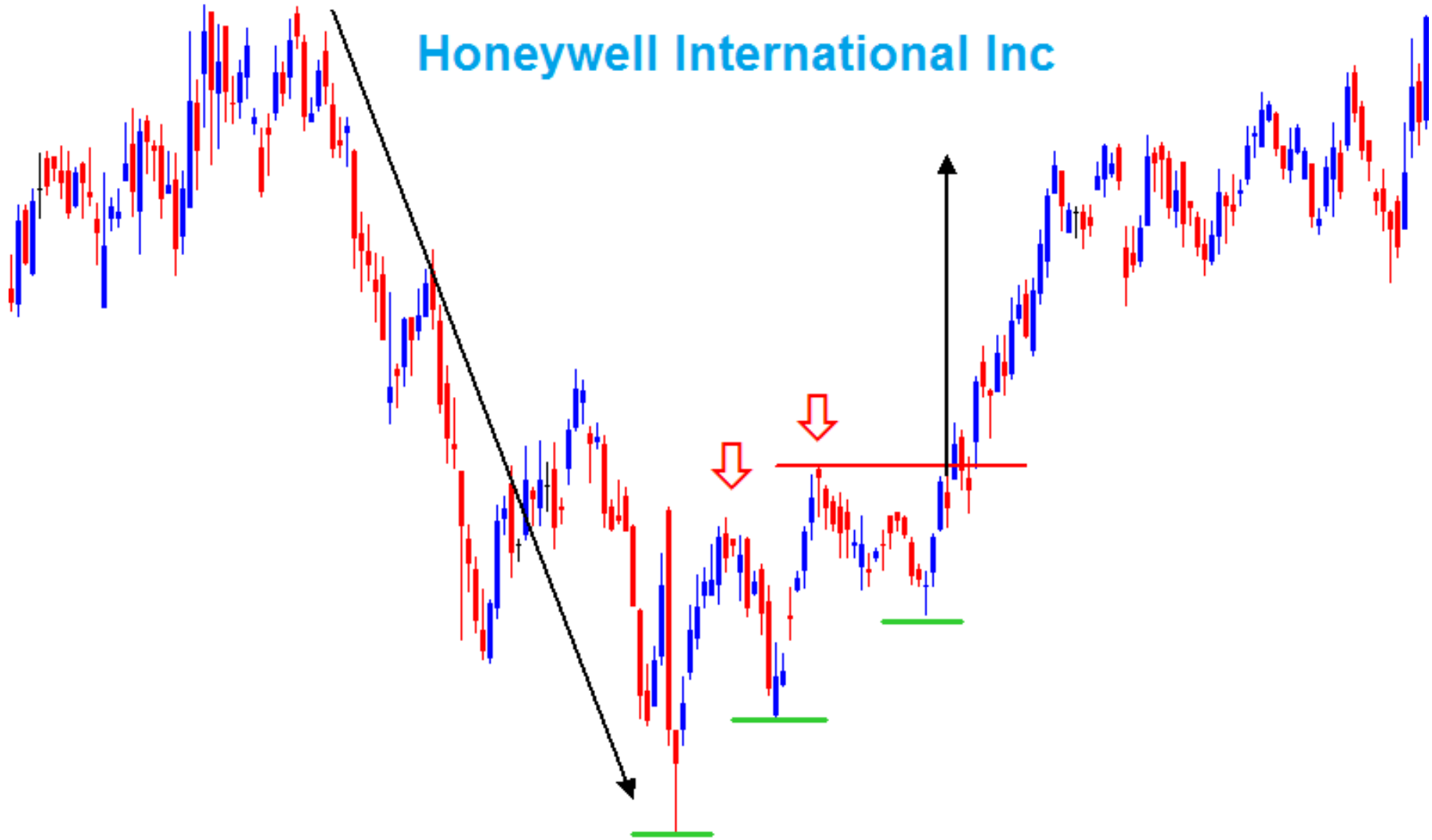
تحليل تکنیکال – Technical Analysis

هدف قیمت الگوی سه قله در حال سقوط به شرح ذیل است :

قیمت بالای قله دوم + ((قیمت بالای قله دوم - قیمت پایین دره اول * ۵۸٪))



Honeywell International Inc



فصل ۵ (مدل‌ها و تئوری‌ها)

تئوری داو

چارلز داو به همراه شریک خود ادوارد جونز کمپانی داو جونز را تأسیس کردند. در آن سال‌ها او نظریاتش را در قالب مقالاتی برای مجله وال استریت ارائه می‌کرد و امروزه پس از گذشت حدود یک قرن اغلب تحلیل‌گران تکنیکی و محققان بازار سرمایه عقیده دارند که پایه و اساس آنچه امروزه به عنوان تحلیل تکنیکال شناخته می‌شود در واقع همان نظریه‌هایی است که در آن سال‌ها توسط داو ارائه شده‌اند. در سوم ژوئن نخستین (میانگین) شاخص بازار سرمایه که از میانگین قیمت نهایی یازده شرکت به دست آمده بود توسط داو منتشر شد؛ داو در یافته بود که میانگین قیمت پایانی سهام این شرکت‌ها می‌تواند مبنای خوبی برای تشخیص وضعیت اقتصادی کشور باشد. شاخصی که او ارائه کرد امروزه به عنوان دماسنج و وضعیت بازار سرمایه و نمایشگر تغییرات این بازار به کار می‌رود و بازگشت ۸۰ سال از مرگ او این شاخص به عنوان یک ابزار ضروری توسط همه تحلیلگران استفاده می‌شود؛ اکثر نظریات تحلیلی او در بازارهای مختلف به خوبی کاربرد دارد.

اساس تئوری داو بر این نکته استوار است که قیمت‌ها کاملاً از اطلاعات موجود متأثر می‌شوند. همه دانش در دسترس شرکت‌کنندگان در بازار همچون معامله‌گران، تحلیلگران، مدیران پرتفلیو، استراتژیستهای بازار و سرمایه‌گذاران پیش از این در قیمت‌ها تأثیر گذاشته است. تغییرات ناشی از عوامل ماوراء الطبیعه همچون اراده خداوند همیشه و به هر حال در روندها وجود داشته‌اند. تئوری داو شش فرض و پنداشت را در بردارد:

۱- بازار سه نوع حرکت دارد

(۱) حرکت اصلی، روند بزرگ یا بلند مدت که ممکن است از یک تا چند سال به طول بیانجامد و می‌تواند نزولی یا صعودی باشد. (۲) نوسانات میان مدت یا تحرکات میان مدت که از ۱۰ روز تا سه ماه به طول می‌انجامد که عموماً ۳۳ تا ۶۶ درصد از حرکت اصلی قیمت را اصلاح می‌کند. (۳) نوسان کوتاه، یا حرکات کوچک که از چند ساعت تا چند ماه به طول می‌انجامد.

۲- روندهای بازار سه فاز دارند

بر اساس نظریه داو حرکتهای اصلی بازار یا روندهای بزرگ یا بلندمدت بازار سه فاز دارد: فاز تجمیع، فاز مشارکت عمومی و فاز توزیع. فاز تجمیع (فاز ۱) زمانی است که خبرگان بازار بر خلاف نظر بازار شروع به خرید می‌کنند. در این فاز قیمت سهام خیلی تغییر نمی‌کند زیرا این سرمایه‌گذاران در اقلیتند. در فاز ۲ با شروع رشد قیمت مشارکت عمومی همراه می‌شود و قیمت به سرعت رشد می‌کند. این فاز تا زمانی اتفاق می‌افتد که سفته‌بازی بسیار زیاد می‌شود. در این نقطه، سرمایه‌گذاران زیرک شروع به توزیع سهام می‌کنند.

۳- بازار سهام تمام اخبار را کم ارزش می کند

قیمت سهام با سرعت بسیار زیادی اطلاعات جدیدی که در دسترس باشد را در خود می آمیزد. هنگامی که خبر منتشر شد، قیمت سهام به نسبت عکس العمل به این اخبار جدید تغییر خواهد کرد

۴- شاخص های بازار سهام می بایست یکدیگر را تأیید کنند

در زمان داو، اولین شاخص او شاخص صنعتی بود و دیگری شاخص شرکت های راه آهن. برای داو، بازار صعودی برای شاخص صنعتی تا هنگامی که شاخص راه آهن نیز صعود نمی کرد تأیید نمی شد. از نظر او زمانی که مابین این دو شاخص واگرایی بود یک هشدار جهت تغییر اوضاع وجود داشت.

۵- روندها توسط حجم معاملات می بایست تأیید شوند

از نظر داو حجم معاملات روند قیمت ها را تأیید می کنند. از نظر داو با رشد قیمت، حجم معامله نیز می بایست رشد کند از این نشانه صداقت بازار است.

۶- روندها تا زمانی که اخطارهای قطعی جهت پایان آنها وجود نداشته باشد معتبرند

از نظر داو، روندها با وجود نویزهای بازار (نوسانات بازار) همچنان پابرجا می مانند. ممکن است قیمت به صورت موقت در خلاف جهت روند حرکت کند اما به سرعت مجدداً به حرکت در جهت اصلی ادامه خواهد داد. تشخیص اخطار قاطع بازگشتی کار ساده ای نیست. ابزارهای تحلیل تکنیکی برای شناسایی این هشدارهای بازگشتی بسیار مفیدند اما توسط تحلیلگران مختلف به صورت های متفاوت تفسیر می شوند.

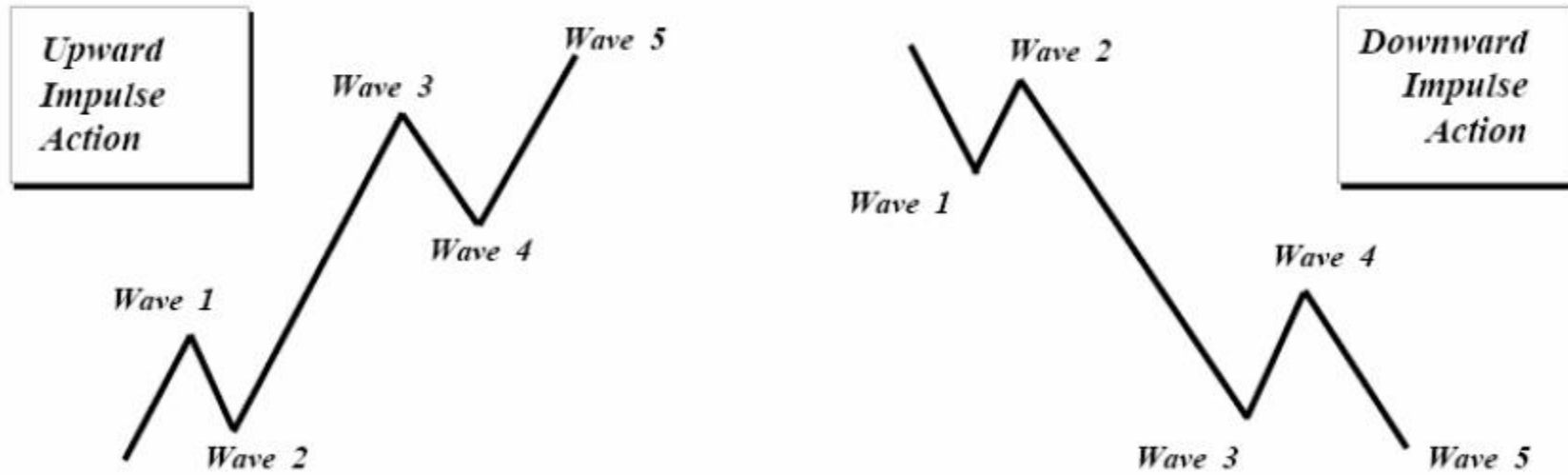
تئوری امواج ایبوت

مقدمه‌ای بر امواج ایبوت

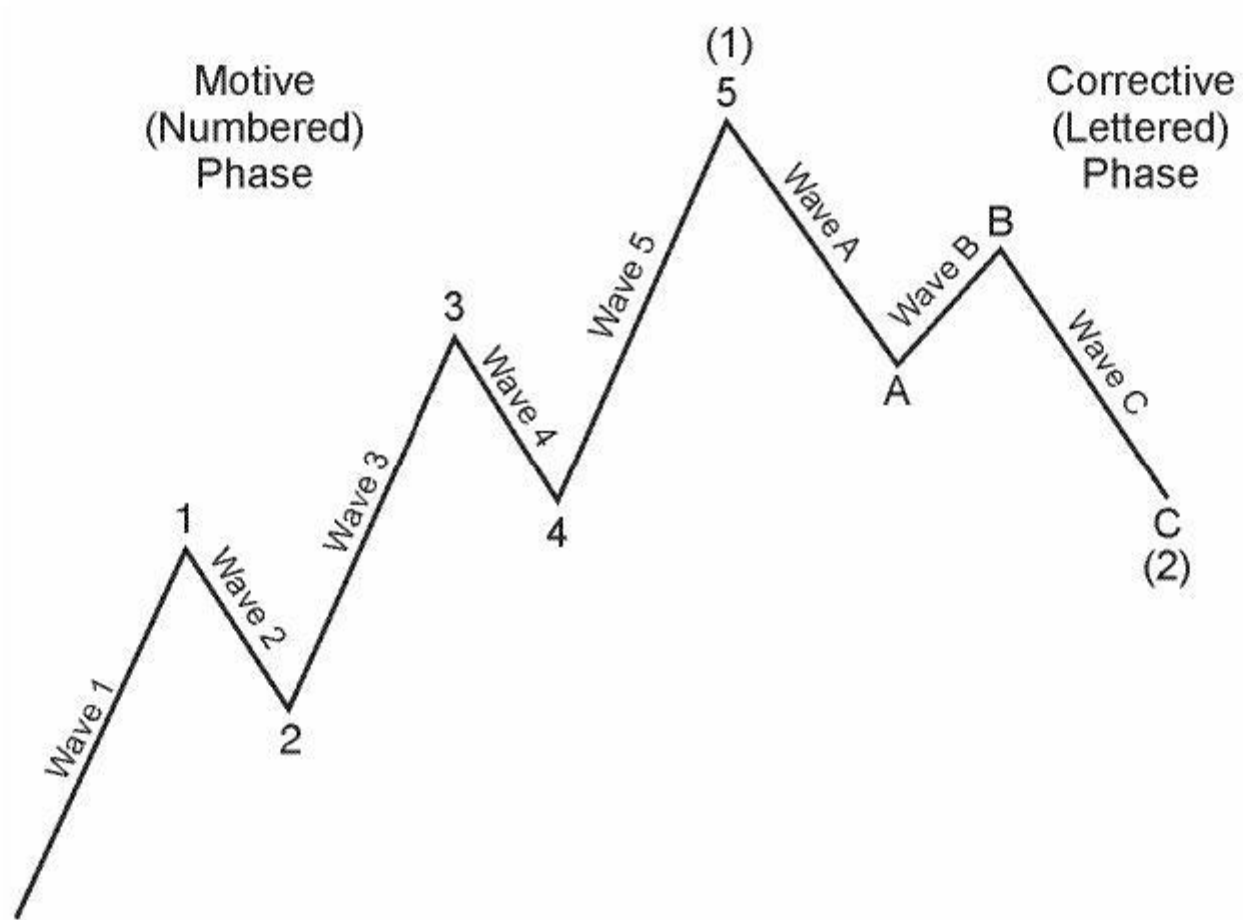
رالف نلسون ایبوت سال ۱۹۳۸ بر اساس مشاهدات و تحقیقات خود نظریه‌ای را بر اساس تغییرات قیمت ارائه داد که بر مبنای آن دوره‌های حرکتی قیمت را در قالب الگوهای مشخص و تکرار شونده امواج توضیح می‌داد. این امواج روانشناسی توده مردم را در بازارها در قالب موج‌ها و الگوهای مشخص و تکرار شونده به ما نشان می‌دهد. از دیدگاه ایبوت، ویژگی‌های حرکات بازارهای مالی بر مبنای شرایط احساسی، معقول، تکانشی، ابهام و منطق گروهی شکل گرفته است و تغییرات قیمت از سه اصل الگو، نسبت و زمان ساختار می‌پذیرد. ایبوت عقیده داشت هر اتفاقی که در بازار روی می‌دهد ریشه در گذشته قیمت دارد و با تحلیل الگوهای تکرار شونده پیشین می‌توان آنها را به حال و آینده ارتباط و گسترش داد.

قاعده کلی امواج

رفتار انبوه مردم در الگوهای روندها و بازگشت‌های بازار شناخت پذیر هستند. ایبوت نام این شناخت پذیری را **قانون موج‌ها** نام گذاشت که ساختارهای اتصال یافته‌ای برای مدل‌های بزرگتر از بعضی الگوها و اسلوب آن‌ها می‌باشد. بازگشت‌های قیمت و آغاز ساخته شدن قالب جدید برای الگویی از اندازه و موج یک درجه بالاتر نیز همین اصول را دارد. اصل پایه‌ای امواج بر **پنج موج محرک** که با اعداد مشخص می‌شود و **سه موج اصلاحی** که با حروف نمایش داده می‌شود استوار است. بازار از ۲ حرکت کلی به وجود می‌آید: ۱- حرکت اصلی یا پیشرو (impuls) ۲- حرکت اصلاحی (correction) در تمام حرکتهای بازار این ۲ حالت موجود است و بازار دائم در حال ساخت این امواج است. **امواج اصلی**: حرکتهای پیش‌رو ساختار پنج موجی دارند. در واقع در حرکات رو به جلو بازار در جهت اصلی حرکت می‌کند. حرکات رو به جلو با ساختار ۵ موجی به سمتی که بازار می‌خواهد حرکت می‌کنند.

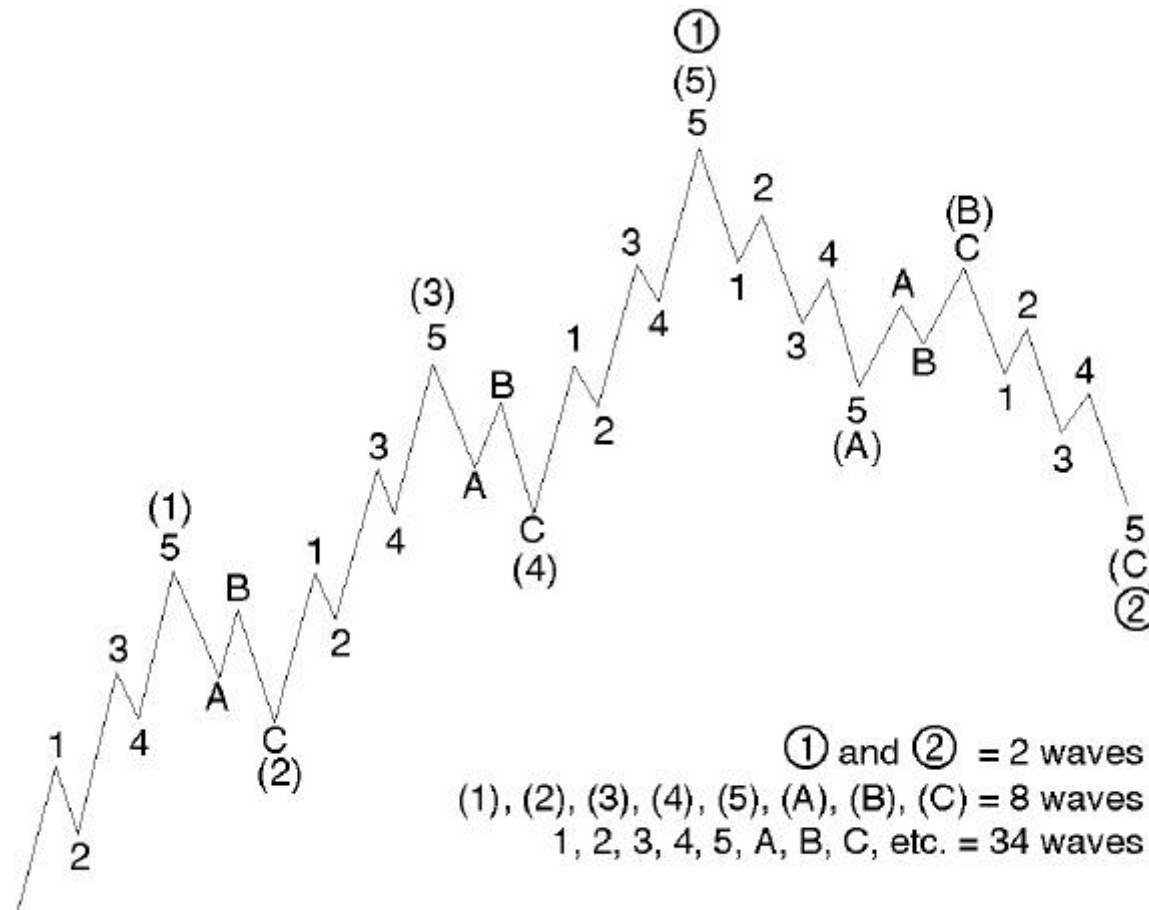


امواج اصلاحی: عموماً به موج‌های اصلاحی کمتر پرداخته می‌شود و کمتر تعریف واضحی از آنها دیده شده است. در نتیجه **تشخیص و پیش بینی آنها مشکل است**. ولی این نکته که به روشنی تعریف شده است این است که موج‌های اصلاحی هرگز با پنج موج اتفاق نمی‌افتند. موج‌های اصلاحی سه تا هستند.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

هر موج حرکتی از پنج ریز موج تشکیل می‌شود که شامل سه موج انگیزشی و دو ریز موج اصلاحی است. موج اصلاحی نیز شامل سه ریز موج است که دو موج آن انگیزشی و یک موج آن اصلاحی می‌باشد. موج‌های انگیزشی همیشه در جهت موج حرکتی یا اصلاحی یک درجه بزرگ‌تر از خود می‌باشند. بنابراین در هر درجه از روند حرکت در جهت موج اصلی پنج موجی و حرکت در جهت بزرگتر اصلاحی سه موجی می‌باشد.



الیوت در تقسیم بندی امواج برای نام گذاری و شناسایی از **۹ درجه** نام برد که بعدها شاگردان و پیروان او به تفصیل این ۹ درجه را به ۱۵ درجه رساندند. تمام این ۱۵ درجه با علامات عددی و حروفی شامل مشخصات درجه و سیکلشان هستند.

البته باید در نظر داشته باشیم حرکات بازار و یا به نوعی انتظارات انسانی از بازار در تمامی این درجات مستقیم و یکسان نیست بلکه غالباً موجی شکل و دوره‌ای است. رشد (و نزول) قیمت‌ها در بازار و انتظارات انسانی عبارت است از **پنج موج صعودی و سه موج نزولی**. این الگوی هشت موجی دوره‌های تناوبی صعود و نزول بازار یا اقتصاد را نمایش می‌دهد.

قاعده کلی موج‌ها سه هدف اصلی دارد: **پیشگویی مسیر بازار، مشخص کردن نقاط بازگشت و تهیه کردن راهنما برای ورود و خروج از موقعیت‌های معاملات**.

موج‌های حرکتی (Motive) دارای ساختار پنج موجی شماره دار ۱ الی ۵ هستند و در مسیری از حرکت روند اصلی درجه بزرگ‌تر می‌باشند.

قانون سوم فیزیک نیوتون می‌گوید هرکنشی، واکنشی برابر و خلاف جهت آن ایجاد می‌کند در مورد بازارهای مالی نیز همین قانون صادق است. **هر حرکت قیمتی، چه نزولی، و چه صعودی باید با حرکت خلاف جهت آن همراه باشد** ولی تفاوت آن با قانون سوم نیوتون این است که این کنش و واکنش با یکدیگر برابر نیستند و نسبت‌های فیبوناچی اندازه

موج‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. به موج‌های اصلی یا کنش‌ها موج‌های "**گرایشی**" و به موج‌های واکنشی یا موج‌های خلاف گرایش اصلی موج "**اصلاحی**" گفته

می‌شود. گرایش جهت اصلی قیمت‌ها را نشان می‌دهد، در حالی که موج اصلاحی بر خلاف جهت گرایش اصلی حرکت می‌کند. موج گرایشی و موج اصلاحی ساختارهای مشخصی دارند که موج اصلی ما از به هم پیوستن این ساختارها شکل می‌گیرد. یک موج گرایشی که جهش (Impulse) نام دارد، از پنج قسمت تشکیل شده است، سه حرکت همسو با گرایش اصلی (۱ و ۳ و ۵) که به این سه پایه موج، **موج‌های گرایشی** و دو حرکت برخلاف گرایش (۲ و ۴) که به این دو موج، **موج‌های اصلاحی** می‌گوییم. در واقع یک موج جهشی از سه موج گرایشی و دو موج اصلاحی تشکیل شده است. به شکل ۵-۷ دقت کنید. یک شکل موج جهشی بالا رو را نشان می‌دهد.

موج ۱

سهام حرکت اولیه خود را انجام داده است. این حرکت به این دلیل رخ داده است که تعدادی از معامله گران به طور ناگهانی (به دلایل مختلف واقعی یا تصوراتشان) احساس کرده‌اند که قیمت پایین است و باید بخرند. این عامل موجود رشد قیمت شده است.

موج ۲

در این مرحله عده‌ای از معامله گران حاضر در موج اول احساس می‌کنند که قیمت بیش اندازه بالا رفته و سود خود را گرفته و معاملات خود را بسته‌اند. این باعث می‌شود که سهام دوباره سقوط کند. اما سقوط آن به اندازه‌ای نیست که به قیمت پایین‌تر از ابتدای شروع موج اول برسد.

موج ۳

این موج طولانی‌ترین و قوی‌ترین موج است. بازار توجه اکثریت معامله گران را به خود جلب کرده است. بیشتر مردم جذب این سهام شده‌اند و مایل به خرید آن هستند. این امر باعث می‌شود قیمت سهام بالا و بالاتر برود. در بیشتر مواقع قیمت سقف در موج سوم بالاتر از قیمت سقف در انتهای موج اول است.

موج ۴

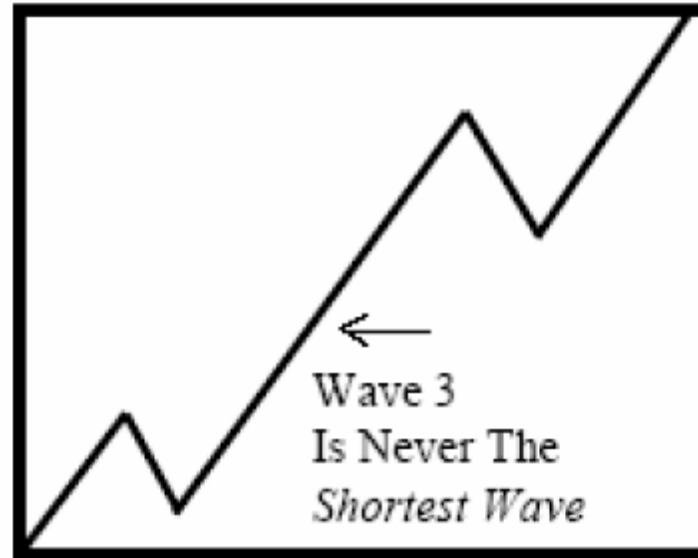
مردم شروع به گرفتن سود و بستن معاملات خود می‌کنند. زیرا فکر می‌کنند قیمت بیش از اندازه بالا رفته است. این موج ضعیف است. زیرا بیشتر مردم اعتقاد دارند که قیمت هنوز بالا می‌رود و می‌خرند.

موج ۵

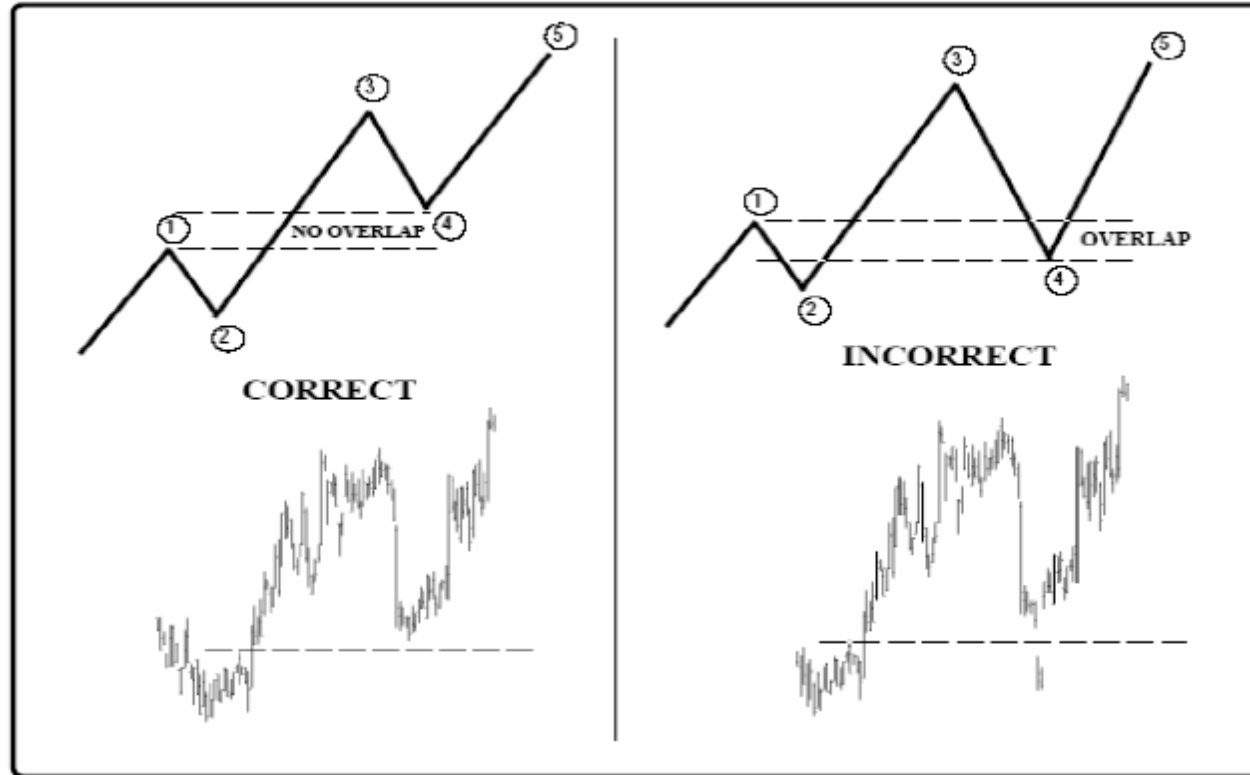
این موجی است که در آن مردم زیادی دیوانه وار، وارد بازار می‌شوند و این سهام را می‌خرند. مدیر عامل شرکتی که این سهام را ارائه می‌دهد روی جلد مجلات مختلف اقتصادی و مالی به عنوان برترین مدیر سال معرفی می‌شود! دلایل بسیاری از کسانی که برای خرید این سهام وارد بازار شده‌اند شاید خنده دار باشد ولی در هر حال موجب بالا رفتن بیش از اندازه قیمت سهام می‌شود. محدودیت‌ها با شروع الگوی ABC آغاز می‌شود

قوانین اصلی تفسیر امواج ایوت عبارتند از :

- هیچ گاه موج دوم ۱۰۰٪ موج اول برگشت نمی‌کند. به عنوان مثال در بازار افزایشی پایین‌ترین موج ۲ زیر موج ۱ قرار نمی‌گیرد.
- هیچ گاه موج ۳ در روندهای انگیزشی کوتاه‌ترین موج محسوب نمی‌شود. اغلب این موج **بزرگترین موج روند انگیزشی** محسوب می‌شود.



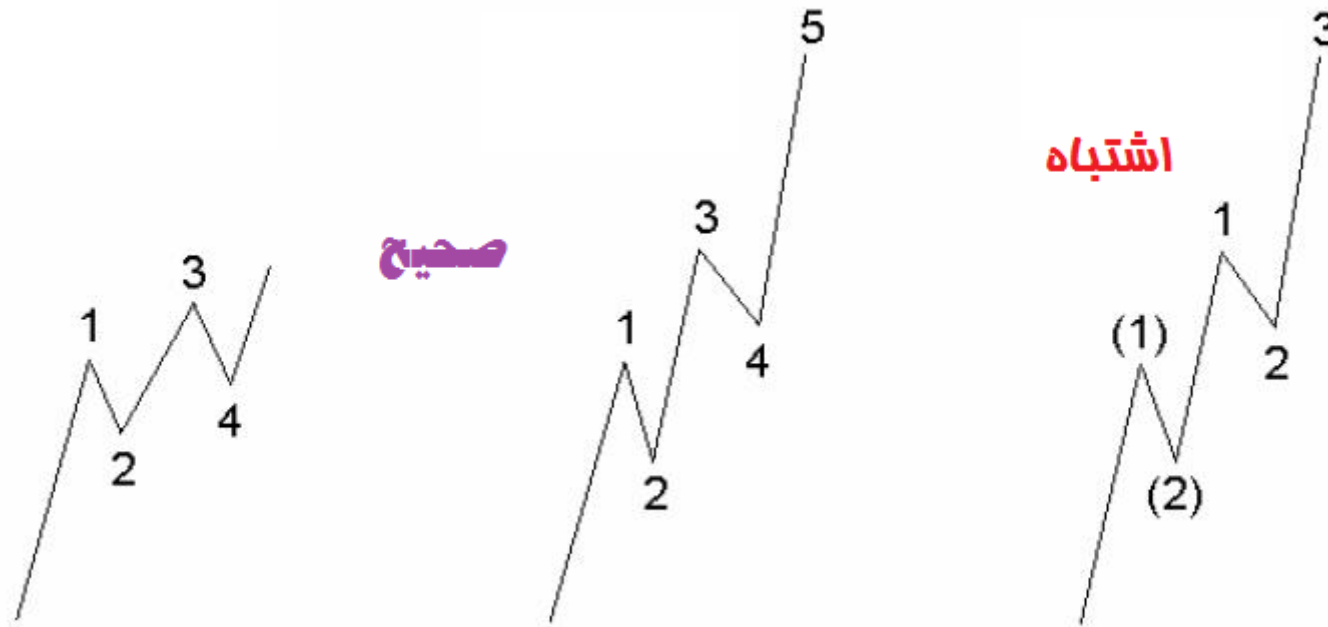
- هیچ گاه موج ۴ نمی‌تواند در دامنه قیمت موج ۱ قرار گیرد .



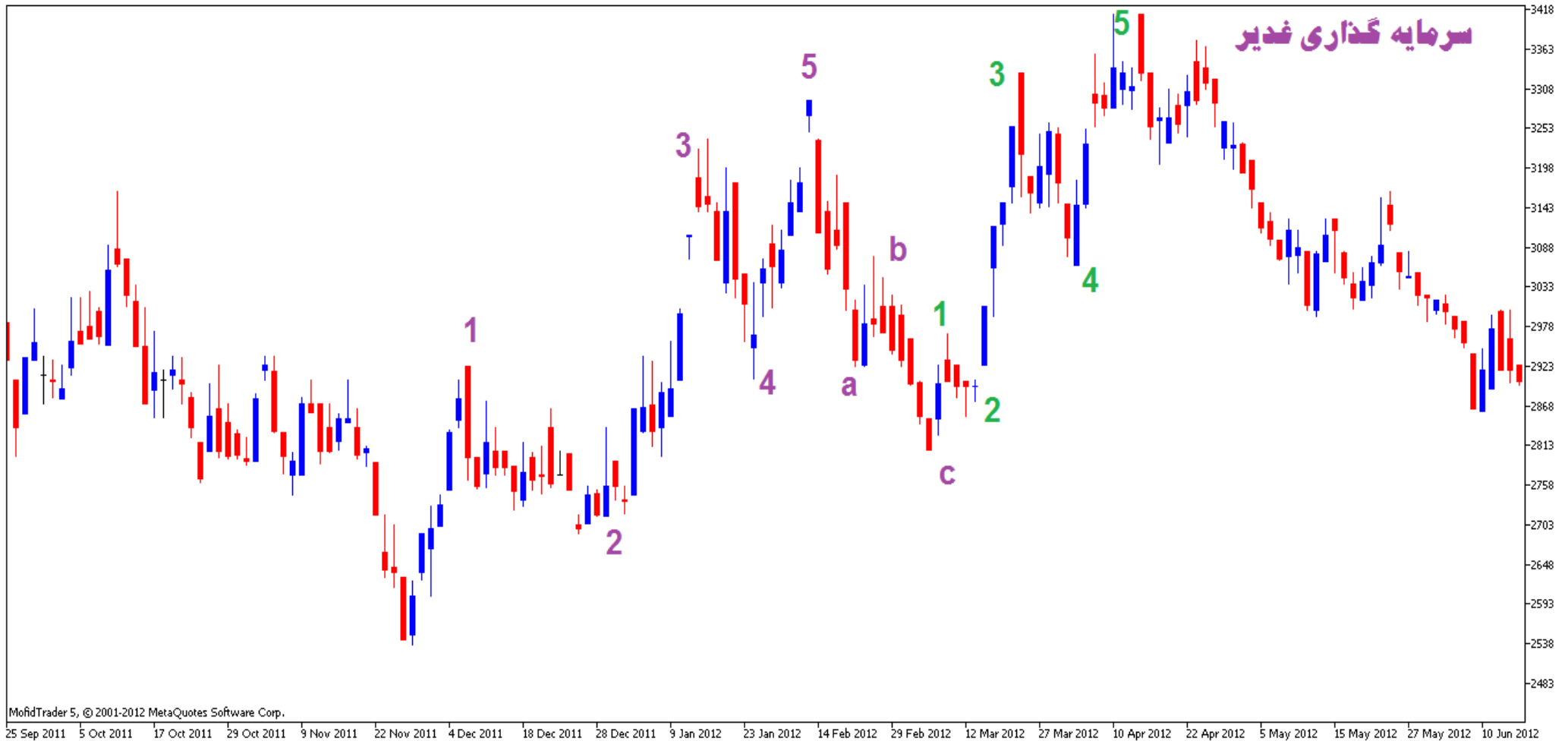
- اگر بعد از موج ۵ ، تا ۱۰۰٪ بازگشت داشتیم این الگو به پایان رسیده است.
- معمولاً یک موج محرک صعودی بعد از یک ریزش بازار آغاز میشود. و بالعکس یک موج محرک نزولی بعد از یک صعود بازار آغاز میشود.
- تکنیک الیوت انتظار دارد که بیشتر بازگشتها در نزدیکی اعداد فیبوناچی واقع شود از قبیل: ۶۲٪ ، ۵۰٪ ، ۳۸٪ و ...

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

ساختار پنج موج حرکتی به دو دسته کلی تقسیم بندی می شود: انگیزشی (Impulse) که خود شامل دو گروه انبساطی (Extension) ، جهش ناقص (Truncation) و موج های مثلثی (Diagonal Triangles) در موج های انگیزشی (Impulse) موج چهار هرگز وارد محدوده قیمت موج یک نمی شود. موج های ۱، ۳ و ۵ قسمتی از موج های حرکتی هستند و موج ۳ همیشه خود یک موج انگیزشی (Impulse) است. بنابراین همانطور که در شکل زیر مشخص است دو موج شماری سمت چپ درست و موج شماری سمت راست نادرست می باشد.

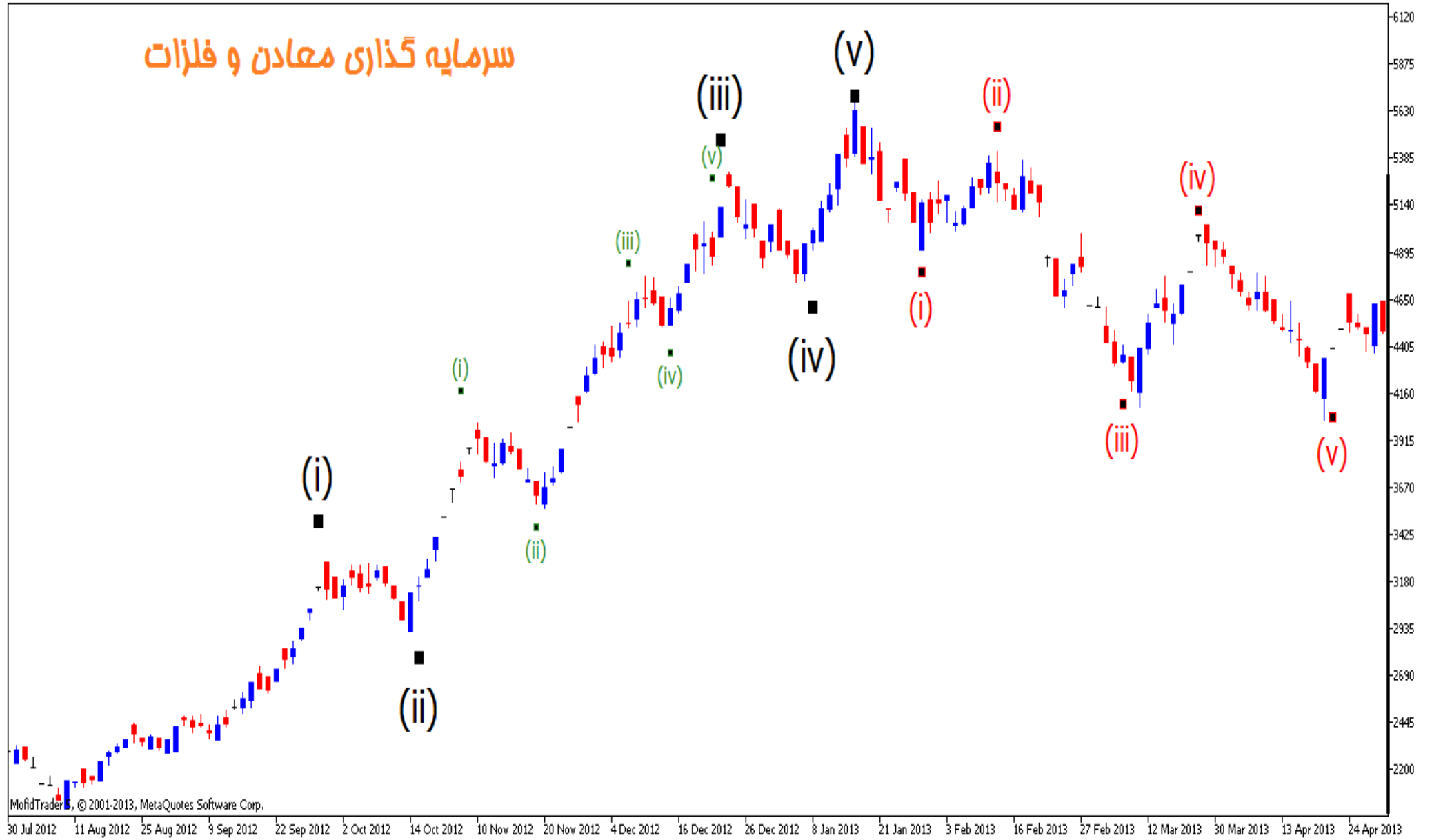


در مثال های زیر به وضوح مشاهده می شود موج ۴ وارد محدوده موج ۱ نشده و در عین حال موج ۳ کوتاه ترین موج نمی باشد.



همانطور که متوجه شده‌اید شکل امواج در دنیای واقعی کاملاً واضح نیست . بسیاری از اوقات به سختی می‌توانید امواج را روی نمودار نامگذاری کنید . ولی به مرور زمان و با تمرین روی نمودارهای مختلف ، مساله برایتان جا می‌افتد . به خاطر داشته باشید بازار به شکل امواج حرکت می‌کند . از این به بعد اگر کسی گفت : " موج ۲ کامل شد . " منظور او را می‌فهمید .

سرمایه گذاری معادن و فلزات



سرمایه گذاری مسکن شمال شرق

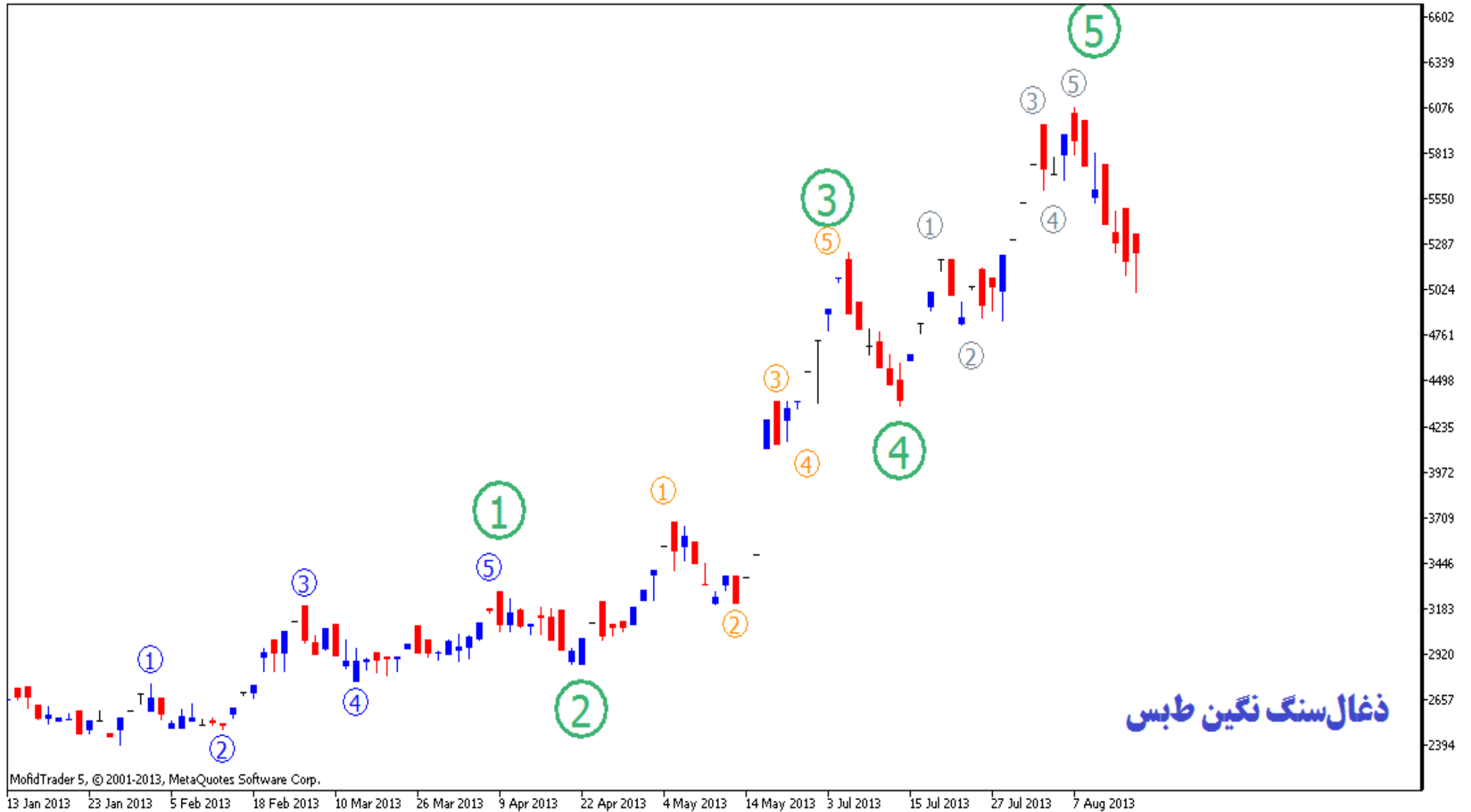


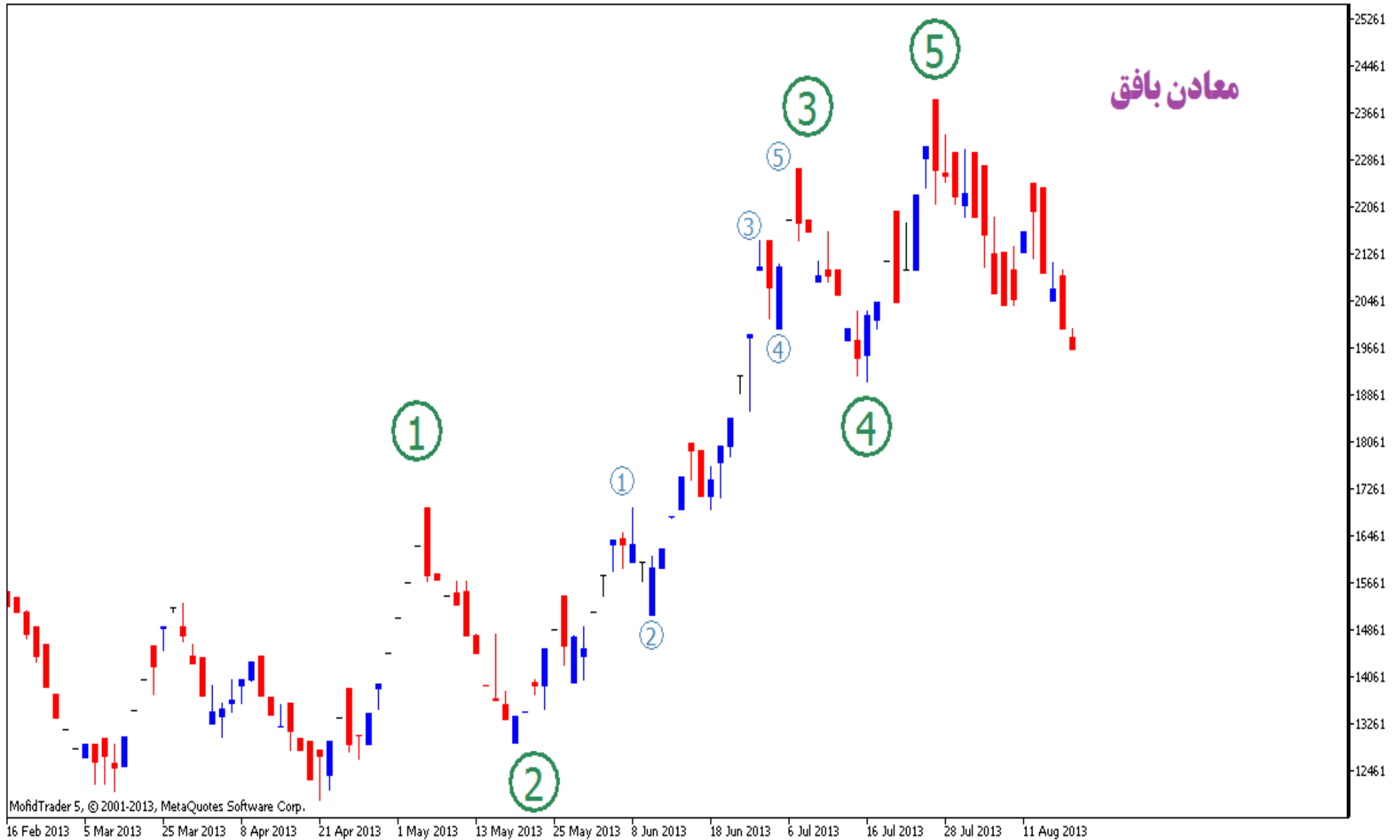
MofidTrader 5, © 2001-2013, MetaQuotes Software Corp.

کنترل خوردگی تگین کو

تایم فریم : هفتگی



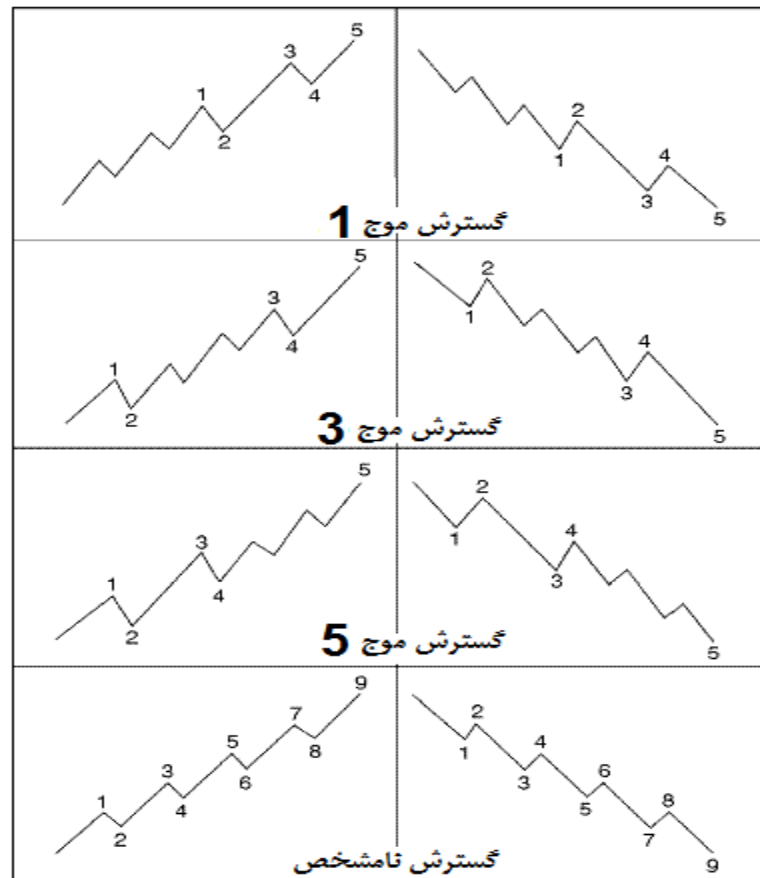




شناخت موجهای انگیزشی

انبساطی (Extension)

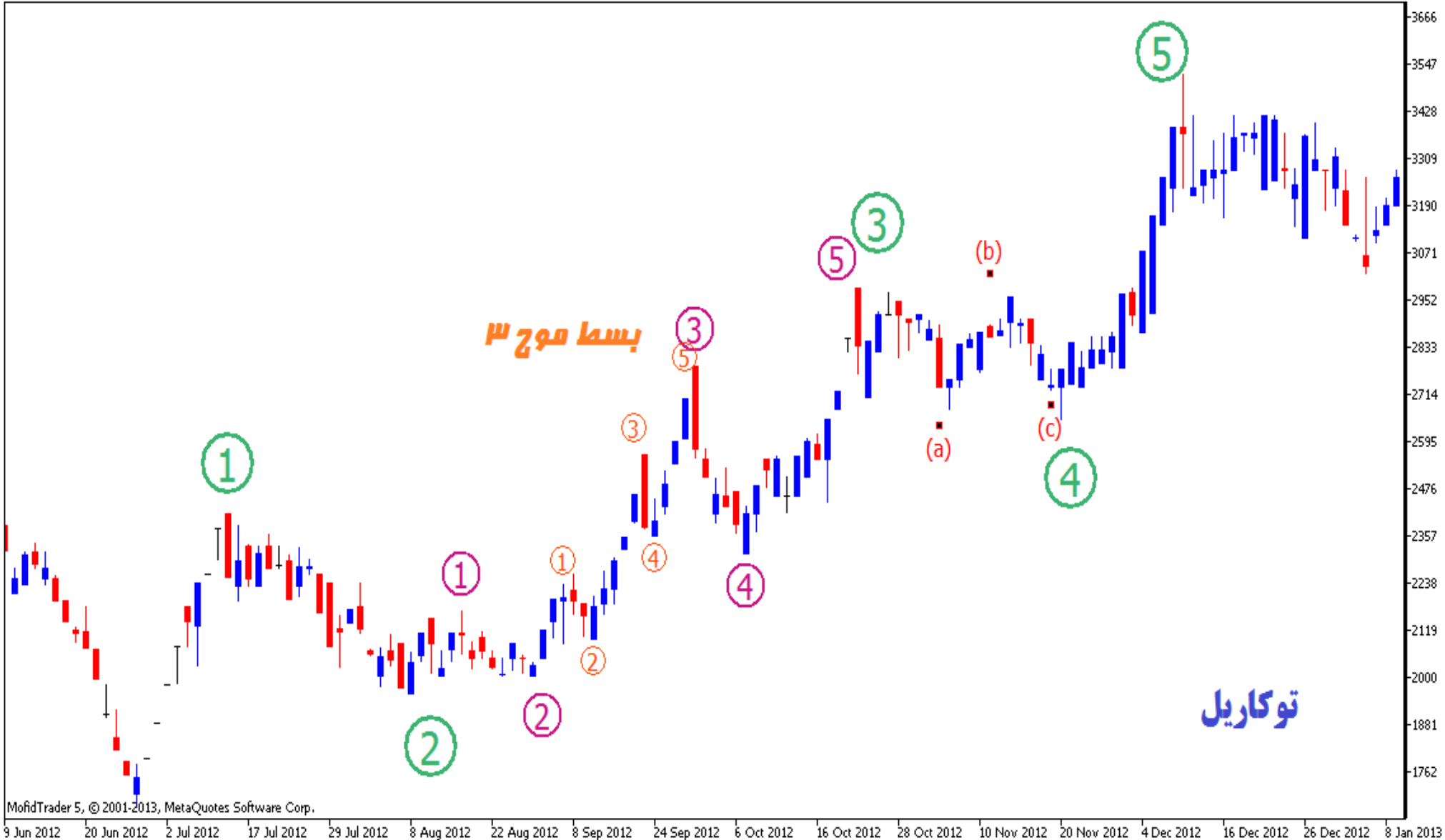
در صورتی که امواج ۱، ۳ و ۵ شامل ۵ ریز موج باشند معمولاً یکی از آنها انبساط می‌یابد و بزرگتر از دو موج دیگر می‌شود. به این حالت **موج انگیزشی انبساط یافته** می‌گوییم. در بازار سهام و تبادلات ارزی معمولاً حالت انبساط یافته (Extension) در موج ۳ مشاهده می‌شود و در بازارهای کالا معمولاً در موج ۵ مشاهده می‌شود.

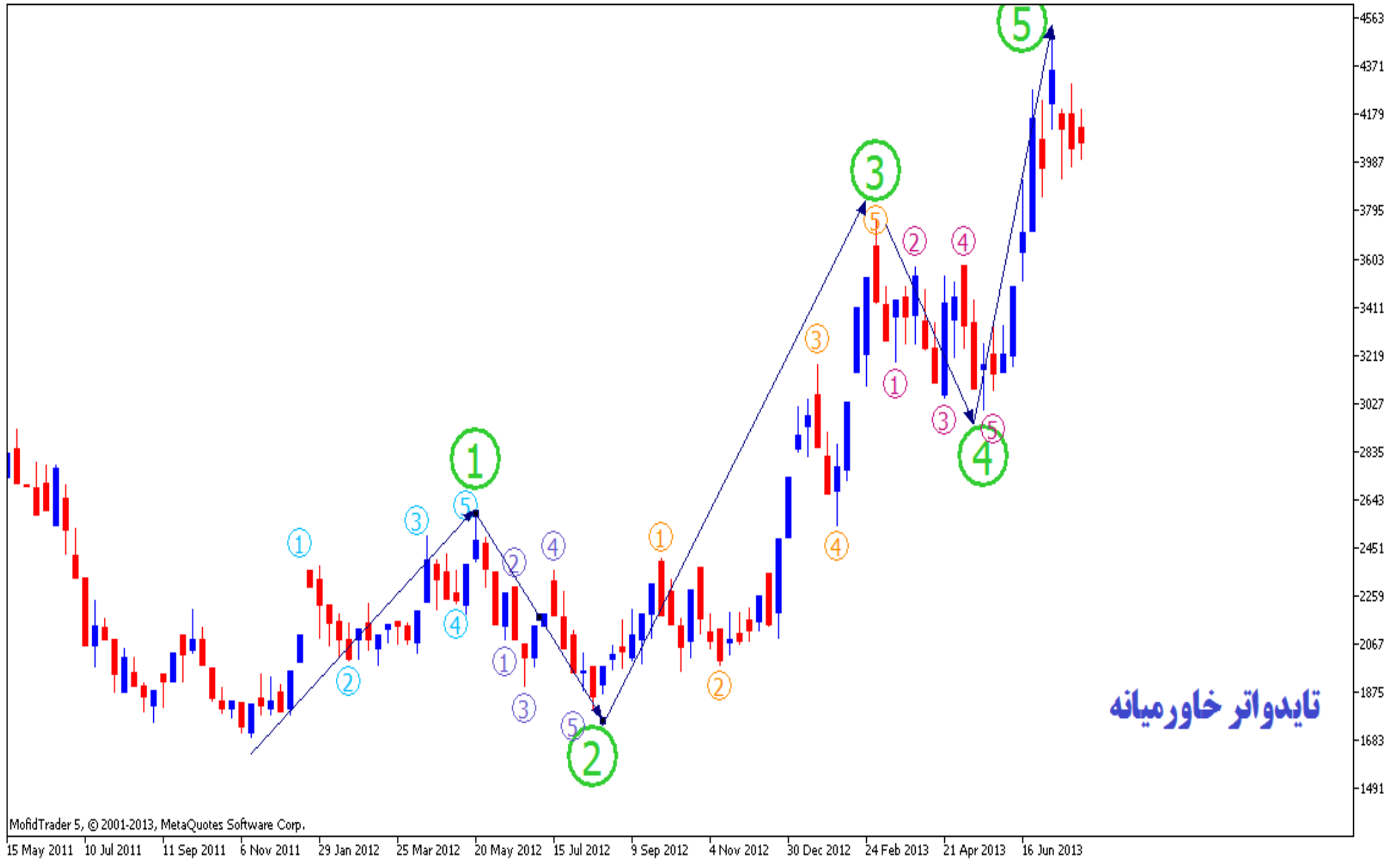


تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

در هر سری ۵ موج تمایلی وجود دارد که هر سه تک موج انگیزشی (موج ۱، ۳ و ۵) می‌تواند بسط داده شود (منظور این است که در هر تک موج به طور مثال موج اول الگوی ۵ موج الیوت ایجاد شود) و هر موج می‌تواند به یک دوره کامل موج الیوت تبدیل شود. در نمودار فوق بسط و گسترش امواج در حالت‌های متفاوت آورده شده است که مشخص می‌کند اهمیت کل این مجموعه در هر مورد یکسان است.

گسترش امواج می‌تواند راهنمای مناسبی برای شناخت طول موجهای آینده باشد. بسیاری از امواج انگیزشی تنها از طریق یکی از خرده موج خود گسترش و بسط می‌یابند. یعنی تنها از طریق یکی از سه موج انگیزشی بسط و گسترش می‌یابند. بنابراین **اگر امواج یک و سه به یک اندازه باشند ، احتمالاً موج ۵ می‌تواند بسط یابد** ، به ویژه در زمانی که شدت حجم معاملات افزایش یابد موج ۵ می‌تواند ساختاری ساده داشته باشد و احتمالاً شبیه موج اول خواهد بود.

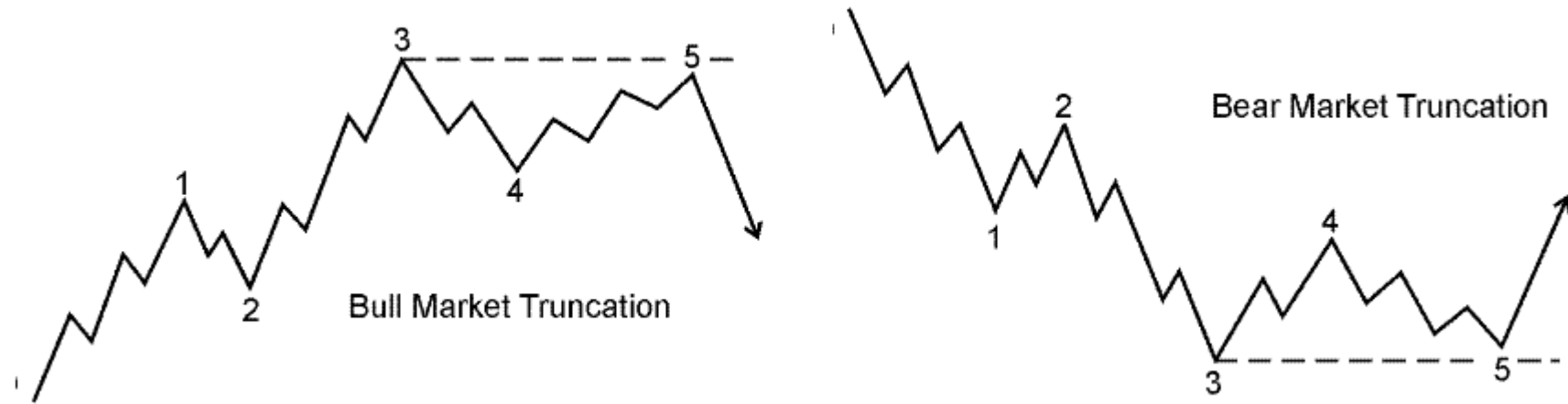




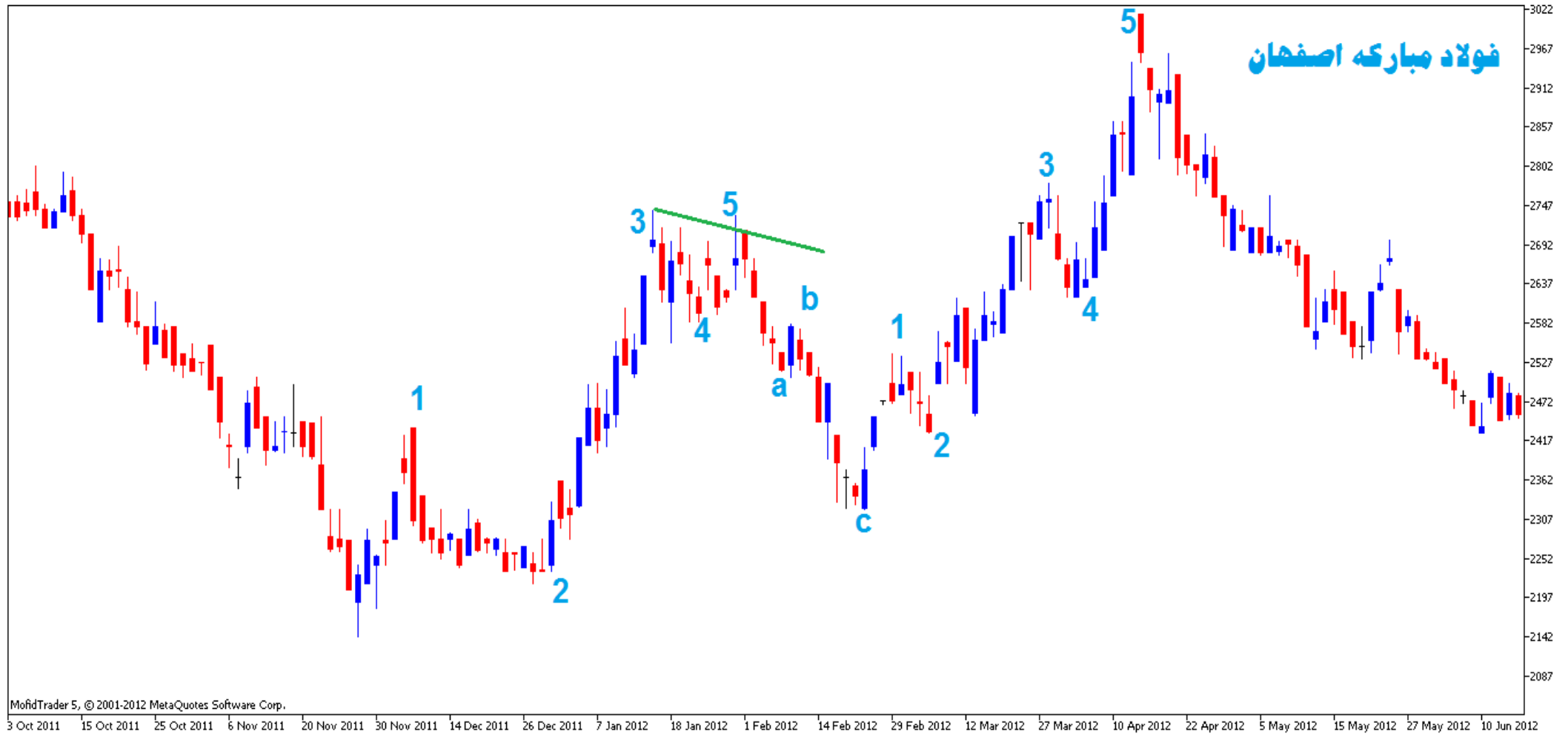
تایدواتر خاورمیانه

جهش ناقص (Truncation)

در بعضی حالت‌های خاص معمولاً با انبساط پیدا کردن موج ۳، قله موج ۵ فراتر از قله موج سه حرکت نمی‌کند. به این حالت موج ۵ کوتاه شده (Truncation) یا جهش ناقص می‌گوییم. در این حالت ریز موج‌های ۵ تایی موج ۵ کوتاه شده باید در محدوده موج قبل از خود باشد؛ موج ۵ نباید فراتر از موج ۳ پیش روی کند و معمولاً همانطور که ذکر شد بعد از موج سه انبساط یافته تشکیل می‌شود.



همانطور که در شکل زیر مشاهده می‌شود موج ۵ بعد از انبساط موج ۳ از دست یابی به سقف جدید بازمانده و حالت موج ۵ کوتاه شده (جهش ناقص) را به وجود آورده است.

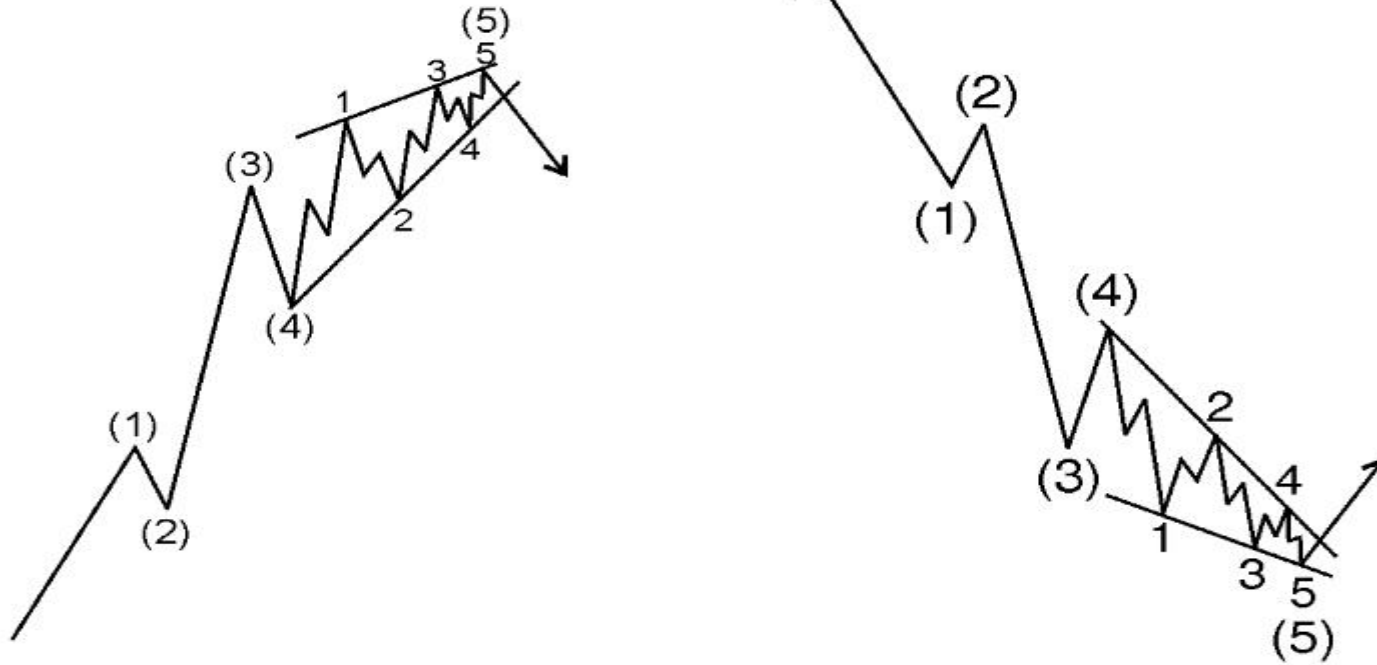


MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

موج های مثلثی (Diagonal Triangles)

مثلث‌های قطری بر اساس یک قانون همیشگی ریز موج‌های ۱، ۳ و ۵ همگی از سه موج تشکیل شده‌اند. مثلث‌های قطری معمولاً نشانه خستگی یا به اتمام رسیدن الگوی یک درجه بزرگتر از خود می‌باشند و معمولاً دو خط امتداد نقاط سقف و کف مثلث همگرا می‌باشد.

Diagonal Triangles



لیزینگ خود رو غدیر



چکیده مطالب

- اصول امواج = وضع روانشناسی توده مردم
- موج‌های حرکتی ساختار ۵ تایی دارند و تمام حرکت روند آنها یک موج حرکتی از درجه بزرگتر را تشکیل می‌دهد
- طبقه بندی موج‌های حرکتی شامل موج‌های انگیزشی و مثلث‌های سه گوش می‌باشد
- موج‌های انگیزشی ۱، ۳ و ۵ خود شامل ۵ ریز موج می‌باشند که می‌توانند شامل حالت‌های گسترش یافته یا کوتاه شده باشند.
- موج ۴ به هیچ عنوان وارد محدوده موج ۱ نمی‌شود
- در مثلث‌های قطری امواج ۱، ۳ و ۵ شامل ۳ ریز موج می‌باشند. موج ۴ اجازه ورود به محدوده موج یک را دارد و سیگنال مناسب نقطه بازگشت قیمت از برخورد با خط روند اصلی می‌باشد.

اندیکاتوری برای شمارش امواج الیوت

مثال‌هایی که از ۵ موج حرکتی در صفحات گذشته نشان داده شد بسیار روشن و قطعی بود. اما گاهی شمارش امواج به سادگی آنچه صورت پذیرفت نیست. در برخی مواقع تشخیص موج ۳ از ۵ موج ۵ تقریباً غیر ممکن به نظر می‌رسد. نمودارها قادر به نشان دادن تفاوت میان قدرت امواج نیست. بوسیله اندیکاتورها و اسیلاتورها میان قدرت امواج را اندازه‌گیری نمود.

برای تشخیص قدرت امواج می‌توان از میانگین‌های متحرک استفاده نمود. اگر ما دو میانگین کوتاه مدت و بلند مدت را با هم مقایسه کنیم، تفاوت بین این دو میزان افزایش قیمت را نشان می‌دهد. میانگین متحرک کوتاه مدت نشان دهنده تغییرات فعلی قیمت است، اما میانگین متحرک بلند مدت بیانگر تغییرات کلی قیمت است. زمانی که قیمت موج ۳ را می‌سازد، قیمت جاری سریعتر حرکت می‌کند و تفاوت بین میانگین متحرک کوتاه مدت و بلند مدت زیاد می‌شود و یک میزان نوسان نمای بزرگ را نشان می‌دهد.

شاخص صنعت خودرو

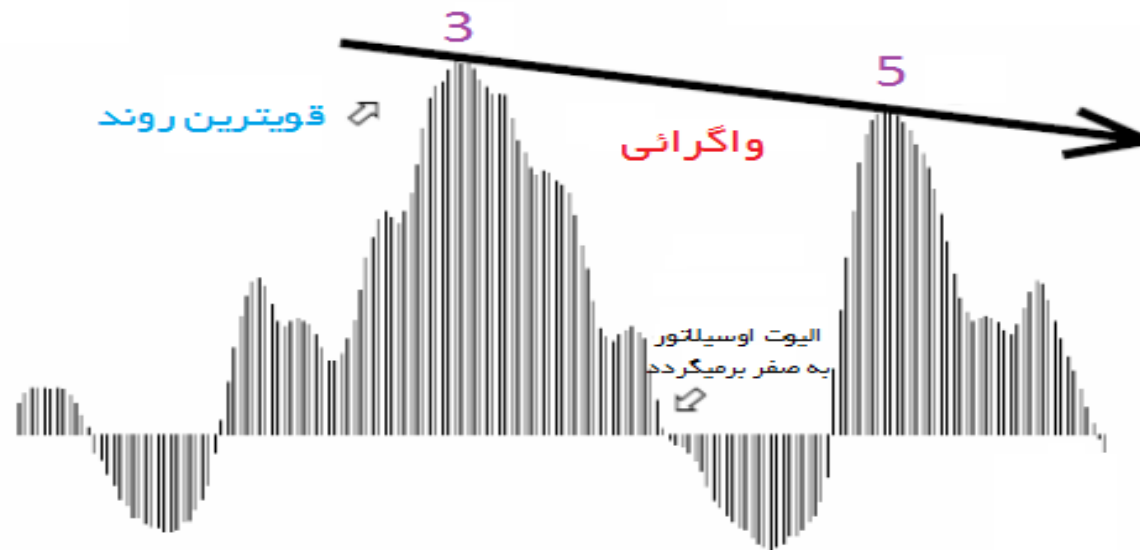


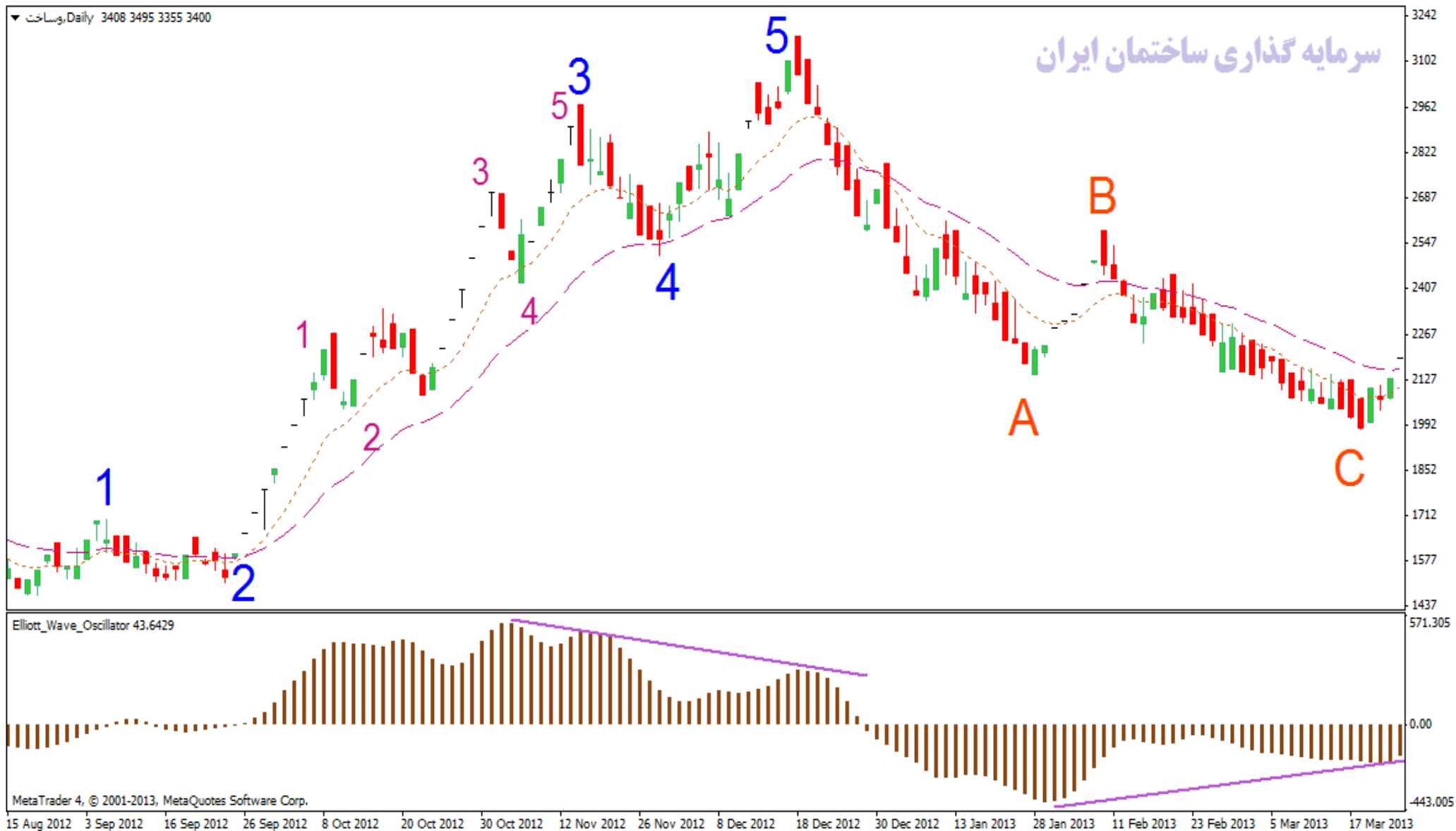
در موج ۵ قیمت جاری حرکتی به میزان سرعت قبلی دارد و تفاوت بین دو میانگین متحرک کوتاه و بلند کم می‌شود. این موضوع میزان کوچکی از نوسان نما را ایجاد می‌کند. این بدین دلیل است که موج ۴ باعث توقف کوتاه مدت قیمت می‌شود و در این میان میانگین متحرک بلند بالاتر آمده و به میانگین کوتاه نزدیک می‌شود.

استفاده از نوسان نمای الیوت

زمانی که قیمت به سقف موج ۱ گسترش می‌یابد نوسان نمای الیوت high جدیدی ایجاد می‌کند. پس از افت آن و تکمیل موج ۲ حرکت جدید قیمت و نوسان نما موج ۳ نامگذاری می‌شود. زمانی که موج ۳ پایان می‌یابد، معامله‌گران مشتاقانه منتظر یک منطقه جهت خرید در آن هستند. زمانی که نوسان نمای الیوت به آرامی به سمت سطح صفر نزدیک می‌شود یا به آرامی به زیر آن می‌رود بازار به منطقه مورد نظر می‌رسد. زمانی که موج ۴ پایان یافت حجم عمده‌ای از خریدها توسط معامله‌گرانی صورت می‌پذیرد که در موج ۳ حاضر نبودند. در این زمان نوسان نما high جدیدی می‌سازد. نسبت افزایش قیمت در این روند به اندازه موج ۳ نیست. این تفاوت در میزان حرکت قیمت بوسیله نوسان نما نشان داده می‌شود و به راحتی قابل تشخیص است. در نتیجه همیشه اجازه بدهیم نوسان نمای الیوت شمارش موج الیوت را همراهی کند. برای استفاده از نوسان نمای الیوت بایستی اندیکاتور Elliott Wave Oscillator را بر روی متاتریدر نصب نمائید.

الگوی ۵ موج گرایشی افزایشی

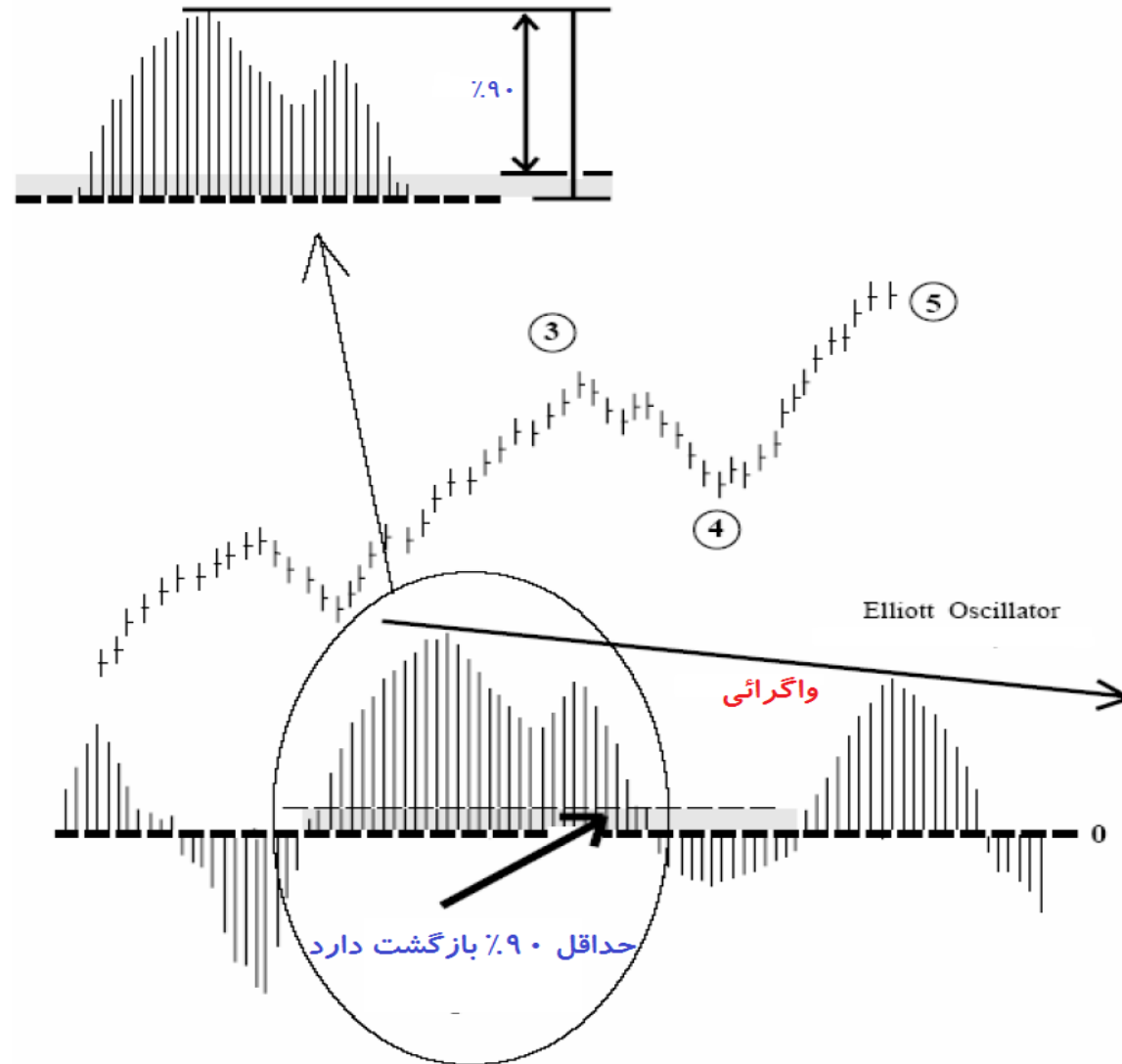






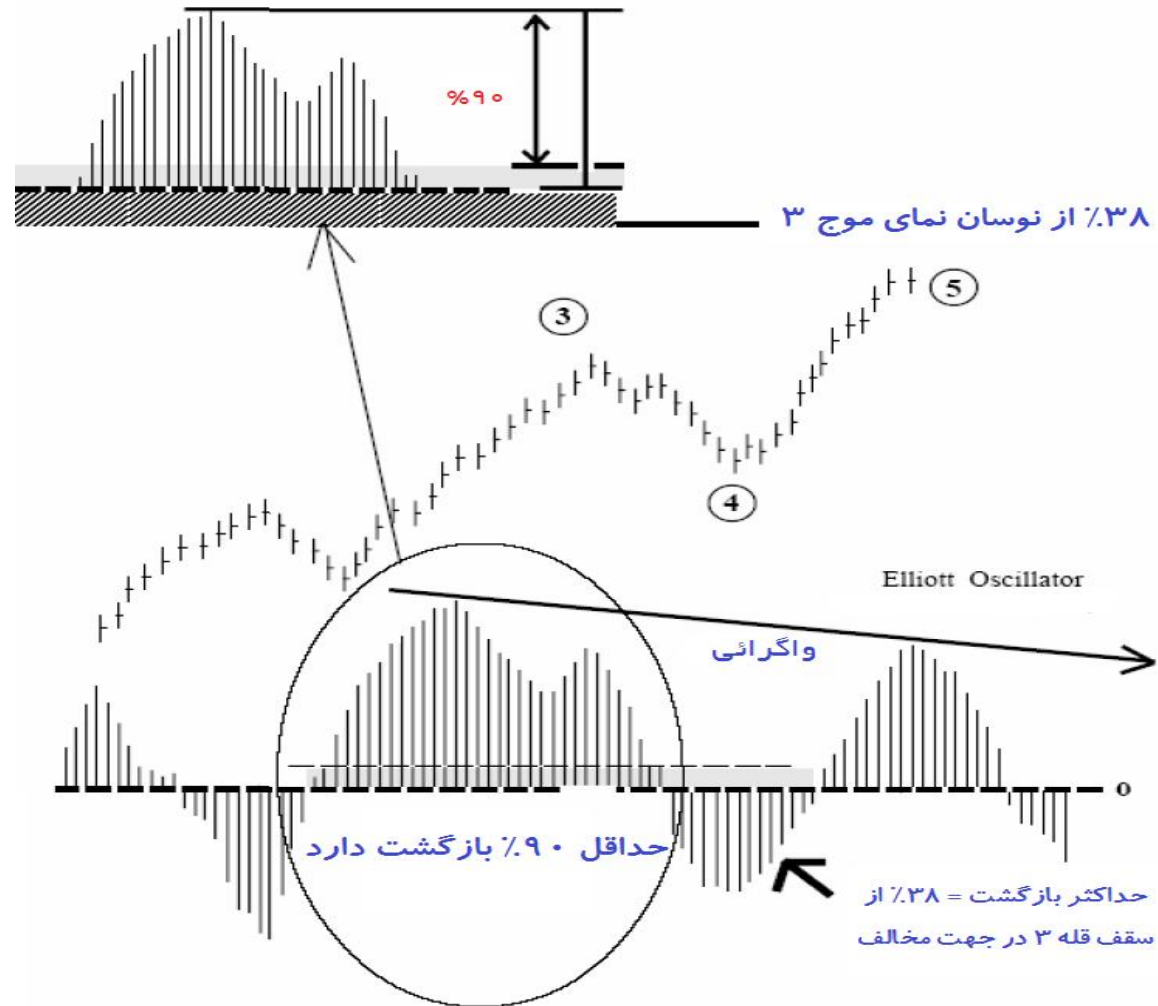
حداقل بازگشت مورد نیاز

اصولاً ۹۴٪ همه موج‌های ۴ که به یک موج پنجم دارای HIGH یا LOW جدید ختم می‌شوند در آنها نوسان نمای الیوت حداقل ۹۰٪ از موج سوم را بازگشت می‌کند.



حداکثر بازگشت مجاز

همانطور که بازگشت نوسان نما به خط صفر مساله مهمی است ، (یا حداقل ۹۰٪ نوسان نماى موج ۳) این مساله که نوسان نما نباید بیش از ۳۸٪ از نوسان نماى موج ۳ را از سمت دیگر خط صفر رد کند ، نیز مساله بسیار مهمی می باشد.



استفاده از نوسان نمای الیوت در موج ۳

زمانی که بازار در یک رالی با نوسان نمای الیوت قوی همراه می‌شود این رالی تحت عنوان موج سوم نامگذاری می‌شود.

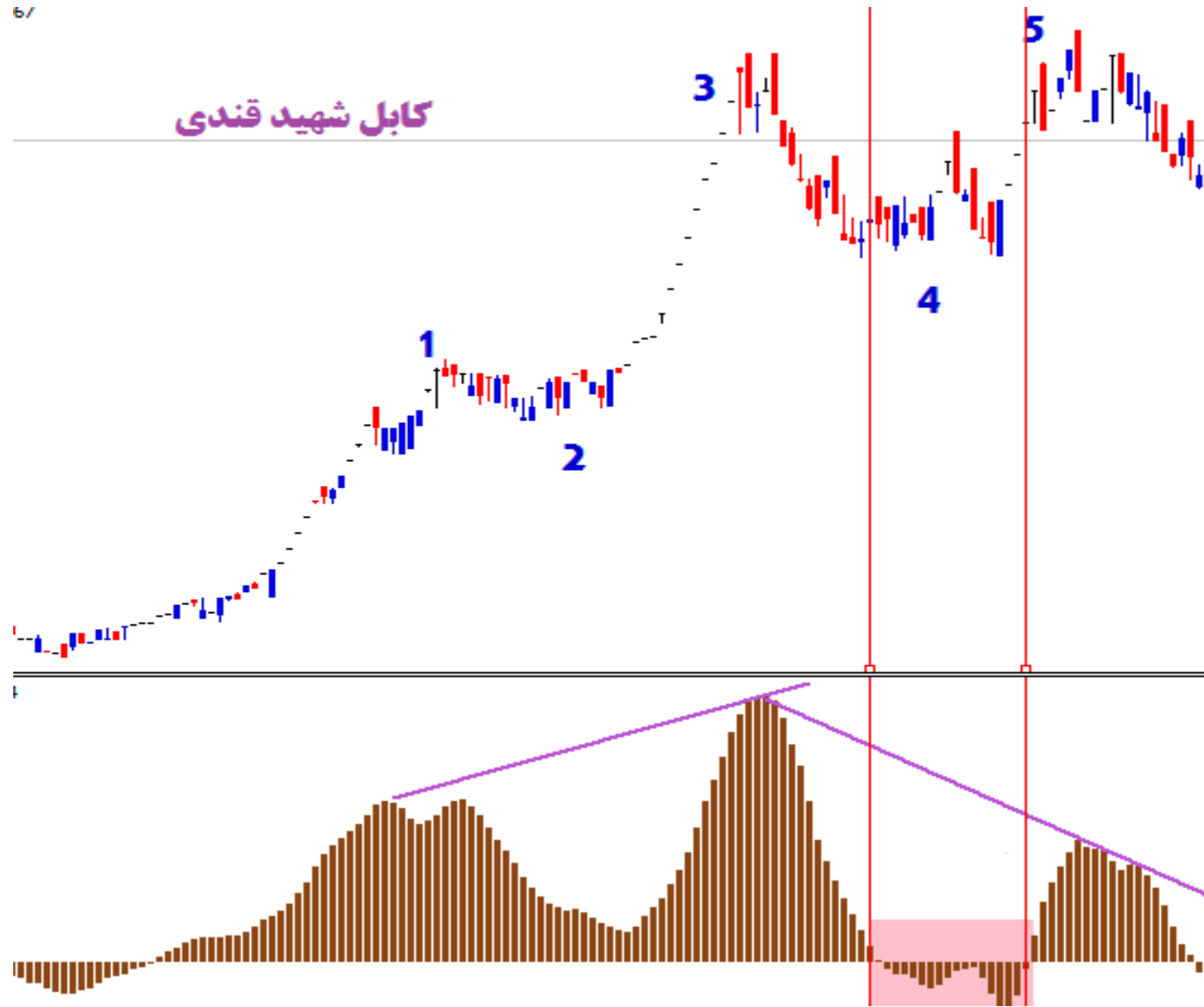
„Daily 1732 1810 1701 1742



زمانی که موج سوم به پایان می‌رسد، بازار جهت حصول سود نزول می‌کند. در این زمان نوسان نمای الیوت باید به خط صفر برگردد.

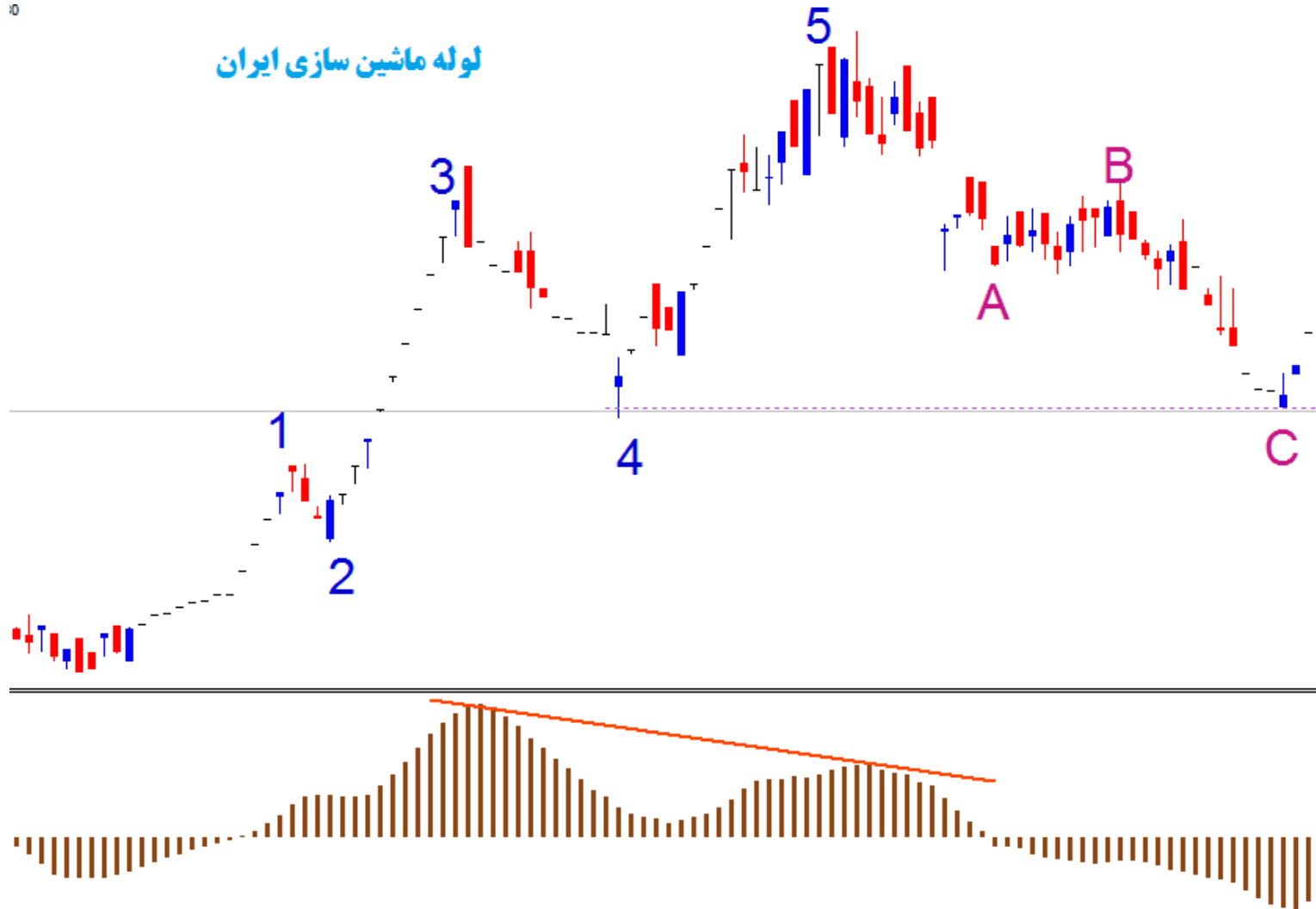
استفاده از نوسان نمای الیوت در موج ۴

زمانی که نوسان نمای الیوت به سمت خط صفر برمی‌گردد این مساله علامتی است جهت پایان یافتن نیروی موج چهارم نزولی که در نمودار نشان داده شده است.



استفاده از نوسان نمای ایوت در موج ۵

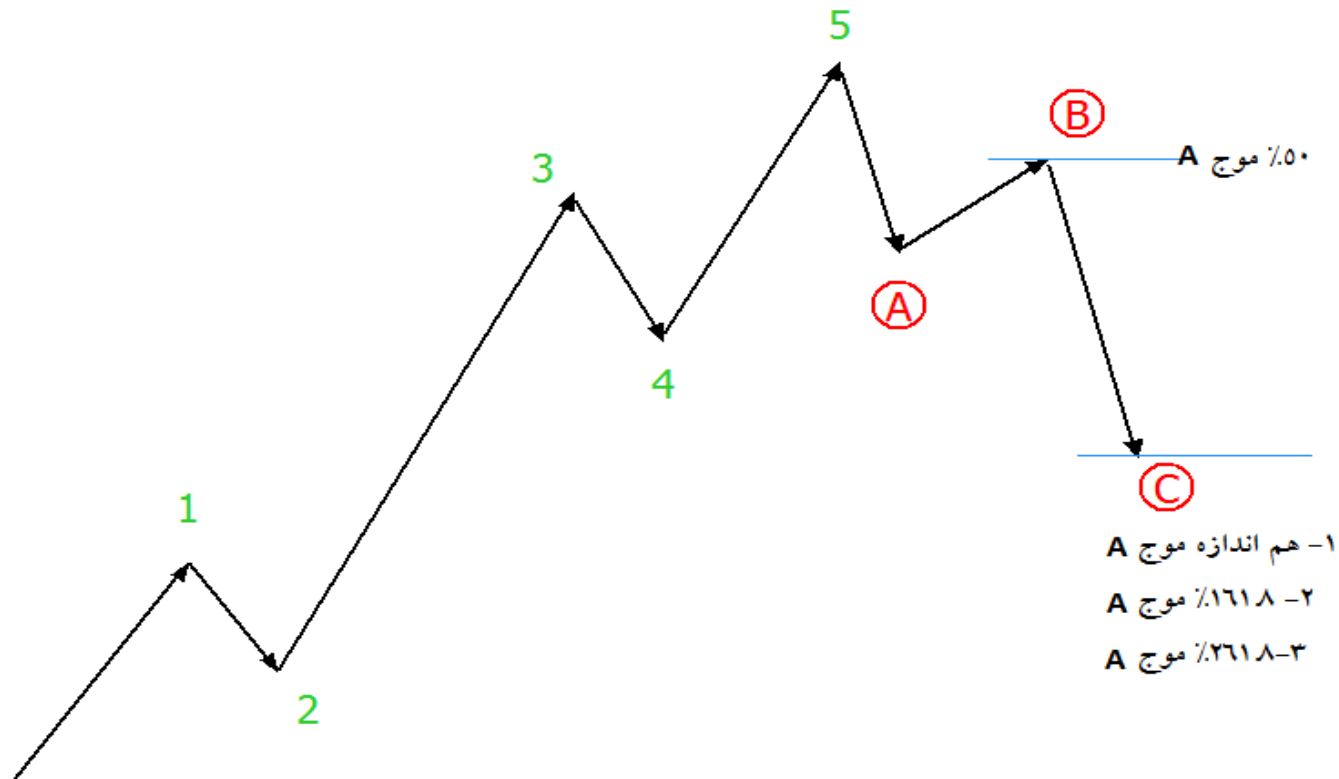
بازار high جدیدی می‌سازد که قدرت نوسان کمتری دارد. این مسئله نشان می‌دهد حرکت فعلی موج ۵ است و زمانی که موج ۵ به اتمام می‌رسد جهت بازار تغییر می‌کند. زمانی که بازار جهت خود را تغییر داد، موج ۴ قبلی هدف اولیه قیمت است.



مشخصه‌های موج‌های اصلاحی

اصلاح ساده

در اصلاح ساده فقط یک الگو وجود دارد. این الگوی اصلاح زیگزاگ (Zigzag) است که حالت اول موج‌های اصلاحی می‌باشد الگوی زیگزاگ شامل ۳ موج است که موج B نمی‌تواند بیش از ۷۵٪ موج A را اصلاح نماید. موج C یک LOW جدید زیر موج A ایجاد می‌کند. معمولاً موج A از اصلاح زیگزاگ، الگوی ۵ موجی دارد. بنابراین اگر شما بتوانید در موج A ۵ موج را شناسایی کنید، می‌توانید انتظار داشته باشید اصلاح با الگوی زیگزاگ پایان یابد.

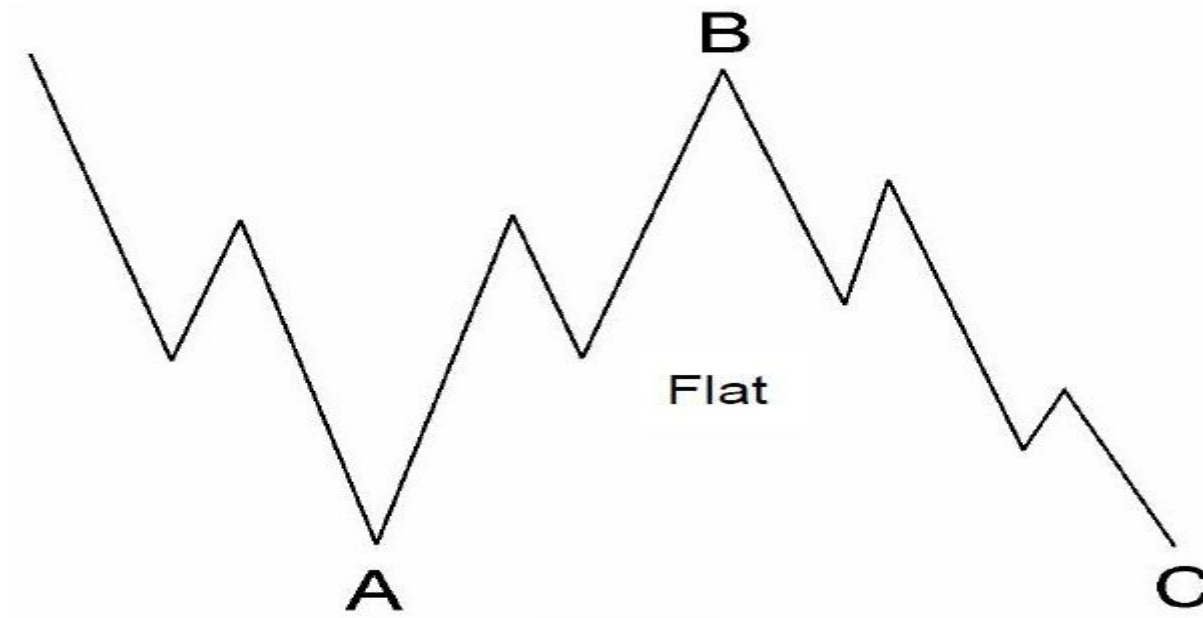


اصلاح ترکیبی

گروه اصلاح ترکیبی شامل سه قسمت است: ۱- مسطح ۲- مثلث ۳- نامنظم

اصلاح مسطح (Flat)

حالت دوم موج‌های اصلاحی می‌باشد که در آن طول موجها با یکدیگر یکسانند. بعد از یک حرکت ۵ موجی، بازار به موج A می‌رسد. سپس موج B که تشکیل شد به نقطه high موج A قبلی می‌رسد. در نهایت بازار در موج C به LOW قبلی خود در A می‌رسد.



تشخیص الگو

➤ از سه موج تشکیل می‌شود.

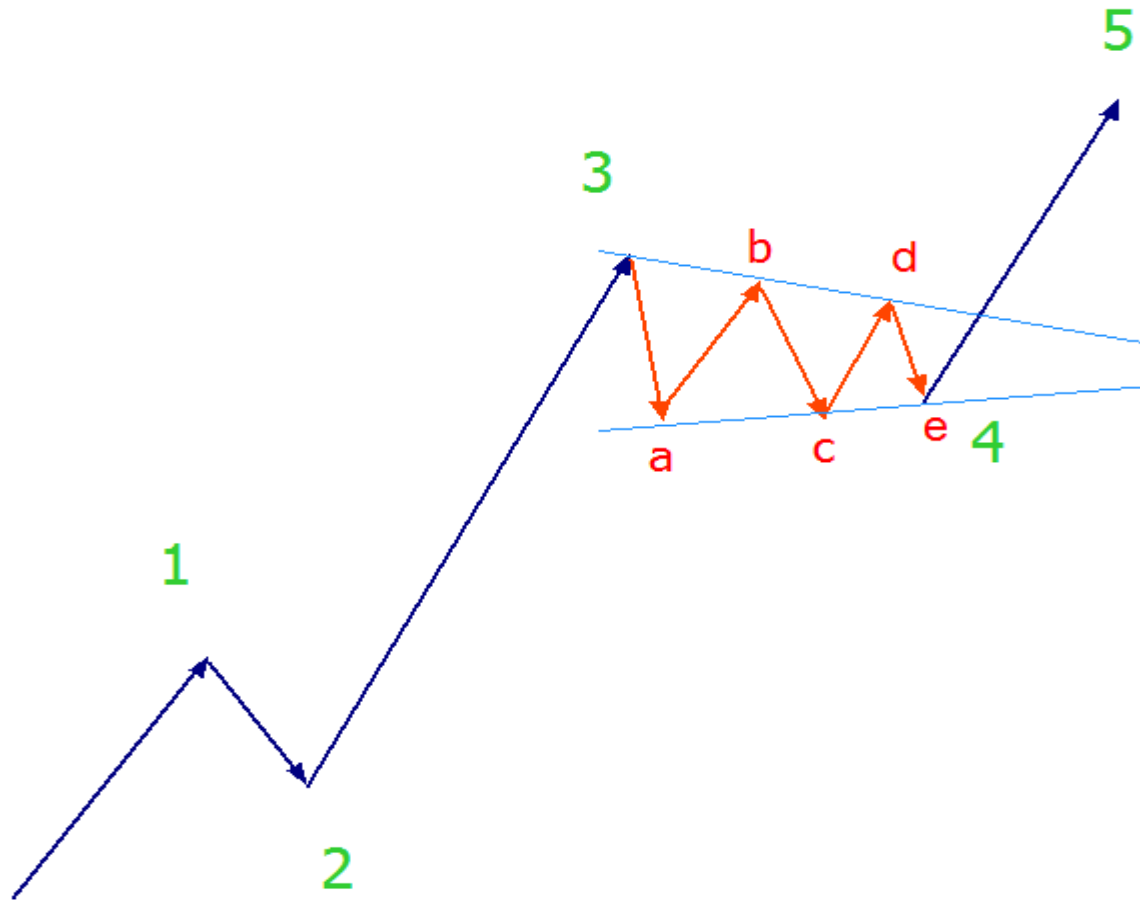
تحليل تکنیکال – Technical Analysis

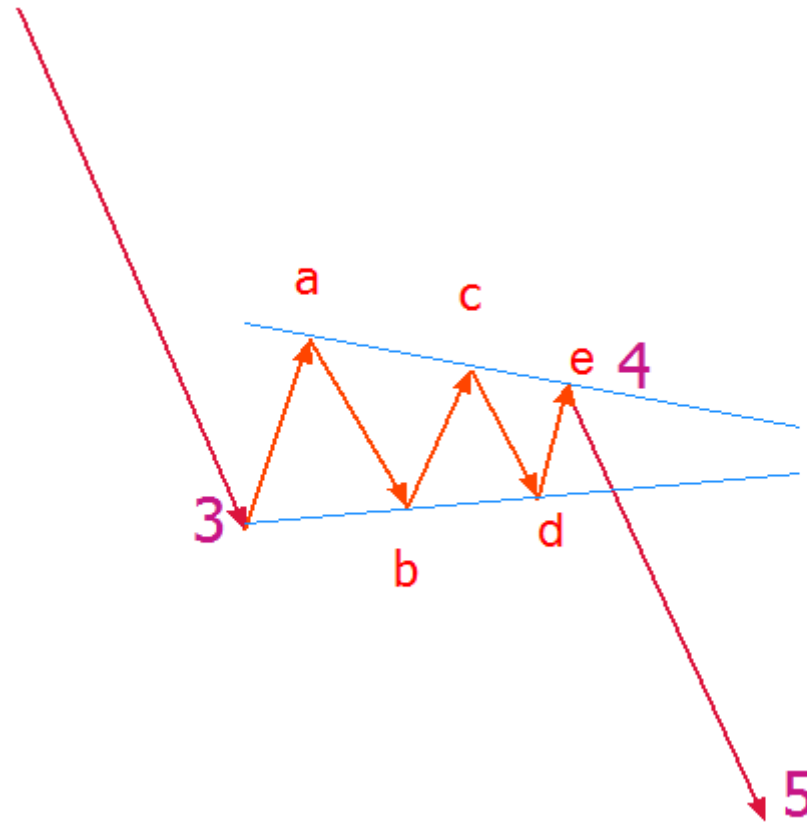
- موج C جهشی و امواج A و B اصلاحی هستند.
- موج B بیش از ۶۱٫۸٪ موج A بازگشت دارد.
- موج B اغلب بازگشت کاملی به انتهای A نشان می دهد.
- موج C نمی تواند از انتهای موج A جلوتر برود.
- موج C معمولاً با موج A برابر است.

اصلاح مثلثی (Triangle)

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

حالت سوم موج‌های اصلاحی می‌باشد که ریز موج‌های A و B و C را به همراه دو موج D و E دارد. مثلث ایوت یک الگوی ۵ موجی می‌باشد که همه موج‌ها دیگر موج‌ها را در برمی‌گیرد. مثلث‌ها در بیشتر مواقع به عنوان موج چهارم هستند. بعضی مواقع نیز مثلث را می‌توانیم در موج B از یک سه موج اصلاحی ببینیم.





زمانی که مثلث در موج ۴ رخ دهد ، روند قیمت به سمت مسیر موج ۳ به خارج از مثلث پرتاب می شود. زمانی که مثلث در موج B رخ دهد ، روند قیمت به سمت مسیر موج A به خارج از مثلث پرتاب می شود.

تشخیص الگو

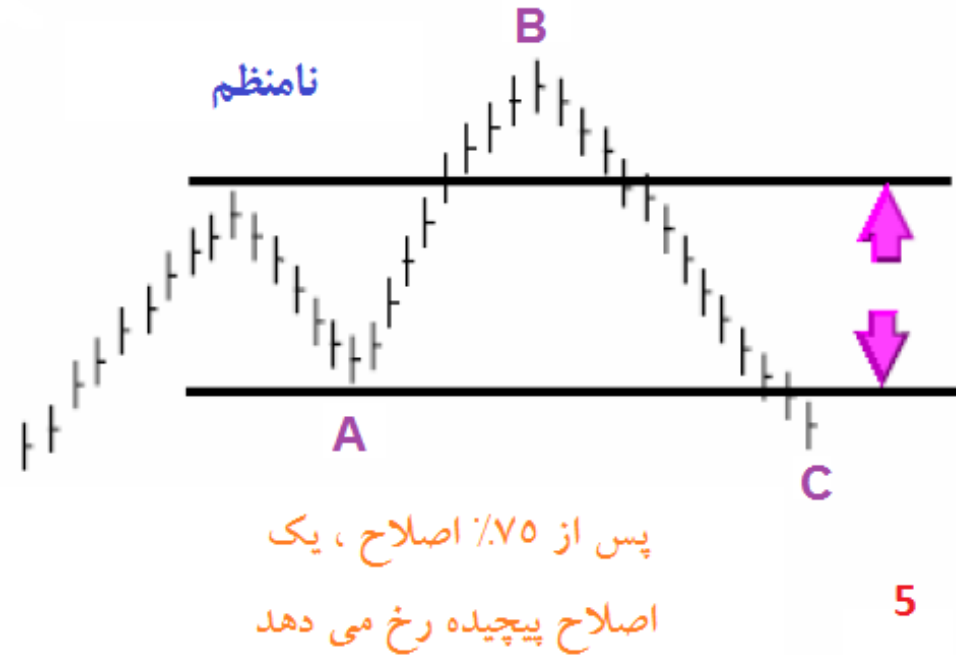
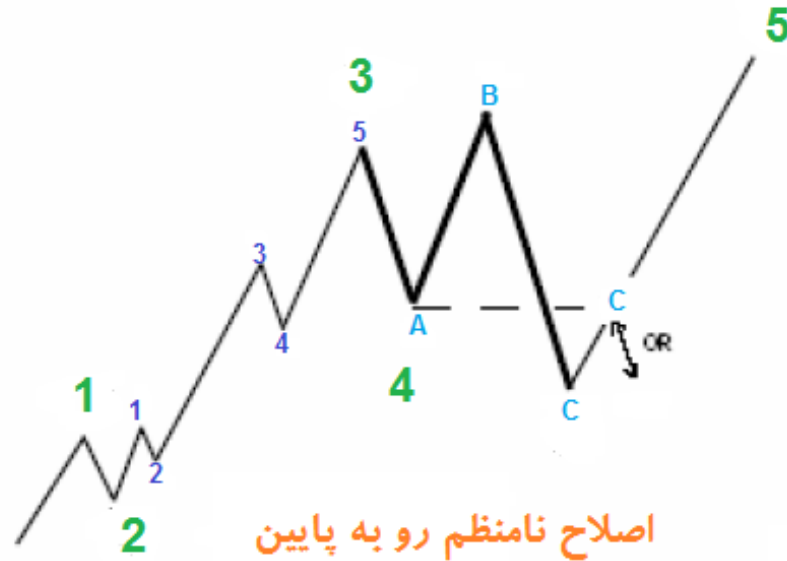
از پنج موج تشکیل می شود.
موج A و D همپوشانی دارند.
موج D نمی تواند از مبدأ موج C فراتر رود.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

موج C نمی‌تواند کوتاه‌ترین موج باشد.
از نظر ساختار داخلی، همه امواج دارای ساختار اصلاحی هستند.
در مثلث همگرا، A بلندترین موج و E کوتاه‌ترین موج است. در مثلث واگرا موج A کوتاه‌ترین و E بلندترین است.
مثلث فقط در موجهای ۴ و B و رخ می‌دهد و هرگز در موج ۲ یا A به وجود نمی‌آید. مثلث از پنج موج تشکیل می‌شود که ساختار داخلی آن ۳-۳-۳-۳-۳ است.

اصلاح نامنظم (IRREGULAR)

در این نوع از اصلاح موج B یک HIGH جدید ایجاد می کند. در نهایت نیز موج C می تواند به نقطه شروع موج A یا پایین تر از آن برسد.

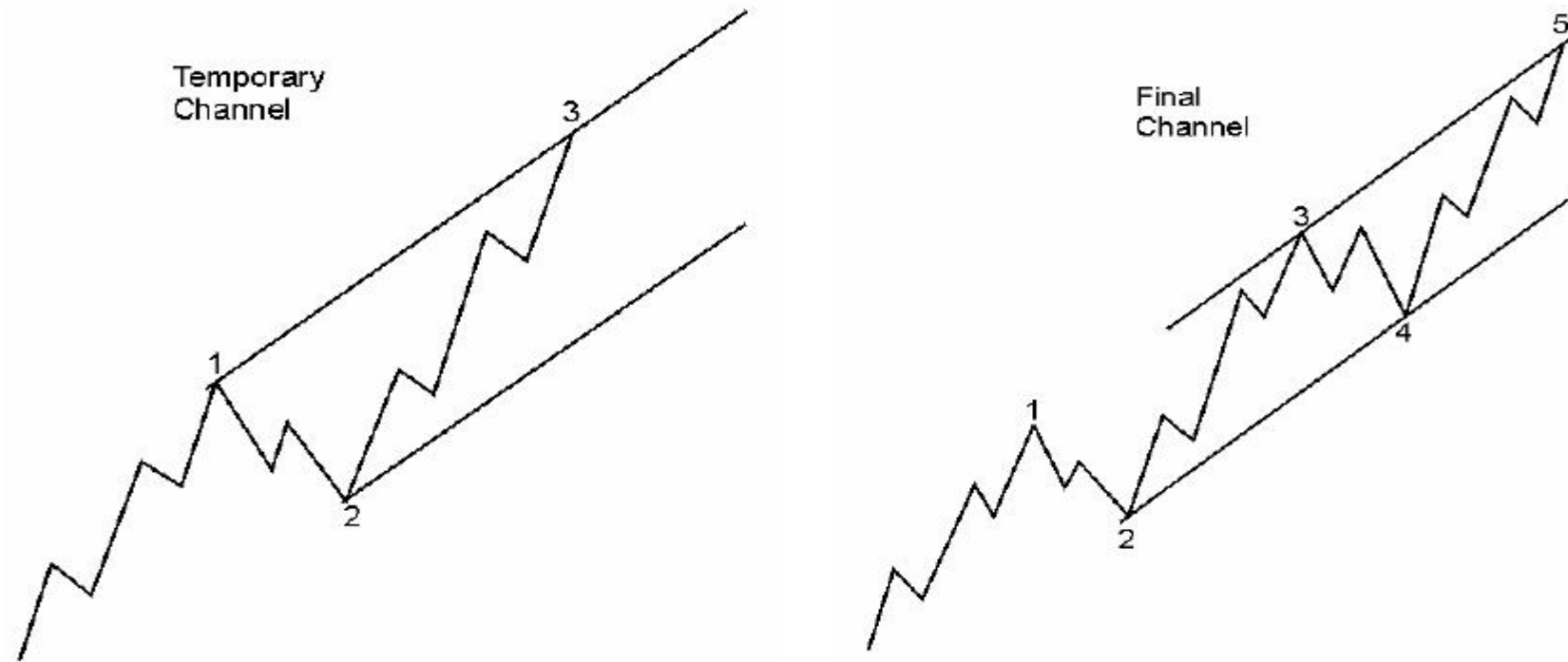


نسبت های فیبوناچی در اصلاح نامنظم عبارتند از:

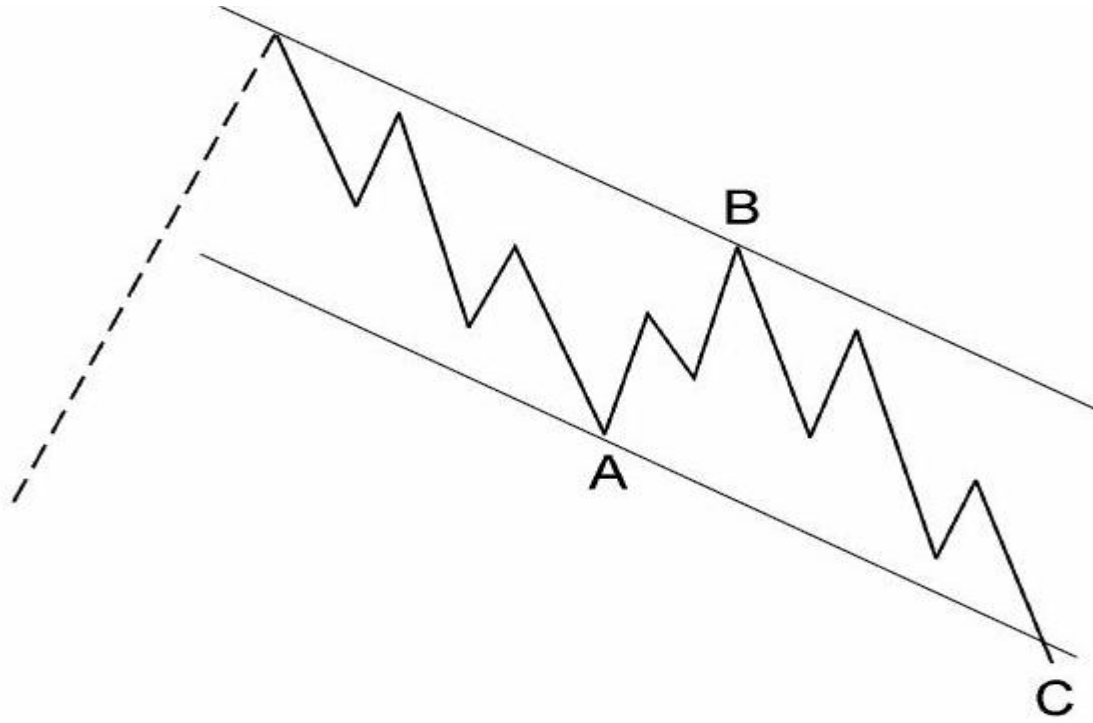
- اندازه موج B = ۱,۱۵ برابر موج A یا ۱,۲۵ برابر موج A
- موج C = ۱,۶۱۸ برابر موج A یا ۲,۶۱۸ برابر موج A

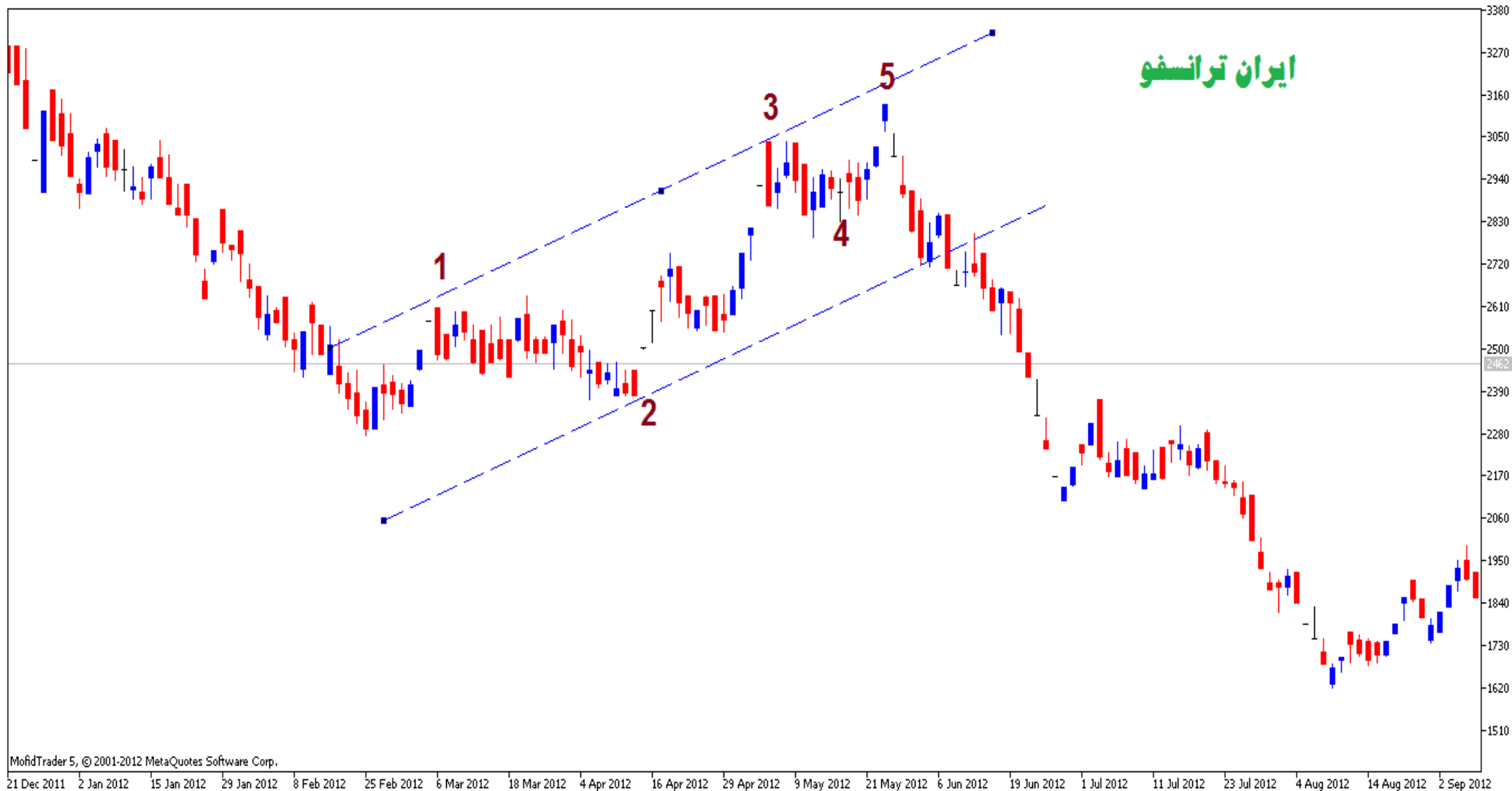
کانال‌ها

در موارد بسیاری امواج حرکتی در محدوده یک کانال حرکت می‌کنند. این کانال می‌تواند از امتداد خط کانال پایان نقاط موج‌های یک و سه ترسیم شده باشد و یا می‌تواند از امتداد ابتدای امواج دو و چهار ترسیم شده باشد.



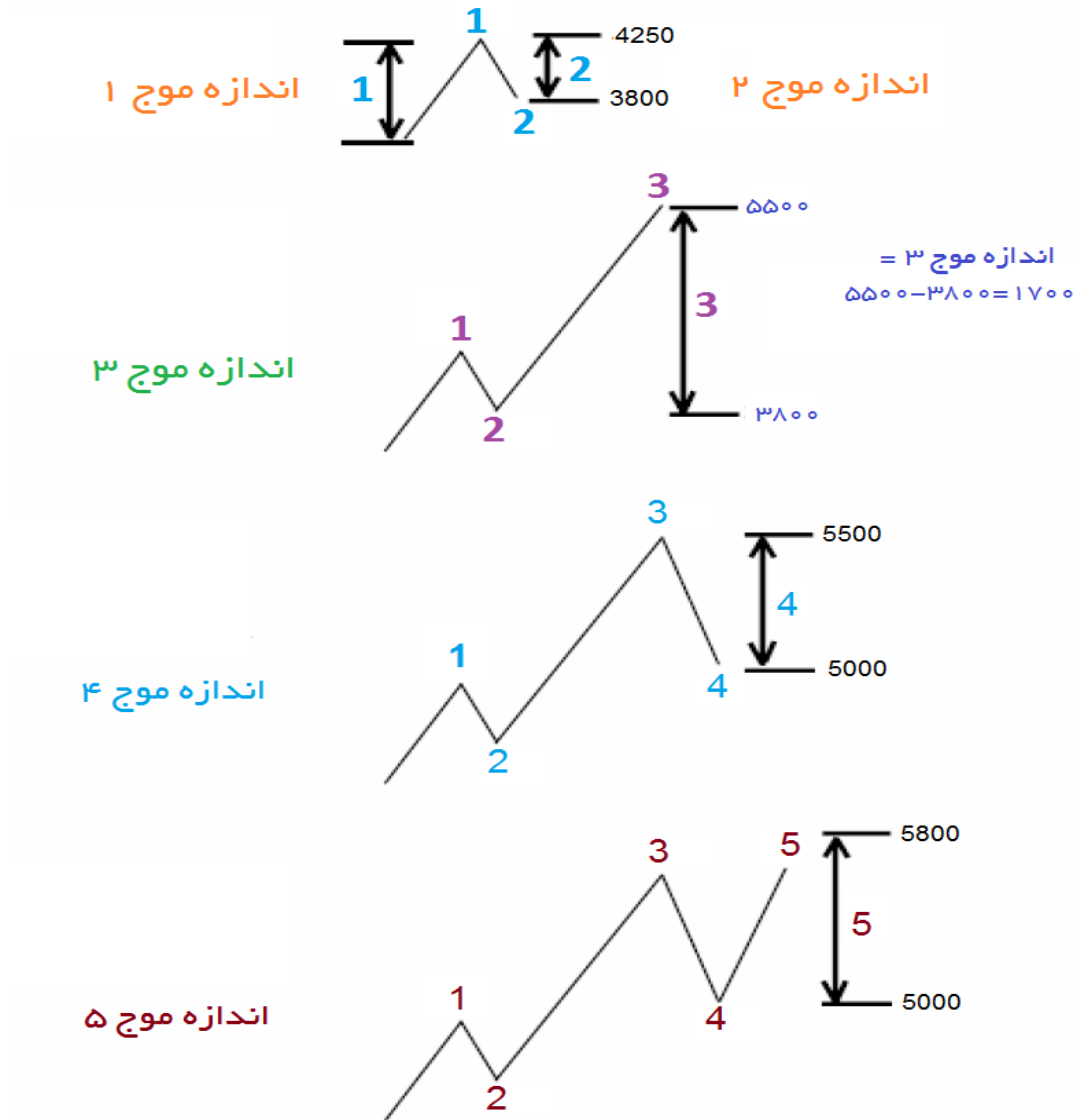
- به همان ترتیب که در موج‌های حرکتی می‌توانیم روند و کانال داشته باشیم. برای امواج اصلاحی زیگزاگ نیز می‌توانیم کانال ترسیم کنیم. شیوه ترسیم بدین شکل است که از انتهای موج ۵ به ابتدای موج B خط روند رسم می‌شود و به موازات آن خط کانال از انتهای موج A ترسیم می‌شود.





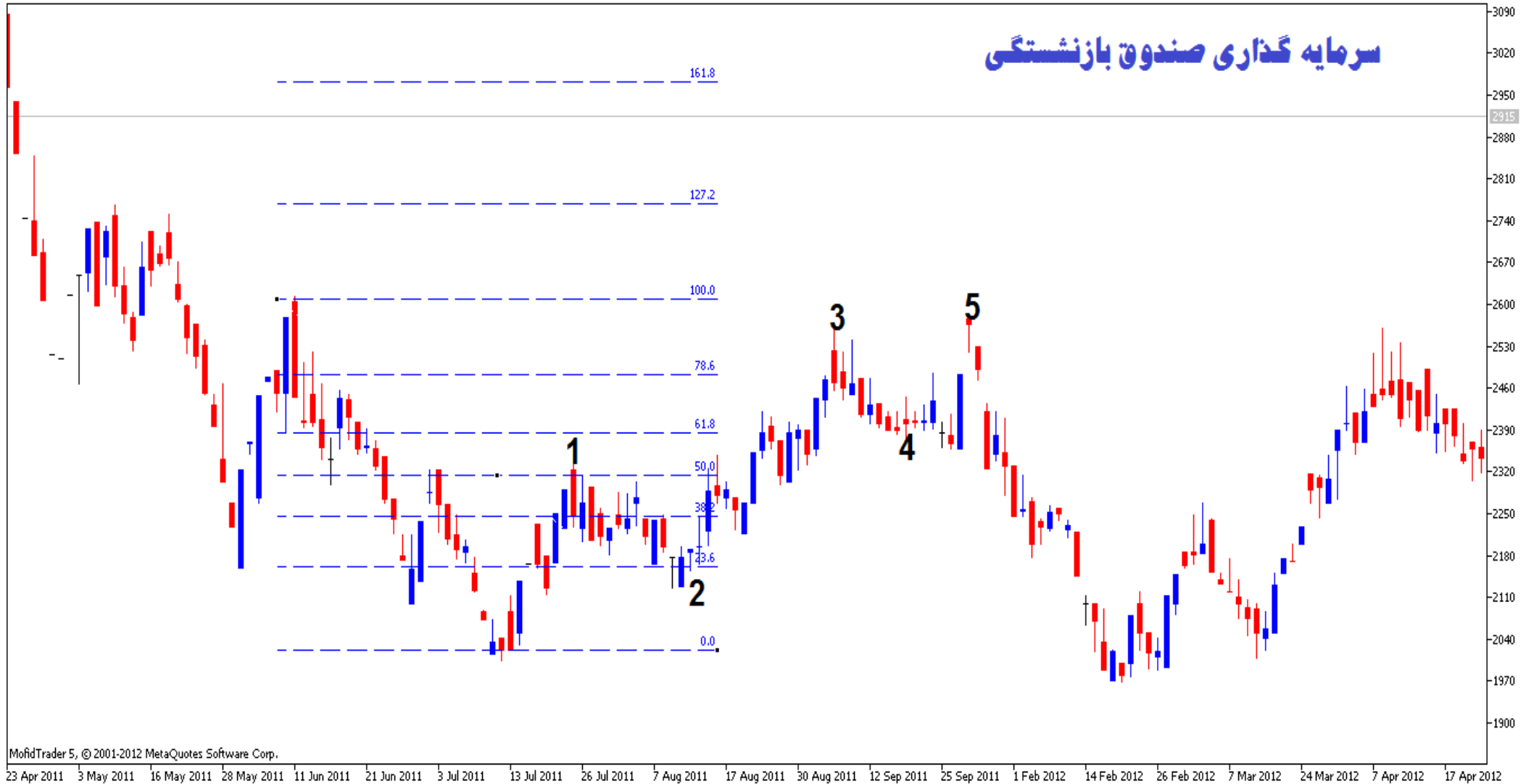
نسبت‌ها و اندازه گیری موج

طوا هر موج از طريق اندازه گيری فاصله عمودی شروع موج تا پايان آن محاسبه می‌شود. طول براساس یک نقطه از قيمت شروع می‌شود.



اعداد فیبوناچی و نسبت‌های بازگشتی

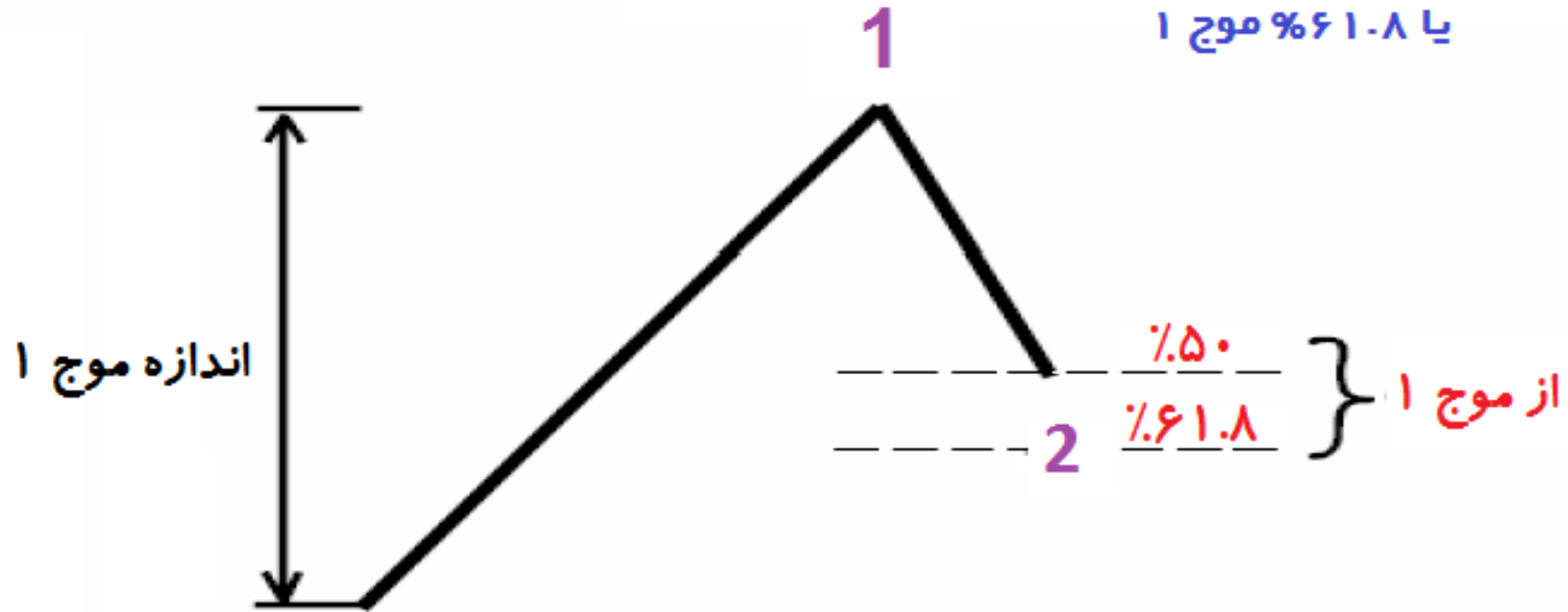
هدف موج ۱: اولین موج ساختار گرایشی دارد و اندازه آن معمولاً ۳۸,۲٪ تا ۶۱,۸٪ موج اصلاحی قبلی است.



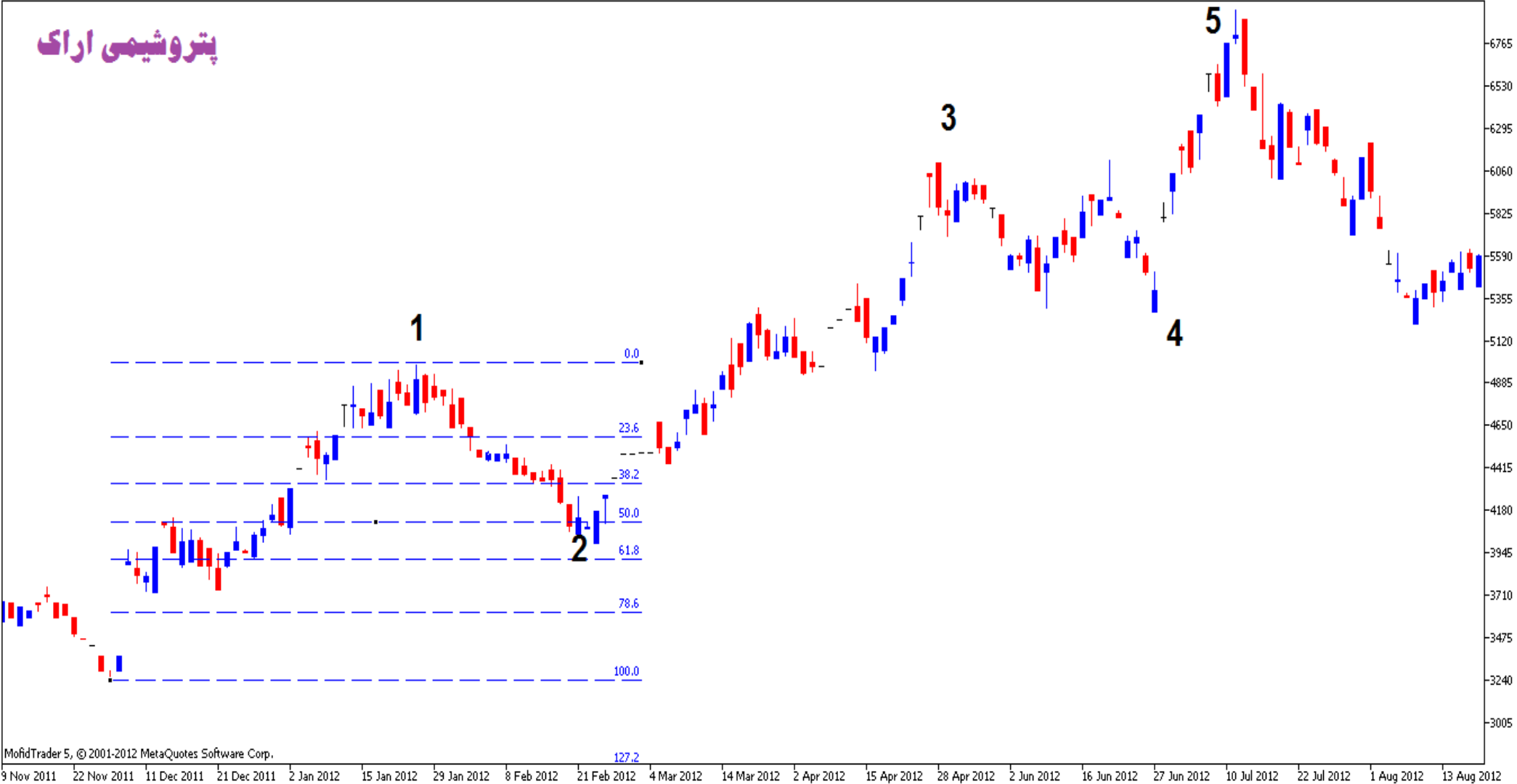
هدف موج ۲: موج ۲ حداقل ۳۸,۲٪ اما اغلب بیشتر از ۶۱,۸٪ موج ۱ را بازگشت می‌کند. بازگشت بیش از ۷۸,۶٪ به شدت تردید برانگیز است، هر چند که ناقص هیچ قانونی نیست.

موج ۲ = بین ۵۰٪ موج ۱

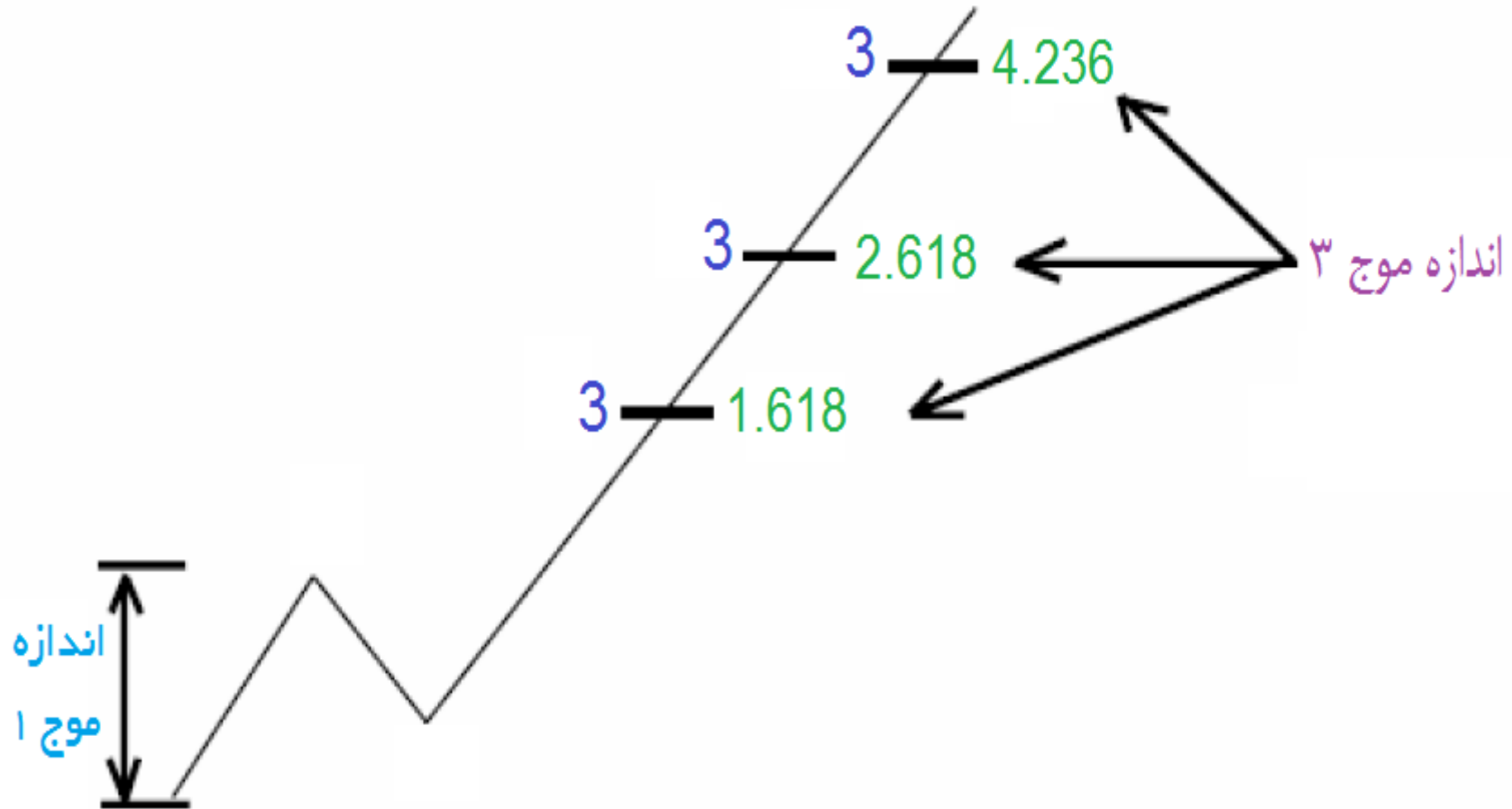
یا ۶۱.۸٪ موج ۱



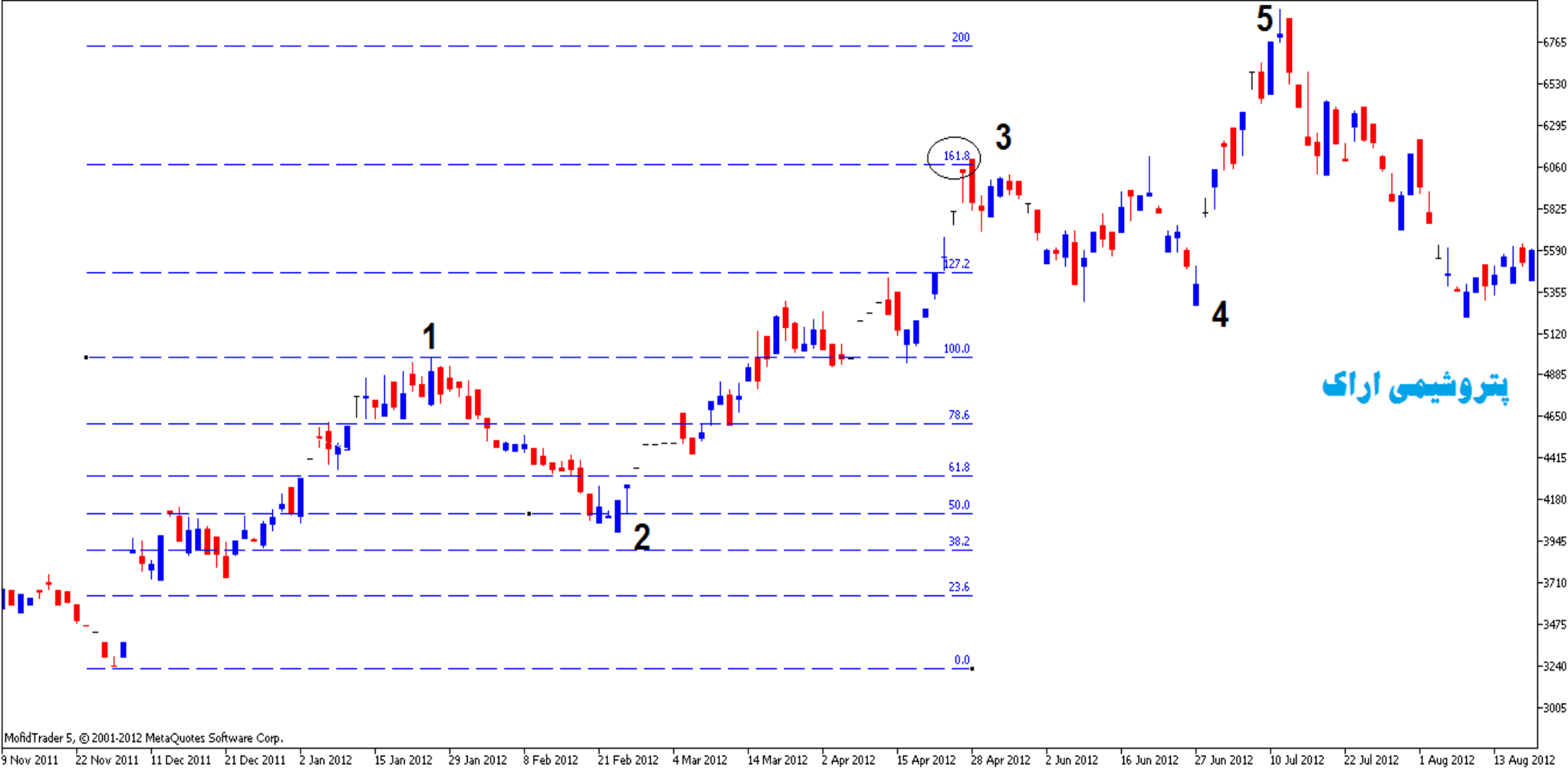
پتروشیمی اراک



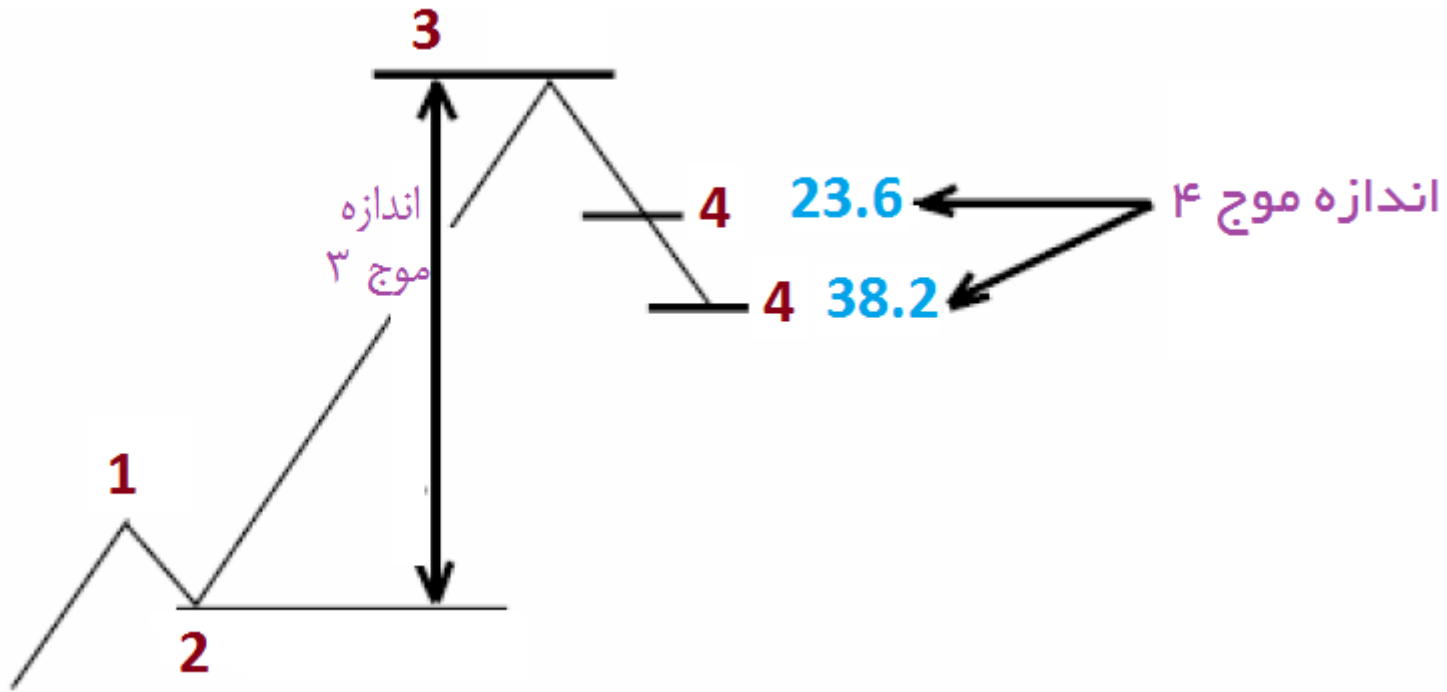
هدف موج ۳: موج ۳ با یکی از ضرایب زیر با موج ۱ متناسب است : ۱,۶۱۸ برابر ، ۲,۶۱۸ برابر یا ۴,۲۳۶ برابر اندازه موج ۱.
ضرایب متداول ۱,۶۱۸ و ۲,۶۱۸ می‌باشند. به هر حال اگر موج سوم موج گسترش یافته باشد در این زمان ضرایب ۲,۶۱۸ و ۴,۲۳۶ مورد استفاده قرار می‌گیرد.



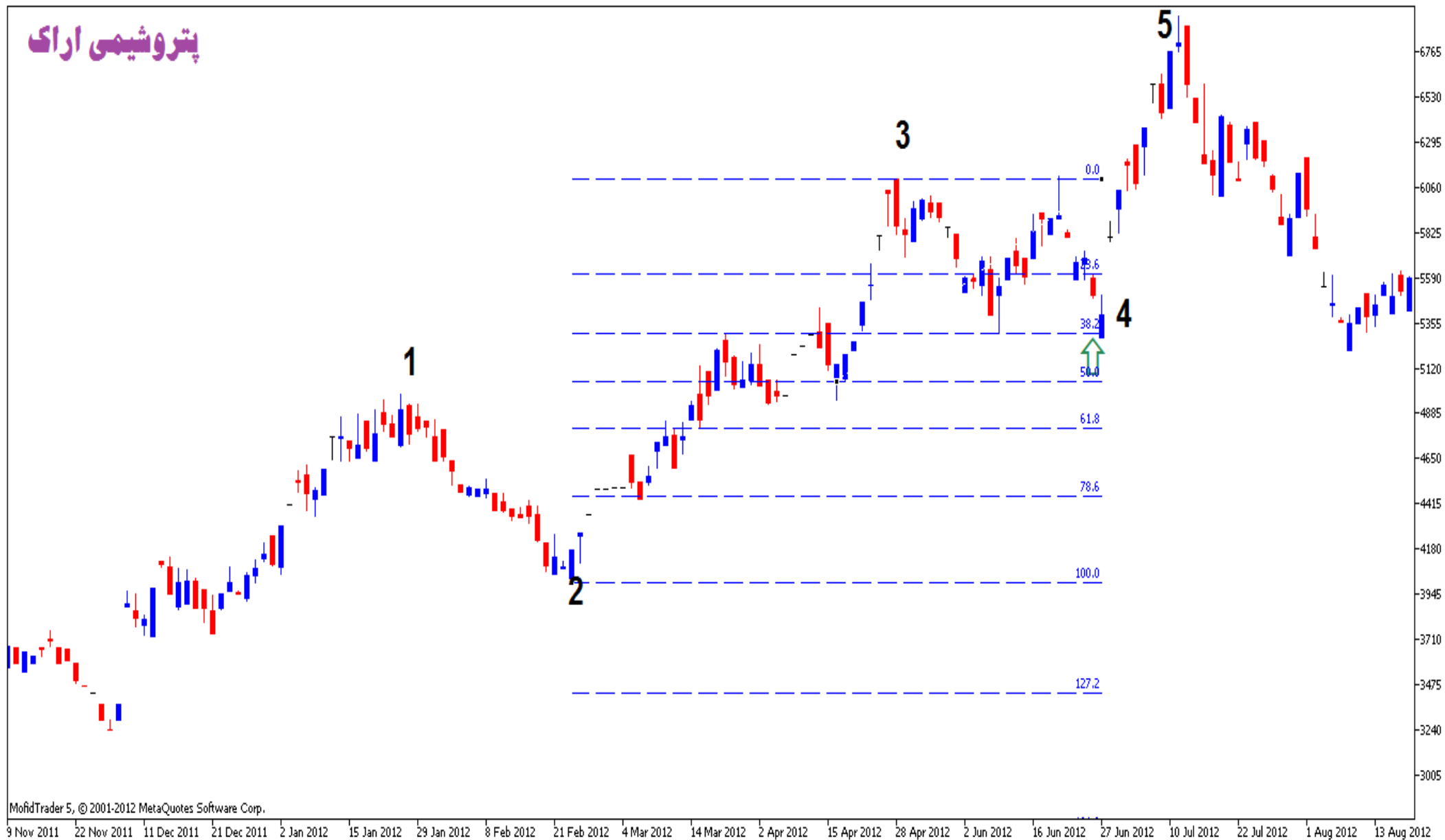
تحليل تکنیکال – Technical Analysis



هدف موج ۴: موج ۴ حداقل ۲۳,۶٪ موج ۳ بازگشت دارد، اما اغلب به بازگشت ۳۸,۲٪ و ۵۰٪ نیز می‌رسد. در بازارهایی بسیار قوی، موج ۴ فقط باید ۱۴٪ موج ۳ بازگشت داشته باشد.



پتروشیمی اراک



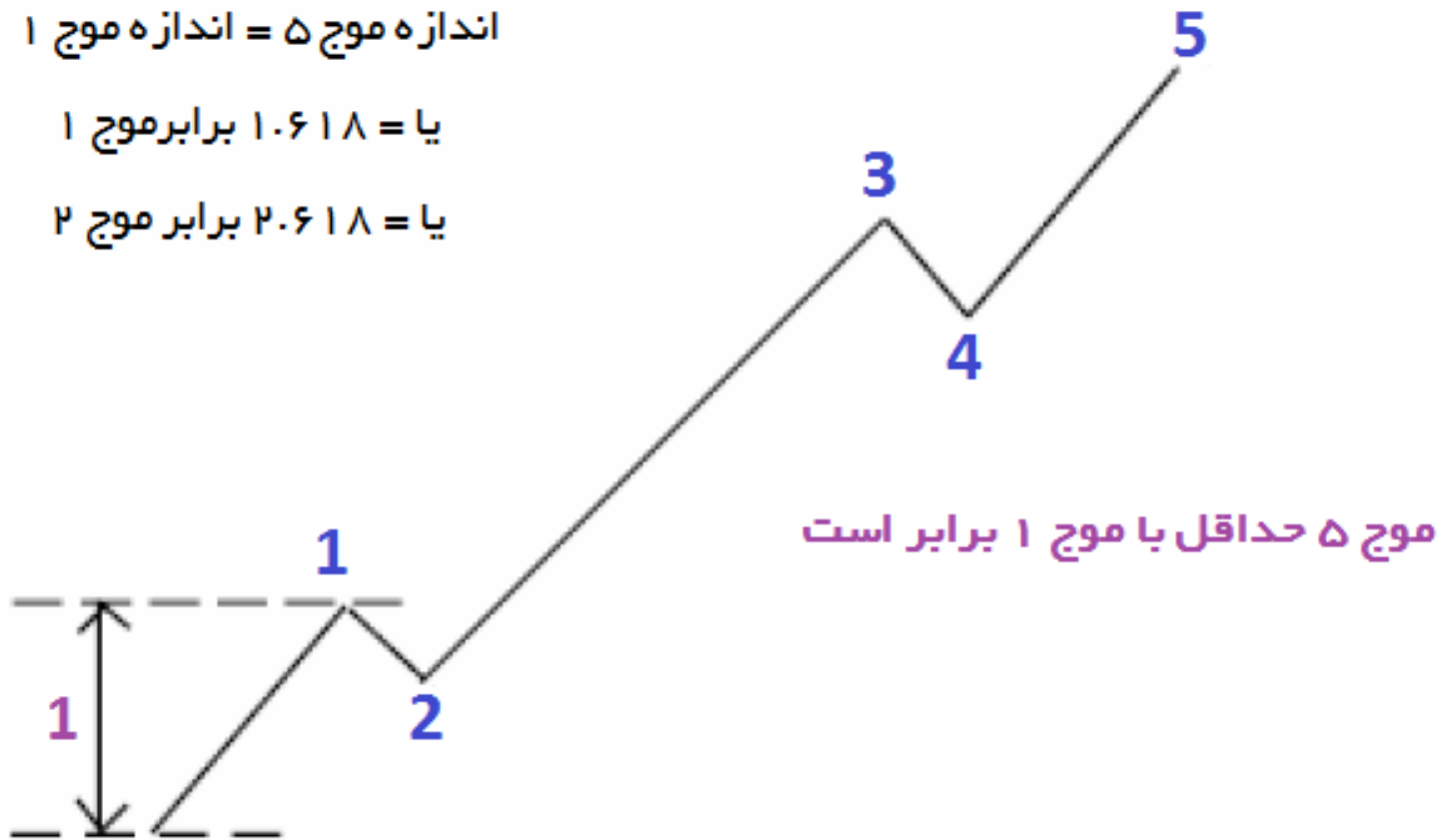
هدف موج ۵: موج پنجم دارای دو تفاوت عمده می‌باشد.

- ۱ - اگر موج سوم بیش از ۱,۶۱۸ بوده یا گسترش یافته باشد در این هنگام نسبت‌های موج ۵ بر این اساس است:

اندازه موج ۵ = اندازه موج ۱

یا ۱.۶۱۸ برابر موج ۱

یا ۲.۶۱۸ برابر موج ۲

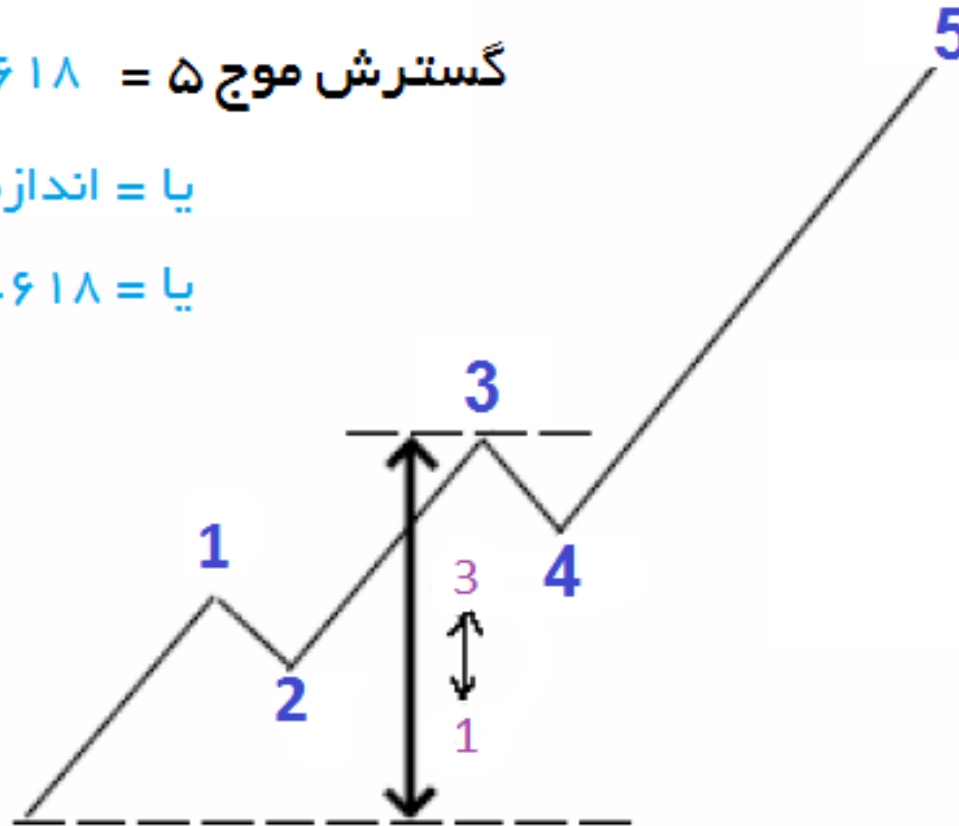


۲ - اگر موج سوم کمتر از ۱,۶۱۸ بود ، نسبت‌های موج پنجم براساس زیر است :
زمانی که موج سوم کمتر از ۱,۶۱۸ باشد موج پنجم گسترش بیشتری می‌یابد. در بررسی‌ها مشخص شده نسبت موج ۵ بر پایه طولی است که اندازه آن از شروع موج اول تا پایان موج سوم می‌باشد :

گسترش موج ۵ = $۰.۶۱۸ * \text{اندازه موج ۱ تا ۳}$

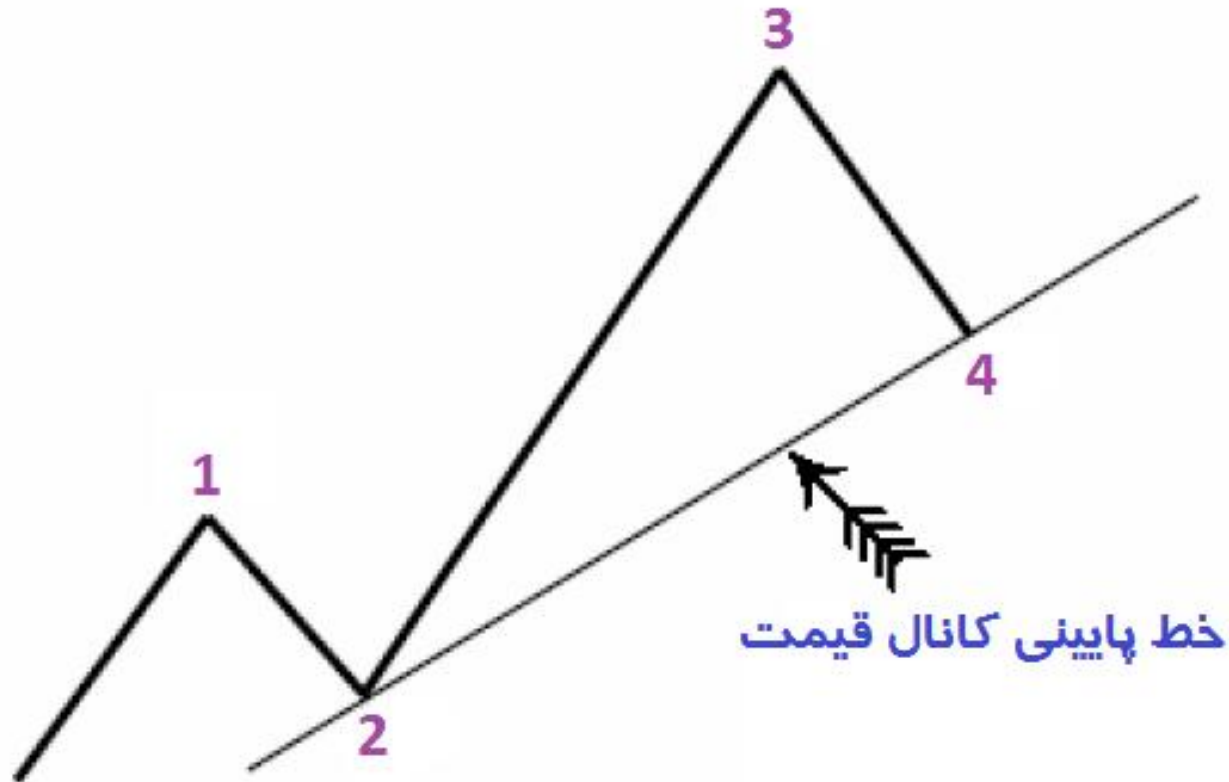
یا = اندازه موج ۱ تا ۳

یا = $۱.۶۱۸ * \text{اندازه موج ۱ تا ۳}$

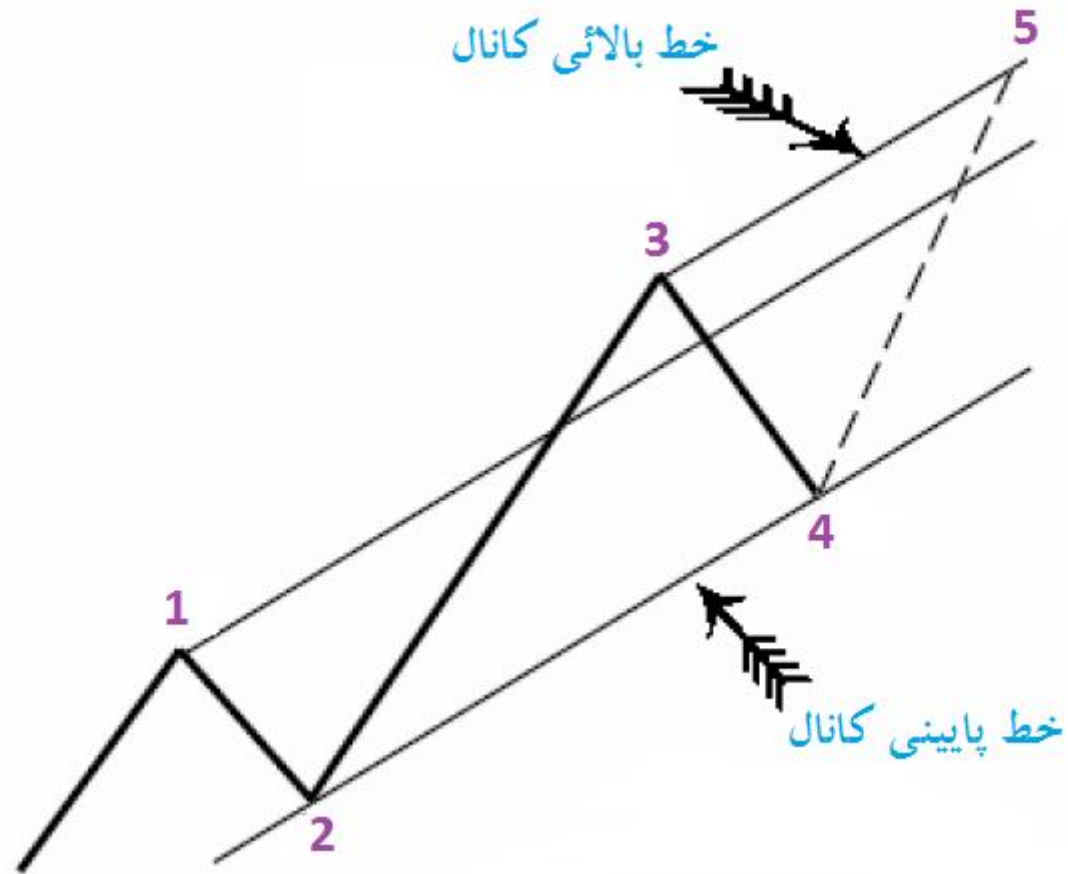


تحليل تکنیکال – Technical Analysis

کانال‌های الیوت برای شناسایی سقف موج ۵ زمانی که موج پنجم آغاز می‌شود تکنیک کانال موج الیوت می‌تواند انتهای موج پنجم را پیش‌بینی کند. وقتی که موج چهارم کامل شد خطی مستقیم بین موج ۲ و ۴ رسم می‌کنیم.



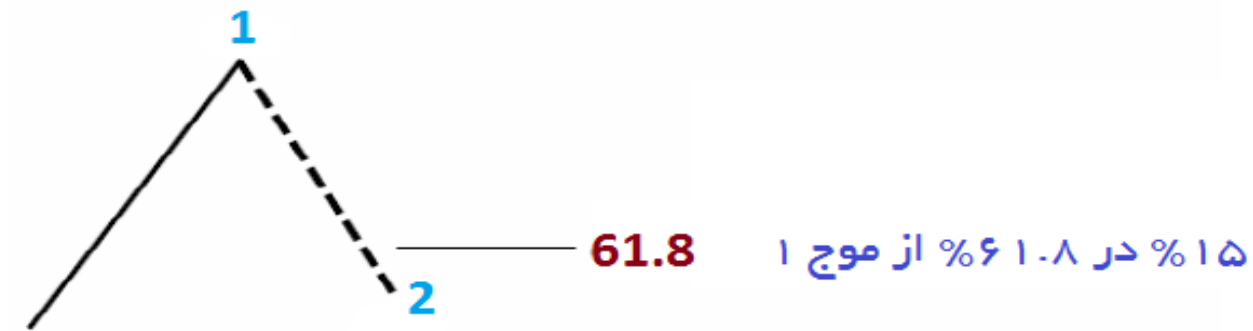
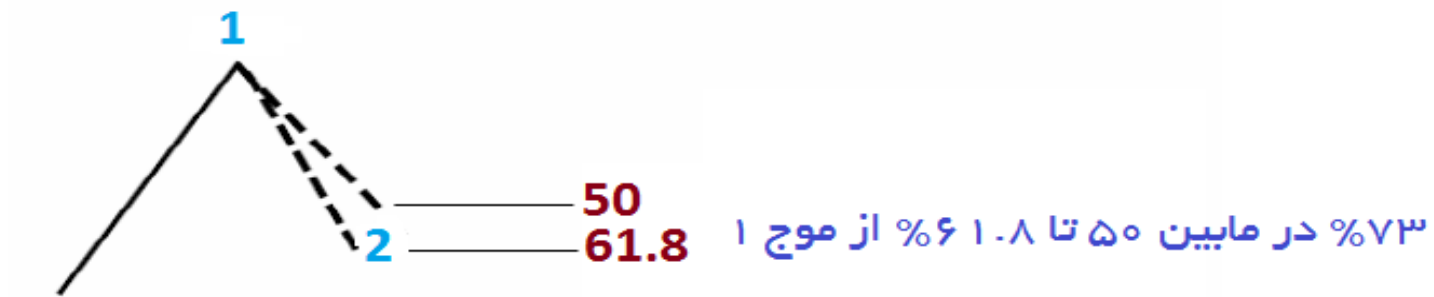
حالا دو خط موازی از نقاط سقف موج‌های ۳ و ۱ رسم می‌کنیم.



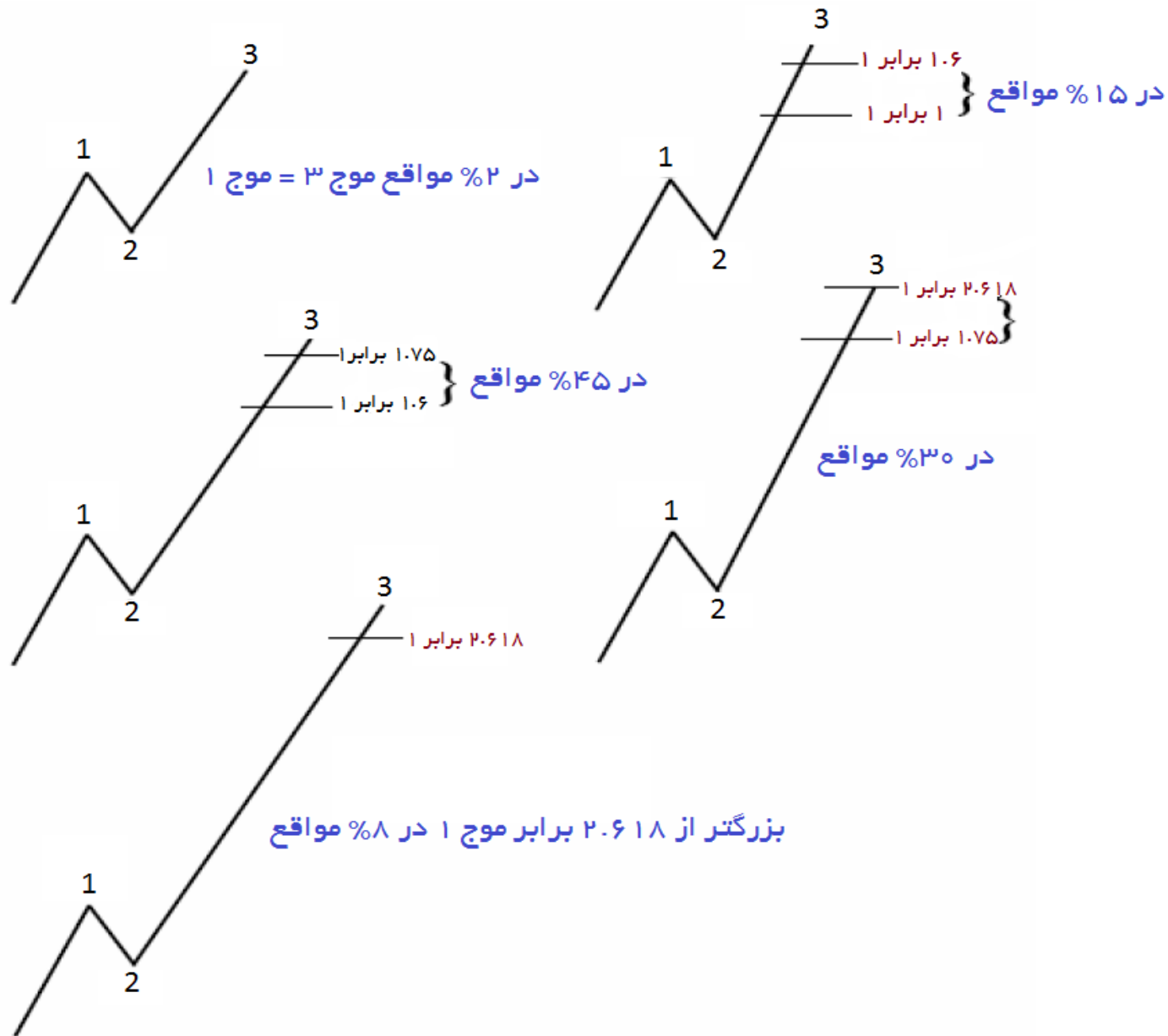
انتظار داریم موج ۵ در دو کانال بالائی به اتمام برسد. معمولاً اگر موج سوم یک موج معمولی باشد، موج ۵ تمایل دارد که تا کانالی که از سقف موج ۳ رسم شده ادامه یابد. اگر موج سوم گسترش یافته باشد، موج ۵ تمایل دارد که تا کانالی که از سقف موج ۱ رسم شده ادامه یابد.

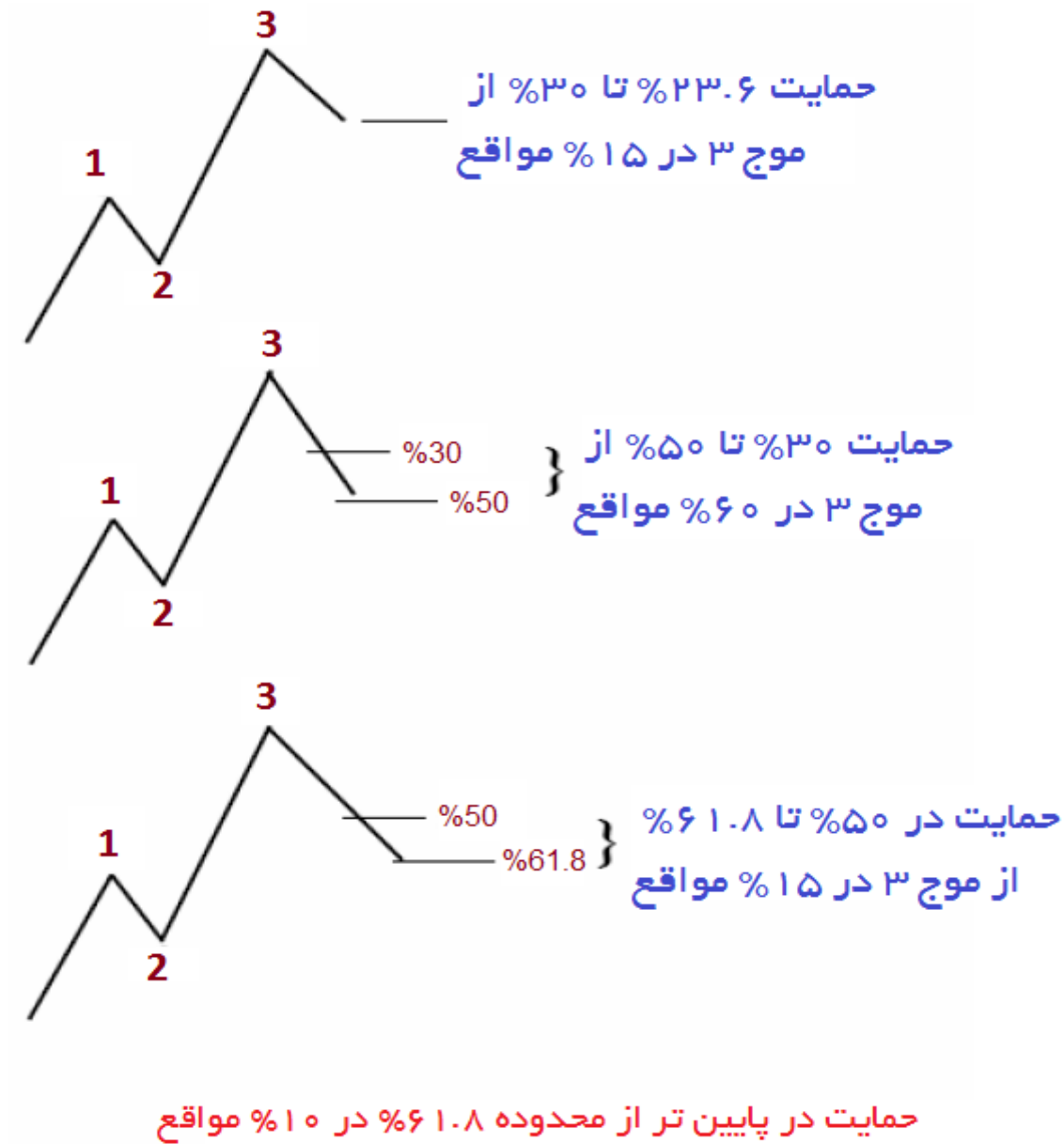
آنالیز آماری نسبت‌های امواج

نسبت‌های موج ۲

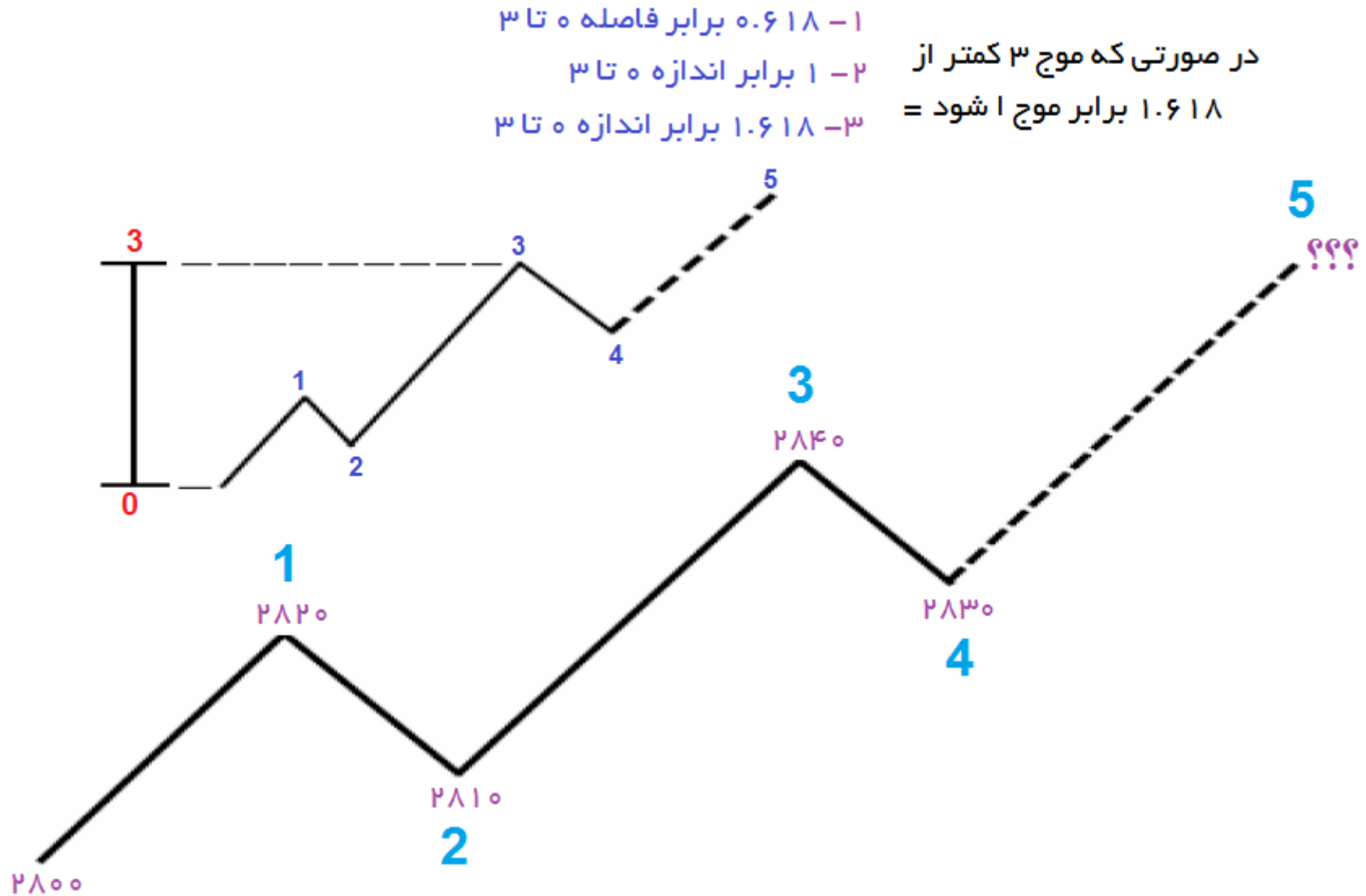


نسبت‌های موج ۳





تحلیل تکنیکال – Technical Analysis



معمولاً پایان موج ۵ در ۰.۶۱۸ برابر از طول ۰-۳ یا مساوی با طول آن می باشد.

هدف موج A : هنگامی که موج A بخشی از یک مثلث باشد، اغلب ۳۸.۲٪ موج ۵ قبلی بازگشت دارد. در یک زیگزاگ اغلب به اندازه ۶۱.۸٪ موج پنجم بازگشت دارد.

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

هدف موج B : در یک زیگزاگ، موج B اغلب ۳۸,۲٪ یا ۶۱,۸٪ از موج A را بازمی‌گردد. در یک ساختار مسطح، تقریباً با موج A مساوی است.

هدف موج C : موج C حداقل ۶۱,۸٪ موج A طول دارد. می‌تواند طول کمتری داشته باشد که در این صورت معمولاً یک شکست است که از یک شتاب درجهت مخالف خبر می‌دهد. در یک ساختار مثلث، موج C اغلب ۸,۱۶٪ موج A است.

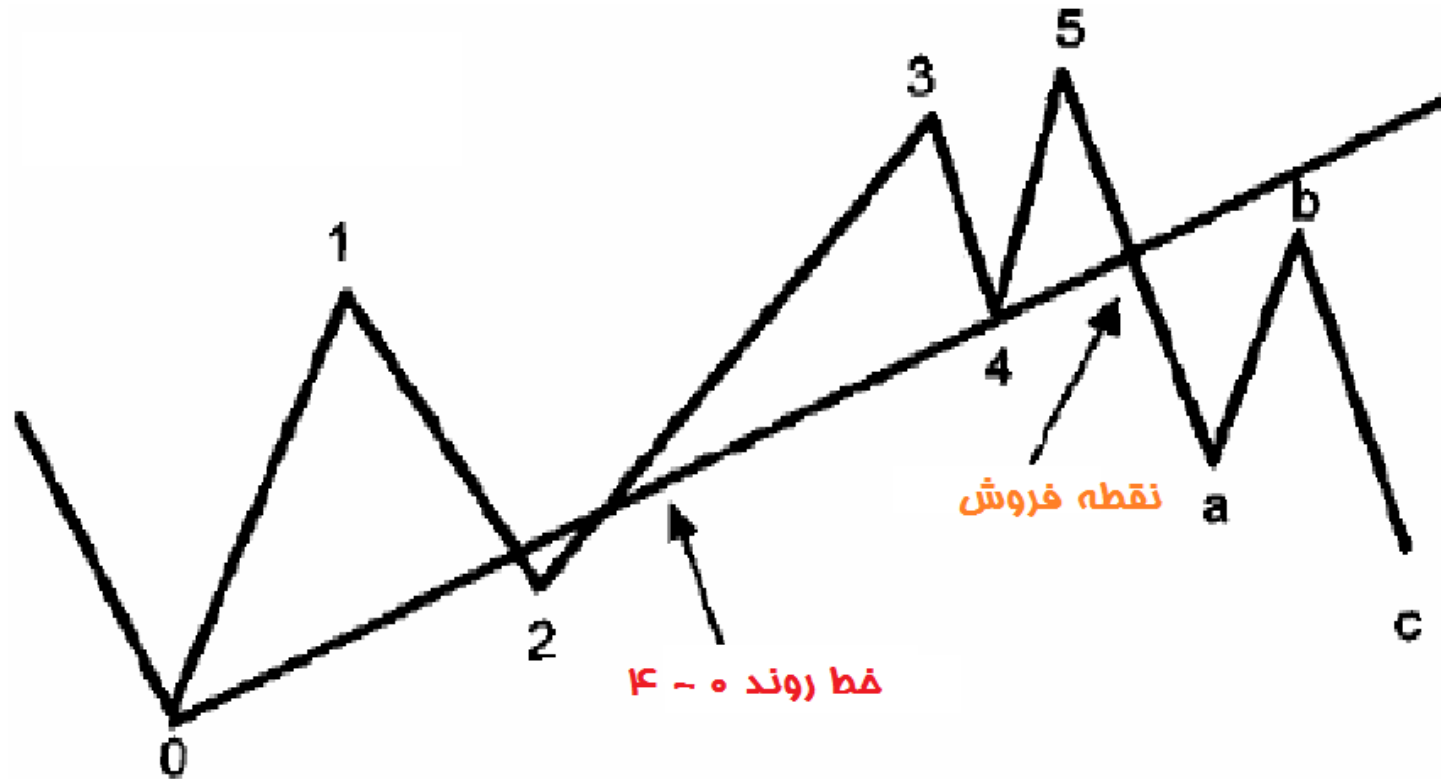
هدف موج D : در یک مثلث موج D اغلب ۸,۱۶٪ موج B را طی می‌کند.

هدف موج E : در یک مثلث موج E اغلب ۸,۱۶٪ موج C را طی می‌کند و نمی‌تواند از موج C بلندتر است.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

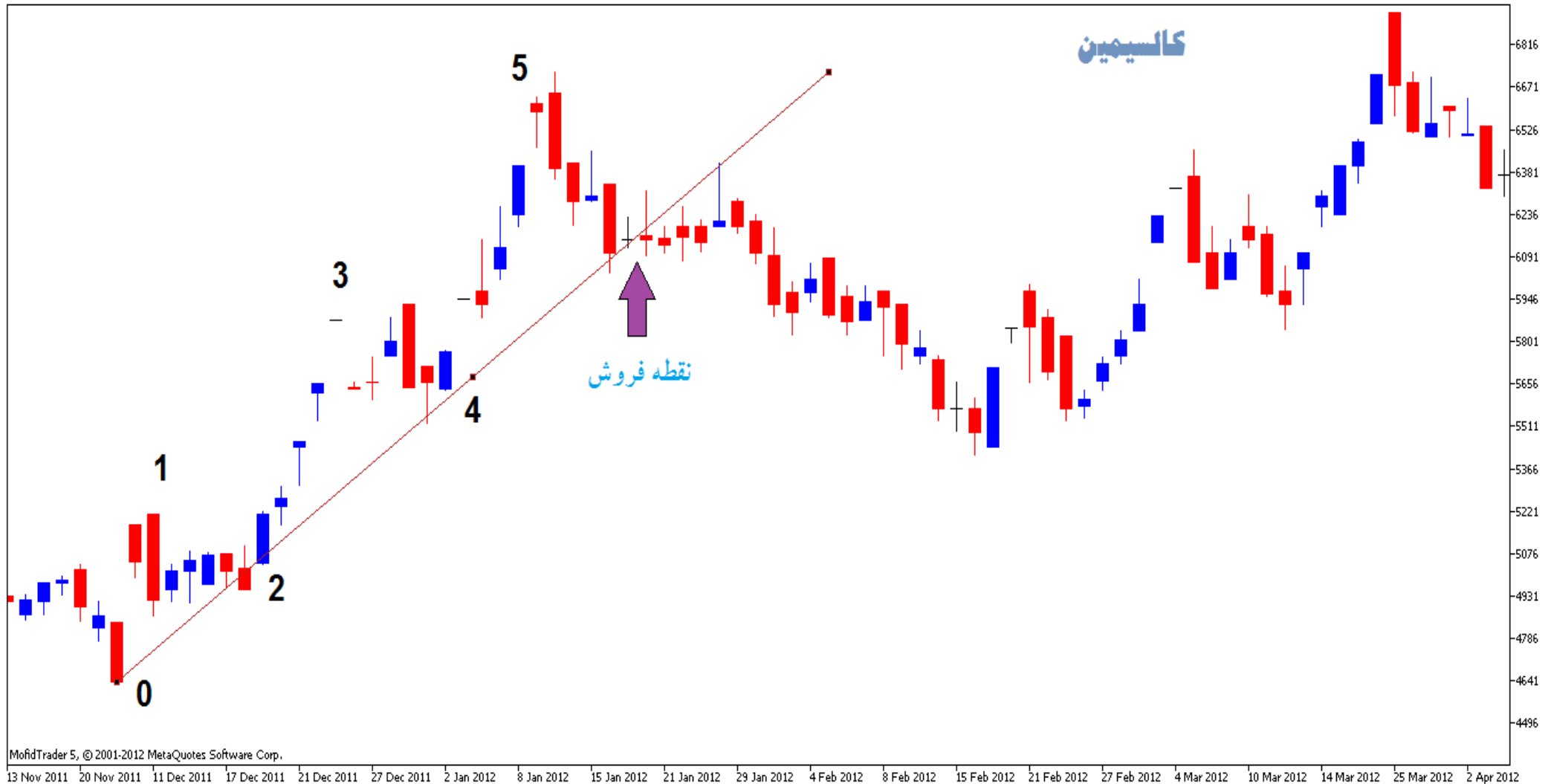
استفاده از امواج الیوت در دوره آندروز متداول و او از این تئوری مطلع بود. آندروز از خطوط روند برای استفاده از مزایای پیش بینی نقاط محوری الیوت استفاده می کرد. این تئوری بیان می دارد که روندهای بازار در پنج موج متبلور می شوند. نوسانات قیمت یک الگوی پنج موجی الیوت را تشکیل می دهد که از ۱ تا پنج شماره گذاری می شود. سپس تئوری الیوت بیان می دارد که امواج اصلاحی طی سه موج در جهت مخالف شکل می گیرند. در نمودار زیر امواج معکوس در سه موج a, b, c دیده می شوند. در روند نزولی هم به همین ترتیب پنج موج اصلی نزولی و سه موج معکوس صعودی وجود دارد.

آندروز معتقد بود که این الگو در همه روندها شکل نمی گیرد ولی آنقدر دیده می شود که لازم باشد یک معامله گر در مورد آن آگاه باشد. استراتژی آندروز برای معامله بر اساس این الگو شامل یک خط روند است که نقاط محوری شماره ۰ و ۴ را به هم متصل می نماید. در یک روند صعودی ضروری است که قیمت خط روند ۰-۴ را پس از موج پنجم بشکند تا بتوان در نقطه شکست اقدام به فروش نمود.



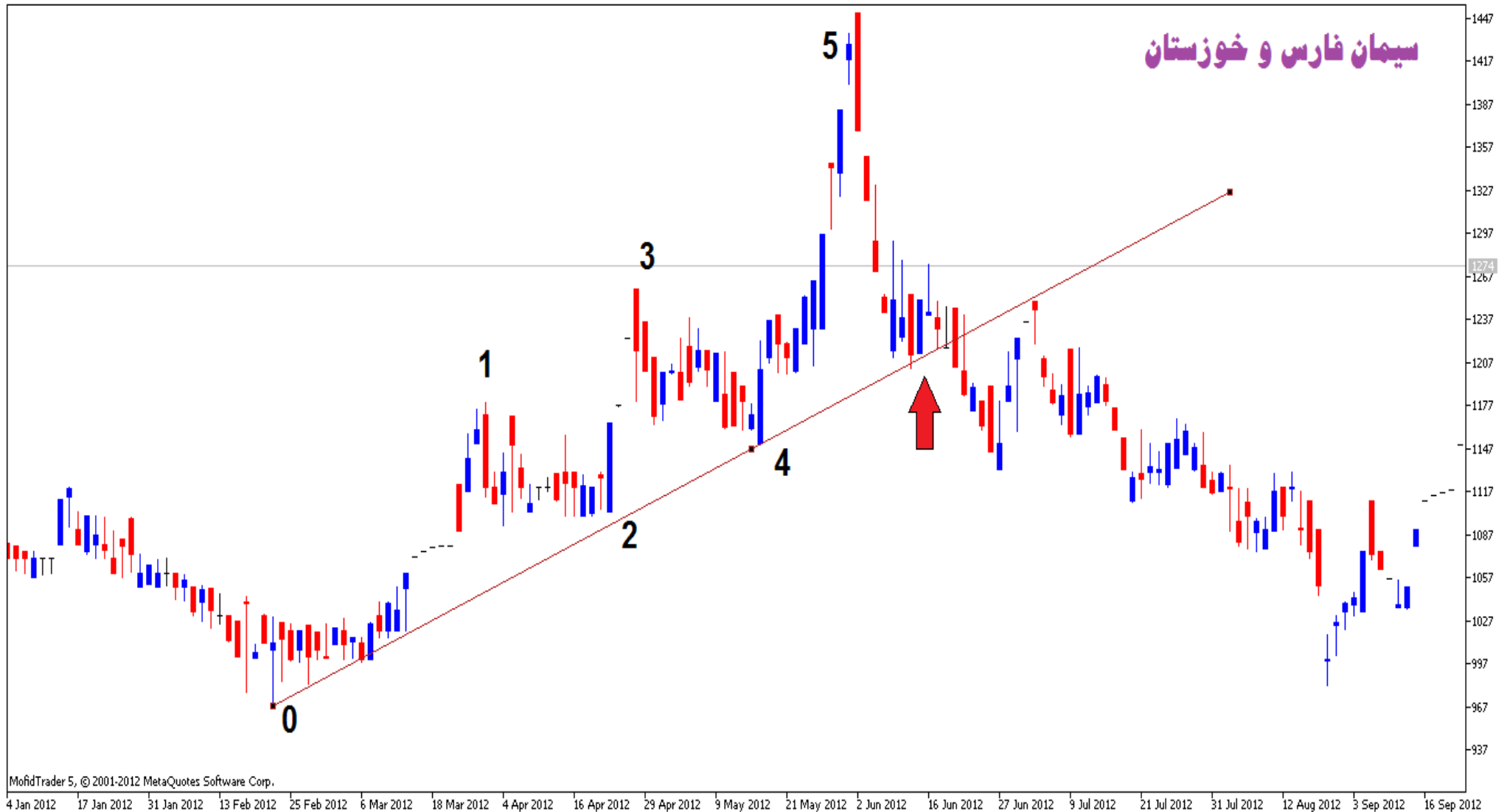
تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

به همین ترتیب در یک روند نزولی پس از شکست خط روند ۴-۰ به سمت بالا می‌توان اقدام به خرید نمود. در شکل زیر نمودار شرکت کالسیمین با نماد "فاسمین" از صنعت فلزات اساسی نمایش داده شده است. قیمت یک الگوی ایوت پنج موجی را تشکیل داده که در شکل با شماره‌های ۰ تا ۵ نمایش داده شده‌اند. یک خط روند بین نقاط ۰ و ۴ رسم شده و با شکست این خط روند یک سیگنال فروش صادر شده است.

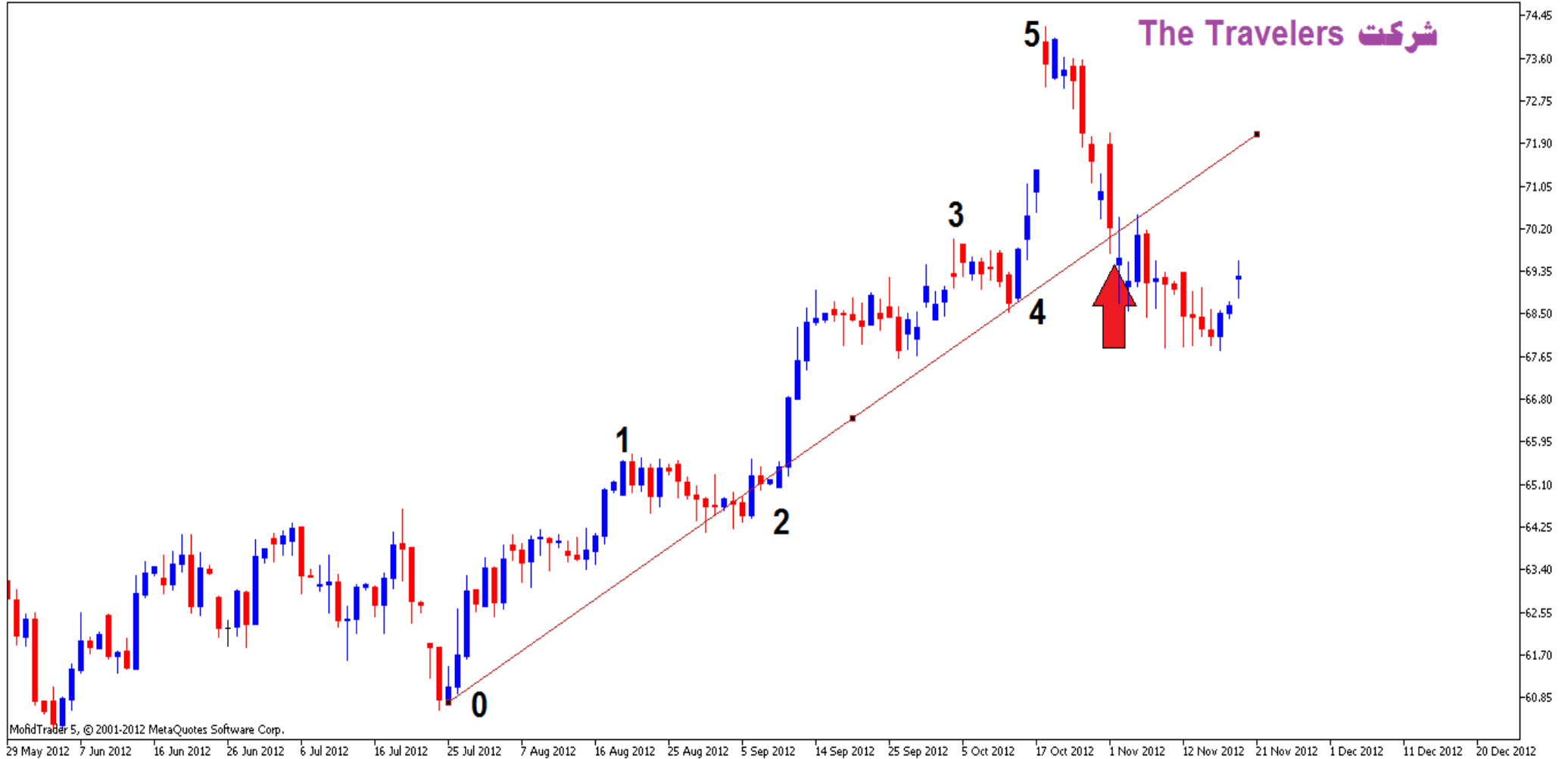


تحليل تکنیکال – Technical Analysis

در شکل زیر نمودار شرکت سیمان فارس و خوزستان (هلدینگ) با نماد "سفارس" را مشاهده می‌کنید. این سهم یک الگوی صعودی موج الیوت را تشکیل داده که با شماره‌های ۰ تا ۵ در شکل نمایش داده شده‌اند. با نزول قیمت و شکست خط روند رسم شده ۴-۰ سیگنال فروش صادر شده است.

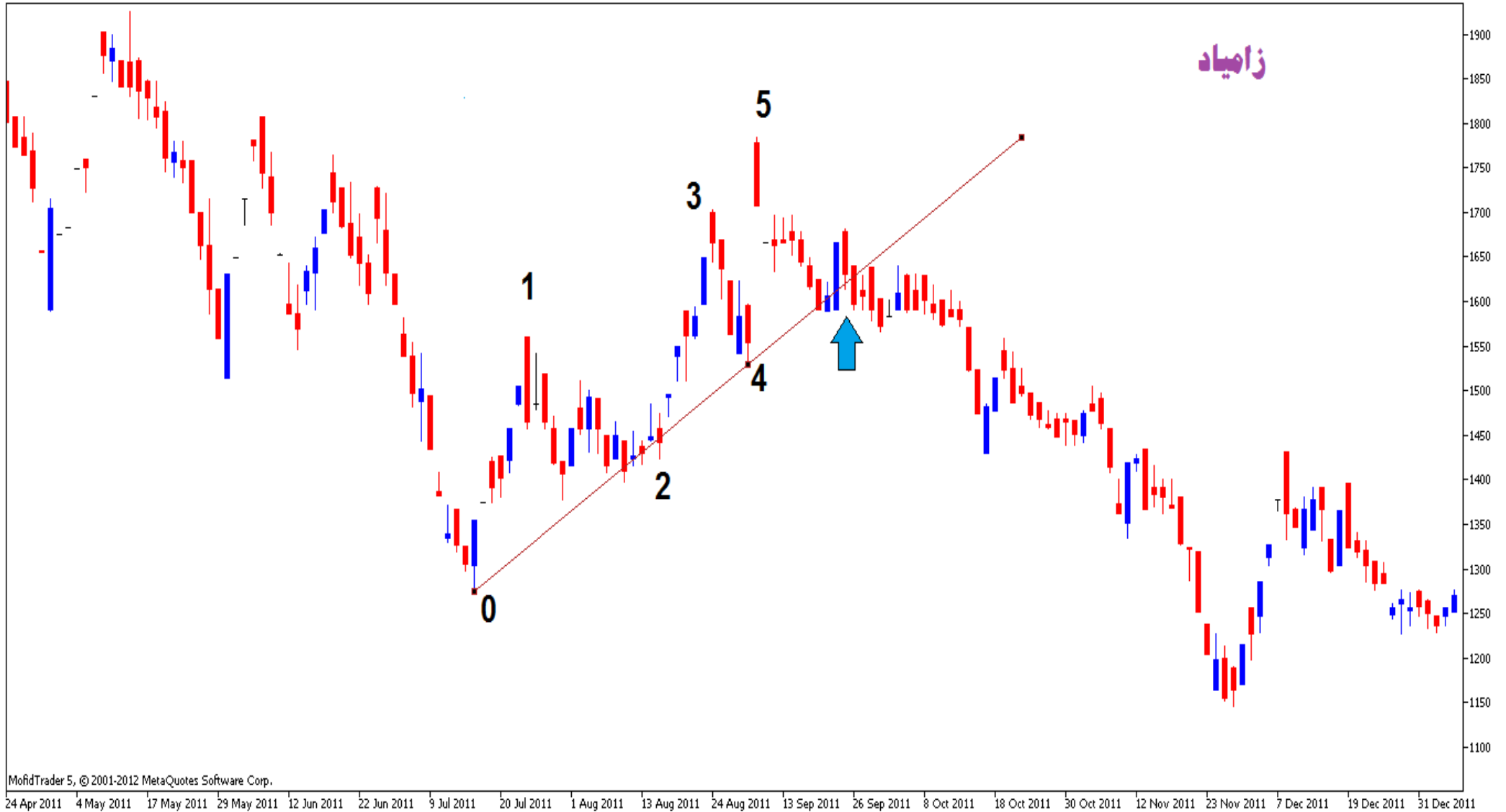


- نمودار بعدی قیمت سهام شرکت The Travelers Companies را نشان می‌دهد. قیمت یک الگوی پنج موجی صعودی را تشکیل داده که در شکل با شماره‌های ۰ تا ۵ نمایش داده شده است. همچنین مشاهده می‌کنید که بین نقاط ۰ و ۴ یک خط روند شکست و نزول قیمت و شکست خط روند آغاز امواج اصلاحی یک سیگنال فروش صادر می‌شود.



تحليل تکنیکال – Technical Analysis

نمودار بعدی قیمت سهام شرکت زامیاد با نماد "خزامیا" را نشان می‌دهد. قیمت این سهم یک الگوی پنج موجی صعودی را شکل داده که با اعداد ۰ تا ۵ نشان داده شده و یک خط روند بین نقاط ۰ و ۴ رسم شده است. شروع روند معکوس با شکست این خط روند یک سیگنال فروش را صادر کرده است.



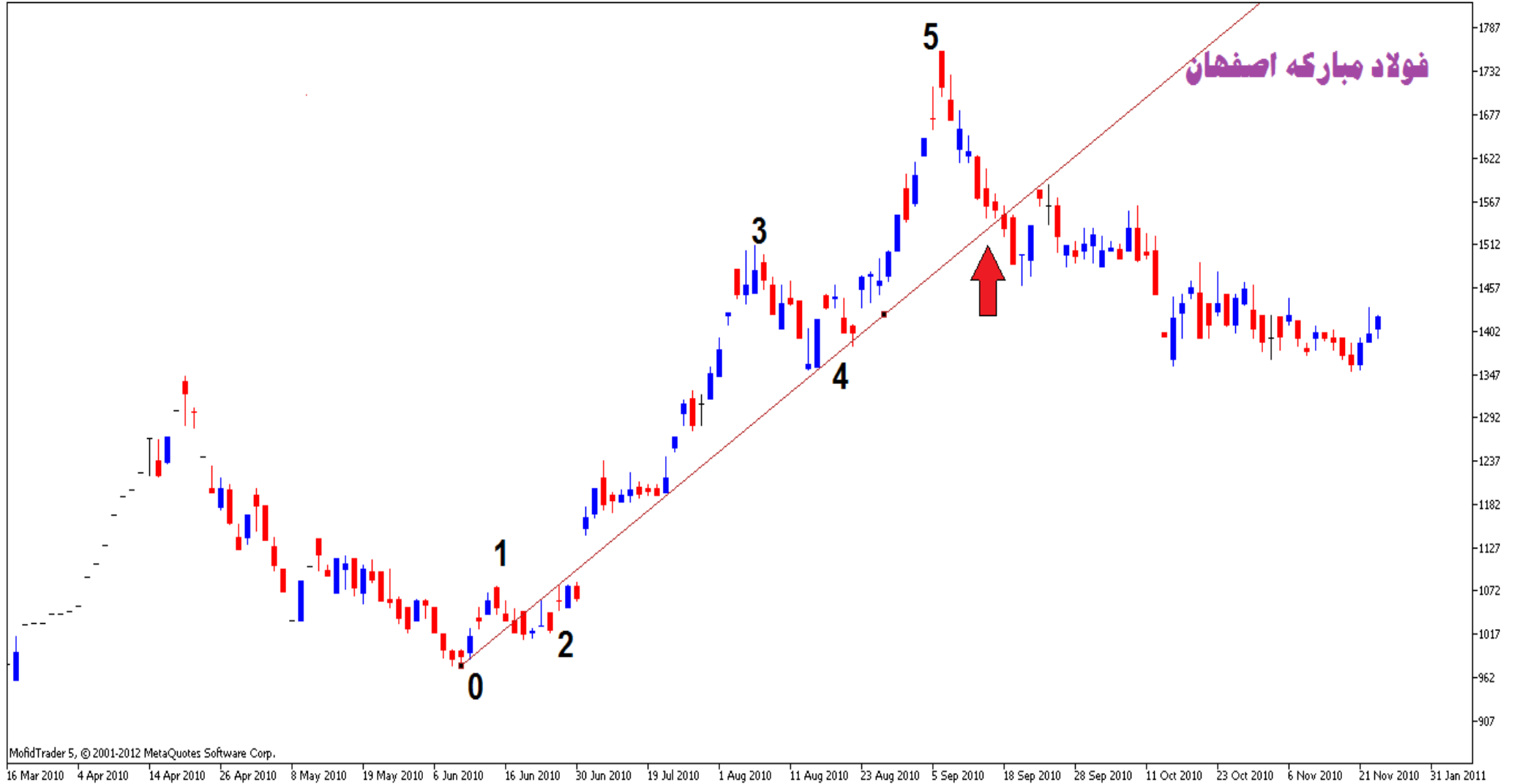
تحليل تکنیکال – Technical Analysis

نمودار بعدی قیمت سهام اپل با نماد APPLE را نشان می‌دهد. قیمت این سهم یک الگوی پنج موجی صعودی الیوت را تشکیل داده که با اعداد ۰ تا ۵ نمایش داده شده‌اند. یک خط روند با استفاده از نقاط محوری ۰ و ۴ رسم شده است. قواعد آندروز بیان می‌کنند که با شکست این خط روند یک حرکت معکوس نزولی آغاز شده و موقع فروش است.

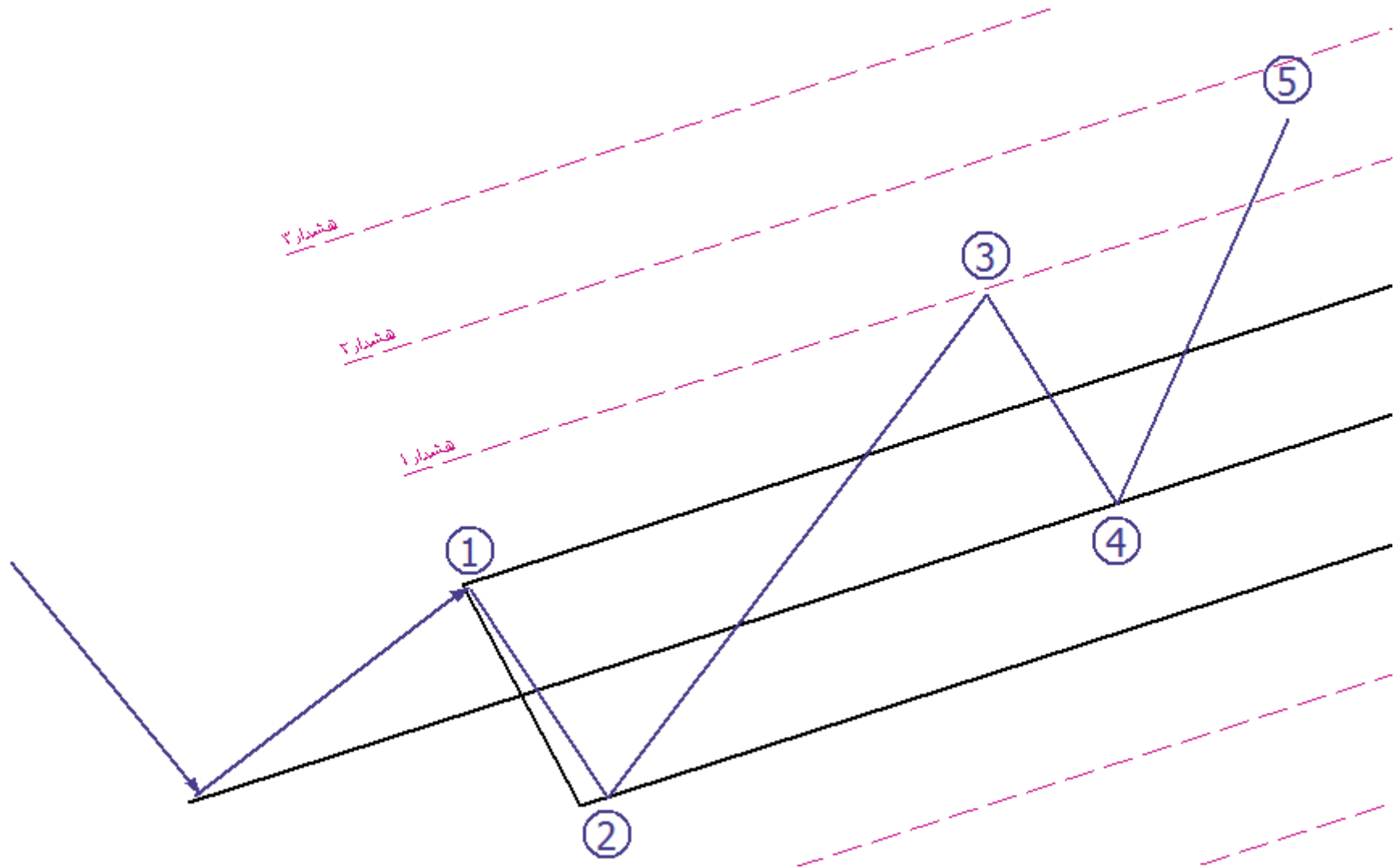


تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

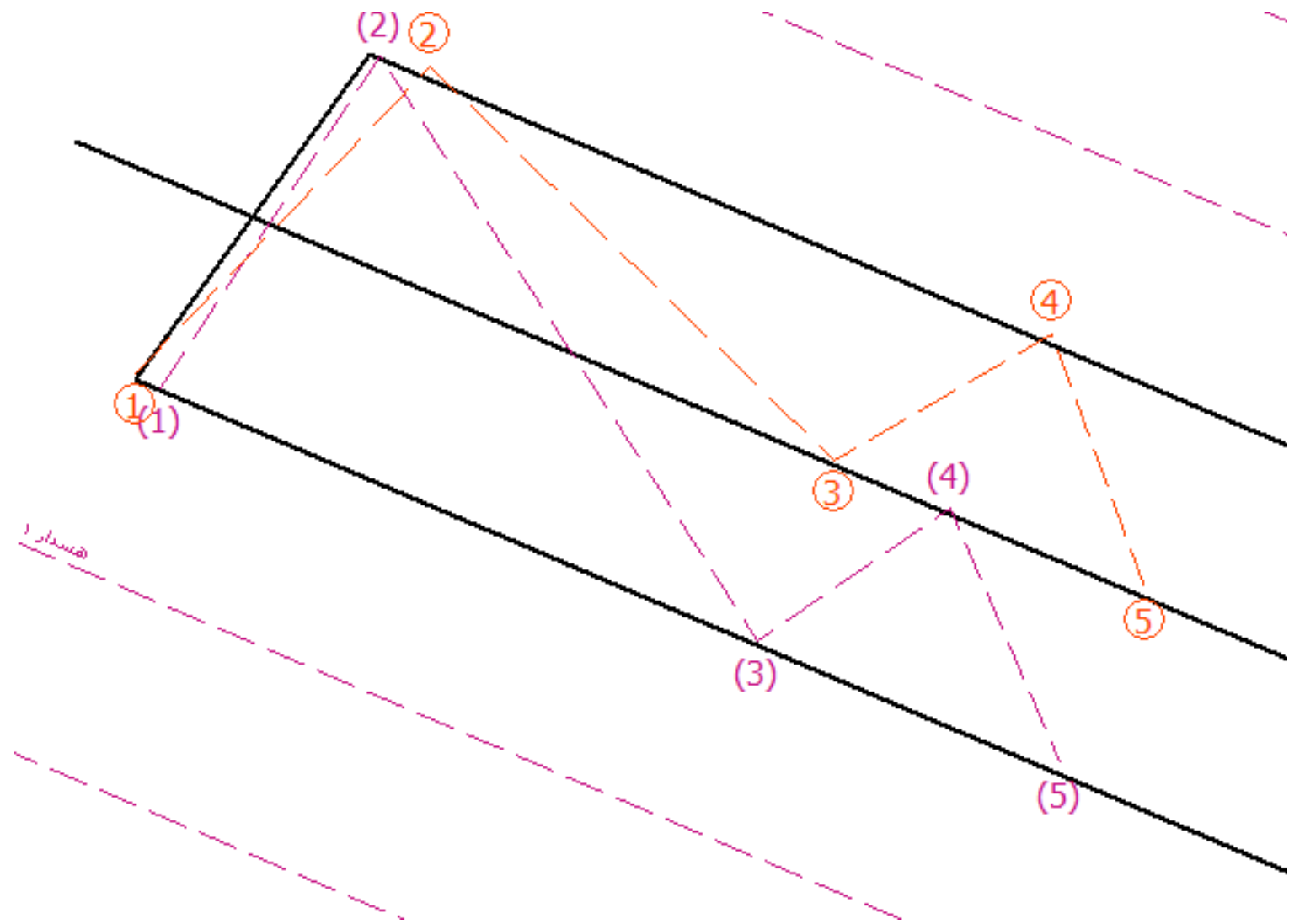
در نمودار بعدی قیمت سهام فولاد مبارکه اصفهان با نماد "فولاد" را نشان داده شده است. این سهم یک الگوی پنج موجی صعودی را تشکیل داده که با ۰ تا ۵ در شکل علامت گذاری شده‌اند. یک خط روند نیز با استفاده از دو نقطه محوری ۰ و ۴ ترسیم شده است و با شکست این خط روند، معامله گر می‌تواند با توجه به آغاز حرکت معکوس نزولی، اقدام به فروش نماید.



خطوط میانه اندروز

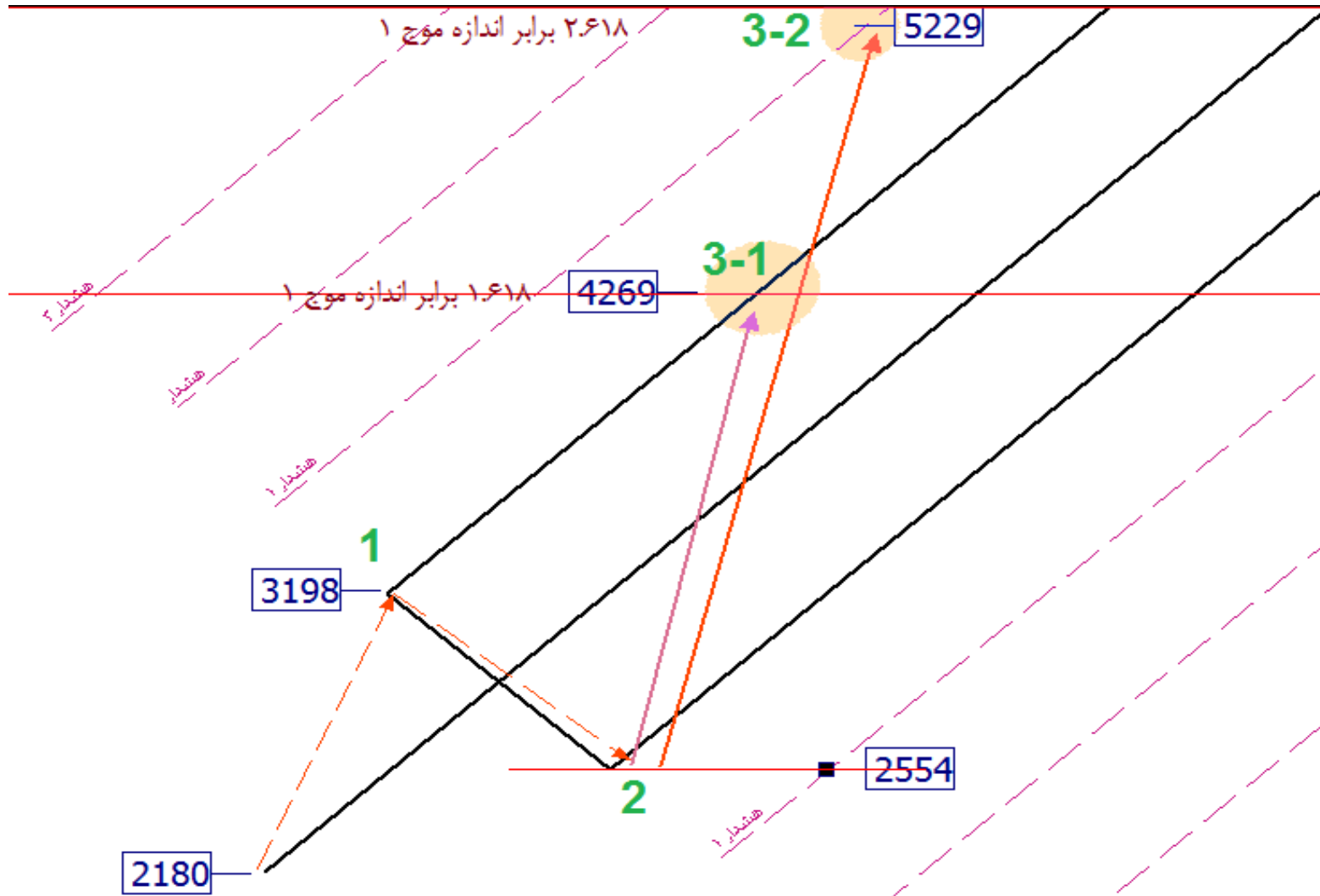


زمانی که خط میانه بر روی موج ۱ - ۲ رسم شود شما می‌توانید تکنیک چنگال اندروز را برای یافتن اوج موج ۳ استفاده نمائید. معمولاً موج ۳ در بال بالائی چنگال یا خطوط هشدار پایان می‌یابد.



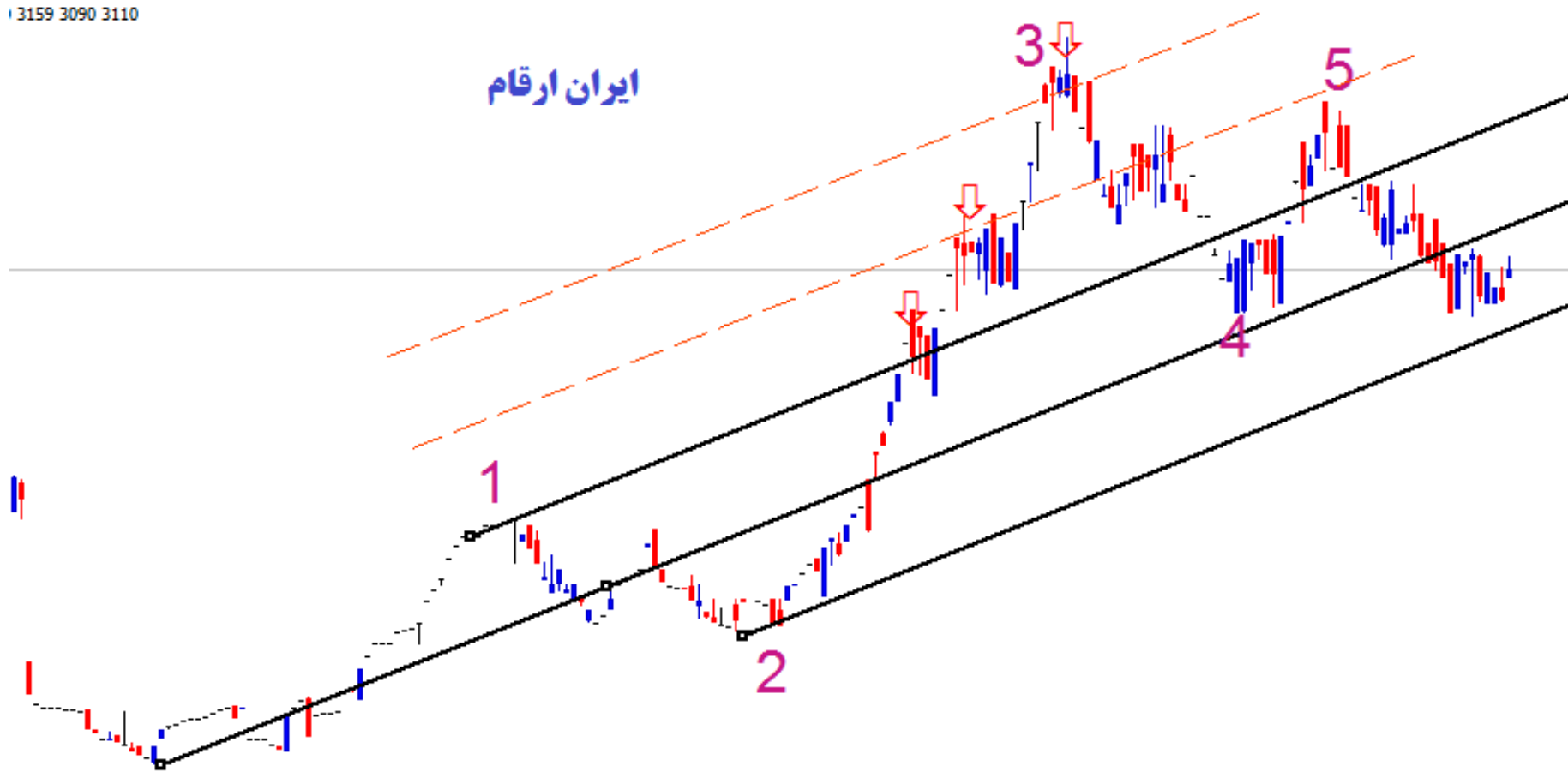
تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

موج ۳ ارتباط فیبوناچی با موج ۱ دارد. روش خط میانه تمایل دارد که اوج موج سوم را بیابد. با ترکیب این دو تکنیک این امر امکان پذیر است که دوره‌های زمانی که موج ۳ پایان می‌یابد را پیش بینی کرد. زمانی که موج ۱ و ۲ پایان یافت، یک خط میانه از پایه موج ۱ به میانه موج ۲ رسم می‌کنیم سپس خطوط هشدار را نیز بدان می‌افزاییم. حالا پیش بینی‌های فیبوناچی را رسم می‌کنیم. این خطوط فیبوناچی خطوط میانه را قطع می‌کند. هر یک از این تقاطع‌ها نقطه بالقوه‌ای برای پایان موج ۳ است.

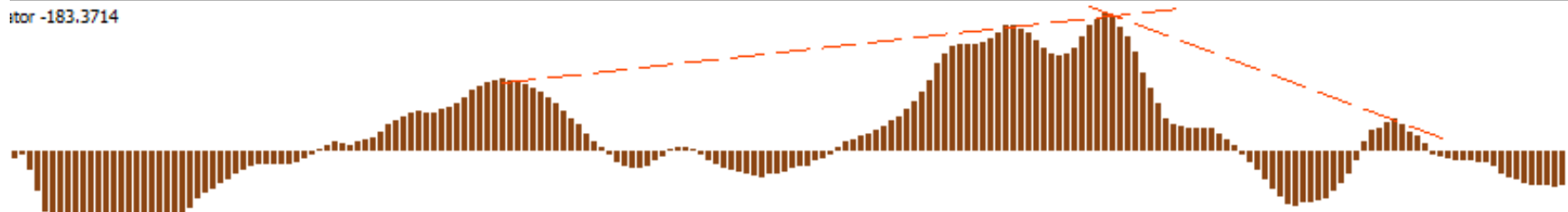


3159 3090 3110

ایران ارقام



itor -183.3714



فصل ششم : شاخص‌ها و نوسانگرها

اندیکاتورهای تکنیکال، شاخص‌های آماری هستند که با استفاده از داده‌های تغییرات قیمت و حجم، عددی را محاسبه می‌کند و فاکتورهایی مانند گردش پولی، روندها، میزان بی ثباتی و مقدار نیروی حرکتی را اندازه‌گیری می‌کنند. اندیکاتورها برای **پیش بینی روند تغییرات قیمت** سودمند است. معامله‌گر می‌تواند با استفاده از سیگنال‌های اندیکاتورها در مورد زمان و چگونگی باز و بسته کردن یک موقعیت تصمیم بگیرد.

یک اندیکاتور تکنیکی یک سری داده‌هایی است که از کاربرد یک فرمول در داده‌های قیمت اوراق بهادار ناشی می‌شود. داده‌های قیمت شامل هر ترکیبی از قیمت‌های باز بالا، پائین و یا بسته در یک دوره زمانی است. بعضی اندیکاتورها ممکن است تنها برای قیمت‌های بسته (CLOSE) استفاده شوند درحالی‌که دیگر اندیکاتورها حجم و نرخ قیمت آزاد را در فرمول‌هایشان با هم ترکیب می‌کنند.



یک اندیکاتور تکنیکی جنبه‌های مختلفی را **برای تحلیل عملکرد قیمت** نشان می‌دهد. درک بعضی از آنها مثل میانگین متحرک که از فرمول‌های ساده و مکانیک مشتق می‌شوند نسبتاً آسان است. بعضی دیگر، مثل استوکاستیک، فرمول‌های پیچیده‌ای دارند که نیازمند مطالعات بیشتر برای فهم کامل آن است. بدون در نظر گرفتن پیچیدگی فرمول، اندیکاتورهای تکنیکی **نمای منحصر به فردی از قدرت و جهت عملکرد قیمت‌های مورد نظر** را فراهم می‌آورند. بعضی از سرمایه‌گذاران و معامله‌گران از اندیکاتورها برای حدس و پیش‌بینی قیمت‌های آتی استفاده می‌کنند. اندیکاتورها به دو روش اصلی به کار می‌روند: **برای اثبات و تأیید تغییر قیمت و کیفیت الگوی نموداری و برای تشکیل دادن سیگنال‌های خرید و فروش.**

انواع اندیکاتورها

بر اساس عملکرد آنها، سه نوع اندیکاتور وجود دارد :

۱- اندیکاتورهایی که بر اساس تاریخچه نوسانات گذشته عمل می‌کنند (اندیکاتورهای روندی trend indicators)

۲- اندیکاتورهایی که بر اساس روابط موجود بین تئوریهای مختلف و تخمین پگونگی ادامه یک روند عمل می‌کنند . این دسته از اندیکاتورها عمدتاً به صورت نوسانگری مول مموری مشخص (Oscillators نوسانگر نما) نمایش داده می‌شوند.

۳- اندیکاتورهایی که بر اساس اطلاعات مربوط به حجم معاملات انجام شده در مدت زمان مشخص عمل می‌کنند

اندیکاتورهای روندی، به تشخیص روند حرکتی قیمت و پیش بینی بازگشت قیمت به طور همزمان یا با تأخیر می‌پردازند در حالی که نوسانگر نماها به یافتن تمایل بازگشتهای قیمتی در آینده می‌پردازند.

اندیکاتورهای روندی (Trend Indicators)

- Adaptive Moving Average
- Average Directional Movement Index
- Average Directional Movement Index Wilder
- Bollinger Bands
- Double Exponential Moving Average
- Envelopes
- Fractal Adaptive Moving Average
- Ichimoku Kinko Hyo
- Moving Average

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

- Parabolic SAR ➤
- Standard Deviation ➤
- Triple Exponential Moving Average ➤
- Variable Index Dynamic Average ➤

نوسانگرها (Oscillators)

- Average true range ➤
- Bears power ➤
- Bulls power ➤
- Chaikin Oscillator ➤
- Commodity channel index ➤
- DeMarker ➤
- Force index ➤
- Moving Average Convergence ➤
- Momentum ➤
- Moving Average of oscillator ➤
- Relative Strength Index ➤
- Relative vigor Index ➤
- Stochastic Oscillator ➤
- Triple exponential average ➤
- Williams percent rage ➤

اندیکاتورهای حجمی (Volume Indicators)

- Accumulation/Distribution ➤

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

- Money Flow Index
- On Balance Volume
- Volumes

اندیکاتورهای بیل ویلیامز (Bill Williams' Indicators)

- Accelerator Oscillator
- Alligator
- Awesome Oscillator
- Fractals
- Gator Oscillator
- Market Facilitation Index

اندیکاتورهای روندی (Trend Indicators) ابزارهایی برای شناسایی روند هستند.

نوسانگرها (Oscillators) ابزارهایی برای تشخیص روند جاری و محدوده بیش خرید و بیش فروش هستند. اسیلاتور در حقیقت نوع خاصی از اندیکاتورها هستند که همواره بین دو سطح ثابت نوسان می‌کنند و نام آنها هم به خاطر همین ماهیت نوسانی به صورت نوسان نما انتخاب شده است. اسیلاتورها خود به دو دسته Banded و Centered تقسیم بندی می‌شوند.

اندیکاتورهای حجمی (Volume Indicators) برای تشخیص حجم معاملات و استفاده از برآیند تعداد پوینت‌های نوسانات استفاده می‌شود.

اندیکاتورهای بیل ویلیامز [Bill Williams' Indicators] برای تشخیص جابجایی سطوح قیمتی روند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اندیکاتورها سه وظیفه مهم دارند :

هشدار دادن: اندیکاتورها در زمان‌های خاص بر اساس شرایط شکل گرفته روی آنها، قبل از تغییر روند یا همزمان با چرخش روند، در بازار علائم بازگشت روند را نشان می‌دهند. از این رو یکی از مهم‌ترین استفاده‌ها از اندیکاتورها برای تعیین هشدارهای مناسب تغییر روند و جهت حرکت قیمت است.

تأیید: از مهمترین استفاده‌هایی که از اندیکاتورها می‌شود برای تأیید گرفتن تشخیص درست روند یا جهت است. این روش استفاده از اندیکاتورها معمولاً زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که تحلیل گر بر اساس داده‌های تکنیکی یا بنیادی جهت و قیمت ورودی مناسب در بازار را پیش بینی کرده است و از اندیکاتور برای تأیید گرفتن استفاده می‌کند.

پیش بینی کردن: یکی از استفاده‌های اندیکاتورها برای پیش بینی قیمت ورودی مناسب است. معمولاً اندیکاتورهای کمی هستند که برای پیش بینی قیمت ورودی و در عین حال جهت درست، مناسب معامله گری باشند.

اندیکاتورهایی که در تحلیل تکنیکال مورد استفاده قرار می‌گیرند، منبعی از اطلاعات بیشتر و مهم را فراهم می‌کند. این اندیکاتورها به شناسایی **روندها، نیروی حرکتی، میزان بی ثباتی و دیگر جنبه‌های مختلف در یک سهام** کمک می‌کنند تا بهتر بتوان روندها را تحلیل نمود. این نکته قابل ذکر است که در حالیکه برخی از معامله گران از یک شاخص منحصر بفرید برای سیگنالهای خرید و فروش استفاده می‌کنند، **بهترین استفاده از اندیکاتورها زمانی خواهد بود که به همراه روند قیمت، الگوهای نموداری و دیگر اندیکاتورها، مورد استفاده قرار گیرد.**

دو روش عمده برای استفاده از اندیکاتورها در تحلیل تکنیکال برای تشکیل سیگنالهای خرید و فروش، از طریق **تقاطع‌ها و واگرایی** می‌باشند. تقاطع‌ها رایجتر هستند و زمانی بازتاب می‌یابند که قیمت از میانگین متحرک عبور کند و یا دو میانگین متحرک همدیگر را قطع نمایند. روش دیگر استفاده از اندیکاتورها، استفاده از واگرایی است و زمانی اتفاق می‌افتد که جهت روند قیمت و جهت روند شاخص در خلاف همدیگر باشند. این حالت به کاربر اندیکاتورها نشان می‌دهد که جهت روند قیمت در حال تضعیف است.

اندیکاتورها علامت‌هایی را نشان می‌دهند، که ممکن است کاملاً واضح به نظر برسد. **اما گاهی اوقات معامله گران از عملکرد قیمت اوراق بهادار چشم پوشی کرده و تنها روی اندیکاتور متمرکز می‌شوند!!!!!!** اندیکاتورها عملکرد قیمت‌ها را از طریق فرمولها محاسبه می‌کنند. آن‌ها مشتقات هستند و بازتابی مستقیم از عملکرد قیمت نیستند. این امر باید در زمان تحلیل کردن مورد توجه قرار گیرد. هر تحلیلی از یک اندیکاتور باید با عملکرد قیمت در نظر گرفته شود.

با اینکه هنگامی که اندیکاتورهای سیگنال‌های خرید و فروش را نشان دهند تحلیل گر می‌بایست بدنبال تأیید این سیگنال بوسیله سایر ابزارهای تحلیل تکنیکی باشد. ممکن است یک اندیکاتور سیگنال (نشانه) خرید را نشان دهد، اما اگر طرح نمودار یک مثلث نزولی را نشان دهد در این جا عدم همبستگی بین اندیکاتور و نمودار ممکن است یک سیگنال غلط باشد.

همیشه در تحلیل‌های تکنیکی طریقه خواندن اندیکاتور بیشتر یک هنر است تا دانش. **یک اندیکاتور مشابه ممکن است الگوهای رفتاری متفاوتی را برای سهام‌های مختلف نشان دهد.** اندیکاتوری که برای نمودار شاخص کل بورس بسیار خوب عمل می‌کند ممکن است برای شرکت‌های فعال در صنعت قند و شکر بهمان خوبی کار نکند. از طریق تحلیل و مطالعه دقیق، تجربه و تخصص در اندیکاتورهای مختلف با گذشت زمان می‌توان به هنر مطالعه اندیکاتورها دست یافت.

با تسلط بر هنر اندیکاتور خوانی، تنظیمات دلخواه و نکات معین و دقیقی پدیدار می‌شوند. امروزه صدها اندیکاتور وجود دارد که هر هفته اندیکاتورهای جدیدی به آنها اضافه می‌شود. حتی با معرفی صدها اندیکاتور جدید، تنها انتخاب تعداد بسیار کمی مقدور است و ارزش توجه را دارند. عجیب است که اندیکاتورهایی که معمولاً درخور توجه هستند آنهایی هستند که به مدت طولانی‌تری وجود داشته‌اند و امتحان خود را پس داده‌اند.

وقتی اندیکاتوری را برای تحلیل انتخاب می‌کنیم باید بسیار دقت کنیم. **انتخاب بیش از ۵ اندیکاتور کاری بیهوده است.** بهترین کار تمرکز روی **۲ یا ۳ اندیکاتور** و یادگیری و فهم عملکرد داخل و خارجشان است. تلاش کنید اندیکاتورهایی را بیابید که همدیگر را تکمیل می‌کنند نه آنهایی که بصورت هماهنگ حرکت می‌کنند و نشانه‌های همانند و یکسانی را پدید می‌آورند.

برای مثال، کار بیهوده‌ای است که از دو اندیکاتور استوکاستیک و RSI که برای نشان دادن سطوح خرید یا فروش هیجانی مناسب هستند استفاده کرد. هر دوی این اندیکاتورها جنبش را اندازه می‌گیرند و هر دو سطوح خرید و فروش هیجانی را دارند.

اندیکاتورهای پیش رو (leading) و دنبال گر (lagging)

اندیکاتور پیشرو از قیمت جلوتر حرکت می کند و در واقع سعی دارد به نوعی آنرا پیش بینی کند و اندیکاتور دنباله رو همواره نتایج خود را راجع به قیمت‌های قبلی ارائه می دهد که آنرا به نوعی شاخص تأییدی تبدیل کرده است. اندیکاتورهای پیشرو در زمانهای وجود روند افقی بازار دارای ارزش بیشتر و اندیکاتورهای دنباله رو در زمانهای وجود روند صعودی یا نزولی قیمت مورد استفاده بیشتری هستند.

نوسانگرها (Oscillators) اندیکاتورهای پیش رو هستند . اندیکاتورهای روندی (Trend Indicators)، اندیکاتورهای دنبال گر هستند .

در استفاده از اندیکاتورهای پیشرو منفعت زیادی وجود دارد. اولین نشانه‌ها ورود و خروج سود اصلی است. اندیکاتورهای پیشرو سیگنالهای زیادی ایجاد می کنند و به بسیاری از موقعیتهای اجازه معامله می دهند. سیگنال‌های اولیه از قبل، علیه قدرت و یا ضعف احتمالی اخطار می دهند. بعلاوه اینکه آنها سیگنال‌های زیادی تولید می کنند، اندیکاتورهای پیشرو در بازارهای معاملاتی بهترین عملکرد را دارا هستند. این اندیکاتورها می توانند در بازارهای معاملاتی استفاده شوند اما معمولاً با یک روند عمده و نه علیه آن. در یک بازار صعود کننده بهترین کاربردشان کمک به تشخیص و فهم شرایط فروش بیش از حد هیجانی برای موقعیتهای خرید است. در بازاری با روند نزولی، این اندیکاتورها برای کمک به تشخیص موقعیتهای و شرایط خرید هیجانی برای فروش موقعیتهای بکار می روند.

با نشانه‌های اولیه‌ای که در پی بازگشت‌های بالاتر می آیند و یا بازگشت‌های بالاتر در پی ریسک بزرگ‌تر می آیند. سیگنال‌های بیشتر و زودتر بمعنی این است که شانس سیگنالهای غلط و ناموفق افزایش یافته است.

یک اندیکاتور پیش رو سیگنال خرید یا فروش را قبل از شکل گیری روند به ما می دهد و ممکن است حاوی سیگنالهای اشتباه باشند . اندیکاتور دنبال گر بعد از وقوع روند به ما خبر می دهد که از خواب بلند شو که روند آغاز شده است . این اندیکاتورها روند را پس از وقوع آن تشخیص می دهند ، به قیمت این تأخیر امکان اشتباه در آنها کمتر است.

اندیکاتورهای روندی (Trend Indicators)

- Adaptive Moving Average
- Average Directional Movement Index
- Average Directional Movement Index Wilder
- Bollinger Bands
- Double Exponential Moving Average

- Envelopes
- Fractal Adaptive Moving Average
- Ichimoku Kinko Hyo
- Moving Average
- Parabolic SAR
- Standard Deviation
- Triple Exponential Moving Average
- Variable Index Dynamic Average

اندیکاتورهای روندی یا دنبال گر روند ، عملکرد قیمتها را دنبال می کنند و عموماً بعنوان اندیکاتورهای تعقیب کننده روند شناخته شده اند. بندرت این اندیکاتورها منجر به هدایت قیمت اوراق بهادار می شوند. اندیکاتورهای پیرو زمانیکه بازارها و یا اوراق بهادار روندهای قدرتمند را بهبود می بخشند مورد استفاده قرار می گیرند. آن ها بمنظور جذب و نگه داشتن معامله گران در مدتی که روند کامل و بی عیب طراحی شده اند. این اندیکاتورها در معاملات و یا بازارهای کم نوسان مؤثر نیستند. اگر در بازار کم نوسان استفاده شوند، این اندیکاتورها منجر به نشانه ها (سیگنال های) غلط و اشتباه می شوند. رایج ترین اندیکاتورهای تعقیب کننده روند شامل میانگین های متحرک (نمایی، ساده، وزنی و متغیر) و MACD هستند.

Moving Average

میانگین متحرک

میانگین های متحرک از محبوبترین و قدیمی ترین ابزارهای تحلیل تکنیکی به شمار می روند. میانگین های متحرک تشخیص مسیر روند را آسان تر می کنند. بدلیل اینکه اطلاعات قیمت در گذشته برای تشکیل میانگین های متحرک به کار می رود آنها بعنوان **اندیکاتورهای پیرو روند** در نظر گرفته می شوند. میانگین های متحرک تغییرات در روند را پیش بینی نمی کنند بلکه روند جاری را دنبال می کنند. بنابراین میانگین های متحرک برای تشخیص روند و اهداف آینده روند بکار می روند و نه برای پیش بینی. میانگین متحرک ، نماگری است که متوسط ارزش قیمت اوراق بهادار را در طی یک دوره زمانی نشان می دهد. در هنگام محاسبه میانگین متحرک ، تحلیل ریاضی میانگین قیمت

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

اوراق بهادار را طی دوره زمانی مشخصی بدست می‌آورد. بنابراین با تغییر قیمت سهم، میانگین آن نیز به سمت بالا یا پایین حرکت می‌کند.

میانگین متحرک عموماً به عنوان یک اندیکاتور Indicator (شاخص نمای تکنیکی) شناخته می‌شود اما از آنجا که امروزه در بین معامله‌گران بیشتر بر روی خاصیت حمایت و مقاومت آن حساب باز می‌شود کاربردی دوگانه یافته است. **از آنجایی که میانگین‌های متحرک نسبت به نمودار قیمت تأخیر دارند، در گروه نشانگرهای دنبال‌گر روند قیمت قرار می‌گیرند.**

میانگین متحرک شاخص محبوبی است که در اینجا به بررسی کامل آن می‌پردازیم. معمول‌ترین شیوه برای تحلیل میانگین متحرک، مقایسه رابطه بین میانگین متحرک قیمت سهم با قیمت آن سهم می‌باشد. بدین ترتیب تفسیر نخستین ما بوسیله جمله زیر بیان می‌شود:

هرگاه قیمت سهم در بالای میانگین متحرک قرار گیرد علامتی برای فروش ایجاد می‌شود و **هنگامی که قیمت سهم در زیر میانگین متحرک قرار گیرد موقعیت خرید بوجود می‌آید.** ۵ نوع میانگین متحرک معروف را بررسی می‌کنیم.

۱. میانگین متحرک ساده simple

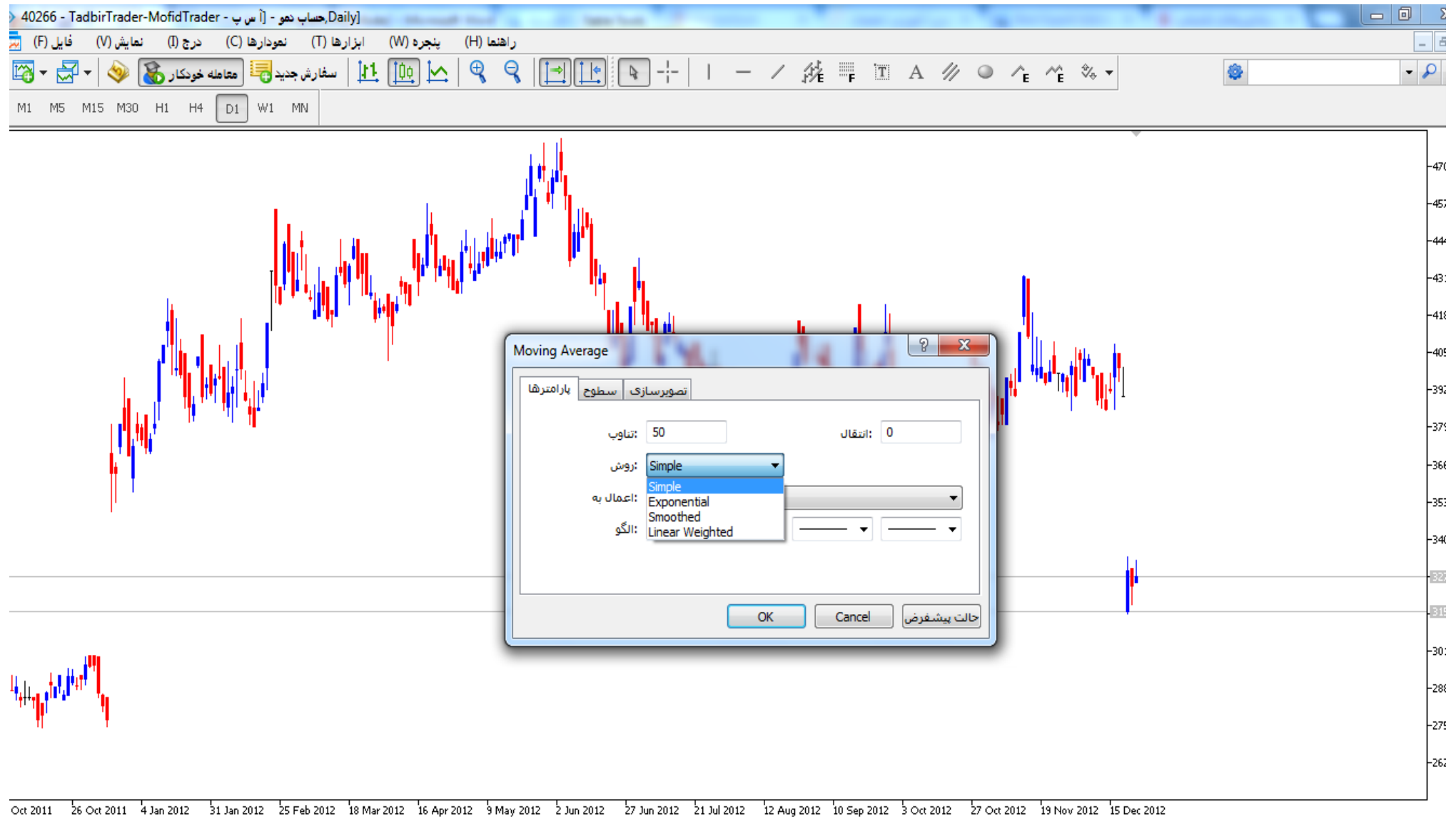
۲. میانگین متحرک نمایی Exponential

۳. میانگین متحرک مثلثی Triangular

۴. میانگین متحرک متغیر Variable

۵. میانگین متحرک وزنی linear Weighted

برای استفاده از انواع ابزارهای میانگین متحرک در نرم افزار، قسمت درج – اندیکاتورها – اندیکاتورهای روندی – Moving average را انتخاب نموده در قسمت روش نوع میانگین متحرک را مطابق تصویر بعدی انتخاب نمایید.



میانگین متحرک را روی هر سری اعداد، شامل قیمت باز شدن سهم، قیمت بالا، قیمت پایین، قیمت بسته شدن، حجم و دیگر نمایشگرها می توان بکار برد. تنها تفاوت چشمگیر بین انواع میانگین متحرک، وزنی است که برای جدیدترین داده ها قائل می شویم (البته به جز میانگین متحرک سری زمانی). ➤ میانگین متحرک ساده وزنی مساوی به قیمت های سری داده ها می دهد.

- میانگین‌های نمایی و وزنی برای داده‌های جدید وزن بیشتری می‌دهند.
- میانگین‌های مثلثی وزن بیشتری به داده‌های وسط سری می‌دهد.

میانگین‌های متحرک : ابزاری انعطاف پذیر با تأخیر زمانی

دلیل اینکه میانگین‌های متحرک روند را دنبال می‌کنند، هنگامیکه سهام در روند هستند به بهترین نحو عمل می‌کنند. اما هنگامی که سهام در محدوده معامله در حرکت است کارایی لازم را ندارد. با این ذهنیت، سرمایه‌گذاران از معامله گران قبل از اینکه درصدد آنالیز کردن با میانگین‌های متحرک برآیند ابتدا باید سهام را تشخیص دهند، که چند ویژگی از روند را نشان می‌دهند. این فرآیند لزوماً یک بررسی علمی نیست. معمولاً یک تخمین دیداری ساده از نمودار قیمت می‌تواند تعیین کند که سهام ویژگی‌های روند را نشان می‌دهد یا نه.

به ساده‌ترین شکل، قیمت سهام می‌تواند تنها یکی از سه مورد را انجام دهد: روند صعودی، روند نزولی، معامله در دامنه. روند صعودی هنگامی شکل می‌گیرد که سهام مجموعه‌ای از حداکثرهای بالاتر و حداقل‌های بالاتری را تشکیل دهد. روند صعودی هنگامی شکل می‌گیرد که سهام مجموعه‌ای از نقاط مینیمم پائین‌تر و نقاط ماکزیمم پائین‌تری را تشکیل می‌دهد. دامنه معامله در صورتی شکل می‌گیرد که سهام نتواند روند صعودی یا نزولی را تشکیل دهد. اگر سهام در دامنه معامله است روند صعودی زمانی آغاز می‌شود که مرز بالایی دامنه شکسته شود و روند نزولی زمانی شروع می‌شود که مرز پائینی شکسته شود.

میانگین متحرک اساساً یک ابزار تعقیب کننده روند محسوب می‌شود. هدف از استفاده از این ابزار یافتن اختراهای شروع روندهای جدید و پایان روندهای قدیم و یا بازگشت می‌باشد. نمی‌توان از میانگین متحرک همانند ابزارهایی که در تحلیل نمودارها بکار می‌روند برای پیش بینی حرکات قیمت و یا جلوگیری از بازار استفاده کرد. میانگین متحرک قیمت‌ها را تعقیب می‌کند و درباره شروع روند به ما اطلاعات می‌دهد.

هرچه میانگین متحرک برای دوره کوتاهتری محاسبه شود حساسیت بیشتری نسبت به تغییرات قیمت دارد، و مفیدتر ظاهر می‌شود در حالی که میانگین‌های طولانی‌تر حساسیت کمتری برخوردار می‌باشد، اما گاه کاربرد بیشتری دارد.

وقتی قیمت‌ها دارای روند باشند، میانگین‌های متحرک عملکرد خوبی دارند اما وقتی قیمت‌ها فاقد روند

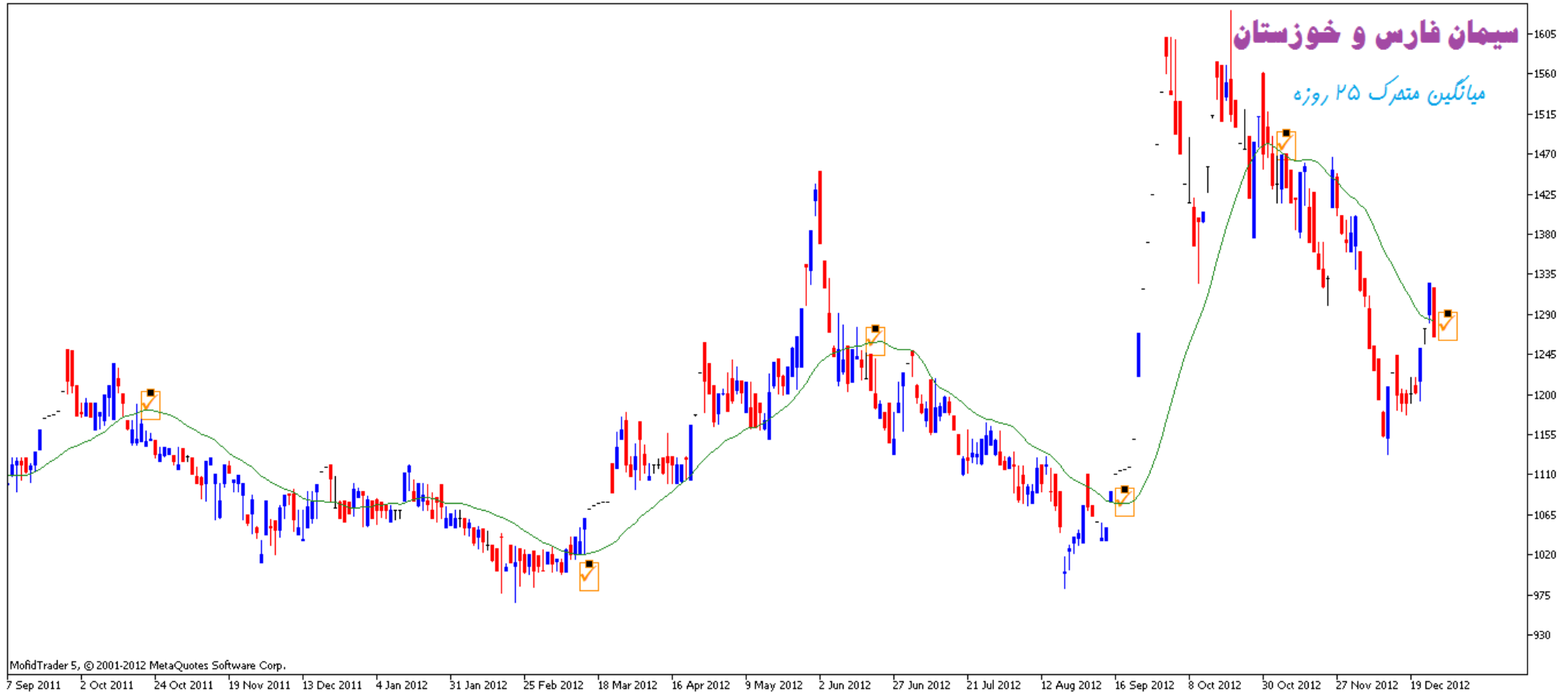
هستند، میانگین‌های متحرک می‌توانند گمراه کننده باشند.

میانگین متحرک ساده Moving Average simple

براحتی با جمع کردن قیمت روزانه سهم در طول n روز و تقسیم این مجموع بر عدد n بدست می‌آید. برای مثال، قیمت بسته شدن یک سهم را در طول ۲۵ روز با هم جمع کرده و

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

دست آخر بر ۲۵ تقسیم کنید. نتیجه بدست آمده میانگین قیمت سهم در طول ۲۵ روز گذشته است. در نمودار قیمت سهم، عیناً همین محاسبات برای هر دوره زمانی دیگر نیز قابل انجام است. توجه کنید که میانگین متحرک تا زمانی که شما سابقه قیمت سهم را در طول بازه زمانی مورد نظر (n روز گذشته) در دست نداشته باشید، قابل محاسبه نیست. بعنوان مثال توجه کنید که تا فرا رسیدن روز ۲۵ام معامله شدن یک سهم نمی توان میانگین متحرک ۲۵ روزه برای آن سهم محاسبه کرد. نمودار زیر نشاندهنده میانگین ۲۵ روزه قیمت سهم شرکت گروه بهمن برای قیمت بسته شدن روزانه (close) می باشد.



اغلب میانگین های متحرک با استفاده از قیمت سهام در پایان روز محاسبه می شوند. مثلاً میانگین متحرک ۵ روزه با جمع کردن قیمت های سهام در پایان روز ۵ روز آخر و تقسیم آن بر ۵ حساب می شود.

$$۱۰+۱۱+۱۲+۱۳+۱۴=۶۰$$

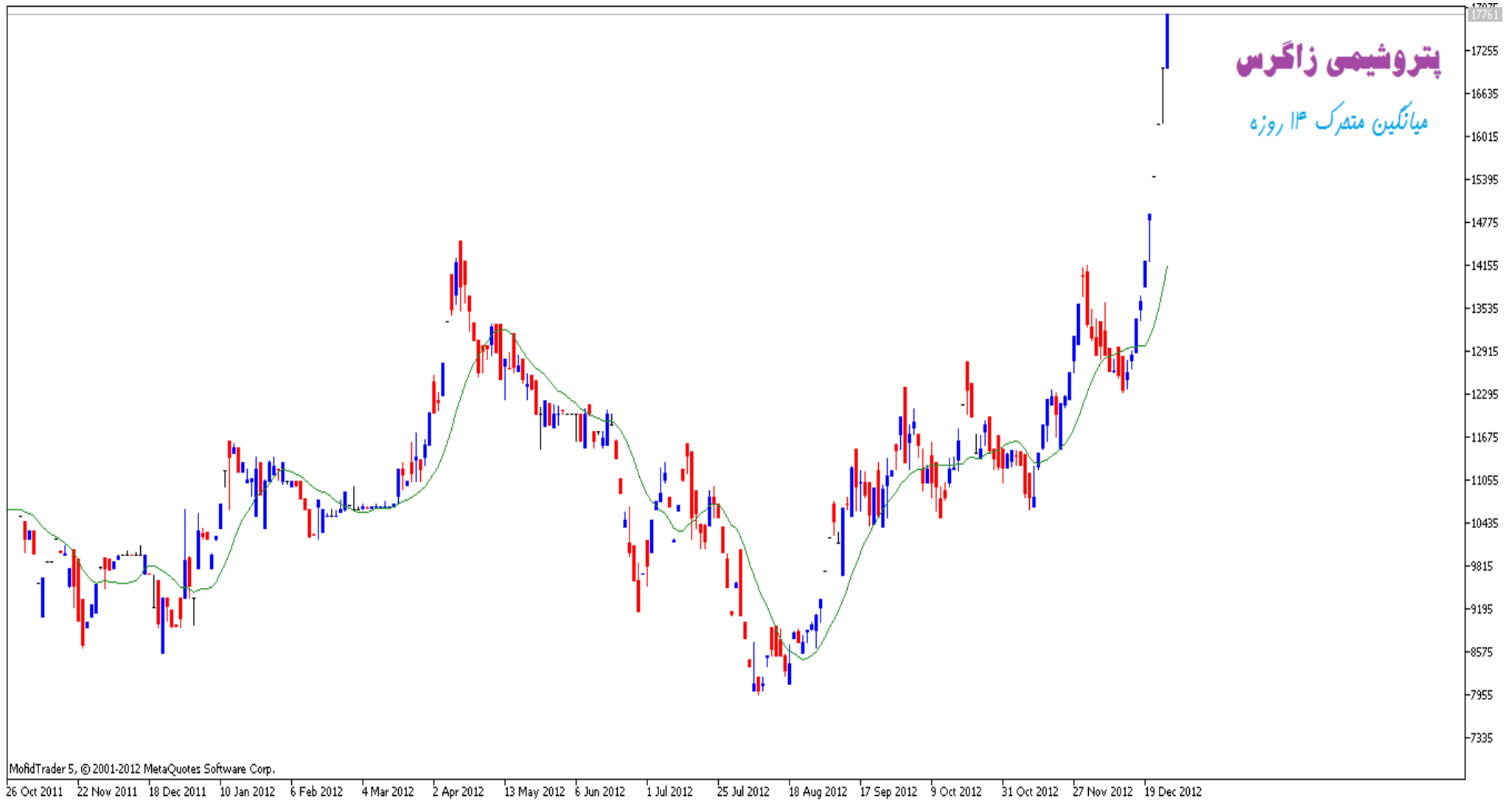
$$۱۲=(۶۰/۵)$$

از آنجا که میانگین متحرک در این نمودار نشاندهنده میانگین قیمت سهم شرکت در طول ۲۵ روز گذشته است، این شاخص نشاندهنده اجماع نظرات و انتظارات سهامداران شرکت در طول ۲۵ روز گذشته می‌باشد. اگر قیمت سهم بالای میانگین متحرک باشد، به این معنی است که انتظارات فعلی سهامداران (و در نتیجه قیمت فعلی سهم) بالاتر از متوسط انتظارات سهامداران در ۲۵ روز گذشته می‌باشد. معنی دیگر آن هم اینست که سهامداران شرکت سرسخت بوده و دست از سهم بر نمی‌دارند و علاقمند به بالا بردن قیمت سهم هستند. بالعکس اگر قیمت روز کمتر از میانگین ۲۵ روز گذشته باشد، نشاندهنده افت توقعات سهامداران از سهم بوده نسبت به ۲۵ روز گذشته بوده و تا حدی گویای ناامیدی سهامداران از آن سهم می‌باشد. تعریف کلاسیک میانگین متحرک اینست که این شاخص ابزار خوبی برای دیدن و بررسی تغییرات قیمت است. سرمایه گذاران معمولاً وقتی قیمت سهم بالای میانگین متحرک می‌رود سهم را می‌خرند و وقتی قیمت به پایین میانگین متحرک رسید آن سهم را می‌فروشند.

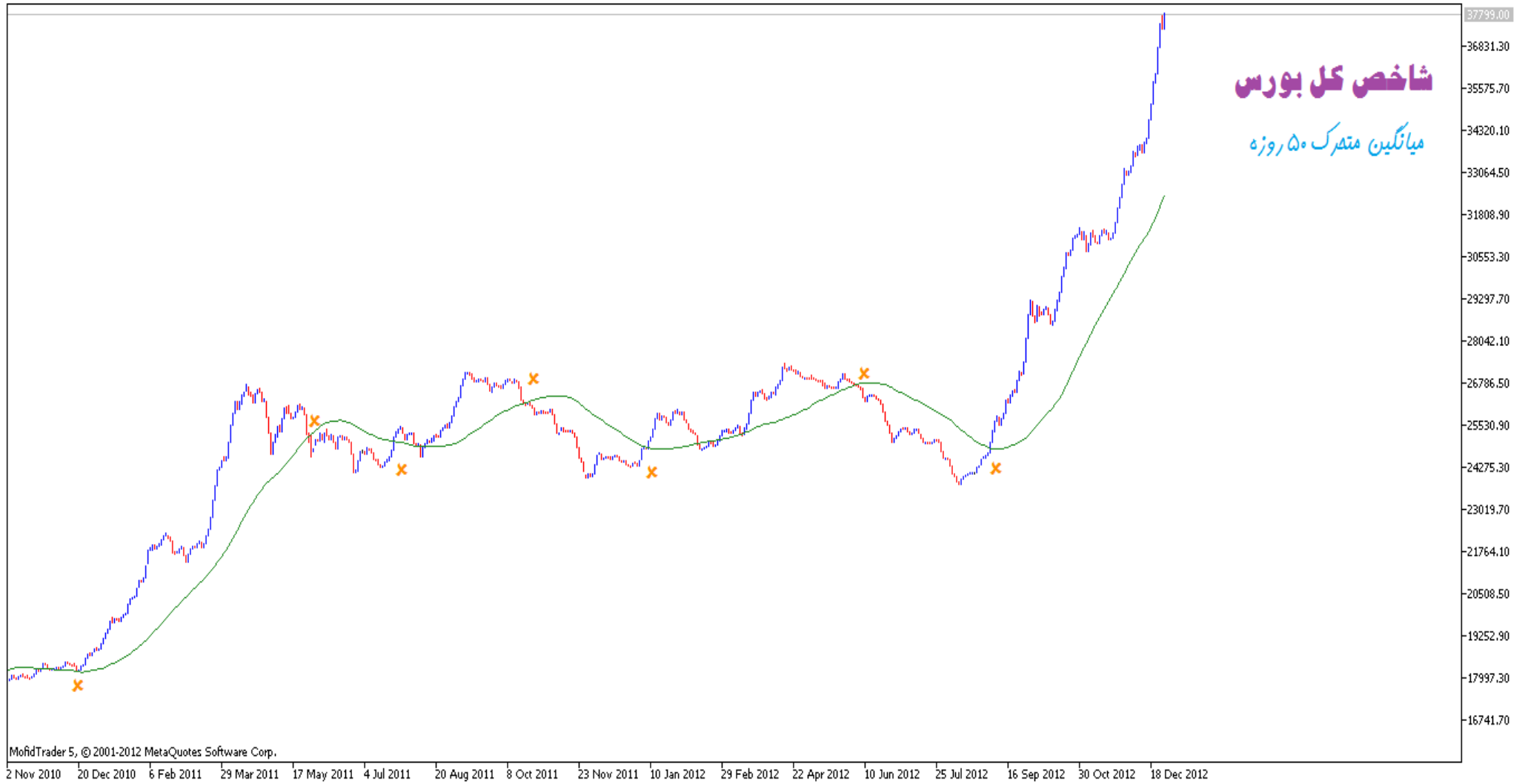
| میانگین متحرک | روند (روز) |
|------------------|------------|
| دوره خیلی کوتاه | ۵ – ۱۳ |
| کوتاه مدت | ۱۴ – ۲۵ |
| میان مدت | ۲۶ – ۴۹ |
| میان مدت (متوسط) | ۵۰ – ۱۰۰ |
| بلند مدت | ۱۰۰ – ۲۰۰ |

عامل حساس در میانگین متحرک، تعداد دوره‌های زمانی است که در محاسبه میانگین مورد استفاده قرار می‌گیرد. با تجربه و با امتحان دوره‌های مختلف، می‌توان دوره‌ای را انتخاب نمود که سودآور باشد (مثلاً با استفاده از متاتریدر می‌توان دریافت که دوره سودآور در نمودار، ۴۳ ماه است و نه ۱۵ ماه). کلید این کار یافتن میانگین متحرکی است که دارای سیگنال‌های درست و سودآور باشد. پشیمانی سهامداران معمولاً پشیمانی بازار را از روی میانگین متحرک تشخیص می‌دهند.

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



کاربرد یک میانگین متحرک

برای این کار میانگین متحرک مربوط به روزها یا کندل های مورد نظر را بر روی چارت رسم می کنند. هنگامی که قیمت پایانی بالای میانگین متحرک بسته شود اخطار خرید و اگر زیر میانگین متحرک بسته شود اخطار فروش است. این اتفاق می تواند هم خوب باشد و هم بد. استفاده از میانگین متحرک کوتاه مدت امکان افزایش تعداد معاملات را پدید می آورد و اخطار نادرست زیادی صادر می کنند ولی در عوض این برتری را دارند که **اخطار تغییر روند را زودتر صادر می کنند**، میانگین بلند مدت در زمان باقی ماندن در روند بهتر کار می کنند در حالی که میانگین کوتاه مدت آماده شدن برای برگشت، عملکرد بهتری دارد. **استفاده از یک میانگین متمرک چندین مشکل ایجاد می کند و بهتر است که همواره دو میانگین متمرک استفاده شود.**

استفاده از دو میانگین متحرک برای دریافت اخطارها

به این تکنیک روش دو خط متقاطع می گویند. به این معنا که اخطار خرید زمانی ساطع می شود که میانگین کوتاه مدت تر از میانگین بلند مدت تر عبور و روبه بالا حرکت کند. به عنوان مثال دو ترکیب رایج از این دو میانگین ۵ و ۲۰ روزه و دیگری ۱۰ و ۵۰ روزه می باشد. **اخطار خرید زمانی صادر می شود که میانگین ۵ یا ۱۰ روزه میانگین ۲۰ یا ۵۰ روزه را قطع کند و روبه بالا حرکت کند و زمانی که آن را قطع و در زیر آن حرکت کند اخطار فروش صادر می شود.**

تحليل تکنیکال – Technical Analysis

آبسال

۱۰ روزه

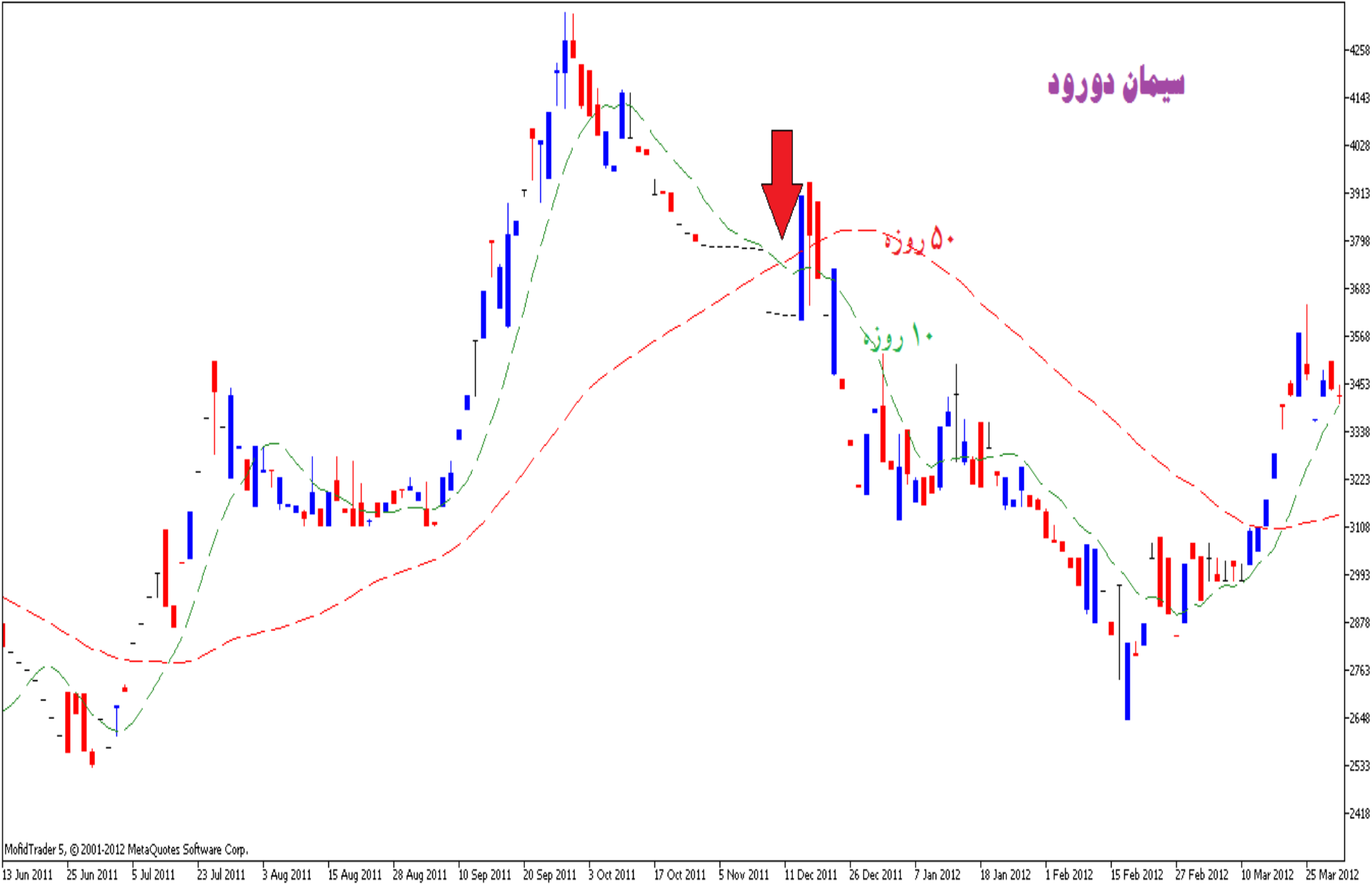
۵۰ روزه

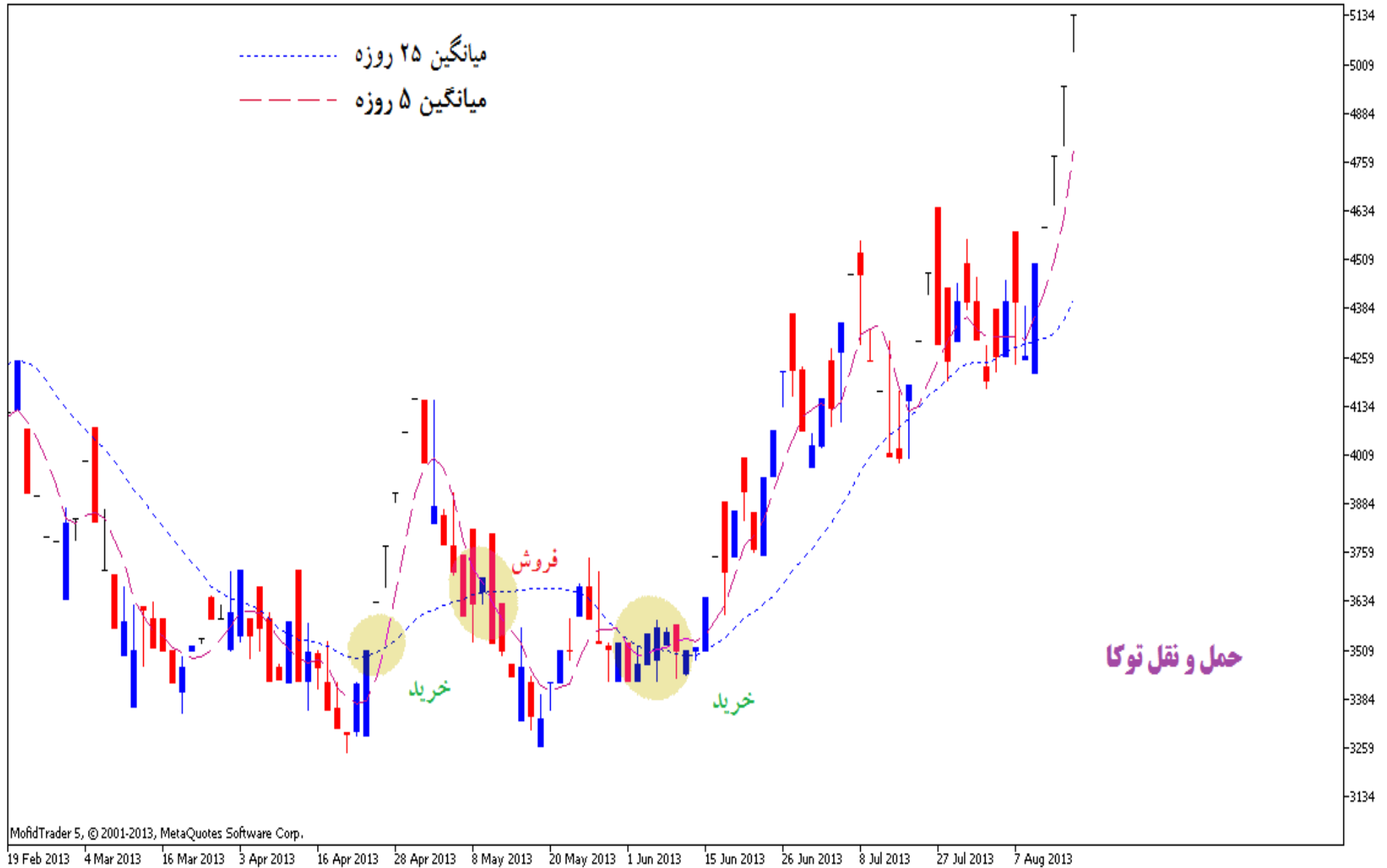


MofidTrader 5, © 2001-2012 MetaQuotes Software Corp.

5 Jun 2012 17 Jun 2012 2 Jul 2012 17 Jul 2012 29 Jul 2012 11 Aug 2012 27 Aug 2012 11 Sep 2012 24 Sep 2012 6 Oct 2012 16 Oct 2012 28 Oct 2012 12 Nov 2012 26 Nov 2012 8 Dec 2012 18 Dec 2012 30 Dec 2012

سیمان دورود





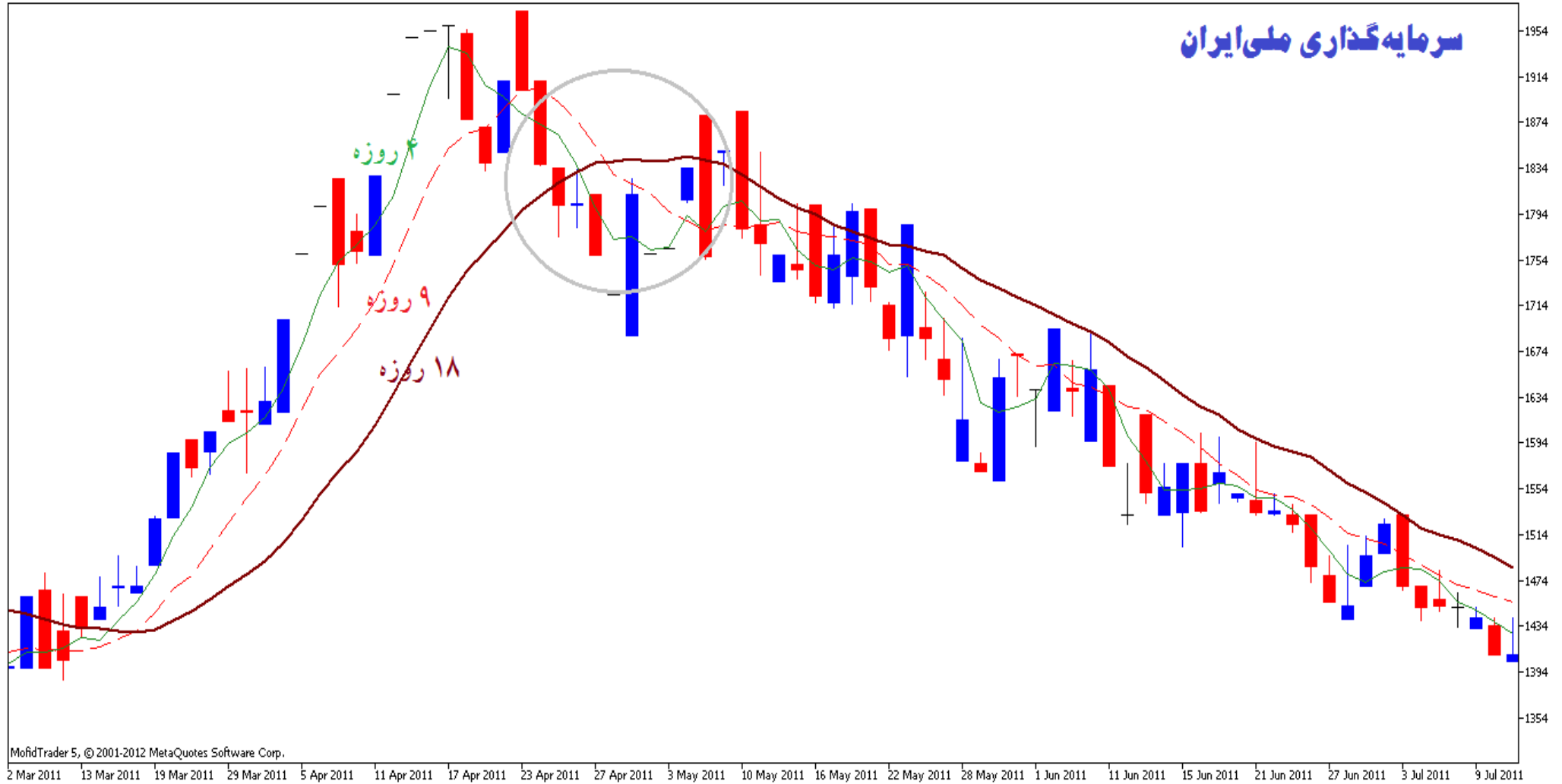


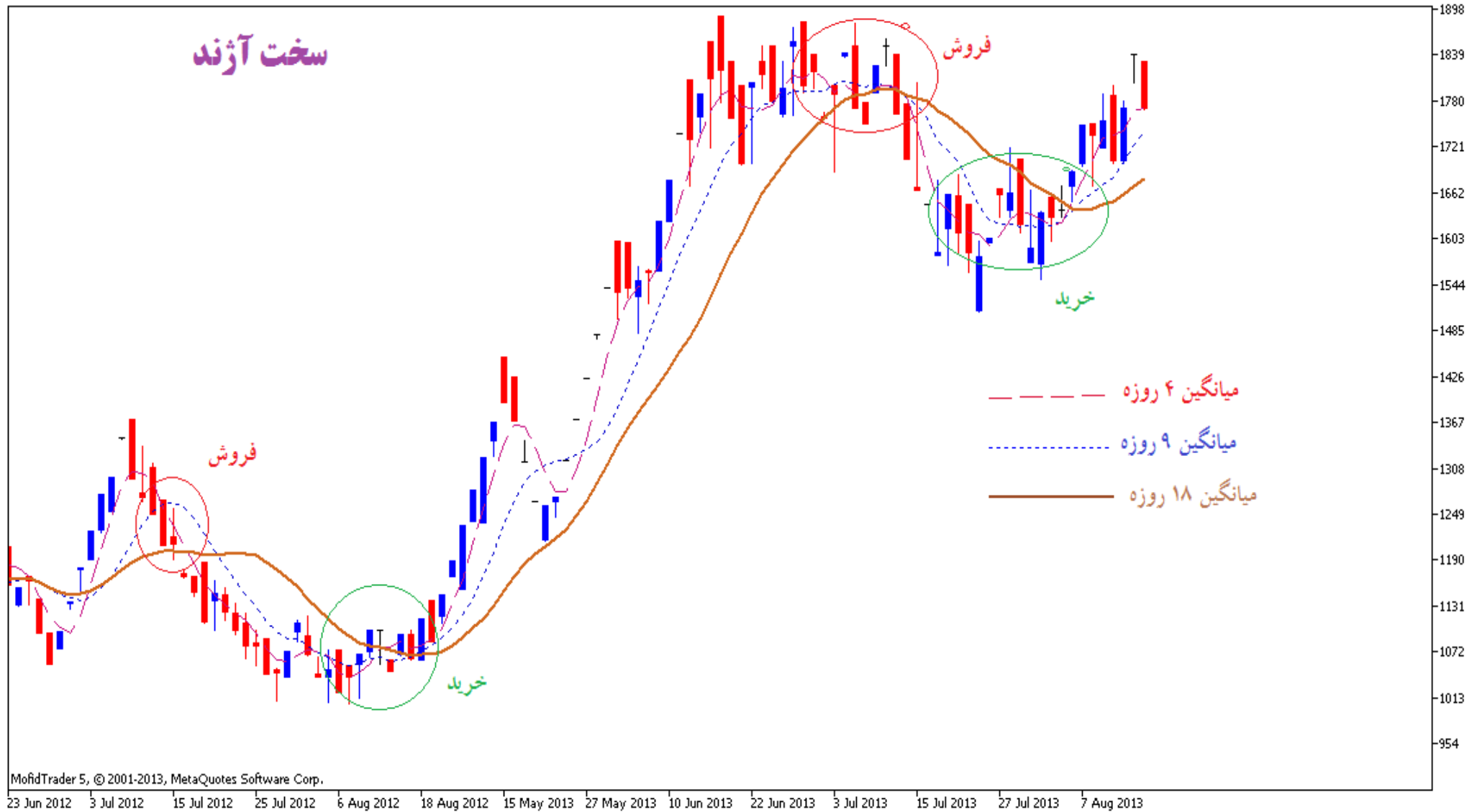
استفاده از سه میانگین متحرک و یا روش سه خط متقاطع و یا روش ۴-۹-۱۸

برای این کار میانگین‌های متحرک مربوطه را بر روی چارت رسم می‌کنند. در یک روند نزولی اخطار خرید زمانی صادر می‌شود که میانگین ۴ روزه بالاتر از میانگین ۹ و ۱۸ روزه قرار

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

گیرد و زمانی تأیید می‌گردد که میانگین ۹ روزه نیز بالاتر از میانگین ۱۸ روزه قرار بگیرد, یعنی در نهایت میانگین ۴ روزه بالاتر از ۹ روزه و میانگین ۹ روزه بالاتر از ۱۸ روزه باشد. در زمان بازگشت یک روند صعودی ابتدا میانگین ۴ روزه پایین‌تر از میانگین ۹ و ۱۸ روزه قرار گیرد و زمانی تأیید می‌گردد که میانگین ۹ روزه نیز پایین‌تر از میانگین ۱۸ روزه باشد. یعنی در نهایت میانگین ۴ روزه پایین‌تر از ۹ روزه و میانگین ۹ روزه پایین‌تر از ۱۸ روزه باشد.





انتخاب میانگین متحرک مورد استفاده شما به روش معامله و سرمایه گذاری و سلیقه شما بستگی دارد.

همانطوریکه میانگین متحرک ساده بوضوح دارای عقب ماندگی است به همان میزان میانگین متحرک نمایی می‌تواند تغییرات را سریع‌تر در یابد.

میانگین‌های متحرک مجموعه داده‌ها را یکدست کرده و شناسایی گرایش را آسان‌تر می‌سازند. از آنجا که داده‌های قیمت گذشته برای تشکیل میانگین‌ها به کار می‌روند، نشانگرهای تاخیری یا تعقیب کننده گرایش محسوب می‌شوند. میانگین‌های متحرک، تغییر در گرایش را پیش بینی نمی‌کنند بلکه پشت سر گرایش جاری پیش می‌روند. این میانگین‌ها برای فرایند شناسایی و تعقیب گرایش ایده آل هستند.

دو کاربرد اصلی میانگین متحرک که برای دقیق‌تر کردن تحلیل خطی از آنها استفاده می‌کنیم، عبارتند از:

الف- تأیید گرایش و نواحی معاملاتی

منطقه‌ای که میانگین متحرک با نمودار برخورد می‌کند، نشان دهنده ناحیه معاملاتی است. اگر میانگین متحرک بعد از برخورد به نمودار قیمت‌ها رو به بالا باشد و قیمت‌ها هم بالای میانگین متحرک باشد، گرایش صعودی خواهد بود و اگر میانگین متحرک بعد از برخورد به نمودارهای قیمت رو به پایین باشد و قیمت‌ها هم پایین میانگین متحرک قرار گیرند، گرایش بازار نزولی خواهد بود.

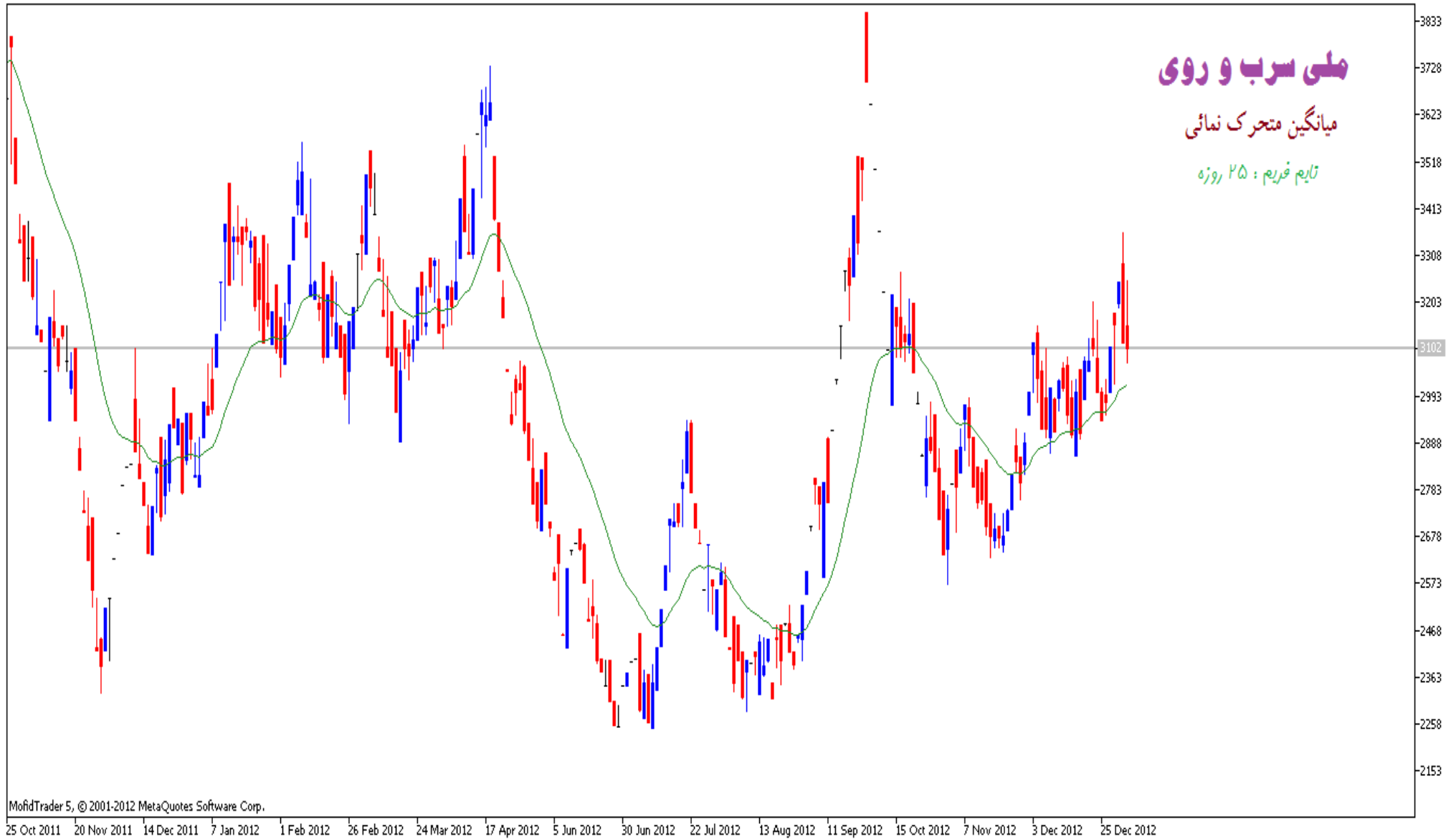
ب- تشخیص نواحی مقاومت و حمایت

یکی دیگر از کاربردهای میانگین متحرک، شناسایی ترازهای مقاومت و حمایت است. شناسایی ترازهای مقاومت و حمایت همانند شناسایی گرایش از طریق میانگین متحرک در بازارهای دارای گرایش، بهترین عملکرد را دارد. میانگین متحرک در روند بالا رو مثل خطوط حمایتی و در روندهای پایین رو مانند خطوط مقاومت عمل می‌کنند.

میانگین متحرک نمایی (Exponential Moving Average)

تحلیلگران تکنیکال برای کاستن تأخیر نمودار میانگین متحرک ساده، اغلب از میانگین‌های متحرک نمایی استفاده می‌کنند. این میانگین‌ها **با تأکید بیشتر بر قیمت‌های اخیر**، این تأخیر را کاهش می‌دهند. نکته مهم در این است که میانگین متحرک نمایی **به آخرین قیمت‌ها وزن بیشتری می‌دهد**. در این حالت میانگین متحرک نمایی در مقایسه با میانگین ساده، **واکنش سریع‌تری نسبت به تغییرات آخرین قیمت‌ها خواهد داشت**.

میانگین متحرک ساده، با استفاده از وزن بیشتر برای قیمت‌های جدید وابسته به قیمت‌های قدیمی‌تر، تأخیر زمانی را کاهش می‌دهد و این وزن به میانگین متحرک بستگی دارد. هر چه دوره میانگین متحرک نمایی کوتاهتر باشد، وزن بیشتر برای جدیدترین قیمت بکار می‌رود. مثلاً یک میانگین متحرک نمایی ۱۰ روزه جدیدترین قیمت را ۱۸,۱۸ درصد اندازه می‌گیرد در صورتیکه میانگین متحرک نمایی ۲۰ روزه، جدیدترین قیمت را ۵۲,۹ درصد اندازه می‌گیرد، بنابراین محاسبه میانگین متحرک نمایی خیلی سخت‌تر از محاسبه میانگین متحرک ساده است.



تحليل تکنیکال – Technical Analysis



ساده در برابر نمایی

مشخص است که تفاوت بین میانگین متحرک نمائی و میانگین متحرک ساده، تفاوت کوچکی است. برای این مثال، که تنها از ۲۰ روز معاملات استفاده می‌کند، تفاوت حداقل است. **میانگین متحرک نمائی بطور ثابت به قیمت واقعی نزدیک‌تر است.** بطور میانگین، میانگین متحرک نمائی ۳.۸ درصد بیشتر از میانگین متحرک ساده به قیمت واقعی نزدیک است.

کدام بهتر است؟

اینکه کدام نوع از میانگین متحرک را استفاده می‌کنید بستگی به شیوه سرمایه‌گذاری و معامله و اولویت‌ها دارد. **میانگین متحرک ساده آشکارا دارای تأخیر و فاصله است، اما میانگین متحرک نمایی ممکن است مستعد شکست‌های سریع‌تر باشد.** برخی از معامله‌گران به دلیل مدت زمان کوتاه‌تر برای دستیابی به تغییرات سریع‌تر ترجیح می‌دهند از میانگین متحرک نمایی استفاده کنند. بعضی از سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در مدت زمان طولانی‌تری برای تشخیص تغییرات روند طولانی مدت از میانگین متحرک نمایی استفاده نمایند. بعلاوه به سهام شخصی نیز بستگی دارد. یک میانگین متحرک ساده ۵۰ روزه ممکن است در تشخیص سطوح حمایت در شاخص کل بورسی به خوبی عمل کند، اما یک میانگین متحرک ساده ۱۰۰ روزه ممکن است برای نمودار فولاد مبارکه اصفهان بهتر عمل کند. نوع میانگین متحرک و طول زمان بستگی به سهام و چگونگی واکنش آن در گذشته دارد.

برخی فکر می‌کنند حساسیت بیشتر و سیگنال‌های سریع‌تر منجر به سود دهی می‌شود. این مسئله همیشه به این صورت نیست و موجب می‌شود تحلیلگران تکنیکی بر سر دو راهی قرار گیرند: تعادل بین حساسیت و اطمینان. هرچه اندیکاتور حساس‌تر باشد، سیگنال‌های بیشتری ایجاد می‌شود. این سیگنال‌ها ممکن است به موقع تأیید شوند، اما با افزایش حساسیت، سیگنال‌های **اشتباه** زیاد می‌شوند. هرچه حساسیت اندیکاتور کاهش یابد، سیگنال‌های کمتری ایجاد می‌شود. با این وجود حساسیت کمتر منجر به سیگنال‌های کمتر و قابل اعتمادتری می‌شود. همچنین گاهی اوقات این سیگنال‌ها می‌توانند تأخیر داشته باشند.

برای میانگین‌های متحرک، همان دو راهی ایجاد می‌شود. میانگین‌های متحرک کوتاه‌تر، حساس‌تر خواهند بود و سیگنال‌های بیشتری را تولید می‌کنند. میانگین نمائی که عموماً از ساده حساس‌تر است، سیگنال‌های بیشتری را تولید می‌کند. با این وجود تعداد سیگنال‌های غلط و اشتباه افزایش پیدا می‌کند. میانگین‌های متحرک طولانی‌تر آرام‌تر حرکت می‌کنند و

سیگنالهای کمتری را تولید می کنند. این سیگنالها احتمالاً قابل اعتمادتر هستند اما همچنین ممکن است تأخیر داشته باشند. هر سرمایه گذار یا معامله گری برای بررسی تعادل بین حساسیت و اعتبار سیگنال باید انواع و طول مدت میانگین متحرک های متفاوت را تجربه کند.

نوارهای بولینگر

یکی دیگر از نماگرهای تکنیکی که بسیار قابل اطمینان و با اهمیت هستند نوارهای بولینگر هستند. نوارهای بولینگر شبیه پوشش های میانگین متحرک هستند. نوارهای بولینگر دامنه انتظارات معامله گران را نمایش می دهند و چنانچه قیمتها از این نوارها خارج شوند تمایل دارند به درون آنها باز گردند.

تفاوت بین نوارهای بولینگر و پوشش ها که این پوشش برحسب درصدی ثابت در بالا و پایین میانگین متحرک ترسیم شده است در حالیکه نوارهای بولینگر با انحراف استاندارد در بالا و پایین میانگین متحرک کشیده می شوند.

همانطور که قبلاً هم اشاره شد قیمتها بین دو محدوده خریدها و فروشهای افراطی در نوسان هستند. نقاط بالائی و پائینی فقط در لحظاتی کوتاه پدید خواهند شد و ما نمی توانیم در آن نقاط معامله ای انجام دهیم. اما محدوده هایی وجود دارد که نزدیک ترین نقاط به قله یا قعر قیمتی است. این محدوده بیرون از نوارهای بولینگر شکل می گیرد.

نوارهای بولینگر برای اندازه گیری فراریت بازار استفاده می شوند. اساساً این ابزار به ما می گوید که چه زمانی بازار بی حرکت است و چه زمانی دارای حرکت است. زمانیکه بازار بی حرکت است نوارها به هم نزدیک می شوند و هنگامیکه بازار دارای حرکت است نوارها از هم دور می شوند. به شکل زیر نگاه کنید. زمانیکه قیمت ها بی حرکت است نوارها به هم نزدیک می شوند و زمانیکه قیمت ها بالا می روند ، نوارها از هم دور می شوند .

تحليل تکنیکال – Technical Analysis



نحوه محاسبه :

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

باندهای بولینگر سه تا هستند که همانطور که ذکر شد خط وسط، میانگین متحرک n دوره‌ای سهم می‌باشد. یعنی:

$$\frac{\sum_{j=1}^n Close_j}{n} = \text{باند وسط}$$

باند بالایی همان باند پایینی است که به اندازه انحراف معیار (یا ضریبی از آن) به بالا منتقل شده است. یعنی:

$$\left[D + \sqrt{\frac{\sum_{j=1}^n (Close_j - Middle Band)^2}{n}} \right] \text{ باند بالایی} = \text{باند وسط} +$$

که D همان ضریبی است که بعضی مواقع در انحراف معیار (قبل از جمع با باند وسط) ضرب می‌گردد. این ضریب می‌تواند ۱ یا ۲ باشد. فرمول مشابهی نیز برای باند پایینی بولینگر وجود دارد. یعنی پس از ضرب کردن D در انحراف معیار باند وسط را به اندازه این مقدار به پایین منتقل می‌کنیم.

$$\left[D - \sqrt{\frac{\sum_{j=1}^n (Close_j - Middle Band)^2}{n}} \right] \text{ باند پایین} = \text{باند وسط} -$$

آقای بولینگر عدد ۲۰ را بعنوان تعداد بازه مناسب برای رسم میانگین متحرک معرفی می‌کند. {یعنی میانگین متحرک ۲۰ روزه} و نوع میانگین متحرک

پیشنهادی ایشان ساده (Simple Moving Average) می‌باشد. آقای بولینگر ضریب $D=2$ را پیشنهاد کرده است. از دیگر یافته‌های آقای بولینگر این است که میانگین

متحرک‌های زیر ۱۰ روزه کارکرد خوبی برای رسم باندهای بولینگر ندارند.

خروج قیمتها از نوارها بیانگر پیشی گرفتن انتظارات معامله گران از جریان اطلاعات است که در محاوره به آن یک کلاغ چهل کلاغ می گوئیم. این حرکات تند قیمتی همواره یک دوره تصحیح را به دنبال خواهد داشت.

دوره‌ای که بازار مجدداً به اطلاعات شرکت رجوع می کندو آنها را بازنگری می کند. در این شرایط دهانه نوارهای بولینگر بهم نزدیک می خواهد شد و چنانچه به جریان مثبت اطلاعات آتی امیدوار شود مجدداً تلاش خریداران منجر به ادامه روند افزایشی خواهد شد. این مسیر تا خروج مجدد قیمتها از نوار بولینگر ادامه خواهد داشت.

کاربرد باندهای بولینگر

- ۱- بخش عمده نوسانات قیمت (۹۵٪) در فاصله بین دو باند است
- ۲- فاصله نوارها در موقعیت‌های بازار پر نوسان بیشتر می شود
- ۳- میانگین متحرک ۱۰ روزه برای کوتاه مدت و ۲۰ روزه برای میان مدت استفاده می شود
- ۴- هنگامی که فاصله دو نوار زیاد شود پایان روند جاری و وقتی که فاصله کم شود علامت آغاز روند جدید است.
- ۶- اگر قیمت به نوار بالایی / پایینی حرکت کند و باند وسطی را قطع کند نوار پایینی / بالایی هدف قیمت است.

Average Directional Movement index میانگین جهت یاب

اندیکاتور است که برای تشخیص قدرت بازار به کار می رود. ADX نیز عددی بین صفر تا صد است که هر چه بالاتر باشد قدرت سهم را برای تداوم روند فعلی (صعودی یا نزولی)

نشان می‌دهد.

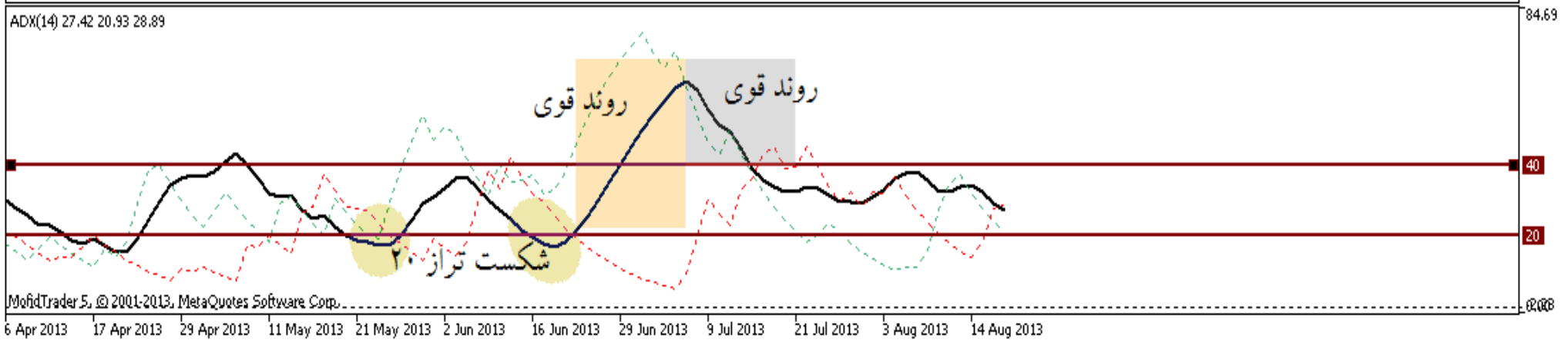
علاوه بر ADX دو شاخص دیگر به صورت نقطه‌چین نشان می‌دهد که یکی از آنها +DI و دیگری -DI می‌باشد. این اندیکاتور روندها را به صورت صعودی و نزولی دسته بندی نمی‌کند، بلکه تنها قدرت روندها را ارزیابی می‌نماید.

شاخص ADX بین ۰ تا ۱۰۰ متغیر است (۰ ~ +۱۰۰) تقسیم‌بندی آن بین ۰ و ۲۰ و ۴۰ و ۶۰ و ۱۰۰ می‌باشد. مقادیر پایین‌تر از ۲۰ روندهای ضعیف و مقادیر بالاتر از ۴۰ روندهای قوی (صعودی و نزولی) محسوب می‌گردد. هنگامی که ADX از ۴۰ به سمت پایین حرکت می‌کند نشان دهنده آنست که روند قدرت خود را از دست داده است و احتمال تغییراتی در روند قیمت وجود دارد.

۱- هرگاه شاخص ADX به سمت بالا حرکت کند نتیجه می‌گیریم که قدرت بازار در حال افزایش می‌باشد (شروع یا تقویت روند جاری)

۲- هرگاه شاخص ADX به سمت پائین نزول کند ضعف روند جاری و یا ورود به نواحی روند خنثی می‌باشد.

ولس ویلدر تدوین کننده این شاخص پیشنهاد داده است که وقتی +DI بالاتر از -DI بود امکان رشد قیمت سهم وجود دارد و برعکس وقتی که +DI پایین‌تر از -DI بود احتمال کاهش قیمت سهم وجود دارد.



نوسانگر نماها (Oscillators) اندیکاتورهای پیش رو

- Average true range ➤
- Bears power ➤
- Bulls power ➤
- Chaikin Oscillator ➤
- Commodity channel index ➤
- DeMarker ➤
- Force index ➤
- Moving Average Convergence ➤
- Momentum ➤
- Moving Average of oscillator ➤
- Relative Strength Index ➤
- Relative vigor Index ➤
- Stochastic Oscillator ➤
- Triple exponential average ➤
- Williams percent rage ➤

اسیلاتورها یکی از مهمترین انواع خانواده اندیکاتورها هستند. اسیلاتورها به دو دسته Banded و Centered تقسیم بندی می شوند. عمده سیگنال های اسیلاتورهای Centered بر مبنای خط مرکزی و اسیلاتورهای Banded بر مبنای محدوده های بیش خرید و بیش فروش ایجاد می شود. اسیلاتورها سه نمونه سیگنال یا تحلیل عمده به معامله گر می دهند :

۱- سیگنال خرید یا فروش بر اساس خط مرکزی

۲- سیگنال خرید و فروش بر اساس محدوده بیش خرید و بیش فروش Oversold و Overbought

۳- سیگنال خرید و فروش بر اساس واگرایی Divergence

Center Line

بر مبنای عبور شاخص اسیلاتور از خط مرکزی می‌توان تشخیص داد که روند صعودی یا نزولی است. بدین مفهوم که اگر شاخص اسیلاتور از پایین رو به بالا حرکت کرد سیگنال خرید یا صعود ایجاد می‌شود و اگر از بالا رو به پایین حرکت کرد و از خط مرکزی عبور کرد سیگنال فروش یا نزول ایجاد می‌شود. در اسیلاتورهای Banded خط مرکزی عدد ۵۰ یا نقطه میانه آنها است و در اسیلاتورهای Centered خط مرکزی نقطه صفر است.

| نوع | اسیلاتور | نوع | اسیلاتور |
|----------|------------------------------|----------|--------------------------------|
| Centered | Moving Average Convergence | Banded | Average true range |
| Banded | Momentum | Centered | Bears power |
| Centered | Moving Average of oscillator | Centered | Bulls power |
| Banded | Relative Strength Index | Banded | Chaikin Oscillator |
| Centered | Relative vigor Index | Centered | Commodity channel index |
| Banded | Stochastic Oscillator | Centered | DeMarker |
| Centered | Triple exponential average | Centered | Force index |

محدوده بیش خرید و بیش فروش Oversold و Overbought

محدوده‌های بیش خرید و بیش فروش تنها در اسیلاتورهای Banded به وجود می‌آید. سیگنال فروش در این اسیلاتورها زمانی به وجود می‌آید که شاخص اسیلاتور از محدوده بیش خرید خارج شود. محدوده بیش خرید در بین اسیلاتورهایی که بصورت Banded از صفر تا ۱۰۰ فاصله دارند معمولاً روی عدد ۷۰ یا ۸۰ تعریف می‌شود. بنابراین ورود شاخص اسیلاتور به محدوده بالای ۷۰ یا ۸۰ ملاک تصمیم‌گیری نیست بلکه خروج قیمت از این محدوده نشان‌دهنده تضعیف و به احتمال زیاد بازگشت روند است. عکس حالت خروج از محدوده بیش خرید می‌تواند در محدوده بیش فروش نیز روی دهد. بدین معنا که با ورود شاخص اسیلاتور به محدوده بیش فروش سیگنال یا تحلیلی انجام نمی‌شود بلکه با خروج اسیلاتور از محدوده ۲۰ یا ۳۰ رو به بالا، صعودی بودن قیمت یا تضعیف روند نزولی تفسیر می‌شود.

شاخص قدرت نسبی (RSI) Relative Strength Index

این شاخص تکنیکی در سال ۱۹۷۸ توسط J.Welles معرفی شده و از محبوبترین اندیکاتورهای تکنیکی در بین اکثر تحلیلگران است. از این رو شاخص قدرت نسبی نام گرفته که قدرت تغییرات قیمت‌های اخیر بسته شدن را با مقادیر پیشینی از دوره‌های قبلی اندازه گرفته و آن را تبدیل به عددی می‌کند که همواره بین ۰ و ۱۰۰ است. اندیکاتور RSI نسبت حرکات صعودی و نزولی را اندازه گیری می‌کند و مقدار بدست آمده را طوری تعیین می‌کند که عددی مابین ۰ تا ۱۰۰ خواهد بود. اگر اندیکاتور RSI عدد ۷۰ یا بزرگتر از آن را نشان دهد، بیان کننده آن است که قیمت در وضعیت حد **اشباع خرید Overbought** قرار گرفته است (در واقع قیمت بیش تر از حد انتظار بازار افزایش یافته است) و اگر RSI عدد ۳۰ و یا کمتر از آن را نشان دهد به این معنی است که قیمت در محدوده **اشباع فروش Oversold** قرار دارد (در این وضعیت قیمت بیشتر از حد انتظار بازار سقوط کرده است).

عدد ۳۰ به معنی در کف بودن سهم و عدد هفتاد به معنی در سقف بودن سهم است. زمانیکه بازار آرام می‌باشد و روند قیمتی خاصی وجود نداشته باشد، RSI نزدیک ۵۰ نوسان می‌کند. با شروع حرکت و روند صعودی بازار، RSI نیز شروع به افزایش می‌کند و به منطقه خرید افراطی نزدیک می‌شود. هر جا قدرت حرکت و روند بازار در حال کم شدن باشد، RSI واگرایی ایجاد می‌کند و با تمام شدن قدرت روند صعودی و بالارو بازار، RSI به خط ۵۰ برمی‌گردد. مشابه روند صعودی، در بازار نزولی RSI شروع به کاهش می‌کند و به منطقه فروش افراطی نزدیک مس شود. هر جا قدرت روند نزولی و رو به پایین بازار کم شود، RSI همگرایی یا به عبارت دیگر یک واگرایی مثبت ایجاد می‌کند که علامت پایان روند نزولی بازار است.

RS** برابر است با مقدار میانگین افزایش قیمت‌ها در یک دوره مشخص تقسیم بر مقدار میانگین کاهش قیمت‌ها در یک دوره مشخص

راه‌های استفاده از RSI برای تحلیل نمودار:

۱ سقف‌ها و کفها

معمولاً RSI در بالای ۷۰ سقف، و زیر ۳۰ کف ایجاد می‌کند. معمولاً این سقفها و کفها قبل از نمودار قیمت مربوطه تشکیل می‌شود؛

۲ تشکیلات نمودار

اغلب در RSI الگوهای نمودار نظیر سر و شانه‌ها یا مثلثها تشکیل می‌شود که ممکن است بروی نمودار قیمت دیده شود یا دیده نشود؛

۳ شکسته شدن حمایت و مقاومت

اینجا جایی است که RSI بر یک بالا (اوج – پیک) قبلی غلبه می‌کند یا زیر یک پایین (دره) اخیر می‌افتد و

۴ مقادیر حمایت و مقاومت

بعضی اوقات RSI واضح‌تر از خود نمودار قیمت سطوح (مقادیر) حمایت و مقاومت را نشان می‌دهد.

۵ واگرایی‌ها

همانطوریکه در بالا بحث شد، واگرایی‌ها زمانی روی می‌دهند که قیمت قله (یا دره) جدیدی ایجاد کند که بوسیله قله (یا دره) جدید در RSI مورد تأیید قرار نگیرد. معمولاً قیمت‌ها تصحیح می‌شوند و در جهت RSI پیش می‌روند.

سیگنال‌های خرید

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

- ۱) اگر عدد زیر ۳۰ باشد و تشکیل کف دوگانه بدهد.
- ۲) اگر نمودار قیمت تشکیل کف دهد ولی اندیکاتور نتواند این الگو را تشکیل دهد.
- ۳) اگر خطوط روند در نمودار قیمت و اندیکاتور رو به بالا شکسته شود.
- ۴) حرکت اندیکاتور به بالای خط ۵۰ اخطار تاییدی برای خرید می‌باشد.
- ۵) واگرایی صعودی سیگنال خرید می‌باشد (مهم‌ترین سیگنال)
- ۶) در زمان بازار بدون روند بهترین زمان خرید حرکت از زیر عدد ۳۰ به بالا می‌باشد (از منطقه اشباع فروش خارج شود)

سیگنال‌های فروش

- ۱) اگر عدد بالای ۷۰ باشد و تشکیل سقف دوگانه بدهد.
- ۲) اگر نمودار قیمت تشکیل سقف دهد ولی اندیکاتور نتواند این الگو را تشکیل دهد.
- ۳) اگر خطوط روند در نمودار قیمت و اندیکاتور رو به پایین شکسته شود.
- ۴) حرکت اندیکاتور به زیر خط ۵۰ اخطار تاییدی برای فروش می‌باشد.
- ۵) واگرایی نزولی سیگنال فروش می‌باشد (مهم‌ترین سیگنال)
- ۶) در زمان بازار بدون روند بهترین زمان فروش حرکت از بالای عدد ۷۰ به پایین می‌باشد (از منطقه اشباع خرید خارج شود)

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



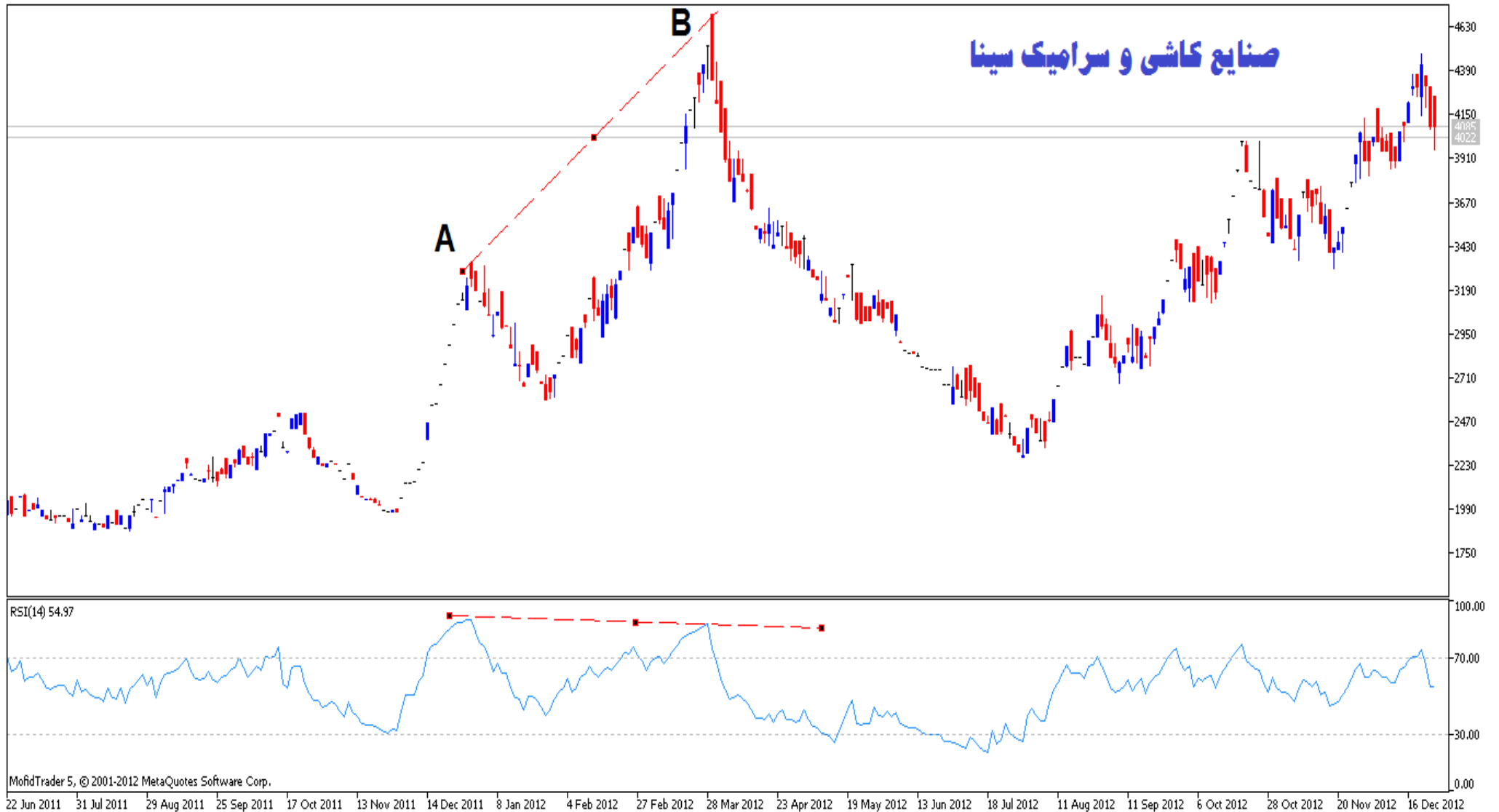
Divergence و واگرایی

دایورجنس یا واگرایی به حالتی اطلاق می‌شود که **حرکت قیمت و حرکت اندیکاتور در دو جهت مختلف است** و این دو منحنی از یکدیگر دور می‌شوند که این سیگنال یا همان نشانه‌ای است که **بر تضعیف روند بازار** دلالت می‌کند. در روند صعودی واگرایی در انتهای ریز موج‌های صعودی و در روند نزولی واگرایی در ریز موج‌های نزولی به نمایش در می‌آید. واگرایی ابزار بسیار مفیدی برای **تشخیص کاسته شدن قدرت روند یا بازگشت روند** است. این ابزار معمولاً احتمال خطای کمتری نسبت به سایر استفاده‌های اندیکاتورها دارد.

زمانی که انتهای ریز موج‌های صعودی قیمت هر بار در هر قله جدید بالاتر از قله قبلی یا سقف قبلی تشکیل شوند اما قله‌ها یا سقف‌های مترادف و همراستای اندیکاتور مانند قیمت رفتار نکند و هر بار سقف جدید هم راستا با سقف قبلی خودش یا پایین‌تر از سقف قبلی خودش تشکیل شود واگرایی یا تناقض در انتهای روند صعودی ایجاد شده است که نشانه‌ای از بازگشت روند صعودی به نزولی خواهد بود.

در روند نزولی زمانی که انتهای ریز موج‌های نزولی قیمت هر بار در هر دره جدید پایین‌تر از دره قبلی یا کف قبلی تشکیل شوند اما دره‌ها یا کف‌های مترادف و همراستای اندیکاتور مانند قیمت رفتار نکند و هر بار کف جدید هم راستا با کف قبلی خودش یا بالاتر از کف قبلی خودش تشکیل شود واگرایی یا تناقض در انتهای روند نزولی ایجاد شده است که نشانه‌ای از بازگشت روند نزولی به صعودی خواهد بود.

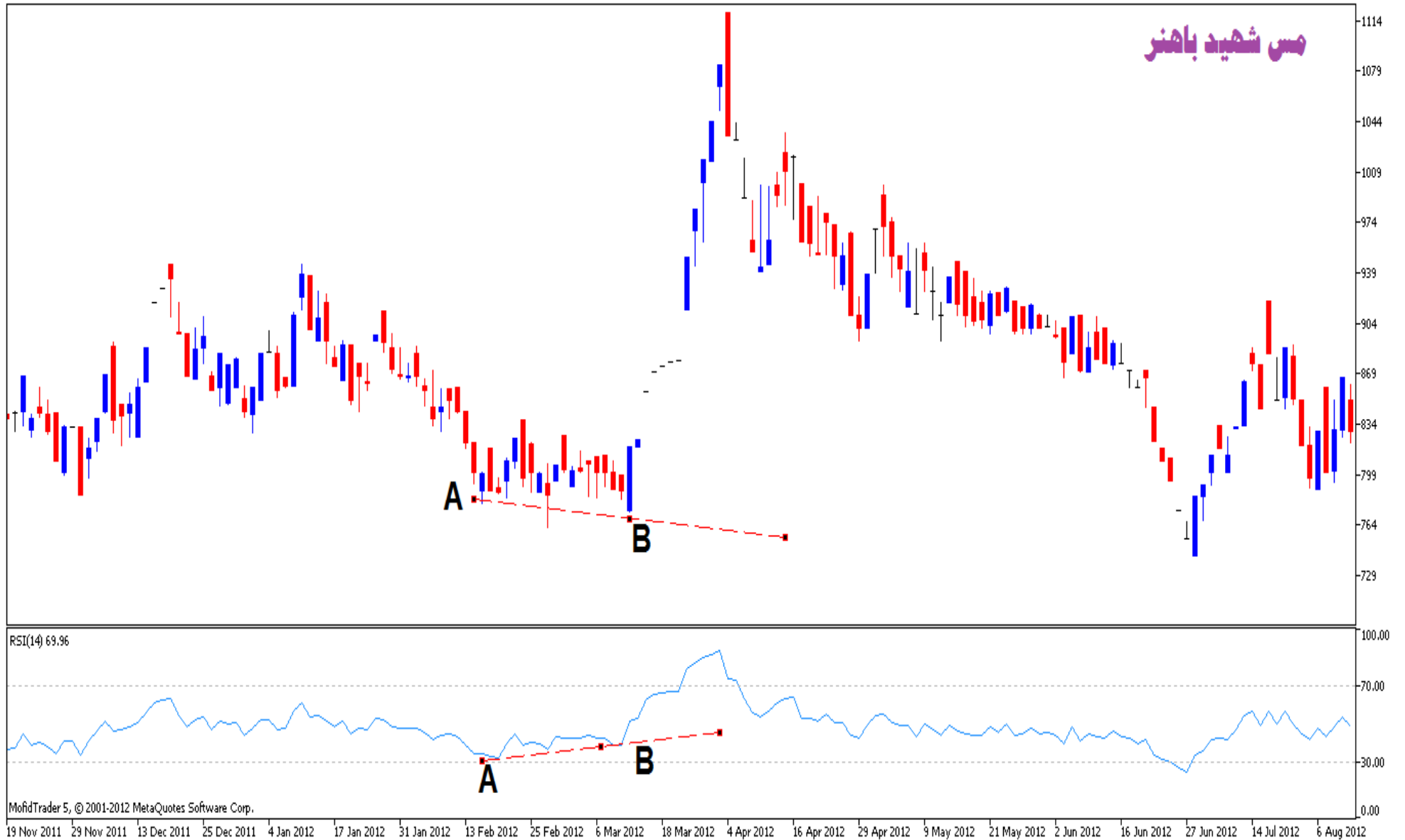
به شکل زیر توجه کنید:



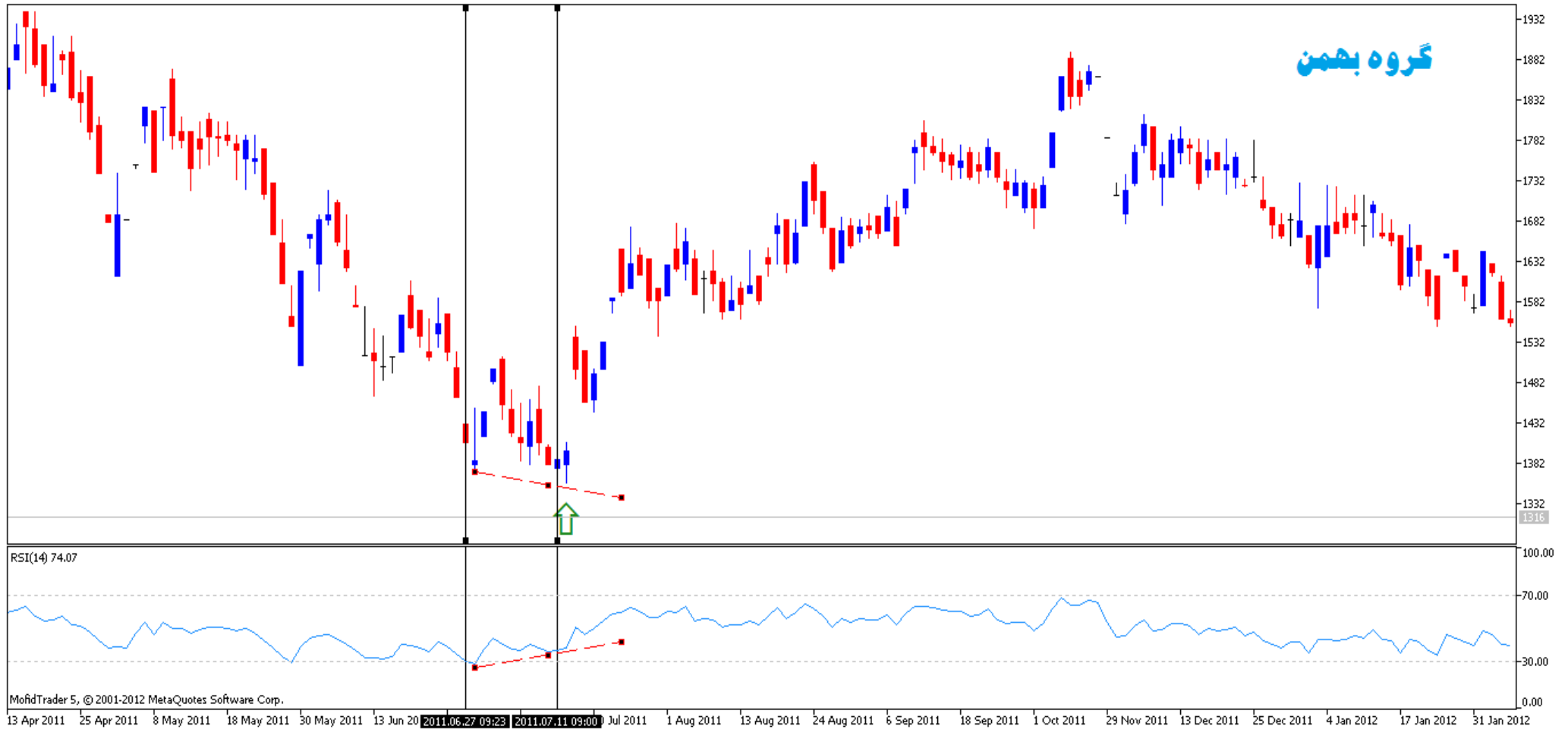
همانطور که ملاحظه می‌کنید خط واصل از A به B صعودی است اما در اوسيلاتور (RSI) روند خط واصل دونقطه متناظر با A و B کاملاً نزولی دیده می‌شود. در این شرایط

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال

واگرایی منفی بوجود آمده است.



واگرایی مثبت نشانه قدرتمندی برای پایان روند نزولی می باشد و در صورت تأیید با سایر ابزارها می توان اقدام به خرید کرد.

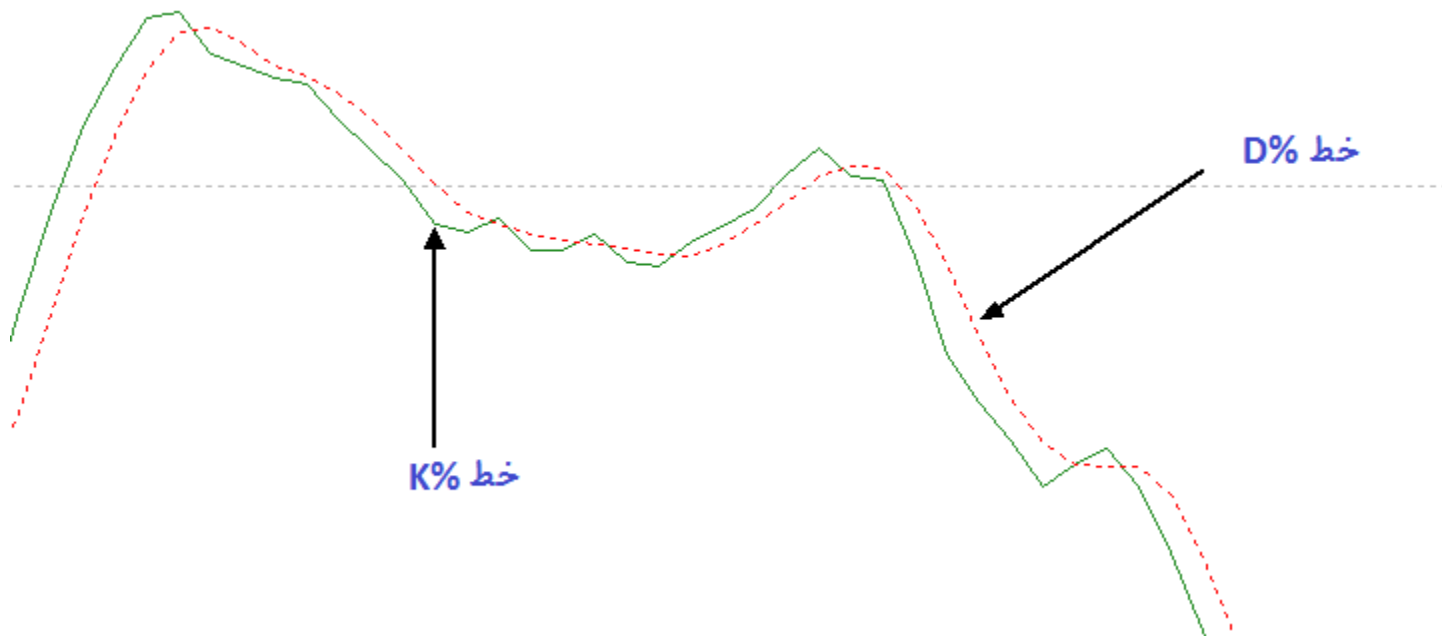


علامت سبز رنگ نقطه ورود مناسب را نشان می دهد. ملاحظه می کنید که در نمودار قیمت یک کندل صعودی شکل گرفته و نقطه مینیموم کامل شده است. یکی از مزیت های سیگنال های واگرایی بالا بودن نسبت سود به زیان است. مزیت دیگر این روش **اخطار سریع پایان روند** می باشد. **واگرایی ها بسیار سریع تر از سایر ابزارهای تکنیکال پایان** یک روند قدرتمند را به معامله گر اخطار می دهند.

نوسان نمای STOCHASTIC

اندیکاتور Stochastic یا همان استوکاستیک در اواخر دهه ۱۹۵۰ معرفی شده و از نوع نوسانگرهایی است که سرعت و شتاب تغییرات قیمت را اندازه گیری می کند. از اندیکاتور Stochastic می توان برای پیش بینی تغییر روند قیمت ها و یا مشخص کردن زمان بیش خرید و بیش فروش شدن یک سهم کمک گرفت. این اندیکاتور بر پایه این نظریه بنا شده است که قیمت های پایانی در حالت افزایشی تمایل دارند به سمت بالاترین قیمت دور بروند (و بالعکس)

اندیکاتور Stochastic از یک منحنی اصلی و یک منحنی سیگنال تشکیل شده که یکی K درصد و دیگری D درصد است و مقادیر آن بین ۰ تا ۱۰۰ نوسان می کند. خط K% بصورت یک خط توپر نمایش داده می شود و خط D% معمولاً بصورت یک خط نقطه چین نشان داده می شود. خط D درصد اهمیت به مراتب بیشتری نسبت به خط دیگر دارد و اکثر اخطارهای خرید و فروش را این خط صادر می کند. منحنی اصلی معمولاً به صورت خط پیوسته، و منحنی سیگنال به صورت خط چین نمایش داده می شود. این اندیکاتور دو سطح مهم ۲۰ درصد و ۸۰ درصد دارد که نشان دهنده سطوح "بیش فروش" (فروش افراطی) و "بیش خرید" (خرید افراطی) است.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

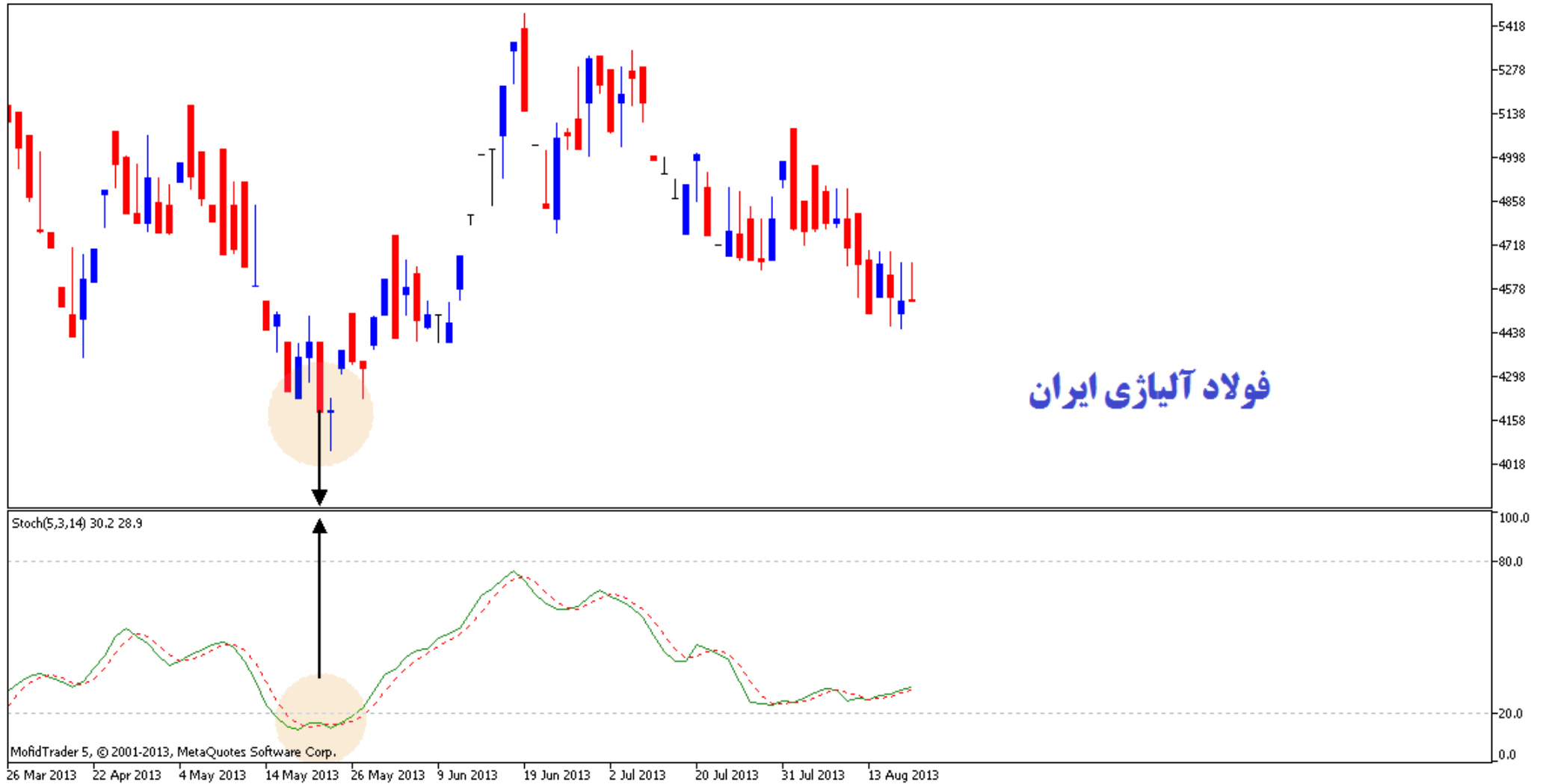
- K% مقدار استوکستیک که با خط ممتد نمایش داده می‌شود
- C آخرین قیمت بسته شدن
- L کمترین قیمت معامله در طی دوره اخیر
- H بیشترین قیمت معامله در طی دوره اخیر
- پس از محاسبه K% با استفاده از یک میانگین متحرک (معمولاً ۳ روزه) نمودار K% شکل هموارتری پیدا کرده و به صورت D% نشان داده می‌شود. (D% با خط چین نمایش داده می‌شود)

روش‌های تفسیر شاخص استوکستیک

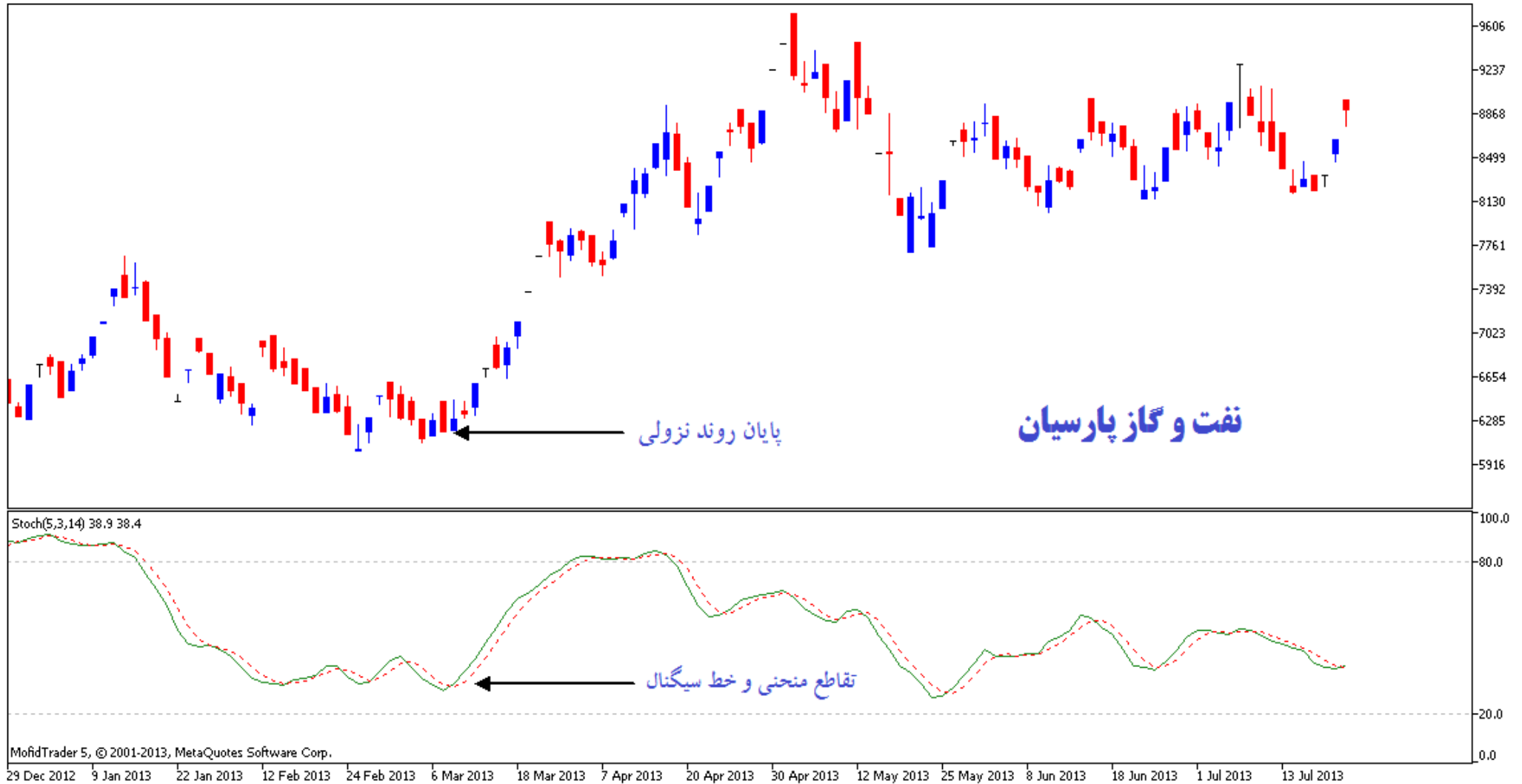
۱. تحلیل واگرایی در استوکستیک
۲. رسیدن به نقاط حدی استوکستیک [نقاط بیش خرید و بیش فروش]
۳. سیگنال‌های اخطار بازگشت روند با استوکستیک

سیگنال‌های خرید :

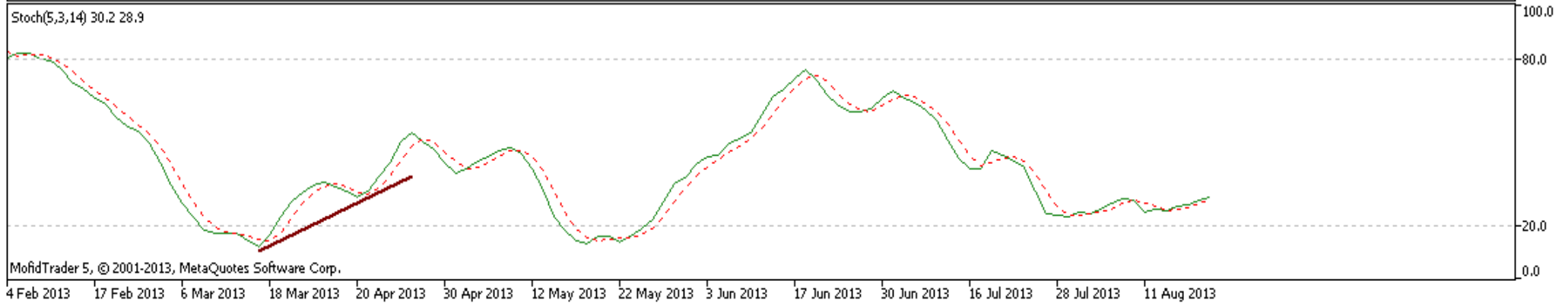
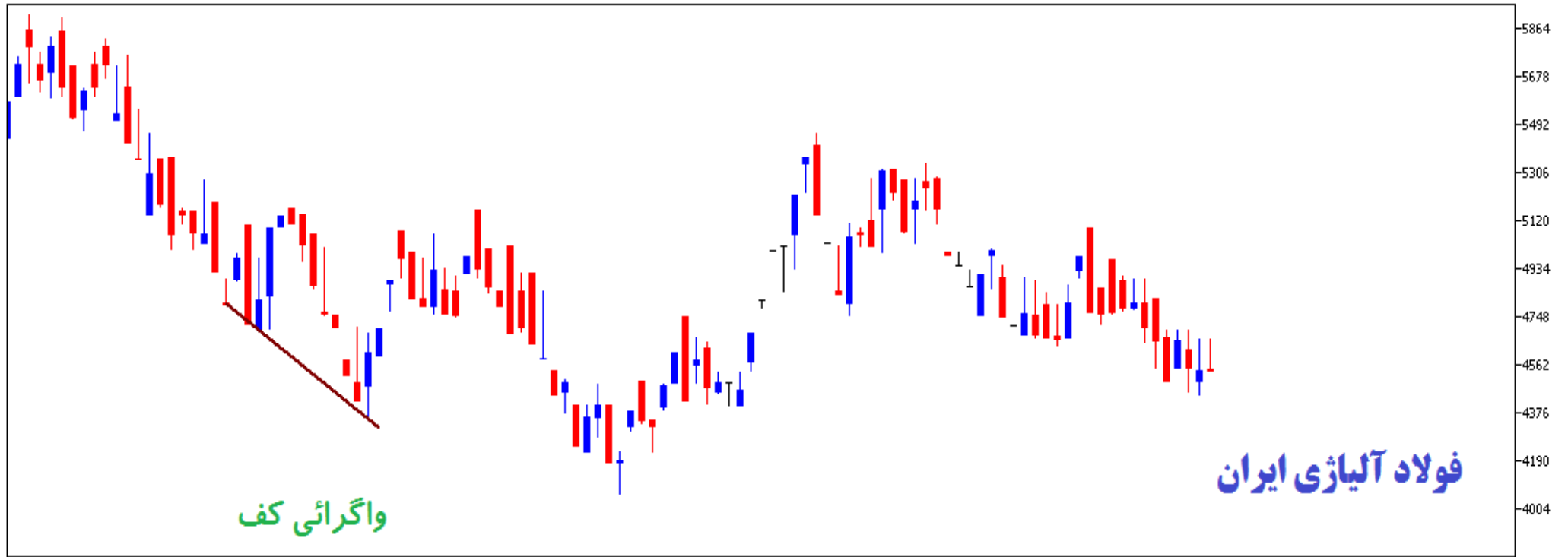
زمان بیش فروش شدن: ورود منحنی اصلی Stochastic به محدوده ۲۰ درصد نشانه بیش فروش شدن نماد و **احتمال افزایش قیمت‌ها** است. هر چه Stochastic مدت بیشتری در محدوده بیش فروش (زیر ۲۰ درصد) باقی بماند احتمال تغییر روند نزولی بازار و در نتیجه افزایش قیمت‌ها نیز بیشتر می‌شود.



تقاطع صعودی منحنی اصلی و سیگنال (سیگنال ضعیف): عبور صعودی منحنی اصلی Stochastic به بالای منحنی سیگنال نشانه‌ای از احتمال تغییر روند نزولی بازار و رشد آتی قیمت‌ها است.

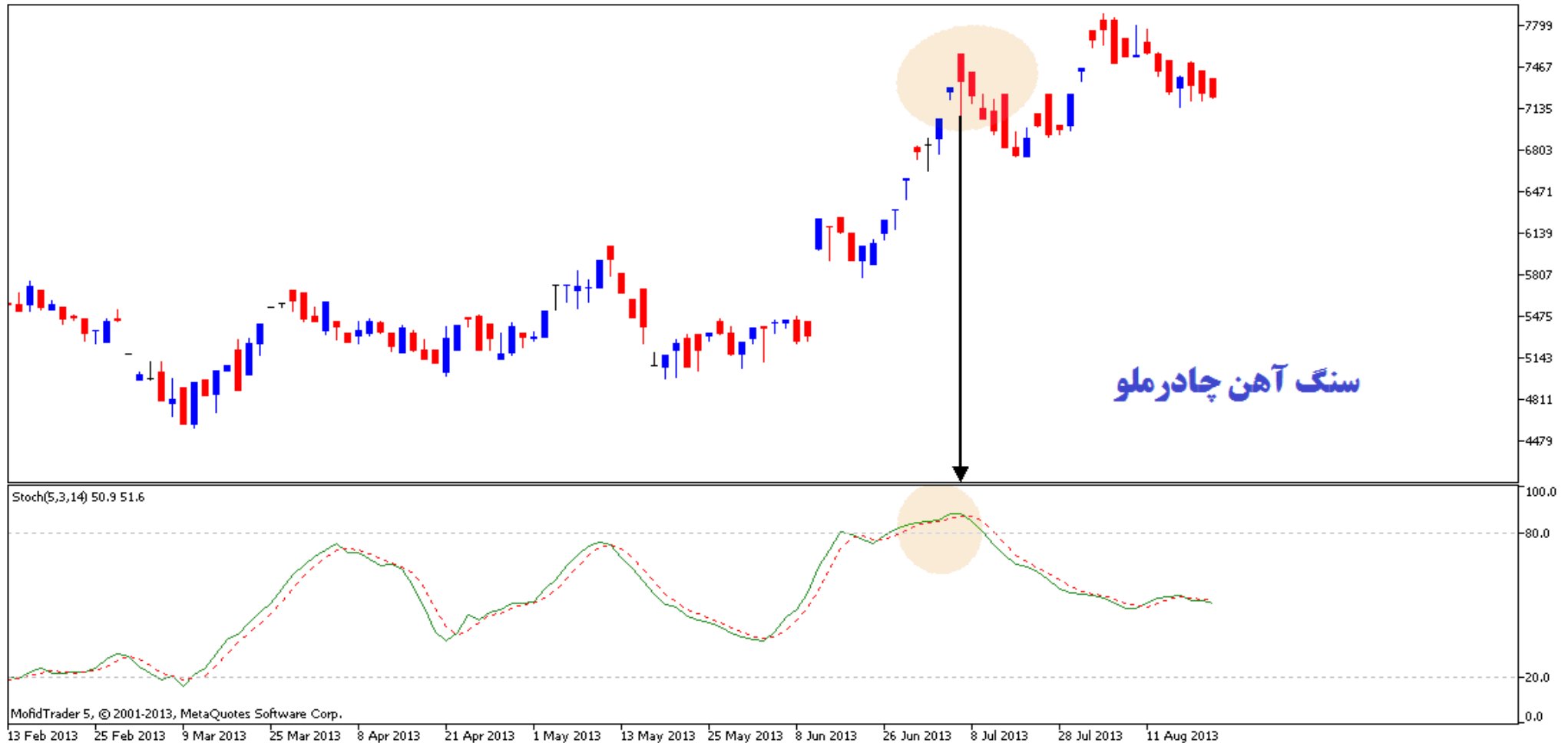


واگرایی نمودار قیمت و Stochastic: یعنی زمانی که در نمودار قیمت کفهای نزولی و در منحنی Stochastic کفهای صعودی تشکیل شود.

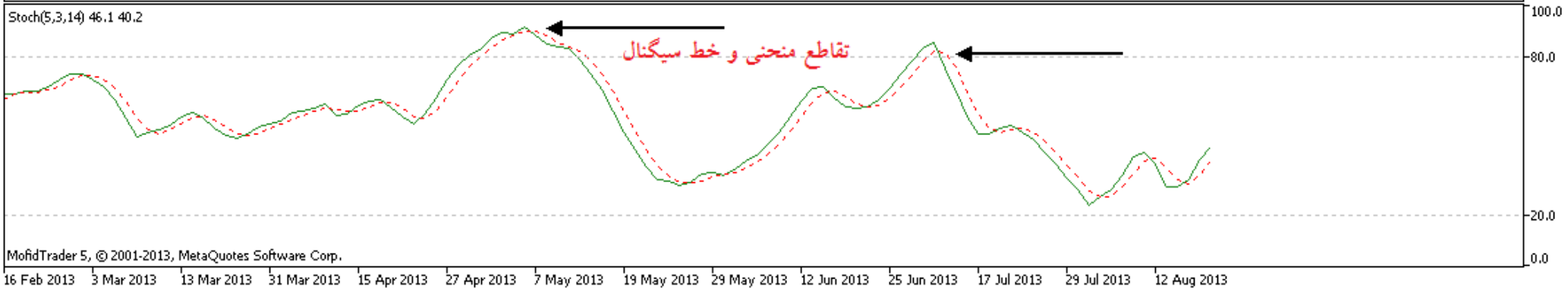
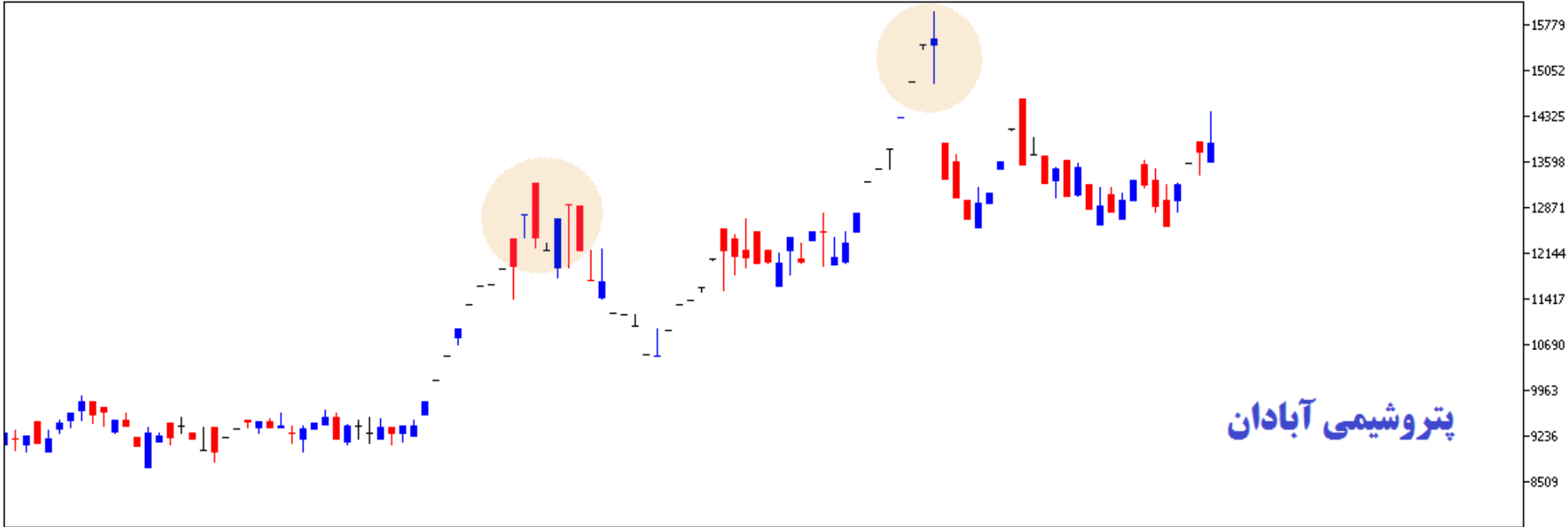


سیگنال های فروش

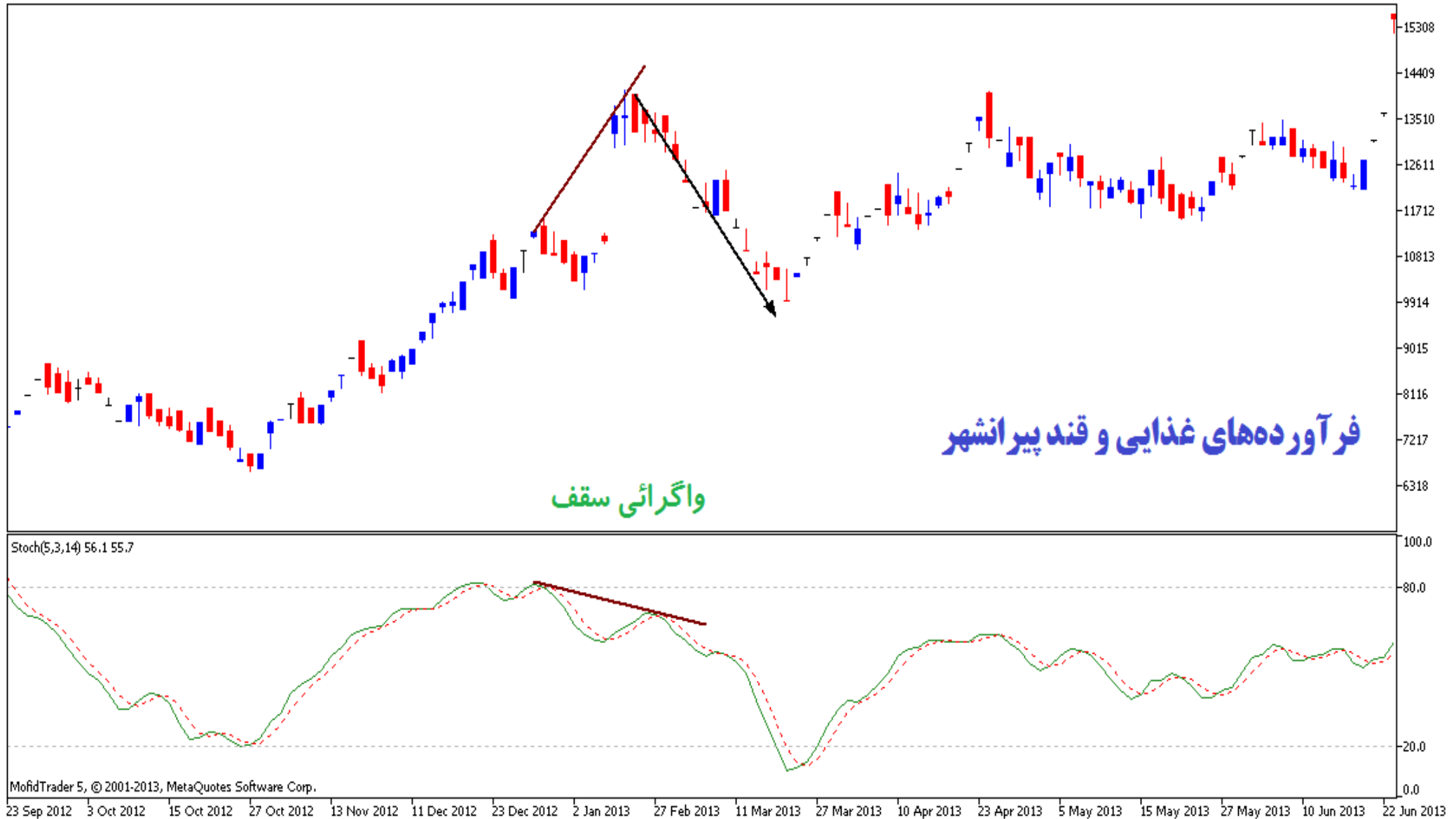
زمان بیش خرید شدن: ورود منحنی اصلی Stochastic به محدوده ۸۰ درصد نشانه بیش خرید شدن نماد و احتمال کاهش قیمت‌ها است. هر چه Stochastic مدت بیشتری در محدوده بیش خرید (بالای ۸۰ درصد) بماند احتمال تغییر روند صعودی بازار و در نتیجه کاهش قیمت‌ها نیز بیشتر می‌شود.



تقاطع نزولی منحنی اصلی و سیگنال (سیگنال ضعیف): عبور نزولی منحنی اصلی Stochastic به زیر منحنی سیگنال نشانه‌ای از احتمال تغییر روند صعودی بازار و کاهش آتی قیمت‌ها است.



واگرایی نمودار قیمت و Stochastic: یعنی زمانی که در نمودار قیمت قله‌های صعودی و در منحنی Stochastic قله‌های نزولی تشکیل شود.

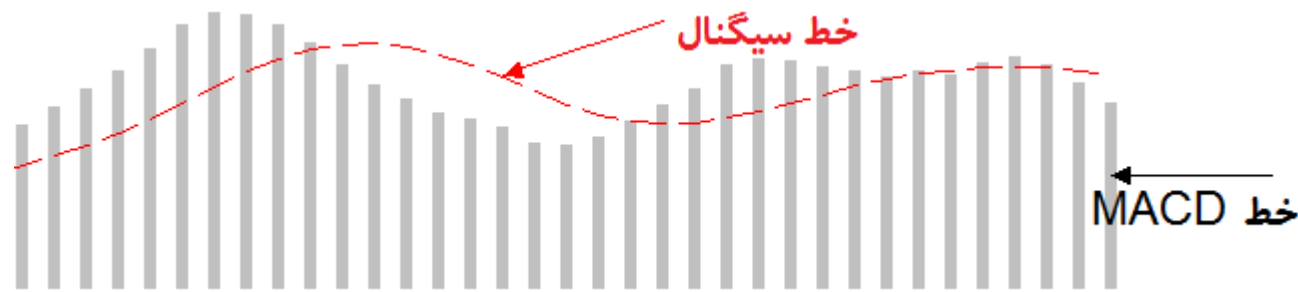


نکات مهم دیگر از استفاده از استوکاستیک :

- از استوکاستیک ۱۰ برای تشخیص جهت بازار در هفته پیش رو و از استوکاستیک روزانه برای خرید و فروش استفاده می‌شود
- ترکیب اندیکاتور قدرت نسبی (RSI) و استوکاستیک ۱۰ روزه : بهترین اخطار زمانی است که هر دو اسیلاتور اخطار خروج از بازار و خرید و فروش هیجانی را صادر کنند
- اگر سقفها کم عرض و کم ارتفاع باشد نیروی صعودی ضعیف و حرکت نزولی بعدی قوی می‌باشد
- اگر کفها کم عرض و کم ارتفاع باشد نیروی نزولی ضعیف و حرکت صعودی بعدی قوی می‌باشد

(Moving Average Convergence/Divergence (MACD)

این اندیکاتور محبوب‌ترین اندیکاتور در بین معامله‌گران تکنیکال است که از اختلاف بین میانگین متحرک‌های با دوره زمانی مختلف ترسیم و تشکیل می‌شود. این اندیکاتور، توسط جerald Appel مطرح شد و از سه میانگین متحرک در ساختارش بهره می‌برد اما تنها دو خط در نمودار آن مشخص است. خط اول (خط MACD نامیده می‌شود) اختلاف بین دو میانگین متحرک قیمت نمایی صاف را نشان می‌دهد (معمولاً ۱۲ و ۲۶). نرم افزار میانگین بلندتر (۲۶) را از میانگین کوتاهتر (۱۲) کم می‌کند تا خط MACD بدست آید. یک میانگین متحرک دیگر نیز (معمولاً با بازه ۹) برای خط دوم (سیگنال) استفاده می‌شود. نتیجه نهایی شامل **دو خط** در نمودار است. خط MACD تندتر و خط سیگنال کندتر.



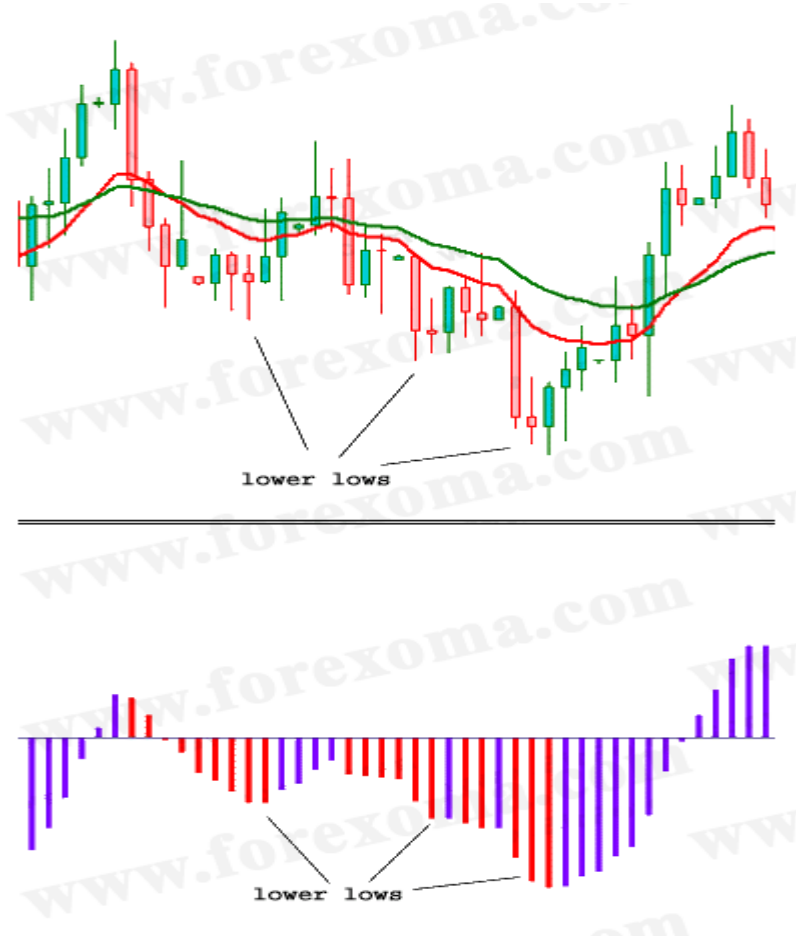
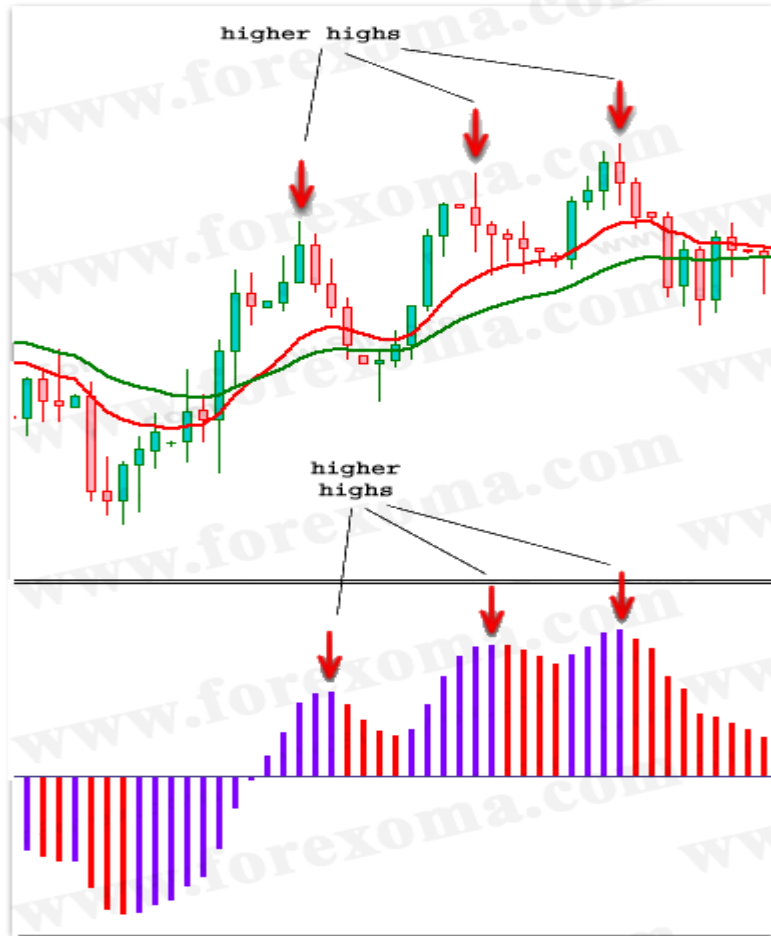
هیستوگرام MACD

هیستوگرام MACD شامل میله‌های عمودی است که از اختلاف بین خطوط MACD به دست می‌آید. هیستوگرام خط صفر مخصوص به خود را دارد. زمانی که خطوط MACD در تراز مثبت هستند هیستوگرام در بالای خط صفر قرار می‌گیرد و بالعکس.

ارزش واقعی هیستوگرام زمانی مشخص می‌شود که فاصله بین دو خط در حال بازتر یا بسته شدن است. زمانی که هیستوگرام در بالای خط صفر خودش قرار می‌گیرد، اما شروع به کاهش به سمت پایین می‌کند، **روند صعودی در حال تضعیف** است، بر عکس زمانی که هیستوگرام در زیر خط صفر قرار دارد و شروع به بالارفتن به سمت خط

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

صفر می‌کند، روند نزولی در حال از دست دادن پتانسیلش است. اخطار خرید و فروش زمانی صادر می‌شود که هیستوگرام از خط صفر خودش عبور کند و هر چرخش در هیستوگرام اخطار زود هنگامی درباره تضعیف روند موجود است. چرخش هیستوگرام به سمت زیر خط صفر همواره زودتر از اخطارهای عبوری اتفاق می‌افتد، اما خطرناک‌ترین کار این است که از چرخش‌های هیستوگرام به عنوان بهانه‌ای برای انجام معامله بر خلاف جهت روند موجود استفاده شود.



سیگنال‌های خرید و فروش براساس MACD

بیشتر تحلیلگران ترجیح می‌دهند که از یک اندیکاتور ۹، ۱۲، ۲۶ MACD و برای تمام وضعیت‌ها استفاده کنند. با انجام اینکار سیگنال‌های خرید و فروش توسط همان میانگین‌های متحرک برای تمامی نمودارهای روزانه هفتگی و ماهانه بدست می‌آید.

استفاده اول از این اندیکاتور به عبور میله‌ها و شاخص خود MACD از **خط مرکزی صفر** مربوط می‌شود. با عبور از خط صفر با توجه به جهتی که شاخص اندیکاتور از بالا به پایین یا از پایین به بالا عبور کرده است جهت کلی روند پیش بینی و تحلیل می‌شود. زمانی که این خطوط تا حد زیادی در بالای خط صفر قرار می‌گیرند **شرایط خرید هیجانی** محسوب می‌شود و بالعکس. عبور رو به بالا و رو به پایین از خط صفر راه دیگری برای **دریافت اخبارهای خرید و فروش** است.

در مواقعی که خط MACD از صفر عبور می‌کند. خط MACD بیانگر افتلاف بین منحنی‌های کوتاه مدت (معمولاً ۱۲ دوره‌ای) و بلند مدت (معمولاً ۲۶ دوره‌ای) است به این ترتیب هنگامیکه این خط از محور x عبور کند یک تقاطع بین دو منحنی میانگین حرکتی شکل می‌گیرد. اگر خط MACD از صفر بالا رود، علامتی است از صعود و اگر خط MACD زیر صفر افت کند علامتی از سقوط.

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



تفسیر خطوط MACD بسیار آسان است و از تکنیک عبور استفاده می‌شود. به بیان دیگر، سیگنال‌های خرید زمانی ثبت می‌شوند که خط MACD تندتر به

بالای خط سیگنال کندتر عبور کند. سیگنال‌های فروش زمانی رخ می‌دهند که خط تندتر به پایین خط کندتر عبور کند. با استفاده از این روش ،

سیگنال‌های معاملاتی ارزشمندی در جهت صحیح روند بازار بدست می‌آید(به عنوان مثال سیگنال خرید در بازار صعودی و سیگنال فروش در بازار نزولی). به طور طبیعی،

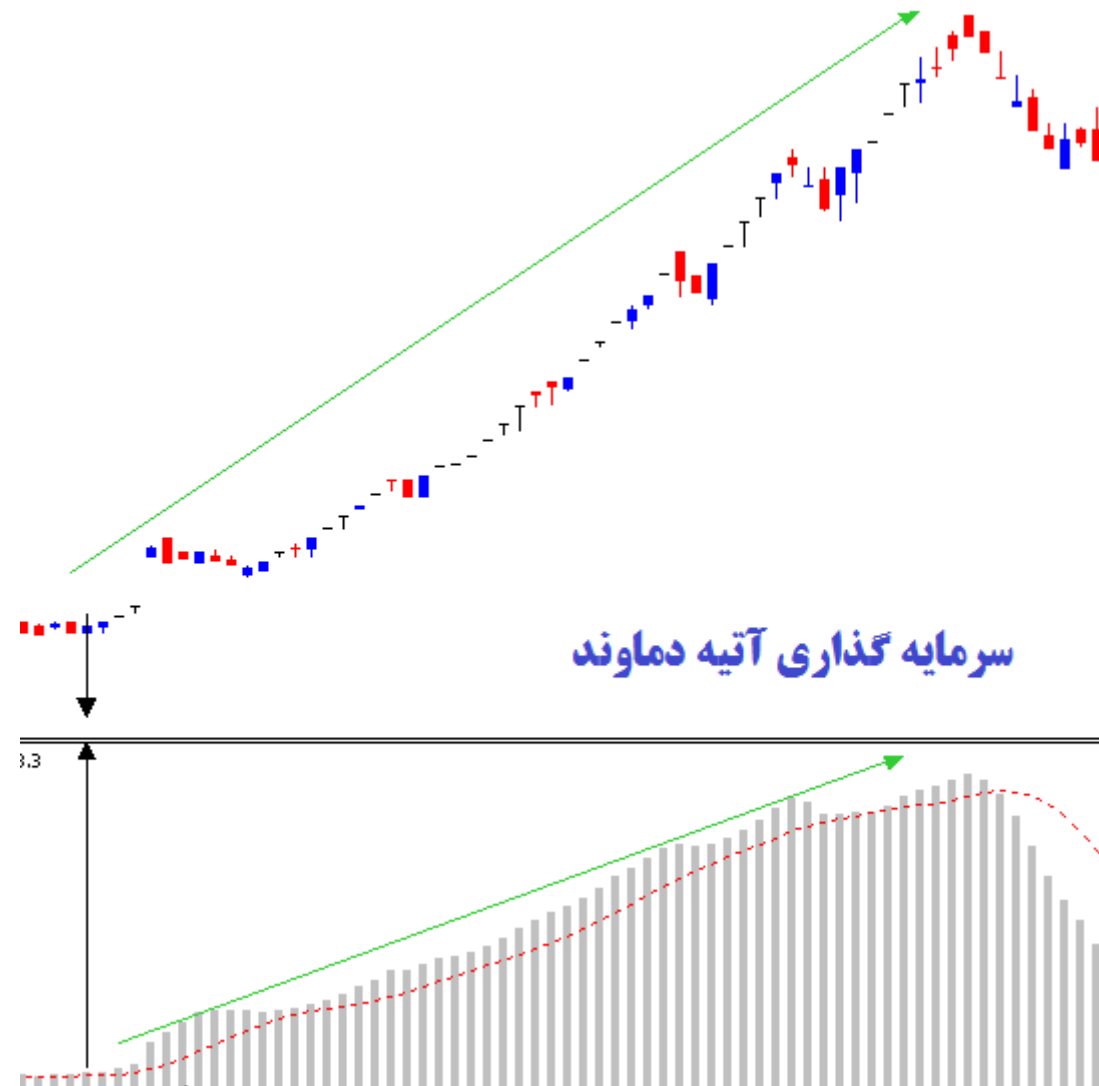
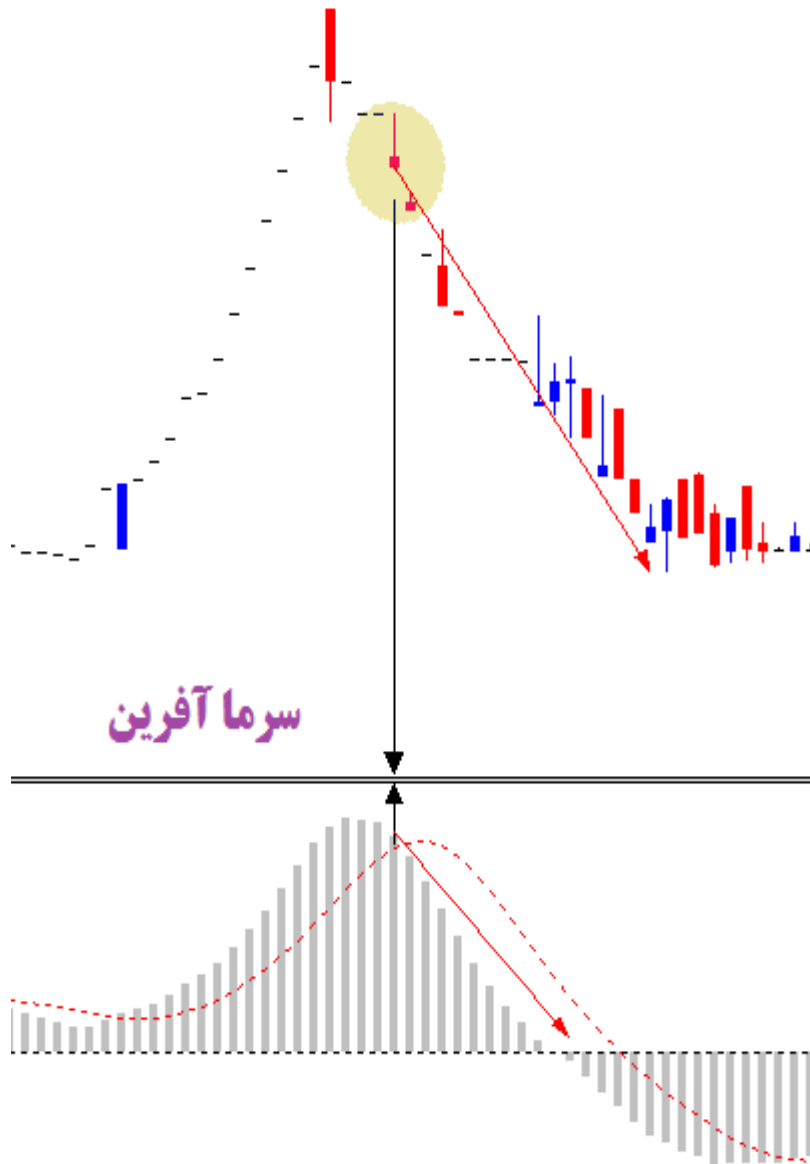
سیگنال‌هایی که در نمودار روزانه بدست می‌آید بسیار بیشتر است و در بازه کوتاه‌تری در مقایسه با سیگنال‌های نمودار هفتگی عمل می‌کنند. به همین خاطر است که

سیگنال‌هایی که از نمودار هفتگی بدست می‌آید اعتبار بسیار بیشتری دارد، و از نمودار روزانه می‌توان برای زمان بندی یا برای سیگنال‌های کوتاه مدت استفاده کرد

اگر خط MACD (آبی) از خط سیگنال (قرمز) عبور کند نشان می‌دهد که ممکن است تغییری در روند رخ دهد. اگر خط MACD سریع‌تر از خط سیگنال صعود کند و از پایین

آن را قطع کند نشان دهنده صعود و افزایش قیمت است. اگر خط MACD سریع‌تر از خط سیگنال پایین بیاید و آن را از بالا قطع کند نشان دهنده سقوط و کاهش قیمت است.

اگر MACD بالای خط سیگنال باشد علامت خرید و اگر MACD پایین خط سیگنال باشد علامت فروش می‌باشد.



کرن ایران

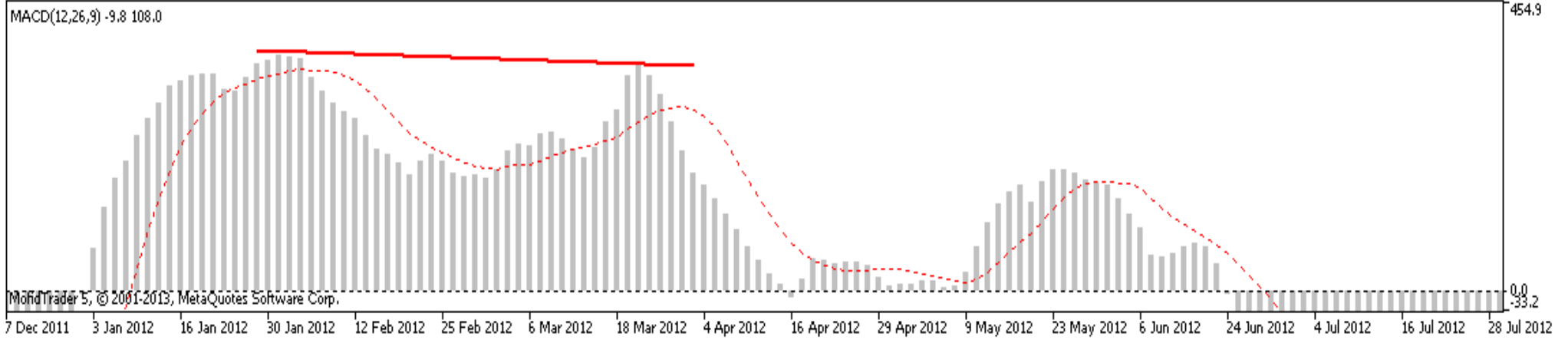




(میانگین متحرک همگرا - واگرا)

اگر خط MACD هم جهت با قیمت حرکت کند، این الگو را همگرایی می نامند اما اگر این دو در خلاف جهت هم حرکت کنند حالت واگرایی پدید می آید و باید منتظر برگشت روند حرکت قیمت سهم باشیم.





شاخص کانال کالا (Commodity Channel Index) CCI

این شاخص انحراف قیمت از میانگین را به عنوان یک متغیر آماری محاسبه می‌کند. محدوده تغییرات این شاخص معمولاً بین $+100$ تا -100 است. زمانی که این شاخص از پایین $+100$ را به سمت بالا قطع می‌کند، علامت خرید و هرگاه از بالا -100 را به سمت پایین قطع کند، علامت فروش است.

۱- بیشتر تحلیل گران تکنیکی از این شاخص فقط به عنوان شناسایی نقاط خرید و فروش هیجانی استفاده می‌کند

۲- یک میانگین متحرک ۲۰ روزه به عنوان یک مبنای محاسبه استفاده می‌شود

۳- اگر بازار روند دار بود از سیگنال مناطق اشباع خرید و فروش استفاده نشود

۴- اگر شیب میانگین متحرک کم و نزدیک به صفر بود بازار بدون روند است

سیگنال خرید

۱) بهترین زمان خرید هنگامی است که نمودار شاخص با شیب صعودی مثبت از منطقه اشباع فروش خارج شود یعنی شاخص با شیب صعودی خط $+100$ را قطع کند و بالاتر از آن قرار گیرد

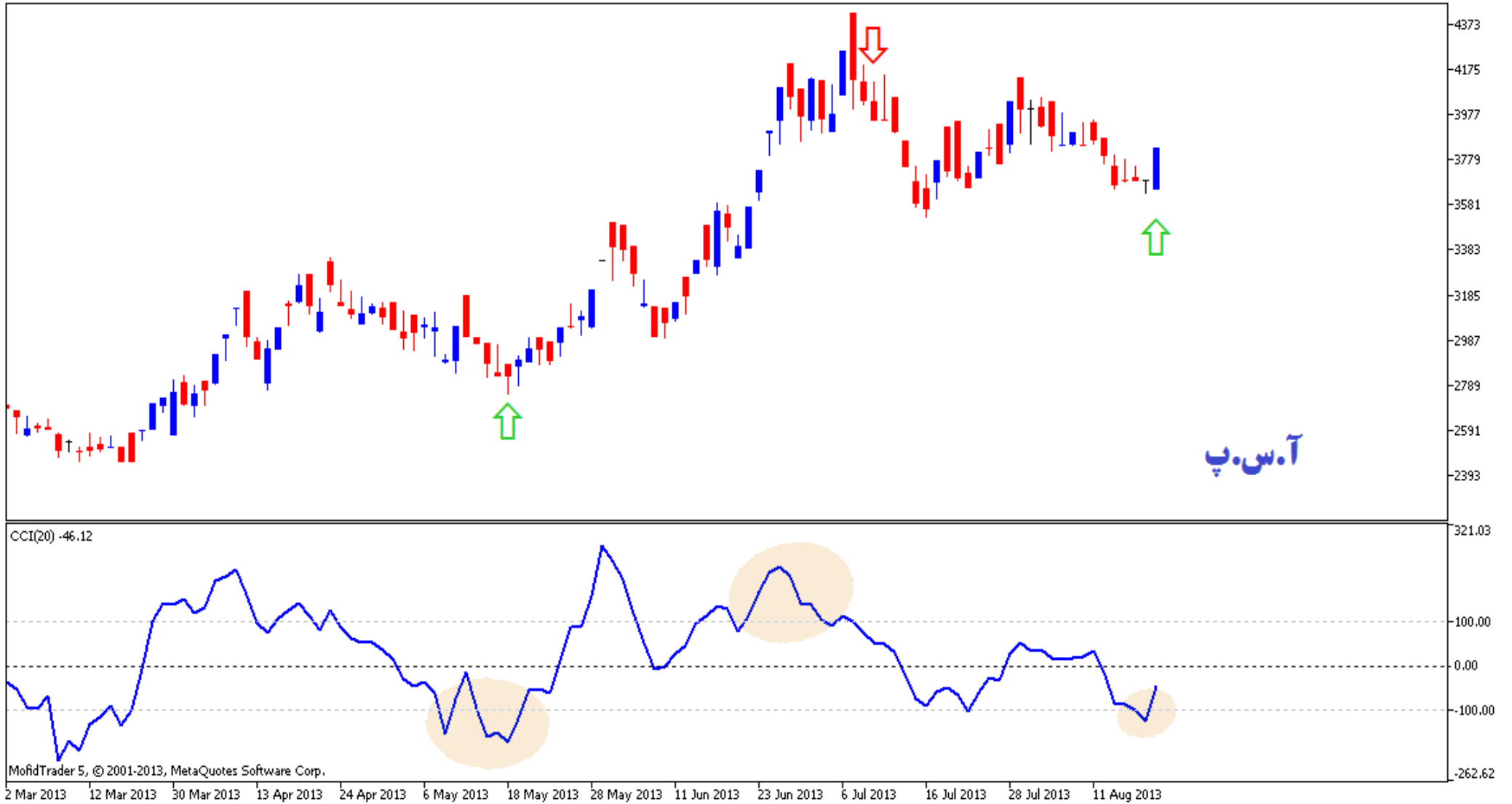
۲) زمانی یک واگرایی صعودی مثبت میان نمودار و شاخص پدیدار گردد (روند دار)

سیگنال فروش

۱) بهترین زمان فروش هنگامی است که نمودار شاخص با شیب نزولی منفی از منطقه اشباع خرید خارج شود یعنی شاخص با شیب نزولی خط $+100$ را قطع کند و پایین تر از آن قرار گیرد

۲) زمانی یک واگرایی نزولی منفی میان نمودار و شاخص پدیدار گردد (روند دار)

Technical Analysis – تحلیل تکنیکال



ضرب آهنگ یا MOMENTUM

- بین یک محور افقی بین یک مقدار حداقل و حداکثر در نوسان است.
- مبنای محاسباتی در این نماگر قیمت بسته شدن است.
- نماگر مومنتوم قدرت حرکت گرایشی قیمت را در بازار اندازه گیری می‌کند و واحد آن بر حسب درصد است.

MOM

C_i قیمت بسته شدن فعلی

C_{i-1} قیمت بسته شدن در دوره قبل

دوره متعارف برای این اندیکاتور معمولاً ۱۴ است.

هنگام گذر منحنی نماگر مومنتوم از تراز ۱۰۰ **به سمت بالا روند قیمتها صعودی** ، و در صورت عبور از خط **به سمت پایین روند نزولی** تلقی می‌گردد و مقدار معرف خط وسط عدد ۱۰۰ است.

قله شدن منحنی مومنتوم و حرکت در جهت مخالف نشانه تضعیف روند گرایش است نه تغییر جهت و تا هنگامی که منحنی به خط ۱۰۰ نرسیده و از آن عبور نکرده زود است در مورد تغییر روند قیمت قضاوت کنیم.



اندیکاتورهای حجمی (Volume Indicators)

Accumulation/Distribution ➤

Money Flow Index ➤

On Balance Volume ➤

Volumes ➤

MFI (Money Flow Index) شاخص جریان نقدی

MFI اندیکاتوری است که بیانگر شتاب حرکت است و خصوصیاتش شبیه RSI دارد (هم در شیوه محاسبه و هم در روش تفسیر). با این حال MFI از انعطاف کمتری برخوردار است چرا که با در نظر گرفتن حجم معاملات موزون می‌شود و بنابراین مقیاس خوبی برای قدرت گردش پول وارد و خارج شده از یک سهم است. در این اندیکاتور جریان پول ورودی (مثبت) با جریان پول خروجی (منفی) مورد مقایسه قرار می‌گیرند و شاخصی به دست می‌آید که می‌تواند در قیاس با قیمت، قدرت یا ضعف روند را به نمایش گذارد. درست مشابه RSI این اندیکاتور هم در محدوده‌های بین ۰ تا ۱۰۰ در نوسان است و دوره زمانی پیش فرض در آن ۱۴ روزه است. این شاخص جریان نقدی ورودی یا خروجی برای خرید یا فروش سهم را نشان می‌دهد. اگر این شاخص بالای ۸۰ باشد در واقع سهم در منطقه **اشباع خرید** قرار دارد و زمانی که شاخص کمتر از ۲۰ است، سهم در منطقه **اشباع فروش** واقع است.

شیوه محاسبه:

جریان پول، از حاصل ضرب قیمت و حجم به دست می‌آید و میزان تقاضا برای یک سهم را در قیمتی مشخص نشان می‌دهد.

$$۳ / (بالا ترین قیمت روز + پایین ترین قیمت روز + قیمت پایانی) = قیمت نمونه$$

جریان پول مثبت = مجموع جریان پول خام در طی دوره مورد نظر که در آنها قیمت نمونه افزایشی بوده است.

جریان پول منفی = مجموع جریان پول خام در طی دوره مورد نظر که در آنها قیمت نمونه کاهش یافته است.

(جریان پول منفی / جریان پول مثبت) = شاخص پول

$$MFI = ۱۰۰ - [۱۰۰ / (۱ + شاخص پول)]$$

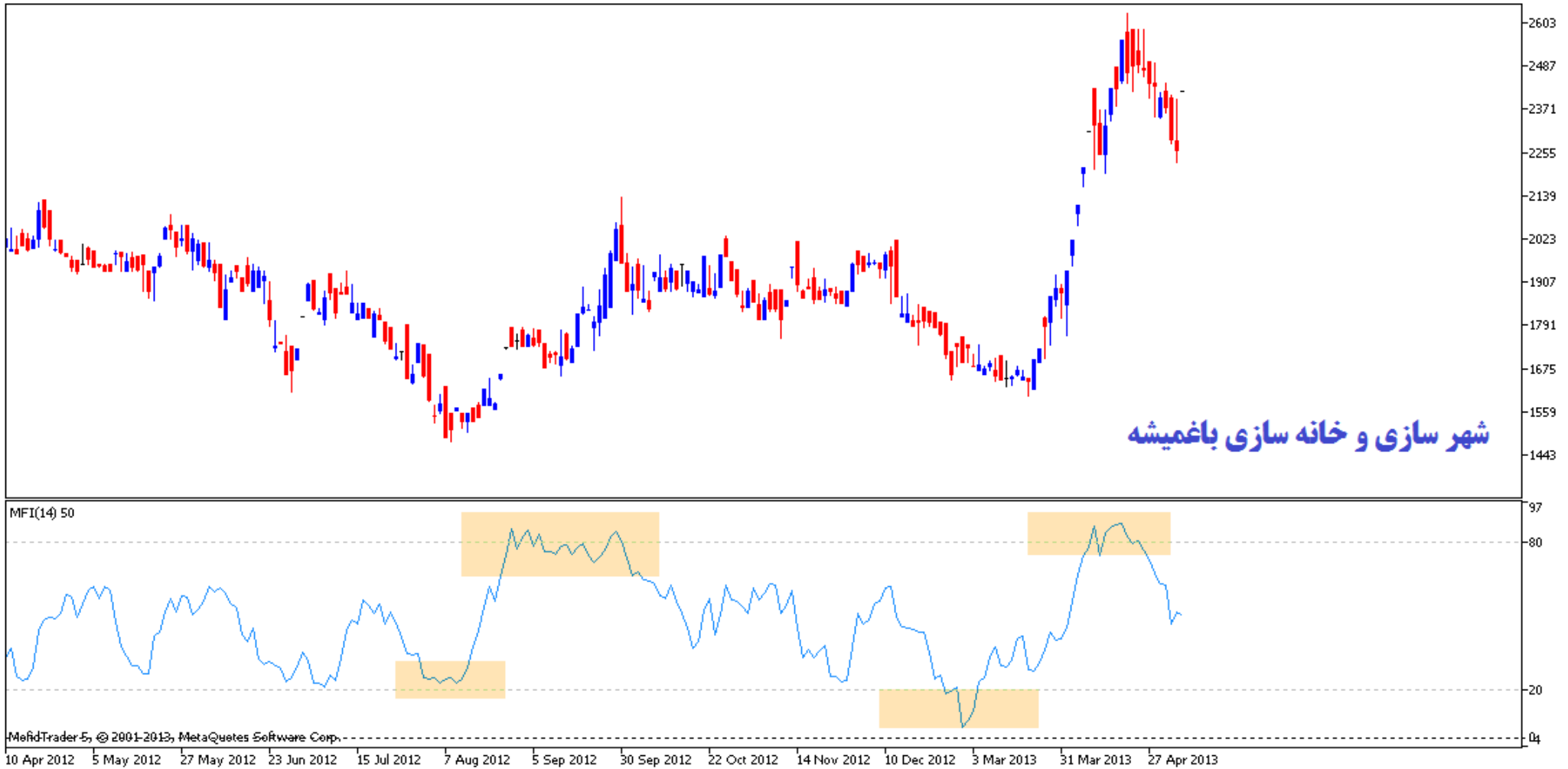
هر قدر که تعداد دوره‌های زمانی در محاسبه MFI کمتر باشد، نوسانات MFI شدیدتر خواهد شد.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

شیوه استفاده از این اندیکاتور بسیار مشابه RSI است و با توجه به واگرایی و همگرایی‌ها بین این اندیکاتور و نمودار قیمت نسبت به تحلیل آن می‌توان اقدام کرد.

خرید و فروش‌های افراطی

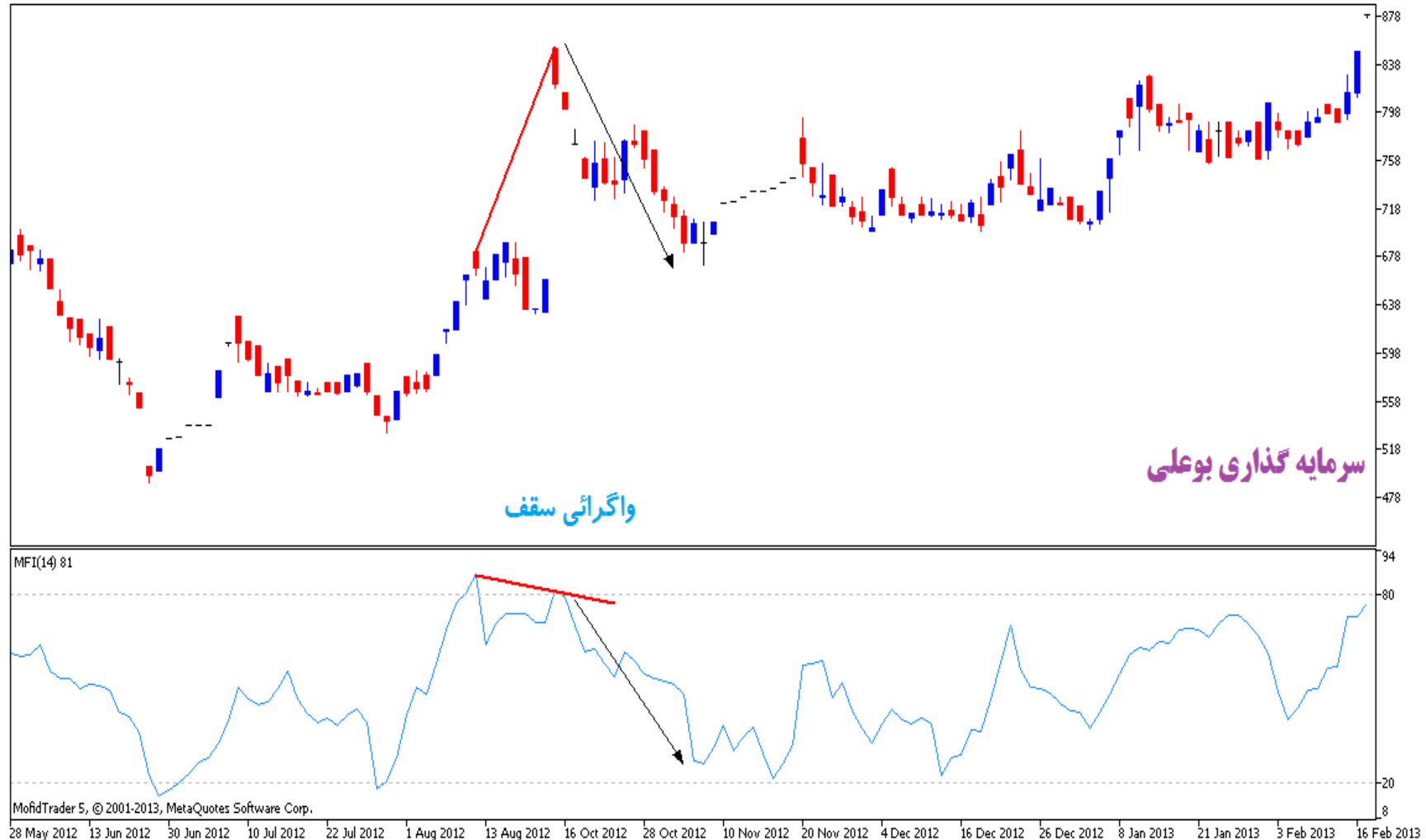
درست مشابه RSI اندیکاتور MFI قادر به تشخیص حجم افراطی زیاد و کم در یک سهم است. وقتی این اندیکاتور مقادیری بیش از ۸۰ به خود می‌گیرد سهم در شرایط خرید افراطی است و زمانی که این اندیکاتور به زیر ۲۰ سقوط می‌کند، فروش افراطی گریبانگیر سهم شده است.



همگرایی - واگرایی

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

وقوع واگرایی و همگرایی در نمودار می‌تواند موجب تولید سیگنال‌های خرید و فروش شود و به همین ترتیب بیانگر تغییر روندها در آینده نزدیک می‌شود. چنانچه قیمت یک سهم در حال کاهش باشد ولی جریان پول وارده بیشتر از جریان پول خارج شده باشد می‌توان چنین نتیجه گرفت حجم معاملات در روزهایی که قیمت سهام بالا می‌رود بیشتر از روزهایی است که قیمت سهام افت می‌کند. با این حساب می‌توان انتظار یک روند کاهشی ضعیف را داشت که به زودی به پایان می‌رسد چرا که جریان ورود پول به سهم بزرگتر از جریان خروج پول از سهم است.



فصل هفتم : الگوهای شمعی Candlestick pattern

بیش از دو قرن پیش در ژاپن برای تحلیل قیمت برنج نمودارهای کندل استیک اختراع شد. عمده این معروفیت و استفاده را ژاپنی‌ها مدیون ”مانه‌یسا هما” در قرن هفدهم میلادی می‌باشند حال آنکه بیش از دو دهه نیست که نمودارهای شمعی در غرب رواج یافته است و دلیل عمده ترویج این نمونه نمایش نمودار در غرب نیز مربوط به سیستم‌های رایانه‌ای می‌باشد. الگوهای شمعی می‌توانند شامل **یک شمع** یا **ترکیب چند شمع** باشند اما به طور معمول بیشتر از پنج شمع نیستند. بیشتر الگوهای شمعی برای نشان دادن **نقاط برگشتی** مورد استفاده قرار می‌گیرند. از لحاظ ماهیت، کندل استیک‌ها یا برای ترسیم نمودارها و نمایش قیمت برای تحلیل تکنیکال به کار می‌روند و یا به صورت منفرد ترکیب و شیوه نمایش آنها، ابزاری برای تحلیل و پیش بینی جهت آینده بازار می‌باشد. عمده دلیل محبوبیت روزافزون استفاده از این نمودارها بین تحلیلگران، راحتی استفاده و مشخص بودن وضعیت صعودی یا نزولی هر کندل استیک بصورت منفرد می‌باشد. در این بخش ابتدا به معرفی و نامگذاری کندل استیک‌ها می‌پردازیم و سپس کاربرد و معانی الگوهای ترکیبی یا منفرد را توضیح خواهیم داد.

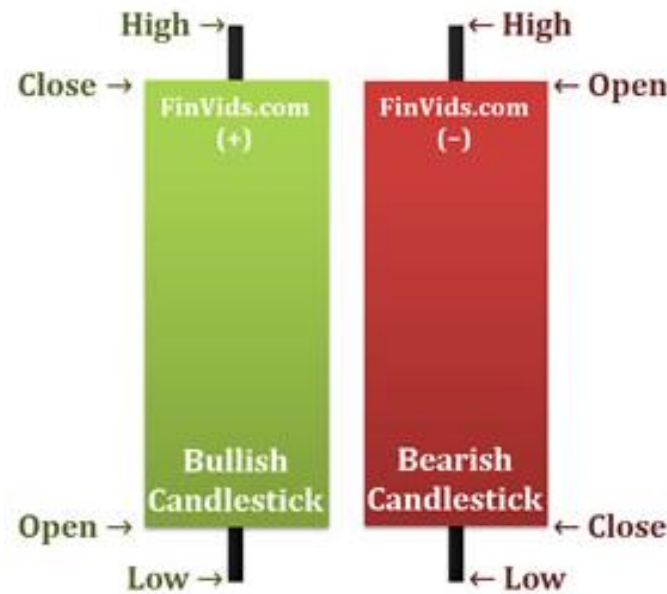
قبل از آغاز معرفی الگوها سه نکته اساسی در استفاده از الگوهای شمعی حائز اهمیت است که باید رعایت شود.

- تشکیل الگوها تنها زمانی مورد توجه قرار می‌گیرند که **تغییرات قیمت دارای روند** باشد. در صورت وجود نداشتن روند صعودی یا نزولی، اهمیت و جهت گیری برای استفاده از الگوهای کندل استیک برگشتی یا ادامه دهنده وجود ندارد.
- الگوهای کندل استیک بازگشتی تنها زمانی در داخل روند علامت بازگشت روند را اعلام می‌کنند که این الگوها **همزمان با ابزاری دیگر برای بازگشت روند** همراه باشد. تحلیل گران تکنیکال عموماً هنگامی به الگوهای کندل استیک بازگشتی اهمیت می‌دهند که در محدوده **حمایت و یا مقاومت** خاصی تشکیل شوند.
- الگوهای شمعی با وجود اینکه در اغلب موارد نقاط ورود درستی را نشان می‌دهند اما **نمی‌توان** **برای خروج حتماً منتظر تشکیل الگوی بازگشتی دیگری ماند** و باید در اینجا نیز ابزارهای دیگر تکنیکال برای خروج استفاده کرد.

| الگوهای شمعی صعودی | الگوهای شمعی نزولی | الگوهای منفرد |
|---------------------------------|-----------------------------|------------------|
| تک شمعی صعودی | تک شمعی نزولی | Candlestick Line |
| Belt Hold Line Bullish | Belt Hold Line Bearish | Doji |
| Hammer | Hanging Man | High Waves |
| Inverted Hammer | Shooting Star | Spinning Tops |
| دو شمعی صعودی | دو شمعی نزولی | Stars |
| Bullish Engulfing | Bearish Engulfing | |
| Counterattack Lines Bullish | Counterattack Lines Bearish | |
| Gapping Play Rising | Dark Cloud Cover | |
| Harami Bullish | Falling Window | |
| Harami Cross Bullish | Gapping Play Falling | |
| Piercing Pattern | Harami Bearish | |
| Rising Window | Harami Cross Bearish | |
| Seperating Line Bullish | Seperating Line Bearish | |
| Side by Side White Line Bullish | Side by Side Lines Bearish | |
| Tasuki Gap Bullish | Tasuki Gap Bearish | |
| Tweezer Bottom | Tweezer Top | |
| سه شمعی صعودی | سه شمعی نزولی | |
| Abandoned Baby Bottom | Abandoned Baby Top | |
| Frying Pan Bottom | Dumpling Top | |
| Morning Star | Evening Star | |
| Rising Three | Falling Three | |
| Three Buddha Bottom | Three Buddha Top | |
| Three White Soldiers | Three Crows | |
| Tower Bottom | Tower Top | |

شمع نزولی و صعودی

هنگامی که قیمت بسته شدن شمعی بیشتر از قیمت باز شدن آن باشد، آن شمع شمعی صعودی است که با بدنه آن با رنگهای سفید یا سبز نشان داده می‌شود. در مقابل، اگر قیمت بسته شدن کمتر از قیمت باز شدن باشد، شمع شمعی نزولی محسوب شده و توسط بدنه‌ای سیاه یا قرمز نمایش داده خواهد شد.

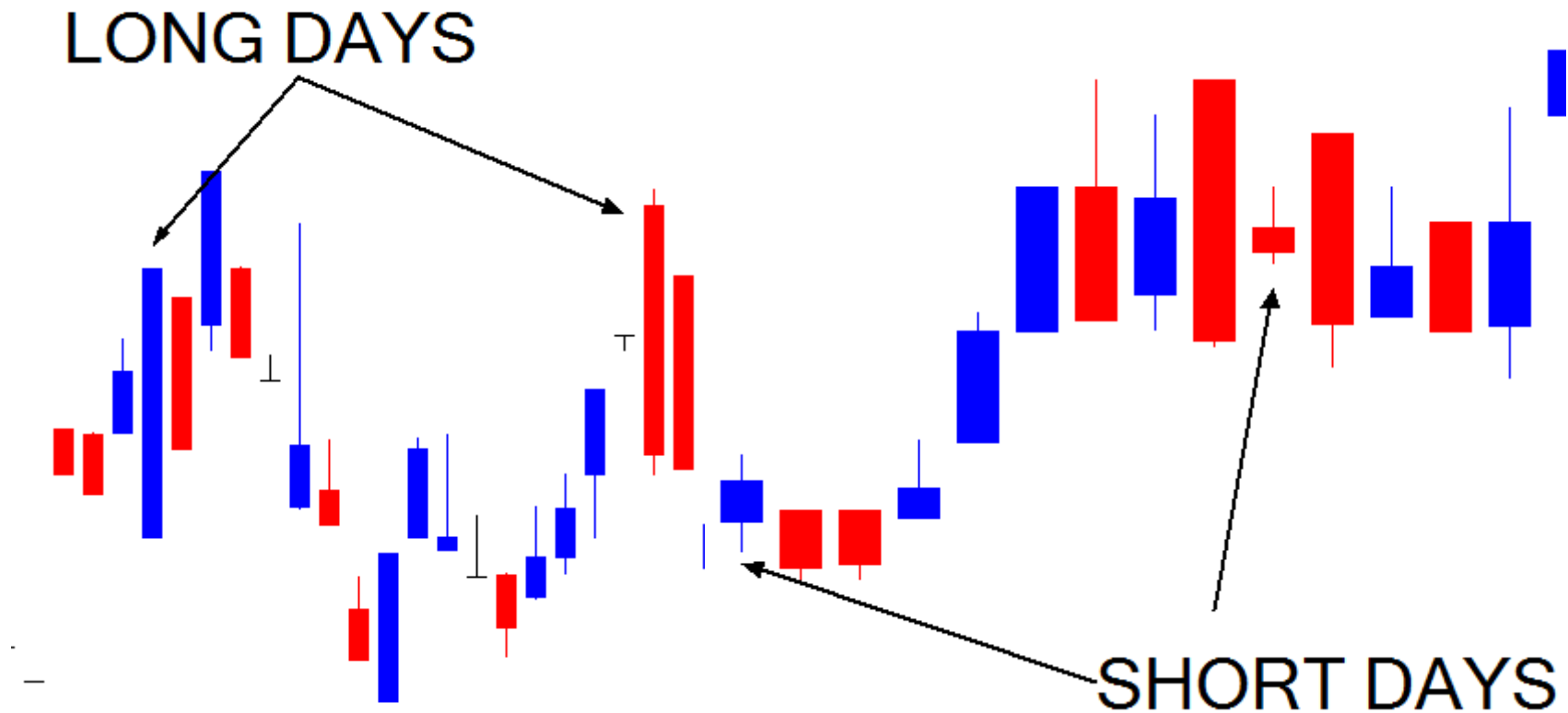


در طول مبحث الگوهای شمعی ژاپنی، واژه لاتین **Bearish** نماد بازار خرسها برای شمع نزولی (قرمز) و واژه لاتین **Bullish** نماد بازار گاوها برای شمع صعودی (سبز، آبی) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

الگوهای منفرد عمومی

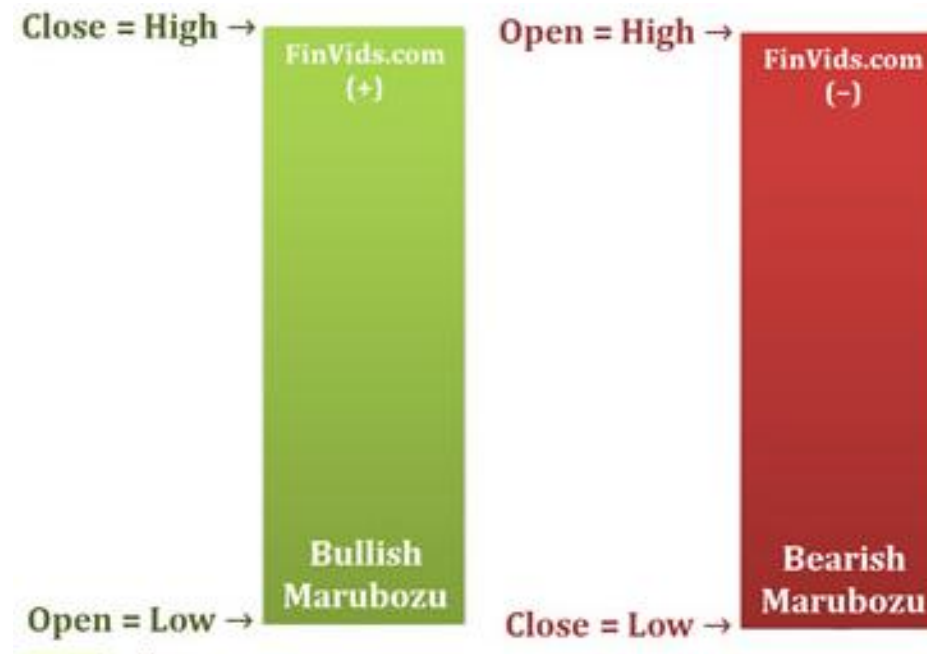
Short Days و Long Days

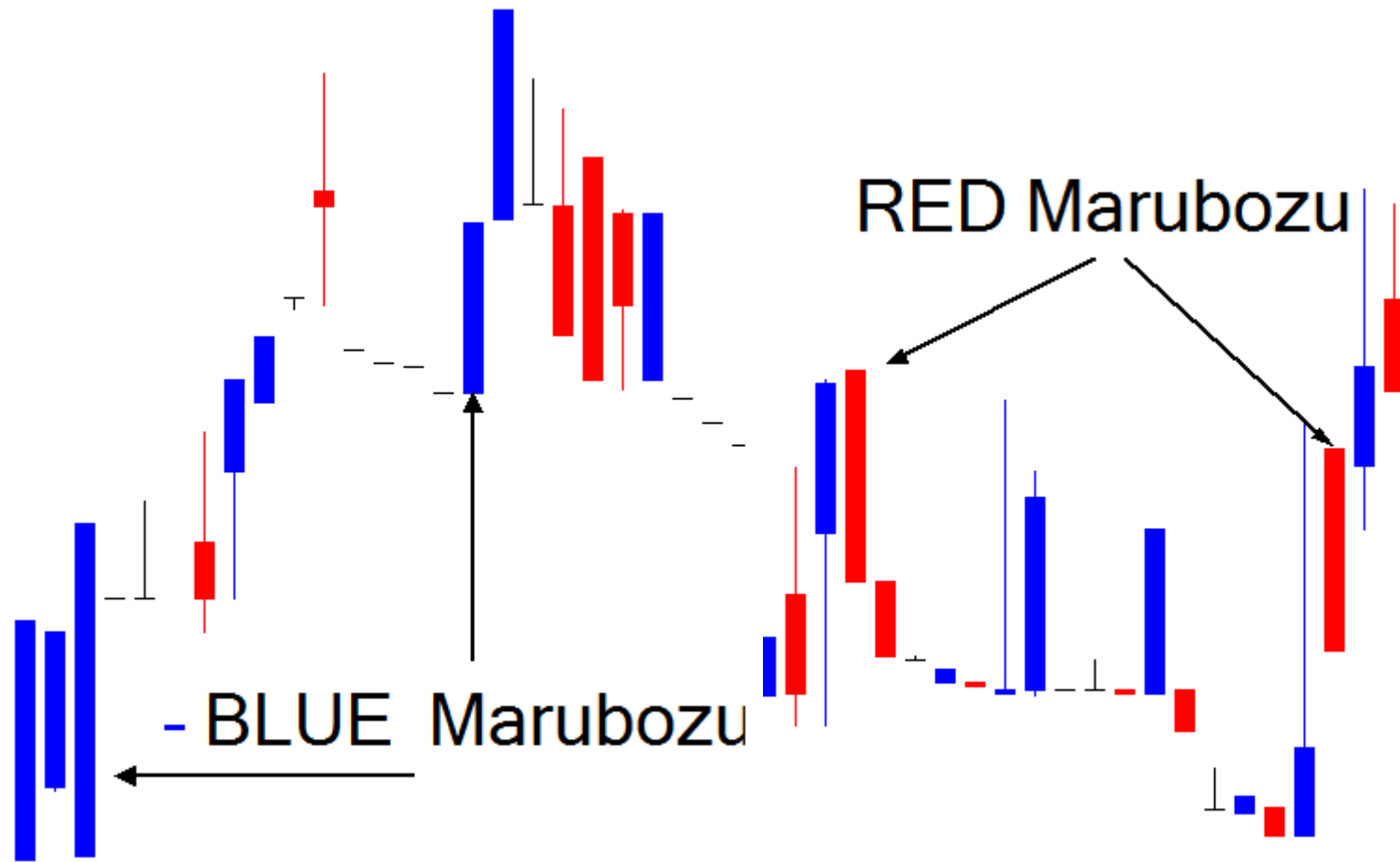
ترکیبات مختلف بدنه و سایه مفاهیم متفاوتی دارند. روزهایی که اختلاف بین قیمت باز شدن و پایانی زیاد باشد روزهای طویل یا بلند Long Days نامیده می‌شوند. به همین ترتیب روزهایی که اختلاف بین قیمت پایانی و باز شدن کم باشد روزهای کوچک یا کوتاه Short Days نامیده می‌شوند. نمودارهایی با بدنه بزرگ و سایه‌های کوتاه، نشان دهنده قدرت بازار در آن جهت می‌باشد.



BLUE Marubozu و RED Marubozu

این شکل افراطی‌ترین نوع شمع صعودی است زیرا نشان دهنده برتری قاطع خریداران/فروشنندگان در آنروز روز معاملاتی است. همچنین نشان می‌دهد فروشنندگان/خریداران قادر به پایین / بالا بردن قیمت سهم به زیر نقطه بازگشائی سهم نبوده‌اند و در این روز معاملاتی فروشنندگان/خریداران به شدت قیمت را به سمت پایین/بالا هل داده‌اند. این کندل هم در نوع نزولی و هم در نوع صعودی اش بدون سایه بالایی و پایینی است.





Closing Marubozu

این شکل از شمعها، یک نسخه ضعیفتر از سرسختی خریداران و فروشندگان را نشان می‌دهد، اما با این حال هنوز هم سرسختی در رفتار معامله‌گران مشهود است. - کندلی که در قیمت انتهائی آن سایه وجود ندارد



Opening Marubozu

کندلی که در قیمت ابتدائی آن سایه وجود ندارد. واقعیت این است که فروشندگان/خریداران دارای قدرت کافی برای فشار بر جهت افت/رشد قیمت نیستند و شمعی کمتر از صعودی/نزولی نسبت به شمع marubozu قرمز/سبز که کنترل بازار تنها در دست یکی از بازیگران بوده را شاهد هستیم.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

در نمودار زیر روند قیمت سهام شرکت توسعه معادن نشان داده شده است. خط حمایت آبی رنگ رسم شده با شمع‌های صعودی بزرگ، سرسختی خریداران را بازگو می‌کند. می‌توان از این دو شمع صعودی قوی استنباط نمود که گاوها (خریداران) به طور کامل مسئول حمایت از سهم در این محدوده بوده‌اند.



نمودار شرکت سرمایه گذاری مسکن تهران نشان می‌دهد که هر زمان که قیمت به محدوده مقاومتی نشان داده شده با خط آبی نزدیک شده است ، خرس‌ها (فروشنندگان) با افزایش عرضه مانع از رشد بیشتر قیمت شده‌اند. همچنین خریداران در افزایش قیمت‌ها به بالاتر از سطح مقاومت ناتوان بوده و تمایلی به خرید سهم بالاتر از خط مقاومت نداشته‌اند.

1

سرمایه گذاری مسکن تهران





Bearish Candlestick

زامیاد

خط روند نزولی



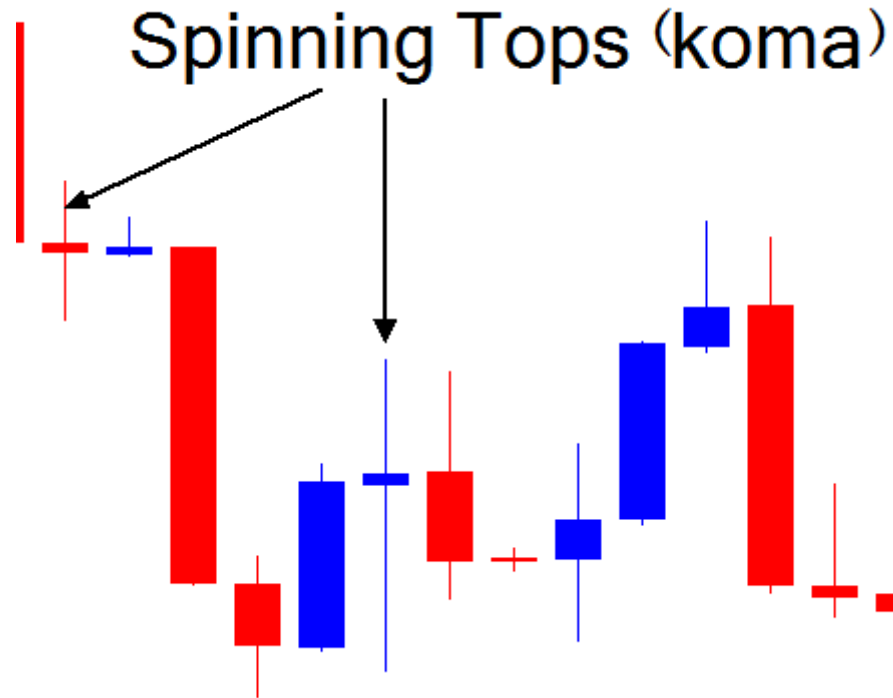
صنعتی و معدنی شمال شرق شاهرود



Spinning Tops (koma)

کندلی با سایه‌های بلند در اطراف بدنه کوتاه

شکل زیر را “فرفره” نیز می‌نامند. فرفره اشاره به روزهایی دارد که نمودار شمعی دارای بدنه‌ی کوچک و سایه‌های بالایی و پایینی بلندتر از بدنه هستند. رنگ بدنه‌ی فرفره چندان اهمیتی ندارد. این نوع نمودار شمعی بیانگر بی تصمیم بودن بازار است.

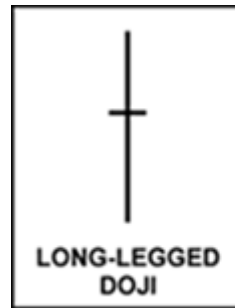
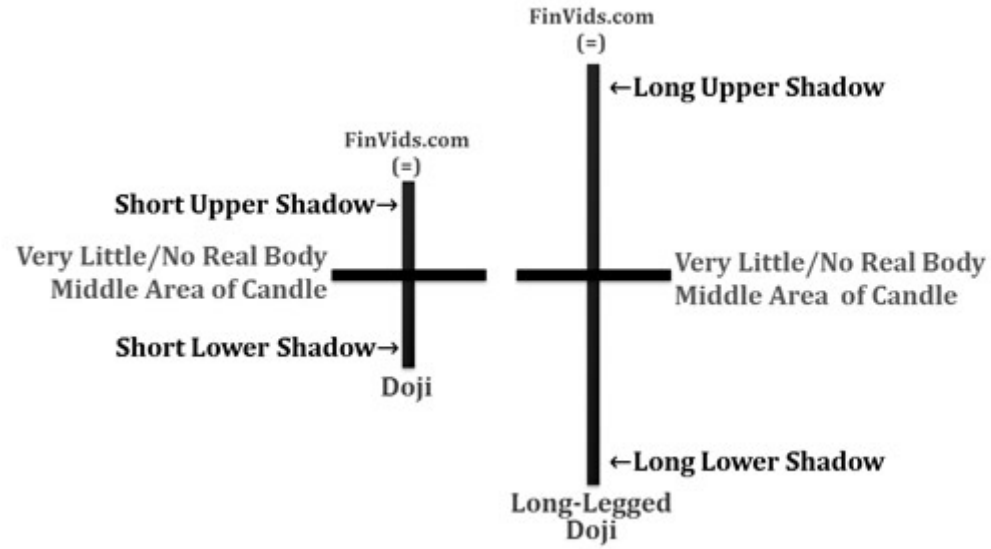


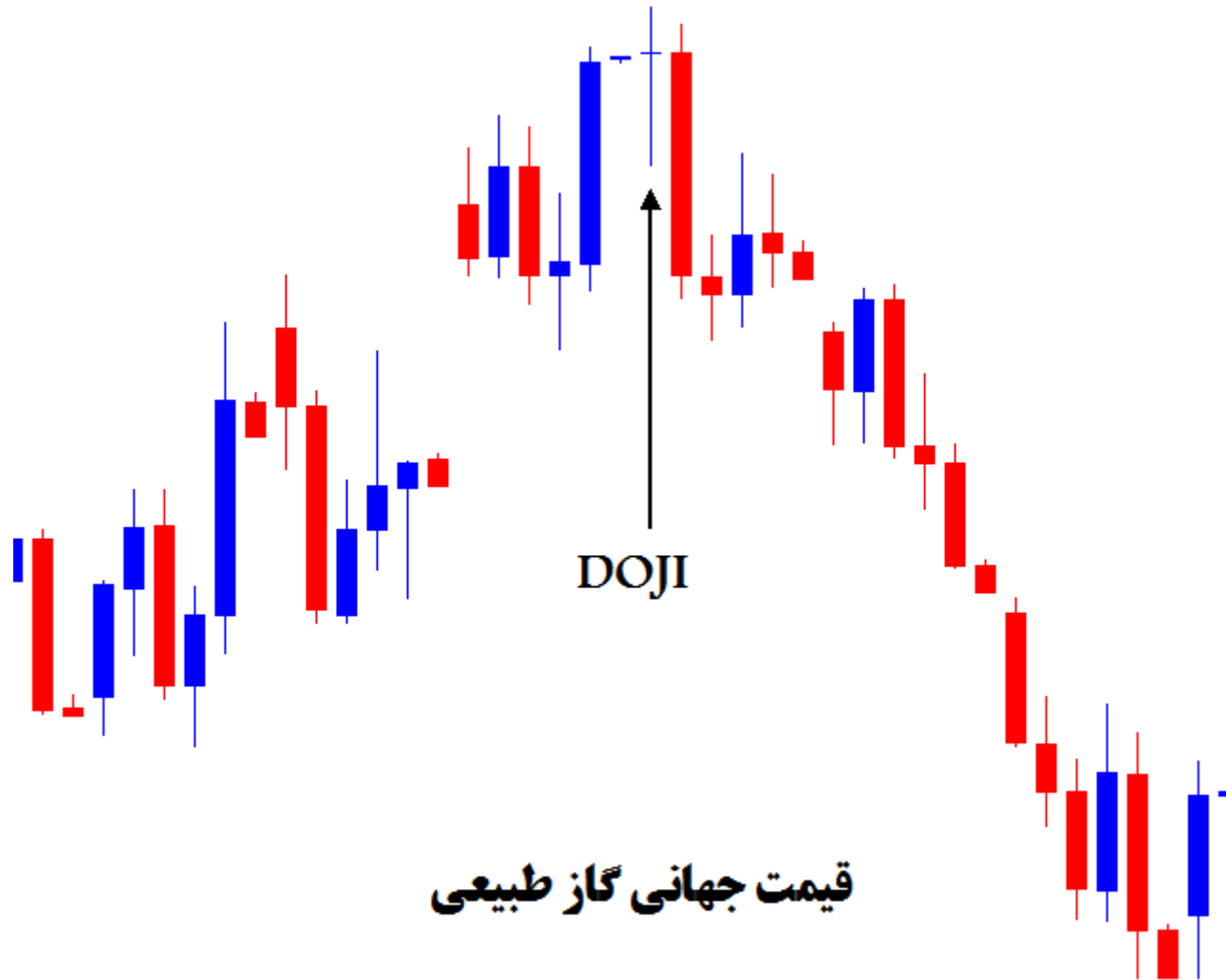
Doji دوجی

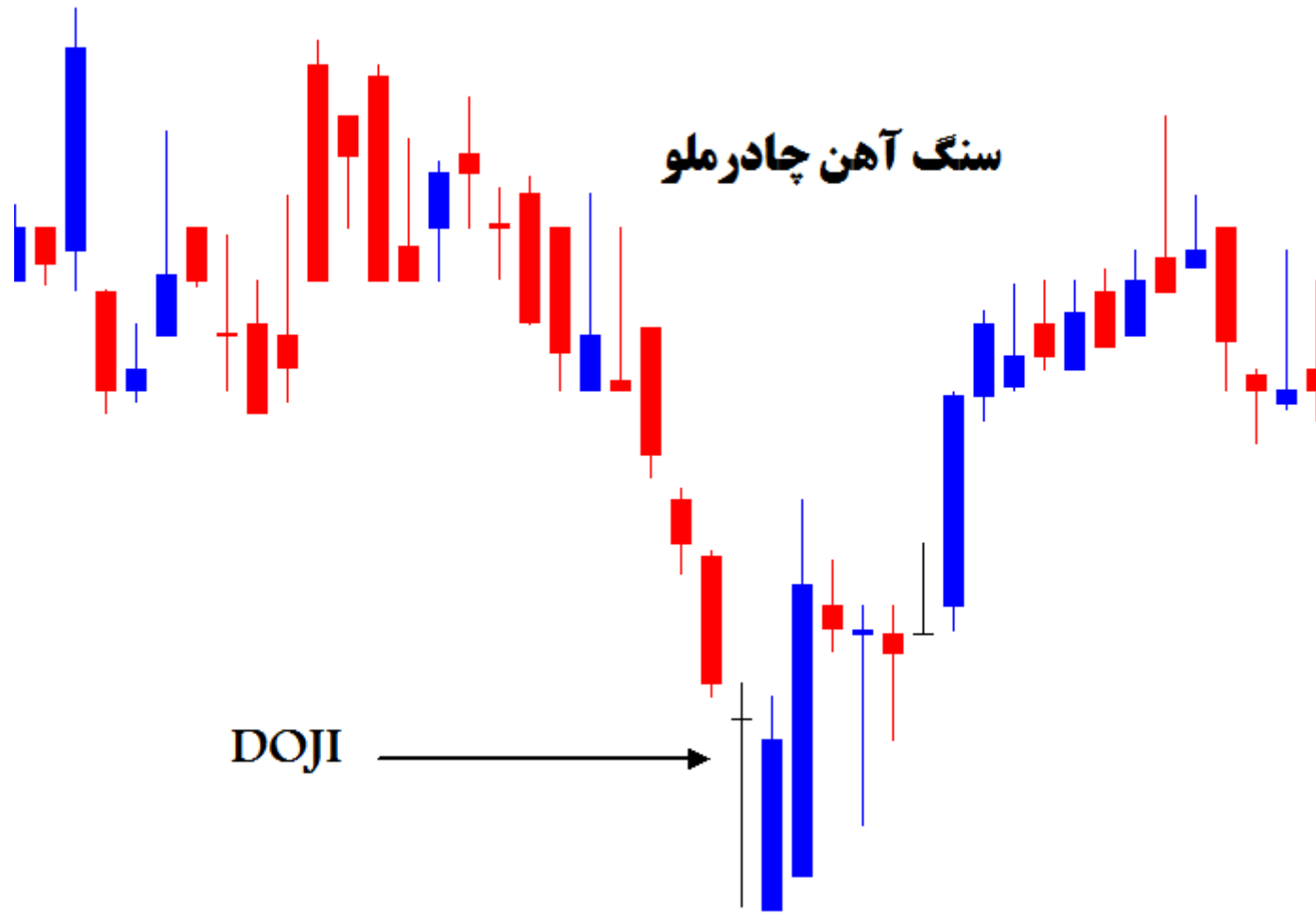
هرگاه قیمت باز شدن و پایانی با یکدیگر یکسان یا بسیار نزدیک باشند شکل‌های بوجود آمده “دوجی” **Doji** نامیده می‌شوند. doji به معنای سردرگمی و بی تصمیمی بازار است. در نمودارهای دوجی سایه‌ها می‌توانند طول‌های متفاوتی داشته باشند و تنها مشخصه اصلی نمودارهای شمعی دوجی شکل، این است که **قیمت باز شدن و پایانی دقیقاً یکسان** باشند. زمانی که قیمت نوسانات زیادی دارد و طول سایه‌ها زیاد می‌باشند، قیمت‌های پایانی و باز شدن بایستی تقریباً یکسان باشند. Doji به عنوان یک سیگنال معکوس مهم در شرایط سقف و کف بازار در نظر گرفته می‌شود.

روانشناسی شمع Doji

شمع صعودی توانایی خریداران در بالابردن قیمت‌ها، و شمع نزولی توانایی فروشندگان در پایین بردن قیمت‌ها را نشان می‌دهد. هنگامی که یک doji ظاهر می‌شود، نه خریداران و نه فروشندگان توانایی و تمایل تغییر جهت قیمت‌ها به سمت وسوی مورد نظرشان را ندارند و روند قیمتی وارد بی تصمیمی و یا ناتوانی می‌شود در این زمان doji به عنوان یک الگوی تغییر قیمتی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. هنگامی که قیمت به سمت بالا حرکت می‌کند، واضح است که خریداران از توانایی و تمایل برای رشد دادن قیمت‌ها برخوردارند. هنگامی که پس از یک روند صعودی doji در نمودار قیمت شکل می‌گیرد، نشان می‌دهد که خریداران دیگر قادر نیستند و یا تمایلی به فشار خرید برای قیمت‌های بالاتر ندارند. اگر قیمت در زمان کوتاهی رشد نموده باشد و اندیکاتورهای محدوده اشباع خرید را نشان دهند، فروشندگان با دیدن کندل doji ممکن است بهترین زمان برای فروش سهم را انتخاب نمایند.

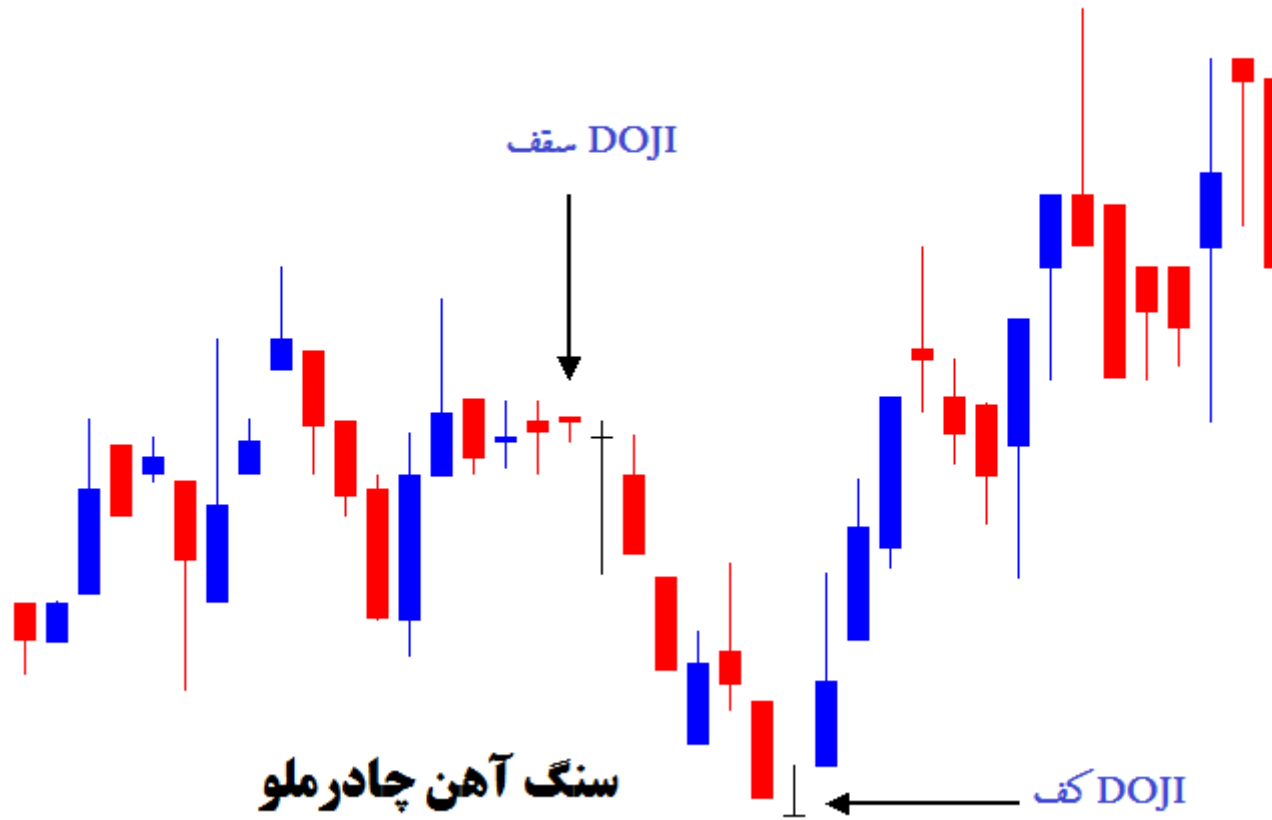






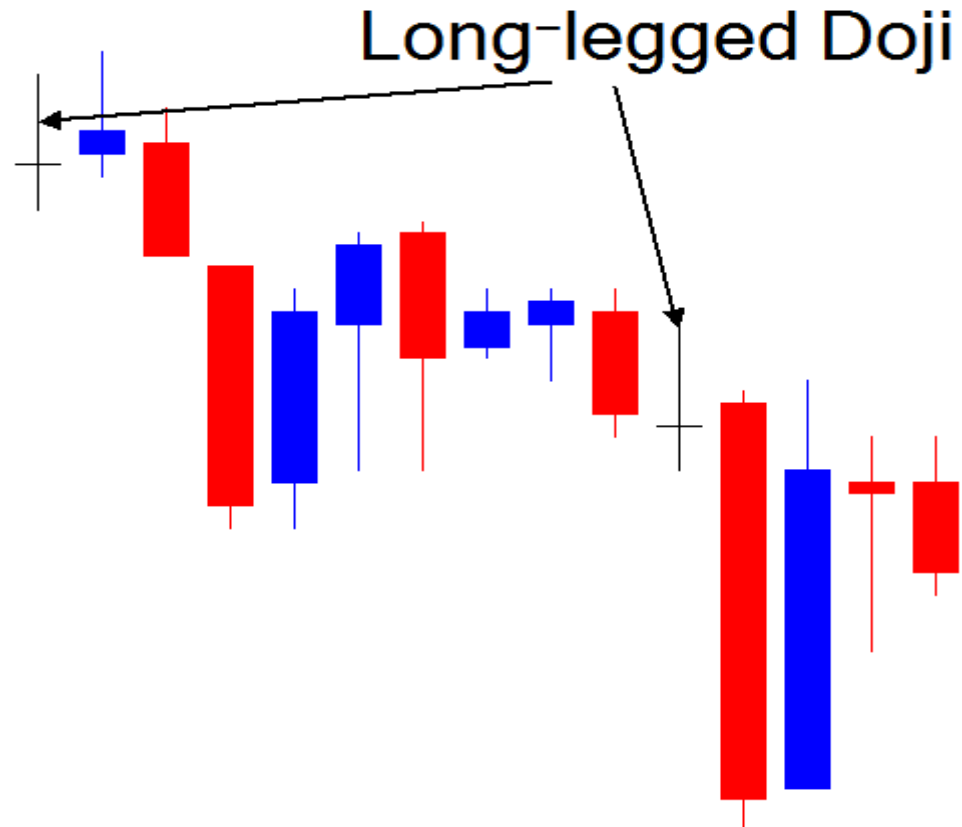
سنگ آهن چادرملو

DOJI →



"دوجی پایه بلند" Long-legged Doji

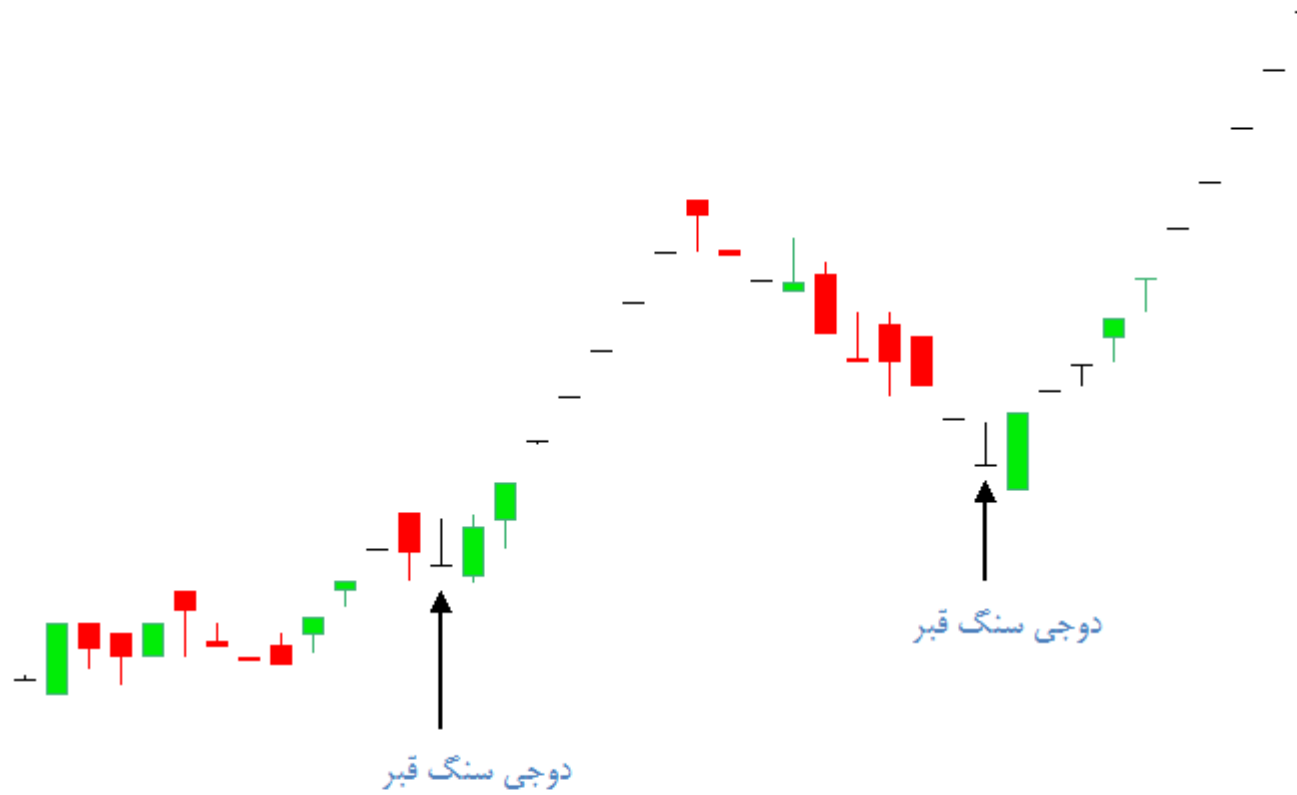
Long-legged Doji به نموداری شمعی گفته می‌شود که قیمت آغاز و پایان کندل استیک یکسان باشد اما در آن بازه زمانی قیمت سایه‌های بلند بالاتر و پایینتر را تشکیل داده است این الگو حاکی از **برابری قدرت خریداران و فروشندگان** در آن بازه زمانی می‌باشد.



"دوجی سنگ قبر" (Gravestone Doji)

doji سنگ قبر یکی از بهترین نشانه‌های برگشت روند است. الگوی کندل استیکی از خانواده دوجی که قیمت آغاز و پایان یکسان می‌باشد. **سایه بالایی بلند** و **نداشتن سایه پایینی** یا بسیار کوتاه بودن سایه پایینی از خصوصیات اصلی این الگوی کندل استیک می‌باشد. یک سایه پایین‌تر بسیار کوچک از درجه اعتبار الگو می‌کاهد. در این الگو در آغاز روز، خریداران قادر به ادامه روند صعودی قبل و افزایش قیمت هستند. با این حال در طول روز، قیمت به محدوده‌ای رسیده است که فروشندگان با افزایش عرضه و تمایل برای افت قیمت، قیمت سهم را به قیمت باز شدن نزدیک می‌کنند و هشدار برای تسلط فروشندگان بر بازار است.

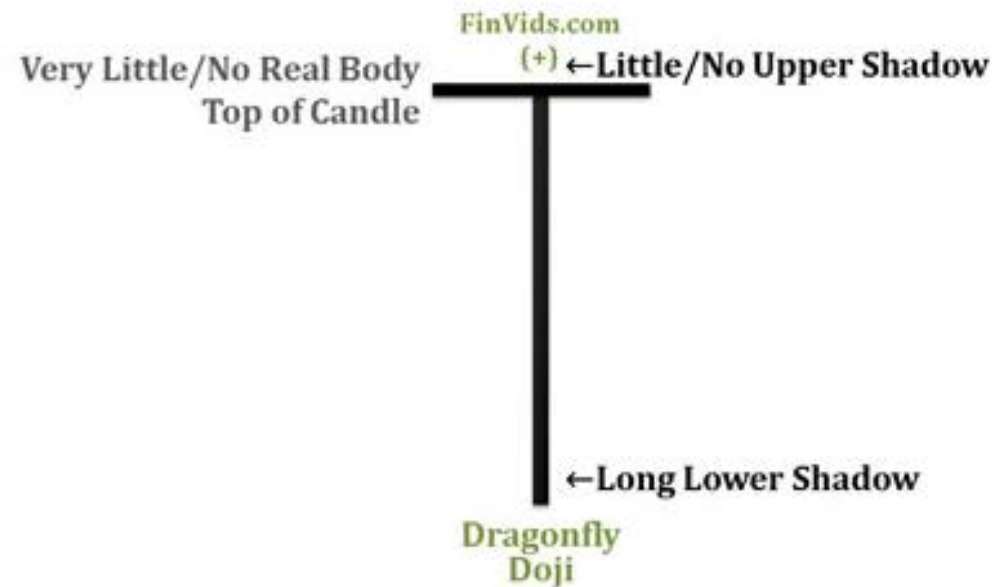




سیمان سپاهان

Dragonfly Doji(tonbo) "دوجی سنجاقک"

الگوی دیگری از خانواده دوجی که قیمت آغاز و پایانش یکسان می باشد. سایه پایینی بلند و نداشتن سایه بالایی یا بسیار کوتاه بودن سایه بالایی از خصوصیات اصلی این الگوی کندل استیک می باشد. دوجی سنجاقک نشان دهنده یک برگشت بالقوه به سمت بالا پس از یک روند نزولی قبلی است. پیام این الگو معمولاً به این معنی است که تمایل خرید بالاست و قیمت افزایشی است. در روند نزولی فروشنده ها قادر به فشار فروش برای پایین بردن قیمتها هستند ، اما خریداران با افزایش قیمتها از سایه پایین و بالا آوردن قیمت سهم تا میزان قیمت باز شدن نشان می دهند توانائی افزایش قیمت در آینده را دارا می باشند.



سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی



الگوهای برگشتی

این الگوها معمولاً **بازگشت یک روند** را نشان می‌دهند. یکی از مهمترین مسائلی که برای تشخیص صعودی یا نزولی بودن الگوی برگشتی باید مورد بررسی قرار گیرد، نوع روند پیشین است. مثلاً هرگز الگوی برگشتی صعودی در ادامه‌ی یک روند صعودی شکل نمی‌گیرد. پس پیش از این که از الگوهای شمعی استفاده کنید باید بتوانید نوع روند کوتاه مدت قبلی را تعیین کنید. همان طور که حجم معاملات برای تعیین نوع روند مفید است استفاده از میانگین متحرک نیز در الگوهای شمعی به خوبی عمل می‌کند. هنگامی که روند کوتاه مدت باشد الگوهای شمعی در تشخیص برگشت روند کمک زیادی خواهند کرد.

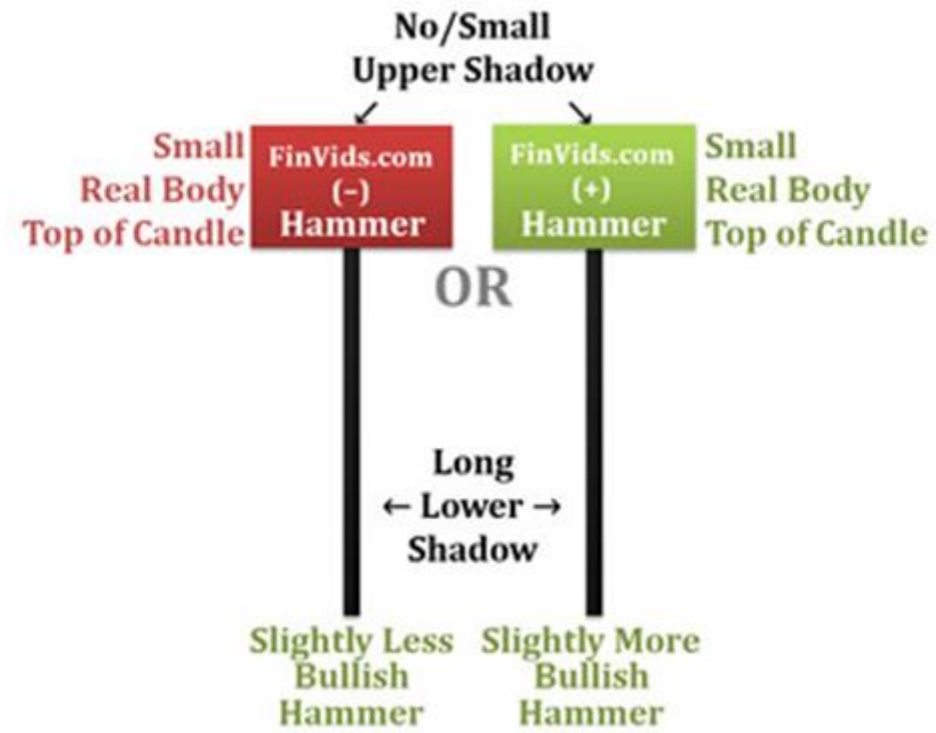
اصول استفاده از الگوهای برگشتی صعودی Bullish Reversals

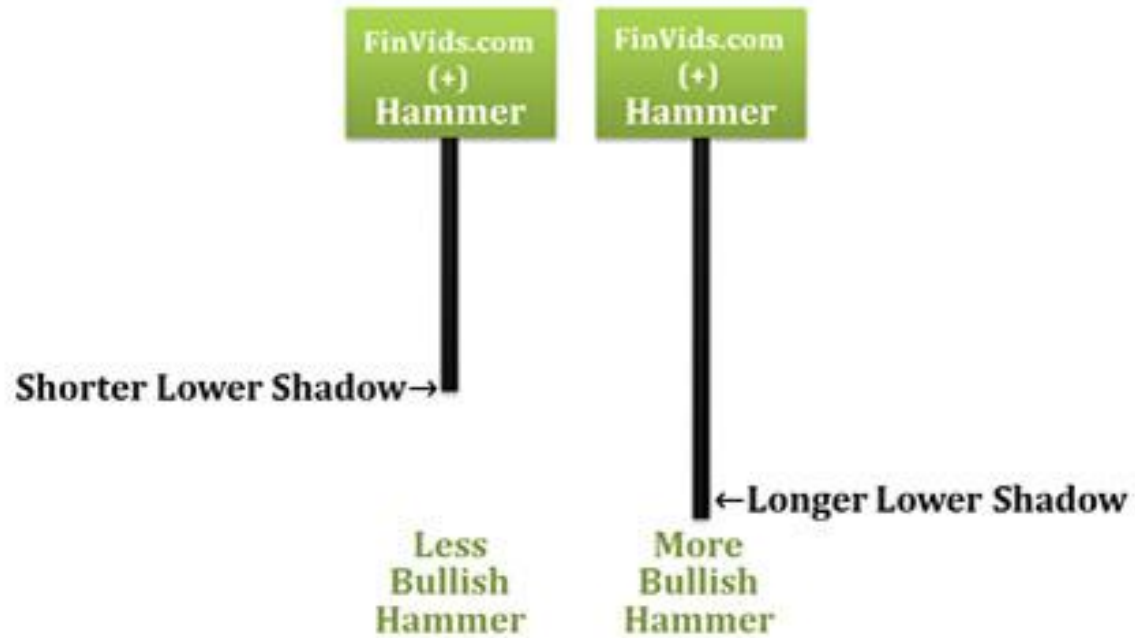
الگوهای صعودی تشکیل شده از یک، دو و یا سه کندل در انتهای روند نزولی هستند و علامتی برای تغییر جهت روند از **نزولی به صعودی** می‌باشند در ادامه به ترتیب الگوهای ترکیبی صعودی را مشاهده می‌کنیم.

الگوهای تک شمعی One candle

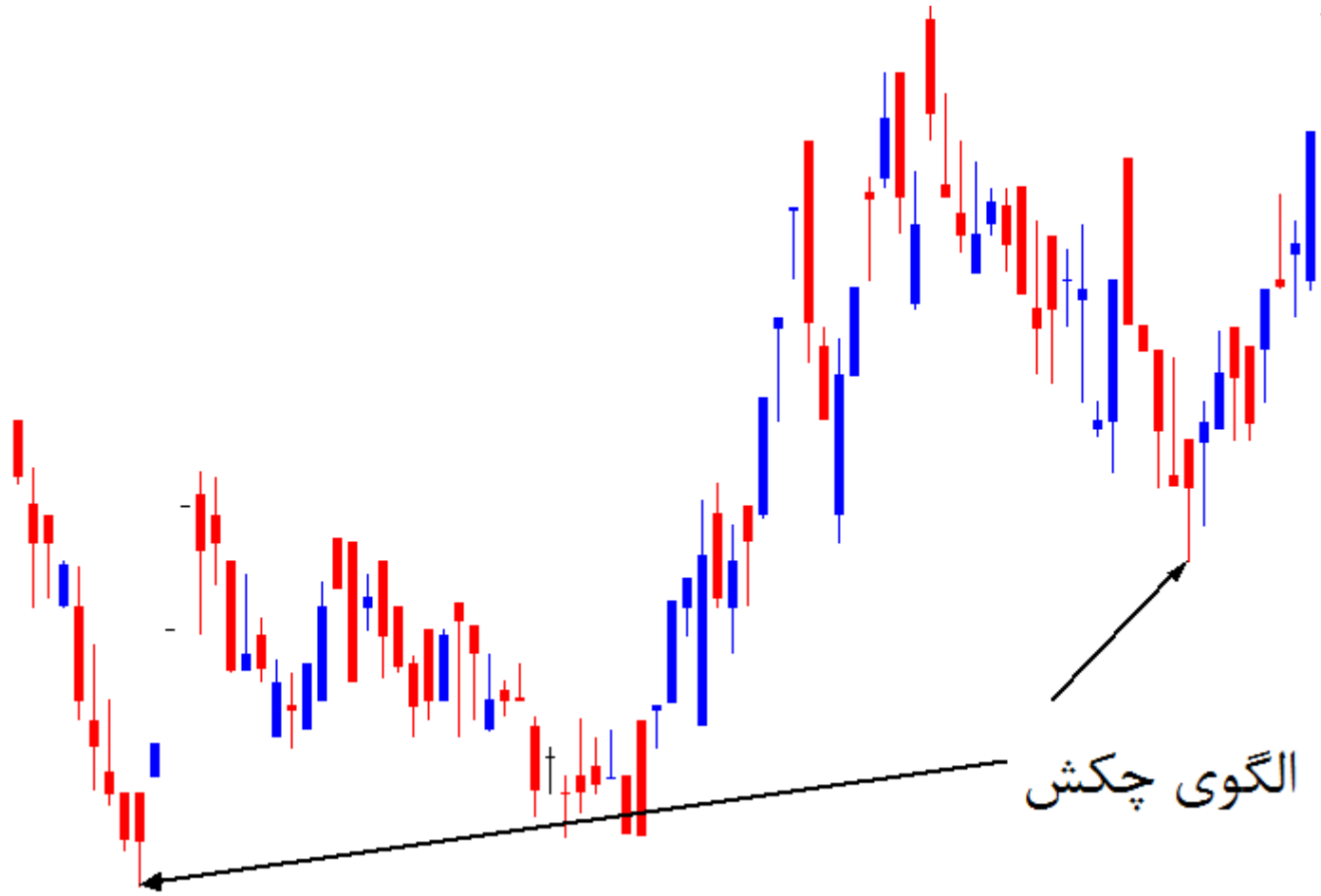
الگوی چکش (الگوی هامر Hammer) در **انتهای یک روند نزولی** تشکیل می‌شود از خصوصیات این الگو سایه پایینی بلند، سایه بالایی کوتاه (وجود نداشتن سایه بالایی) و بدنه‌ای حداکثر یک دوم سایه پایینی می‌باشد. در این الگو رنگ بدنه تفاوتی ندارد اما بدنه صعودی (آبی) قدرت بیشتر این الگو را برای بازگشت روند نشان می‌دهد

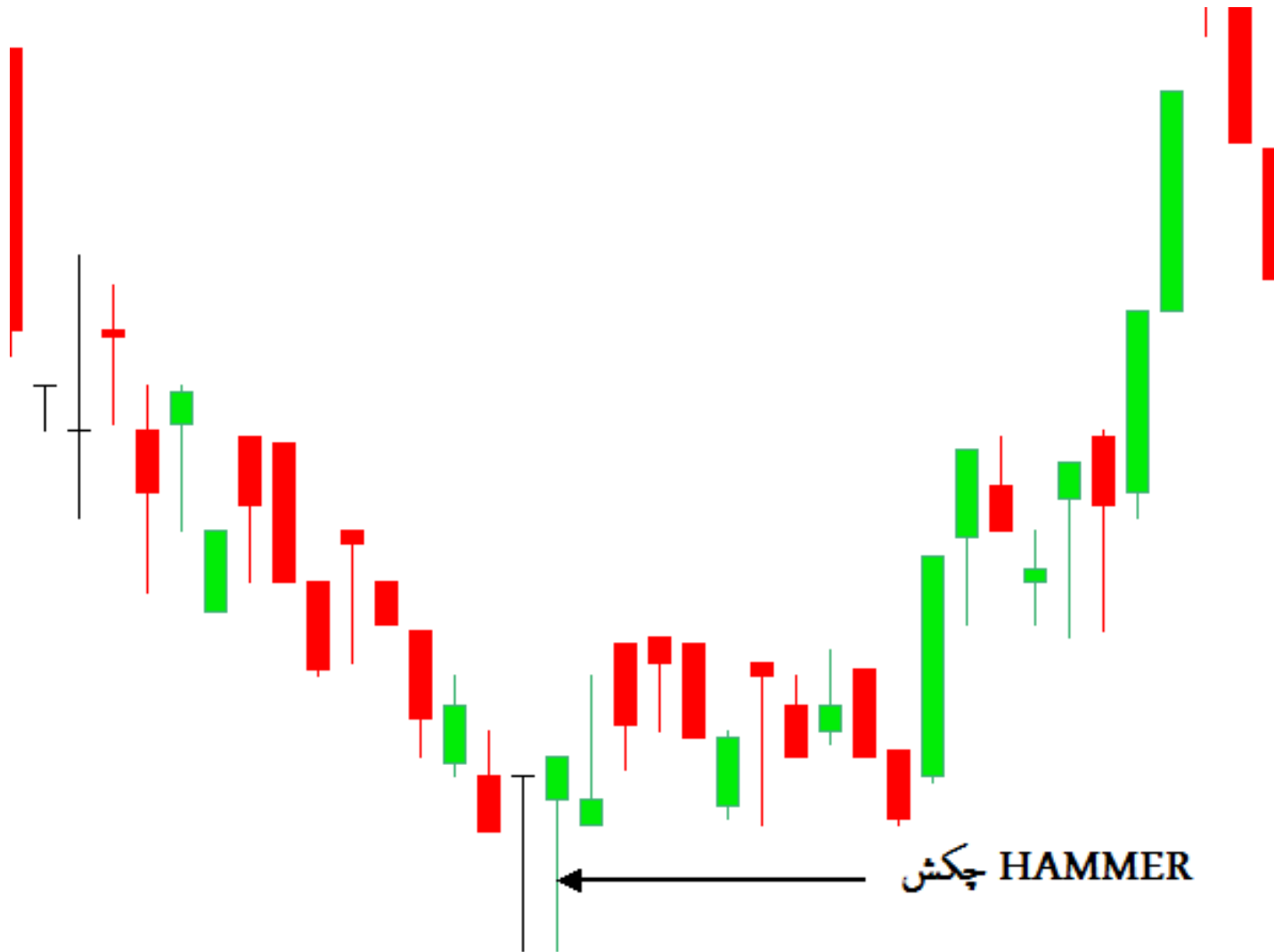
- چکش نباید هیچ سایه بالایی داشته باشد، اما می‌توانید سایه بالایی اگر آن نسبتاً کوچک است.
- بدنه شمع باید در بالای محدوده نوسان شمعی باشد. این بدنه می‌تواند صعودی و یا نزولی، اما ترجیحاً صعودی باشد.
- سایه پایینی باید حداقل دو برابر ارتفاع بدنه باشد.
- روند سهم در طول ۳ جلسه معاملاتی گذشته کاهش یافته باشد.





هر چه سایه پایینی چکش بلندتر باشد ، انتظار می رود برگشت آینده سهم قوی تر و بیشتر باشد. هرچه سایه پایینی کوتاهتر باشد از شدت و قدرت روند آتی کاسته می شود.

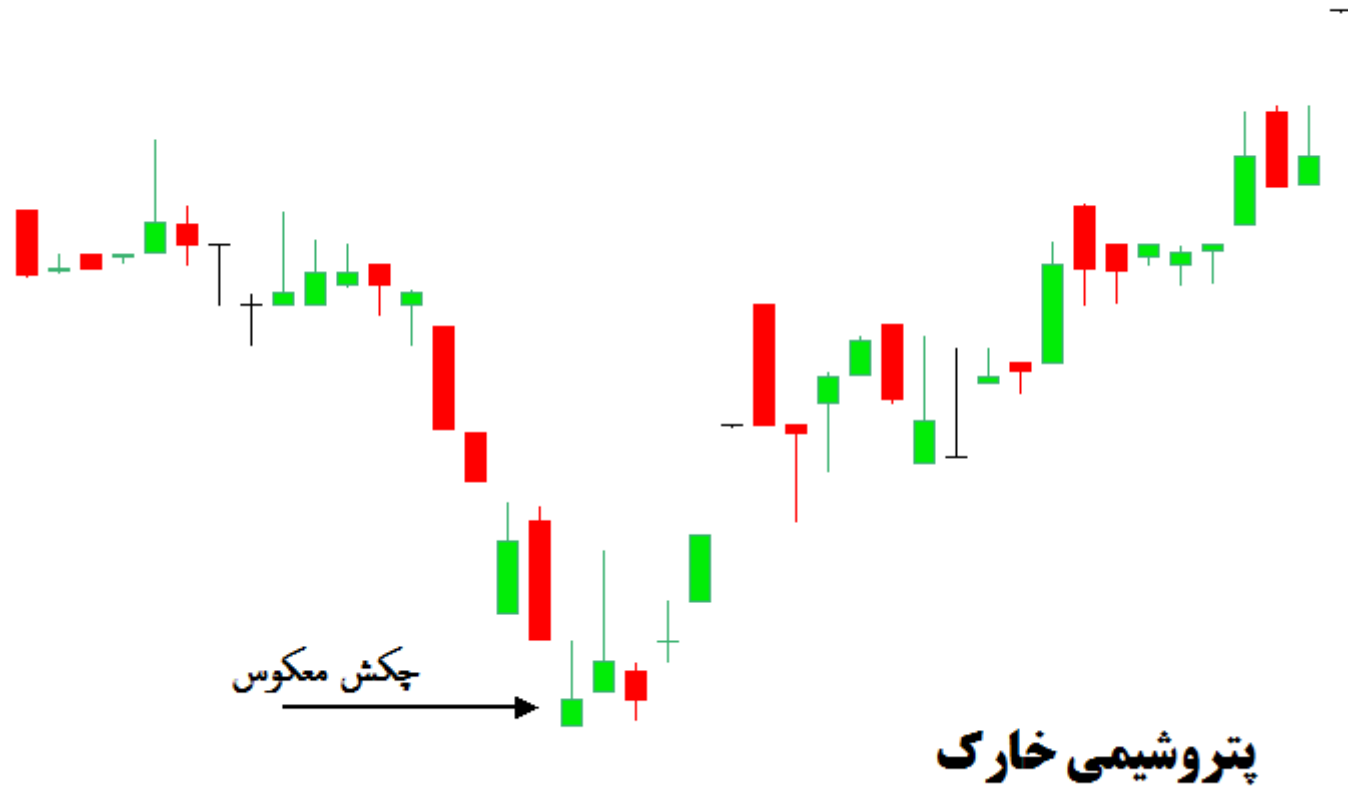




مس شهید باهنر

الگوی هامر معکوس (چکش معکوس) مانند الگوی چکش در **انتهای یک روند نزولی** تشکیل می‌شود و **الگوی بازگشتی پایین محسوب می‌گردد**. سایه بالایی بلند، سایه پایینی کوتاه و یا وجود نداشتن سایه پایینی و بدنه‌ای حداکثر یک دوم سایه بالایی از خصوصیات این الگو می‌باشد. در این الگو رنگ بدنه تفاوتی ندارد اما بدنه صعودی (آبی)

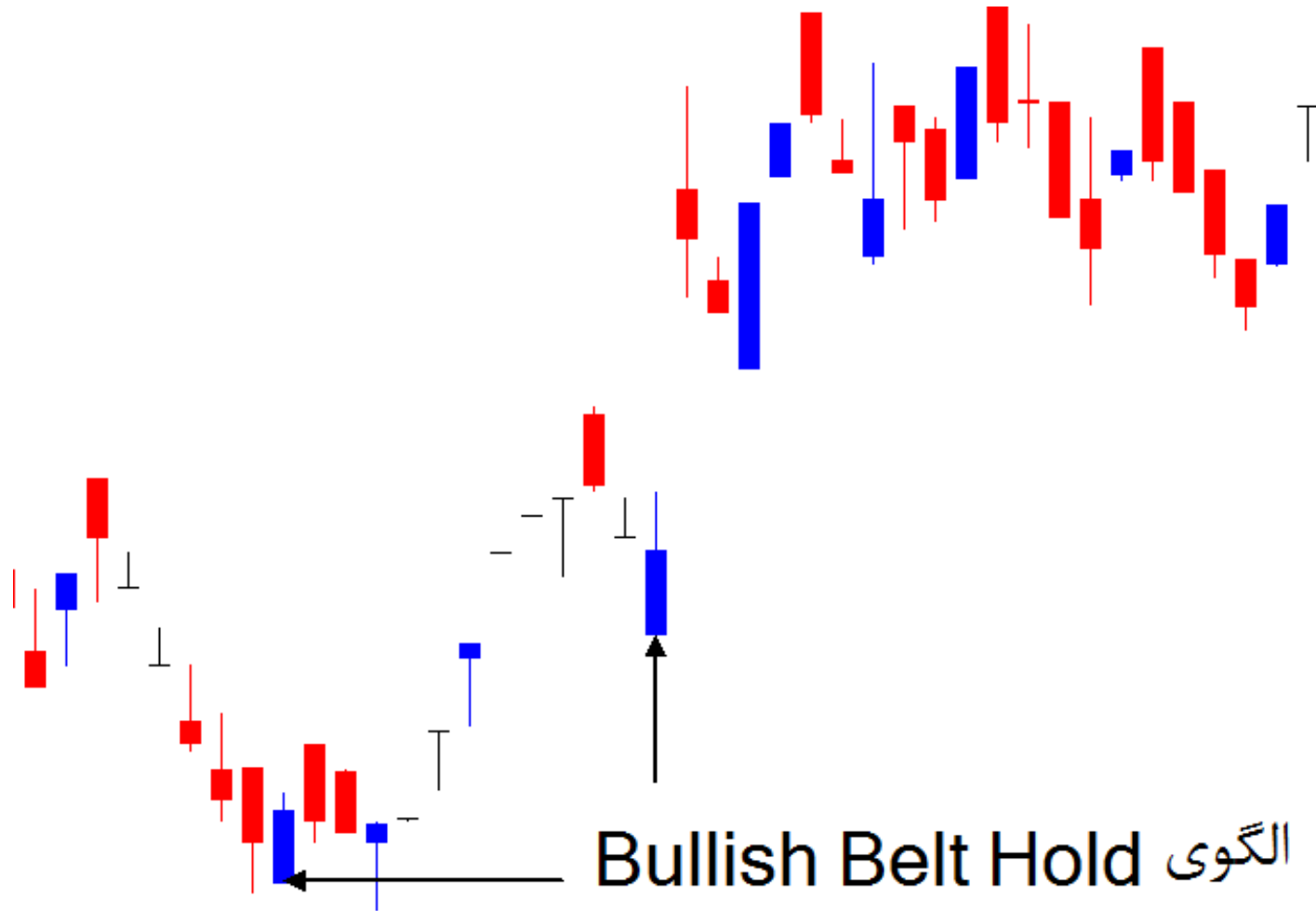
قدرت بیشتر این الگو را برای بازگشت روند نشان می‌دهد. .. نشانه‌های تأیید چکش وارونه عبارتند از: شکاف GAP صعودی در جلسه معاملاتی بعدی و یا شمعی صعودی قوی در روز بعد.

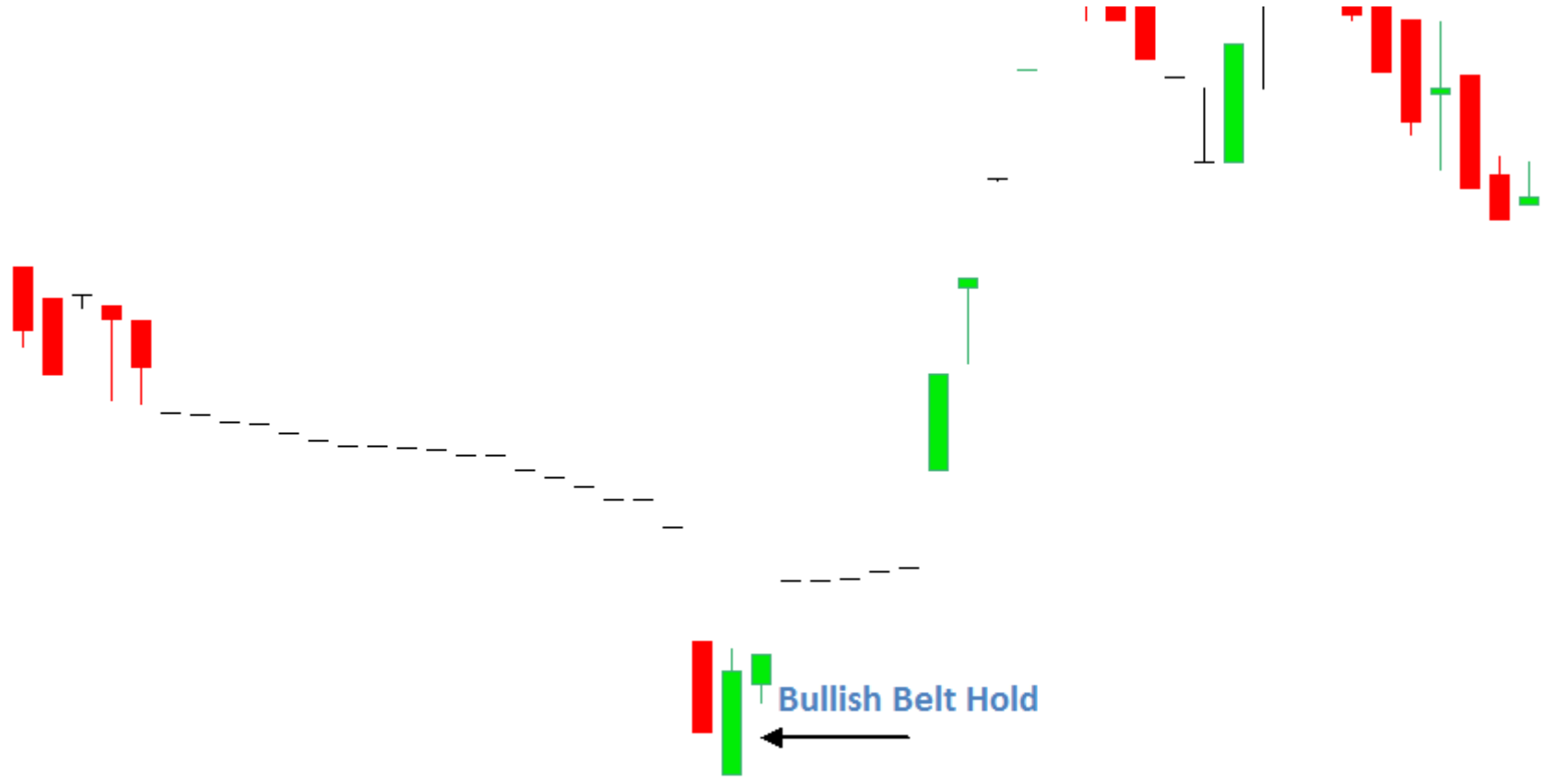


Bullish Belt Hold

این الگو مدلی از Opening Marubozu می‌باشد. در روند نزولی قیمت آغازین این کندل با گپ (شکاف) رو به پایین می‌شود اما در ادامه شاهد هیچ سایه پایینی نمی‌باشیم قیمت از نقطه آغاز رو به بالا حرکت کرده و بدنه نسبتاً بزرگی را شاهد هستیم. اگر سایه و بدنه این الگو فاصله گپ (شکاف) را پر نماید می‌تواند نشانگر آغاز روند صعودی باشد.







نفت بهران

www.irantrading.com

الگوهای ترکیبی دو شمعی Two candles

Bullish Engulfing Pattern

این الگو (پوشاننده صعودی) شامل دو شمع با رنگ‌های متفاوت است که در انتهای روند نزولی تشکیل می‌شود. کل بدنه آبی (صعودی) شمع دوم، بدنه شمع اول قرمز (نزولی) را پوشش می‌دهد. اندازه سایه‌ها در این دو کندل اهمیتی ندارد. ایجاد شکاف (گپ) بین نقطه پایان کندل اول و نقطه آغاز کندل دوم اهمیت بیشتری به این الگو برای آغاز روند صعودی می‌دهد.

۱- بدنه شمع در روز اول بسیار کوچک و در روز دوم بسیار طولانی است.

استدلال: شمع کوچک نزولی سرسختی معامله‌گران پس از یک روند نزولی را نشان می‌دهد که در آن فروشندگان قادر به کاهش بیشتر قیمت‌ها نسبت به روز قبل نیستند. شمعی کوچک نزولی نشان می‌دهد فروشندگان قدرت کمتری در مقایسه با شمع نزولی بزرگ دارند. به همین ترتیب، یک شمع بزرگ صعودی که در روز معاملاتی بعد که مخالف روند نزولی قبلی شکل می‌گیرد به ما یاد آور می‌شود نیروی فروشندگان متوقف شده و خریداران در حال برتری هستند.

۲- الگوی شمعی صعودی پس از یک روند نزولی طولانی و یا یک حرکت بسیار سریع رخ می‌دهد.

استدلال: تعداد و حجم فروشندگان کوتاه مدت احتمالاً پس از حرکت گسترده و سریع قیمت به سمت پایین از فروشندگان بالقوه کمتر خواهد بود. در مورد حرکات ناگهانی قیمت در روند نزولی، اغلب این روند افراطی، مستعد بازگشت‌های سریع و هیجانی است.

۳- حجم معاملات زیاد در شمع دوم صعودی بسیار مهم است.

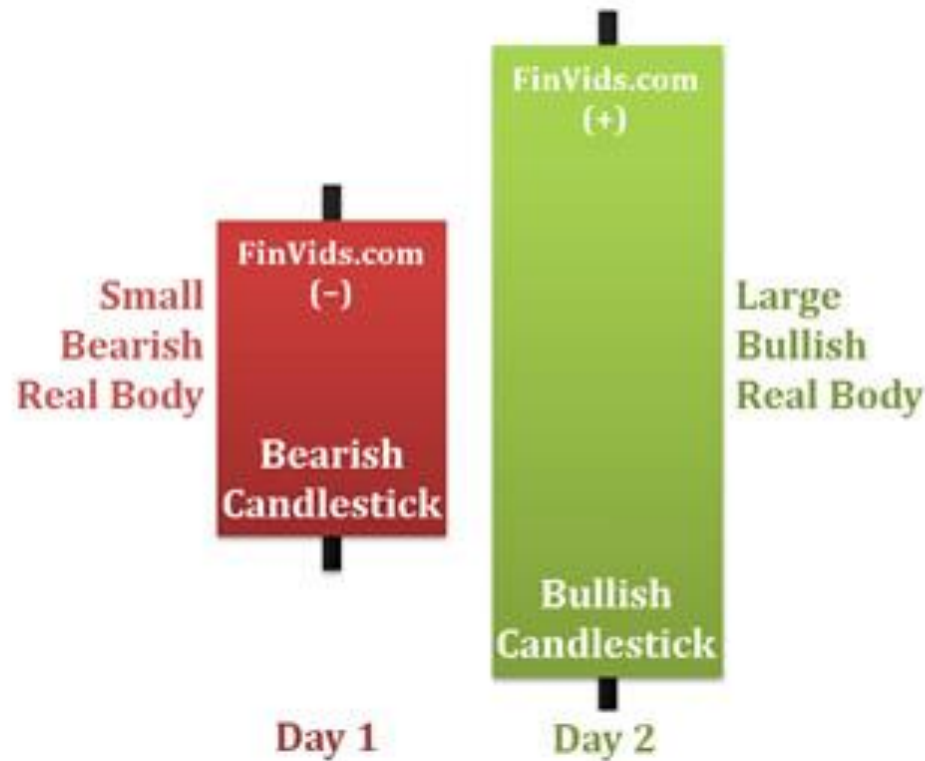
استدلال: تقابل عرضه و تقاضا باعث افزایش حجم معاملات می‌شود. خریداران باید آنقدر در برابر عرضه‌ها ایستادگی کنند، آنقدر بخرند تا فروشنده‌ها تمام شود. این جدال باعث افزایش چشمگیر گردش مالی سهم در کندل صعودی روز دوم می‌شود.

۴- بدنه شمع روز دوم بزرگتر از ارتفاع شمع‌های چند روز قبل است.

استدلال: بسیاری از شمع‌های کوچک شرایط دو دلی سرمایه‌گذاران را نشان می‌دهد. شمعی بزرگ سرسخت صعودی که بزرگتر از شمع‌های قبلی است نشان می‌دهد که بازار در نهایت به یک تصمیم قطعی در زمینه حرکت رو به بالا دست یافته است.

۵- الگوی شمعی صعودی در محدوده حمایت قیمت رخ می‌دهد.

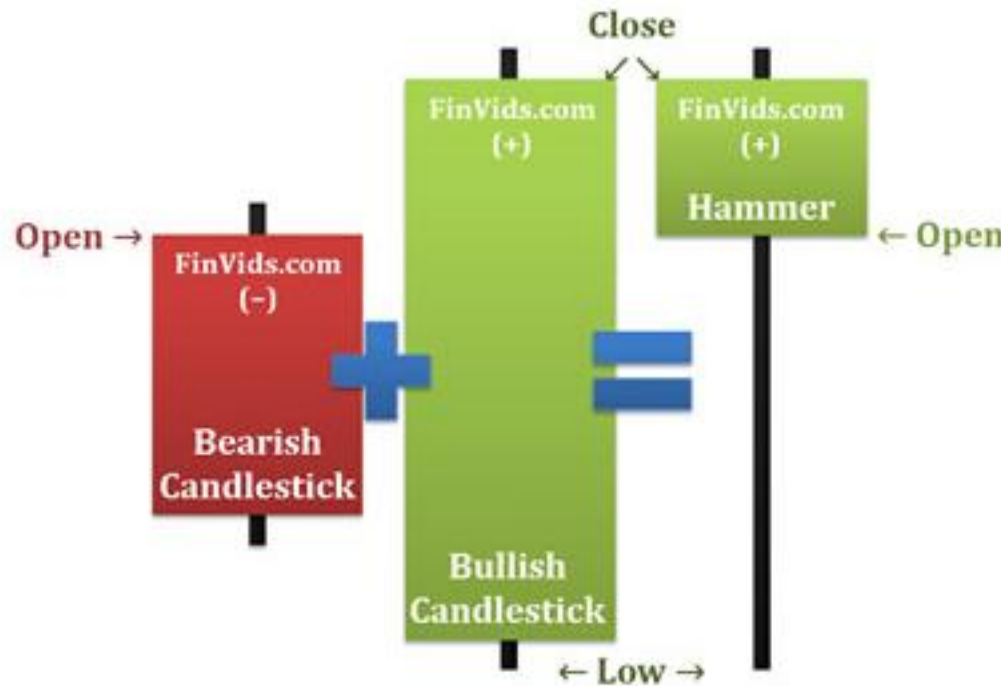
استدلال: پشتیبانی خریداران به لحاظ تاریخی نشان دهنده خرید در یک سطح قیمتی خاص است. اگر الگوی شمعی صعودی در این سطح قیمت‌ها پشتیبانی شود، معامله گران ممکن است با احساس اعتماد به نفس بیشتری خرید کنند زیرا حمایت به عنوان تأیید کننده روند صعودی عمل می‌کند.



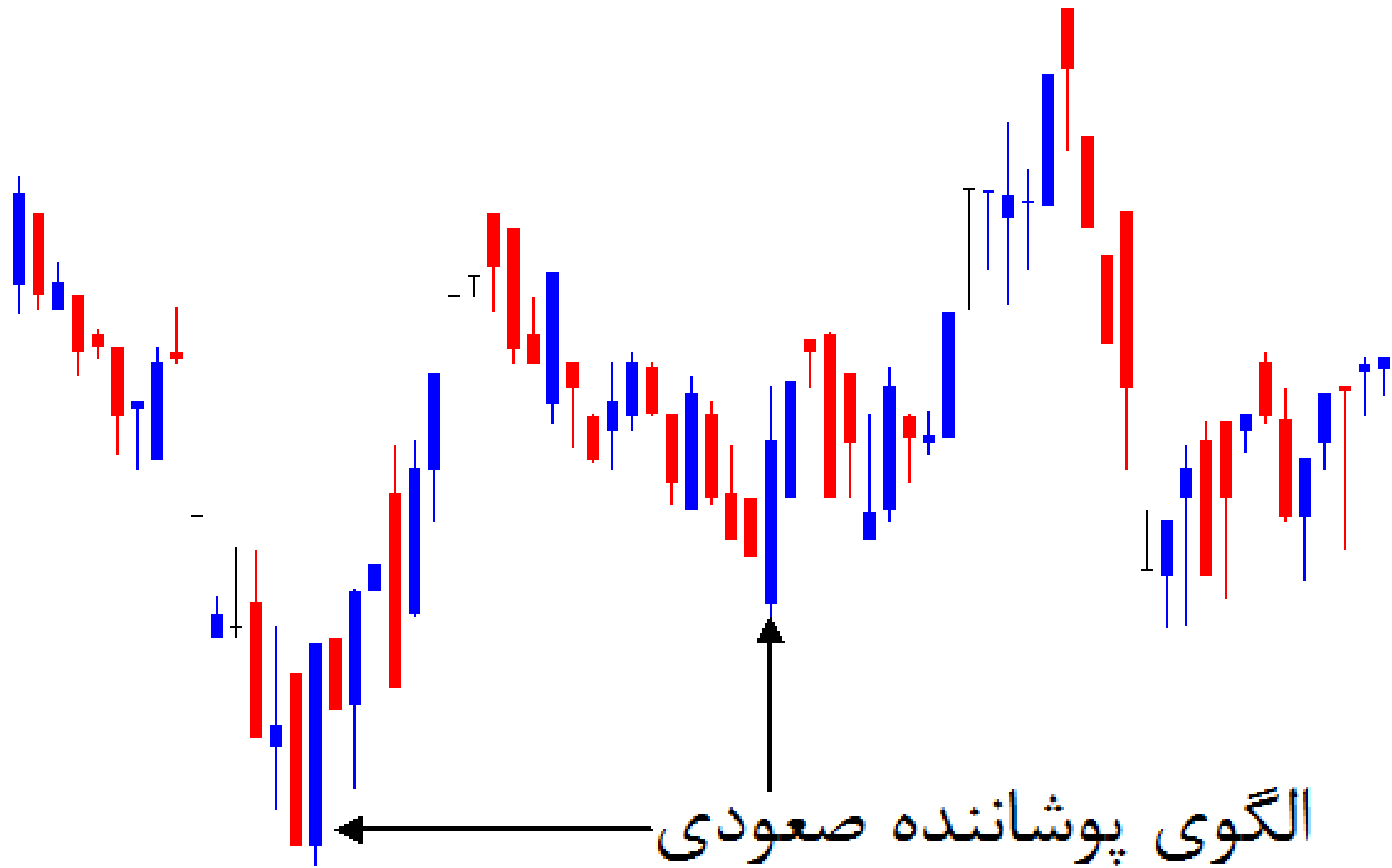
پیشنهادات خرید و فروش براساس الگوی شمعی Bullish Engulfing Pattern

برای آن دسته از معامله گران که به مدت طولانی بر اساس الگوی شمعی داد و ستد می کنند پیشنهاد می شود دستور توقف ضرر (حد زیان) معامله خود را در پایین ترین قیمت شمع صعودی قرار داده و انتظار می رود الگوی شمعی صعودی به عنوان مساحت حمایت عمل کند.

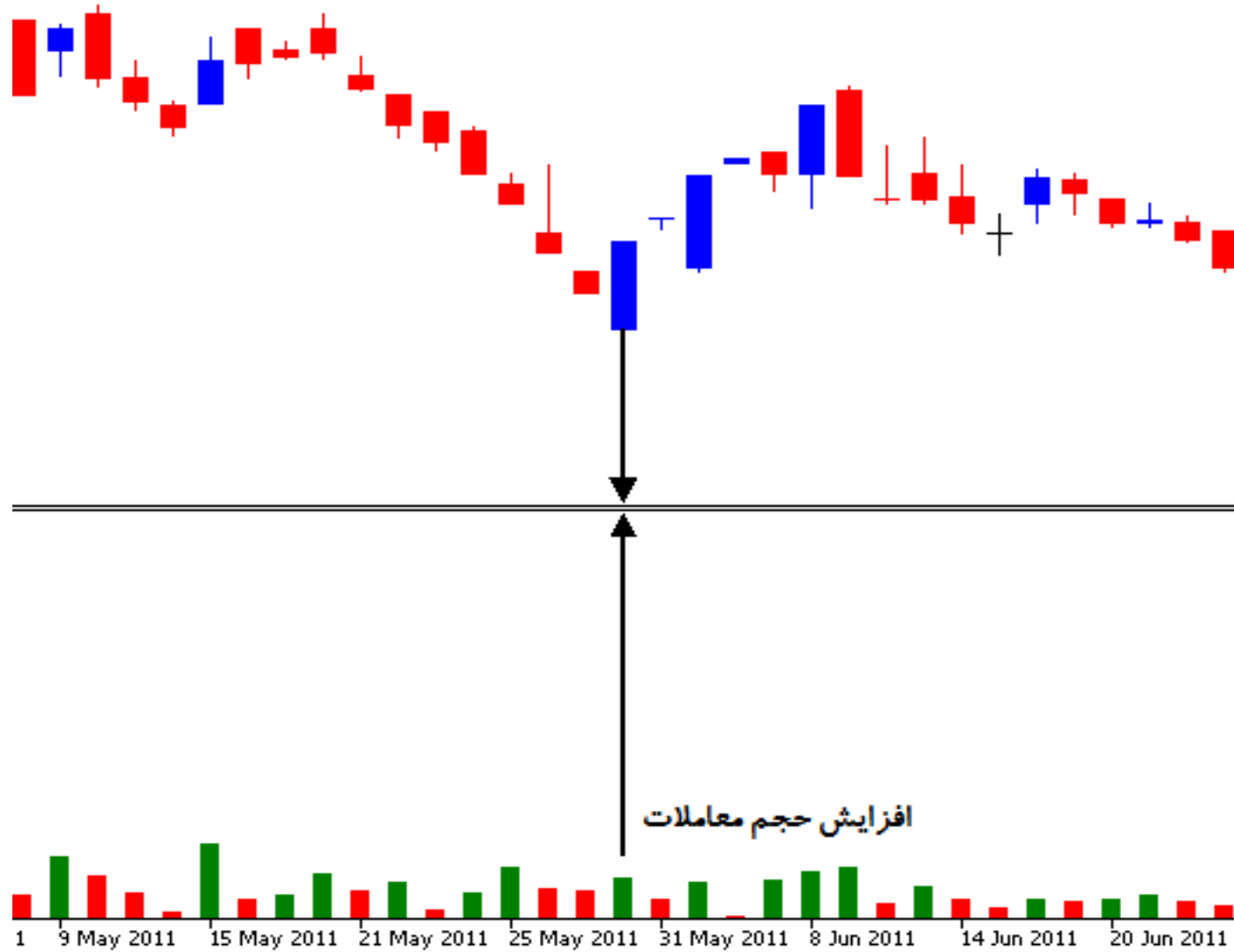
الگوی Hammer = Bullish Engulfing Pattern چکش



هنگامی که کندلهای روز اول دوم از الگوی شمعی صعودی ترکیب شوند ، اغلب شبیه یک چکش شمعی به نظر می رسد که آن هم یک الگوی شمعی صعودی است.

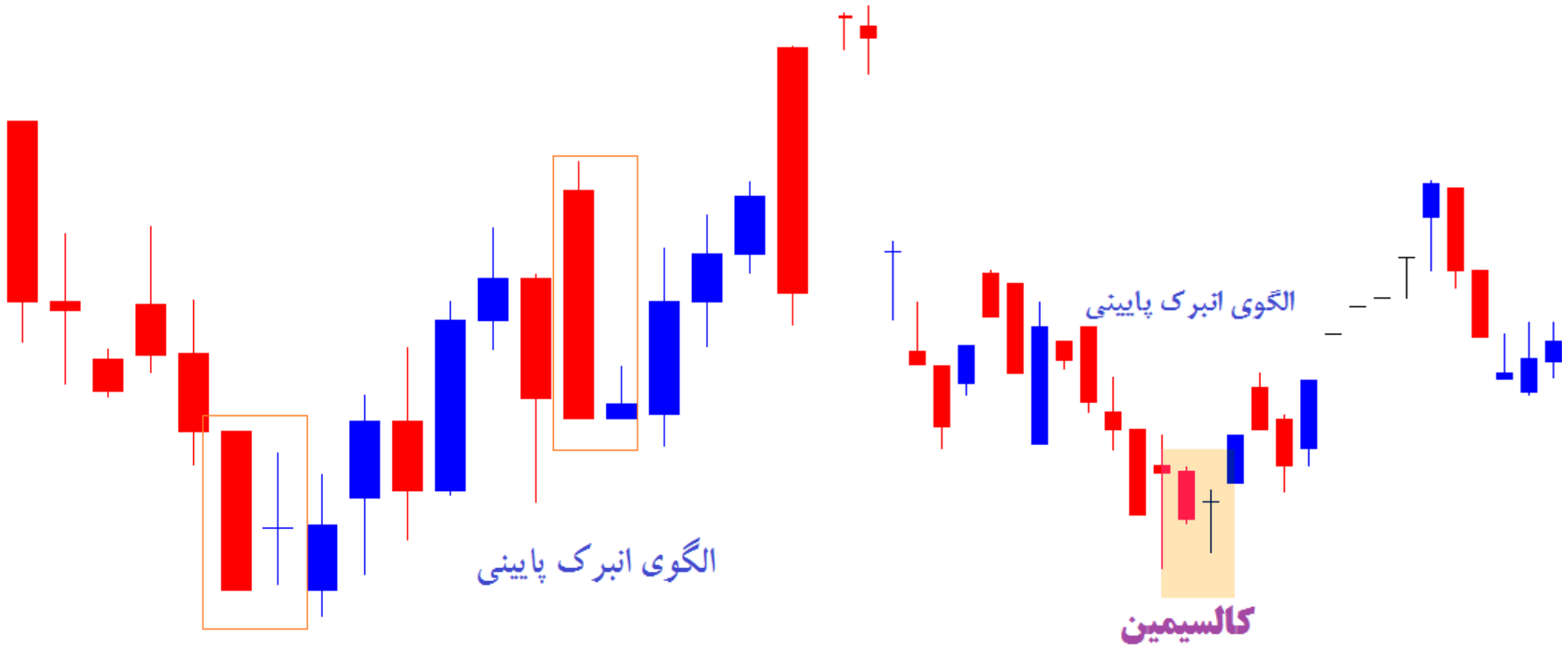


سرمایه گذاری صندوق باز نشستی



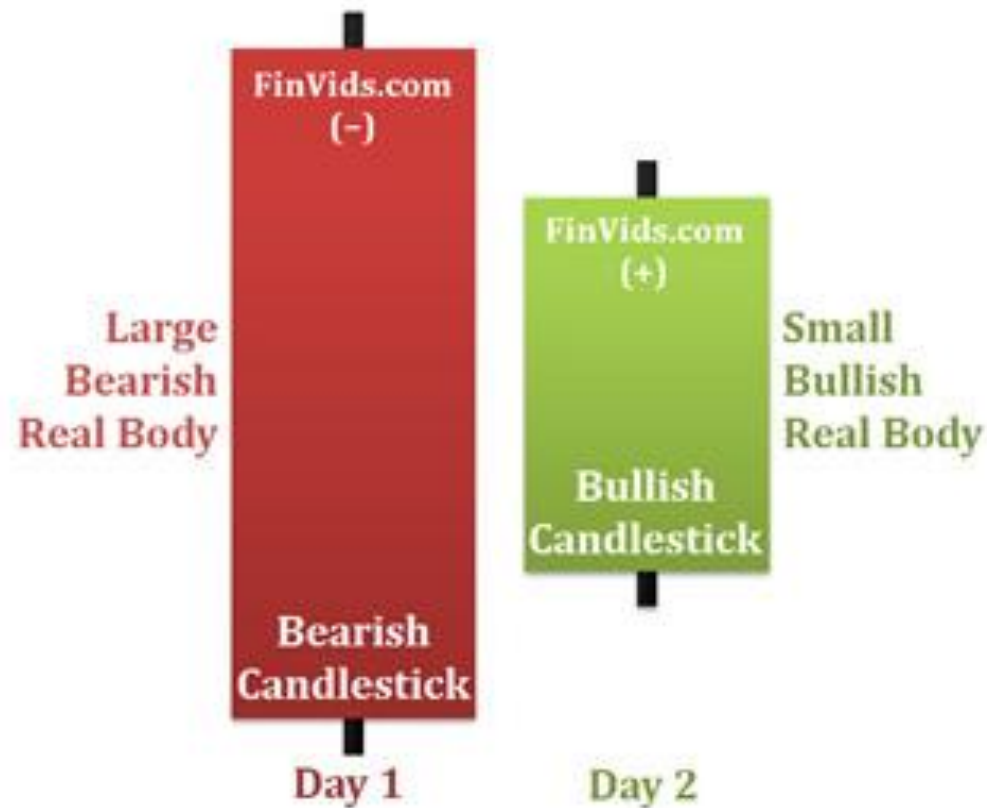
Tweezers Bottom

الگوی انبرک پایینی مانند الگوی قبلی شامل دو شمع با رنگ‌های متفاوت می‌باشد. با این تفاوت که ابتدا شمعی نزولی (قرمز) با بدنه بزرگ تشکیل می‌شود این شمع فاقد سایه یا با سایه‌های کوچک می‌باشد. شمع دوم در دل محدوده قیمت شمع اول به شکل ستاره (دوجی) یا چکش معکوس تشکیل می‌شود. برای اهمیت بیشتر تغییر روند از نزولی به صعودی در این الگو، خارج نشدن سایه‌های شمع دوم از شمع اول مهم می‌باشد.

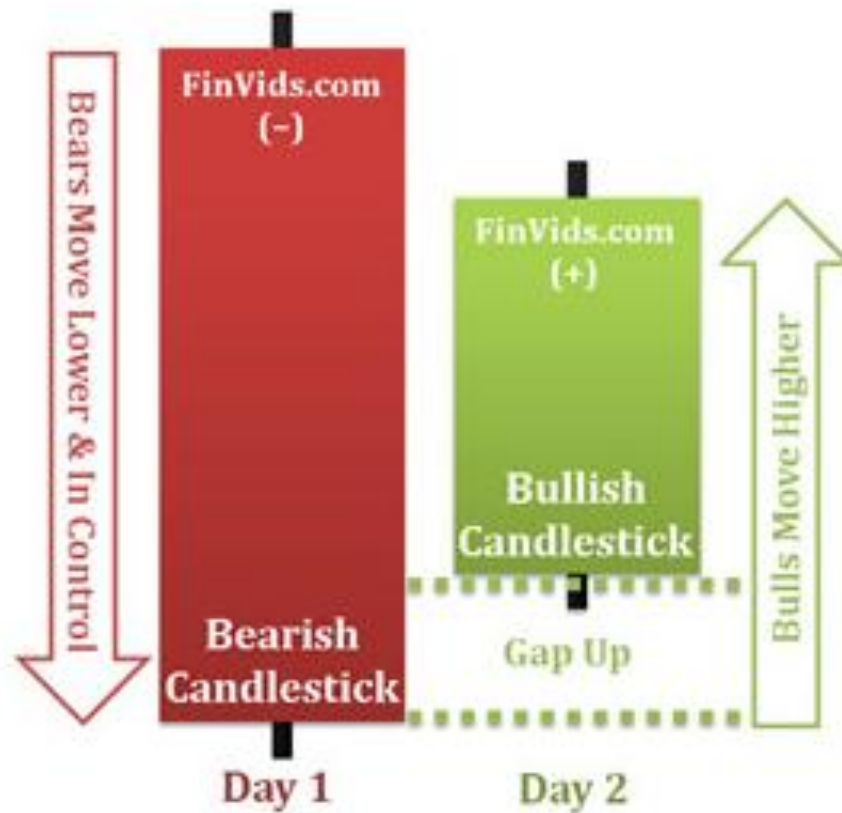


Bullish Harami

الگوی هارامی صعودی نیز در انتهای روند نزولی تشکیل می‌شود و اخطار تغییر روند را صادر می‌کند. شمع اول بدنه مشکی (نزولی) دارد که تمامی بدنه شمع دوم را پوشش می‌دهد سایه‌ها در این الگو اهمیت زیادی ندارند اما خارج نشدن سایه‌های شمع دوم از محدوده سایه‌های شمع اول قدرت بیشتر این الگو را نشان می‌دهد.



اهمیت یک الگوی هارامی است نشان داده شده است. در طول یک روند نزولی یک شمع بلند سرسخت نشان می‌دهد که فروشندگان از قدرت بالایی برخوردارند. با این حال، در روز دوم، به جای آنکه قیمت‌ها پایین‌تر رود نیروی خریداران از افت بیشتر قیمت جلوگیری می‌کند. در روز دوم، قیمت کمی به سمت بالا می‌رود و خریداران مسئول این تغییر هستند. این دو دلی در الگوی هارامی، نشان می‌دهد که قیمت می‌تواند با در پیش گرفتن روندی معکوس به سمت بالا برگردد و همچنین حکایت از خستگی فروشندگان دارد.

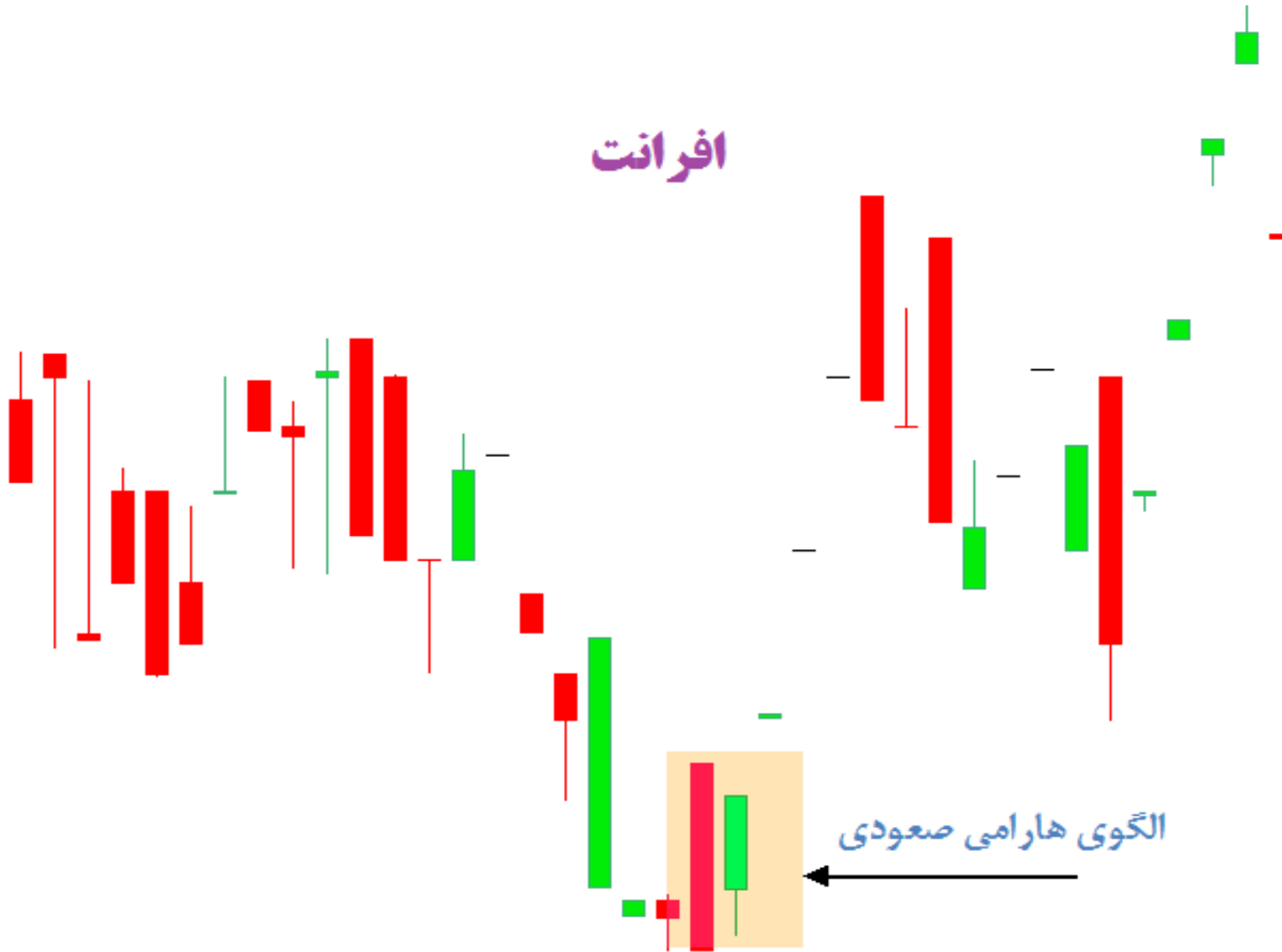


ویژگی‌هایی که باعث افزایش اثربخشی الگوی هارامی می‌شود

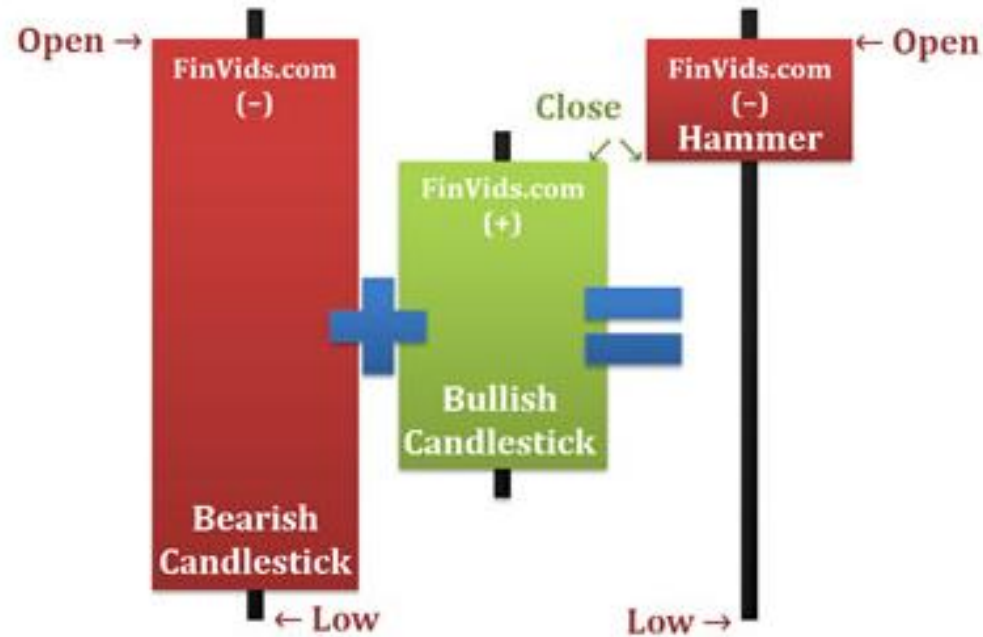
- بدنه شمع روز دوم در نقطه میانی بدنه روز اول قرار می‌گیرد. با این حال ، پس از روند نزولی در روز دوم شمع کوچک صعودی شانس بیشتری برای تثبیت و برگشت قیمت به سمت بالا ایجاد می‌کند.
- هرچه قیمت‌های باز، بالا، پایین، و بسته شمع دوم نزدیک به بدنه شمع روز قبل باشد ، احتمال برگشت بیشتری در قیمت وجود دارد.
- بدنه کوچک و سایه‌های بلند روز دوم هر چه بیشتر شبیه **doji** باشد ، احتمال یک واژگونی کامل افزایش پیدا می‌کند.



افرانت



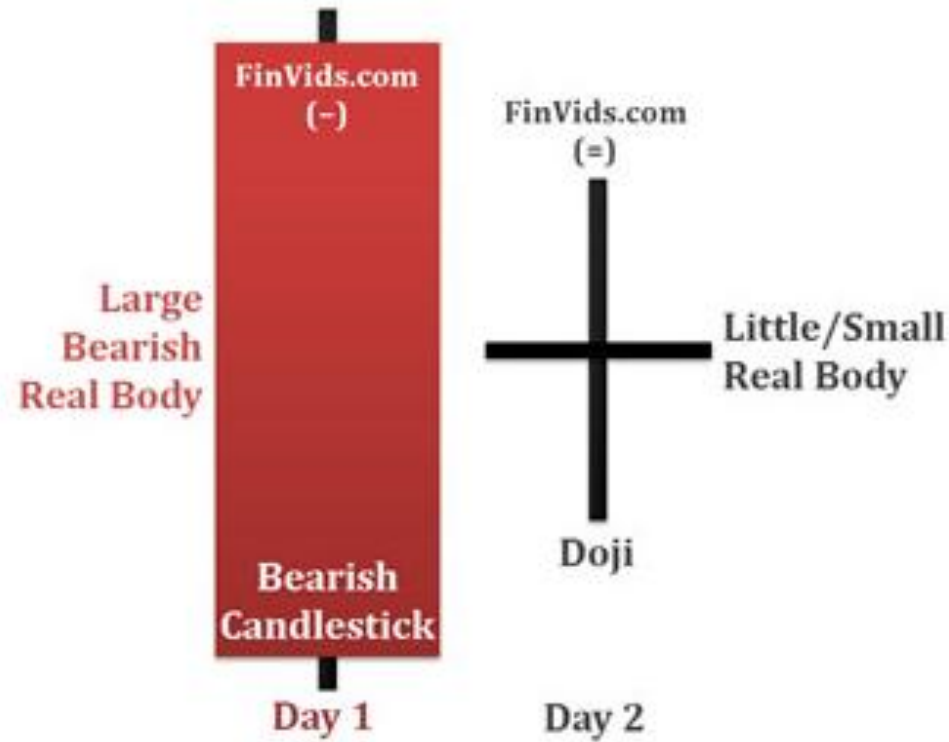
الگوی هارامی صعودی



مخلوط نمودن ترکیب دو شمع الگوی Bullish Harami ترکیبی معادل الگوی چکش نزولی بدست می آید. چکش نزولی یک الگوی بازگشتی شمعی پایین است.

Bullish Harami Cross

صليب هارامى صعودى (هارامى كراس) شباھت بسيارى به الگوى قبلى دارد با اين تفاوت كه بدنه شمع دوم حتماً بصورت داجى (ستاره) تشكيل شده است اين الگو در انتهاي روند نزولى تشكيل مى شود و اخطار تغيير روند را صادر مى كند.



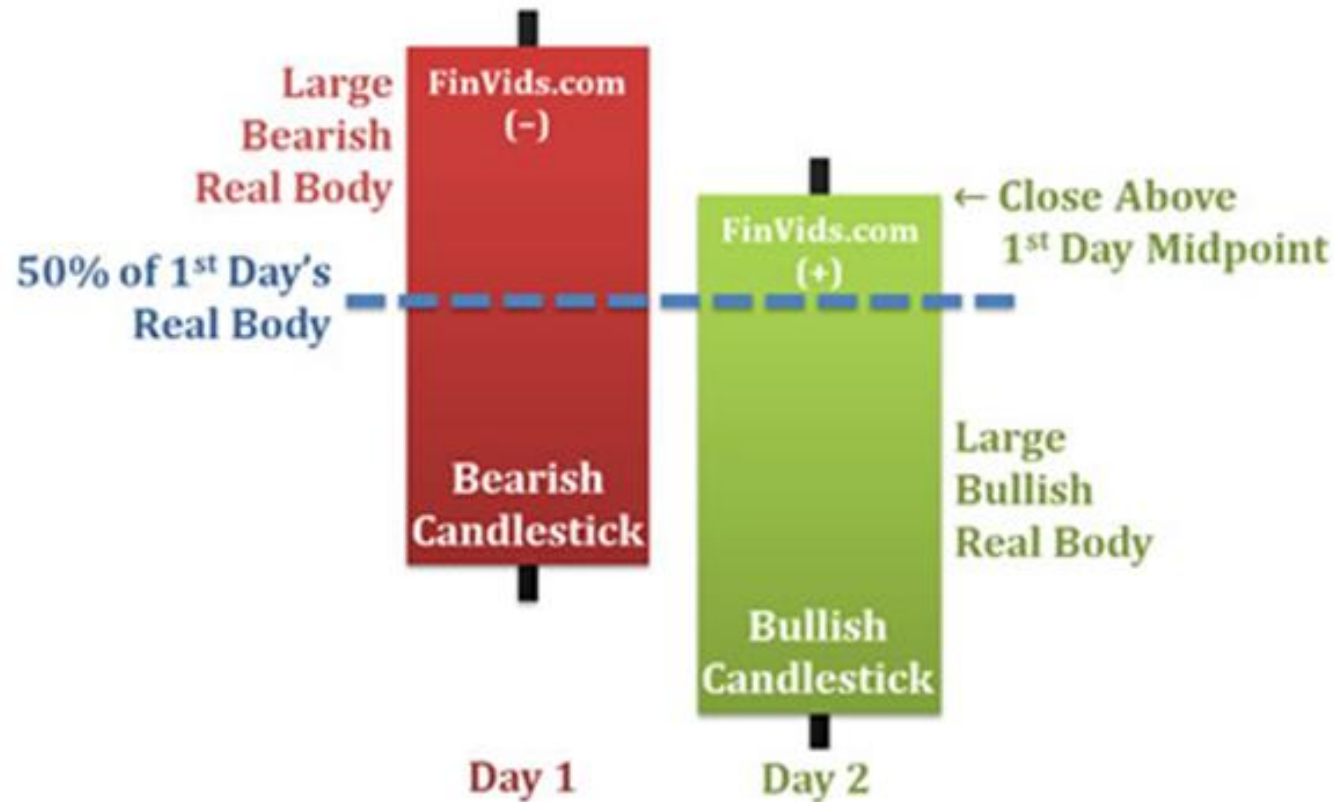


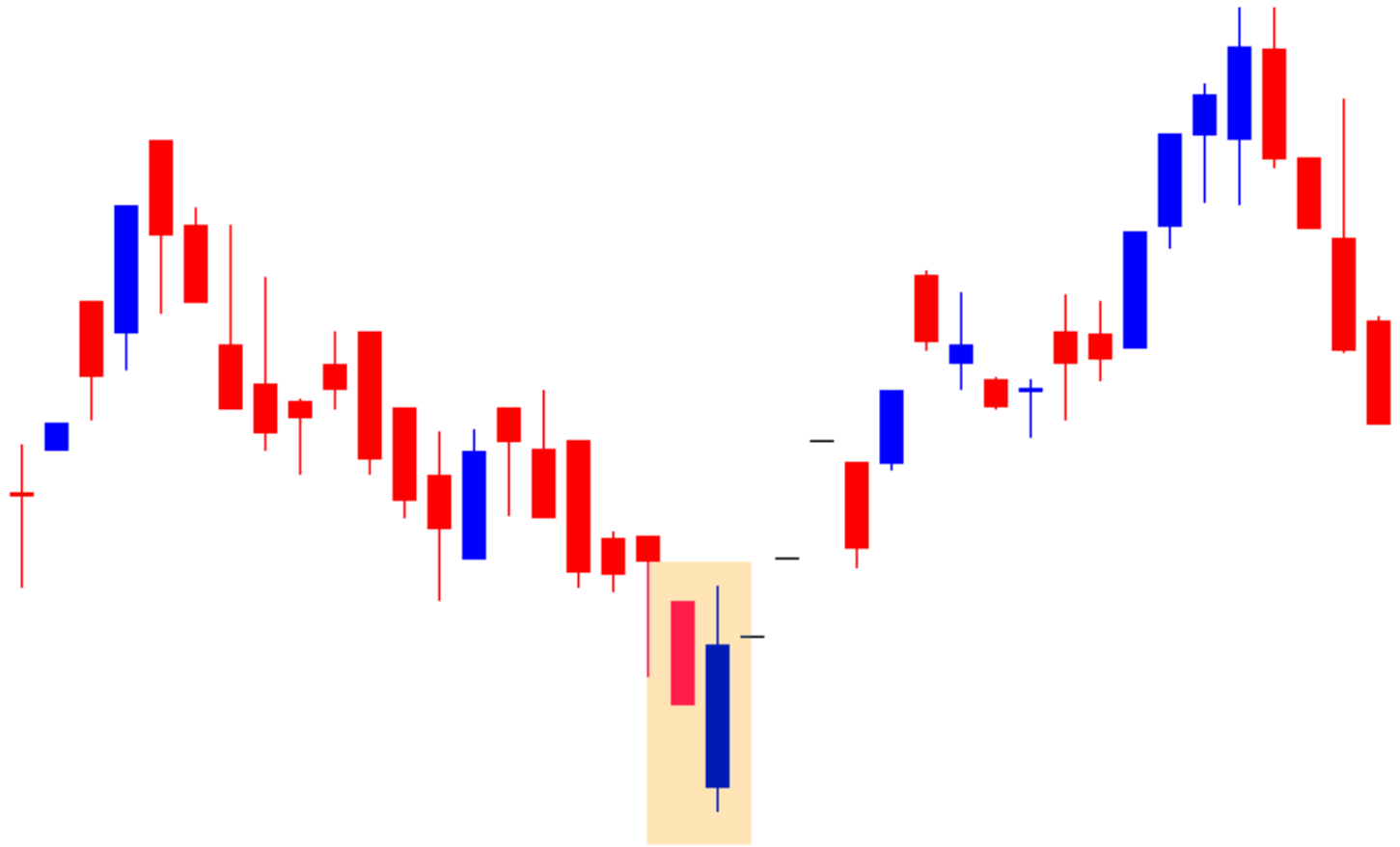
صليب هارامی صعودی



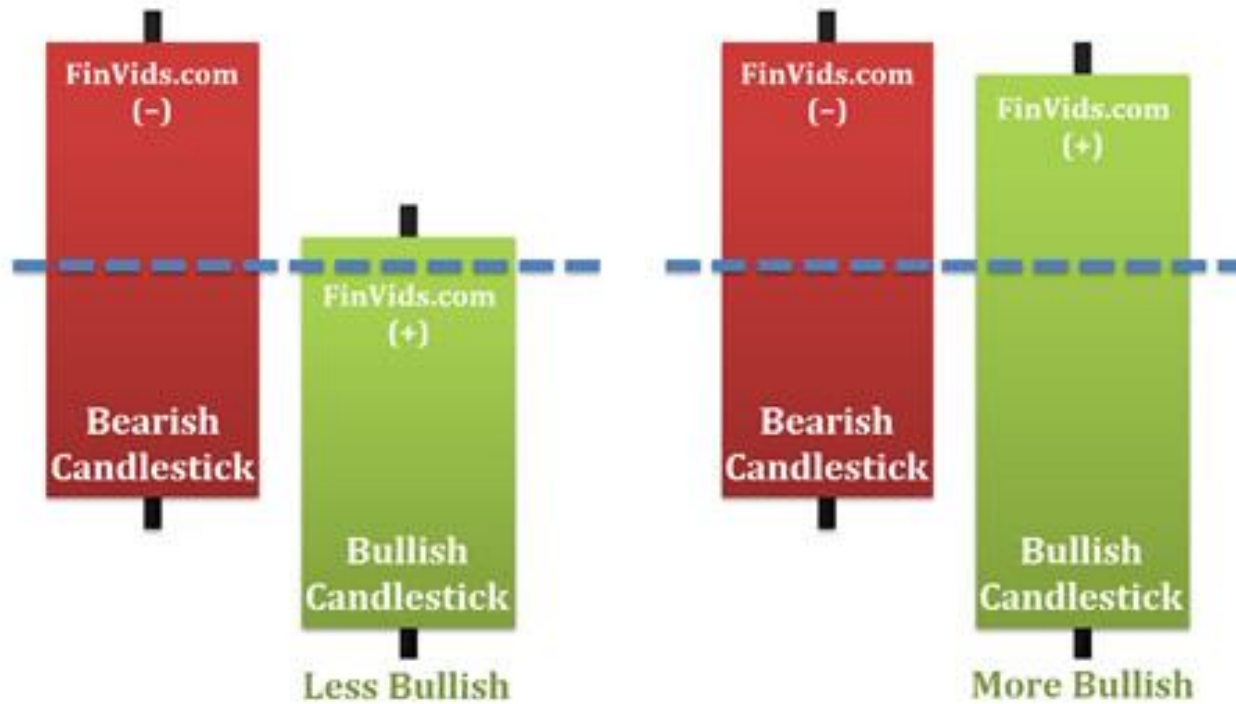
Bullish Piercing Line

در این الگو (پوشش شکاف صعودی) شاهد دو شمع با رنگ‌های متفاوت هستیم. در شمع اول بدنه قرمز (نزولی) و شمع دوم بدنه‌ای سبز (صعودی) با نقطه پایانی پایین‌تر از نقطه آغازین شمع قبلی می‌بینیم و نقطه آغاز شمع دوم با شکافی نزولی نسبت به پایان شمع اول شروع شده است. این الگو در انتهای روند نزولی تشکیل شده و نمایشگر آغاز روند صعودی می‌باشد.





الگوی پوشش شکاف صعودی

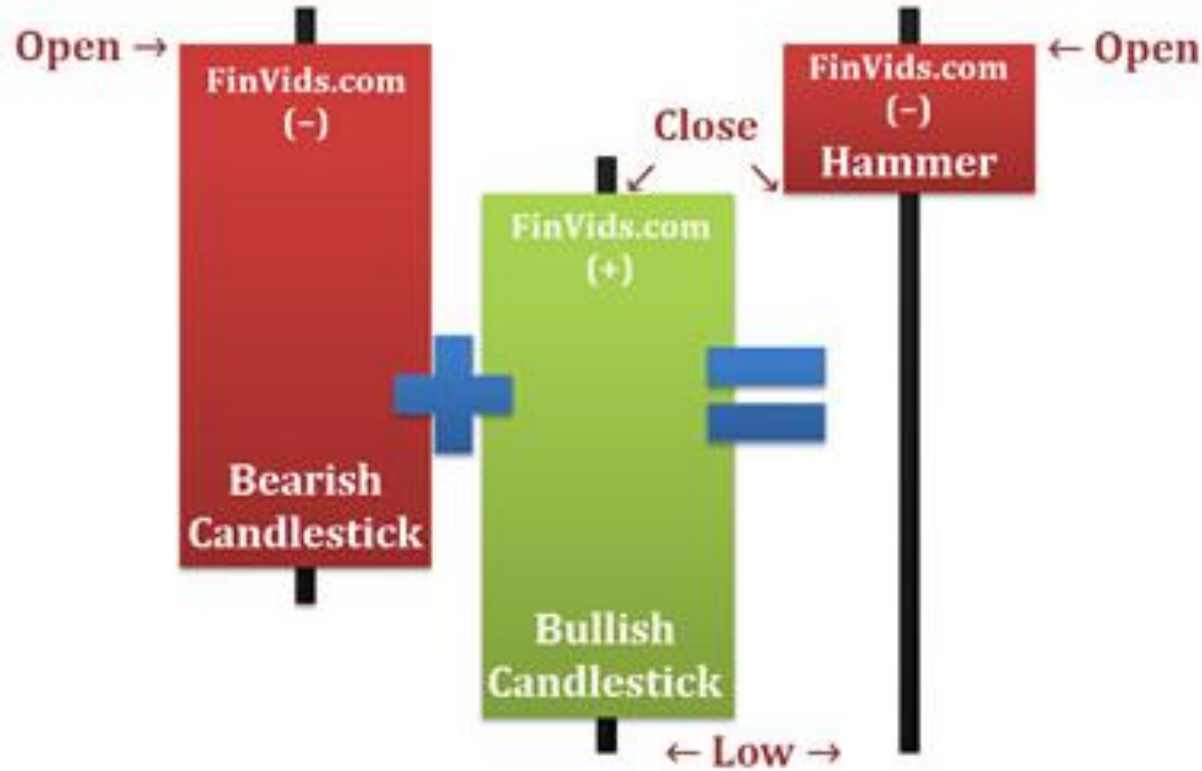


ویژگی‌هایی که اهمیت یک الگوی پوشش شکاف صعودی را افزایش می‌دهد در زیر آورده شده :

۱- هر چه نفوذ قیمت در روز دوم صعودی به سطح قیمت بسته روز اول بیشتر باشد ، الگوی قوی تر و قابل اعتماد تر است.

استدلال: با روئت شمع صعودی در روز دوم به عنوان نفی تلاش فروشندگان در روز اول ، نفوذ بیشتر قیمت و رشد آن تا محدوده قیمت بازگشائی شمع اول نشان از افزایش نیروی خریداران سهم دارد و می‌تواند برای روند صعودی امیدوار کننده باشد. نفوذ ۵۰٪ شکست نیمی از فروشندگان و نفوذ ۱۰۰٪ شکست کامل فروشندگان در روند نزولی را نشان می‌دهد.

۲- افزایش حجم معاملات روز دوم و سرسختی خریداران



منحلوط نمودن ترکیب دو شمع الگوی Piercing Pattern ترکیبی معادل الگوی چکش نزولی بدست می آید. چکش نزولی یک الگوی بازگشتی شمعی پایین است.

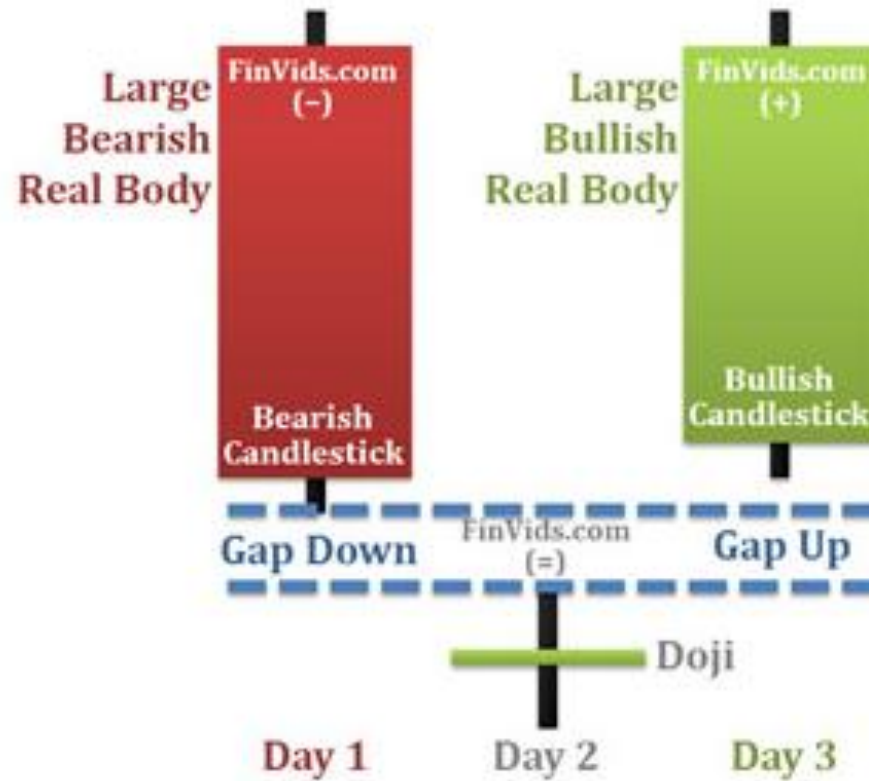
فولاد مبارکه اصفهان



الگوهای ترکیبی سه شمعی Three candles

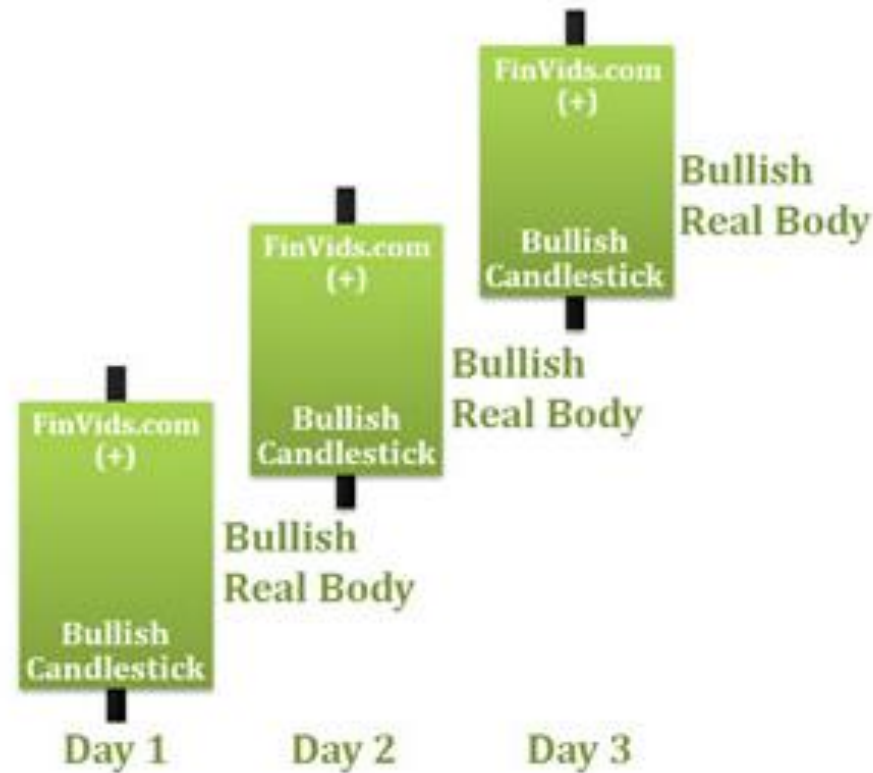
Abandoned Baby button

این الگو (کودک رها شده پایین) در بازار بندرت به وجود می‌آید. در انتهای روند نزولی پس از یک شمع نزولی قوی شکافی تا شمع بعدی به وجود می‌آید. شمع بعدی بصورت ستاره (داجی) بسته می‌شود و فاصله بسته شدنش تا شمع بعدی نیز دارای شکاف است. با قرمز (نزولی) بسته شدن بدنه شمع سوم اخطار پایان روند صعودی و آغاز روند نزولی به وجود می‌آید.

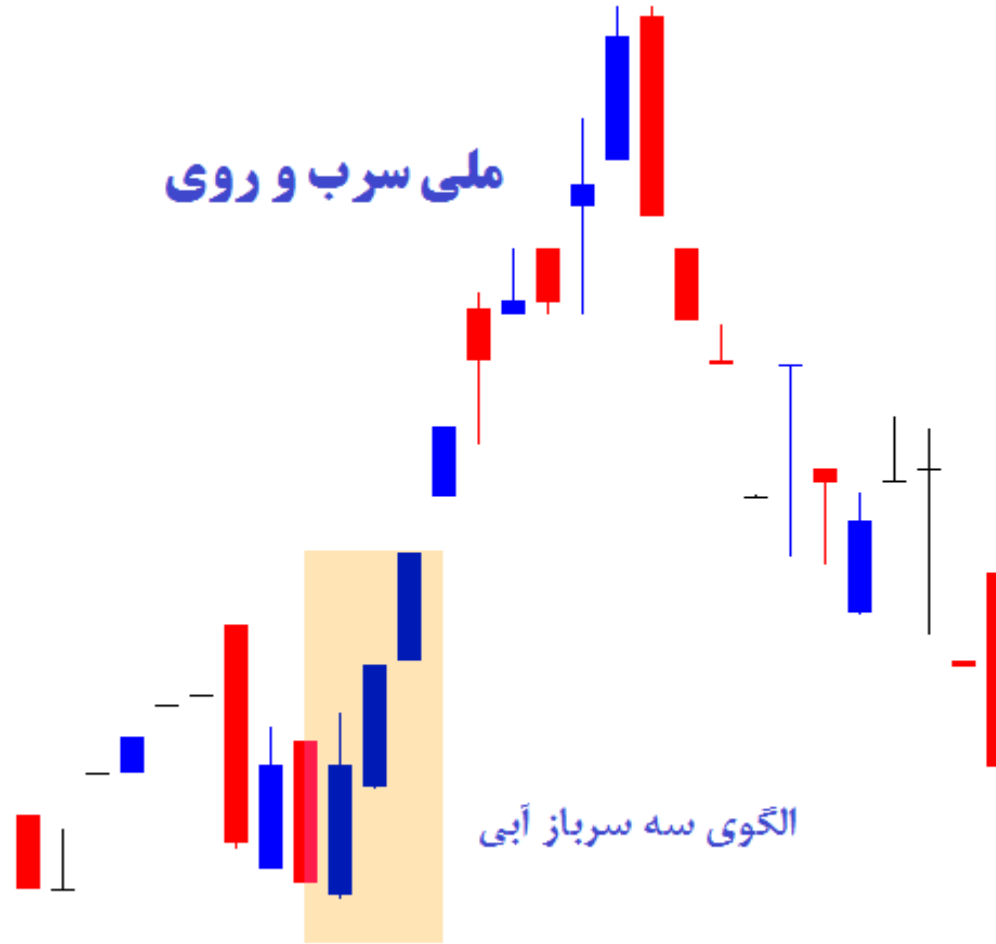


Three blue Soldiers

الگوی سه سرباز آبی از سه شمع صعودی قوی تشکیل شده است. سایه‌ها غالباً کوتاه و ایجاد شکاف نزولی بین شمع اول، دوم و شکاف نزولی بین شمع دوم و سوم وجود دارد. با بسته شدن شمع سوم اخطار قوی تغییر روند از نزولی به صعودی ایجاد می‌شود.



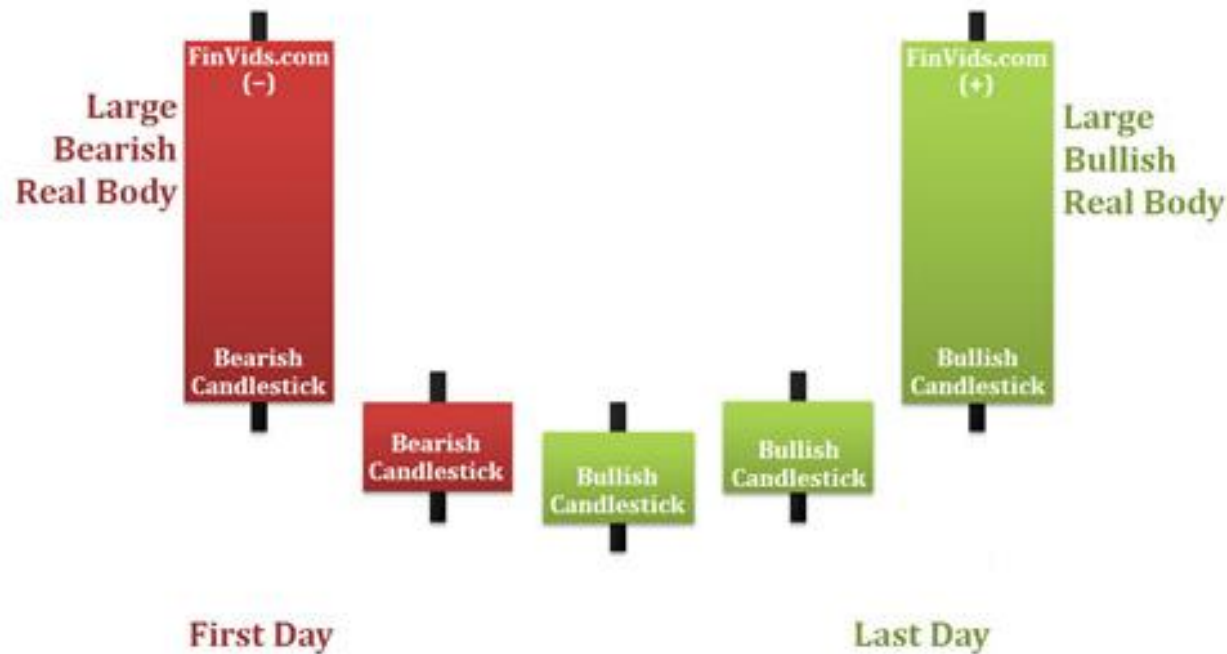
ملی سرب و روی



الگوی سه سرباز آبی

Tower Bottom

الگوی گنبد تحتانی یک الگوی بازگشتی است که در زمان افت قیمت‌ها شکل می‌گیرد. به طور معمول این الگو با کوچک شدن شمع‌های نزولی، چند شمع صعودی یک اندازه و یک شمع صعودی بزرگ کامل می‌گردد. شمع‌های نزولی در سمت چپ و شمع‌های صعودی در سمت راست دو طرف گنبد را تشکیل می‌دهند، و شمع‌های کوچک کف گنبد را تشکیل می‌دهند.



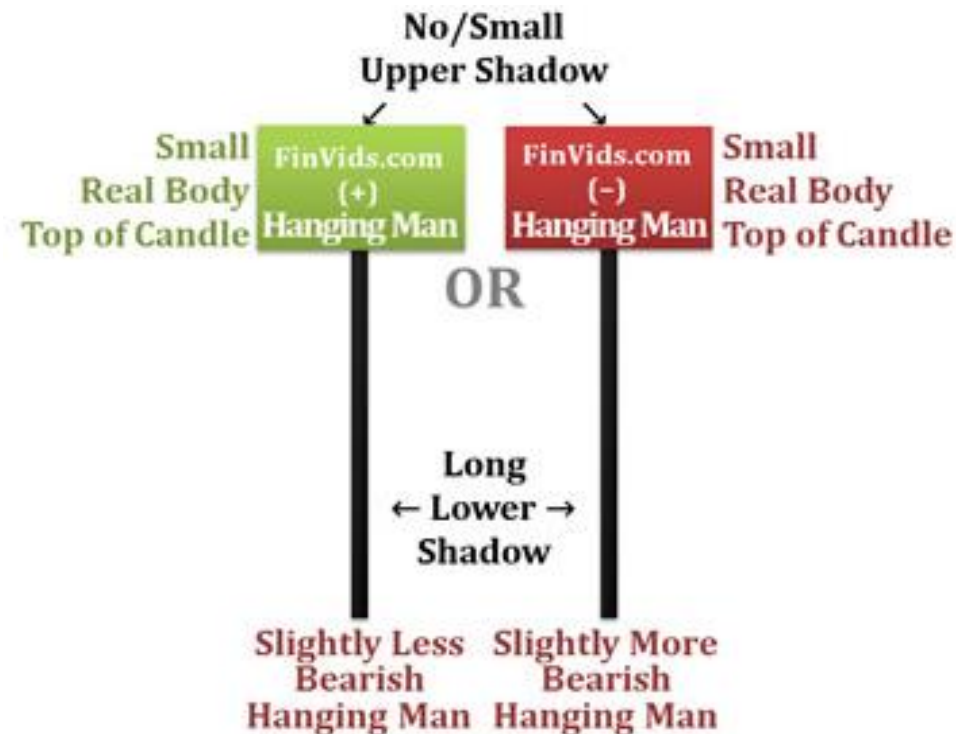
اصول استفاده از الگوهای نزولی Bearish Reversals

الگوهای (نزولی) Bearish تشکیل شده از یک ، دو یا سه کندل در انتهای روند صعودی هستند و علامتی برای تغییر جهت روند از **صعودی به نزولی** می باشند در ادامه به ترتیب الگوهای تک و ترکیبی نزولی (بیریش) را مشاهده می کنیم.

الگوهای تک شمعی One candle

Hanging Man مرد دارآویخته

الگوی مرد دارآویخته در انتهای یک روند صعودی تشکیل می شود از خصوصیات این الگو سایه پایینی بلند، سایه بالایی کوتاه (وجود نداشتن سایه بالایی) و بدنه ای حداکثر یک دوم سایه پایینی می باشد. در این الگو رنگ بدنه تفاوتی ندارد اما بدنه نزولی (مشکی) قدرت بیشتر این الگو را برای بازگشت روند نشان می دهد.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

سایه طولانی پایین شمع دلالت بر قدرت گرفتن فروشندگان برای پایین آوردن قیمت سهم در روز معاملاتی دارد. با این حال، خریداران همچنان قادر به افزایش قیمت تا نزدیکی قیمت آغازین جلسه معاملاتی بوده‌اند. اما روند صعودی آسیب پذیر جلوه می‌کند.

برای اثبات آسیب پذیری روند صعودی، باید منتظر تأیید قطعی تغییر روند بمانیم. این تأییدیه زمانی اتفاق می‌افتد که در جلسه معاملاتی آینده است کندلی کاهشی پایین‌تر از کندل مرد دارآویخته ایجاد شود. در غیر اینصورت الگوی مرد دارآویخته از درجه اعتبار ساقط است.

برای تأیید الگوی مرد دارآویخته به نکات زیر توجه کنید:

۱- در این الگو معمولاً هیچ سایه بالایی یا سایه بسیار کوچک فوقانی دیده می‌شود.

بدنه شمع باید در بالای محدوده نوسان شمعی باشد. بدنه شمع می‌تواند صعودی یا صعودی سرسخت باشد، اما کندل نزولی بر کندل صعودی ارجح است.

۲ سایه پایین در الگو باید حداقل دو برابر ارتفاع بدنه شمع باشد.

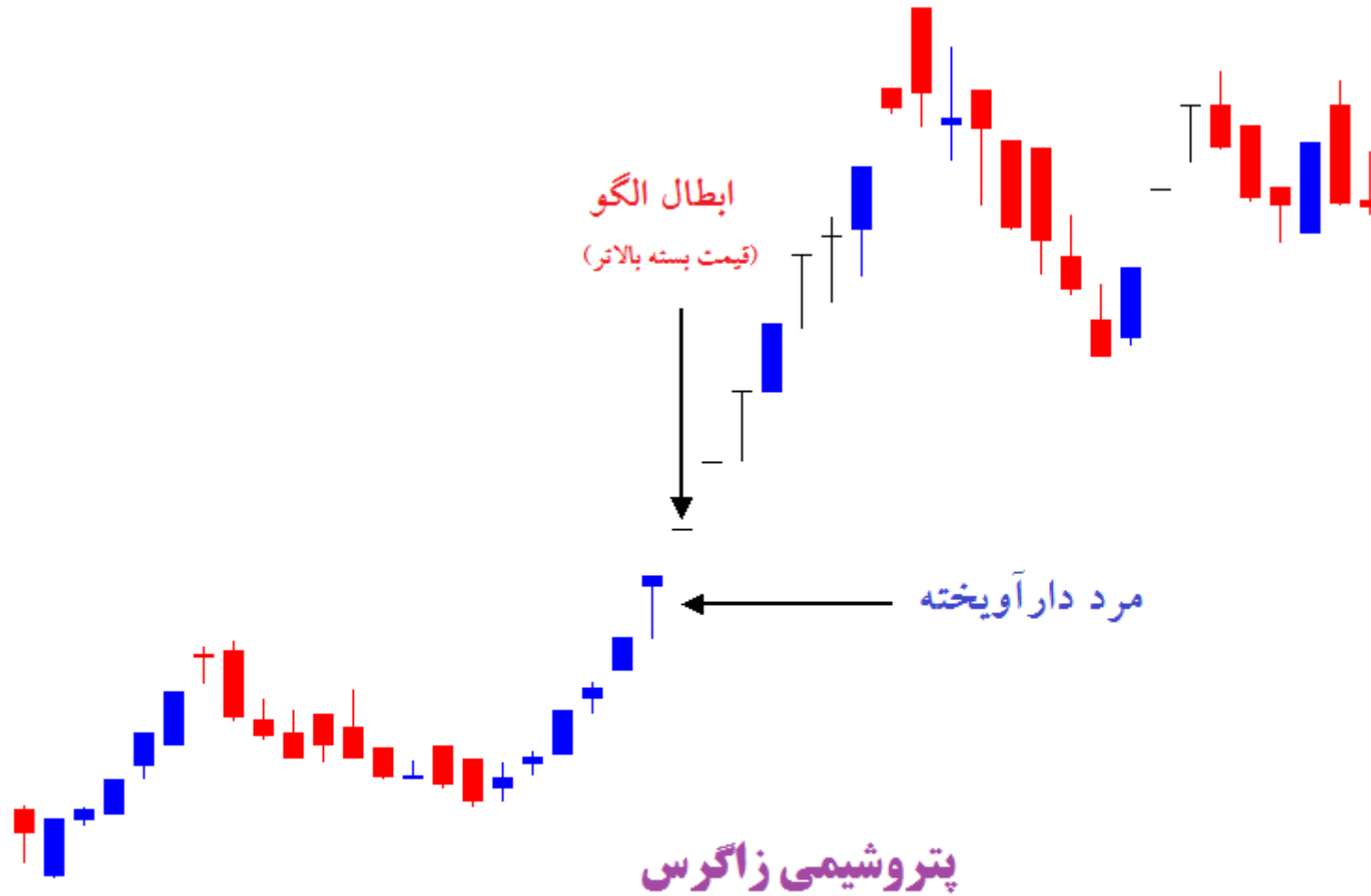
۳ بدنه شمع الگو، ۳۰٪ متوسط ارتفاع بدنه شمع‌ها در بیش از ۲۰ جلسه معاملاتی گذشته باشد.

۴ روند بیش از ۳ جلسه معاملاتی گذشته صعودی باشد.

روانشناسی الگوی مرد دارآویخته

الگوی شمعی مرد دارآویخته نیاز به تأییدیه روز دوم دارد که از طریق روانشناسی بازار توضیح داده می‌شود. معمولاً فعال‌ترین بخش یک روز معاملاتی، قیمت‌های باز و بسته شدن آن است. از آنجا که باز و بسته شدن قیمت در الگوی مرد دارآویخته در قسمت بالای شمع رخ می‌دهد، در صورتی که در جلسه معاملاتی بعد قیمت باز شدن افت نماید معامله‌گران که در قیمت‌های باز و بسته شدن اقدام به خرید نموده‌اند با زیان مواجه می‌شوند. بسته به چگونگی شمع نزولی ایجاد شده در روز کاری بعد، معامله‌گران که در قیمت باز و یا نزدیک به قیمت‌های الگو به خصوص اگر خط روند صعودی شکسته شده باشد؛ برای جلوگیری از زیان بیشتر دست به فروش بیشتری زده و الگو تأیید می‌شود.

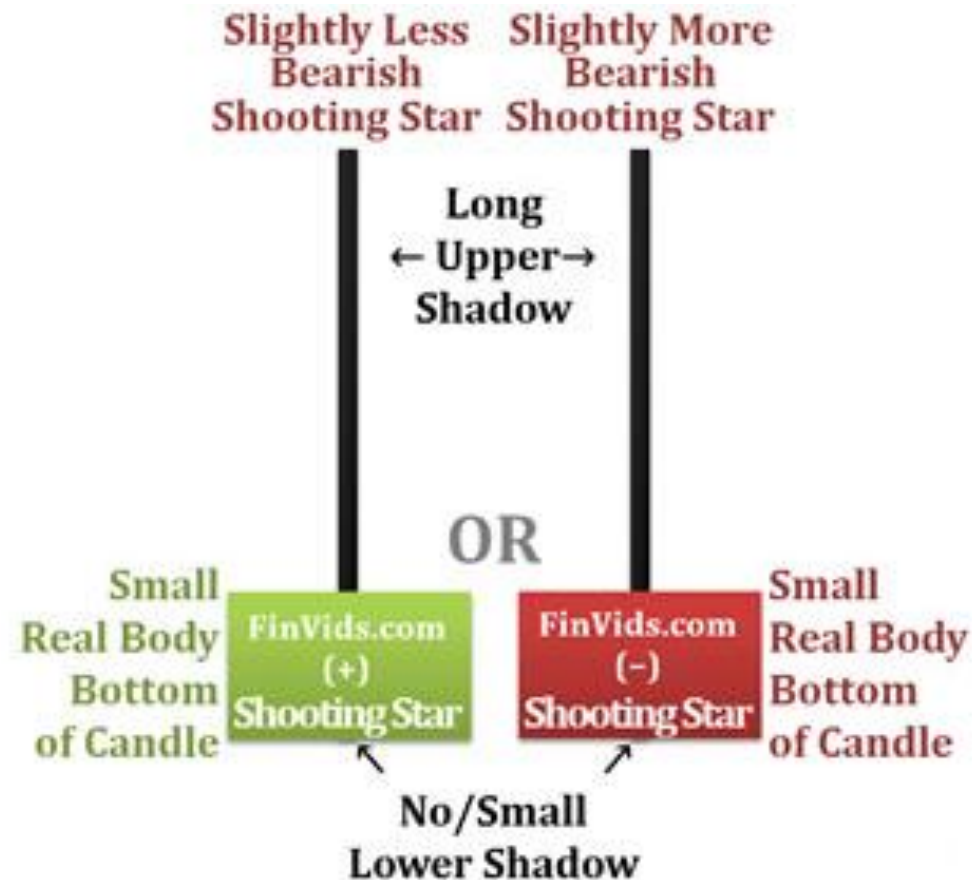




در نمودار بالا قیمت در روند به طور پیوسته بالاتر از کندل مرد دارآویخته بسته می‌شود. با این حال، روزهای بعد نیز کندلهای صعودی بالاتر از کندل مرد دارآویخته بسته می‌شوند. به وضوح نشان می‌دهد که برای تکمیل الگوی ریزشی مرد دارآویخته نیاز به بسته شدن قیمت‌ها زیر کندل مرد دارآویخته است که نمودار بالا با الگوی مورد نظر مطابقت ندارد.

Shooting Star

الگو شوتینگ استار (الگوی ستاره رها شده) مانند الگوی قبلی در انتهای یک روند صعودی تشکیل می‌شود و سیگنالی بالقوه از تغییر روند آتی است. سایه بالایی بلند، سایه پایینی کوتاه و یا وجود نداشتن سایه پایینی و بدنه‌ای حداکثر یک دوم سایه بالایی از خصوصیات این الگو می‌باشد. در این الگو رنگ بدنه تفاوتی ندارد اما بدنه نزولی قدرت بیشتر این الگو را برای تغییر روند نشان می‌دهد. ستاره رها شده گاهی اوقات چکش وارونه نیز نامیده می‌شود. از مشخصات فنی ستاره رها شده الگوی شمعی دو روزه است، روز اول شمعی صعودی است و روز دوم ستاره رها شده.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

تعریف‌های خاص از الگوی ستاره رها شده که بر اعتبار آن می‌افزاید عبارتست از :

- ۱- سه روز قبل از شکل گیری الگو روند قیمتی بایستی صعودی باشد.
- ۲- کندل شمع در روز معاملاتی گذشته (یک روز قبل از بروز شمع ستاره رها شده) صعودی باشد.
- ۳- سایه بالایی دو برابر ارتفاع بدنه شمع باشد.





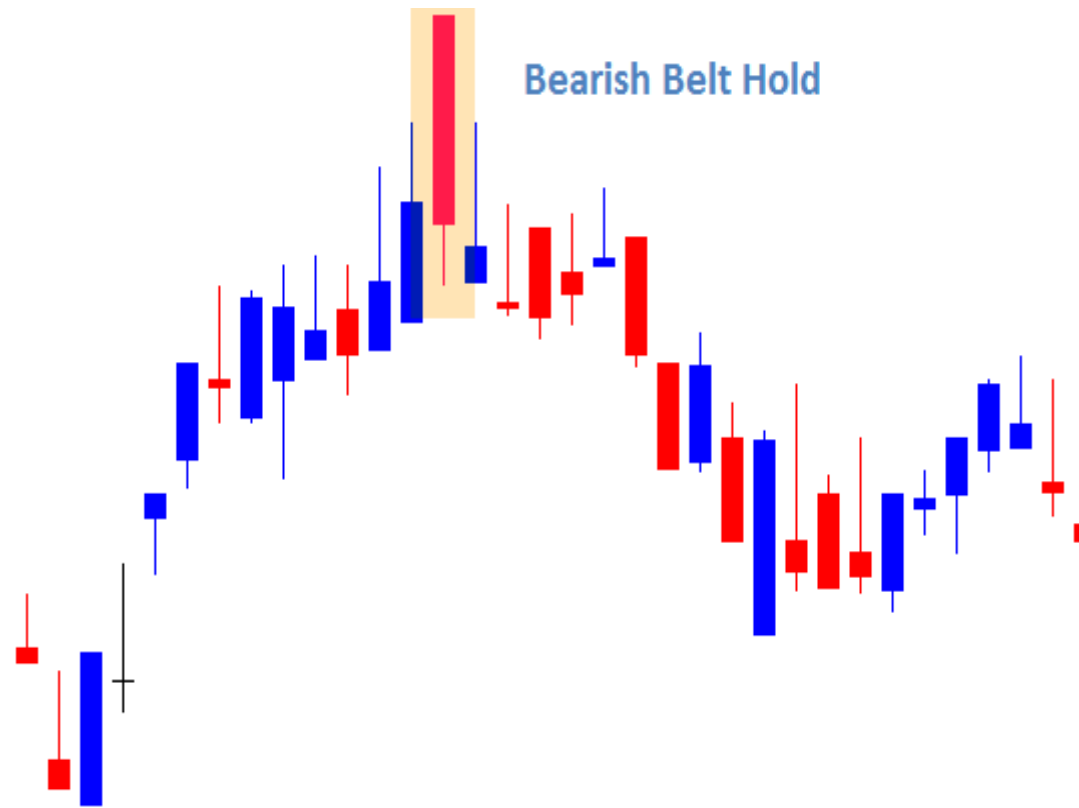
زامیاد

Bearish Belt Hold

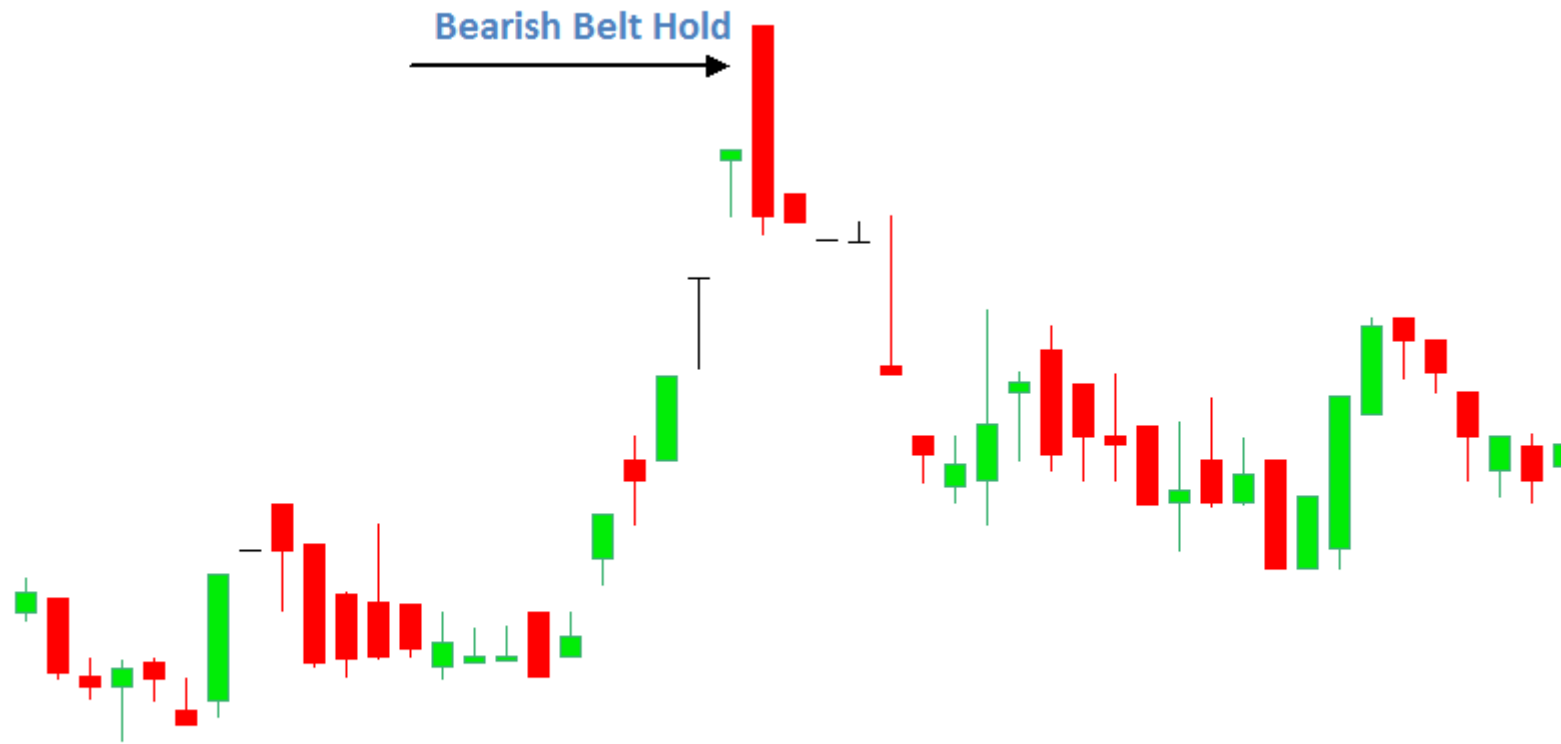
این الگو مدلی از Opening Marubozu می‌باشد. در روند صعودی قیمت آغازین این کندل با گپ (شکاف) رو به بالا باز می‌شود اما در ادامه شاهد هیچ سایه بالایی نمی‌باشیم. قیمت از نقطه آغاز رو به پایین حرکت کرده و بدنه نسبتاً بزرگی را شاهد هستیم. اگر سایه و بدنه این الگو فاصله گپ (شکاف) را پر نماید می‌تواند نشانگر آغاز روند صعودی باشد.

No Upper Shadow





گسترش سرمایه گذاری ایران خودرو

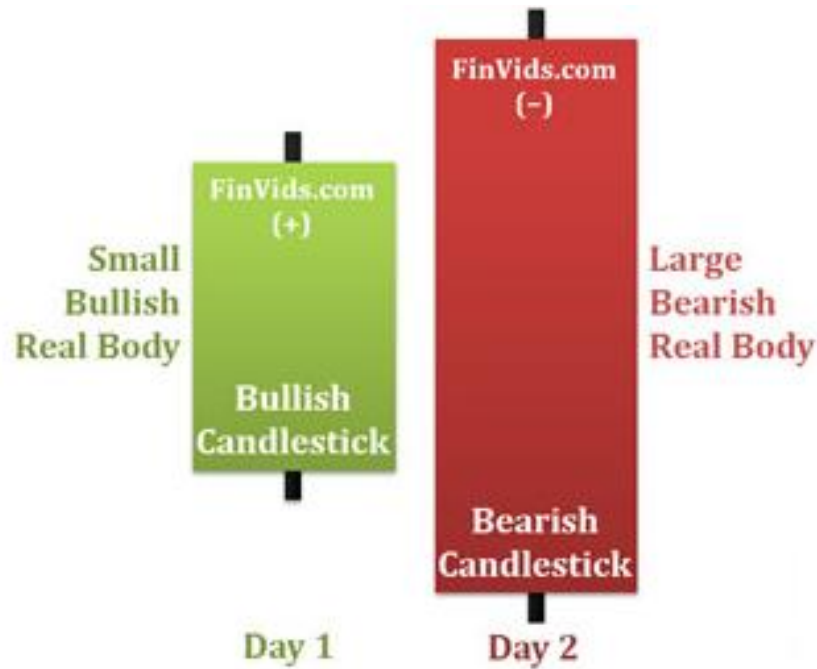


بانک کارآفرین

الگوهای ترکیبی دو شمعی Two candles

Bearish Engulfing

این الگو (پوشاننده نزولی) شامل دو شمع با رنگ‌های متفاوت است که در انتهای روند صعودی تشکیل می‌شود. کل بدنه قرمز (نزولی) شمع دوم، بدنه اول آبی (صعودی) را پوشش می‌دهد. اندازه سایه‌ها در این دو کندل اهمیتی ندارد. ایجاد شکاف (گپ) بین نقطه پایان کندل اول و نقطه آغاز کندل دوم اهمیت بیشتری به این الگو برای آغاز روند نزولی می‌دهد.



معیارهای الگوی پوشاننده نزولی عبارتند از:

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

شمع روز اول باید صعودی باشد ، اما می‌تواند doji هم باشد .
شمع روز دوم نزولی است و بلندتر از شمع روز اول است.
قیمت‌های باز و بالا در روز دوم باید بیشتر از بالاترین قیمت روز اول یا نزدیک به آن باشد. در روز دوم پایین‌ترین قیمت باید کمتر از قیمت باز شدن روز اول باشد.
الگوی معتبرتر مستلزم آن است که بدنه شمع روز دوم بزرگتر از شمع روز اول باشد (از جمله سایه بالا و سایه پایین).

صفتی که باعث بهبود اثربخشی الگوی پوشاننده نزولی می‌شود:

۱- شمع روز اول بسیار کوچک و شمع روز دوم بسیار طولانی است.

استدلال: پس از یک روند صعودی، یک شمع کوچک افزایشی نشان می‌دهد که خریداران قادر به فشار به بازار برای رسیدن به قیمت‌های بسیار بالاتر نیستند در حالی که در گذشته قادر به انجام آن بوده‌اند. به عنوان یادآوری، یک شمع کوچک در مقایسه با یک شمع بزرگ ، قدرت کمتر خریداران در روند صعودی را نشان می‌دهد و بیانگر توانمندی بیش از پیش فروشندگان است. به طور مشابه، یک شمع بزرگ نزولی پس از یک روند صعودی نشان می‌دهد که فروشندگان قادر به کنترل بازار بوده و خریداران قادر و یا تمایلی به متوقف کردن این هجوم فروشندگان ندارند.

الگوی پوشاننده نزولی پس از یک روند صعودی طولانی و یا یک حرکت سریع بازار شکل می‌گیرد.

استدلال: می‌توان اینطور استدلال نمود که در روندهای صعودی طولانی بیشتر معامله گرانی که سود کرده‌اند انگیزه‌های فروش بیشتری دارند و رفته رفته از حجم خریداران کم می‌شود. بهمین دلیل ایجاد یک شمعی صعودی کوچک یا doji در روز اول الگوی بسیار مهم است و بیانگر خستگی خریداران است. در مقابل، حرکات انفجاری صعودی اغلب محدوده اشباع خرید را نشان می‌دهد و آسیب پذیری روند برای بازگشت را تشدید می‌کند. الگوی شمعی پوشاننده نزولی می‌تواند سیگنال حرکت خیلی سریع و بیش از حد برگشتی باشد و اینکه روند صعودی رو به پایان است.

حجم بر روی شمعدان روز دوم بسیار بزرگ است.

استدلال: به طور کلی، مقدار بسیار زیادی از حجم معامله شده در یک شمعدان بزرگ سرسخت کله شق نشان می‌دهد در طول روز بود که گردش مالی زیادی از سهام وجود دارد و معامله گران تا به حال به فروش در قیمت پرش از خریداران، بنابراین کاهش قیمت در جهت مورد نیاز برای تکمیل معامله شد ، این است که بسیار سرسخت کله شق بود. روشن با استفاده از این مفهوم عرضه و تقاضا، در صورتی که بیشتر معامله گران وجود دارد حاضر به فروش سهام خود را (یعنی عرضه بیشتر) و در حال معامله گران کمتر مایل به

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

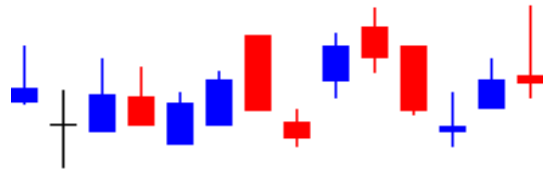
خرید سهام (به عنوان مثال تقاضا کمتر) وجود دارد، و سپس قیمت‌ها باید سقوط، در نتیجه باعث ایجاد یک شمعی نزولی که در آن قیمت باز کرد و در طول روز معامله به نزدیک پایین‌تر سقوط کرد.



Tweezers Top

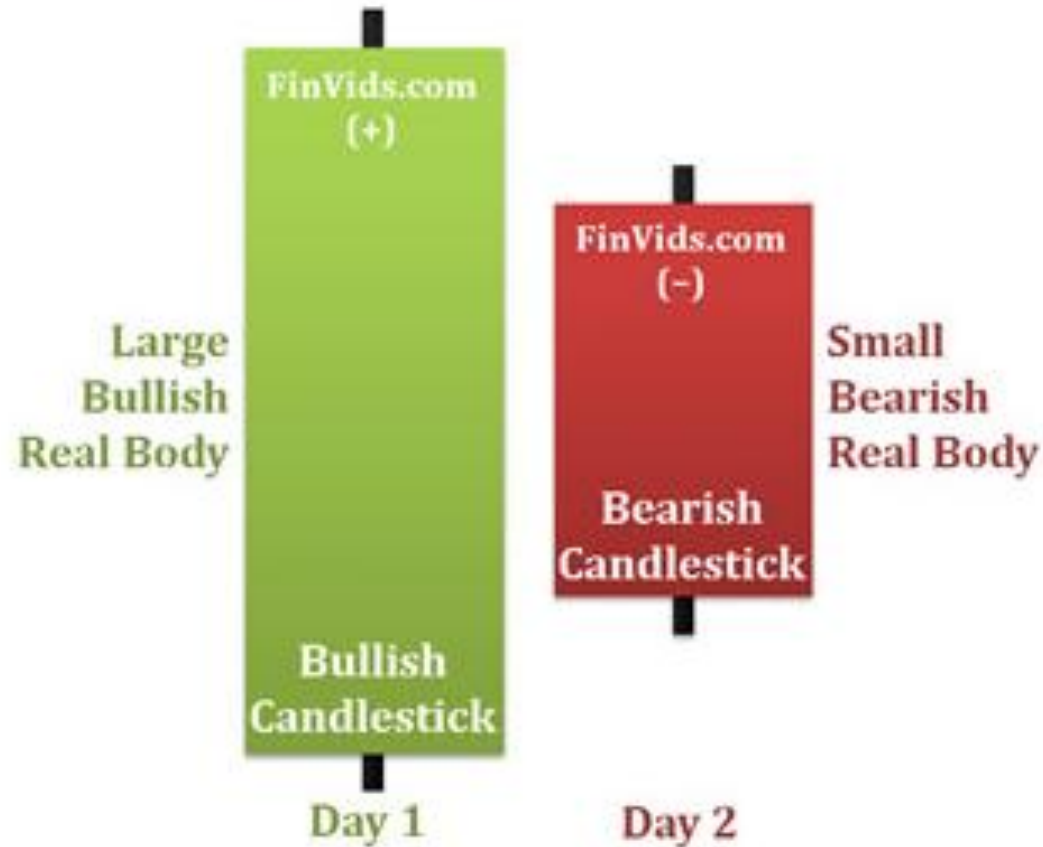
تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

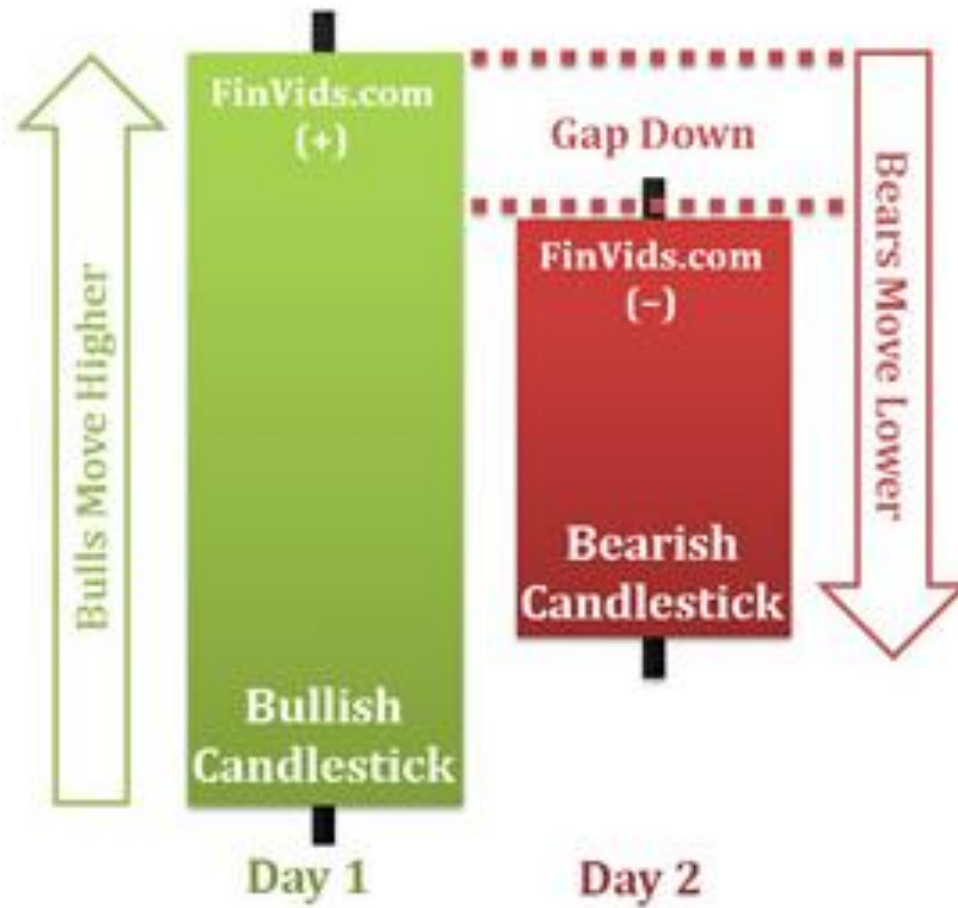
الگوی انبرک بالایی مانند الگوی قبلی شامل دو شمع با رنگ‌های متفاوت می‌باشد. با این تفاوت که ابتدا شمعی صعودی (آبی) با بدنه بزرگ تشکیل می‌شود این شمع فاقد سایه یا با سایه‌های کوچک می‌باشد. شمع دوم در دل محدوده قیمت شمع اول به شکل ستاره (دوجی) یا چکش تشکیل می‌شود. برای اهمیت بیشتر تغییر روند از صعودی به نزولی در این الگو، خارج نشدن سایه‌های شمع دوم از شمع اول مهم می‌باشد.



Bearish Harami

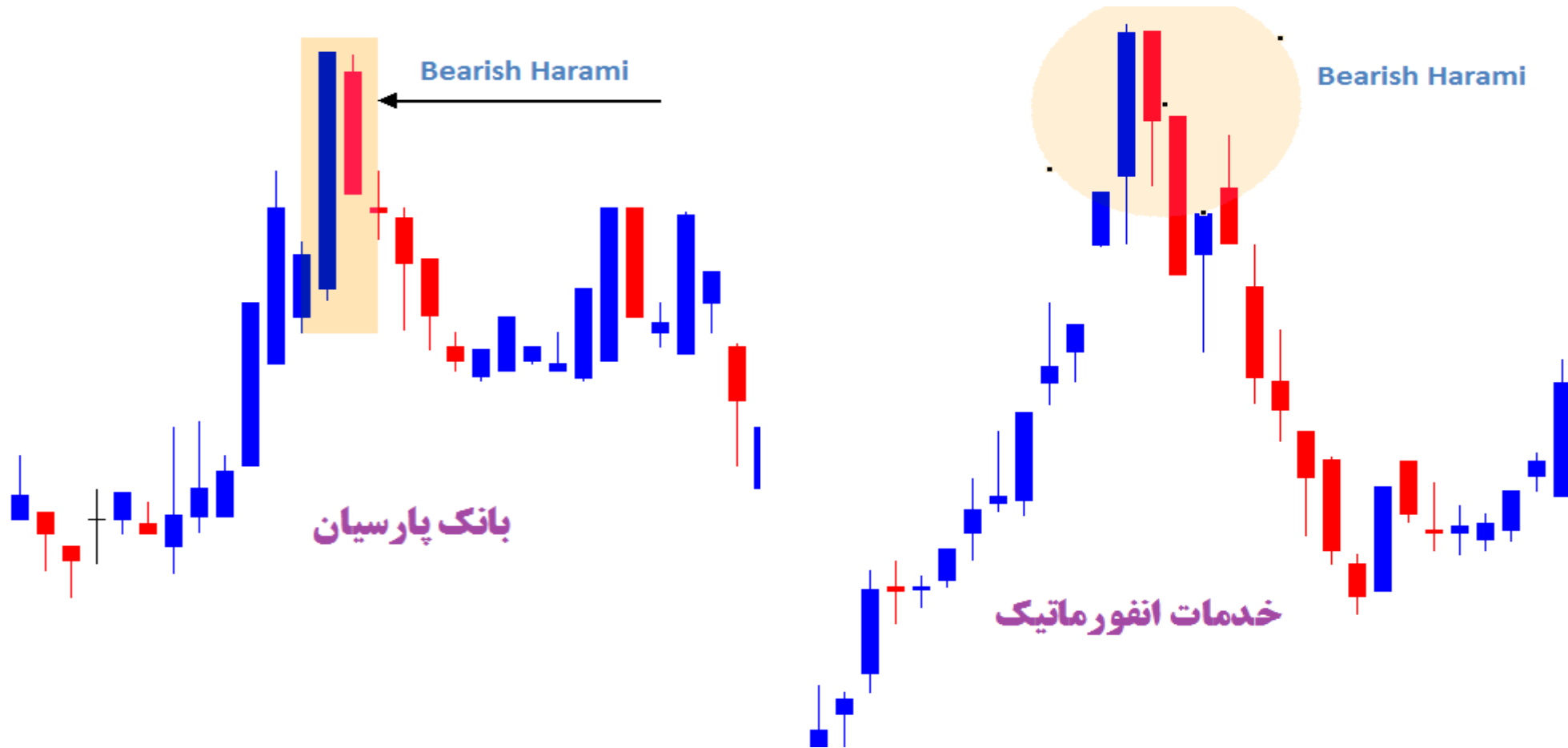
این الگو نیز در انتهای روند صعودی تشکیل می‌شود و اخطار تغییر روند را صادر می‌کند. شمع اول بدنه آبی (صعودی) دارد که تمامی بدنه شمع دوم را پوشش می‌دهد سایه‌ها در این الگو اهمیت زیادی ندارند اما خارج نشدن سایه‌های شمع دوم از محدوده سایه‌های شمع اول قدرت بیشتر این الگو را نشان می‌دهد.





تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

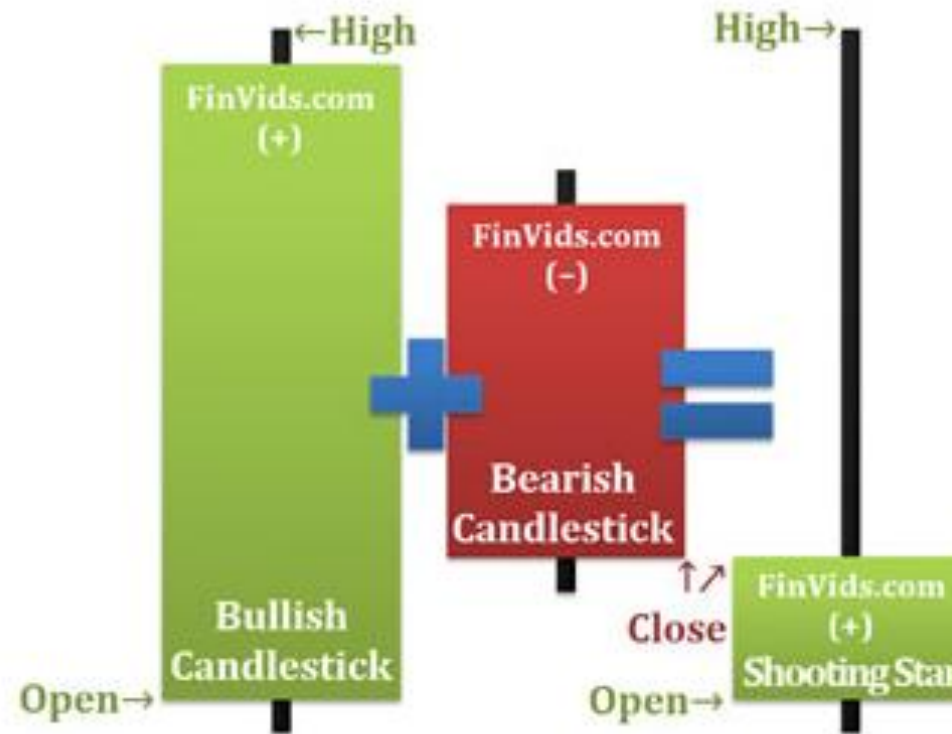
در یک روند صعودی، ایجاد شمع بلند صعودی به نظر می‌رسد نشان از کیفیت قدرت خریداران باشد. روشن است که خریداران مسئول افزایش قیمت در این کندل هستند. با این حال در روز دوم، با یک عقب نشینی آشکار از جانب خریداران قیمت سهم حرکات بالا و پایین را تجربه نموده، ولی در پایان روز قسمت بسته شدن از قیمت باز شدن پایین‌تر است (کندل نزولی). اما در روز بعد نیز شاهد همی رفتار هستیم و الگوی هارامی نزولی پایان سلطه خریداران بر روند را نشان می‌دهد.



تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

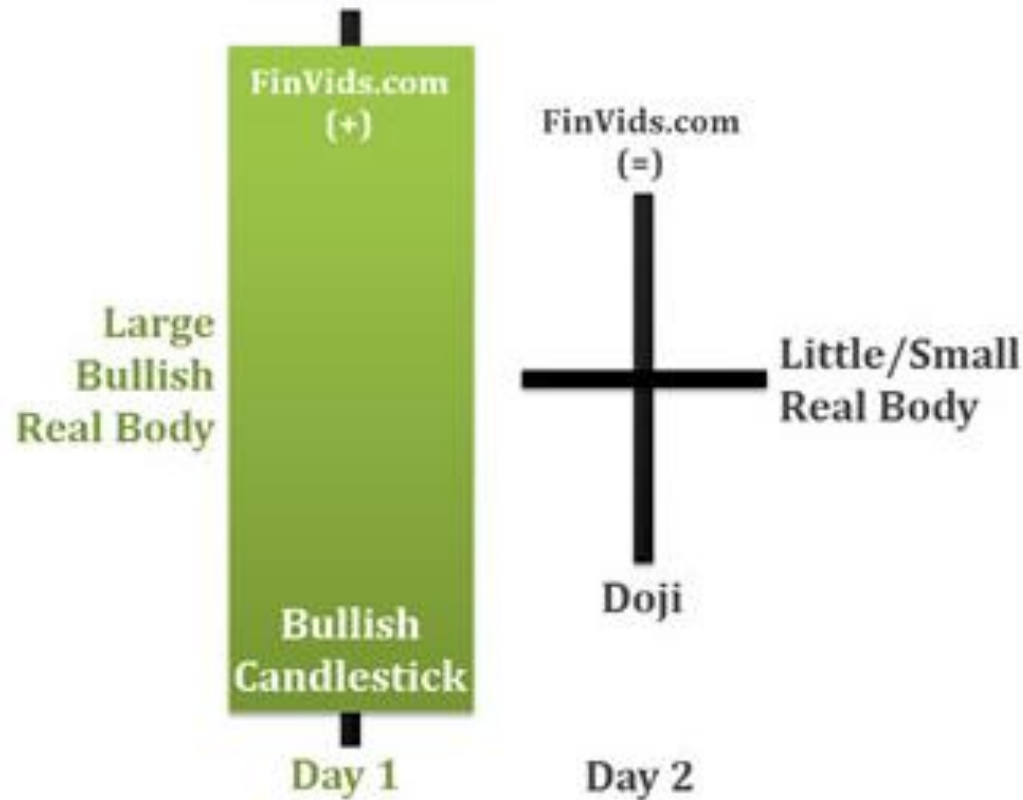
ویژگی‌هایی که باعث افزایش اثربخشی الگو می‌شود:

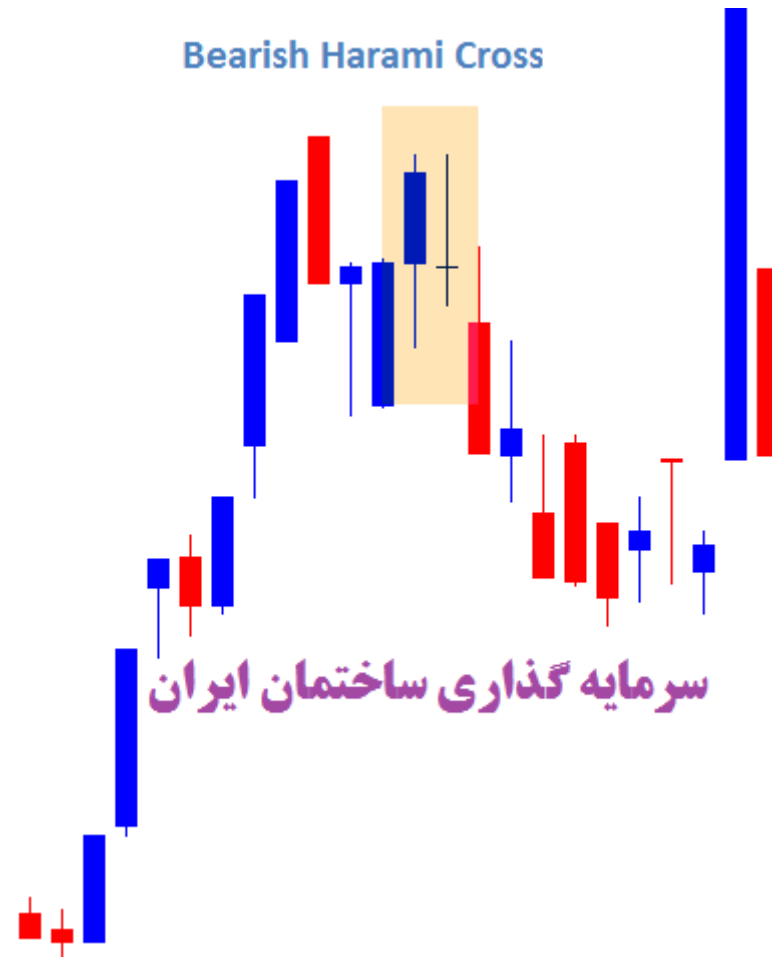
بدنه شمع روز دوم در نقطه میانی بدنه شمع اول قرار گیرد. با این حال در یک روند صعودی کشش قیمت‌ها در شمع دوم به سمت قیمت بسته شدن شمع اول بیشتر است. اما قرار گیری شمع دوم در میانه شمع اول نشان از تحکیم تثبیت شدن نیروی فروشندگان دارد. هر چه بدنه شمع دوم بیشتر شبیه دوجی باشد احتمال واژگونی روند قوت بیشتری می‌گیرد.



Bearish Harami Cross

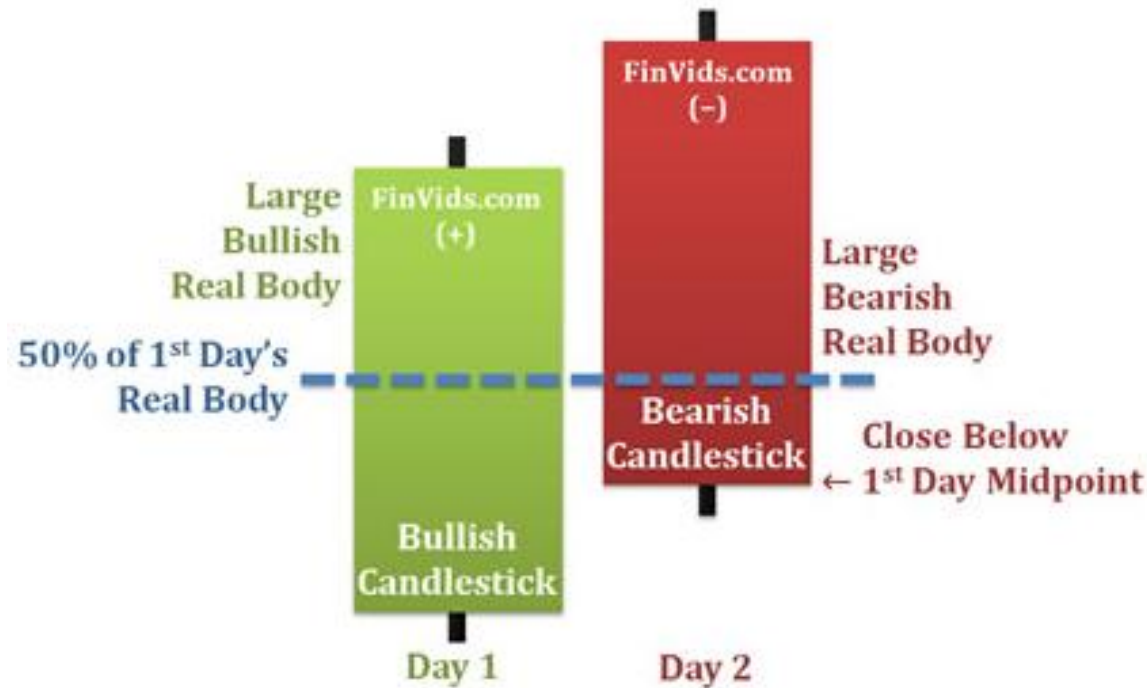
صليب هارامی نزولی شباهت بسياری به الگوی قبلی دارد با اين تفاوت که بدنه شمع دوم حتماً بصورت دوجی (ستاره) تشکیل شده است. اين الگو در انتهای روند صعودی تشکیل می شود و اخطار تغيير روند را صادر می کند.

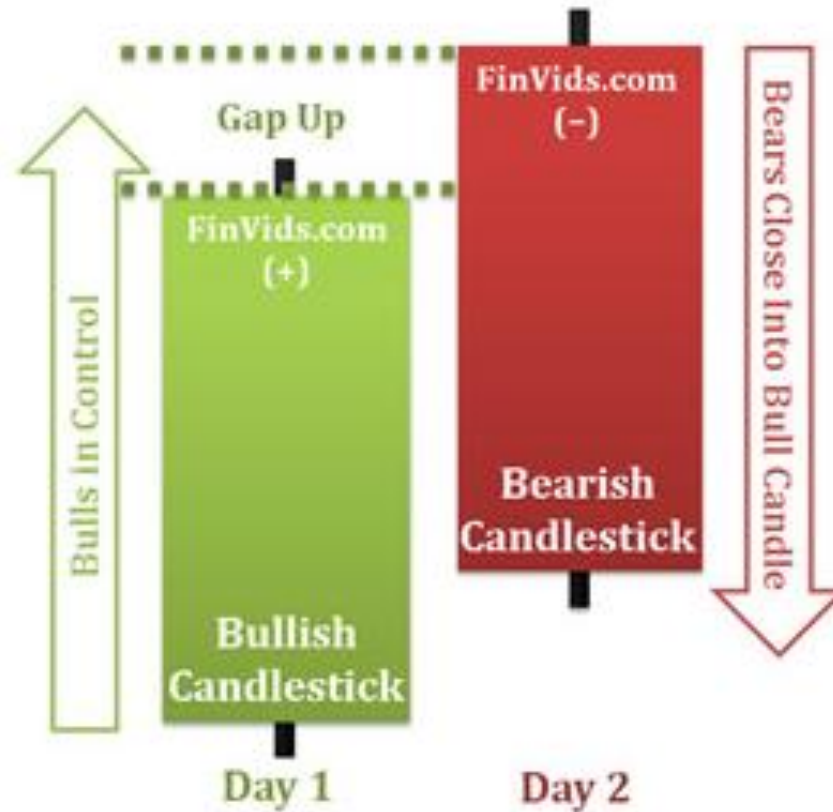




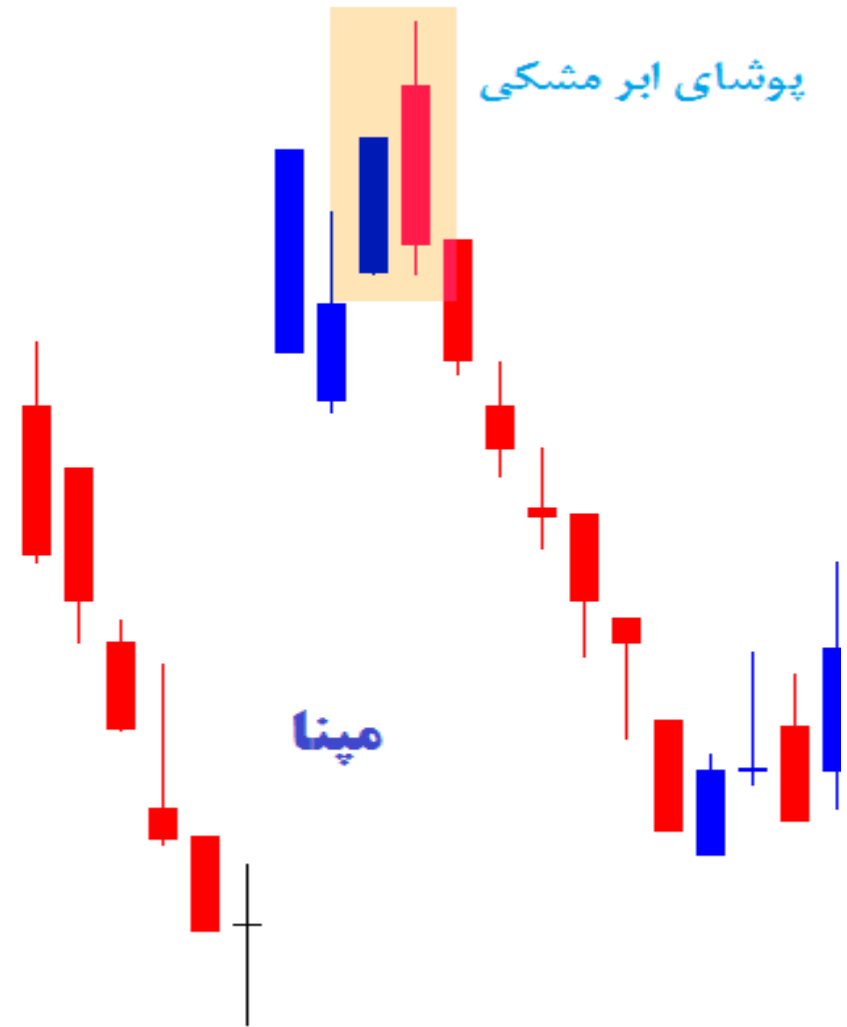
Dark Cloud Cover

در این الگو (پوشای ابر مشکی) شاهد دو شمع با رنگ‌های متفاوت هستیم در شمع اول بدنه آبی (صعودی) و شمع دوم بدنه‌ای قرمز (نزولی) با نقطه پایانی بالاتر از نقطه آغازین شمع قبلی می‌بینیم و نقطه آغاز شمع دوم با شکافی صعودی نسبت به پایان شمع اول شروع شده است. این الگو در انتهای روند صعودی تشکیل شده و نمایشگر آغاز روند نزولی می‌باشد. بسیاری از تحلیلگران تکنیکی اعتقاد دارند برای تکمیل الگو شمع نزولی نیاز به نفوذ نزدیک یا بیش از ۵۰٪ به بدنه شمع روز قبل دارد.





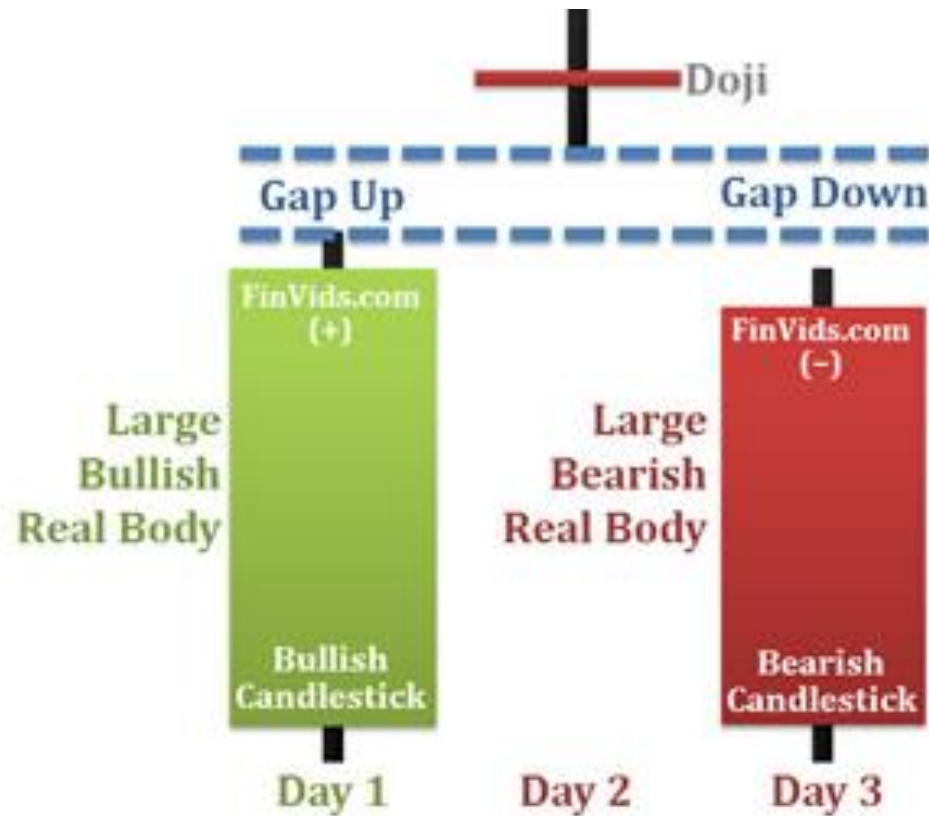
با ایجاد شمع بزرگ صعودی به نظر می‌رسد بازار در حال حرکت به سمت بالا باشد. در روز بعد شکاف قیمت GAP به سمت بالا همچنان خریداران را مسلط بر بازار می‌داند. با این حال، قیمت به جای ادامه روند و رشد بیشتر، شروع به افت نموده و حجم فروش سهام بیشتر می‌شود. بنابراین تا پایان روز شمع نزولی بیش از نیمی از دستاوردهای شمع صعودی در روز قبل را از بین می‌برد. اساساً اوج جدیدی از روند صعودی گذشته به اتمام رسیده است و فروشندگان قدرت می‌گیرند.

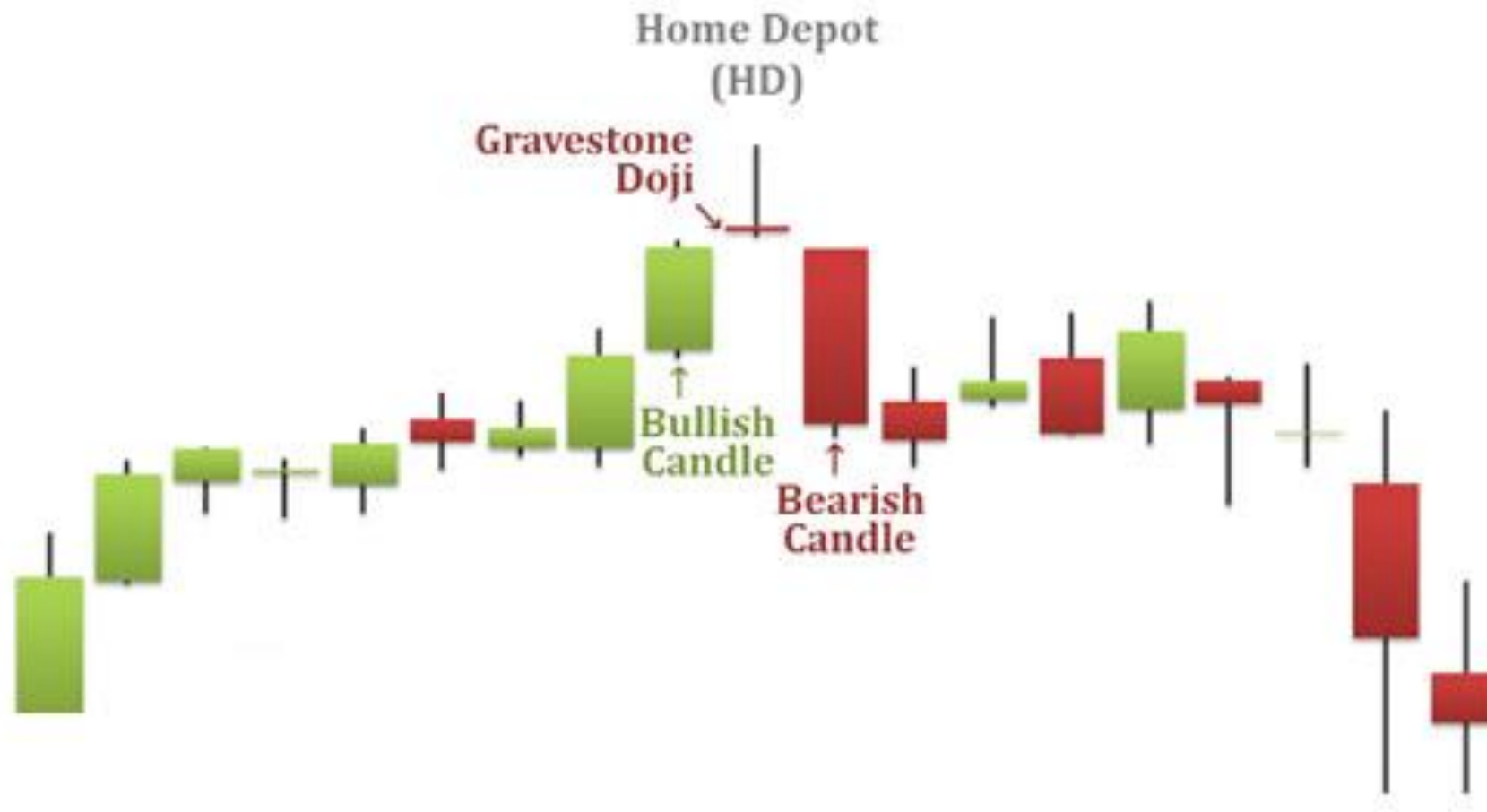


الگوهای ترکیبی سه شمعی Three candles

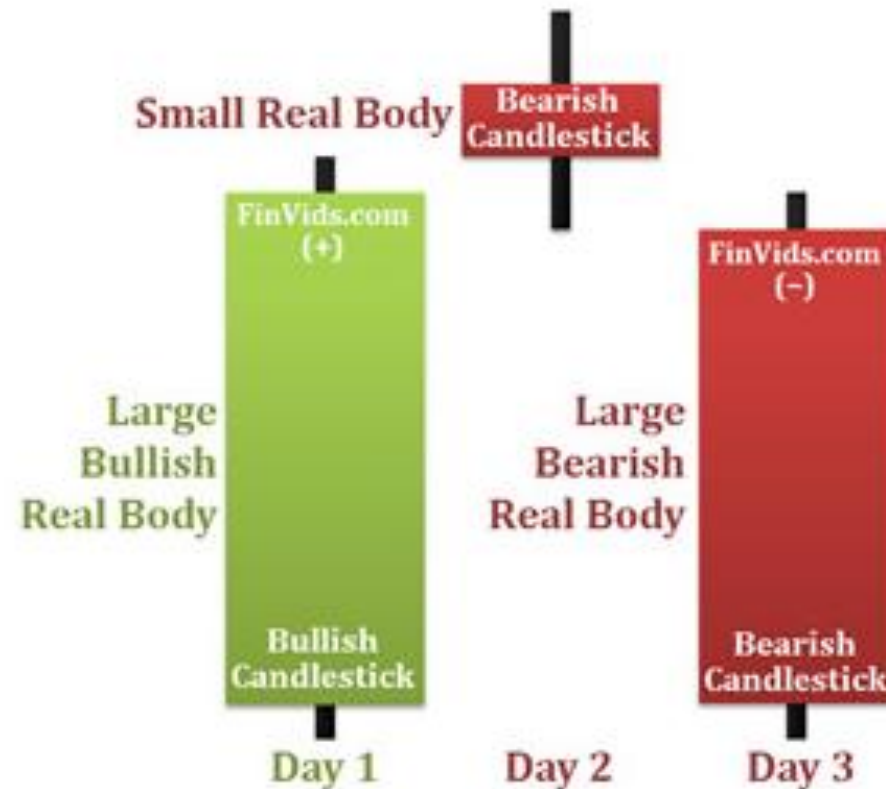
Abandoned Baby Top

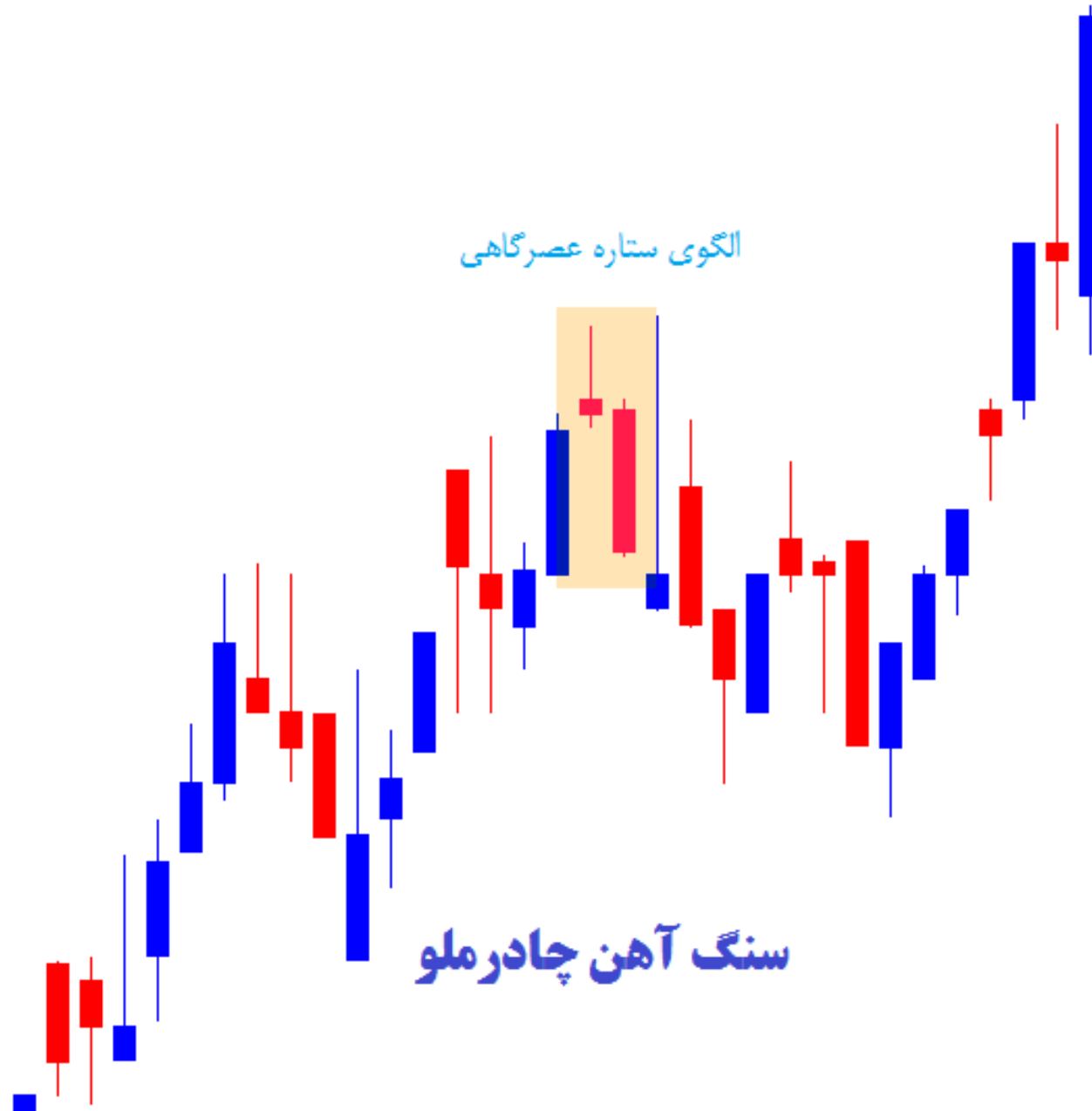
این الگو (کودک رها شده بالا) در بازار بندرت به وجود می‌آید. در انتهای روند صعودی پس از یک شمع صعودی قوی شکافی صعودی تا شمع بعدی به وجود می‌آید. شمع بعدی بصورت ستاره (دوجی) بسته می‌شود و فاصله بسته شدنش تا شمع بعدی نیز دارای شکاف است. با مشکی (نزولی) بسته شدن بدنه شمع سوم اخطار پایان روند صعودی و آغاز روند نزولی به وجود می‌آید.



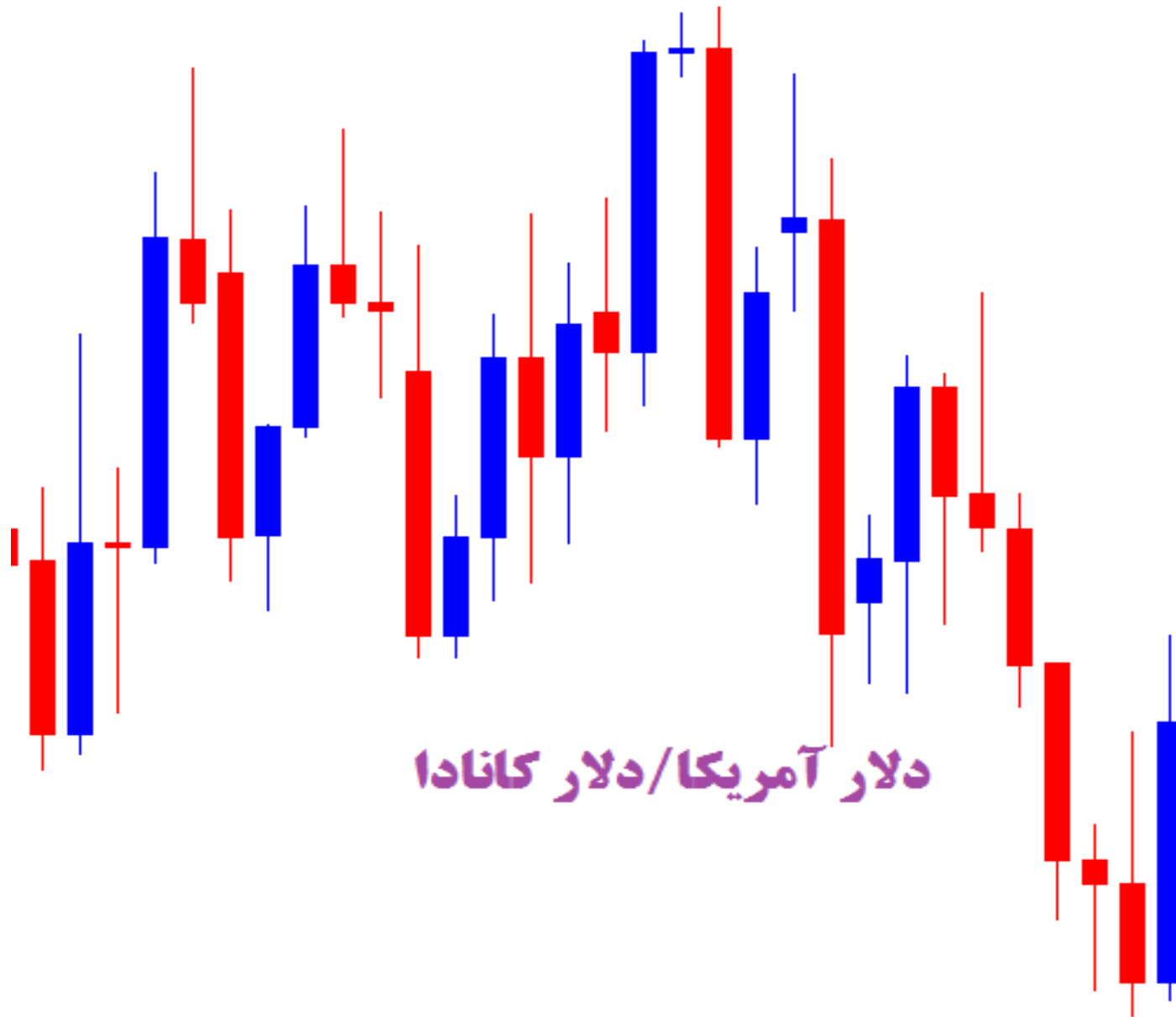


الگوی ستاره عصرگاهی از مجموع سه شمع در انتهای روند صعودی تشکیل می‌شود. شمع اول صعودی و پر قدرت، شمع دوم با شکاف (گپ) صعودی آغاز شده و بدنه آن می‌تواند نزولی یا صعودی باشد ولی در غالب موارد بدنه و سایه‌های بزرگی ندارد و شمع سوم یک شمع نزولی است که آغاز آن با شکاف (گپ) نزولی نسبت به شمع دوم آغاز شده است. این سه شمع اخطار روند نزولی را در انتهای روند صعودی اعلام می‌نمایند.



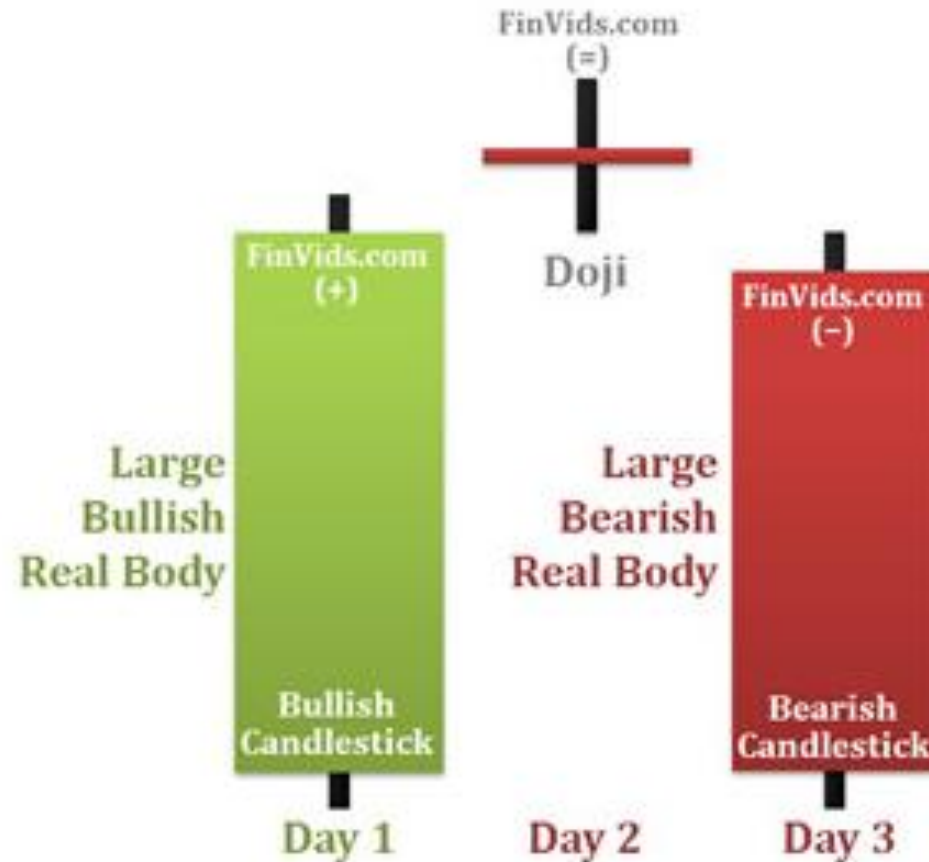


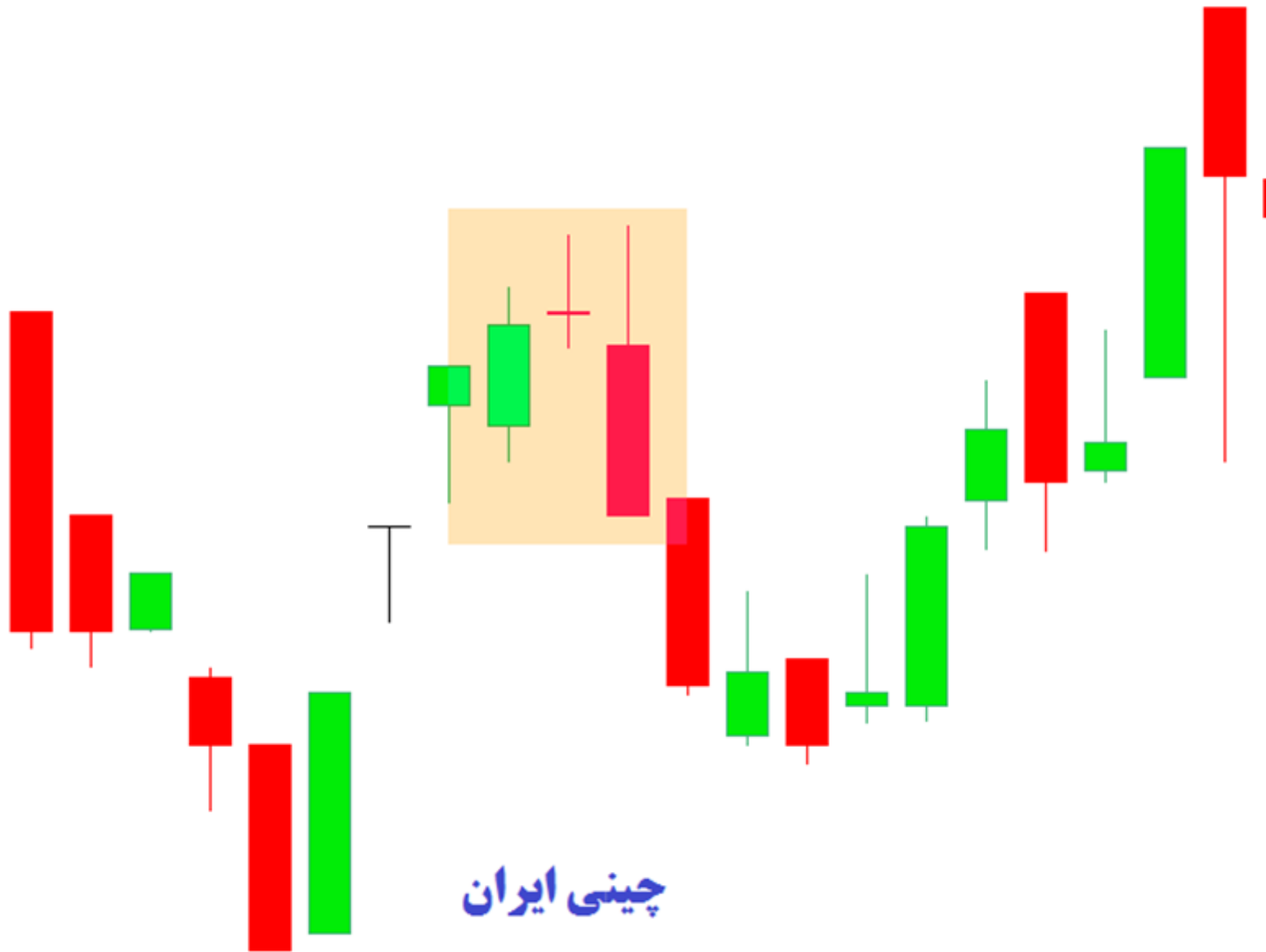
ستاره عصرگاهی



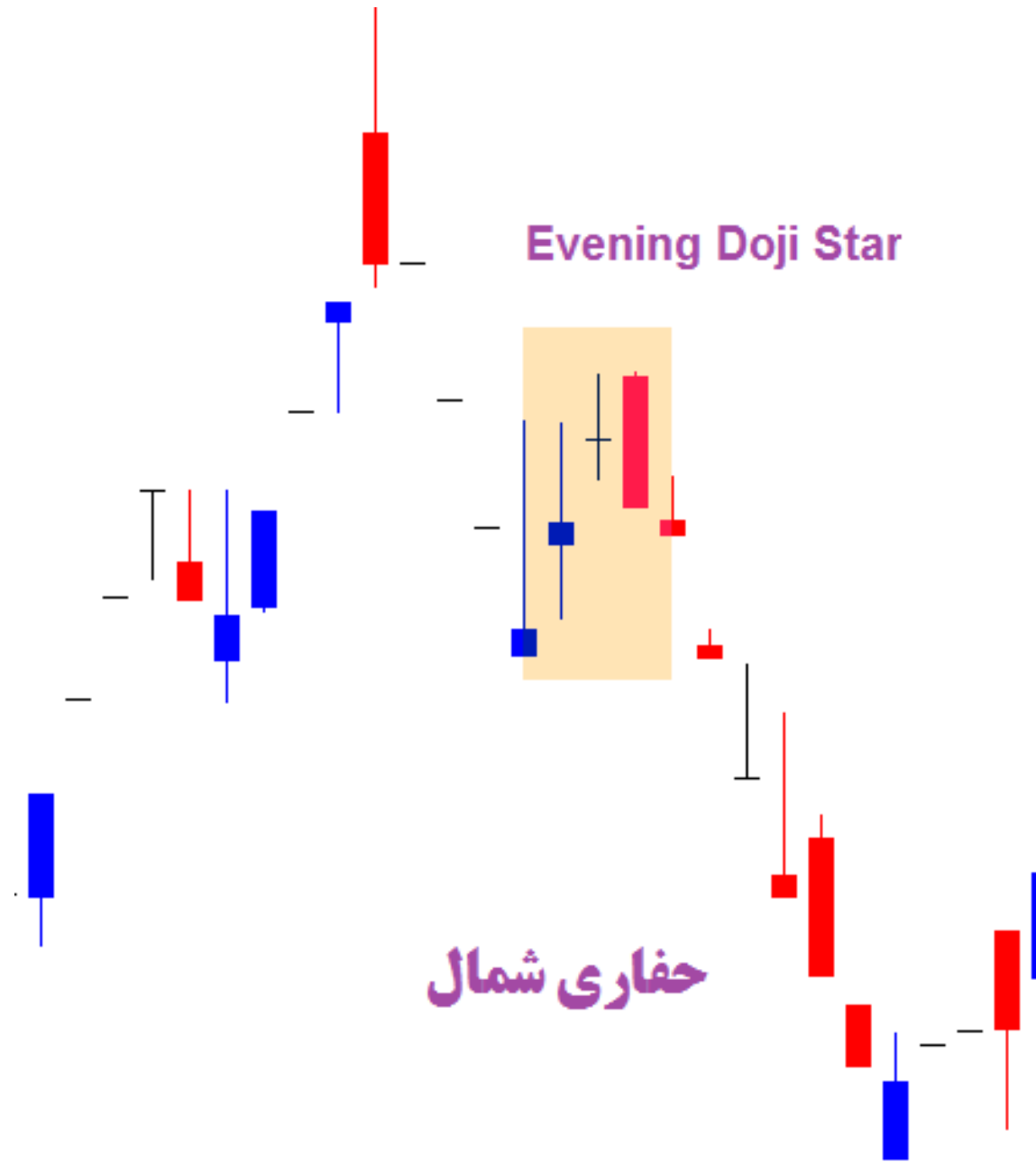
Evening Doji Star

ترکیب این الگوی سه شمعی بسیار شبیه به الگوی ستاره عصرگاهی می‌باشد با این تفاوت که بین شمع اول و دوم به علاوه بین شمع دوم و سوم شکافی دیده نمی‌شود شمع اول پر قدرت و صعودی، شمع دوم و شمع سوم دارای بدنه نزولی می‌باشد. با بسته شدن نزولی شمع سوم اختتامی روند صعودی و آغاز روند نزولی اعلام می‌شود.



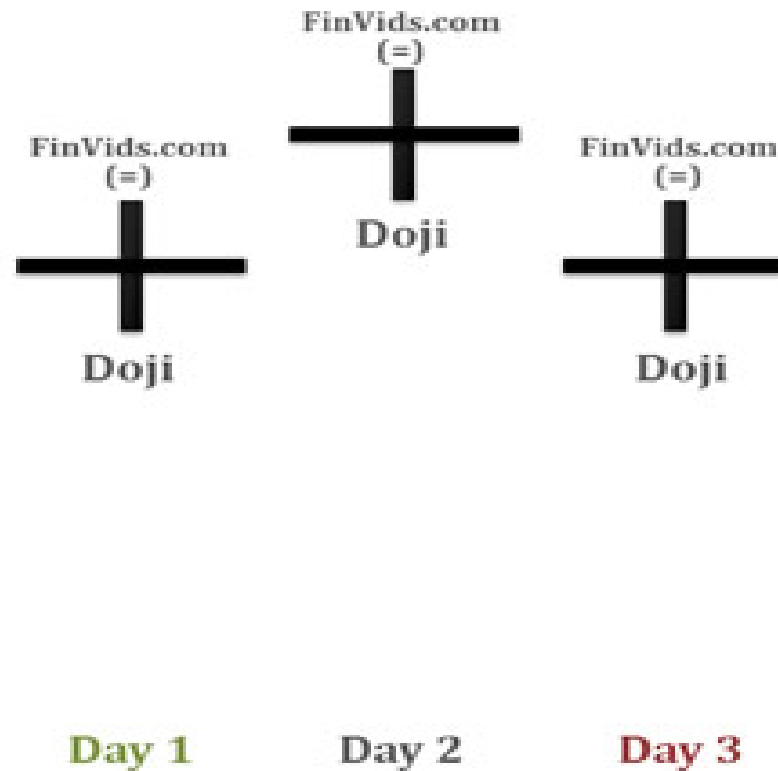


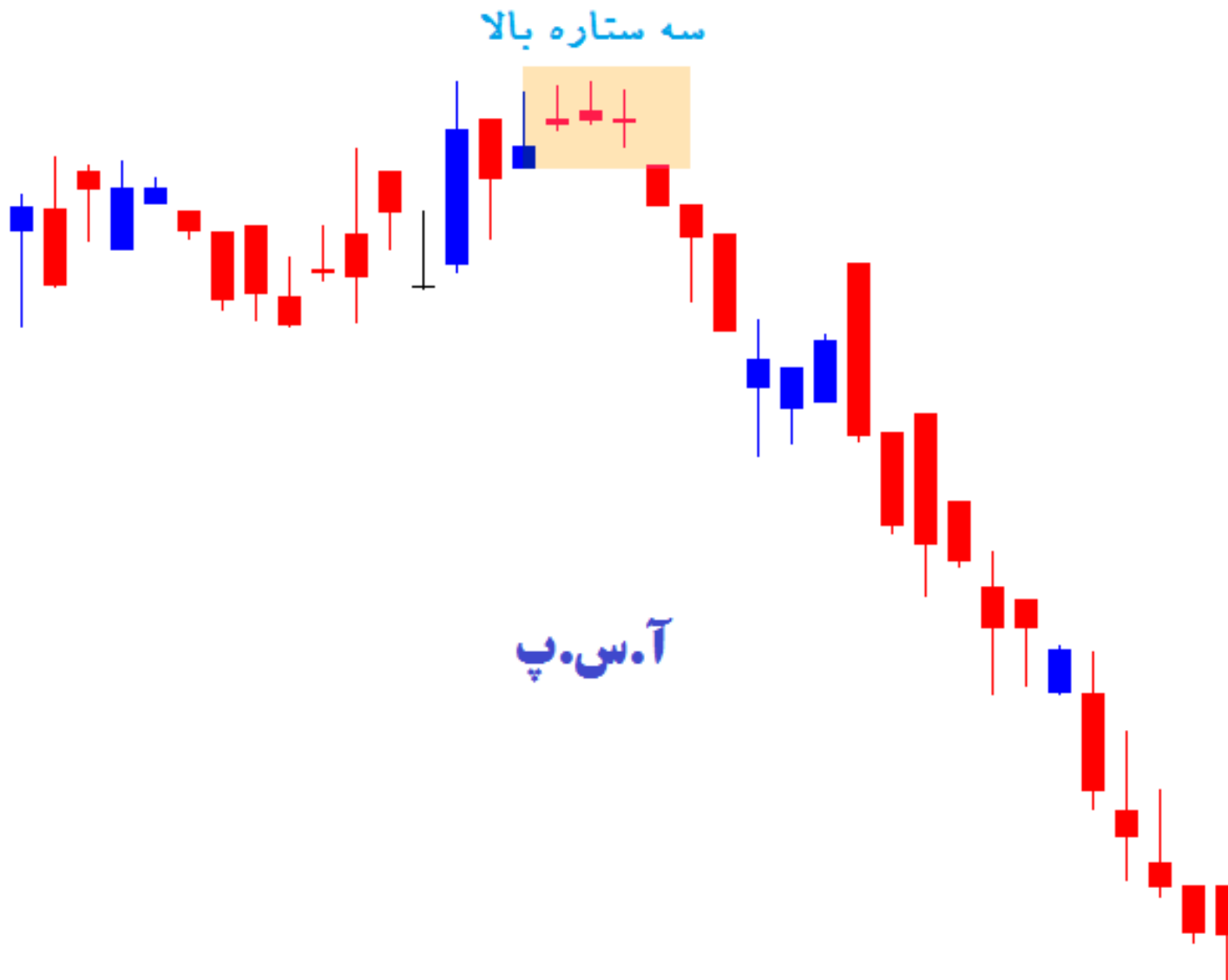
چینی ایران



Bearish Tri-Star Top

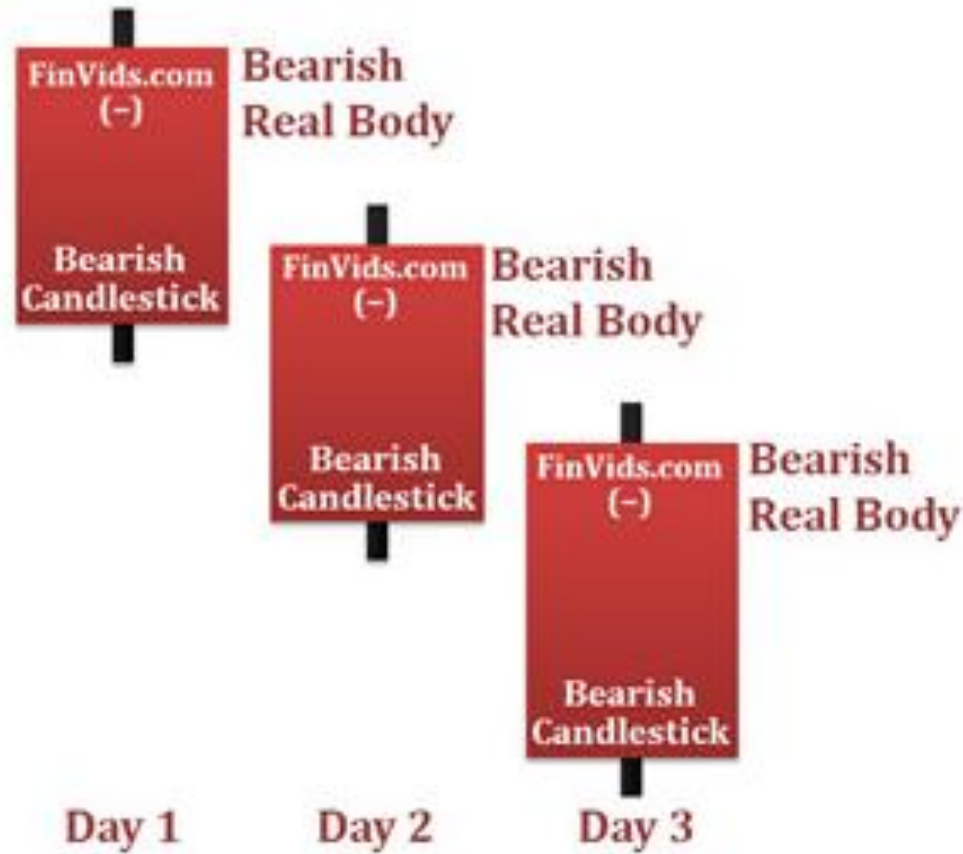
الگوی سه ستاره بالا از ترکیب سه شمع دوجی مانند تشکیل شده ، اندازه سایه‌ها در این سه شمع حائز اهمیت نمی‌باشد اما وجود شکاف (گپ) صعودی بین شمع اول و دوم و شکاف نزولی بین شمع دوم و سوم بر **قدرت این الگو برای تغییر روند از صعودی به نزولی** می‌افزاید . به خاطر داشته باشید مفهوم مهم الگوی سه ستاره بالا این است که doji ها نشانه‌هایی از بی تصمیمی است و زمانی که سه دوجی به سمت بالا بعد از یک روند سریع صعودی شکل می‌گیرد ، می‌تواند **نشانه‌ای از خستگی خریداران** باشد. الگوی سه ستاره شمعی نشان می‌دهد که قیمت و قدرت روند آتی در این سه روز به آرامی بدست فروشندگان خواهد افتاد.

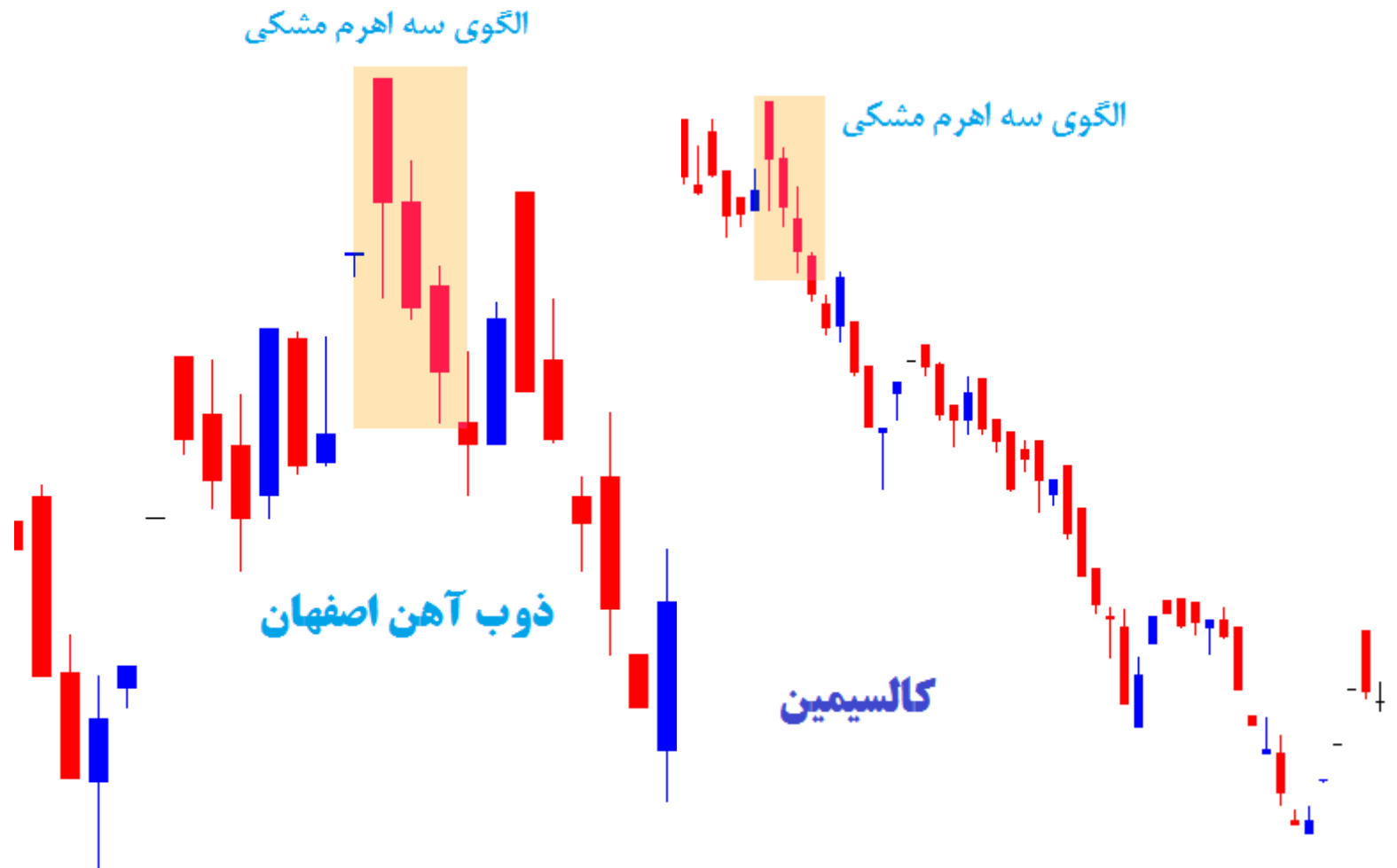


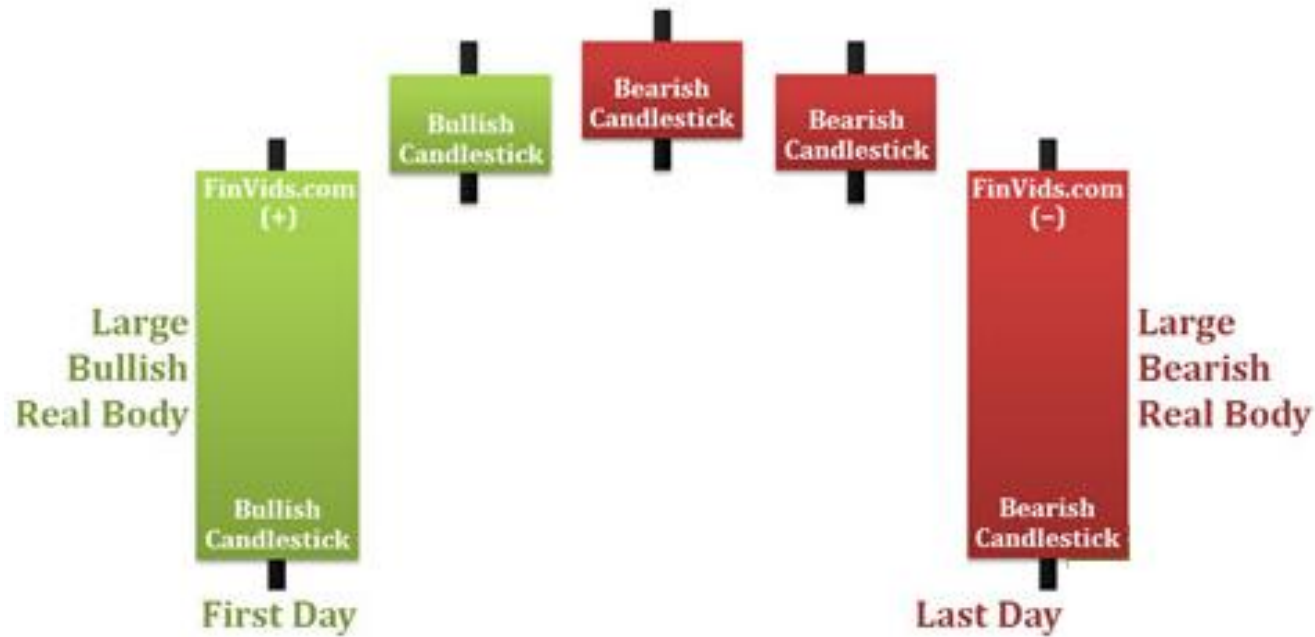


Three Black Crows

الگوی سه اهرم مشکی از سه شمع نزولی با بدنه‌های توپر و نزولی قوی تشکیل شده است. سایه‌ها غالباً کوتاه و ایجاد شکاف صعودی بین شمع اول، دوم و شکاف صعودی بین شمع دوم و سوم وجود دارد. با بسته شدن شمع سوم اخطار قوی تغییر روند از صعودی به نزولی ایجاد می‌شود.



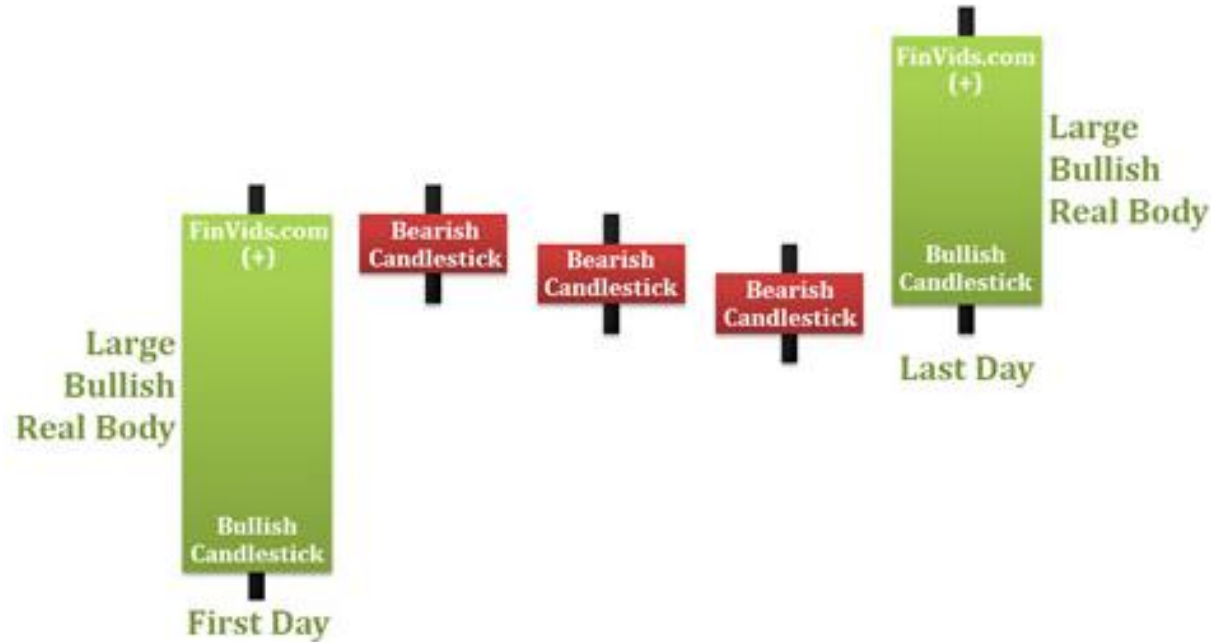




الگوی گنبد فوقانی یک الگوی بازگشتی است که در زمان رشد قیمتها شکل می‌گیرد. به طور معمول این الگو با کوچک شدن شمعهای صعودی، چند شمع نزولی یک اندازه و یک شمع نزولی بزرگ کامل می‌گردد. شمعهای صعودی در سمت چپ و شمعهای نزولی در سمت راست دو طرف گنبد را تشکیل می‌دهند، و شمعدان کوچک سقف گنبد را تشکیل می‌دهند.

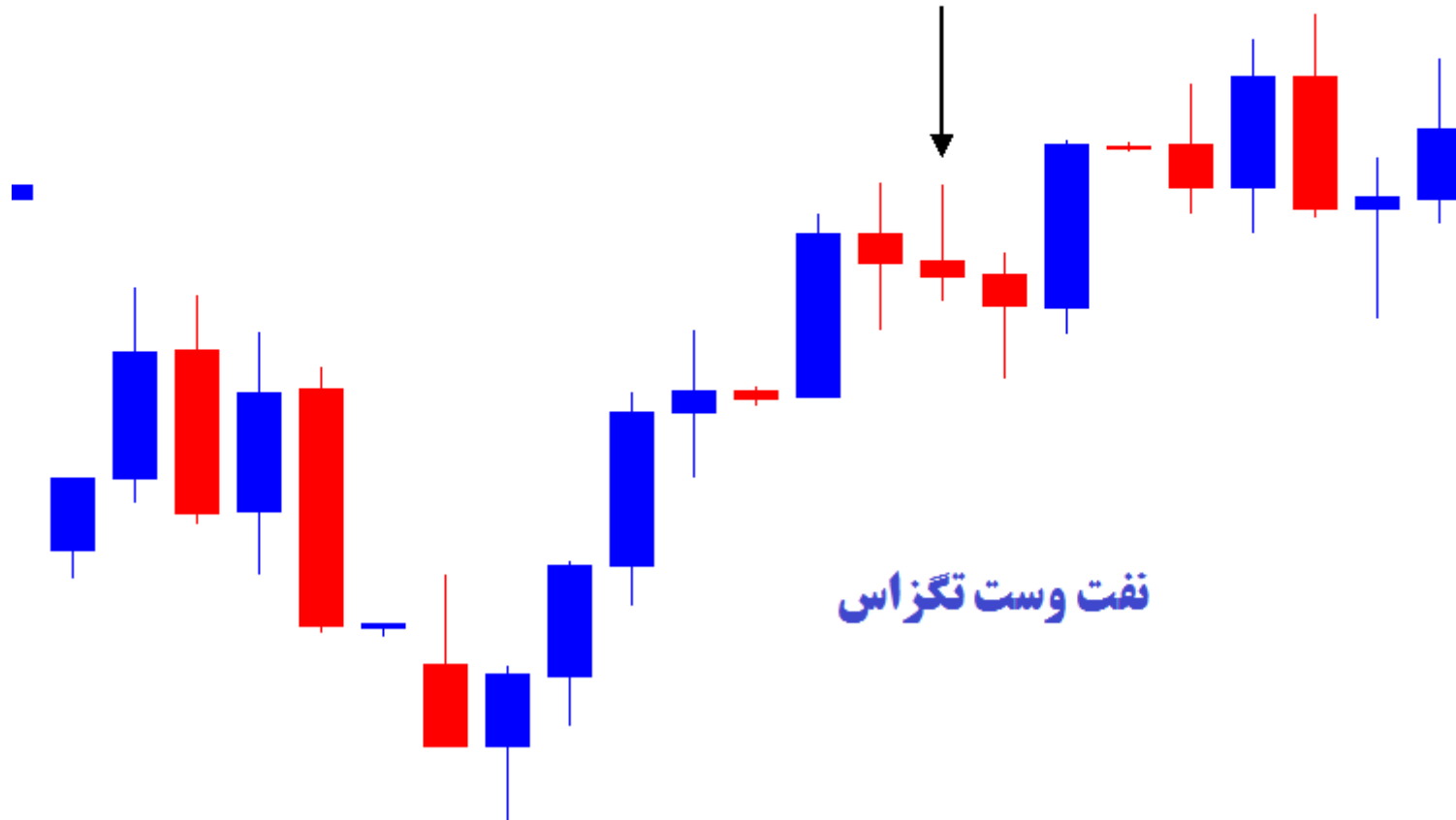
الگوهای ادامه دهنده روند

Falling Three Methods



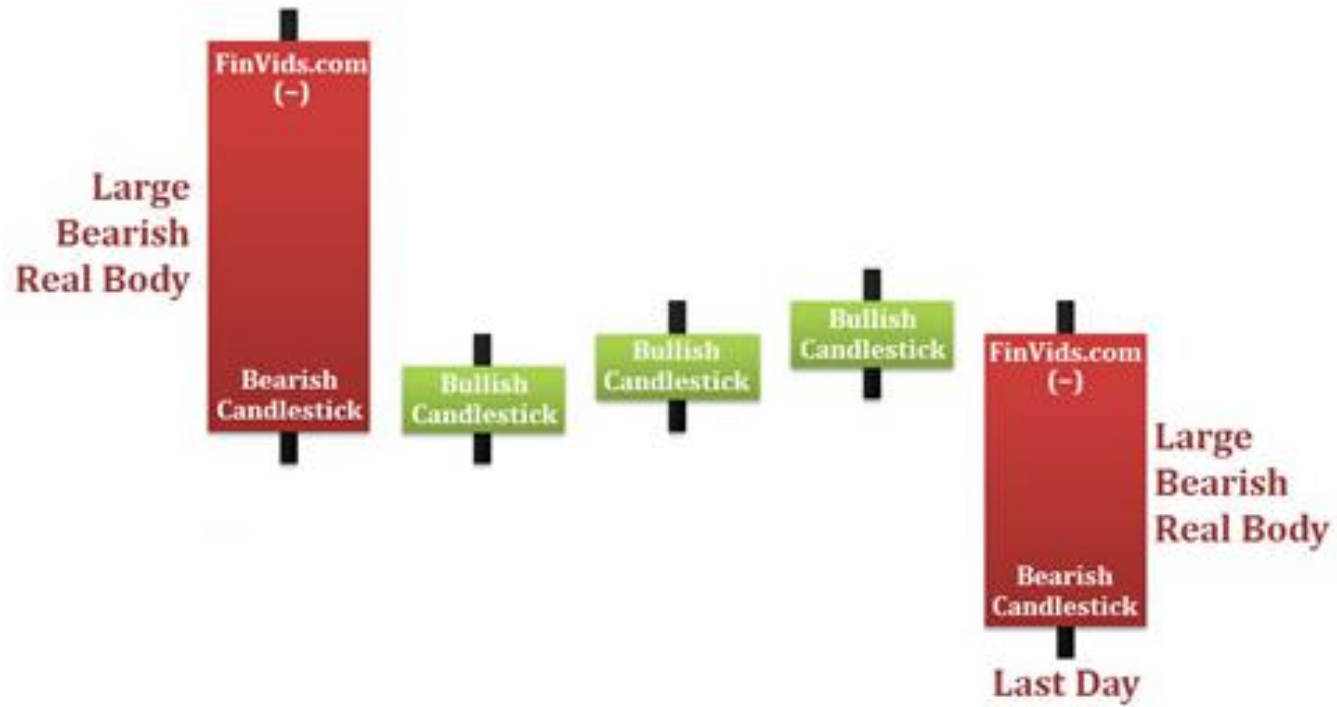
الگوی سه سقوط ، الگوی تداوم دهنده روند صعودی متشکل از ۵ شمع است. اولین شمع صعودی بزرگ است. سپس یک گروه از دو تا چهار شمع کوچک (یا صعودی و یا نزولی) عقب نشینی در محدوده قیمت ایجاد شده در شمع صعودی روز اول را نشان می دهند. شمع پنجم در نهایت با قدرت زیاد با قیمتی بیشتر از قیمت بسته شدن شمع اول ایجاد می گردد. در صورتی که حجم معاملات در شمع صعودی اول و شمع صعودی آخر از سه روز وسط الگو بیشتر باشد می تواند الگو را قابل اعتماد تر دانست. تجزیه و تحلیل تکنیکی نشان می دهد الگوی سه سقوط که تثبیت کننده روند صعودی در بین معامله گران بسیار حائز اهمیت است.

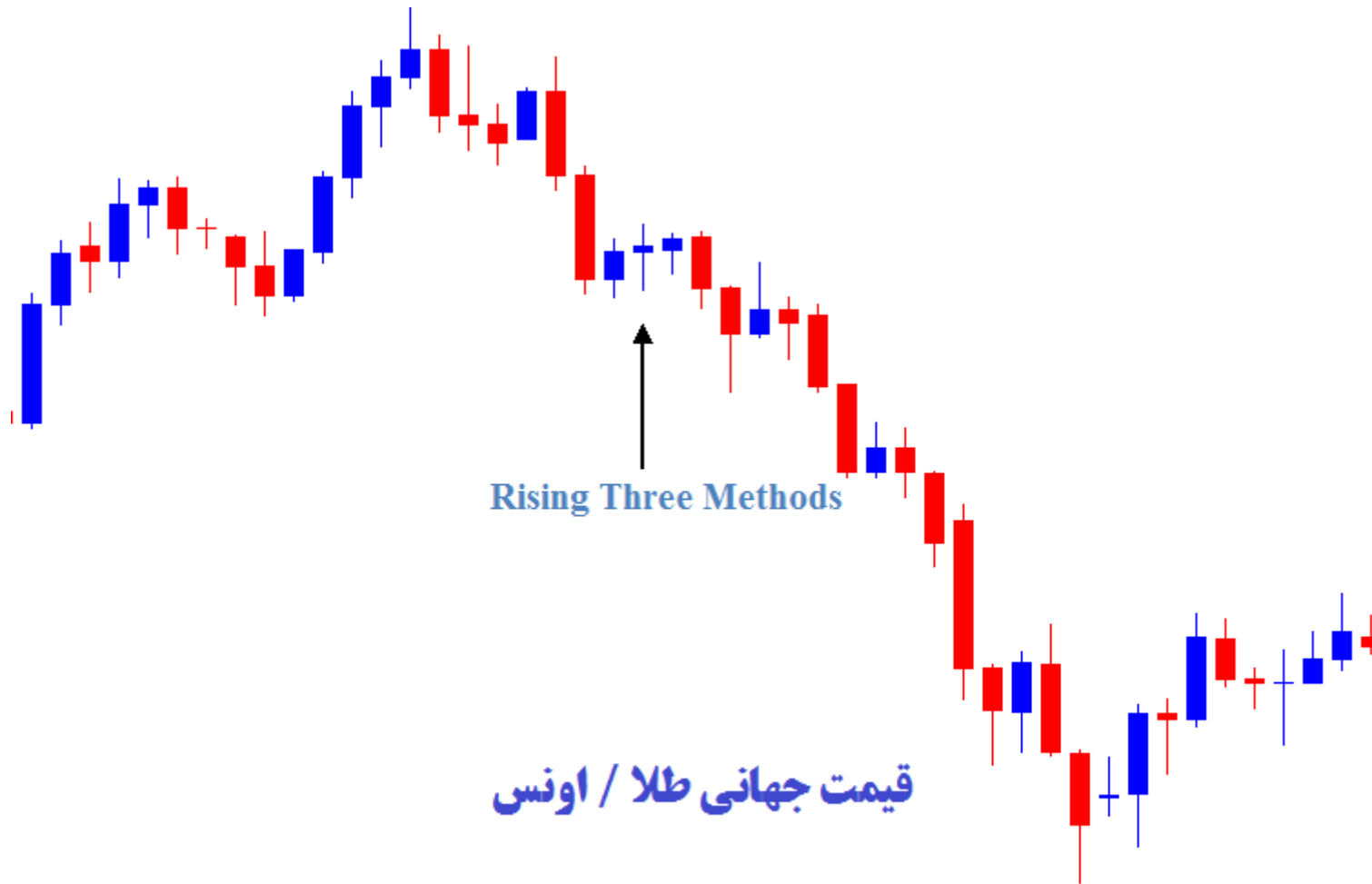
Falling Three Methods



نفت وست تگزاس

Rising Three Methods





Rising Three Methods

قیمت جهانی طلا / اونس

استراتژی‌های معاملاتی

استراتژی‌های معاملاتی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

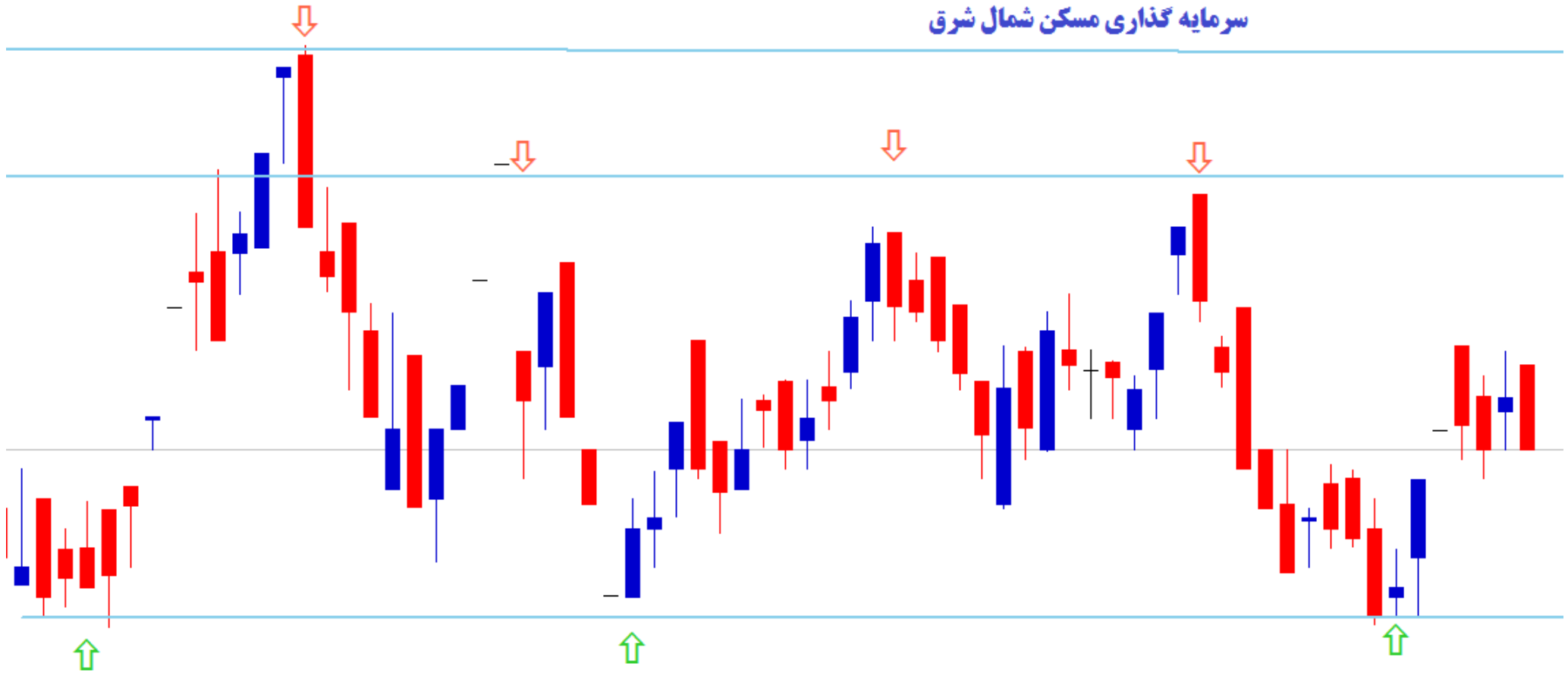
- معامله در یک دامنه Range trading
- معاملات تعقیب گر روند Trend following
- معاملات بازگشتی Revesal trading

هر کدام از این سه استراتژی ابزارهای مختص خود را دارند که ممکن است برای سایر ابزارها مفید واقع نشود.

معامله در یک دامنه

اکثر مواقع قیمت‌ها در یک دامنه نوسان می‌کند و این استراتژی در مواقع بسیاری کاربرد دارد. شعار اصلی این استراتژی این است: **پایین بخر بالا بفروش**

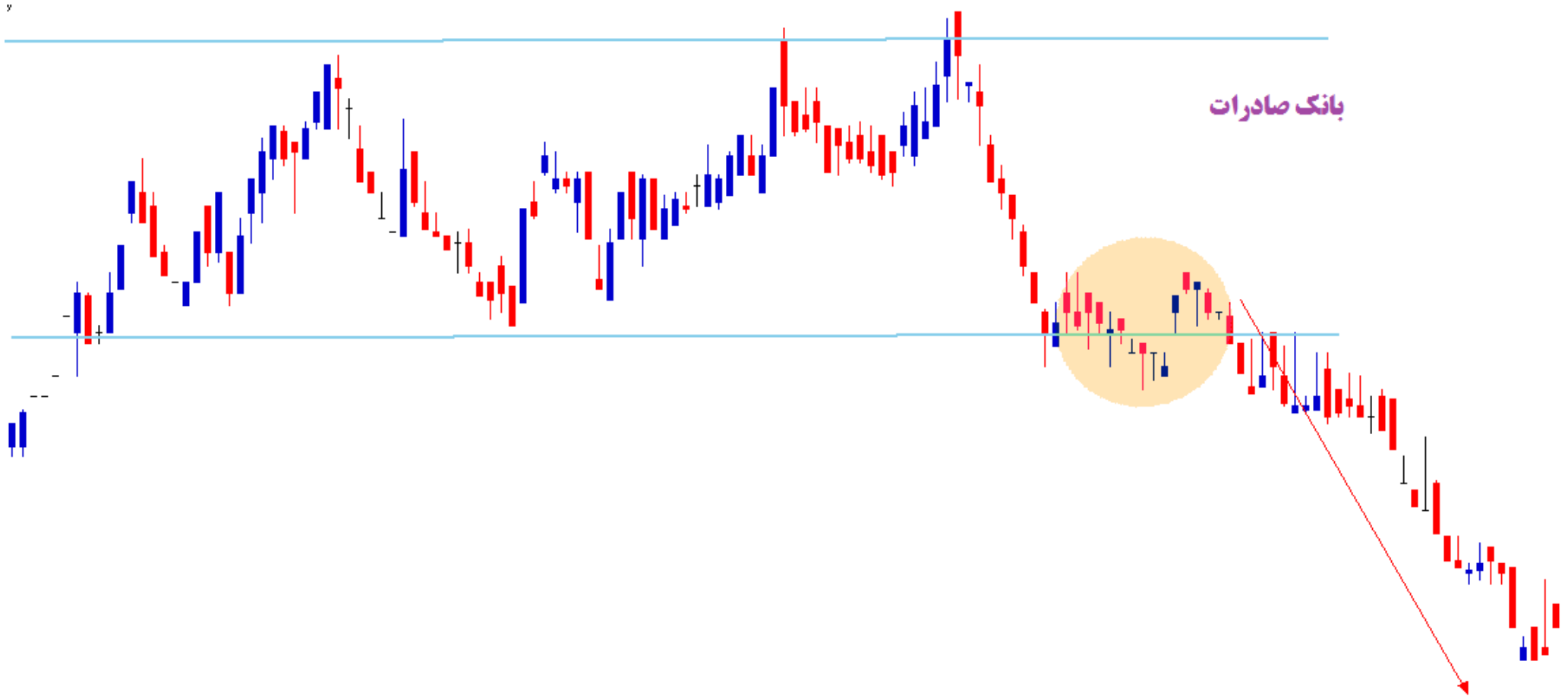
هدف این استراتژی خرید در پایین‌ترین دامنه‌های قیمت در ابتدای صعود قیمت و فروش در بالاترین دامنه‌های قیمت در ابتدای نزول قیمت است. در شکل زیر نمونه‌ای از داد و ستد در دامنه دو کانال تو در توی خنثی را نشان می‌دهد.



سؤال اساسی این استراتژی قبل از انجام هر گونه معامله این است:

از کجا معلوم است که این دامنه معتبر بماند و در معامله متضرر نشویم؟

دامنه‌ها همیشه عمر محدودی دارند و پس از مدتی شکسته می‌شوند. هر فروش در اوج یا خرید در کف دامنه ممکن است با شکست دامنه و تشکیل روند جدید، منجر به زیان یا بازماندن از سود قابل توجه شود که می‌تواند چند برابر سود مورد انتظار در دامنه باشد. در شکل صفحه بعد شکست دامنه و زیان قابل توجه ناشی از آن نمایش داده شده است.



مشاهده می‌شود زبانی که شکست دامنه ایجاد می‌کند می‌تواند چند برابر سودهای ناشی از معامله در دامنه باشد.

باید توجه کرد که در بازار هیچ قطعیتی وجود ندارد. بلکه همیشه احتمالات غالب و مغلوب وجود دارد. تا وقتی که یک دامنه معتبر است ممکن است معتبر بماند، ولی نباید احتمال دیگر یعنی شکسته شدن دامنه را دور از نظر داشت.

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

ساده‌ترین دامنه بین دو حمایت و مقاومت بوجود می‌آید. ولی دامنه‌ها اینقدر ساده نیستند و ممکن است دارای مرزهای مورب یا غیر خطی باشند. حتی ممکن است مرز دامنه توسط یک یا چند اندیکاتور تشخیص داده شود.

یک استراتژی معاملاتی باید به سه سؤال زیر پاسخ بدهد :

- چه زمانی بخریم؟
- چه زمانی با سود خارج شویم؟
- چه زمانی با زیان خارج شویم؟

اگر هر یک از سؤالات بی جواب ماند ، استراتژی ناقص است. سعی می‌کنیم پاسخ این سؤالات را در ساده‌ترین استراتژی دامنه‌ای که داد و ستد در یک کانال افقی است پاسخ بگوییم. ابتدا باید کانال شناسائی و ترسیم شود.

چه زمانی بخریم؟ هر وقت قیمت به کانال برخورد کرد و یک کندل بازگشتی مشاهده کردیم و در جهت روند افزایشی آتی سهام می‌خریم.

چه زمانی با سود خارج شویم؟ هنگامی که قیمت به میانه کانال برگشت وضعیت را بررسی می‌کنیم. اگر به نظر نرسید که قیمت به سطح دیگر کانال نمی‌رسد همانجا خارج می‌شویم. اگر به نظر برسد که سود ما می‌تواند بیشتر شود حد زیان را در نقطه خرید و حد سود را نزدیک لبه دیگر کانال به فاصله ۵ درصدی قرار می‌دهیم.

چه زمانی با زیان خارج شویم؟ حد زیان را اندکی (۳٪) پایین‌تر از تمامی سایه‌های درون کانال قرار می‌دهیم.

این استراتژی صرف نظر از درست یا نادرست بودن یک استراتژی کامل است که به هر یک از سه سؤال پاسخ صریح و روشنی می‌دهد. توجه کنید حد زیان در اینجا خیلی مهم است چون با شکست کانال معمولاً یک روند بوجود می‌آید که می‌تواند چندین درصد در جهت زیان ما حرکت کند.

با رسیدن قیمت به حد زیان مورد نظر ما ، احتمال زیادی وجود دارد که بازار از شرایط مورد نظر ما خارج شود. مثلاً **از حالت دامنه‌ای به حالت روند دار تبدیل شود.** در این شرایط ضروری است برای مدتی از معامله بپرهیزیم و شرایط بازار را مجدداً ارزیابی کنیم. سپس با استراتژی جدید مبتنی بر بازار فعلی وارد شویم یا برای مدتی معاملات را متوقف نمائیم تا بازار با استراتژی‌های ما مطابقت پیدا نماید. **فرصت‌ها در بازار همیشه وجود دارد و ما موظف نیستیم**

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

تحت هر شرایطی وارد بازار شویم و سهام بخریم. بلکه می‌توانیم شرایطی را که با استراتژی و روحیات ما متناسب هست را انتخاب کرده و براساس آن سهام بخریم. یکی از عوامل زیان در بازار عدم توجه به این موضوع بسیار ساده است. می‌توانید در روندهای نزولی سهم سراغ سایر سهام موجود در بازار رفته تا از سایر روندها جا نمانید.

دامنه‌های مختلفی می‌تواند مبانی استراتژی معامله براساس دامنه باشد. بعضی از این دامنه‌ها به شرح زیر است :

- بین خطوط حمایت و مقاومت
 - بین خطوط حمایت و مقاومت براساس پیوت Pivot
 - بین دو یا چند خط روند موازی که تشکیل کانال می‌دهد.
 - بین دو خط روند غیر موازی
 - دامنه‌هایی که توسط اندیکاتورهای رو چارت تعیین می‌شود مانند Bollinger bands
- توجه نمائید در تمام استراتژی‌های مذکور احتمال شکست وجود دارد و در این صورت استراتژی تعقیب روند براساس break out را خواهیم داشت.

استراتژی‌های تعقیب گر روند براساس مرز شکنی

شعارهای اساسی این استراتژی عبارتند از :

روند دوست معامله گر است.

بالا بخر بالاتر بفروش.

در این روش معامله گر مترصد تشکیل یک روند جدید است و با مشاهده شکست یک مرز، با قیمت همراه می‌شود. این معامله گر بخشی از سود را از دست می‌دهد چون باید منتظر اطمینان از شکست یک مرز قوی باشد ولی در مقابل بخش قابل توجهی از سود ناشی از یک روند را که معمولاً بیش از سودهای بازگشت یا بین دو دامنه است، کسب می‌کند. به عنوان مثالهایی از مرز شکنی می‌توان شکست خط روند، شکست خطوط حمایت و مقاومت، شکست خط گردن الگوی سر و شانه، شکسته شدن یک میانگین متحرک توسط یک میانگین متحرک کوتاه مدت تر یا شکست باندهای بولینگر را نام برد. از کجا بفهمیم روند شکل گرفته و ادامه خواهد یافت؟

برخلاف معامله در دامنه که با برخورد قیمت با لبه دامنه و برگشت آن سودی چند درصدی عاید سرمایه گذاری می‌شود، در معامله براساس تعقیب روند، وقتی روند تشخیص داده می‌شود که بخش قابل توجهی از آن طی شده است و هر لحظه ممکن است به پایان آن نزدیک شویم. به همین دلیل ریسک این استراتژی بسیار بیشتر از استراتژی دامنه بوده در عین حال سود آن بیشتر خواهد بود. هر چه بتوانیم زودتر و با اطمینان بیشتری تشکیل یک روند را تشخیص بدهیم سودآوری این استراتژی بیشتر خواهد بود. شکست یک دامنه یا یک مرز می‌تواند علامت خوبی برای تشکیل روند باشد. به طور مثال :

- شکست سطوح حمایت و مقاومت مهم
- شکست الگوهایی از قبیل سر و شانه، کانال، خط روند، مثلث، پرچم و...
- شکست باندهای بولینگر
- تقاطع دو میانگین متحرک سریع و آهسته دو دور شدن آنها از یکدیگر

شواهد دیگری نیز می‌توانند اعتبار یک شکست و تشکیل روند را تأیید کنند از قبیل :

تحلیل تکنیکال – Technical Analysis

➤ افزایش حجم معاملات

➤ شکست همزمان در اندیکاتورهای مثل مومنتوم

ساده‌ترین استراتژی تعقیب گر روند استفاده از **تقاطع دو میانگین متحرک نمائی** است. این شیوه براساس تقاطع دو میانگین متحرک سریع و آهسته پایه ریزی می‌شود. هر گاه دو میانگین متحرک سریع (به طور مثال ۵ روزه) میانگین متحرک کندتر (به طور مثال ۱۴ روزه) را قطع نماید و از آن دور شود به احتمال زیاد یک روند جدید بوجود می‌آید. هدف از تشریح این استراتژی ترغیب شما به استفاده از آن نیست بلکه در نظر است که مراحل تبیین یک استراتژی معاملاتی و خصوصیات آن با یک مثال ساده مرور گردد.

هر گاه میانگین متحرک ۱۰ و ۶۶ روزه همدیگر را قطع نمودند بدنبال موقعیت خرید یا فروش باشید.



هنگامی که میانگین ۱۰ روزه از پایین میانگین ۶۶ را قطع نمود خرید و در حالت عکس فروش انجام دهید. حتماً صبر کنید کندلی که در این تقاطع ایجاد می‌شود تمام شود و در ابتدای کندل بعد تصمیم بگیرید.

استراتژی‌های بازگشتی

گروه مهم دیگری از استراتژی‌های معاملاتی ، استراتژی‌های بازگشتی یا Reversal trading است. این استراتژی براساس اصل عمل و عکس العمل شکل گرفته است. اصل عمل و عکس العمل در بازار می‌گوید :

هر عملی را عکس عملی است کوچکتر و در جهت خلاف

براساس تئوری داو ، نسبت‌های فیبوناچی و تئوری الیوت معمولاً پس از پایان هر روند اصلی یا فرعی ، بازگشتی بین یک سوم تا دو سوم در جهت عکس اتفاق می‌افتد. شعار اساسی این استراتژی‌ها این است :

در اوج بفروش و در قیمتهای پایین‌تر بخر

از کجا متوجه شویم روند (اصلی یا فرعی) خاتمه یافته است؟

چون اگر روند ادامه پیدا کند در واقع برخلاف روند غالب از بازار خارج شده‌ایم و این تصمیم سود ما را کاهش می‌دهد. برای پاسخ به این سؤال باید توجه نمود که بازار به یکباره در جهت معکوس روند حرکت نمی‌کند بلکه هر بازگشتی یک مکث و علائم خاصی قبل از پیدایش از خود نشان می‌دهد.

مهم‌ترین ابزارها در شناسایی تغییرات روند عبارتند از :

- الگوهای شمعی
- الگوهای بازگشتی (آرایش‌ها و الگوهای نموداری و الگوهای هارمونیک)
- اندیکاتورها و واگرایی‌ها
- خطوط فیبوناچی بازگشتی (برای تعیین هدف بازگشت)